

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





## مجموعه مقالات کنگره ملی اقتصاد مقاومتی

برگزارکنندگان:

دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی،  
مرکز پژوهش‌های علوم انسانی-اسلامی صدرا، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

جلد هشتم:

آسیب‌شناسی ناسازگاری‌های جاری اقتصاد ملی با  
سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

۱۳۹۵



۶۴۰

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

مجموعه مقالات کنگره ملی اقتصاد مقاومتی  
جلد هشتم: آسیب‌شناسی ناسازگاری‌های جاری اقتصاد ملی با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: سمیرا دهقان  
طراح جلد: امیرشاهرخ فریوسفی  
ناظر چاپ: صفر ممیزاد  
چاپ: ۱۳۹۵

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: فروست:	کنگره ملی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۳: تهران) مجموعه مقالات کنگره ملی اقتصاد مقاومتی / جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، نهادها و مؤسسه‌های آموزشی کشور. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵. ج: مصور، جدول، نمودار. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳
شابک:	۹ ۳۶۹ ۴۵۷ ۹۶۴ ۴۵۷ ۲۷۰ ۵: ۱. ۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۲۷۱ ۲: ۲. ۹ ۳۶۹ ۴۵۷ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۷۳ ۶: ۳. ۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۷۴ ۳: ۴. ۰ ۳۷۵ ۴۵۷ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۷۶ ۷: ۵. ۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۷۷ ۴: ۶. ۱ ۳۷۸ ۴۵۷ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۸۶ ۶: ۷. ۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۸۷ ۳: ۸. ۰ ۳۸۸ ۴۵۷ ۹۶۴ ۹۷۸ ۱۲: ۹.
وضعیت فهرست‌نویسی: مندر جات:	فیبیا ج. ۱. تبیین اقتصاد مقاومتی از منظر راهبردی؛ ج. ۲. نقش و جایگاه فرهنگ و رسانه در پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛ ج. ۳. الزامات راهبردی نهادی، زیرساختی و برنامه‌ای در پیاده‌سازی و اجرای اقتصاد مقاومتی؛ ج. ۴. تکانه‌ها و اقتصاد مقاومتی. ج. ۵. تکانه‌ها و اقتصاد نفت و گاز و انرژی؛ ج. ۶. نقش اقتصاد عدالت‌محور و مردم‌پایه در مقاوم‌سازی اقتصاد؛ ج. ۷. نقش اقتصاد دانش‌بنیان و رقابتی در مقاوم‌سازی اقتصاد؛ ج. ۸. آسیب‌شناسی ناسازگاری‌های جاری اقتصاد ملی با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ج. ۹. بانکداری و اقتصاد مقاومتی؛ ج. ۱۰. مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۱)؛ ج. ۱۱. مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۲)؛ ج. ۱۲. مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۳).
موضوع:	اقتصاد - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها: Economics - Iran - Addresses, essays, lectures سیاست اقتصادی - مقاله‌ها و خطابه‌ها: Economics policy - Addresses, essays, lectures رشد اقتصادی - مقاله‌ها و خطابه‌ها: Economics development - Addresses, essays, lectures Iran - Economics - آینده‌نگری - مقاله‌ها و خطابه‌ها: lectures policy - Forecasting - Addresses, essays, lectures دانشگاه شهید بهشتی
شناسه افزوده: رده‌بندی کنگره: رده‌بندی دیویی: شماره کتابشناسی ملی:	HC۴۷۵/ک۹۲ ۱۳۹۳ ۳۳۰/۹۵۵ ۴۶۱۶۸۳۳

کد ناشر ۱۰۰۱۷۳۴

www.pub.sbu.ac.ir  
unipress@mail.sbu.ac.ir

## فهرست مطالب

- آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران با تأکید بر تکانه‌های خارجی؛ توصیه‌ای برای اقتصاد مقاومتی ..... ۱  
سیدشمس‌الدین حسینی
- آسیب‌شناسی ساختار اقتصادی کشور از منظر درجهٔ استحکام در برابر تکانه‌های بیرونی ..... ۳۱  
محمد رضا رفعتی، محمد رضایی‌پور
- آسیب‌شناسی ناسازگاری سیاست‌های تأمین امنیت غذایی کشور با سیاست‌های مالی، پولی و زیست‌محیطی و ارائهٔ راهکارهایی برای رفع آن در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ..... ۵۳  
ذبیح‌اله نجف‌پور، آسیه قاسمی
- بررسی تأثیر تکانهٔ درآمدهای نفتی بر ارزش صادرات بخش کشاورزی ایران ..... ۸۵  
منصوره صادقی، محمد رضا ارسلان‌بد، شاهین وهابی‌راد
- بودجه‌ریزی عملیاتی غلطان در نظام اقتصادی منعطف ..... ۹۵  
محمد صفاکیش
- تحلیل نقش مثبت تحریم‌های اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی ..... ۱۱۱  
سیدعلی روحانی، داریوش ابوحمزه
- جایگاه سرمایهٔ انسانی در رشد اقتصادی ایران با محور اقتصاد مقاومتی ..... ۱۴۳  
شهبلا داورپناه، محمد رضا ارسلان
- راهبردهای مالی- پولی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم در ایران تجربهٔ سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ ..... ۱۵۱  
بهروز مرادی
- کاهش بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی ..... ۱۸۱  
صدیقه قلی‌زاده کناری
- کلیدواژه‌های اقتصاد مقاومتی، با تأکید بر بازنگری در استراتژی‌های توسعهٔ صادرات غیرنفتی در ایران ..... ۲۰۱  
علی اشرف احمدیان
- «ما نمی‌توانیم با روش‌های دیروز وارد جهان فردا شویم» ..... ۲۲۷  
امین طهماسبی

- ۲۴۵.....مدیریت و کاهش پسماند و نقش آن در اقتصاد مقاومتی .....  
سیدمهدی میرتبار
- ۲۵۷.....نقش بانک مرکزی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر نظارت بر حوزه بانکی) .....  
محمد سلیمانی، محمدحسین عبادی
- ۲۷۵.....نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران .....  
لاله محمدی، دکتر محمدرضا ارسلان‌پد

## پیشگفتار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی متخصصان و مدیران ادارهٔ کشورها مدیریت اقتصاد کشور در نظامی جهانی است. در این شرایط کمتر کشوری را می‌توان یافت که بدون توجه به تعاملات بین‌المللی بتواند امور اقتصادی را اداره کند. از این رو تنش‌ها و تکانه‌های اقتصادی در جامعهٔ جهانی به شکل‌ها و مقادیر گوناگون اقتصاد بومی و ملی همهٔ کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی بحران‌های غیرقابل کنترل و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشورها وارد می‌کند. افزون بر این، نظام استعماری جهان غرب پس از جنگ جهانی دوم مهم‌ترین حوزهٔ اولویت‌دار ادارهٔ جهان را حوزهٔ اقتصاد تعریف نموده و در سراسر این دوران تلاش کرده است، استیلاي اقتصادی خود را بر جهان حفظ کند. از این رو همهٔ فعالیت‌ها و سیاست‌ها در این حوزه به نحوی تنظیم می‌شود که ضمن حفظ استیلاي کشورهای استعمارگر بر اقتصاد جهانی، هر زمان که اقتصاد این کشورها دچار بحران‌های شدید شد، این بحران‌ها به شکل مدیریت‌شده به دیگر کشورها تسری یابد و آسیب‌های ناشی از آن نیز به کشورهای مستضعف و محروم جهان منتقل شود.

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، ضمن اینکه سیاست‌های ضداستعماری نظام ج.ا.ا. سبب می‌شود تا هر روز چشم طمع و دشمنی بر آن بیشتر شود و کشور را دچار فشارها و شوک‌های ناخواسته در همهٔ حوزه‌های ادارهٔ امور کشور، به ویژه حوزهٔ اقتصاد، نماید. در این شرایط، اقتصاد کشور علاوه بر تحمل نوسان‌های شدید داخلی در همهٔ این سال‌ها متحمل فشارهای غیراصولی و غیرانسانی بسیاری بر اقتصاد کشور شده که مهم‌ترین و مداوم‌ترین آنها تحریم‌های پی‌درپی اقتصادی است که به شیوه‌های گوناگون نظام تعاملات اقتصادی کشور را با جامعهٔ جهانی دستخوش امواج خود می‌کند.

در چنین شرایطی اولویت نخست ادارهٔ امور اقتصادی کشور، حفظ این نظام از تکانه‌های شدید و بحران‌هایی است که به دلایل گوناگون بر آن تحمیل می‌شود. از این رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی با تفکر راهبردی و هوشمندانهٔ خود در اواخر سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را برای حفاظت کشور از این بحران‌ها ابلاغ نمودند. این سیاست‌ها هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، و دستیابی به اقتصادی انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا تصویب و ابلاغ شد و جزو اولویت‌های نخست ادارهٔ امور کشور قرار گرفت.

در این سیاست‌ها بر تأمین شرایط و فعال‌سازی همهٔ امکانات و منابع برای توسعهٔ کارآفرینی، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان و سازماندهی نظام ملی نوآوری، محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد و استفادهٔ بهینه از ظرفیت هدفمند شدن یارانه‌ها، افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی و اولویت

دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی، ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی، تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید، مدیریت مصرف و اجرای سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف و فرهنگ‌سازی در این زمینه، اصلاح و تقویت نظام مالی کشور، حمایت همه جانبه از صادرات کالاها و خدمات و توسعه حوزه عمل مناطق آزاد تأکید شده است.

در این سیاست‌ها به منظور افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در این زمینه، پیشنهاد می‌شود مدیران کشور به توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان، استفاده از دیپلماسی به منظور حمایت از هدف‌های اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای توجه کنند.

افزون بر این، به منظور جلوگیری از ضربه‌پذیری اقتصاد کشور در درآمدهای حاصل از نفت و گاز باید به انتخاب مشتریان راهبردی، ایجاد تنوع در روش‌های فروش، مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش، افزایش صادرات گاز، برق، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی توجه شود.

افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، اصلاح نظام درآمدی دولت، افزایش سهم صندوق ذخیره ارزی از منابع حاصل از فروش نفت و گاز، گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در این زمینه و ایجاد نظام شفاف اقتصادی در کشور از جمله سیاست‌های تعیین شده در این حوزه است.

اهمیت موضوع برای صاحب‌نظران این حوزه به قدری سترگ بود که به‌رغم گذشت چهار سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نهاد‌های علمی و اجرایی کشور دائماً بر اجرای این سیاست‌ها و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور تأکید می‌کنند. رهبر فرزانه انقلاب نیز محور نخست فعالیت‌های همگان، به‌ویژه دولت، را در چند سال اخیر اقتصاد مقاومتی قرار داده‌اند و از همه خواسته‌اند برای تحقق اهداف تعیین شده در این سیاست‌ها با رویکردی جهادی تلاش کنند.

نظر به اهمیت راهبردی موضوع، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی-اسلامی صدرا و صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران بر آن شدند تا در سالروز ابلاغ این سیاست‌ها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی با همکاری بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، کنگره ملی اقتصاد مقاومتی را برگزار کنند و ضمن تجمیع تجربه‌ها و دانش‌های به‌دست‌آمده در این حوزه و به اشتراک‌گذاری آن بین متخصصان و مدیران اقتصاد کشور قدمی در راه اجرایی‌شدن این سیاست‌ها و گفتمان‌سازی در این حوزه بردارند.

در این کنگره که در روزهای ۲۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۹۳ در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صدا و سیما برگزار شد متخصصان و مدیران اقتصاد کشور در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر محورهای زیر تأکید کردند:

- برخورداری از نظریه بومی مبتنی بر گفتمان ولایت فقیه و دارای نقشه راه روشن برای آینده متناسب با ظرفیت‌های بومی جمهوری اسلامی ایران.

- اقتصادی عدالت محور بر پایه بنیان‌های اخلاقی و متکی بر روحیه خودباوری ملی و سرمایه‌های معنوی نظام اسلامی.
- اقتصادی توانمند و پایدار، متکی بر ارزش‌ها و حمایت‌کننده از آرمان‌ها و پایگاهی مستحکم برای حرکت بالنده، رشدیابنده و انقلابی نظام اسلامی.
- اقتصادی مکتبی و الهام بخش با نوآوری و پویایی دائمی در تبدیل منابع و ظرفیت‌های ملی به قابلیت‌های راهبردی، دارای رشد درون‌زا و عدالت محور اقتصادی و بازتولیدکننده استحکام ساخت درونی نظام اسلامی.
- اقتصادی برون‌گرا با پویایی لازم برای پاسخ به شرایط در حال تحول داخلی و خارجی و توانمند در واکنش سریع و هوشمند به مخاطره‌ها و تهدیدهای اقتصادی با قابلیت ترمیم‌پذیری در مواجهه با تکانه‌های محیطی.

نتایج تحقیقات و مقالات ارائه شده در این کنگره در دوازده مجلد و در انتشارات دانشگاه شهید بهشتی آماده‌سازی و منتشر شده است، تا استادان، صاحب‌نظران و مدیران کشور بتوانند از ذخایر دانشی به‌دست‌آمده در این کنگره بهره‌مند شوند. برای بهره‌گیری بهتر، مجلدات اول تا نهم با محوریت مباحث راهبردی (در دانشگاه عالی دفاع ملی) و مجلدات دهم تا دوازدهم با محوریت مبانی و مولفه‌های نظری (در دانشگاه شهید بهشتی) تنظیم شده‌اند. نام این مجلدات به شرح زیر است:

جلد اول: تبیین اقتصاد مقاومتی از منظر راهبردی

جلد دوم: نقش و جایگاه فرهنگ و رسانه در پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

جلد سوم: الزامات راهبردی نهادی، زیرساختی و برنامه‌ای در پیاده‌سازی و اجرای اقتصاد مقاومتی

جلد چهارم: تکانه‌ها و اقتصاد مقاومتی

جلد پنجم: تکانه‌ها و اقتصاد نفت و گاز و انرژی

جلد ششم: نقش اقتصاد عدالت محور و مردم پایه در مقاوم‌سازی اقتصاد

جلد هفتم: نقش اقتصاد دانش‌بنیان و رقابتی در مقاوم‌سازی اقتصاد

جلد هشتم: آسیب‌شناسی ناسازگاری‌های جاری اقتصاد ملی با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

جلد نهم: بانکداری و اقتصاد مقاومتی

جلد دهم: مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۱)

جلد یازدهم: مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۲)

جلد دوازدهم: مبانی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (۳)

در پایان بر خود فرض می‌دانیم قدردان همهٔ اندیشمندیانی باشیم که با ارسال مقاله به کنگرهٔ ملی اقتصاد مقاومتی تعهد خود را در حمایت از آرمان‌های نظام اسلامی به اثبات رساندند.

همچنین از تلاش‌ها و حمایت‌های همهٔ مسئولان و مدیران دستگاه‌های مختلف به‌ویژه جناب آقای دکتر ابراهیم حسن بیگی (رئیس وقت دانشگاه عالی دفاع ملی)، جناب آقای دکتر محمد مهدی طهرانچی (رئیس وقت دانشگاه شهید بهشتی)، جناب آقای دکتر محمدجواد ایروانی (رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره)، جناب آقای دکتر محمود شمس دولت آبادی (دبیرکل کنگره)، معاونان پژوهشی دانشگاه‌های شهید بهشتی و دانشگاه عالی دفاع ملی، جناب آقای دکتر احمد سلمانی (دبیر اجرایی محور نظری کنگره) و حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رضا غلامی (رئیس مرکز علوم انسانی-اسلامی صدرا)، استادان محترم کمیته‌های علمی محورهای نظری و راهبردی و جناب آقای مهندس عزت‌الله ضرغامی (رئیس وقت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) تقدیر و تشکر می‌نماییم.

این مجموعه به کوشش جناب آقای دکتر بهروز طهماسب کاظمی تدوین شده است و با تلاش‌های بی‌وقفه سرکار خانم آذرمه سنجری (معاون انتشارات دانشگاه شهید بهشتی) به زیور طبع آراسته شده است.

در آماده‌سازی این مجموعه ۱۲ جلدی از زحمات سرکار خانم سمیرا دهقان برای صفحه‌آرایی و همچنین از سرکار خانم بهاره بهمنی و آقای علی باقری برای نمونه‌خوانی متن کتاب‌ها سپاسگزاریم.

عباس عرب‌مازار  
دبیر علمی محورهای نظری  
کنگرهٔ ملی اقتصاد مقاومتی

اله‌مراد سیف  
دبیر علمی محورهای راهبردی  
کنگرهٔ ملی اقتصاد مقاومتی

## آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران با تأکید بر تکانه‌های خارجی؛

### توصیه‌ای برای اقتصاد مقاومتی

سیدشمس‌الدین حسینی\*

#### چکیده

مطالعات رشد اقتصادی می‌تواند با تأکید بر جنبه‌های کمی چون سطح یا ارتفاع منحنی رشد و یا ویژگی‌های کیفی چون پایداری (در مقابل تکانه‌پذیری) انجام پذیرد. مقاله حاضر معطوف به مطالعه تکانه‌پذیری رشد اقتصاد ایران است.

مطالعه قریب به چهار دهه (۱۳۹۲-۱۳۵۶) رشد اقتصادی ایران حکایت از تکانه‌پذیری بالای آن دارد، به طوری که دامنه تغییرات آن ۴۶ درصد است که چنانچه به زیربخش‌ها مراجعه شود، ملاحظه می‌شود دامنه تغییرات رشد بخش نفت ۱۹۵.۴ درصد یعنی ۵ تا ۸ برابر دامنه تغییرات سایر بخش‌ها است. کمالینکه دامنه تغییرات رشد اقتصادی بدون نفت حدود نصف دامنه تغییرات رشد کل (همراه با نفت) است.

مطالعه نشان می‌دهد که تکانه‌های شدید رشد اقتصادی ایران و سال‌های بحران و اوج آن، اغلب مربوط به سال‌های تکانه‌های مقداری نفتی و منطبق با سال‌های بحران و اوج رشد بخش نفت است که مانع سیاسی چون تحریم‌های مقداری نفتی بر علیه ایران وضع شده است. تکانه‌های مقداری نفت دارای اثر سریع و متقارن بر رشد اقتصادی است و ساختار اقتصادی وابسته به نفت، سبب شده که کشورهای تحریم‌کننده از کاهش خرید نفت به‌مثابه اهرم فشار علیه اقتصاد ایران استفاده کنند و این ساختار وابسته، تحریم‌پذیری و آسیب‌پذیری اقتصاد ایران و به‌طور مشخص تکانه‌پذیری رشد اقتصاد ایران را افزایش داده است.

در این مقاله علاوه بر مطالعه روند و تجزیه بخشی رشد، دو اقدام پژوهشی مکمل انجام شده است. اول، یک چارچوب مفهومی برای مطالعه سازوکار اثرگذاری رشد بخش نفت بر رشد اقتصادی ایران ارائه شده است که در آن مجاری اثرگذاری تغییر مقداری تولید نفت (تکانه نفتی) به سه مجرای «اثر مستقیم مقداری»، «اثر غیرمستقیم مقداری» و «اثر غیرمستقیم درآمدی» تفکیک شده‌اند. این اقدام به شناخت بهتر وابستگی یا ضعف ساختاری رشد در ایران کمک می‌کند و در راستای آن، روشی با عنوان «بازسازی رشد اقتصادی» برای شناخت و تفکیک اثر بهتر تکانه‌های خارجی بر رشد اقتصاد

\* دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی [sh.hosseini@atu.ac.ir](mailto:sh.hosseini@atu.ac.ir)



ایران معرفی و برای سال ۱۳۹۱ که سال تکانه خارجی تحریم نفتی (همراه با تحریم بانک مرکزی، تحریم خدمات مالی و بازرگانی و صنعتی) است، ارائه و محاسبه شده است.

مطالعه نشان می‌دهد که شناخت اثر تحریم نفت (همراه با تحریم‌های دیگر در سال ۱۳۹۱ بر رشد اقتصاد ایران، با تمییز رشد اعلام‌شده همراه با نفت ۶.۸- درصد از رشد بدون نفت ۰.۹- درصد کافی نیست. بلکه اثر کاهش بالغ بر ۳۷ درصد تولید نفت در این سال به دلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن و البته تحریم مستقیم سایر بخش‌ها، بر رشد اقتصاد ایران به مراتب بالاتر است. محاسبات پژوهش با توجه به مدل مفهومی و در قالب روش بازسازی رشد نشان می‌دهد که اگر رشد بخش نفت و رشد بخش‌هایی که مستقیم تحریم شدند، در سال ۱۳۹۱ صفر فرض شوند (یعنی تحریم‌زدایی شوند. توجه شود که نرخ صفر بسیار پایین‌تر از متوسط نرخ رشد سال‌های قبل از تحریم ۱۳۹۰-۱۳۸۸ برای این زیربخش‌ها است)، نرخ رشد اقتصاد ایران حداقل ۲.۵ درصد برآورد می‌شود.

با توضیح فوق، رشد اقتصاد ایران به دلیل خام‌فروشی نفت و در نتیجه عدم تنوع در محصول، انحصار دولتی در سازمان فروش نفت و در مقابل انحصار خرید نفت از سوی مشتریان، به سرعت از سوی تکانه‌های خارجی، همچون تحریم نفت، آسیب‌پذیر است. ساختار وابسته زیربخش‌های دیگر، به‌ویژه بخش صنعت به واردات نیز بر این ضعف می‌افزاید، لذا توصیه‌های سیاستی این مقاله در سرمایه‌گذاری پایین‌دستی و تنوع محصول بخش نفت- انرژی، اصلاح انحصار دولتی فروش نفت و تدبیر برای کاهش درجه انحصار خرید آن خلاصه می‌شود. مقاوم‌سازی ساختاری براساس مطالعه تجزیه‌بخشی در مقابله با تکانه‌های ارادی و هوشمند در سایر زیربخش‌های رشد، به‌عنوان یک اقدام مکمل دیگر برای مقاوم‌سازی و پایداری رشد اقتصادی ایران پیشنهاد می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اقتصادی، تکانه‌های مقداری نفت، تحریم ایران، اقتصاد مقاومتی

## ۱. مقدمه

تبلور استحکام و مقاومت اقتصادی را از جمله باید در عملکرد شاخص‌های اقتصاد کلان جست‌وجو کرد و سنجید. در بین شاخص‌های اقتصادی، عملکرد تولید ملی و رشد آن از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است؛ چراکه دستاورد آن علاوه بر رفاه، بر حوزه‌های اجتماعی چون اشتغال نیز مؤثر و مسلط است. در ارزیابی عملکرد تولید و رشد اقتصادی علاوه بر ویژگی‌های کمی یا مقداری، ویژگی‌های کیفی نیز حائز اهمیت است. به‌طور مثال نوسان یا عدم ثبات یک ویژگی نامناسب و در مقابل، ثبات و پایداری و مقاومت در قبال تکانه‌های داخلی و خارجی یک کیفیت مطلوب است. موضوع مورد بررسی در این مقاله نیز همین ویژگی، یعنی تکانه‌پذیری رشد اقتصاد ایران با تأکید بر تجزیه‌بخشی آن و شناسایی نقاط آسیب‌پذیر است که به شرح زیر سامان‌دهی شده است. بخش بعدی مقاله به معرفی "عملکرد تولید ملی" و "رشد اقتصادی" اختصاص دارد. اهمیت این بخش علاوه بر کمک به درک بهتر بخش‌های بعدی مقاله، به پیشگیری از اختلاط مفاهیم و ارزیابی نادرست پیامدهای سیاستی برمی‌گردد. در موارد مختلف

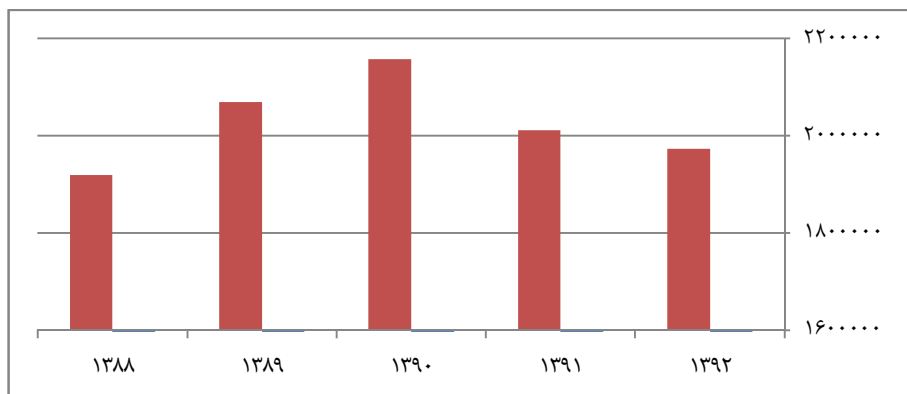
مشاهده می‌شود که تحلیل و ارزیابی دستاوردهای سیاست‌گذاری اقتصادی به دلیل عدم توجه به تفاوت این دو مفهوم، سبب تورش و خطا در نتیجه‌گیری شده است. بخش سوم مقاله به بررسی روند عملکرد تولید ملی و رشد اقتصادی ایران در چهار دهه گذشته اختصاص دارد که البته سال‌های بحرانی و اوج این متغیرها معرفی می‌شوند. بخش چهارم مقاله به تجزیه رشد اقتصادی و تحلیل عملکرد تولید ملی و نرخ رشد اقتصادی با تاکید بر اثر مستقیم و غیرمستقیم تکانه‌های خارجی بر رشد اقتصادی اختصاص دارد. روش تحلیل در این بخش استفاده از تجزیه‌بخشی رشد و تحلیل آمار مشاهده‌شده در یک چارچوب مفهومی است. یک نکته مهم در این راستا، توجه به تکانه‌های مقداری نفتی، یعنی کاهش شدید مقدار تولید نفت، به دلیل یک مانع سیاسی همچون تحریم است. پرداختن به تکانه مقداری بدان سبب مهم است که در ادبیات اقتصادی، همواره "تکانه نفتی" با "تکانه قیمتی نفت" مترادف انگاشته شده است، حال آنکه اثر تکانه‌های مقداری اثر مجزایی است که بدان کمتر پرداخته شده است. از آنجایی که سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در شمار سال‌های با تکانه بالا در عملکرد تولید ملی و رشد اقتصادی معرفی شده‌اند، در بخش پنجم به تحلیل رشد اقتصادی در این دو سال پرداخته شده است و با استفاده از روشی که نام بازسازی رشد اقتصادی به آن اطلاق شده است، به شناخت اثر تکانه‌های خارجی از جمله تحریم مقداری نفت، تحریم‌های مالی و اعتباری و تحریم صنایع بر نرخ رشد اقتصادی، عمق بیشتری بخشیده شده است. ضمن اینکه در این روش با شیوه‌ای شبیه حسابداری رشد، می‌توان نشان داد که اثر تکانه‌های خارجی چون تحریم مقداری نفت بر رشد فراتر از آنی است که در تفکیک صرف رشد اقتصادی به "رشد بدون نفت" و "رشد با نفت" نمایان شود. در بخش ششم به منظور حرکت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد مقاومتی و کاهش اثرپذیری از تکانه‌های خارجی، جمع‌بندی و توصیه‌ای سیاستی ارائه شده است.

## ۲. مفهوم نرخ رشد اقتصادی و تفاوت آن با عملکرد تولید

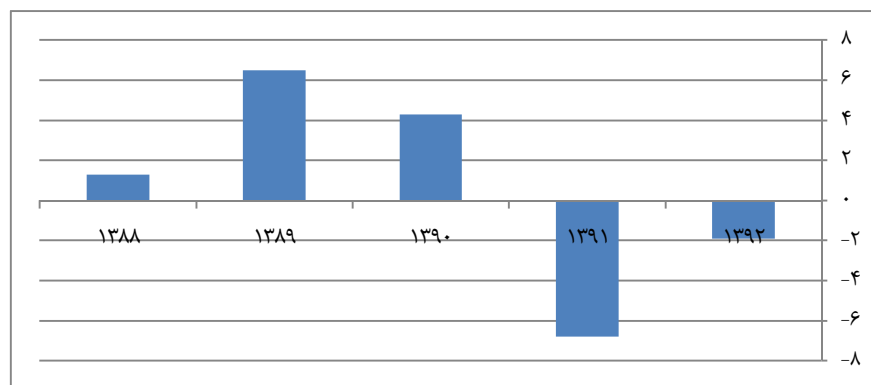
تولید ناخالص داخلی از حاصل جمع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولیدشده طی یک سال در کشور به دست می‌آید که تغییر آن طی دو سال متوالی برابر با رشد اقتصادی است. به عبارت دیگر رشد اقتصادی میزان تغییر تولید به قیمت ثابت در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال قبل را نشان می‌دهد. بنابراین عملکرد تولید ملی یک متغیر انباشت است درحالی که متغیر نرخ رشد اقتصادی متغیر انباشت نیست؛ بلکه یک متغیر روند است و مقدار آن در هر سال از طریق تفاوت میزان تولید آن سال با تولید سال قبل سنجیده می‌شود. به عنوان مثال نمودار ۱ نشان‌دهنده عملکرد تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود روند تولید ناخالص داخلی کشور، تا سال ۱۳۹۰ افزایشی و پس از آن کاهش‌ی است. نمودار ۲ نشان‌دهنده نرخ رشد اقتصادی در سال‌های مورد بررسی است. دو نمودار زیر نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۰ عملکرد تولید افزایش و یا بهبود پیدا کرده،



بنابراین نرخ رشد اقتصادی مثبت است. اما در سال ۱۳۹۱، عملکرد تولید کاهش پیدا کرده و بنابراین نرخ رشد اقتصادی منفی است. نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ اگرچه کاهش یافته، ولی چون مثبت است به معنای آن است که عملکرد تولید در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل آن افزایش یا بهبود یافته است.



**نمودار ۱. عملکرد تولید ناخالص داخلی (۱۳۸۸-۱۳۹۲)**  
 مأخذ: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)



**نمودار ۲. نرخ رشد اقتصادی (۱۳۸۸-۱۳۹۲)**  
 مأخذ: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)

در مقابل کاهش عدد منفی (قدرمطلق) نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲، به معنای بهبود عملکرد تولید نیست، زیرا میزان عملکرد تولید نسبت به سال ۱۳۹۱، کاهش یافته است. به عبارتی در سال ۱۳۹۲ میزان تولید به قیمت ثابت، حتی کمتر از سال ۱۳۹۱، است. یعنی اگرچه قدرمطلق رشد منفی کوچک‌تر شده، لیکن عملکرد تولید سال ۱۳۹۲ کمتر شده است.

به‌عنوان نتیجه می‌توان عنوان نمود که اولاً قدرمطلق نرخ رشد اقتصادی منفی کوچک‌تر نسبت به یک نرخ منفی بزرگ‌تر در دو سال پیاپی، نمی‌تواند به‌معنای بهبود عملکرد تولید ملی یا وضعیت اقتصادی باشد، زیرا نرخ رشد منفی (ولو با قدرمطلق کوچک‌تر) به‌معنای کاهش عملکرد تولید نسبت به سال قبل است. ثانیاً هنگام ارزیابی وضعیت اقتصادی علاوه بر مقایسه نرخ‌های رشد سال‌های مختلف، لازم است عملکرد میزان تولید نیز مدنظر قرار گیرد. کمالینکه نرخ رشد اقتصادی صفر در یک سال، در پی نرخ رشد منفی سال قبل، حکایت از آن دارد که عملکرد تولید تغییر نکرده و بهبودی در آن حاصل نشده است. عدم دقت در این نکات آماری در ارزیابی عملکرد، می‌تواند سبب تورش و خطا در برداشت یا تفسیر پیامدهای سیاستی شود.

### ۳. مروری بر نظریه‌های رشد و بررسی روند عملکرد تولید ملی و رشد اقتصادی

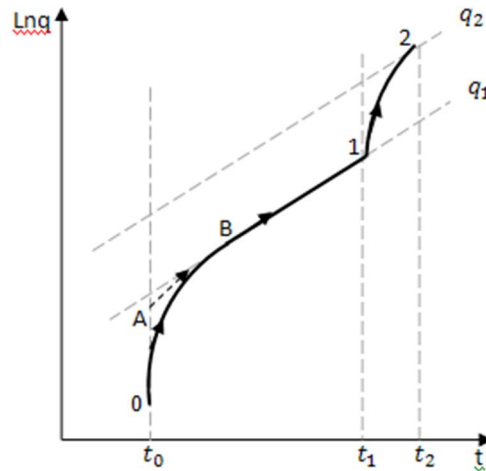
#### ۱.۳. مروری بر نظریه‌های رشد

روش‌های گوناگونی برای بررسی و تحلیل رشد اقتصادی وجود دارد. البته در ادبیات نظری بین رشد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تمایز قائل می‌شوند. در تحلیل‌های نظری هنگامی که اقتصاد از وضعیت همراه با ظرفیت بیکار و پایین‌تر از سطح منحنی امکانات تولید به سمت از بین بردن بیکاری و قرارگرفتن روی منحنی امکانات تولید حرکت می‌کند، گفته می‌شود که در مسیر رشد کوتاه‌مدت حرکت می‌کند.

این رشد نمی‌تواند فرایندی مستمر باشد؛ زیرا وقتی که اقتصاد به‌طور کامل از منابع خود بهره‌برداری می‌کند، تنها می‌تواند به‌سرعتی که توسعه منابع رشد، همچون موجودی سرمایه، نیروی کار و پیشرفت‌های فنی اجازه می‌دهد رشد کند. در ادامه مقاله شرح خواهیم داد که به‌طور نمونه در اقتصاد ایران با توقف جنگ تحمیلی عراق با استفاده از ظرفیت‌های بیکار، رشد اقتصادی دو رقمی می‌شود، ولی با فاصله کوتاهی این رشد سریع به یک رشد کند تبدیل می‌شود. همین موضوع برای وضع و لغو تحریم در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ نیز نشان داده می‌شود.

دومین نوع رشد، رشد همراه با اشتغال کامل به سمت یک مسیر رشد بلندمدت است. در این مورد در عین حال که اقتصاد وضعیت اشتغال کامل را حفظ می‌کند از طریق افزایش نسبت‌های سرمایه و محصول به نهاده کار مؤثر به سمت یک وضعیت تعادلی بلندمدت حرکت می‌کند که این نوع از رشد را رشد میان‌مدت نام‌گذاری کرده‌اند.

اما رشد بلندمدت حرکت روی یک مسیر یکنواخت است. البته نوع دیگری از رشد نیز وجود دارد که اقتصاد خود را از یک مسیر رشد بلندمدت به طریقی همچون افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه روی مسیر رشد بلندمدت بالاتر قرار می‌دهد که این نوع رشد را هم رشد میان‌مدت نامیده‌اند. شکل ۱ حالات مختلف رشد را نشان می‌دهد.



شکل ۱. حالات مختلف رشد اقتصادی

در شکل فوق، نوع اول رشد (کوتاه‌مدت) حرکت از نقطه صفر به سمت نقطه A است که برای از بین بردن بیکاری است. نوع دوم رشد (میان‌مدت) حرکت از نقطه A به سمت نقطه B است که در واقع حرکت توأم با اشتغال کامل برای رسیدن به مسیر رشد بلندمدت  $q_1$  می‌باشد. نوع سوم رشد، حرکت روی مسیر یکنواخت رشد بلندمدت  $q_1$  از نقطه B به بعد و در نهایت نوع چهارم رشد (میان‌مدت)، حرکت از نقطه ۱ روی مسیر یکنواخت  $q_1$  به سمت نقطه ۲ روی مسیر یکنواخت  $q_2$  که با نرخ بالاتری از پس‌انداز و ذخیره سرمایه متناظر است خواهد بود. تفکیک بین این مسیرهای رشد در تحلیل‌ها و وقایع اقتصادی و سیاست‌گذاری بسیار مهم است.

در تحلیل و بررسی بلندمدت نرخ رشد اقتصادی تاکنون نظریه‌ها و الگوهای بسیار متنوعی در مورد عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ رشد اقتصادی مطرح شده است.

از نظر تاریخی، شروع نظریه‌های رشد، مقاله رمزی در سال ۱۹۲۸ است که چندین دهه از زمان خود جلوتر بود؛ به طوری که بعضی از مباحث به کار گرفته شده در نظریه ادوار تجاری رشد با موضوع بهینه‌سازی که توسط رمزی (و فیشر) مطرح شد ارتباط می‌یابد. بعد از رمزی تا سال ۱۹۵۰م دو اقتصاددان به نام‌های هارود و دومار کوشش نمودند که تحلیل‌های کینزی را با عوامل رشد اقتصادی ترکیب نمایند. آن‌ها در مقاله خود از تابع تولید با قابلیت جانشینی کم در میان نهاده‌ها سود جسته تا بحث نمایند که نظام سرمایه‌داری به طور ذاتی بی‌ثبات است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م الگوهای گسترش یافتند که اکنون از آن‌ها با عنوان الگوهای رشد نئوکلاسیکی یاد می‌شود. براساس الگوهای مذکور، افزایش سرمایه‌گذاری بهترین راه افزایش سطح تولید بوده و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تفاوت بین

سطوح درآمدی در کشورها عامل سرمایه است. لذا انباشت بیشتر و سریع‌تر سرمایه می‌تواند نرخ رشد اقتصادی بالایی را به ارمغان آورد. سولو و سوان (۱۹۵۶)، کاس و کوپمانز (۱۹۶۵) از جمله اقتصاددانانی هستند که چنین الگوهایی را گسترش دادند. اما به دلیل کاستی‌های الگوهای رشد نئوکلاسیک، گرایش به سمت الگوهای رشد درون‌زا که در آن‌ها بر پیشرفت فنی تأکید می‌شود، افزایش پیدا کرد. در این زمان لوکاس، رومر، بارو و دیگر محققان، الگوهایی را ارائه کردند که در آن‌ها رشد یکنواخت می‌تواند به‌طور درون‌زا تحقق یابد. در این الگوها، نرخ رشد یکنواخت به پارامترهای تابع مطلوبیت، تولید، سیاست مالیاتی، انباشت سرمایه فیزیکی، انباشت سرمایه انسانی و رشد مستمر موجود در طرح‌های تولیدی جدید بستگی دارد. بدین معنی که رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از سازوکارهای درونی اقتصاد مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، تحقیق و توسعه و هزینه‌های باکیفیت دولت تحقق می‌یابد. در این الگو متغیرهای رشد برون‌زا (که قابلیت توضیح‌دهندگی پیشرفت فنی را نداشتند) با الگویی که در آن متغیرهای کلیدی رشد در الگو حضور داشتند جایگزین شد. به‌طور کلی در این الگو سرمایه‌گذاری انسانی عامل تأثیرگذار رشد بود.

اگرچه برای بررسی رشد اقتصادی بلندمدت در ایران نیز از الگوهای فوق استفاده شده است، اما در این مقاله از روش تجزیه‌بخشی برای تحلیل نرخ رشد اقتصادی و بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر آن استفاده شده است. بنابراین موضوع این مقاله، همه بحث‌های مربوط به تحلیل بلندمدت رشد اقتصادی در قالب الگوهای معرفی شده نیست، بلکه عوامل مستقیم و سریع تکانه‌های رشد و کانال‌های اثرگذاری آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی، مدنظر است. به بیان دیگر چون در این مقاله به دنبال شناخت اثر تکانه‌های خارجی مثل تحریم‌ها که منجر به کاهش اجباری خرید خارجی (و لاجرم کاهش صادرات و تولید) نفت به‌رغم وجود ظرفیت تولید (به‌نوعی بیکاری اجباری) و کاهش تولید می‌شود هستیم، از روشی تحلیلی غیر از الگوهای بلندمدت رشد استفاده می‌شود.

### ۲.۳. بررسی عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران

بررسی روند رشد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، با دامنه وسیعی از تغییرات نرخ رشد روبه‌رو بوده است. به‌نحوی که طی دوره ۱۳۵۶ یعنی یک سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، تفاوت بین بیشترین مقدار نرخ رشد اقتصادی و کمترین مقدار آن، به ۴۶ درصد می‌رسد.

جدول ۱ آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی کشور را به تفکیک بدون نفت و با نفت و همچنین به تفکیک بخش‌های مهم اقتصادی نشان می‌دهد.

جدول ۱. روند نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۲

رشد اقتصادی با نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش صنعت	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش خدمات	
-۳/۷	-۸/۱	۰/۹	-۱۰/۷	-۳/۹	۵/۱	۱۳۵۶
-۱۲/۸	-۲۹	۲/۸	۱۰/۹	۶/۷	۲	۱۳۵۷
-۹/۴	-۲۲/۳	-۰/۹	-۱۹/۵	۶/۱	-۰/۶	۱۳۵۸
-۲۳/۲	-۶۷/۳	-۰/۳	۱/۹	۳/۷	-۱/۱	۱۳۵۹
-۵	۶/۹	-۷	-۸/۶	۱/۹	-۱۱	۱۳۶۰
۲۲/۸	۱۲۸/۱	۲/۱	۵/۴	۷/۱	-۲/۳	۱۳۶۱
۹/۷	۲	۱۳/۱	۱۷/۸	۴/۶	۸/۳	۱۳۶۲
-۷/۶	-۲۰/۵	-۲/۴	-۶/۸	۷/۳	-۱/۴	۱۳۶۳
۱/۸	۱/۸	۱/۸	-۴/۹	۷/۹	۲/۱	۱۳۶۴
-۹/۸	-۱۳/۷	-۸/۵	۴/۱	۴/۸	-۱۴/۲	۱۳۶۵
۰/۲	۱۴/۴	-۴/۱	۱/۸	۲/۵	-۷/۸	۱۳۶۶
-۵/۳	۸/۸	-۱۰/۴	-۱۷/۳	-۰/۶	-۹/۲	۱۳۶۷
۵/۹	۶/۳	۵/۷	۲/۲	۴/۳	۶/۷	۱۳۶۸
۱۴	۱۹/۴	۱۱/۷	۱۷/۵	۱۱	۱۰/۶	۱۳۶۹
۱۲/۳	۱۳/۴	۱۱/۸	۲۳/۶	۵/۶	۱۰/۴	۱۳۷۰
۳/۱	۰/۴	۴/۳	۲	۱۰/۳	۴/۱	۱۳۷۱
۱/۴	۵	-۰/۳	-۲/۲	۱۱	۰/۵	۱۳۷۲
-۰/۹	-۶/۱	۱/۶	۲/۱	۲/۱	۲/۳	۱۳۷۳
۲/۷	۱/۱	۳/۴	-۱/۹	۳/۷	۳/۱	۱۳۷۴
۵/۴	۰/۶	۷/۵	۱۷/۹	۳/۳	۵/۸	۱۳۷۵
-۰/۸	-۵/۷	۳/۵	۴/۴	۱	۴/۵	۱۳۷۶
۲/۲	۲/۱	۲/۲	-۳/۸	۱۰/۶	۳/۴	۱۳۷۷
۱/۷	-۶/۳	۴/۷	۱۱	-۷/۳	۳/۱	۱۳۷۸
۵/۷	۸/۸	۴/۶	۱۰/۲	۳/۵	۳	۱۳۷۹
۲/۱	-۱۰/۵	۶/۴	۱۳/۲	-۲/۳	۵/۱	۱۳۸۰
۸/۱	۲/۴	۹/۸	۱۴/۳	۱۳/۶	۷/۱	۱۳۸۱
۸/۴	۱۴/۵	۶/۷	۶/۶	۵	۷/۶	۱۳۸۲
۴/۶	۲/۴	۵/۳	۳/۲	۰/۳	۷/۵	۱۳۸۳
۶/۳	۰/۱	۸/۱	۷/۷	۱۱/۳	۸/۴	۱۳۸۴
۶/۱	۲/۲	۷/۱	۵/۲	۵/۶	۸/۹	۱۳۸۵
۷/۷	۱/۱	۹/۴	۸	۲/۹	۱۱	۱۳۸۶
-۰/۶	-۰/۸	۱	۶/۷	-۲۳	-۰/۴	۱۳۸۷
۱/۳	-۵/۴	۲/۸	۴/۲	۹/۶	۲/۶	۱۳۸۸
۶/۵	۴/۲	۷	۷/۹	۴/۹	۶/۷	۱۳۸۹
۴/۳	-۱	۵/۴	۵	-۰/۱	۵/۸	۱۳۹۰
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	۱۳۹۱
-۱/۹	-۸/۹	-۱/۱	۲/۹	۴/۷	-۱/۵	۱۳۹۲

مأخذ: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)



توجه به این نکته حائز اهمیت است که در دوره مطالعه ۱۳۹۲-۱۳۵۶، بخش نفت با ۱۹۵.۴ درصد، دارای بالاترین دامنه تغییرات در مقایسه با سایر بخش‌ها است. دامنه تغییر برای بخش صنعت ۴۳.۱ درصد، برای کشاورزی ۳۶۶ درصد (به دلیل وابستگی به نوسانات جوی) و برای خدمات، ۲۴.۸ درصد است. بدین ترتیب دامنه تغییر رشد اقتصادی بدون نفت ۲۳.۵ درصد، حدود نصف دامنه تغییر رشد با نفت ۴۶ درصد است. بالا بودن دامنه تغییرات بخش نفت در اقتصاد ایران به دلیل اثرپذیری و به بیان روشن‌تر تحریم‌پذیری آن به دلیل درجه باز بودن بخش نفت (بالا بودن نسبت صادرات نفت به تولید) برمی‌گردد. سال‌های مندرج در جدول فوق (۱۳۹۲-۱۳۵۶) را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم‌بندی نمود.

- دوره اول، دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۵۶ است که پایین‌ترین و بالاترین نرخ رشد و بالاترین نوسانات رشد و دامنه تغییرات را در آن شاهد هستیم. در این دوره بالاترین نرخ رشد برابر با ۲۲/۸ درصد و پایین‌ترین نرخ رشد برابر با ۲۳/۲- درصد بوده است. میانگین نرخ رشد این دوره برابر با ۳/۱۲- درصد و انحراف معیار ۱۱/۶ درصد می‌باشد. وقوع انقلاب اسلامی، خروج صاحبان صنایع بزرگ از کشور، فرار سرمایه‌ها، آشوب‌های داخلی در مناطق مختلف کشور، جنگ تحمیلی و وضع تحریم‌های اقتصادی (البته وضع و لغو تحریم‌های مقداری نفت) از مهم‌ترین رویدادهای این دوره بوده است.
- دوره دوم، دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۶۸ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی ۰/۹- درصد تا ۱۴ درصد و میانگین ۷/۴۵ و انحراف معیار ۳/۸۶ درصد است. پایان یافتن جنگ تحمیلی، از سرگیری فعالیت تولیدی در مناطق درگیر جنگ و ثبات نسبی اقتصاد بین‌المللی از ویژگی‌های بارز این دوره بوده است.
- دوره سوم، از سال ۱۳۹۲-۱۳۸۷ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی ۶/۸- درصد تا ۶/۵ درصد و میانگین و انحراف معیار ۰/۳۱ و ۴/۶۹ درصد است. بروز بحران بزرگ اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ که از بخش مالی آغاز، ولی به بحران بخش واقعی از جمله رکود در بازار نفت منتهی شد، وقوع آشوب‌های خیابانی سال ۱۳۸۸ و به دنبال آن تحمیل تحریم‌های بی‌سابقه، مکرر و شدید چندجانبه و یک‌جانبه به اقتصاد ایران شامل تحریم مقداری نفت، تحریم بانک مرکزی، تحریم صنایع بزرگ و حساس همچون ماشین‌آلات و تجهیزات، پتروشیمی و ... از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی این دوره بوده‌اند.

بررسی آمار نرخ رشد اقتصادی جدول ۱ نشان می‌دهد که بالاترین مقادیر نرخ رشد اقتصادی، مربوط به سال ۱۳۶۱، ۲۲/۸ درصد مصادف با رفع تحریم خرید (مقداری) نفت از ایران و سال ۱۳۶۹، ۱۴ درصد و سال ۱۳۷۰، ۱۲/۳ درصد پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و توقف جنگ تحمیلی است.

در طرف مقابل پایین‌ترین نرخ‌های رشد اقتصادی مربوط به سال‌های ۱۳۵۷، ۱۲/۸- درصد، سال ۱۳۵۸، ۹/۴- درصد و سال ۱۳۵۹، ۲۲/۳- درصد همزمان با وقوع انقلاب اسلامی، آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران و اعمال تحریم‌های مقداری نفت بوده است. البته سال ۱۳۶۵ با نرخ رشد ۹/۸- درصد، مصادف با تکانه قیمتی نفت در اقتصاد جهانی (کاهش قیمت نفت از ۳۰ دلار به ۸ دلار) و تأثیر آن بر

بخش نفت کشور بوده است. علاوه بر این موارد، به‌دنبال تشدید تحریم‌ها علیه ایران و آغاز تحریم نفتی و تحریم بانک مرکزی در کنار تحریم خدمات بازرگانی همچون بیمه، بانک، حمل و نقل نفت و صنایع بزرگ همچون ماشین‌آلات، تجهیزات و پتروشیمی، نرخ رشد سال ۱۳۹۱ نیز،  $۶/۸$ - درصد اعلام شده است.

ذکر این نکته لازم به‌نظر می‌رسد که با تغییر دولت در سال ۱۳۹۲، مقدار نرخ رشد اقتصادی برای سال ۱۳۹۱، بارها توسط بانک مرکزی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و ارقام جدیدی برای آن اعلام شده است. ارقام اعلام‌شده برای نرخ رشد سال ۱۳۹۱ عبارت از  $۵/۸$ ،  $۶$ - و  $۶/۸$ - درصد است. شایان ذکر است براساس گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان<sup>۱</sup>، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۲ که مصادف با سال ۱۳۹۱ است،  $۱/۹$ - درصد و برای سال ۱۳۹۲،  $۱/۷$ - درصد گزارش شده است.

#### ۴. تجزیه رشد اقتصادی ایران و تکانه‌های مهم خارجی مؤثر بر آن

##### ۱.۴. تجزیه رشد اقتصادی

تحلیل عوامل مؤثر بر رشد بلندمدت اقتصادی بیشتر با استفاده از الگوهای رایج رشد که مبتنی بر انتخاب یک فرم تبعی تولید هستند انجام می‌پذیرد. همان‌طور که تصریح شد، ادبیات نظری و تجربی گسترده‌ای در این بخش موجود است و در ایران نیز رشد اقتصادی توسط پژوهشگران متعددی اغلب با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و مدل‌های رشد برون‌زا گرفته تا مدل‌های درون‌زا بررسی شده‌اند. اما روش به‌کارگرفته‌شده در این مقاله استفاده از تجزیه‌بخشی رشد است. عواملی چون ساختار تولید ملی کشور، اهمیت بخش نفت در آن و همچنین وقوع و سازوکار اثرگذاری رخدادهایی همچون انقلاب، جنگ و تحریم که به‌مثابه منابع تکانه در اقتصاد ملی بروز کرده‌اند، نویسنده را بر آن داشت که وقایع مزبور را در این روش که چارچوبی رساتر برای شناخت تکانه‌ها و سیاست‌گذاری فراهم می‌آورد تحلیل کند.

در این روش به‌جای تأکید صرف بر شاخص رشد کلی اقتصادی، به عملکرد رشد بخش نفت نیز پرداخته می‌شود. کمااینکه علاوه بر رشد بخش نفت به‌عنوان یک پایه اصلی در رشد کل، زیربخش‌های رشد بدون نفت همچون صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات بررسی می‌شود. البته یک نکته مهم این مقاله، ارائه تحلیل در قالب یک چارچوب مفهومی است.

استفاده از مدل مفهومی ارائه‌شده به این منظور است که نشان داده شود تفکیک رشد اقتصادی به «رشد با نفت» و «رشد بدون نفت» برای خارج‌ساختن اثربخش نفت به‌عنوان یک تکانه خارجی، روی رشد اقتصادی کافی نیست.

1. world economic outlook, 2012,2013.



#### ۲.۴. اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی؛ ارائه یک مدل مفهومی

آمار عملکرد رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد، در همه سال‌هایی که کاهش مقداری تولید نفت شدید بوده است، همچون سال ۱۳۵۷، ۲۹- درصد، سال ۱۳۵۸، ۲۲- درصد، سال ۱۳۵۹، ۶۷- درصد، سال ۱۳۶۳، ۲۰- درصد، سال ۱۳۶۵، ۱۳/۷- درصد و سال ۱۳۹۱، ۳۷/۴- درصد، رشد کل تولید نیز منفی و پایین بوده است. کمالینکه در دوره مورد بررسی تنها در سه سال رشد اقتصادی ایران دو رقمی شده است که در هر سه سال یعنی سال ۱۳۶۱ با رشد ۲۲/۸ درصد، سال ۱۳۶۹ با رشد ۱۴ درصد و سال ۱۳۷۵ با رشد ۱۲/۳ درصد به دلیل لغو تحریم‌های مقداری نفت در سال ۱۳۶۱ و فعال شدن ظرفیت‌های پس از جنگ تحمیلی در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، رشد بخش نفت به ترتیب ۱۲۸ درصد، ۱۹/۴ درصد و ۱۳/۴ درصد بوده است. در ادامه ضمن معرفی سازوکار و مدل مفهومی اثرگذاری بخش نفت بر عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران، اثر رخدادهای سیاسی و تحریم‌ها به‌عنوان تکانه‌های خارجی بررسی می‌شود. البته یادآور می‌شود اگرچه در مطالعات مربوط به رشد اقتصادی به اثر تکانه‌های نفتی پرداخته شده است، اما همواره در این مطالعات به اثر درآمدی نفت و تکانه‌های مربوط به قیمت آن پرداخته شده است. در شرایط متعارف و عدم وجود موانع غیراقتصادی که تغییر مقداری تولید نفت ناچیز است، چه‌بسا این روش مؤثر باشد، اما چنانچه بنا باشد آثار عوامل غیراقتصادی همچون انقلاب، جنگ، تحریم و ... مطالعه شود، این روش کافی نیست. لذا در ادامه سعی می‌شود با ارائه یک مدل مفهومی امکان تحلیل رساتری از اثر تکانه‌های مقداری نفت فراهم گردد.

در این چارچوب مفهومی، ملاحظه می‌شود تکانه مقداری نفت بر تولید ملی و به تبع آن بر رشد اقتصادی از مجاری زیر اثر می‌گذارد.

۱. اثر مستقیم: از آنجایی که نفت یکی از پایه‌های اصلی تولید ملی (با وزن بالای ۲۰ درصد) است، هرگونه تغییری همچون کاهش تولید نفت خام بلافاصله و بدون واسطه، عملکرد تولید ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اثر به‌طور مستقیم در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. برای شناخت این اثر کافی است به معادله زیر توجه شود:

$$Y = Y_0 + Y_I + Y_S + Y_a$$

در این معادله،  $Y$  بیانگر تولید کل کشور (به قیمت ثابت) و  $Y_0$ ،  $Y_I$ ،  $Y_S$  و  $Y_a$  به ترتیب تولید بخش‌های نفت، صنعت و معدن، خدمات و کشاورزی است. با دیفرانسیل‌گیری از معادله فوق (تولید) و عملیات ریاضی می‌توان به معادله رشد رسید:

$$\dot{Y} = \alpha_0 \dot{Y}_0 + \alpha_I \dot{Y}_I + \alpha_S \dot{Y}_S + \alpha_a \dot{Y}_a$$

که در آن‌ها سهم یا وزن بخش‌ها از تولید و رشد آن است. روش و معادله فوق شبیه روش حسابداری رشد است. البته در حسابداری رشد کوشش می‌شود رشد اقتصادی کل بین منابع (چون سرمایه، نیروی کار و بهره‌وری) تسهیم شود. ولی در اینجا رشد اقتصادی بین بخش‌ها (نفت، صنعت و معدن، خدمات و کشاورزی) تسهیم می‌شوند.

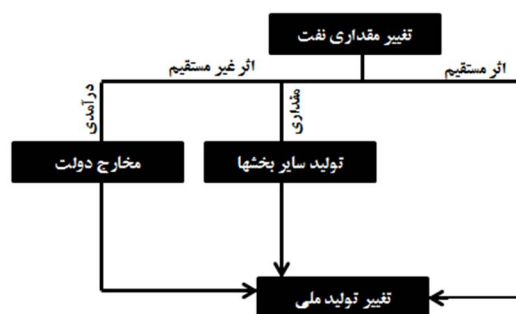
ملاحظه می‌شود که چنانچه تولید هر بخش از جمله نفت کاهش یابد، به‌طور مستقیم تولید و رشد

اقتصادی را کاهش می‌دهد. تکانه‌های خارجی چون تحریم که سبب کاهش اجباری تولید نفت (بیکاری اجباری ظرفیت‌بخش) می‌شوند، منجر به کاهش سریع رشد اقتصادی و پایین‌افتادن اقتصاد ملی از مسیر رشد بلندمدت آن می‌شود. این اثر با حرکت عکس روی مسیر رشد کوتاه‌مدت قابل انطباق است.

۲. اثر غیرمستقیم: این اثر به دو اثر غیرمستقیم مقداری و اثر غیرمستقیم درآمدی تقسیم می‌شود.

۱.۲. اثر غیرمستقیم مقداری: این اثر به تأثیر تغییر مقداری نفت بر سایر بخش‌های عرضه به‌ویژه بخش خدمات و صنعت برمی‌گردد. به‌عنوان نمونه وقتی به هر دلیلی مقدار نفت تولیدی و به تبع آن صادرات نفت کشور کاهش یابد، به‌واسطه آن ارزش افزوده حمل و نقل دریایی به‌سرعت کاهش می‌یابد. به‌عنوان مثال هنگامی که به‌جای دومیلیون و پانصده‌هزار بشکه در روز یک‌میلیون بشکه نفت بارگیری و حمل می‌شود، زیربخش خدمات حمل و نقل دریایی، در حدود ۶۰ درصد کاهش می‌یابد، که این اثر نیز به‌دلیل وجود روابط پسین و پیشین بخش‌ها به‌سرعت در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. این اثر غیرمستقیم مقداری نیز در معادله ۱ و معادله ۲ به‌روشنی قابل مشاهده است. همان‌گونه که گفته شد، تحریم خرید نفت منجر به کاهش فعالیت حمل و نقل دریایی و به‌عبارتی بیکاری اجباری ظرفیت این بخش می‌شود که با تحلیل رشد کوتاه‌مدت قابل توضیح است.

۲.۲. اثر غیرمستقیم درآمدی: نفت پایه اصلی منابع عمومی (دولت) در ایران است، لذا تغییرات مقداری نفت (با فرض ثبات قیمت آن) سبب تغییر این پایه منابع عمومی و به‌دنبال آن تغییر مخارج دولت می‌شود. تغییر مخارج دولت، هم در هزینه‌های مصرفی و هم مخارج سرمایه‌ای دولت منعکس می‌شود. البته کاهش مخارج بیشتر بر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا همان بودجه‌های عمرانی اثر می‌گذارد. این اثر مشابه کاهش درآمدهای نفتی کشور، به‌دلیل پایین آمدن قیمت نفت است. ملاحظه می‌شود که اثر غیرمستقیم درآمدی ناشی از تغییر تولید نفت از سمت مخارج (تقاضای کل) اثر می‌گذارد و به‌نوبه خود سبب تحقق تولید بالفعل (واقعی) کمتر از تولید بالقوه (ظرفیت) می‌شود.<sup>۱</sup>



شکل ۲. مدل مفهومی اثرگذاری تغییر مقداری نفت بر تولید ملی

۱. یادآوری می‌شود که کاهش مقداری تولید و صدور نفت سبب کاهش عرضه ارز، کسری تجاری و در نتیجه افزایش قیمت آن نیز می‌شود که می‌تواند بر رشد اقتصادی و تورم تأثیر بگذارد که موضوع این مقاله نیست.

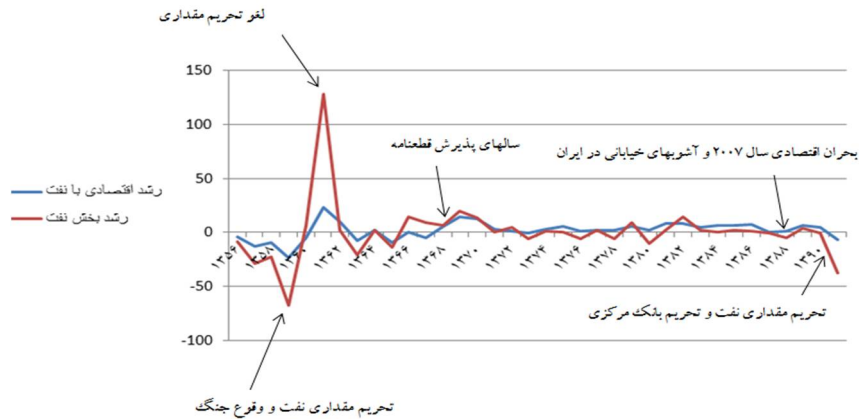


چارچوب مفهومی فوق‌الذکر چه قابلیت تصریح در مدل‌های رشد اقتصادی را نیز دارد، اما در این مقاله برای تحلیل وقایع مشاهده‌شده در اقتصاد ایران که همان سال‌های بحران و اوج رشد اقتصادی است، مورد استفاده قرار گرفته است.

چارچوب اثرگذاری معرفی‌شده در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که تغییرات تولید ملی و نرخ رشد اقتصادی تا حد قابل‌توجهی به تغییرات در مقدار تولید نفت و به‌عبارتی رشد بخش نفت وابسته است. به‌نحوی که ضریب همبستگی رشد بخش نفت با نرخ رشد اقتصادی در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۶ نزدیک به ۸۰ درصد است. این همبستگی در زمان تکانه‌های نفتی مثل سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۷، ۱۳۶۲-۱۳۶۱، ۱۳۷۲-۱۳۷۰ و ۱۳۹۱، نزدیک به ۹۰ درصد است. شکل ۳ روند نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد بخش نفت را نشان می‌دهد. وابستگی نرخ رشد اقتصادی به نرخ رشد بخش نفت و به‌بیانی تکانه‌پذیری تولید ملی و رشد اقتصادی به‌روشنی در این شکل مشخص است.

نکته حائز اهمیت این است که اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی متقارن است. یعنی همان‌گونه که کاهش مقداری تولید نفت در نتیجه اقدامی چون وضع تحریم، سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود، افزایش مقداری تولید نفت پس از لغو تحریم بلافاصله سبب افزایش رشد اقتصادی در ایران شده است. در واقع اقتصاد روی مسیر رشد کوتاه‌مدت با شتابی به‌مراتب بالاتر از نرخ بلندمدت رشد، به‌سمت مسیر یکنواخت بلندمدت حرکت می‌کند. البته همان‌گونه که در قسمت ۱.۳ بیان شد، این رشد مستمر نیست و با بهره‌برداری از ظرفیت بیکار بخش‌ها، دوباره رشد اقتصادی به سطح یکنواخت بلندمدت آن برمی‌گردد. شایان ذکر است در مطالعات مربوط به ارزیابی اثر تکانه‌های نفت بر اقتصادهای صادرکننده خالص نفت، همچون ایران اثر تکانه‌های قیمتی، نامتقارن ارزیابی شده است. یعنی کاهش قیمت نفت، رشد اقتصادی این کشورها را کاهش داده است، ولیکن اثر مثبت افزایش قیمت نفت به مراتب ضعیف‌تر بوده است. (برای مطالعه بیشتر به مهرآرا (۲۰۰۸) و غفاری، مظفری (۱۳۸۹) مراجعه شود)

نمودار ۳ نشان می‌دهد در سالی که بخش نفت، بیشترین میزان رشد (۱۲۸ درصد در سال ۱۳۶۱ در پی لغو تحریم مقداری نفت) را داشته است، اقتصاد ایران بالاترین نرخ رشد اقتصادی (۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۱) را حتی با تداوم جنگ تحمیلی تجربه نموده است. در طرف مقابل در سالی که بخش نفت بیشترین کاهش را تجربه نموده (۶۷/۳- درصد در سال ۱۳۵۹ در پی تحریم مقداری نفت)، نرخ رشد اقتصادی کمترین مقدار خود را (۲۳/۲- درصد) داشته است. یادآوری می‌شود که دامنه تغییر بخش نفت حدود ۵ تا ۸ درصد برابر دامنه تغییر سایر بخش‌ها است.



### نمودار ۳. همبستگی رشد اقتصادی و رشد بخش نفت

مأخذ: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

البته همان‌گونه که در بخش ۱.۴ گفته شد در ارزیابی وضعیت اقتصادی باید به عملکرد تولید ملی نیز توجه نمود. کمالینکه در مقایسه دستاورد نرخ‌های رشد، باید در میزان تغییر در عملکرد تولید تدقیق شود. به‌طور مثال ۶۰ درصد کاهش در پایه تولید نفت ۲/۵ میلیون بشکه در روز، آن را به یک میلیون بشکه می‌رساند. درحالی که ۱۲۸ درصد رشد در پایه تولید نفت یک میلیون بشکه، آن را به ۲/۲۸ میلیون بشکه خواهد رساند که همچنان کمتر از ۲/۵ میلیون بشکه است. این امر برای مقایسه دستاورد رشد کل نیز مصداق دارد و در مقایسه دستاورد رندها و ارزیابی بهبودهای عملکرد تولید بعد از تکانها، باید به آن توجه شود. نمونه بارز این امر به مقایسه رشد حدود ۲۳ درصد سال ۱۳۶۱، بعد از رکود شدید سال ۱۳۵۹ (یعنی رشد منفی ۲۳ درصد) برمی‌گردد. به‌عبارتی چون رشد ۲۳ درصد سال ۱۳۶۱، در پایه کوچک‌تر (عملکرد پایین‌تر تولید) ضرب می‌شود، حاصل آن به‌هیچ‌وجه جبران‌کننده رکود سال ۱۳۵۹ نیست. این امر می‌تواند برای سال‌های اخیر و تحولات احتمالی آتی در مورد نرخ رشد اقتصادی نیز مصداق داشته باشد.

نکته مهم دیگر که در این قسمت بدان توجه داده می‌شود، اثر عدم تکرار و توقف یک تکانه خارجی و پیامد آن برای رشد است، چراکه اگر بر اثر یک عامل خارجی چون جنگ، تحریم و وضع سهمیه خرید، تولید مقداری نفت کاهش یابد، این اثر در همان سال تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم مقداری خود را برجای می‌گذارد. حال فرض کنید خرید نفت پس از یک کاهش ۶۰ درصدی، در حد یک میلیون بشکه در روز در سال بعد ثابت بماند، این امر سبب می‌شود که نرخ رشد منفی ۶۰ درصدی تولید نفت به دلیل عدم تکرار تکانه در سال بعد، به نرخ رشد صفر تبدیل شود (یعنی عملکرد تولید نفت در همان یک میلیون بشکه در روز ثابت می‌ماند). این امر در برداشت اولیه می‌تواند اغوا کننده باشد و این‌گونه استنباط شود که عملکرد تولید نفت بهبود پیدا کرده است، حال آنکه چنین نیست و وضعیت (یعنی عملکرد تولید) تغییری نکرده است، اگرچه به ظاهر،



نرخ رشد از منفی ۶۰ درصد به صفر رسیده است. اینجاست که باید بین این ویژگی آماری و پیامدهای سیاستی تمایز قائل شد و از اطلاق بهبود وضعیت و پیامد سیاستی به آن اجتناب ورزید. مراجعه به اظهار نظرها نشان می‌دهد که در برخی موارد، افزایش و یا کاهش‌های اتفاق افتاده مشابه فوق در نرخ رشد اقتصادی، به عملکرد سیاستی نسبت داده شده و از آن به‌عنوان پیامد سیاستی یاد می‌شود. تجربه سال ۱۳۵۹ که اقتصاد ایران با تحریم (عدم خرید نفت از ایران) و به‌عبارتی تحریم مقداری نفت روبه‌رو شد، نشان می‌دهد که وقتی رشد بخش نفت به  $۶۷/۳-$  درصد رسید، همین امر نرخ رشد اقتصادی را به  $۲۳/۲-$  درصد رساند و تجربه سال ۱۳۶۱، که تحریم‌های مقداری لغو شد، نشان می‌دهد که رشد ۱۲۸ درصدی بخش نفت، نرخ رشد اقتصادی  $۲۲/۸$  درصدی را به‌دنبال داشت. تجربه سال ۱۳۶۸ مقارن با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تجربه سال ۱۳۹۱ به‌دلیل تحریم‌های مقداری نفت و بانک مرکزی که به‌ترتیب ریشه در یک تکانه مثبت یا منفی داشته‌اند، نیز از مصادیقی هستند که نسبت‌دادن آن‌ها به پیامدهای سیاستی نادرست است.

### ۳.۴. تحولات سیاسی و جنگ

در اکثر موارد، تحولات سیاسی و جنگ، بحران‌های اقتصادی را به‌دنبال داشته و بحران‌های اقتصادی در پی تحولات سیاسی پدید آمده‌اند. جدول شماره ۲ سال‌هایی که اقتصاد ایران با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو بوده است را نشان می‌دهد.

سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، سال‌های جنگ تحمیلی و سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی است. (سال ۱۳۹۱ سال تحریم‌های سنگین علیه ایران است که در بخش بعد بررسی می‌شود).

جدول ۲. رشد اقتصادی در سالهای بحران اقتصادی

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۲	۶/۷	۱۰/۹	۲/۸	-۲۹	-۱۲/۸
-۰/۶	۶/۱	-۱۹/۵	-۰/۹	-۲۲/۳	-۹/۴
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲
-۱/۴	۷/۳	-۶/۸	-۲/۴	-۲۰/۵	-۷/۶
۲/۱	۷/۹	-۴/۹	۱/۸	۱/۸	۱/۸
-۱۴/۲	۴/۸	۴/۱	-۸/۵	-۱۳/۷	-۹/۸
۰/۵	۱۱	-۲/۲	-۰/۳	۵	۱/۴
۲/۳	۲/۱	۲/۱	۱/۶	-۶/۱	-۰/۹
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸

مأخذ: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

بررسی نشان می‌دهد، که تحولات سیاسی همچون وقوع انقلاب، در اغلب موارد به‌دلیل همراه‌شدن با واکنش‌های تحریمی به‌صورت کاهش خرید نفت از ایران، با کاهش رشد بخش نفت، رشد اقتصادی را به میزان بسیار زیادی تحت تأثیر قرار داده‌اند. به‌عبارتی تحریم‌های نفتی یکی از اهرم‌های فشاری است که همواره در قبال هرگونه تحرک سیاسی علیه ایران به‌کار گرفته شده است. تنها سال‌هایی که تکانه‌های اقتصادی بدون وجود هیچ تکانه سیاسی اتفاق افتاده، سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، مقارن با سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی هستند.<sup>۱</sup>

در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۷ اقتصاد ایران با سه رویداد سیاسی اوج‌گیری انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و جنگ تحمیلی روبه‌رو بوده است. در این دوران به دستور رئیس‌جمهور وقت آمریکا، خرید نفت از ایران قطع شد. در این دوران به‌رغم تلاش بسیاری از کشورهای عضو اوپک مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت برای جلوگیری از افزایش قیمت جهانی آن، به‌دلیل تحریم ایران قیمت نفت از بشکه‌ای ۱۵/۸۵ دلار به ۳۹/۵ دلار رسید. اما به‌رغم افزایش قیمت نفت، رشد بخش نفت در اقتصاد ایران به‌دلیل اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم مقداری به مقدار قابل‌توجهی منفی شد. علت آن نیز به غلبه اثر مقداری بر اثر قیمتی در بخش نفت برمی‌گردد. در این دوران با کاهش شدید رشد بخش نفت و در پی آن افت شدید رشد اقتصادی، اقتصاد ایران دوره‌ای از رکود همراه با تورم شدید و بیکاری را تجربه نمود.

پس از خاتمه‌یافتن جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، به‌دلیل ازسرگیری تولید در مناطقی که درگیر جنگ بودند از جمله مناطق نفت‌خیز، اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نرخ‌های رشد بالایی را تجربه نمود. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول ۳. رشد اقتصادی در سال‌های پس از جنگ

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۱۰/۶	۱۱	۱۷/۵	۱۱/۷	۱۹/۴	۱۴
۱۰/۴	۵/۶	۲۳/۶	۱۱/۸	۱۳/۴	۱۲/۳

مأخذ: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

اما پس از تجربه نرخ‌های رشد بالا در سال‌های پس از جنگ، به‌دلیل نزدیک‌شدن تولید عملی به ظرفیت‌های موجود، رشد اقتصادی متوقف شد و اقتصاد ایران نرخ‌های رشد پایینی را تجربه کرد. براین اساس همان‌گونه که گفته شد، افزایش رشد پس از برطرف‌شدن یک مانع غیراقتصادی همچون

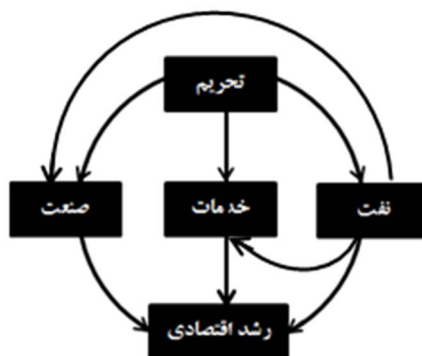
۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به آمار سخن می‌گوید، نوشته میرزاده و حسینی، ۱۳۷۸.



جنگ که به دلیل تحولات سیاسی و غیراقتصادی به وقوع می‌پیوندد و نرخ رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نمی‌توان پیامد اجرای سیاست‌های اقتصادی و به‌عبارتی یک دستاورد سیاستی نامید.

#### ۴.۴. تحریم

اقتصاد ایران از زمان وقوع انقلاب همواره با تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه کشورهای مختلف مواجه بوده است. البته تحریم نفتی و تحریم مالی قبل از انقلاب نیز سابقه دارد. به‌گونه‌ای که در پی جنبش ملی کردن صنعت نفت در آغاز دهه ۱۳۳۰، انگلستان مبادرت به تحریم نفتی ایران کرد که منجر به کاهش تولید و عدم توفیق برنامه عمرانی اول قبل از انقلاب (۱۳۳۴-۱۳۳۷) شد.<sup>۱</sup> تحریم از طریق بخش‌های مختلف می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد. شکل ۳ این تأثیرات را نشان می‌دهد:



شکل ۳. تحریم و رشد اقتصادی

بررسی نشان می‌دهد در دو دوره تحریم‌ها به دلیل اعمال محدودیت مقداری یا کاهش خرید نفت، تأثیر بسزایی بر عملکرد تولید و رشد اقتصادی ایران داشته است، این دو دوره سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ هستند. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول ۴. رشد اقتصادی در سال‌های تحریم مقداری نفت

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت	
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲	۱۳۵۹
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸	۱۳۹۱

مأخذ: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

۱. برای اطلاع بیشتر به برنامه‌ریزی توسعه (جلد اول)، نوشته فقیه نصیری، حسینی و همکاران مراجعه شود.

در هر دو سال اشاره‌شده، رشد اقتصادی بدون نفت، کمتر از یک درصد کاهش یافته است، اما رشد منفی بسیار بالا و قابل توجه بخش نفت به دلیل اعمال تحریم‌های مقداری، رشد اقتصادی کل را منفی نموده است. کماینکه رشد بخش کشاورزی در هر دو سال به دلیل پایین بودن اثرپذیری این بخش از تکانه‌های خارجی مثبت بوده است (شایان ذکر است نرخ رشد اقتصادی ۳/۷ درصد بخش کشاورزی سال ۱۳۹۱ پس از تعدیل منفی به دنبال تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ اعلام شده است).

تفاوت عمده‌ای که بین تحریم سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ وجود دارد عبارت است از اینکه در سال ۱۳۵۹، به‌رغم تحریم مقداری نفت و کاهش میزان فروش آن، قابلیت وصول درآمدهای نفتی، وجود داشت و اقتصاد ایران با تحریم مالی روبه‌رو نبوده است. اما در سال ۱۳۹۱، علاوه بر تحریم مقداری نفت، امکان انتقال درآمدهای نفتی کشور به دلیل تحریم بانک مرکزی و نظام بانکی وجود نداشته است. کماینکه تحریم‌های صنعت، بیمه و بازرگانی نیز از طریق کاهش رشد سایر بخش‌ها بر کاهش نرخ رشد اقتصادی تأثیر مضاعف گذاشته است. بنابراین با توجه به پیچیدگی و شدت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱، انتظار می‌رفت عملکرد نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۵۹ پایین‌تر باشد، که این‌گونه نشده است.

نکته مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت، بهره‌گیری تحریم‌کنندگان از انباشت تجربه تحریم یا همان جنگ اقتصادی برای تقویت این اهرم فشار علیه اقتصاد ایران است. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی گفته شد، در سال ۱۳۵۹ نیز تحریم مقداری نفت بر علیه ایران اعمال شد، اما تحریم یکباره خرید نفت از ایران منجر به افزایش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه ناگزیر ساختن رئیس‌جمهور آمریکا به لغو دستور خود شد. اما در تجربه اخیر، آمریکا و متحدانشان به دلیل سیطره‌ای که بر نقل و انتقال پولی و شبکه‌های الکترونیکی مالی دنیا یافته‌اند، ابتدا مبادرت به تحریم مالی ایران کردند؛ لذا نفت ایران فروخته شد و بازار نفت جهانی دچار تنش کاهش ناشی از عرضه ایران نشد؛ لیکن تنگناهای مالی و فشارهای درآمدی بر ایران تحمیل شد و در گام بعدی تحریم مقداری نفت ایران به صورت تدریجی و پلکانی اعمال شد تا امکان جایگزینی تولید از سوی کشورهای هم‌چون عربستان و همچنین تطبیق زنجیره‌های پالایشگاهی با نفت جایگزین ایران فراهم شود، به‌ویژه اینکه خریداران نفت خام ایران نیز محدود و به‌نوعی انحصاری هستند. لذا تلفیق تحریم مالی و مقداری نفت و پرهیز از تنش در بازار نفت، رویکرد خطیر آن‌ها بر علیه ایران بوده است.

سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۹۲ را به دلیل قرارگرفتن پس از اعمال تحریم به‌نوعی می‌توان با یکدیگر مشابه دانست. با این تفاوت که در سال ۱۳۶۱، با رفع تحریم‌های مقداری نفت، رشد اقتصادی به میزان قابل توجهی افزایش یافت. در حالی که در سال ۱۳۹۲ به‌رغم توافق با گروه ۵+۱، به دلیل تداوم رشد منفی نفت و همین‌طور رشد منفی صنعت و خدمات، نرخ رشد اقتصادی منفی است که نشان‌دهنده کاهش



عملکرد تولید نفت و تولید کل نسبت به سال ۱۳۹۱ است. جدول ۵ عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این دو سال را نشان می‌دهد:

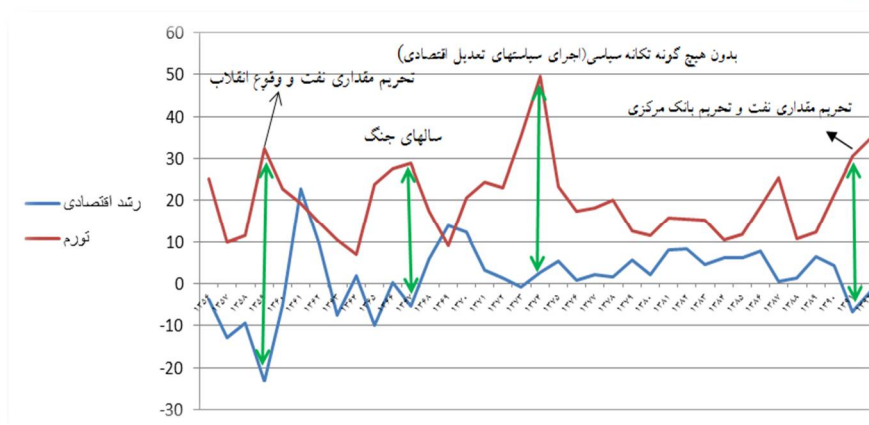
جدول ۵. رشد اقتصادی در سال‌های پس از تحریم مقداری نفت

رشد اقتصادی با نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش صنعت	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش خدمات	
۲۲/۸	۱۲۸/۱	۲/۱	۵/۴	۷/۱	-۲/۳	۱۳۶۱
-۱/۹	-۸/۹	-۱/۱	۲/۹	۴/۷	-۱/۵	۱۳۹۲

مأخذ: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

#### ۵.۴. اثر توامان تحولات غیراقتصادی بر رشد اقتصادی و تورم

همان‌طور که گفته شد تحولات سیاسی که در قالب اوج‌گیری انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی به وقوع پیوسته، با همراه‌شدن تحریم‌ها، بحران‌های اقتصادی را به‌دنبال داشته‌اند. به‌نحوی که سبب بروز رکود همراه با تورم در اقتصاد ایران شده‌اند. نمودار ۴ روند نرخ رشد اقتصادی و تورم را در سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

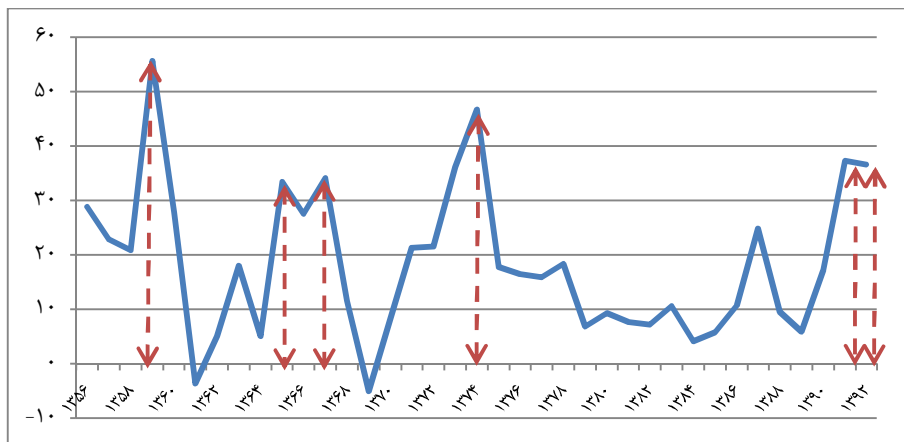


نمودار ۴. رشد اقتصادی و تورم طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۵۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود چهار شکاف عمده بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم که نشان‌دهنده رکود تورمی در اقتصاد ایران است، در دوره مورد بررسی وجود دارد. شکاف اول مربوط به تحریم مقداری نفت و وقوع انقلاب، شکاف دوم مربوط به سال‌های جنگ، شکاف سوم بدون هیچ‌گونه تکانه سیاسی و ناشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی و در نهایت شکاف چهارم مربوط به تحریم مقداری نفت، تحریم بانک مرکزی، خدمات بازرگانی و صنایع مختلف در سال ۱۳۹۱ است.

براساس آنچه تاکنون بیان شده است، شکاف اول، دوم و چهارم را می‌توان ناشی از تحولات سیاسی و پیامدهای ناشی از آن دانست. اما شکاف سوم ناشی از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و بدون هیچ‌گونه تکانه سیاسی در سال ۱۳۷۴ است.

در نمودار ۶ تفاوت بین نرخ تورم با نرخ رشد اقتصادی را می‌توان به‌عنوان شاخصی برای کاهش رفاه (قدرت خرید) در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر هرچه اختلاف تورم با رشد اقتصادی بیشتر باشد، نشان‌دهنده کاهش بیشتر در رفاه ملی خواهد بود. تورم از قدرت خرید می‌کاهد و در مقابل رشد با قدرت خرید رابطه مثبت دارد، بنابراین «تورم منهای رشد» اثر خالص این دو نماگر است. ملاحظه می‌شود که چنانچه نرخ رشد منفی باشد، اثر کاهنده رفاهی تورم تقویت می‌شود.



نمودار ۵. شاخص تورم منهای رشد اقتصادی ۱۳۵۶-۱۳۹۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین مقدار این شاخص، مربوط به سال‌های تحریم مقداری نفت و جنگ و سپس مربوط به سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری است و سال ۱۳۹۱ ناشی از تحریم‌ها، پس از آن‌ها قرار دارد. علاوه بر این همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۲، نسبت به سال ۱۳۹۱، تغییر محسوسی در این شاخص ایجاد نشده است.

## ۵. تحلیل رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۲

### ۱.۵. رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

آخرین رقم نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱، با توجه به آنچه از سوی بانک مرکزی اعلام گردیده است ۶/۸- درصد است. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این سال را نشان می‌دهد:



جدول ۶. رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

رشد اقتصادی با نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش صنعت	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش خدمات	۱۳۹۱
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	

مأخذ: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

همانطور که ملاحظه می‌شود براساس آمار بانک مرکزی نرخ رشد اقتصادی ایران برای سال ۱۳۹۱، ۶/۸- درصد اعلام شده است که این عدد در مقایسه با رشد سال ۱۳۹۰ (که اولین سال پس از اجرای هدفمندی‌سازی یارانه‌هاست)، حدود ۱۱ واحد درصد افت نشان می‌دهد، کماینکه در مقایسه با سال ۱۳۸۹ که رشد اقتصادی ایران ۶/۵ درصد بوده است، این فاصله به ۱۳ واحد درصد می‌رسد؛ لذا ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۹۱ نرخ رشد اقتصادی دچار یک تکانه شده است و در مسیر پایدار خود نبوده است؛ لذا شناخت وقایع سال ۱۳۹۱ حائز اهمیت است که بدان پرداخته می‌شود.

#### الف) تحریم نفت

تحریم سال‌های ۱۳۹۰ به بعد، پیچیده‌ترین نوع تحریم علیه ایران بوده است. زیرا هم تحریم مقداری نفت اعمال شده است و هم قبل از آن با تحریم‌های مالی از جمله محدودیت جابه‌جایی درآمدی حاصل از فروش نفت و ذخایر ارزی اثر تحریم مقداری نفت تشدید شده است. منفی بودن رشد بخش نفت و منفی شدن رشد برخی زیربخش‌های خدمات و صنعت که مستقیم تحریم شده‌اند، حکایت از اثر غالب تحریم بر رشد اقتصادی منفی در سال ۱۳۹۱ دارد. در مورد تحریم اخیر نفت، موارد زیر را می‌توان مطرح نمود:

۱. به دنبال تحریم بانک مرکزی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰، در ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۱، تحریم تجاری نفت یعنی کاهش خرید نفت از ایران اعمال شد. به طوری که صادرات نفت کشور از متوسط ۲/۴ میلیون بشکه در روز به کمتر از یک میلیون بشکه در روز در ماه‌های ابتدایی سال کاهش یافت. این امر سبب شد به رغم وجود ظرفیت‌های تولیدی در بخش نفت، تولید آن به شدت کاهش یافته و رشد بخش نفت به ۳۷- درصد در سال ۱۳۹۱ برسد. در واقع مانع سیاسی تحریم، منجر به تولید نفت پایین تر از سطح ظرفیت (بیکاری اجباری ظرفیت تولید نفت) یا پایین افتادن از روند بلندمدت رشد شد. این اثر همان گونه که در بخش ۲.۴ گفته شد دارای تأثیر مستقیم روی رشد اقتصادی است. کماینکه رشد بدون نفت، تنها ۰/۹- درصد بوده است. لذا فاصله رشد بدون نفت ۰/۹- درصد با رشد ۶/۸- درصد کل، به دلیل اثر مستقیم تحریم (کاهش منفی ۳۷ درصدی تولید بخش نفت) بوده است.

۲. همان‌گونه که در بخش ۲.۴ مقاله گفته شد، اثر تکانه‌های مقداری نفت (ناشی از تحریم) به اثر مستقیم محدود نمی‌شود و دو اثر "غیرمستقیم مقداری" و "غیرمستقیم درآمدی-مخارج کل" باید بررسی شوند که به شرح زیر می‌باشد:

۱.۲. در اثر افت تولید و صادرات نفت، بخش‌های پسین و پیشین به شدت دچار کاهش شدند که این امر در پایه تولید سایر بخش‌های (غیرنفتی) خود را نشان می‌دهد. به طور مثال رشد بخش حمل و نقل دریایی در سال ۱۳۹۱، ۲/۵ درصد بوده است. این رشد، به دو بخش حمل و نقل دریایی غیرنفتی و حمل و نقل دریایی نفتی تقسیم می‌شود. جالب است که رشد حمل و نقل بدون نفت در سال ۱۳۹۱، حدود ۹ درصد بوده است؛ ولی از آنجایی که رشد بخش حمل و نقل نفتی حدود ۸- درصد بوده است، رشد مزبور به سطح ۲/۵ درصد کاهش یافته است که از مصادیق اثر غیرمستقیم مقداری است.

۲.۲. براساس گزارش مالی دولت در سال ۱۳۹۱، به دنبال تحریم خرید نفت از ایران، پایه مربوط به فروش نفت در درآمد عمومی (زیربخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای) به میزان ۳۶ درصد در مقایسه با سال قبل آن کاهش یافت، که در نتیجه این امر مخارج کل دولت در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته که منجر به کاهش ۴۷ درصدی تملک دارایی‌های سرمایه (سرمایه‌گذاری) دولت شده است که این امر به نوبه خود منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این اثر به عنوان اثر "غیرمستقیم درآمدی" که از طریق مخارج کل بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، معرفی شد. به بیانی پایین آمدن (و منفی شدن) رشد بدون نفت سال ۱۳۹۱ (حدود ۰/۹- درصد) ناشی از این آثار است.

### ب) تحریم خدمات مالی و بازرگانی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحریم‌های اخیر به تحریم خدمات مالی و بازرگانی از جمله خدمات بانکی، بیمه‌ای (خدمات مالی) و کشتیرانی برمی‌گردد.

۱. خدمات بازرگانی: تحریم سبب شد، رشد بخش خدمات بازرگانی که ۱۴ درصد از سهم تولید کل در اقتصاد ایران را به خود اختصاص می‌داد، به ۹- درصد در سال ۱۳۹۱ برسد، شایان ذکر است متوسط رشد این زیربخش در سه سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، ۶ درصد بوده است.

۲. خدمات مالی: یکی دیگر از حوزه‌هایی که به طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفت، بخش خدمات مالی است. تحریم سبب شد رشد این بخش به ۱/۶- درصد در سال ۱۳۹۱ برسد در حالی که در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، به طور متوسط این زیربخش از رشد ۸ درصدی برخوردار بوده است.

کاهش رشد دو زیربخش فوق، منجر به افت رشد بخش خدمات از ۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱/۱ درصد در سال ۱۳۹۱ شد. این دو در شرایطی است که رشد سایر بخش‌های خدمات کشور (بدون خدمات مالی و بازرگانی) در سال ۱۳۹۱ در حد سال ۱۳۹۰ یعنی ۵/۳ درصد، مثبت بوده است. توجه به این نکته



حائز اهمیت است که بخش خدمات ۵۰ درصد سهم از تولید کل را در اختیار دارد؛ لذا افت ۴ واحد درصدی این بخش به دلیل تحریم به‌تنهایی منجر به افت دو واحد درصدی رشد کل می‌شود. (توجه شود رشد کل بخش‌های غیرنفتی ۰/۹- درصد در سال ۱۳۹۱ گزارش شده است).

### ج) تحریم بخش‌های صنعتی

اعمال تحریم‌ها بسته به ساختار فعالیت‌ها از جمله ارزبری در مقابل ارزآوری از چند مسیر سبب آسیب به بخش‌های صنعتی شده است. از جمله با کاهش درآمدهای ارزی، افزایش نرخ ارز به وقوع پیوست. این امر همراه با مشکل جابه‌جایی پول (تحریم بانکی) منجر به در مضیقه قرارگرفتن صنایع وابسته به واردات و ارزبر شد. به‌طور نمونه این امر را می‌توان در بخش خودرو (زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات در تولید) جست‌وجو نمود که از کاهش ۴۴ درصدی تولید در سال ۱۳۹۱ برخوردار بوده است. لذا ملاحظه می‌شود که رشد زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات از متوسط ۱۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰ به ۳۰/۷۳- درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت.

یکی دیگر از حوزه‌های تحریم صنعتی به بخش پتروشیمی برمی‌گردد که در سال ۱۳۹۱ به‌طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفت و سبب شد نرخ رشد این بخش از متوسط ۱۲/۵ درصد طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰ به ۱/۴۵- درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یابد.

موارد ذکرشده محدود به مصادیق اثرات تحریم بر زیربخش‌هایی است که به‌طور مستقیم تحریم شدند. تردیدی نیست که به‌دلیل روابط پسین و پیشین بخش‌ها، اثرات تحریم فراتر از مقداری است که بیان شد. با وجود این چنانچه اثرات پسین و پیشین بخش‌ها نادیده گرفته شوند و تنها اثرات تحریم بر زیربخش‌های تحریم‌شده، از رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۱ حذف شوند، رشد اقتصادی مثبت می‌شد که برای این امر در این مقاله از روش "بازسازی رشد اقتصادی" استفاده می‌شود.

### ۲.۵. بازسازی رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱

براساس آنچه گفته شد، اگر تحریم‌ها اعمال نمی‌شد و نرخ رشد بخش نفت و سایر بخش‌هایی که به‌طور مستقیم تحریم شده‌اند (همچون خدمات بازرگانی، خدمات بانکی و واسطه‌های مالی، صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و پتروشیمی)، در سال ۱۳۹۱، مثبت و یا حتی صفر بود، ایران در سال ۱۳۹۱ شاهد نرخ رشد مثبت می‌شد. برای اثبات این ادعا کافی است رشد بخش‌های یادشده صفر در نظر گرفته شوند و با استفاده از سهم بخش نفت و سهم سایر بخش‌ها در سال ۱۳۹۰ یعنی سال قبل از اعمال تحریم‌های مقداری، نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ را باز محاسبه نمود. جدول زیر سهم هریک از بخش‌ها را در تولید سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد:

جدول ۷. سهم بخش‌های مختلف در تولید سال ۱۳۹۰

بخش	نفت	صنعت، بدون ماشین‌آلات و محصولات شیمیایی	ماشین‌آلات و تجهیزات	محصولات شیمیایی	خدمات گروه مالی	خدمات بازرگانی	خدمات بدون مالی و بازرگانی	کشاورزی
سهم در تولید سال ۱۳۹۰ (محقق شده)	۲۵	۱۶/۳۴	۳/۲۹	۲/۲۱	۳/۶	۱۴	۳۲/۷	۵/۹
رشد سال ۱۳۹۱ (محقق شده)	-۳۷/۴	۳/۱۳	-۳۰/۷۳	-۱/۴۵	-۱/۶	-۸/۹	۵/۳۲	۳/۷
بازسازی رشد اقتصادی	۰	۰/۵۱۱۴	۰	۰	۰	۰	۱/۷۳۹	۰/۲۱۸۳

مأخذ: محاسبات محقق (بازسازی رشد اقتصادی به معنی صفر فرض کردن رشد بخش‌هایی است که مستقیم درگیر تحریم بوده‌اند)

با فرض صفر در نظر گرفتن نرخ رشد بخش‌های نفت، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات شیمیایی، گروه خدمات مالی و خدمات بازرگانی در سال ۱۳۹۱ (همان‌گونه که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود) که به‌طور مستقیم تحریم شدند و تحریم منجر به کاهش تولید آن‌ها شده است، نرخ رشد اقتصادی ایران برابر با ۲/۴۷ درصد می‌باشد. بدین معنی که در صورت عدم وجود تحریم‌ها، حتی با فرض نرخ رشد صفر برای بخش‌های متأثر از تحریم (که به مراتب پایین‌تر از عملکرد متوسط در سه سال قبل آن بوده است)، نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۱، مثبت می‌شد که بدون ملحوظ کردن همه آثار تحریم، حتی در یک سناریوی بدبینانه، رشد اقتصادی حداقل حدود ۲/۵ درصد می‌شد.

### ۳.۵. رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲

جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۲ در مقایسه با سال ۱۳۹۱ را نشان می‌دهد:

جدول ۸. رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸
-۱/۵	۴/۷	۲/۹	-۱/۱	-۸/۹	-۱/۹

مأخذ: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)



همان‌گونه که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۲ برابر با ۱/۹- درصد گزارش شده است. این امر حکایت از آن دارد که تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۲ حتی از میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۱ کمتر شده است. به عبارتی عملکرد تولید ملی در سال ۱۳۹۲ از سال ۱۳۹۱ هم پایین‌تر بوده است. دلیل عملکرد پایین‌تر تولید ملی در سال ۱۳۹۲ را می‌توان با بررسی عملکرد زیربخش‌های تولید در رشد اقتصادی تحلیل کرد.

جدول ۹ نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بدون نفت در سال ۱۳۹۲ ۱/۱- درصد بوده است و رشد بخش نفتی ۸/۹- درصد بوده است. نتیجه این امر، عملکرد پایین‌تر تولید در سال ۱۳۹۲ در مقایسه با سال ۱۳۹۱ بوده است و ملاحظه می‌شود که به‌رغم توافق با گروه ۵+۱ در پاییز سال ۱۳۹۲ و پذیرش کاهش و یا توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به دلیل تداوم کاهش تولید نفت و رشد بخش خدمات نه تنها بهبودی در عملکرد تولید اقتصادی حاصل نشده است، بلکه تولید سال ۱۳۹۲ از سال ۱۳۹۱ کمتر نیز شده است.

دلیل منفی بودن نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲ و یا عدم بهبود محسوس در سال ۱۳۹۳ را می‌توان ناشی از عوامل دانست:

۱. در توافق انجام‌گرفته با ۵+۱ گشایش اقتصادی محسوسی حاصل نشده است.
  ۲. به‌رغم کاهش و یا توقف فعالیت‌های هسته‌ای، ارکان تحریم از قبیل تحریم مقداری نفت، تحریم بانک مرکزی و غیره همچنان پابرجاست. کماینکه در سال ۱۳۹۲ رشد بخش نفت در حدود ۹- درصد و رشد بخش خدمات، ۱/۵- درصد شده است.
  ۳. رشد بالغ بر ۱۱۸ درصدی جزء خالص دارایی‌های خارجی (NFA) بانک مرکزی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۲، حکایت از عدم تسهیل در امکان جابه‌جایی و تبدیل اسعار خارجی و لاجرم تملک آن‌ها توسط بانک مرکزی و چاپ پول برای تأمین بودجه دولت دارد که علاوه بر افزایش شدید پایه پولی و نقدینگی، بیانگر پابرجایی این مانع تحریمی در سال ۱۳۹۲ است.<sup>۱</sup>
  ۴. سیاست اقتصادی معنی‌داری برای تحرک در اقتصاد اتخاذ نشده است.
- همان‌گونه که گفته شد اینکه چرا تجربه سال ۱۳۶۱ (رشد بسیار بالا) در سال ۱۳۹۲ (و یا سال ۱۳۹۳) تکرار نشده است، به تداوم کاهش رشد بخش نفت در سال ۱۳۹۲ برمی‌گردد. کماینکه اندک افزایشی (به‌طور مثال یک افزایش حدود ۱۵ درصدی) در صادرات نفت در سال ۱۳۹۳، می‌تواند حدود سه واحد درصد رشد اقتصادی ایران را مثبت کند که این امر نه به‌مثابه دستاورد سیاست‌های اقتصادی، بلکه ناشی از بکارگیری بخشی از ظرفیت بیکار بخش نفت است.

---

۱. برای اطلاع بیشتر به گزارش «نماگرهای اقتصادی» سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۲، منتشرشده توسط بانک مرکزی ج.ا. رجوع شود.

## ۶. جمع‌بندی و توصیه سیاستی

### ۱.۶. جمع‌بندی

۱. مفهوم رشد اقتصادی و تمییز آن از مفهوم عملکرد تولید ملی نشان می‌دهد که کوچک‌تر شدن قدرمطلق عدد منفی نرخ رشد اقتصادی در یک سال (به‌طور مثال در سال ۱۳۹۲) نسبت به سال قبل آن (به‌طور مثال سال ۱۳۹۱) نه تنها نشانگر بهبود عملکرد تولید نیست، بلکه به‌معنی پایین‌تر آمدن عملکرد تولید ملی است. کم‌اینکه رشد صفر نیز به‌منزله توقف تولید در سطح سال قبل است. در بخش قبل، به برخی از دلایل پایین‌آمدن تولید ملی در سال ۱۳۹۲ پرداخته شد.
۲. تفکیک تغییرات رشد اقتصادی به بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت هنگام تحلیل و سیاست‌گذاری اقتصادی، حائز اهمیت است. این امر در انتخاب چارچوب و الگوی مناسب مطالعه تکانه‌های خارجی که با حرکت روی مسیر کوتاه‌مدت رشد انطباق دارد مؤثر است.
۳. تکانه‌ها و تغییرات شدید رشد اقتصادی در اکثر موارد ناشی از تکانه‌های سیاسی بوده است. تنها دوره‌ای که تکانه‌های اقتصادی بدون وجود هیچ تکانه سیاسی اتفاق افتاده، سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ هستند که مقارن با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی است.
۴. تکانه‌های مقداری نفتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر نرخ رشد اقتصادی در ایران تأثیر مسلط داشته است. به‌نحوی که پایین‌ترین نرخ رشد اقتصادی (۲۳/۲- درصد در سال ۱۳۵۹) مربوط به تحریم مقداری نفت و بالاترین نرخ رشد اقتصادی (۲۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۱) مربوط به لغو تحریم مقداری نفت بوده است. این امر حکایت از اثر متقارن تکانه‌های مقداری نفتی بر رشد اقتصادی و آسیب‌پذیری عملکرد تولید و رشد آن به‌دلیل وابستگی به رشد بخش نفت که دارای دامنه تغییرات بسیار بالا (۱۹۵ درصد) و ۵ تا ۸ برابر دامنه تغییرات سایر بخش‌ها است دارد. تکانه‌پذیری و تحریم‌پذیری بخش نفت نیز به‌دلیل بالا بودن درجه بازبودن (و البته خام‌فروشی) در کنار ساختار انحصاری آن است.
۵. سال ۱۳۹۱ از جمله سال‌هایی است که اقتصاد ایران به‌دلیل اعمال تحریم‌های مالی (بانک مرکزی) و تحریم‌های نفتی، خدمات مالی و صنعتی، با رشد منفی مواجه بوده است.
۶. دلیل اصلی کاهش رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱، رشد منفی ۳۷/۴ درصدی بخش نفت بوده است و رشد اقتصادی بدون نفت تنها ۰/۹- درصد بوده است که بیان‌شد ساختار اقتصادی زیربخش‌ها همچون وابستگی به واردات و ارزبری در آسیب‌پذیری زیربخش‌ها نیز مؤثر بوده است.
۷. شناخت اثر تحریم با تمییز رشد اقتصادی کل اعلام‌شده (۶/۸- درصد) از رشد کل بدون نفت (۰/۹- درصد) کافی نیست. لذا در مدل مفهومی و روش بازسازی به آن پرداخته شد.
۸. توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم رشد بخش نفت بر نرخ رشد اقتصادی در قالب مدل مفهومی ارائه‌شده و همچنین تحریم بخش‌های صنعت و خدمات با محاسبات انجام‌شده در چارچوب روش



- بازسازی رشد نشان داد که در صورت عدم وجود تحریم و ملحوظداشتن نرخ رشد صفر برای بخش‌هایی که به‌طور مستقیم تحریم شده‌اند حتی با فرض نادیده‌گرفتن اثرات پسین و پیشین این بخش‌ها، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ رشد مثبت را تجربه می‌کرد.
۹. رشد اقتصادی سال ۱۳۹۲، ۱/۹- درصد بوده است، که به‌معنی عملکرد پایین‌تر تولید نسبت به سال ۱۳۹۱ است.
۱۰. نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در سال ۱۳۹۲، ۱/۱- درصد و نرخ رشد اقتصادی بخش نفت ۸/۹- درصد بوده است که بیانگر تداوم کاهش تولید نفت و اثر کاهنده آن بر رشد اقتصادی است.
۱۱. با توجه به تجربه سال ۱۳۶۱، انتظار بر این بود که تنگنای رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۲ و سال ۱۳۹۳، به‌دنبال توافق با گروه ۵+۱ برطرف شده و شاهد نرخ رشد اقتصادی مثبت بالا در سال ۱۳۹۲ و سال ۱۳۹۳ باشیم که به‌دلیل تداوم کاهش تولید نفت، این امر اتفاق نیفتاده است. البته این خوش‌بینی در ماه‌های اولیه توافق، آثار مثبتی در متغیرهایی چون شاخص بازار سرمایه داشت، ولی با فاصله‌گرفتن زمان توافق و روشن‌شدن محتوای توافق و عدم گشایش در عمل، این انتظارات به ابهام و ناطمینانی تبدیل شد که آثار آن در رکود معاملات و کاهش شاخص بازار سرمایه مشهود است.
۱۲. تکانه‌پذیری رشد اقتصادی ایران ناشی از ساختار تولید (سلطه نفت بر آن)، سازمان انحصاری-دولتی فروش نفت و در جای خود انحصار در خرید نفت ایران است. این امر برای دولت‌هایی مثل آمریکا شناخته شده است و لذا به‌مثابه اهرمی در جنگ اقتصادی علیه ایران استفاده می‌شود.

## ۲.۶. توصیه‌های سیاستی

مطالعه حاضر و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که عوامل غیراقتصادی به‌ویژه تحریم اقتصادی به‌دلیل ساختار اقتصاد ایران سبب کاهش سریع تولید ملی و تکانه‌های شدید رشد اقتصادی در ایران شده‌اند. این امر علاوه بر بحران‌زایی این‌گونه اقدامات که از آن به‌عنوان جنگ اقتصادی نام برده می‌شود به ساختار غیرمقاوم اقتصاد ایران برمی‌گردد. به‌عبارت‌دیگر ترکیب بخشی اقتصاد ایران درجه آسیب‌رسانی این اقدامات سیاسی را افزایش داده است. همان‌طور که ملاحظه شد، سریع‌ترین و بیشترین تکانه‌های رشد ایران از مجرای عملکرد تولید و رشد بخش نفت به رشد کل منتقل می‌شود. دلیل این امر نسبت بالای صادرات نفت خام به تولید آن با توجه به ماهیت خام‌فروشی در این بخش، ناکارآمدی و انحصار دولتی در فروش نفت و به موازات آن به وجود انحصار در خرید آن از سوی مشتریان نفتی است. بدین ترتیب، کاهش تکانه‌پذیری عملکرد تولید و رشد اقتصاد ایران و مقاومت‌سازی آن در قبال پدیده‌هایی چون بحران‌های اقتصادی جهان و تحریم‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دستی بخش نفت و گاز با هدف تنوع‌بخشی به محصولات و اصلاح ناکارآمدی و انحصار در تجارت این بخش است. از یک‌طرف

لازم است محصولات متنوع‌تر و با ارزش افزوده بالاتر در این بخش تولید شود تا با تنوع محصول، انحصار خریداران کاهش یابد و از طرف دیگر، انحصار دولتی در تجارت نفت شکسته و شیوه‌های فروش آن ارتقا یابد. به‌طور مثال خصوصی‌سازی در تجارت و فروش نفت سرعت پذیرد. با این قبیل اقدامات، هم انحصار در خرید شکسته می‌شود و هم قابلیت لازم برای عبور از تحریم‌ها امکان‌پذیر می‌شود، ضمن اینکه درجه تحریم‌پذیری بخش نفت کاهش می‌یابد.

تجزیه‌بخشی و مطالعه زیربخش‌های رشد نشان می‌دهد که تحریم‌پذیری (آنجا که زیربخش، هدف مستقیم تحریم‌ها قرار می‌گیرد) و آسیب‌پذیری (زیربخش‌ها) از تحریم به ساختار فعالیت‌ها همچون وابستگی تولید به واردات (مثل تأمین قطعه و مواد اولیه) و یا انحصار در خرید به دلیل عدم تنوع محصول و لاجرم درجه تمرکز یا قدرت انحصاری مشتریان (اعم از تأمین‌کنندگان و خریداران) آن‌ها برمی‌گردد. لذا در شرایطی که تحریم‌ها به‌صورت ارادی و هوشمند براساس ساختار فعالیت‌ها در اقتصاد ایران تنظیم و اعمال می‌شود، نقش سیاست‌گذاری و هدایت امور اقتصادی برای اصلاح و مقاوم‌سازی ساختار فعالیت‌های اقتصادی، اهمیت دوچندان می‌یابد.

## منابع

برانسون، ویلیام اچ (۱۳۸۵). *تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.  
 حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲). «اقتصاد ایران همراه با تحریم»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲، تابستان.  
 رومر، *اقتصاد کلان پیشرفته* (۱۳۸۳). ترجمه مهدی تقوی، ج ۱، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ([www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)).

سامانه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

غفاری، فرهاد، و سحر مظفری (۱۳۹۲). «اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال اول، شماره ۳، تابستان.

فقیه‌نصیری، مرجان، سیدشمس‌الدین حسینی، و همکاران (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی توسعه، ج ۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گریگوری، ان منکیو (۱۳۹۰). *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء، علی پارسائیان، دانشگاه علامه طباطبائی.

گزارش «نماگرهای اقتصادی» سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۲، بانک مرکزی ج.ا.ا.

گزارش آمار عملکرد مالی دولت در سال ۱۳۹۲، وزارت امور اقتصادی و دارایی.



آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران با تاکید بر تکانه‌های خارجی ...

منظور، داوود، و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲). بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲، تابستان.  
میرزاده، حمید، و سیدشمس‌الدین حسینی «آمار سخن می‌گوید»، کاوش.  
«هنر جنگ اقتصادی اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم»، (۱۳۹۲). معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، مرداد.

Mehrara, Mohsen(2008). The Asymmetric Relationship Between Oil Revenues And  
Economic, Energy Policy, Volume 36.  
World Economic Outlook 2012.  
World Economic Outlook 2013.



## آسیب‌شناسی ساختار اقتصادی کشور از منظر درجه استحکام در

### برابر تکانه‌های بیرونی

محمد رضا رفعتی\*، محمد رضایی پور\*\*

#### چکیده

در این مقاله سعی شده با بهره‌گرفتن از ابزار آمار توصیفی، شناسنامه‌ای کمی و قابل‌سنجش از سطح مقاومت ساختارهای اقتصادی کشور ارائه شود. در این راستا از مجموعه‌ای از نماگرهای اقتصادی رصد و فاصله آن‌ها با مقدار مطلوب تحلیل شده است.

نتایج حاصل از تحقیق حاکی است که اکثر نماگرهای اقتصادی از مقدار مطلوب فاصله زیادی دارند و بدین لحاظ در حال حاضر اقتصاد کشور از درجه استحکام پایینی در مقابل تکانه‌های داخلی و خارجی برخوردار است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد، نماگر، مقاومت

#### مقدمه

با مطرح‌شدن موضوع اقتصاد مقاومتی بحث‌های فراوانی در خصوص این امر صورت پذیرفته و راهکارهایی برای مقاوم‌سازی اقتصاد پیشنهاد گردیده است. اما تاکنون هیچ‌گونه شاخص و رقمی که نشان‌دهنده درجه آسیب‌پذیری اقتصاد باشد، ارائه نگردیده است. بنابراین مشخص نیست که در چه زمینه‌هایی اقتصاد کشور در معرض آسیب قرار دارد و با چه اولویت و میزانی باید به مقاوم‌سازی آن پرداخت.

هدف از این نوشتار ارائه مهم‌ترین شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصاد است. با مقایسه این شاخص‌ها با آستانه تحمل سیستم و رصد آن‌ها نقاط دارای بیشترین آسیب را می‌توان مشخص و ضمن پیش‌آگهی، سیاست‌های لازم برای مقاوم‌سازی اقتصاد را پیشنهاد نمود.

#### شاخص‌های منتخب

از آنجا که اقتصاد از بخش‌های مختلفی تشکیل گردیده و بروز مشکل در هر یک از آن‌ها به سرعت

\* عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، Mr.Rafati@hotmail.com

\*\* عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، Mrezaeepoor59@gmail.com

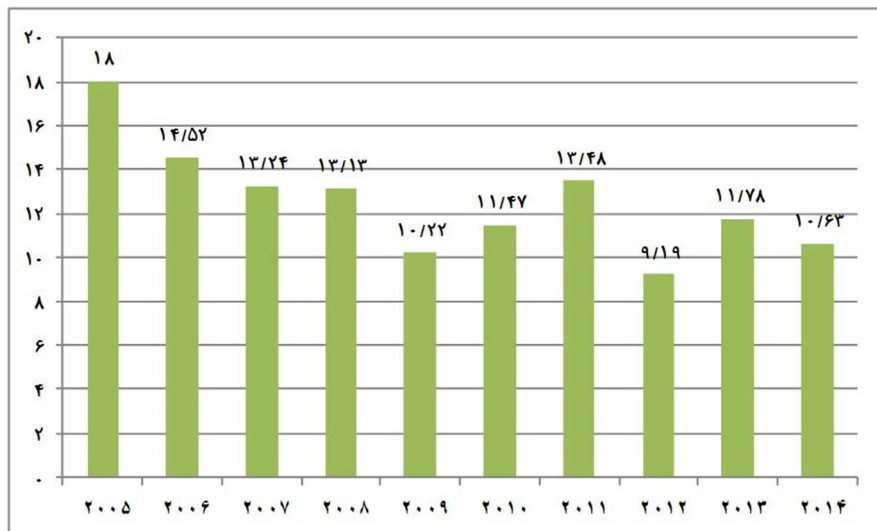
می‌تواند سایر بخش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، بحث مقاوم‌سازی را نمی‌توان تنها به یک بخش خاص محدود نمود. از این‌رو، شاخص‌های منتخب برحسب این بخش‌ها تنظیم و معرفی می‌شوند. برخی از شاخص‌های دیگر که ماهیتی فرابخشی دارند نیز در قالب شاخص‌های توسعه‌ای آورده می‌شوند.

## الف) شاخص‌های مالی

### نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی

اگر این نسبت از حد معینی فراتر رود نه تنها بازپرداخت بدهی‌ها زیر سؤال خواهد رفت و امکان استقراض داخلی و خارجی به‌شدت کاهش خواهد یافت، بلکه مستلزم پرداخت نرخ بهره‌ی بسیار بالاتر خواهد بود. به‌علاوه بخش فزاینده‌ای از بودجه‌ی دولت می‌باید صرف بازپرداخت اصل و فرع این وام‌ها شود. از این‌رو اجرای برنامه‌های ریاضتی، نظیر آنچه در یونان و اسپانیا در حال رخ دادن است، و لطمات ناشی از آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

گرچه این نسبت در کشورهای ثروتمند و دارای ارز معتبر نظیر امریکا و ژاپن می‌تواند تا حدود یک نیز افزایش یابد، لکن در کشور ما این رقم بسیار کوچک‌تر و احتمالاً بین ۰/۱ تا ۰/۱۵ باید باشد. این در حالی است که براساس آخرین گزارش ارائه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد با عنوان "گزارش رقابت‌پذیری جهانی" در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ نسبت مذکور برای اقتصاد ایران ۱۰/۷ درصد اعلام شده است که بر این مبنای ایران در بین ۱۴۸ کشور مورد مقایسه رتبه‌ی نهم را کسب کرده است.



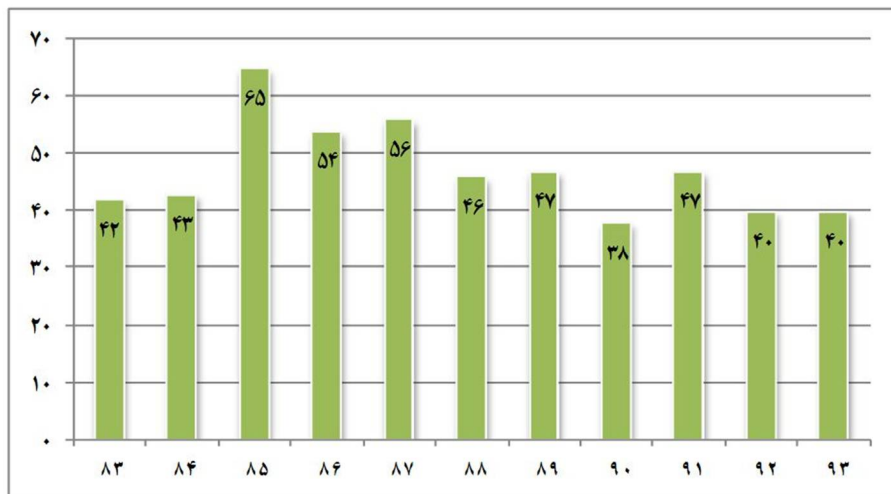
نمودار ۱. نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد)

مأخذ: [unctad.org/en/pages/Statistics.aspx](http://unctad.org/en/pages/Statistics.aspx)

### سهم نفت در بودجه دولت

نظر به نوسانات شدید قیمت نفت و مسائل دیگری نظیر تحریم و احتمال صادرکننده شدن امریکا در آینده‌ای نه‌چندان دور، سهم نفت در بودجه دولت به‌طور بالقوه یکی از نقاط ضربه‌پذیری اقتصاد به شمار می‌آید که گذشته از جنبه‌های درآمدی دولت، از جنبه تسهیل واردات و تضعیف صادرات غیرنفتی، لطمه جدی به تولید و نوآوری در کشور وارد می‌سازد. این شاخص می‌باید در محدوده ۰/۱ تا ۰/۲ کنترل شود. بدیهی است که تمهیداتی نظیر صندوق ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی می‌تواند این ضربه‌پذیری را کاهش دهد.

البته ارقام مندرج در نمودار ۲ حاکی از این واقعیت می‌باشد که در طول یک‌دهه گذشته بجز سال ۱۳۹۰ این نسبت همواره بالاتر از ۴۰ درصد بوده است.

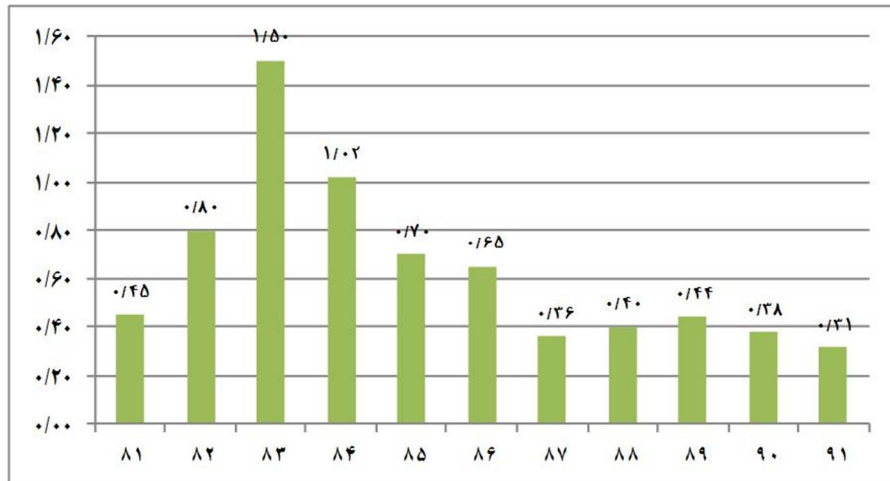


نمودار ۲. سهم منابع درآمدی نفتی دولت از بودجه عمومی کشور (درصد)  
مأخذ: قوانین بودجه کشور

### نسبت بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های خارجی به صادرات

هرچه این نسبت بزرگ‌تر باشد، ضربه‌پذیری اقتصاد بیشتر خواهد بود. تجربه بحران بازپرداخت بدهی‌های خارجی ایران در اوایل دهه ۷۰ و مشکلات ناشی از آن شاهدهی بر این مدعاست. این شاخص در اغلب کشورهای جهان کمتر از ۰/۲ است و برای ایران نیز همین امر قابل‌توصیه است.

با وجود این براساس آمار مربوط به بدهی‌های خارجی کوتاه‌مدت که توسط اداره آمار و تعهدات ارزی بانک مرکزی ج.ا.ایران منتشر شده است. نسبت مذکور در اکثر سال‌های گذشته بالاتر از ۰/۳ بوده است.



نمودار ۳. نسبت بدهی‌های خارجی کوتاه‌مدت به ارزش صادرات ایران  
مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی ایران

### نسبت قیمت سهام به سود آن‌ها

شکل‌گیری حباب در بورس و ترکیدن آن می‌تواند به سرعت بازارهای مالی، ارزی و مستغلات را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را دستخوش توجع نماید. یکی از شاخص‌های نشانگر حباب در بورس نسبت سود سهام به قیمت آن‌هاست که در شرایط عادی نباید فاصله زیادی با نرخ سود بانکی یکساله داشته باشد. فرضاً در حال حاضر این نسبت باید حدود ۰/۲ باشد. بنابراین، اگر قیمت سهام بیش از ۵ برابر سود مورد انتظار باشد، خطر حبابی بودن بورس وجود دارد. این در حالی است که براساس آخرین گزارش ارائه‌شده توسط اداره آمار و اطلاعات معاونت بازار شرکت بورس اوراق بهادار تهران در زمستان سال گذشته، از بین ۳۵ صنعت حاضر در بورس اوراق بهادار تهران که ۲۸۲ شرکت را در خود جای داده است، ۱۴ صنعت شامل استخراج سایر معادن، استخراج نفت، گاز و خدمات جنبی جز اکتشاف، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و پولی، دباغی، پرداخت چرم و انواع پاپوش، رایانه، رادیو و تلویزیون، سایر واسطه‌گری‌های مالی، سیمان، آهک و گچ، شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی، فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای، فلزات اساسی، کشاورزی، دامپروری و خدمات وابسته به آن و لاستیک و پلاستیک متوسط قیمت به درآمدی (P/E) کمتر از ۹ مرتبه داشتند. متوسط نسبت قیمت به درآمد (P/E) تعداد ۱۴ صنعت نیز بین ۹ تا ۱۵ قرار دارد.

### فرار سرمایه و ورود سرمایه خارجی

سرمایه یک عنصر بسیار سیال است و جریان عادی آن نباید خطر ساز تلقی شود. اما اگر در طول سالیان

متمادی فرار سرمایه از کشور وجود داشته باشد، این امر با تحلیل بردن توان اقتصادی کشور، منجر به لطمه دیدن اقتصاد می‌شود و از درجه مقاوم بودن آن می‌کاهد. شاخص ایده‌آل آن است که این رقم صفر باشد. خروج یکباره می‌تواند بازارهای مالی و ارزی کشور را به شدت متلاطم سازد. لکن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مفید و حتی ضروری تلقی می‌شود. چراکه با خود تکنولوژی جدید، مدیریت، کانال‌های فروش و ... را می‌تواند به همراه داشته باشد. با توجه به سهم ایران در تولید ناخالص جهان و با توجه به محرومیت بخش‌های غیرنفتی از این امر در سال‌های گذشته، حداقل ۲ درصد از کل FDI جهان سالانه باید به بخش‌های غیرنفتی کشور اختصاص یابد. براساس گزارش سال ۲۰۱۴ کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در طول سال ۲۰۱۳ حدود ۳/۵ میلیارد دلار است که در میان ۲۰۲ کشور جهان، ایران در رتبه ۵۹ جهان از نظر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار گرفته است. (کل FDI جهان معادل ۱۴۵۰ میلیارد دلار گزارش شده است).



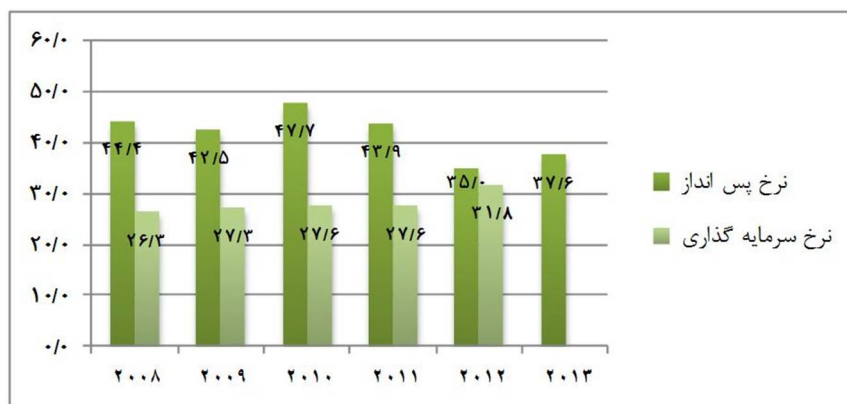
نمودار ۴. میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)

مأخذ: [unctad.org/en/pages/Statistics.aspx](http://unctad.org/en/pages/Statistics.aspx)

### نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

هرگاه نرخ پس‌انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری، پایین باشد، با توجه به وجود استهلاک، ذخایر سرمایه کشور کاهش می‌یابد یا تغییر قابل‌ملاحظه‌ای پیدا نمی‌کند. بدین ترتیب، پتانسیل رشد اقتصادی به شدت محدود می‌گردد و اقتصاد از پویایی بازمی‌ایستد و فاصله ما با رقبای منطقه‌ای و جهانی افزایش می‌یابد و این امر با تشدید خروج سرمایه و مغزها از کشور و منحرف کردن سرمایه‌گذاری خارجی به سوی کشورهای رقیب ما را از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در موضع ضعف قرار می‌دهد. نرخ پس‌انداز ۵۰ درصد در چین در قیاس با نرخ پس‌انداز ۱۷ درصدی در امریکا طی دهه‌های اخیر را می‌توان در این ارتباط بسیار گویا دانست. سنگاپور، مالزی و هند نیز نرخ‌های بالاتر از ۴۰ و ۳۰ درصدی را داشته‌اند.

آمار و اطلاعات برگرفته‌شده از گزارشات صندوق بین‌المللی پول حاکی است از اینکه نرخ پس‌انداز در ایران از سال ۲۰۰۸ تاکنون در حدود ۴۰ درصد متغیر بوده است. در حالی که نرخ سرمایه‌گذاری بجز در سال ۲۰۱۲ بیشتر در حدود ۲۷ درصد بوده است. در واقع این مطالب مبین این واقعیت می‌باشد که یا بازارهای مالی و سرمایه کشور از کارایی لازم جهت تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری برخوردار نمی‌باشند و یا اینکه بخش عمده‌ای از پس‌انداز اشخاص به انگیزه حفظ ارزش ثروت و سفته‌بازی به شکل خرید ارز و مسکوکات انجام می‌شود.



نمودار ۵. نرخ پس انداز ناخالص ملی (درصد از GDP)  
 مأخذ: International Monetary Fund (IMF)

### تراز مالی سازمان تأمین اجتماعی

بودجه ۴۶۰ هزار میلیارد ریالی سازمان تأمین اجتماعی در مقایسه با بودجه ۲۳۵۰ هزار میلیاردی دولت، به‌خوبی نقش و اهمیت این سازمان در اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. از این‌رو، همانند کسری بودجه در دولت، کسری بودجه در این سازمان نیز می‌تواند تبعات جدی در زمینه لطمه‌دیدن معیشت و بهداشت کارکنان تحت پوشش این سازمان (حدود ۱۲/۵ میلیون بیمه‌شده اصلی و ۳۸ میلیون بیمه‌شده اصلی و تبعی) دربر داشته باشد و باید تداوم کسری بودجه در این سازمان به‌عنوان یک تهدید جدی در نظر گرفته شود.

### (ب) شاخص‌های پولی

در بازار پول نیز چند شاخص می‌تواند نشانگر درجه شکنندگی اقتصاد کشور باشد.

### نسبت چک‌های برگشت‌خورده به چک‌های مبادله‌شده

این نسبت از حدود ۵ درصد در اواسط دهه ۱۹۸۰ به حدود ۱۲ درصد در سال‌های ۹۲-۸۹ بالغ گردیده

است که به‌نوعی نشان‌دهنده ریسک در انجام مبادلات است که به‌واسطه اثر سرایت ۱ آن می‌تواند لطامت جدی بر اقتصاد وارد آورد. شاید بتوان ارقام کمتر از ۵ درصد را در این ارتباط قابل قبول ذکر کرد.

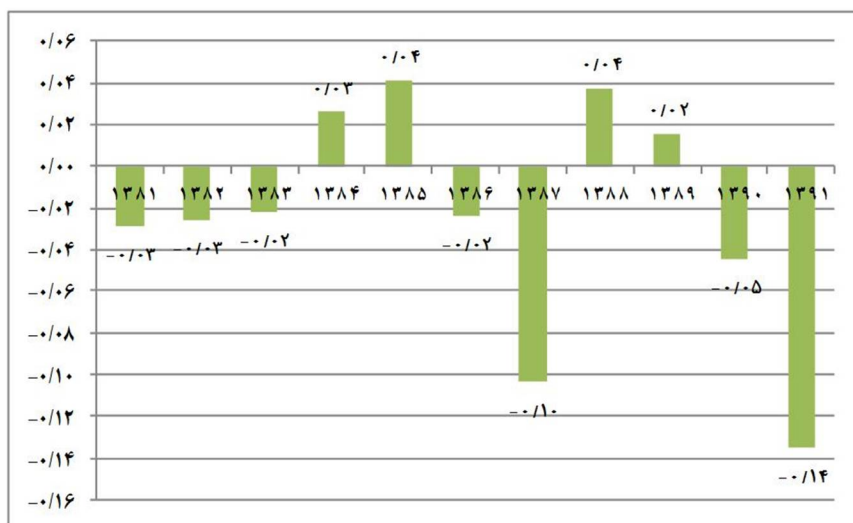
### سهم مطالبات معوق بانکی در تسهیلات اعطایی

این نسبت در حال حاضر حدود ۱۵ درصد برآورد شده که به لحاظ محروم‌سازی واحدهای تولیدی از سرمایه در گردش مورد نیاز و نیز به‌مخاطره‌افکندن سیستم بانکی کشور، نقش مهمی در شکنندگی اقتصاد می‌تواند بازی کند. برای این موضوع نیز رقمی حدود ۲ الی ۵ درصد را می‌توان قابل قبول دانست.

### نرخ واقعی بهره (نرخ بهره منهای نرخ تورم انتظاری)

این نرخ به‌طور معمول نباید با نرخ تورم مورد انتظار بیش از ۱ تا ۲ درصد فاصله داشته باشد. اگر این نرخ منفی شود و مثلاً به ۱۰- درصد برسد، نتیجه آن هجوم نقدینگی به سایر بازارها (ارز، طلا، بورس و مستغلات) و حبایی ساختن آن‌ها خواهد بود که تبعات تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد را به همراه خواهد داشت و در صورت امکان می‌تواند به خروج سرمایه از کشور نیز منتهی گردد.

ارقام مندرج در نمودار ۶ حاکی است که نرخ بهره حقیقی ایران در اکثر سال‌های گذشته منفی بوده است که به‌طور حتم علت اصلی آن کنترل نرخ اسمی بهره و نرخ تورم بالای موجود در کشور می‌باشد.



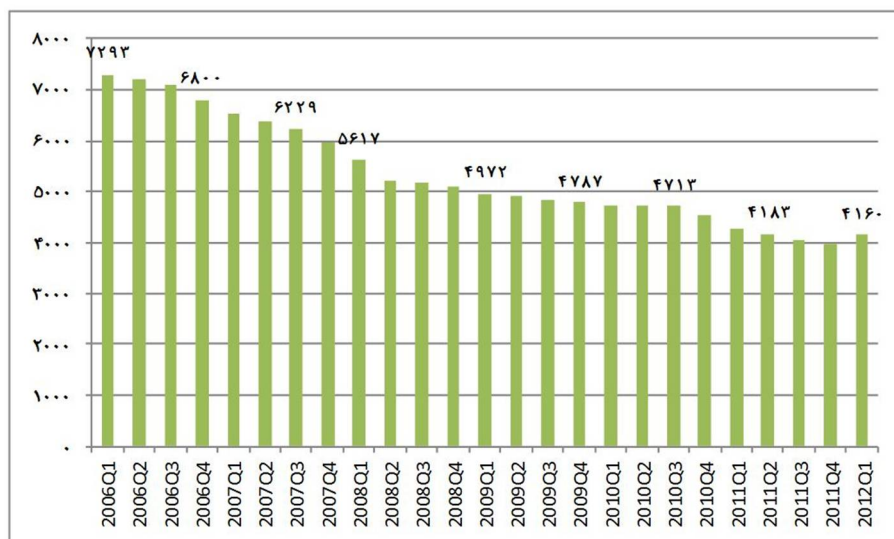
نمودار ۶. نرخ بهره حقیقی در ایران (درصد)  
مأخذ: گزارشات رسمی بانک مرکزی ایران

## 1. domino effect

### شاخص نرخ واقعی ارز (نرخ اسمی ارز ضربدر نسبت قیمت‌های خارجی به داخلی)

این شاخص که نشان‌دهنده قدرت رقابت قیمتی محصولات داخلی با محصولات خارجی است، علی‌الاصول در کوتاه‌مدت نباید نوسانات شدیدی را دربر داشته باشد. مثلاً اگر این نسبت یکباره ۲۰ درصد کاهش یابد به مفهوم آن است که قیمت واردات به همین میزان ارزان‌تر از تولید داخلی شده و به همین نسبت صادرکنندگان ریال کمتری از محل صادرات، در مقایسه با فروش آن در بازار داخلی، کسب می‌نمایند. در نتیجه، تولید داخلی و صادرات هر دو لطمه می‌بینند.

مؤسسه تحقیقاتی بروگل (Bruegel)<sup>۱</sup> متشکل از اعضای دولت‌های اروپایی، سالانه گزارش‌های مختلفی در حوزه اقتصاد جهان ارائه می‌دهد که یکی از این گزارش‌ها در خصوص نرخ مؤثر حقیقی ارز ۲ در کشورهای مختلف می‌باشد. براساس گزارش این مؤسسه روند تغییر نرخ واقعی ارز ایران در برابر سیدی از پول ۱۳۸ کشور دیگر به شکل فصلی از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۳ به شکل نمودار ۷ می‌باشد.



نمودار ۷. نرخ واقعی ارز

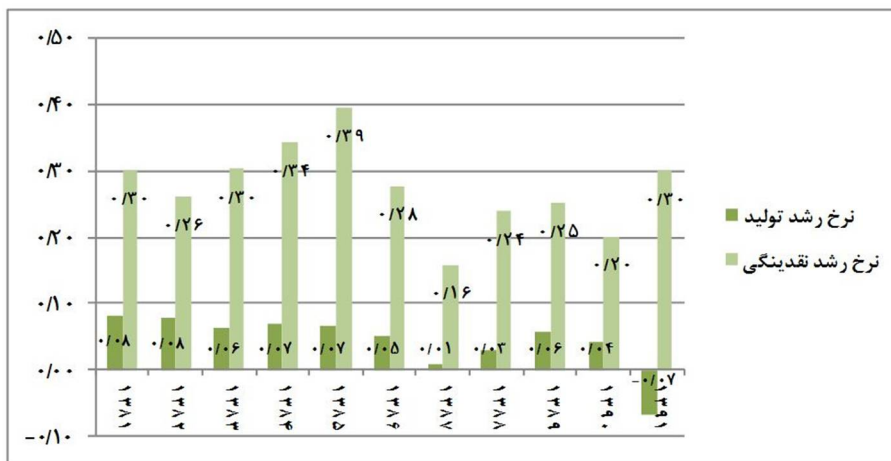
مأخذ: [bruegel.org/datasets/real-effective-exchange-rates](http://bruegel.org/datasets/real-effective-exchange-rates)

1. <http://www.bruegel.org/datasets/real-effective-exchange-rates-for-178-countries-a-new-database/>.
2. the real effective exchange rate (REER).

### رشد نقدینگی و تولید

در شرایط عادی، رشد نقدینگی نباید از رشد واقعی تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، اگرچه در دوران رکود و به‌منظور خروج از آن، رشد بیشتر و در دوران تورم شدید به‌منظور کاهش تورم می‌توان از نرخ رشد کمتری استفاده کرد. هر قدر رشد نقدینگی از رشد تولید بیشتر باشد و هرچه این امر استمرار بیشتری یابد، فشارهای تورمی بیشتری در اقتصاد ظهور کرده یا برای ظهور بعدی انباشته خواهد شد و بر پتانسیل شکنندگی اقتصاد خواهد افزود.

نمودار ۸ حاکی از این واقعیت می‌باشد که نرخ رشد نقدینگی در یک دهه گذشته روند منظمی نداشته هرچند در سال ۱۳۸۷ روند این رشد نسبت به سال‌های گذشته از کاهش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است، اما همواره چندین برابر نرخ رشد تولید واقعی کشور بوده است.



نمودار ۸. نرخ رشد نقدینگی و تولید  
 مأخذ: گزارشات رسمی بانک مرکزی ایران

### ج) شاخص‌های تجاری

در این زمینه نیز شاخص‌های متعددی را می‌توان برای ضربه‌پذیر بودن اقتصاد معرفی کرد.

#### درجه تمرکز کشوری

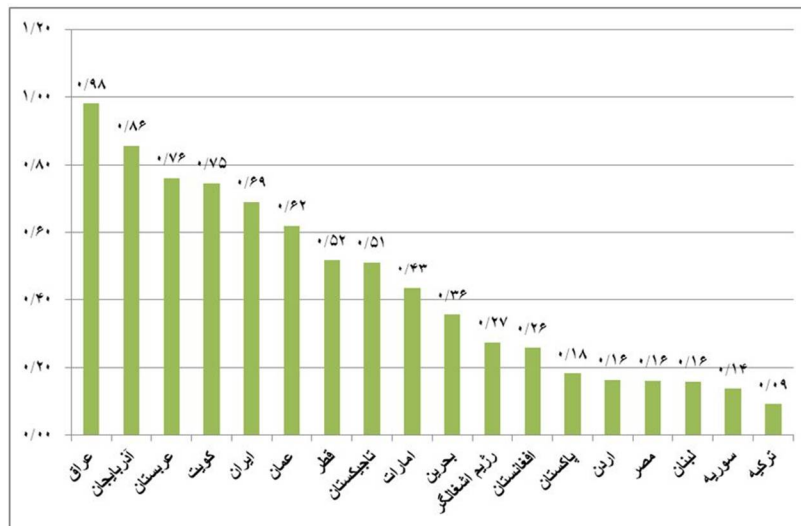
هرگاه بخش اعظم تجارت خارجی کشور (صادرات و یا واردات) به یک یا چند کشور اختصاص یابد، این خطر وجود دارد که با تغییرات سیاسی یا اقتصادی در آن کشورها، تجارت و اقتصاد کشور دچار لطمه جدی شود. در حال حاضر سهم ۵ کشور عمده در صادرات غیرنفتی و واردات ما به‌ترتیب معادل ۶۲

درصد و ۵۸ درصد است که این امر، به‌ویژه با توجه به برخی از تنازعات بالقوه و بالفعل با برخی از این کشورها، به‌صورت یک تهدید بالقوه برای تجارت خارجی و اقتصاد کشور محسوب می‌گردد.

### درجه تمرکز کالایی

حدود دو سوم از صادرات کالایی کشور را نفت و گاز تشکیل می‌دهد که از جانب نوسان شدید در قیمت نفت و یا تحریم نفتی در معرض تهدید قرار دارد. در صادرات غیرنفتی نیز میعانات گاز و محصولات پتروشیمی نیمی از صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهند. این درجه تمرکز در خصوص واردات اگرچه در مجموع رقم پایین‌تری است، لکن در خصوص برخی کالاهای اساسی و نهاده‌های مورد نیاز آن‌ها از قبیل روغن، شکر، ذرت، سویا، برنج، گندم و جو، میزان وابستگی به واردات بسیار بالاست که به‌طور بالقوه می‌تواند امنیت غذایی کشور را به مخاطره بیندازد.

آنکتاد سالانه شاخصی تحت عنوان شاخص تمرکز در صادرات و واردات برای کشورهای مختلف ارائه می‌نماید. شاخص تمرکز نشان می‌دهد که چگونه صادرات و واردات کشور یا گروهی از کشورها در چندین محصول متمرکز شده و یا در غیر این صورت در یک شیوه‌ای همگن‌تر در میان یک‌سری از محصولات توزیع شده است. مقدار این شاخص بین صفر و یک می‌باشد. هر چقدر به یک نزدیک‌تر باشد تمرکز بیشتر است. نمودار ۹ آخرین گزارش ارائه‌شده توسط آنکتاد در سال ۲۰۱۲ است. بر مبنای این گزارش در منطقه خاورمیانه و کشورهای همسایه، عراق، آذربایجان و عربستان بالاترین تمرکز را در محصولات تجاری خود دارند. ایران نیز از تمرکز نسبتاً بالایی در کالاهای صادراتی و وارداتی برخوردار می‌باشد.



نمودار ۹. درجه تمرکز در صادرات و واردات

مأخذ: Index CONCENTRATION of exports and imports, prepared by UNCTAD, 2012

### ضریب کفایت ذخایر ارزی

این ضریب که از تقسیم ذخایر ارزی به واردات به‌دست می‌آید نشان می‌دهد که ذخایر ارزی کشور به‌تنهایی چند ماه می‌تواند واردات کشور را تأمین نماید. این نسبت در ایران بسیار بالاست و معادل ۱۴/۸ ماه محاسبه شده است و در شرایط فعلی (بدون لحاظ محدودیت در نقل و انتقال ذخایر) خطر چندانی متوجه ما نیست. البته ترکیب ذخایر ارزی و حتی محل نگهداری آن‌ها نیز می‌تواند در ضربه‌پذیری اقتصاد ایفای نقش نماید.

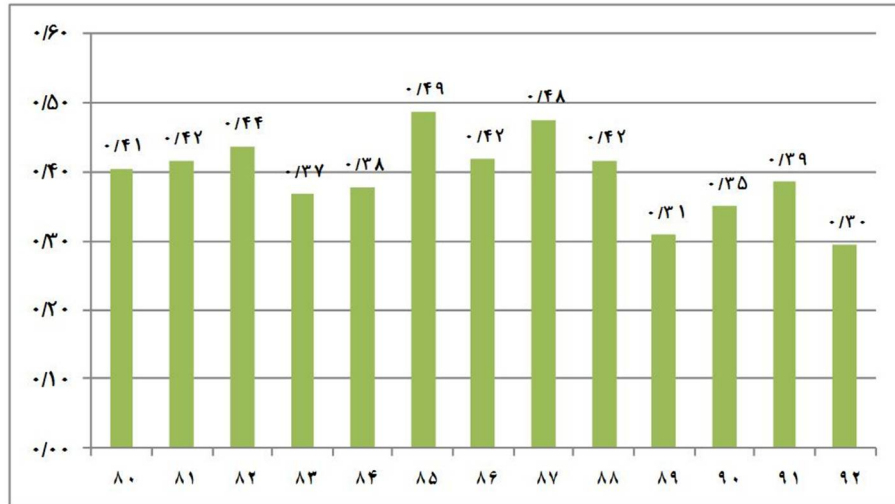
### اتکای تولید به حمایت‌های تجاری

در این ارتباط، دو شاخص عمده قابل طرح است. اول نرخ حمایت مؤثر از تولید داخلی در مقابل واردات و دوم نرخ یارانه اعطاشده به صادرات. بالابودن این دو نرخ حاکی از آن است که تولید داخلی در غیاب آن‌ها قادر به رقابت در بازار داخلی و بازار جهانی نیست. از آنجا که این قبیل حمایت‌ها به‌دلایل مالی و یا به‌واسطه عضویت در پیمان‌های تجاری دو یا چندجانبه قابل‌تداوم نخواهند بود، بالابودن این نرخ‌ها به مفهوم آسیب‌پذیری اقتصاد در آینده خواهد بود.

البته حدود ۸۵ درصد از واردات رسمی کشور از کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه تشکیل شده که اغلب آن‌ها حقوق ورودی پایینی دارند. لکن، حقوق ورودی کالاهای نهایی نظیر پوشاک و خودرو بسیار بالاست که نشانگر لطمه‌پذیربودن آن‌هاست. در خصوص یارانه‌های صادراتی باید به یارانه‌های غیرمستقیم ناشی از پایین‌بودن قیمت انرژی اشاره کرد که این مورد در حال حذف‌شدن است و بنابراین می‌تواند صنایع انرژی‌بر و صادراتی کشور را با چالش جدی مواجه نماید.

### روند تضعیف رابطه مبادله

رابطه مبادله (نسبت قیمت صادرات به قیمت واردات) نشان می‌دهد که در ازای یک واحد واردات چه میزان صادرات باید کرد. حال اگر روند این شاخص رو به کاهش باشد، یعنی کشور باید برای تأمین یک واحد واردات، دائماً کالای بیشتری صادر کند، که این امر ناشی از صدور کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین است. از این‌رو، تداوم این روند به‌معنای عقب‌ماندگی کشور و نیز ضربه‌پذیری اقتصاد آن است، چراکه مواد خام معمولاً با نوسانات قیمت بیشتری نیز روبه‌رو هستند. متأسفانه ارقام مندرج در نمودار ۱۰ حاکی از این واقعیت می‌باشند که در طول سال‌های یک دهه گذشته رابطه مبادله خالص ایران تقریباً از روندی نزولی برخوردار بوده است.



نمودار ۱۰. رابطه مبادله خالص

مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی و گمرک ایران

### درجه رقابت‌پذیری

حفظ و یا توسعه مزیت‌های نسبی و رقابتی یک کشور به هر صورت که تعریف و اندازه‌گیری شوند در نهایت، خود را به شکل حضور کشور در بازارهای جهانی و سهم کشور در صادرات جهان نشان خواهند داد. برای هر کشور می‌توان با توجه به امکانات طبیعی، نیروی انسانی ماهر، تکنولوژی، و سرمایه آن کشور سهم مشخصی از صادرات جهانی را متصور شد. با مقایسه این عدد با وضعیت فعلی کشور و روند تغییر آن می‌توان به تغییر در رقابت‌پذیری کشور پی برد.

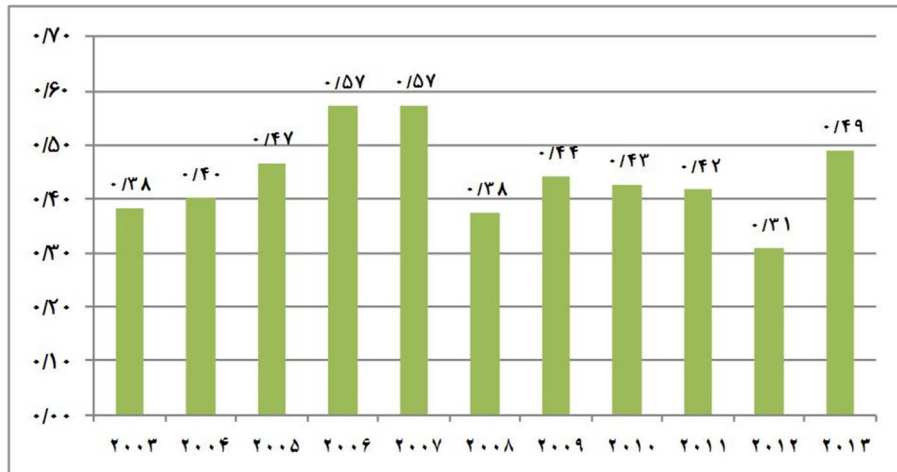
به‌عنوان مثال با توجه به جمعیت، مساحت، منابع طبیعی و نیروی انسانی تحصیل کرده در کشور ایران، شاید بتوان رقمی مانند ۱ درصد را به‌عنوان پتانسیل طبیعی سهم ایران در صادرات غیرنفتی جهان در نظر گرفت. لکن در حال حاضر سهم صادرات غیرنفتی کشور از صادرات جهان حدود ۰/۲ درصد می‌باشد.<sup>۱</sup> نمودار ۱۱ نیز حاکی است که حتی در صورت لحاظ‌کردن صادرات نفت، این سهم از ۰/۵ درصد فراتر نخواهد رفت.

### نسبت صادرات غیرنفتی به واردات

هرچه این نسبت کاهش یابد، نشانگر اتکای بیشتر تجارت خارجی به صدور نفت و در نتیجه درجه آسیب‌پذیری بالاتر اقتصاد خواهد بود. رقم مطلوب برای این نسبت عدد یک یا رقمی بزرگ‌تر از آن

۱. صندوق بین‌المللی پول ارزش صادرات جهان در سال ۲۰۱۳ را بالغ بر ۲۰ هزار میلیارد دلار برآورد نموده است.

است. در سال ۹۲ این نسبت حدود ۰/۸ بوده که عمدتاً به دلیل تحریم و کاهش واردات بهبود یافته است. در سال‌های قبل از تشدید تحریم این رقم حدود ۰/۶ بوده است.



نمودار ۱۱. سهم صادرات ایران از صادرات جهان (درصد)  
 مأخذ: wits.worldbank.org and IMF reports

#### د) شاخص‌های توسعه‌ای

شاخص‌های دیگری را نیز می‌توان ذکر کرد که به بخش خاصی مربوط نمی‌شوند و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان شاخص‌های توسعه‌ای در نظر گرفت. از قبیل:

##### خروج نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها)

فرار مغزها، گذشته از هزینه‌های صرف‌شده جهت تربیت آن‌ها، با تحلیل‌بردن سرمایه انسانی و خلاقیت و نوآوری، تضعیف مدیریت اقتصادی و ... اقتصاد کشور را در عرصه رقابت جهانی تضعیف می‌کند و آن را در مقابل شوک‌های وارده آسیب‌پذیر می‌سازد. آمار خروج مغزها از کشور بسیار نگران‌کننده است و برآوردها از خسارات بالای یکصد میلیارد دلاری در این زمینه حکایت دارد. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل‌کرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند و ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌نیافته جهان مقام اول را از آن خود کرده است.

##### آمایش سرزمینی

گذشته از ملاحظات اقتصادی و توسعه منطقه‌ای متوازن، آنچه در بحث اقتصاد مقاومتی باید مدنظر قرار

گیرد، توزیع متوازن واحدهای اقتصادی کشور با توجه به احتمال بروز بلایای طبیعی نظیر زلزله و برخوردهای احتمالی نظامی و تحریم است. به‌عنوان نمونه، تمرکز بخش بزرگی از واحدهای تولیدی در استان تهران این خطر را دربر دارد که در صورت بروز زلزله، لطمه جدی به اقتصاد کشور وارد آید. به همین ترتیب، تمرکز مبادی ورود کالاهای وارداتی در تعداد محدودی از بنادر جنوبی کشور در صورت تحریم (یا محاصره دریایی) شوک بزرگی به تولید و تجارت کشور وارد خواهد کرد.

در نمودار ۱۲ سعی شده است براساس آخرین آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران سهم استان تهران در تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت و جمعیت متمرکز در این استان نسبت به کل کشور به تصویر کشیده شود. آمار به‌خوبی گویای تمرکز بیش از حد نیروی انسانی و تولید در استان تهران می‌باشد و این موضوع به‌لحاظ امنیتی پریسک محسوب می‌شود.



نمودار ۱۲. سهم تهران از تولید و جمعیت کشور  
 مأخذ: گزارش سالانه مرکز آمار ایران

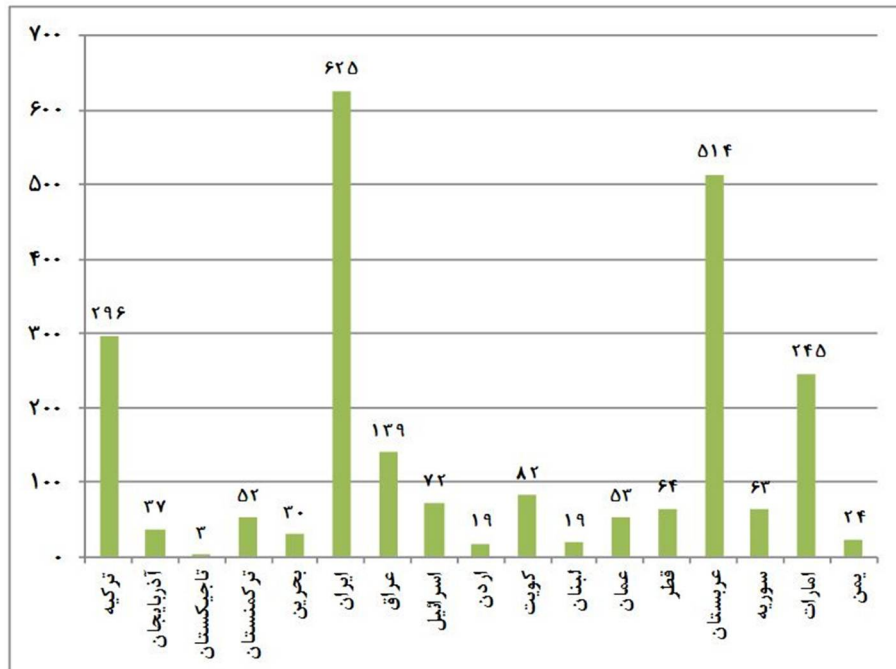
### حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی

حکمرانی خوب به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌گردد و دولتی که از این موهبت برخوردار باشد نه تنها در برابر شوک‌های وارده از داخل و خارج کشور مقاومت بیشتری از خود نشان خواهد داد، بلکه می‌تواند با تکیه بر منابع و توانمندی‌های مردم کشور، به سرعت در مقابل این شوک‌ها واکنش نشان دهد و آن‌ها را برطرف نماید. حمایت گسترده مردمی در خلال دوران جنگ را می‌توان در مقابل انصراف درصد قلیلی از مردم در دریافت یارانه به‌عنوان تضعیف سرمایه اجتماعی مدنظر قرار داد. درصد شرکت در انتخابات شاخص مناسبی در این زمینه است.

### توسعه پایدار

یک اقتصاد هنگامی مقاوم است که روند رشد و توسعه آن قابلیت تداوم داشته باشد. برداشت بی‌رویه از منابع تجدیدناپذیر و آلودگی فزاینده محیط زیست، از جمله عمده‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در میان مدت یا بلندمدت، با از میان بردن این منابع و درآمدهای حاصل از آن‌ها و یا تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون کیوتو، به روند رشد و توسعه کشور لطمه جدی وارد سازند. روزهای آلودگی هوا و برداشت صیانتی از منابع طبیعی را می‌توان از جمله شاخص‌های مناسب در این زمینه دانست. شاخص گازهای گلخانه‌ای محصول مؤسسه مطالعات انرژی امریکا (eia) است. این شاخص در مورد میزان تولید گازهای سمی ناشی از مصرف انرژی در کشورهای مختلف است. این شاخص براساس میلیون متریک تن دی‌اکسیدکربن حاصل از مصرف انواع انرژی برای کشورهای مختلف محاسبه و سالانه منتشر می‌شود. بر مبنای نمودار ۱۳ که حاکی است از آخرین رتبه‌بندی ارائه‌شده توسط (eia)، در سال ۲۰۱۱ ایران با ۶۲۵ میلیون متریک تن بیشترین گاز دی‌اکسیدکربن را در منطقه ایجاد نموده است و بعد از آن کشورهای عربستان و ترکیه قرار دارند.

تاجیکستان با حدود ۳ میلیون متریک تن گاز دی‌اکسیدکربن کمترین سهم را در آلودگی محیط زیست این منطقه دارد. البته شایان ذکر است که تولید دی‌اکسیدکربنی رابطه مستقیمی با حجم تولید ناخالص داخلی کشورها دارد، لذا مناسب است که در این مقوله وضعیت ایران با کشوری همچون ترکیه و یا عربستان و امارات مقایسه شود که همچون ایران از حجم بالایی در تولیدات صنعتی یا کارخانه‌ای برخوردار می‌باشند.



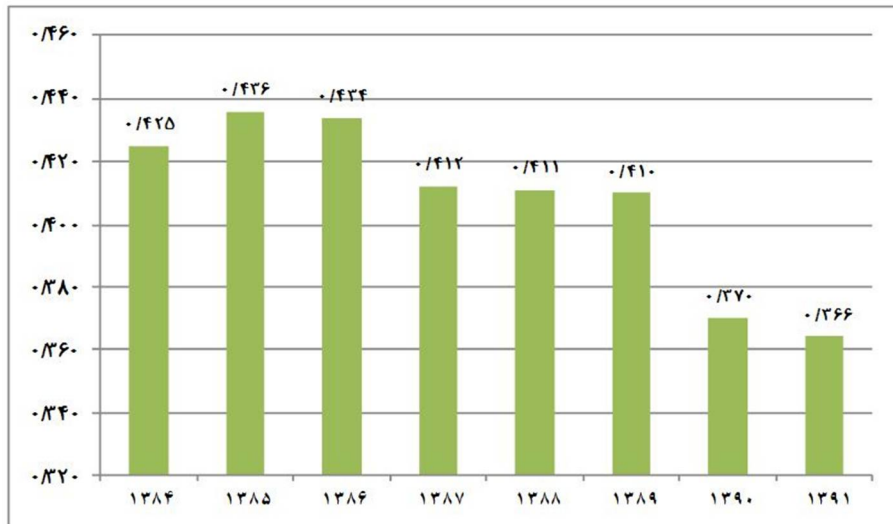
نمودار ۱۳. تولید دی‌اکسید کربن در ایران

مأخذ: Total Carbon Dioxide Emissions, published by eia, 2011

### توزیع متعادل درآمدها

توزیع نامناسب درآمد و فقر ناشی از آن به دلیل تقویت زمینه ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی می‌تواند از درجه مقاوم بودن اقتصاد بکاهد، به‌ویژه هنگامی که این توزیع نامناسب درآمد در میان استان‌ها و قومیت‌های مختلف به‌گونه بارزی بروز نماید. وجود استان‌های محروم که عمدتاً بلوچ‌ها، کردها و عرب زبان‌های ایرانی را در خود جای داده‌اند می‌تواند در این ارتباط محل تأمل باشد.

با توجه به روند تغییر ضریب جینی در مراحل توسعه اقتصادی، عدد دقیقی را نمی‌توان برای این شاخص پیشنهاد کرد. اما هرچه این ضریب کمتر از ۰/۴ باشد، وضعیت توزیع درآمد مناسب‌تر خواهد بود. ارقام مندرج در نمودار ۱۴ حاکی از روند نزولی ضریب جینی در سال‌های گذشته می‌باشد. این موضوع مربوط به سیاست‌های بازتوزیعی دولت در هدفمندی یارانه‌ها و طرح سهم عدالت می‌باشد. البته براساس واقعیت‌های اقتصاد ایران پیش‌بینی می‌شود این ضریب در سال ۱۳۹۲ بیشتر شود.



نمودار ۱۴. ضرب جینی ایران  
مأخذ: گزارشات آماری مرکز آمار ایران

### خلاقیت و نوآوری

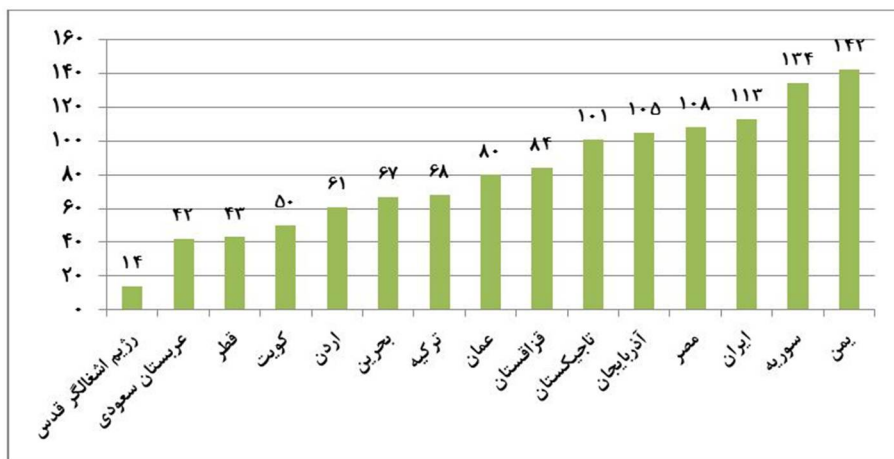
نوآوری در واقع هنر به کارگرفتن اندیشه و تفکر خلاقانه عوامل انسانی در راستای بهبود کارایی و بهره‌وری در سیستم‌های عملیاتی محسوب می‌شود. امروزه دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در محیط‌های خلاق نوآوری و پشتیبانی از نوآوران زمینه رشد کمی و کیفی اقتصاد را بهتر فراهم می‌نمایند.

سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>۱</sup> و مدرسه بین‌المللی کسب و کار هر ساله گزارشی در خصوص وضعیت کشورها در حوزه شاخص نوآوری ارائه می‌دهند. شاخص نوآوری جهانی از متوسط‌گیری نمرات تمام ورودی‌ها (که به توصیف فضای مساعد برای نوآوری می‌پردازند) و خروجی‌ها (که میزان دستاوردهای واقعی نوآوری را می‌سنجند) به دست می‌آید. پنج محور اصلی، زیرشاخص ورودی‌های نوآوری را تشکیل می‌دهند: مؤسسات آموزشی، سرمایه انسانی و پژوهشی، زیرساخت‌ها، وضعیت بازار و وضعیت کسب و کار. زیرشاخص خروجی‌ها از دو محور اصلی خروجی‌های علمی و خروجی‌های خلاقانه تشکیل شده است. شاخص بازده نوآوری، که از نسبت دو زیرشاخص ذکر شده حساب می‌شود، نشان می‌دهد که چگونه اهرم عوامل محیطی می‌تواند نوآوری را تشویق نماید.

در نمودار ۱۵، ایران و ۱۴ کشور منطقه از نظر رتبه جهانی شاخص نوآوری در سال ۲۰۱۳ مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. رژیم اشغالگر قدس به علاوه سه کشور کویت، قطر و عربستان از رتبه‌ای زیر ۵۰

1. world intellectual property organization

برخوردار هستند. در حالی که ایران با رتبه ۱۱۳ از ۱۴۴ کشور دنیا در منطقه و جهان از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.



نمودار ۱۵. شاخص نوآوری

مأخذ: Index Global Innovation, prepared by World Intellectual Property Organization

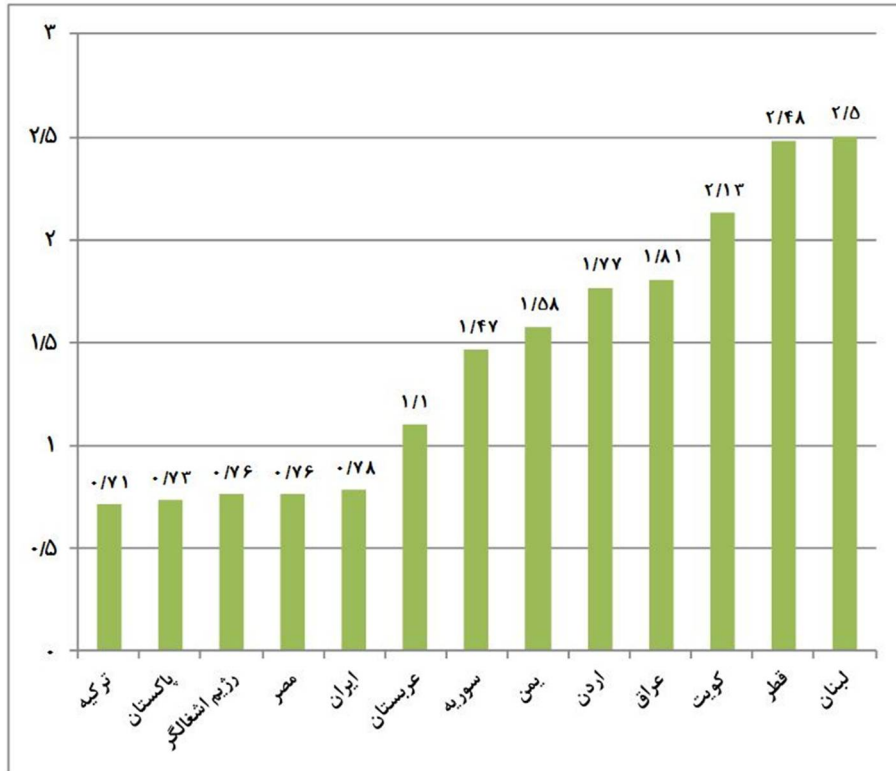
### قدرت نظامی

متون سیاسی موجود دیپلماسی را مترادف با مذاکره و به صورت یک روش در سیاست معرفی می‌نمایند. از آنجا که مذاکره همواره بین دو طرف به منظور حصول به توافق صورت می‌گیرد، لذا وجود یک پشتوانه قدرتمند و مؤثر برای وادار کردن طرف مقابل به پذیرفتن خواسته‌ها و آرا می‌تواند در دیپلماسی بسیار مفید و تسهیل کننده باشد. یکی از این پشتوانه‌ها همواره توان بالقوه و بالفعل کشورها به لحاظ نظامی بوده است. لذا در شرایطی که کشور در تحریم به سر می‌برد و دیپلمات‌های کشور در چارچوب اقتصادی مقاومتی در حال مذاکره با دول خارجی می‌باشند وجود قدرت نظامی می‌تواند مفید و پرکاربرد محسوب شود.

مؤسسه معتبر گلوبال فایر پاور (Global Firepower) هر ساله شاخصی در خصوص قدرت نظامی (GFP) ۶۸ کشور جهان ارائه می‌دهد. در تهیه این شاخص عواملی به شرح زیر در نظر گرفته شده است: تعداد سربازان ارتش و سربازان رزرو، ظرفیت وسایل حمل و نقل، تعداد تجهیزات نظامی و بودجه نظامی، البته برابر آمار منتشره از سوی مؤسسه مذکور در سال ۲۰۱۳، ایران با کسب نمره ۰/۷۸ در بین ۶۸ کشور مورد بررسی رتبه ۱۶ را به خود اختصاص داده است.

بر مبنای نمودار ۱۶ که حاکی است از آخرین رتبه‌بندی ارائه شده توسط گلوبال فایر در سال ۲۰۱۳

ایران پنجمین قدرت نظامی منطقه محسوب می‌شود.



نمودار ۱۶. شاخص قدرت نظامی

مأخذ: GDP Index, prepared by global firepower, 2013

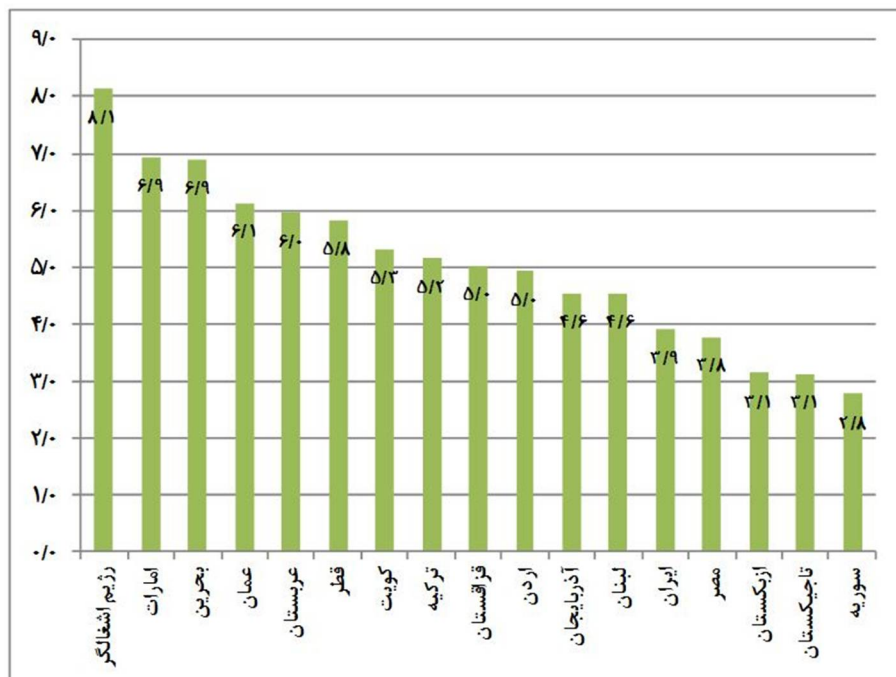
### اقتصاد دانش‌بنیان

بررسی تجربه کشورهای نشان می‌دهد که امروزه دولت‌ها جهت بهبود و ترمیم ساختارهای اقتصادی کشورشان بیش از آنچه به کمیت سرمایه انسانی و فیزیکی توجه کنند به ابزارهای بهبود کیفیت این نهاده‌ها که نهایتاً منجر به ارتقای بهره‌وری می‌شود توجه می‌کنند. لذا در این راستا کشورها روی به فراهم‌آوردن شرایط برای نظام اقتصاد دانش‌بنیان آورده‌اند. منظور از اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که در آن همه چیز برای تولید دانش و ایجاد پژوهش مهیا است و ارتباط نزدیکی بین مراکز خلق دانش و خطوط تولید، تجارت و مدیریت اقتصاد فراهم شده است.

یکی از شاخص‌های مهمی که بانک جهانی تقریباً هر سال آن را منتشر می‌کند، شاخص اقتصاد دانشی یا همان چیزی که در ادبیات با نام اقتصاد دانش‌بنیان مطرح است. براین اساس، کشورهای جهان رتبه‌بندی شده و جایگاهشان نسبت به یک یا دو سال قبل مقایسه می‌شود.

بانک جهانی برای کمک به کشورها در زمینه شناسایی نقاط قوت و ضعف خود، چارچوب اقتصاد

دانش را بر مبنای چهار محور تحصیلات و آموزش، سیستم نوآوری، زیرساختارهای اطلاعاتی و رژیم نهادی و محرک اقتصادی مساعد تعریف کرده و بیان کرده است که سرمایه‌گذاری مداوم در این محورها منجر به حضور دانش و استفاده مؤثر آن در تولید اقتصادی می‌شود که این مسئله در نهایت منجر به افزایش نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید و در پی آن رشد و توسعه اقتصادی پایدار می‌شود. براساس متدولوژی ارزیابی دانش، بانک جهانی عملکرد اقتصاد دانش هر کشور را به صورت کلی و همچنین به صورت جزئی در ۴ محور اصلی اقتصاد دانش‌بنیان مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌طور کلی در این متدولوژی مجموعه ۱۰۹ شاخص برای بررسی اقتصاد دانش کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نمودار ۱۷، ایران و ۱۶ کشور منطقه از نظر شاخص اقتصاد دانش‌بنیان در سال ۲۰۱۲ مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. شاخص مذکور در خصوص کشورهایی از قبیل رژیم اشغالگر قدس، امارات، بحرین، عربستان، عمان در مقایسه با ایران از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌باشد. ارقام مندرج در نمودار حاکی است که میزان شاخص ایران (۳/۹) حتی از میانگین منطقه خاورمیانه (۴/۷۴) کوچک‌تر است.



نمودار ۱۷. شاخص اقتصاد دانش‌بنیان

مأخذ: KNOWLEDGE BASED ECONOMY, prepared by wdi, 2013

### نتیجه‌گیری

در این گزارش تلاش گردید تا عمده‌ترین نماگرهای اقتصاد مقاومتی شناسایی شوند و برای آن‌ها اعداد و ارقام مطلوب پیشنهاد گردد. این امر ما را قادر می‌سازد که به رصد فاصله ارقام موجود با ارقام مطلوب بپردازیم و با فاصله‌گرفتن آن‌ها از یکدیگر، تمهیدات لازم را برای جلوگیری از شکنندگی اقتصاد کشور بیندیشیم. بررسی اجمالی این شاخص‌ها حکایت از آن دارد که اقتصاد کشور از درجه مقاومت بسیار پایینی در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی برخوردار است. زیرا ارقام اکثر نماگرهای برشمرده شده فاصله زیادی با ارقام مطلوب دارند.

این امر می‌طلبد که دولتمردان در سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و توسعه‌ای خود، به‌ویژه در برنامه ششم توسعه که مراحل ابتدایی تنظیم خود را می‌گذرانند، توجه ویژه‌ای به مقاوم‌سازی اقتصاد مبذول نمایند.

### منابع

[۱] گزارشات آماری بانک مرکزی ایران.

[۲] گزارشات آماری مرکز آمار ایران.

[۳] گزارشات آماری گمرک ایران.

[1] GFP Index, prepared by global firepower, (2013).

[2] <http://www.globalinnovationindex.org/content.aspx>.

[3] International Monetary Fund (2013).

[4] knowledge based economy, prepared by wdi, (2013).

[5] Total Carbon Dioxide Emissions, published by eia, (2011).

[6] World bank, Trade Indicators and indicators, hand books.

[7] [data.worldbank.org](http://data.worldbank.org).

[8] [unctad.org/en/pages/Statistics.aspx](http://unctad.org/en/pages/Statistics.aspx).

[9] [bruegel.org/datasets/real-effective-exchange-rates](http://bruegel.org/datasets/real-effective-exchange-rates).

[10] [wits.worldbank.org](http://wits.worldbank.org).



# آسیب‌شناسی ناسازگاری سیاست‌های تأمین امنیت غذایی کشور با سیاست‌های مالی، پولی و زیست‌محیطی و ارائه راهکارهایی برای رفع آن در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ذبیح‌اله نجف‌پور\*، آسیه قاسمی\*\*

## چکیده

طی سال‌های اخیر در کشور بین سیاست‌های خودکفایی به‌عنوان یکی از شاخص‌های تأمین امنیت غذایی با سیاست‌های حفظ منابع پایه و سیاست‌های پولی ناسازگاری وجود داشته است. روند سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه حاکی از فرسایش و تخریب منابع پایه کشور تحت لوای شعار خودکفایی بوده است. این در حالی است که نه تنها ضریب خودکفایی در تولید محصولات اساسی به دلیل کاهش ظرفیت‌های سرزمینی و منابع پایه به‌ویژه آب افزایش نیافته، بلکه روند وابستگی امنیت غذایی در کشور به واردات نیز رو به افزایش بوده است. به‌علاوه فرایندهای تأمین مالی خریدهای خارجی کالاهای اساسی در کشور موجب تبعاتی چون افزایش پایه پولی و تورم، عدم تأمین به‌هنگام منابع ارزی و ریالی خریدهای خارجی کالاهای اساسی، اختلال در برنامه‌های ذخیره‌سازی، عدم امکان برنامه‌ریزی خرید در زمان‌های مناسب و ... شده است که موجب به‌مخاطره‌افتادن امنیت غذایی در کشور به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، بی‌انضباطی پولی، اختلال در نظام مالی کشور و عدم برخورداری از ذخایر کافی برای تنظیم بازار کالاهای اساسی شده است. در این مطالعه راهبردهایی به‌منظور افزایش ضریب امنیت غذایی در کشور با قید حفظ منابع پایه و سازگار با سیاست‌های پولی کشور ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به تغییر و اصلاح الگوهای تولید، استفاده از ظرفیت‌های فراسرزمینی کشورهای همسایه، استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود در حوزه تأمین مالی خریدهای خارجی، اصلاح اساسنامه شرکت‌های دولتی متولی خرید خارجی کالاهای اساسی، استفاده از ظرفیت‌های بورس کالا و ... اشاره نمود.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت غذایی، منابع پایه، تولید کالاهای اساسی، ضریب خودکفایی، واردات دولتی کالاهای اساسی

\* کارشناس ارشد اقتصاد، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی. njf1354@yahoo.com  
\*\* کارشناس ارشد اقتصاد، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی. ada\_raha@yahoo.com

## مقدمه

براساس تعریف بانک جهانی «امنیت غذایی دسترسی همه مردم در تمام اوقات، به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم است».

در جمهوری اسلامی ایران همواره موضوع تأمین امنیت غذایی از موضوعات کلیدی مطرح در اسناد بالادستی بوده است، به طوری که در قانون اساسی بر خودکفایی در بخش کشاورزی و افزایش تولیدات کشاورزی و دامی به این منظور تأکید شده است. همچنین در سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی بر خورده‌اری از امنیت غذایی ذکر گردیده است. در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه‌ای و قوانین برنامه‌ها نیز موضوع امنیت غذایی تصریح شده است. همچنین در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأمین امنیت غذا و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید در کنار افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی مورد تأکید می‌باشد. در این چارچوب، افزایش تولید داخلی، ضریب خودکفایی و ایجاد ذخایر راهبردی از جمله مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی وضعیت امنیت غذایی در اغلب کشورها به شمار می‌رود. تأمین امنیت غذایی از طریق ارتقای ضریب خودکفایی و افزایش تولید داخل مستلزم ملاحظاتی در حوزه توسعه پایدار کشور است. ایران با قرارگرفتن در نیمکره خشک زمین، با خشکسالی‌های پی‌درپی و گسترده و کاهش شدید منابع آب روبه‌رو است، علاوه بر اینکه بهره‌برداری غیربهبینه از منابع موجود نیز بر شدت بحران منابع تولید کشاورزی افزوده است. روند رو به رشد تخریب منابع پایه تولید کشاورزی به‌ویژه آب، خاک و محدودیت شدید این منابع امکان افزایش کمی تولید را از طریق بکارگیری منابع بیشتر محدود می‌کند. طی سال‌های اخیر در کشور بین سیاست‌های خودکفایی با سیاست‌های حفظ منابع پایه و سیاست‌های پولی ناسازگاری وجود داشته است. روند سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه حاکی از فرسایش و تخریب منابع پایه کشور تحت لوای شعار خودکفایی بوده است. این در حالی است که نه تنها ضریب خودکفایی در تولید محصولات اساسی به دلیل کاهش ظرفیت‌های سرزمینی و منابع پایه به‌ویژه آب افزایش نیافته، بلکه روند وابستگی امنیت غذایی در کشور به واردات نیز رو به افزایش بوده است. به‌علاوه فرایندهای تأمین مالی خریدهای خارجی کالاهای اساسی در کشور موجب تبعاتی چون افزایش پایه پولی و تورم، عدم تأمین به‌هنگام منابع ارزی و ریالی خریدهای خارجی کالاهای اساسی، اختلال در برنامه‌های ذخیره‌سازی، عدم امکان برنامه‌ریزی خرید در زمان‌های مناسب و ... شده است که موجب به‌مخاطره‌افتادن امنیت غذایی در کشور به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، بی‌انضباطی پولی، اختلال در نظام مالی کشور و عدم برخوردارگی از ذخایر کافی برای تنظیم بازار کالاهای اساسی شده است.

این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که:

۱. آیا تدویم سیاست‌های اتخاذشده در خصوص امنیت غذایی در کشور با توجه به روند کاهشی منابع

پایه کشور از یک سو و روند رو به رشد جمعیت و نیازهای غذایی کشور از سوی دیگر می‌تواند زمینه تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را محقق سازد؟

۲. سیاست‌های تعقیب‌شده حائز چه آثار جانبی بر سیاست‌های پولی و محیط زیست بوده است؟

۳. چه راهبردهایی برای اصلاح وضعیت موجود قابل پیشنهاد است؟

روش مطالعه در این پژوهش به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای می‌باشد. به این ترتیب که اسناد بالادستی تحلیل می‌شود و با توجه به جهت‌گیری این اسناد در خصوص امنیت غذایی و حفظ منابع پایه شاخص‌هایی ارائه خواهد شد. سپس ناسازگاری سیاست‌های اتخاذشده در زمینه امنیت غذایی از نقطه نظر محیط زیست و حفظ منابع پایه و سیاست‌های مالی و پولی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت راهبردهایی به منظور کاهش ناسازگاری شرایط اقتصادی و محیطی کشور با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌شود.

## ۱. مواد مرتبط با امنیت غذایی در اسناد بالادستی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر بکارگیری همه امکانات توسط دولت برای تأمین خودکفایی در کشاورزی تأکید دارد. در سند چشم‌انداز یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی بر خورداری از امنیت غذایی در کنار محیط زیست مطلوب می‌باشد. رویکرد سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، تأمین امنیت غذایی در کشور با تکیه بر تولید داخلی و تأکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی بوده است، ضمن آنکه حفاظت از محیط زیست و احیای منابع طبیعی یکی از محورهای سیاست‌های کلی برنامه چهارم بوده است. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز بهبود امنیت غذایی و محیط زیست را در رأس اهداف توسعه‌بخش کشاورزی قرار داده است. در همین راستا یکی از محورهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأمین امنیت غذایی با تأکید بر افزایش تولید داخلی (مواد اولیه و کالا) و ایجاد ذخایر راهبردی می‌باشد.

به‌طور کلی بررسی اسناد بالادستی نشان می‌دهد که این اسناد موضوع تأمین "امنیت غذایی" در کنار "حفاظت از منابع پایه و محیط زیست" را به‌عنوان دو هدف اساسی مورد تأکید قرار داده است. مهم‌ترین رویکردها و راهبردهای اسناد بالادستی در این خصوص "خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی با تأکید بر محصولات اساسی کشاورزی"، "اصلاح الگوی مصرف و ساختار تغذیه آحاد جامعه"، "حفظ ذخایر راهبردی و تنوع‌بخشی به مبادی تأمین کالاهای وارداتی" می‌باشد. در راستای راهبردهای فوق‌الشاره، بویژه "افزایش تولید داخلی نهاده و کالاهای اساسی" و "اولویت‌دادن به محصولات راهبردی" مورد تأکید قرار گرفته است.

براساس مفاد اسناد بالادستی، امنیت غذایی تولید حداکثری محصولات راهبردی با توجه به ظرفیت‌های سرزمینی، تنوع‌بخشی به مبادی ورود محصولات کشاورزی با هدف کاهش مخاطرات و پیگیری برنامه‌های

- ناظر بر اصلاح الگوی مصرف داخلی جهت کاهش تلفات و ضایعات محصولات کشاورزی می‌باشد. با توجه به تعریف امنیت غذایی که مبتنی بر ضریب خودکفایی به‌ویژه در تولید محصولات راهبردی، اصلاح الگوی مصرف و تنوع‌بخشی به مبادی ورودی در واردات محصولات استراتژیک می‌باشد، بررسی و تحلیل وضعیت موجود و روند آینده امنیت غذایی در کشور با توجه به شاخص‌های زیر انجام شده است:
- تحلیل نرخ رشد ارزش افزوده، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و اشتغال بخش کشاورزی جهت ارزیابی عملکرد کلی بخش طی سال‌های برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه.
  - تحلیل روند شاخص‌های عرضه، تولید، واردات، ضریب خودکفایی، عرضه سرانه و تولید سرانه کل محصولات کشاورزی<sup>۱</sup> به‌منظور ارزیابی خودکفایی تولید محصولات کشاورزی.
  - تحلیل روند تولید، ضریب خودکفایی، عرضه سرانه، واردات و واردات سرانه محصولات اساسی و راهبردی شامل گندم، برنج، روغن، شکر، گوشت قرمز، گوشت مرغ، جو، ذرت و کنجاله به‌منظور ارزیابی خودکفایی در تولید محصولات اساسی.
  - تحلیل روند واردات کالاهای اساسی توسط دولت.
  - تحلیل متوسط سالانه بارندگی کل کشور، سرانه آب تجدیدپذیر، میزان آب قابل‌استحصال و سهم بخش کشاورزی از آب مصرفی به‌منظور حفاظت از منابع پایه و محیط زیست و اصلاح الگوی بهره‌برداری از منابع پایه.

**جدول ۱. تأمین امنیت غذایی در اسناد بالادستی**

ردیف	سند بالادستی	خلاصه مصوبه
۱	قانون اساسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بند ۱۲ اصل سوم این قانون بر "بکارگیری همه امکانات توسط دولت برای تأمین خودکفایی در کشاورزی" تأکید دارد.</li> <li>• در بند ۹ اصل چهارم و سوم این قانون بر "افزایش تولیدات کشاورزی و دامی که نیازهای عمومی را تأمین کند به‌منظور خودکفایی و رهایی از وابستگی" تأکید گردیده است.</li> </ul>
۲	سند چشم‌انداز	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جامعه ایرانی در افق سند چشم‌انداز جامعه‌ای است که از امنیت غذایی در کنار محیط زیست مطلوب برخوردار است.</li> </ul>

۱. شایان توجه است که ضریب خودکفایی سهم منابع داخلی از عرضه کل می‌باشد که از شاخص‌های مهم سنجش امنیت غذایی در اغلب کشورها به شمار می‌رود. افزایش این شاخص با ملاحظات توسعه پایدار، به‌طور تلویحی دلالت بر بهبود بهره‌وری کشاورزی، کارایی سرمایه و نیروی کار در بخش کشاورزی و اثربخشی سیاست‌های دولت دارد که مجموع این عوامل به افزایش رشد اقتصادی کشور، صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی، کاهش وابستگی و در نتیجه تقویت امنیت ملی می‌انجامد. به‌دلیل تنوع اقلیمی و قابلیت‌های بهره‌برداری تنها تعداد محدودی از کشورهای جهان وجود دارد که تقریباً در تمامی نیازهای مصرفی مواد غذایی خودکفا می‌باشند. با این حال سعی کشورها بر این بوده است که در تأمین مواد غذایی مهم در حد شکنندگی قرار نگیرند و سهم قابل‌قبولی از آن را با تکیه بر تولیدات داخلی برای خود حفظ کنند.

ادامه جدول ۱.

ردیف	سند بالادستی	خلاصه مصوبه
۳	سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>در بند ۱۲ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه بر "ارتقای شاخص‌های تأمین غذا" و در بند ۳۸ آن بر "تأمین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولید از مناطق داخلی" و "تأکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی" تأکید گردیده است.</li> <li>در بند ۱۹ نیز "حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی" مورد توجه قرار گرفته است.</li> <li>در بند ۴۰ به "ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن و مهار آب‌هایی که از کشور خارج می‌شود و اولویت استفاده از منابع آب‌های مشترک" تأکید شده است.</li> </ul>
۴	سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>در بند ۱۹-۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه "ارتقای شاخص‌های امنیت غذایی و محیط زیست" مورد تأکید قرار گرفته است.</li> <li>در بند ۲۶ آن "توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب با تسریع در استحصال، عرضه و نگهداری و مصرف آن و مهار آب‌هایی که از کشور خارج می‌شود با اولویت استفاده از منابع آب‌های مشترک" مورد تأکید قرار گرفته است.</li> </ul>
۵	سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	<ul style="list-style-type: none"> <li>بند ۹ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف حفظ "ذخیره استراتژیک گندم و تنظیم مبادلات تجاری بازار گندم و آرد با هدف تنظیم بازار داخلی" را مدنظر قرار داده است.</li> </ul>
۶	قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی	<ul style="list-style-type: none"> <li>براساس ماده ۱ این قانون "دولت موظف است زمینه‌ها، برنامه‌ها، تسهیلات و امکانات ارتقای بهره‌وری و اصلاح الگوهای تولید و مصرف در بخش کشاورزی و منابع طبیعی را فراهم و به مرحله اجرا درآورد". براساس ماده ۳۱ این قانون "دولت موظف شده حمایت‌های قانونی خود را با اولویت تولید محصولات راهبردی که مستقیماً در امنیت غذایی نقش دارند و ضرورتاً باید در داخل کشور تولید شوند"، تنظیم نماید.</li> <li>در ماده ۱۴ این قانون "حفظ و توسعه پایدار زیست‌محیطی (کولوژیکی) عرصه‌های طبیعی" مورد تأکید بوده است.</li> </ul>
۷	راهبردهای بلندمدت توسعه بخش کشاورزی از منظر آمایش سرزمین	<ul style="list-style-type: none"> <li>در بند ۱ راهبردهای بلندمدت توسعه بخش کشاورزی از منظر آمایش سرزمین "مدیریت تولید محصولات کشاورزی با حفظ پایداری منابع پایه"، در بند ۲ آن "تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر تولید داخلی محصولات راهبردی متناسب با قابلیت مناطق"، در بند ۶ آن "حفظ، احیا و بهره‌برداری بهینه از منابع آب" و نهایتاً در بند ۲۴ آن "بهره‌برداری از منابع پایه با تأکید بر مدیریت جامع و به‌هم‌پیوسته واحدهای هیدرولوژی" مورد تأکید قرار گرفته است.</li> </ul>
۸	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>در بند ۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی "افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت‌دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص" و در بند ۷ آن "تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا) تصریح گردیده است</li> </ul>
۹	سیاست‌های کلی سلامت	<ul style="list-style-type: none"> <li>در بند ۶ سیاست‌های کلی سلامت نیز "تأمین امنیت غذایی و بهره‌مندی عادلانهٔ آحاد مردم از سبد غذایی سالم، مطلوب و کافی همراه با رعایت استانداردهای ملی و معیارهای منطقه‌ای و جهانی" مدنظر قرار گرفته است.</li> </ul>

## ۲. تحلیل نرخ رشد ارزش افزوده، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و اشتغال بخش

### کشاورزی

- مطابق قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه میزان نرخ رشد ارزش افزوده هدف‌گذاری شده برای بخش کشاورزی به ترتیب ۶/۵ درصد و ۷ درصد در نظر گرفته شده است. این در حالی است که عملکرد آن در برنامه چهارم توسعه در حدود ۰/۴ درصد و در سه سال اول برنامه پنجم در حدود ۲/۷۷ درصد بوده است.
- نرخ رشد ارزش افزوده محقق شده در طول برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه در اغلب سال‌ها به مراتب کمتر از نرخ رشد پیش‌بینی شده می‌باشد که هدف‌گذاری واقع‌بینانه نرخ‌های رشد این بخش را در معرض تردید قرار می‌دهد.
- هدف برنامه چهارم توسعه در خصوص نرخ رشد تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی سالانه به‌طور متوسط ۱۳/۵ درصد و در در برنامه پنجم توسعه ۱۲/۷ درصد بوده است. این در حالی است که عملکرد این شاخص طی سال‌های برنامه چهارم توسعه ۵/۷ درصد بوده و در دو سال اول برنامه پنجم توسعه نیز به‌طور سالانه بیش از ۳۷ درصد کاهش داشته است. رشد منفی قابل‌ملاحظه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در دو سال اول برنامه پنجم ناشی از مشکلات تحریم‌ها و عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده دولت بوده است. اما به‌طور کلی اصولاً در مقایسه با سایر بخش‌ها سهم کمتری از تشکیل سرمایه ناخالص کشور به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد. به‌گونه‌ای که پس از انقلاب این سهم همواره کمتر از ۱۰ درصد بوده است.
- هدف برنامه چهارم توسعه در خصوص نرخ رشد اشتغال در بخش کشاورزی سالانه به‌طور متوسط ۱/۹ درصد و در در برنامه پنجم توسعه ۱/۷ درصد بوده است. این در حالی است که عملکرد این شاخص طی سال‌های برنامه چهارم توسعه ۱/۷- درصد بوده و در دو سال اول برنامه پنجم توسعه نیز به‌طور سالانه بیش از ۱/۹- درصد بوده است.

## ۳. تحلیل روند شاخص‌های عرضه، تولید، واردات و ضریب خودکفایی کل محصولات

### کشاورزی

- در جدول ۳ میزان عرضه، تولید، واردات و ضریب خودکفایی کل محصولات کشاورزی در برنامه چهارم و دو سال اول برنامه پنجم توسعه نشان داده شده است. براساس اطلاعات این جدول: میانگین سالانه عرضه کل محصولات کشاورزی از ۱۰۴ میلیون تن در برنامه چهارم توسعه به ۱۲۷ میلیون تن در دو سال اول برنامه پنجم افزایش یافته است.

**جدول ۲.** مقایسه اهداف و عملکرد نرخ رشد ارزش افزوده، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و اشتغال بخش کشاورزی در برنامه چهارم و برنامه پنجم توسعه (به قیمت ثابت ۱۳۸۳)

عنوان	برنامه چهارم		برنامه پنجم	
	عملکرد سالانه	هدف برنامه	عملکرد سالانه	هدف برنامه
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۴	۶/۵	۲/۷۷	۷
نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۵/۷	۱۳/۵	-۳۷/۲	۱۲/۷
نرخ رشد شاغلان (هزار نفر)	-۱/۷	۱/۹	-۱/۹	۱/۷

مأخذ:

- حساب‌های ملی و نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه
- مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه، جلد چهارم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- مدل و جداول کلان و جداول بخش‌های اقتصادی در برنامه پنجم توسعه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی، فروردین ۱۳۸۹
- \* متوسط دوره به صورت هندسی محاسبه شده است.
- \*\* نرخ رشد هدف‌گذاری شده در برنامه چهارم توسعه به قیمت ثابت سال ۱۳۸۱ می‌باشد.

اگرچه میانگین سالانه تولید کل بخش کشاورزی از ۹۳/۴ میلیون تن در برنامه چهارم توسعه به ۱۱۳/۶ میلیون تن در دو سال اول برنامه پنجم افزایش یافته و میانگین نرخ رشد سالانه آن از ۱/۴ درصد به حدود ۵/۳ درصد ارتقا یافته است. با این حال میانگین نرخ رشد محقق شده کمتر از میانگین سالانه هدف‌گذاری شده تولید در برنامه چهارم توسعه ۴/۶ درصد و در برنامه پنجم ۷ درصد بوده است. متوسط ضریب خودکفایی که نشان‌دهنده سهم منابع داخلی در تأمین نیاز داخلی (عرضه کل) می‌باشد از ۸۹/۶ درصد در برنامه چهارم توسعه به ۸۹/۴ درصد در دو سال اول برنامه پنجم کاهش یافته است. شایان توجه است که این شاخص از ۹۳/۷ درصد در سال اول برنامه چهارم به ۸۵/۹ درصد در سال پایانی آن کاهش یافته و در برنامه پنجم توسعه نیز از ۹۲/۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۸۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۱ تنزل یافته است. این روند کاهش عمده‌تاً تحت تأثیر کاهش ظرفیت‌های سرزمینی جهت تولید داخلی و به‌ویژه محدودشدن منابع آب به وقوع پیوسته است.

میانگین سالانه واردات کل بخش کشاورزی که با هدف رفع کمبود نیازهای داخلی، تنظیم بازار و تأمین ذخایر راهبردی صورت پذیرفته است از ۱۳/۷ میلیون تن در برنامه چهارم توسعه به ۱۷/۵ میلیون تن در دو سال اول برنامه پنجم افزایش یافته و میانگین نرخ رشد سالانه آن از ۱۸/۳ درصد به ۲۱/۶

درصد ارتقا یافته است. در همین راستا خالص واردات که نشان‌دهنده شکاف بین تولید و عرضه کل مواد غذایی (مصرف ظاهری) در بخش کشاورزی می‌باشد از ۱۰/۷ میلیون تن به ۱۳/۴ میلیون تن و نرخ رشد آن از ۱۹/۲ درصد به ۲۷/۵ درصد افزایش یافته که بیانگر افزایش وابستگی غذایی کشور به واردات است.

**جدول ۳.** عرضه، تولید، واردات و ضریب خودکفایی کل محصولات کشاورزی در برنامه چهارم و دو سال اول برنامه پنجم توسعه

شرح	میانگین برنامه چهارم توسعه (هزار تن)	میانگین نرخ رشد برنامه چهارم توسعه (درصد)**	نرخ رشد هدف گذاری شده در برنامه چهارم توسعه (درصد)	میانگین دو سال اول برنامه پنجم توسعه (هزار تن)	میانگین نرخ رشد طی دو سال اول برنامه پنجم توسعه (درصد)**	نرخ رشد هدف گذاری شده در برنامه پنجم توسعه (درصد)
عرضه کل محصولات کشاورزی (هزار تن)**	۱۰۴۰۶۹	۳/۱	---	۱۲۷۰۷۴	۷/۶	---
تولید داخل (هزار تن)	۹۳۳۷۸/۴	۱/۴	۴/۶	۱۱۳۶۴۱	۵/۳	۷
واردات (هزار تن)	۱۳۷۴۲/۸	۱۸/۳	---	۱۷۵۲۷/۵	۲۱/۶	---
صادرات (هزار تن)	۳۰۵۲/۲	۱۴/۲	---	۴۰۹۴/۵	۴/۳	---
خالص واردات (هزار تن)	۱۰۶۹۰/۶	۱۹/۲	---	۱۳۴۳۳	۲۷/۵	---
نسبت تولید داخلی به عرضه کل (ضریب خودکفایی) (درصد)	۸۹/۶	-۱/۶	---	۸۹/۴	-۲/۱	---

مأخذ: راست‌آزمایی آمار و تبیین وضع موجود بخش کشاورزی، دفتر مطالعات زیربنایی معاونت پژوهش‌های تولیدی و امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های اسلامی، سال ۱۳۹۲. \* میانگین نرخ رشد به صورت هندسی می‌باشد. \*\* عرضه کل (مصرف ظاهری) مجموع تولید و واردات منهای صادرات می‌باشد.

#### ۴. عرضه کل سرانه و تولید سرانه محصولات کشاورزی

با توجه به اینکه ارزیابی توفیق برنامه‌های کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی جامعه با لحاظ نمودن جمعیت سال‌های مورد بررسی به صحت و دقت ارزیابی‌ها کمک می‌کند، در جدول ۴ عرضه سرانه، تولید سرانه و واردات سرانه ارائه شده است. براساس اطلاعات این جدول:

- میانگین سالانه عرضه سرانه کالاهای کشاورزی از ۱۴۵۵ کیلوگرم در برنامه چهارم توسعه به ۱۶۸۰ کیلوگرم در دو سال اول برنامه پنجم افزایش یافته و میانگین نرخ رشد آن از ۱/۶ درصد به ۶/۶ درصد رسیده است.

- میانگین سالانه تولید سرانه از ۱۳۰۵/۴ کیلوگرم به ۱۵۰۲/۵ کیلوگرم افزایش یافته، اما سهم آن از عرضه سرانه با اندکی کاهش مواجه شده و از ۸۹/۷ درصد به ۸۹/۴ درصد رسیده است.
- با عنایت به ملاحظات فوق صرف‌نظر از تردیدهایی که در صحت آمار تولید و عرضه وجود دارد می‌توان نتیجه گرفت که طی سال‌های اخیر به‌واسطه کاهش ظرفیت‌های سرزمینی تقویت امنیت غذایی در کشور با تکیه بر واردات صورت گرفته، به‌طوری که متوسط سالانه خالص واردات سرانه از ۱۴۹/۵ کیلوگرم در برنامه چهارم توسعه به ۱۷۷/۶ کیلوگرم در دو سال اول برنامه پنجم افزایش یافته است.

**جدول ۴.** عرضه سرانه، واردات سرانه و نسبت تولید سرانه به عرضه سرانه محصولات کشاورزی در برنامه چهارم و دو سال اول برنامه پنجم توسعه

شرح	میانگین برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴-۸۸	میانگین نرخ رشد برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴-۸۸ (درصد)*	میانگین دو سال اول برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰-۹۱	میانگین نرخ رشد دو سال اول برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰-۹۱ (درصد)*
عرضه سرانه محصولات کشاورزی (کیلوگرم)**	۱۴۵۴/۹	۱/۶	۱۶۸۰/۱	۶/۶
تولید داخلی سرانه (کیلوگرم)	۱۳۰۵/۴	-۰/۱	۱۵۰۲/۵	۴/۴
واردات سرانه (کیلوگرم)	۱۹۲/۱	۱۶/۶	۲۳۱/۷	۲۰/۴
خالص واردات سرانه (کیلوگرم)	۱۴۹/۵	۱۷/۵	۱۷۷/۶	۲۶/۳
نسبت تولید سرانه به عرضه سرانه (ضریب خودکفایی) (درصد)	۸۹/۶	-۱/۶	۸۹/۴	-۲/۱

مأخذ: محاسبه براساس آمار و اطلاعات جدول

## ۵. چشم‌انداز امنیت غذایی در سطح کلان

- چنانچه فرض شود که عرضه کل مواد غذایی در کشور و همچنین وضعیت تولید بخش کشاورزی در آینده با شرایط فعلی تداوم یابد، خالص واردات در در افق چشم‌انداز ۵۴/۸ میلیون تن خواهد بود که به ترتیب حدود ۲/۱ و ۳/۱ برابر مقدار آن در سال ۱۳۹۱ می‌باشد<sup>۱</sup>.
- با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از تأمین نیازهای غذایی در کشور منوط به تولیدات زراعی (از

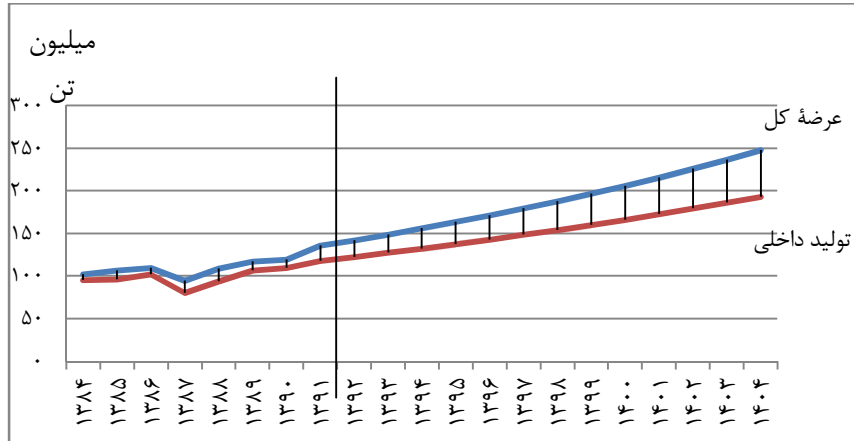
۱. در این خصوص شایان توجه است که به‌منظور برآورد عرضه کل مواد غذایی و میزان تولید بخش کشاورزی در آینده، نرخ رشد عرضه کل مواد غذایی ۴/۷۶ درصد و نرخ رشد تولید در بخش کشاورزی ۳/۸۷ درصد در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴، برای سال‌های ۱۴۰۴-۱۳۹۲ تعمیم داده شده است.

قبیل گندم، برنج، دانه‌های روغنی، نهاده‌های دامی و ... بوده و توسعه تولیدات این بخش به دلیل محدودیت منابع آبی و کاهش ظرفیت‌های سرزمینی مقدور نمی‌باشد، در صورت عدم افزایش عملکرد در واحد سطح، شکاف بین نیازهای مصرفی جامعه و تولیدات بخش کشاورزی طی برنامه ششم توسعه با افزایش بیشتری مواجه خواهد شد و بخش قابل‌توجهی از نیاز رو به رشد مواد غذایی ناگزیر می‌بایست از محل واردات تأمین گردد و از این جهت انتظار می‌رود کشور طی سال‌های آتی به دلیل رشد جمعیت و کاهش منابع پایه با افزایش واردات مواد غذایی مواجه شود.

**جدول ۵.** برآورد عرضه کل مواد غذایی، تولید داخلی بخش کشاورزی و خالص واردات در افق چشم‌انداز (میلیون تن)

شرح	سال	عرضه کل	تولید داخلی	خالص واردات
وضعیت موجود	۱۳۸۳ (سال پایه)	۹۳/۳	۸۷	۶/۴
	۱۳۸۴	۱۰۱.۷	۹۵.۳	۶.۵
	۱۳۸۵	۱۰۶.۲	۹۶.۱	۱۰.۰
	۱۳۸۶	۱۰۹.۰	۱۰۲.۰	۶.۹
	۱۳۸۷	۹۴.۶	۸۰.۰	۱۴.۷
	۱۳۸۸	۱۰۸.۸	۹۳.۴	۱۵.۴
	۱۳۸۹	۱۱۷.۱	۱۰۶.۳	۱۰.۸
	۱۳۹۰	۱۱۸.۷	۱۰۹.۴	۹.۳
	۱۳۹۱	۱۳۵.۴	۱۱۷.۸	۱۷.۶
	میانگین نرخ رشد دوره (درصد)	---	۴/۷۶	۳/۸۷
روند آینده	۱۳۹۲	۱۴۱.۹	۱۲۲.۴	۱۹.۴
	۱۳۹۳	۱۴۸.۶	۱۲۷.۱	۲۱.۵
	۱۳۹۴	۱۵۵.۷	۱۳۲.۱	۲۳.۶
	۱۳۹۵	۱۶۳.۱	۱۳۷.۲	۲۵.۹
	۱۳۹۶	۱۷۰.۹	۱۴۲.۵	۲۸.۴
	۱۳۹۷	۱۷۹.۰	۱۴۸.۰	۳۱.۰
	۱۳۹۸	۱۸۷.۵	۱۵۳.۷	۳۳.۸
	۱۳۹۹	۱۹۶.۴	۱۵۹.۷	۳۶.۸
	۱۴۰۰	۲۰۵.۸	۱۶۵.۹	۳۹.۹
	۱۴۰۱	۲۱۵.۶	۱۷۲.۳	۴۳.۳
	۱۴۰۲	۲۲۵.۸	۱۷۸.۹	۴۶.۹
	۱۴۰۳	۲۳۶.۶	۱۸۵.۹	۵۰.۷
	۱۴۰۴	۲۴۷.۸	۱۹۳.۱	۵۴.۸

مأخذ: ۱. وضعیت موجود از گزارش راست‌آزمایی آمار و تبیین وضع موجود بخش کشاورزی، دفتر مطالعات زیربنایی معاونت پژوهش‌های تولیدی و امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های اسلامی، سال ۱۳۹۲. ۲. روند آینده محاسبات کارشناسی می‌باشد.



نمودار ۱. روند تولید داخلی و عرضه کل در سند چشم‌انداز و پیش‌بینی آن در دهه دوم

جدول ۶. مقایسه اهداف و عملکرد تولید محصولات اساسی طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه (هزار تن)

شرح	برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴)		برنامه پنجم (۹۱-۱۳۹۰)		درصد تحقق
	میانگین عملکرد تولید	هدف گذاری شده	میانگین عملکرد تولید سال‌های ۹۱-۱۳۹۰	میانگین هدف گذاری شده	
گندم	۱۳۲۶۰۰	۱۵۰۱۷۰۳	۱۲۶۰۱۰	۱۶۱۰۲	۷۸.۳
برنج	۱۶۱۸	۲۱۱۵	۱۸۸۷.۵	۲۲۱۰۰	۸۵.۴
روغن خام	۱۲۶.۴	---	* ۵۶.۳	---	---
شکر	۹۳۲.۱	---	* ۱۱۳۲.۴	---	---
گوشت قرمز	۸۵۳.۴	۸۱۵.۴	۹۵۰.۵	۱۰۱۸.۸	۹۳.۳
گوشت مرغ	۱۴۴۸.۰	۱۴۲۰.۸	* ۱۹۰۲.۳	۲۱۲۶.۹	۸۹.۴
جو	۲۷۸۲.۰	---	۳۲۱۵.۵	۳۵۶۰.۱	۹۰.۳
ذرت	۱۹۶۸.۶	۲۵۹۳.۴	۲۳۷۹.۶	۳۲۳۱.۳	۷۳.۶
کنجاله	۲۴۳.۲	---	* ۱۸۸.۵	---	---

مأخذ: ۱. مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه، جلد چهارم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ۲. بسته پیشنهادی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه پنجم توسعه، وزارت جهاد کشاورزی ۳. معاونت امور تولیدات دامی، وزارت جهاد کشاورزی ۴. انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر ایران ۵. انجمن صنفی صنایع روغن‌کشی ایران. توضیح \* میانگین روغن خام، شکر، گوشت مرغ و کنجاله در برنامه پنجم توسعه مربوط به دوره ۹۲-۱۳۹۰ می‌باشد.

### ۶. بررسی وضعیت تولید، عرضه، ضریب خودکفایی و واردات کالاهای اساسی

بررسی عملکرد تولید کالاهای اساسی شامل: گندم، برنج، روغن نباتی، شکر، گوشت قرمز و گوشت مرغ، جو، ذرت و کنجاله در برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد که مقادیر تولیدشده این کالاها جز در مورد

گوشت قرمز و گوشت مرغ کمتر از مقادیر هدف‌گذاری شده بوده است. همچنین بررسی عملکرد تولید کالاهای اساسی در برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد که اهداف پیش‌بینی شده برای تولید هیچ یک از کالاهای اساسی تحقق پیدا نکرده است.

جدول ۷. مقایسه اهداف و عملکرد نرخ رشد تولید محصولات اساسی طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه (درصد)

شرح	برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴)		برنامه پنجم (۹۱-۱۳۹۰)	
	میانگین عملکرد نرخ رشد تولید سال‌های (۸۸-۱۳۸۴)	میانگین هدف‌گذاری شده	میانگین عملکرد نرخ رشد تولید سال‌های (۹۱-۱۳۹۰)	میانگین هدف‌گذاری شده
گندم	-۱/۵	۵/۳	-۷/۵	۳
برنج	-۵/۹	۷/۲	۴/۴	۵
روغن خام	-۷/۸	---	* -۲۷/۵	---
شکر	-۱۴/۱	---	* -۶	---
گوشت قرمز	۰/۶	۴/۱	* -۳/۲	۵
گوشت مرغ	۶/۹	۶/۵	۶/۷	۸/۴
جو	۳/۲	---	-۳/۸	۶/۱
ذرت	-۳/۱	۱۵/۳	۶/۳	۵/۳
کنجاله	۴/۵	---	* -۲۹	---

مأخذ: ۱. مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه، جلد چهارم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ۲. بسته پیشنهادی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه پنجم توسعه، وزارت جهاد کشاورزی ۳. معاونت امور تولیدات دامی، وزارت جهاد کشاورزی ۴. انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر ایران ۵. انجمن صنفی صنایع روغن‌کشی ایران.  
توضیح \* میانگین نرخ رشد تولید روغن خام، شکر، گوشت مرغ و کنجاله در برنامه پنجم توسعه مربوط به دوره ۹۲-۱۳۹۰ می‌باشد.

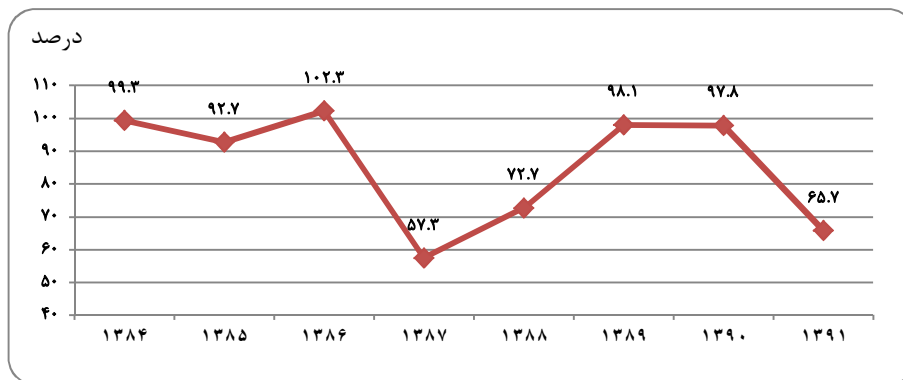
## ۷. روند ضریب خودکفایی تولید محصولات اساسی در برنامه چهارم و دو سال اول

### برنامه پنجم توسعه

نمودارهای ۳ تا ۶ روند ضریب خودکفایی تولید محصولات اساسی را در برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم نشان می‌دهد. براساس این نمودارها:

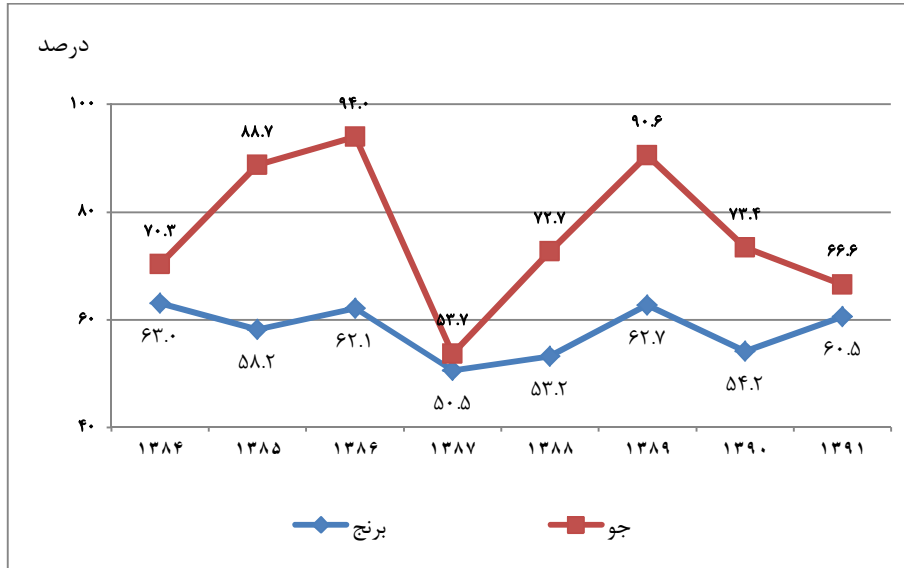
- از بین ۹ قلم کالای اساسی میانگین ضریب خودکفایی چهار قلم (شامل روغن خام، کنجاله شکر و ذرت) کمتر از ۵۰ درصد می‌باشد که بیانگر شدت وابستگی این اقلام به واردات است.
- ضریب خودکفایی تمام اقلام مورد نظر به دلیل محدودیت منابع پایه جهت تأمین نیاز رو به رشد کشور و ظرفیت‌های سرزمینی در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۸۴ با کاهش مواجه شده است.
- ضریب خودکفایی اکثر محصولات زراعی از جمله گندم، جو، برنج و ذرت در سال ۱۳۸۷ به دلیل

- خشکسالی با کاهش مواجه شده است.
- در بین اقلام اساسی کمترین ضریب خودکفایی مربوط به تولید روغن خام است، به طوری که میانگین آن طی دوره ۹۱-۱۳۸۴ حدود ۷/۱ درصد بوده و با نوساناتی از ۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲/۵ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.
- ضریب خودکفایی تولید گوشت قرمز نسبتاً در حد مطلوب بوده، به طوری که در بین اقلام مورد نظر پس از گوشت مرغ بالاترین ضریب خودکفایی را دارا می‌باشد که متوسط آن در طی دوره مذکور در حدود ۹۱/۱ درصد بوده است. با این حال ضریب خودکفایی آن از ۹۷/۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۸۸/۹ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.
- در بین اقلام مذکور تنها تولید گوشت مرغ در حد خودکفایی کامل قرار دارد، به طوری که متوسط آن طی دوره مذکور در حدود ۱۰۰/۱ درصد بوده با این حال از ۱۰۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۹۸/۹ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.
- در بین نهاده‌های دامی، جو بالاترین ضریب خودکفایی را دارا بوده، به طوری که طی دوره مذکور در حدود ۷۶/۴ درصد بوده است. با این وجود ضریب خودکفایی آن از ۷۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۶۶/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.

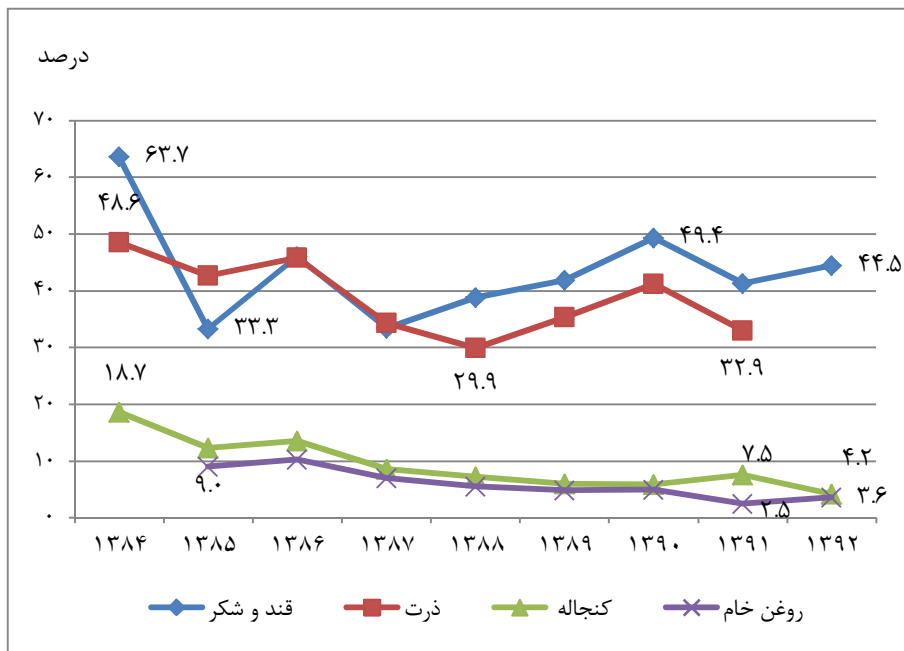


نمودار ۲. روند ضریب خودکفایی گندم طی دوره ۹۱-۱۳۸۴

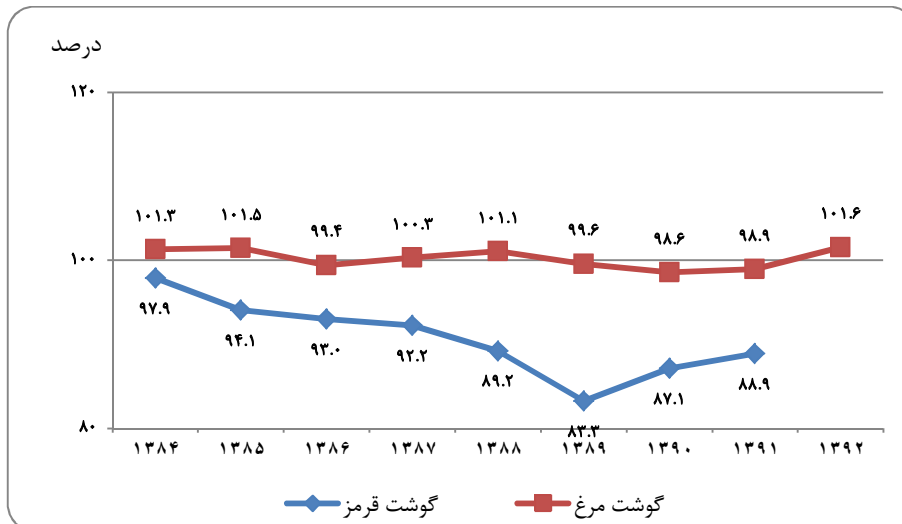
- کنجاله در بین نهاده‌های دامی کمترین ضریب خودکفایی را دارا بوده، به طوری که میانگین آن طی دوره ۹۱-۱۳۸۴ در حدود ۹/۸ درصد بوده است، ضمن آنکه ضریب خودکفایی آن از ۱۸/۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۷/۵ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.



نمودار ۳. روند ضریب خودکفایی برنج و جو طی دوره ۹۱-۱۳۸۴



نمودار ۴. روند ضریب خودکفایی روغن خام، کنجاله، ذرت، قند و شکر طی دوره ۹۲-۱۳۸۴

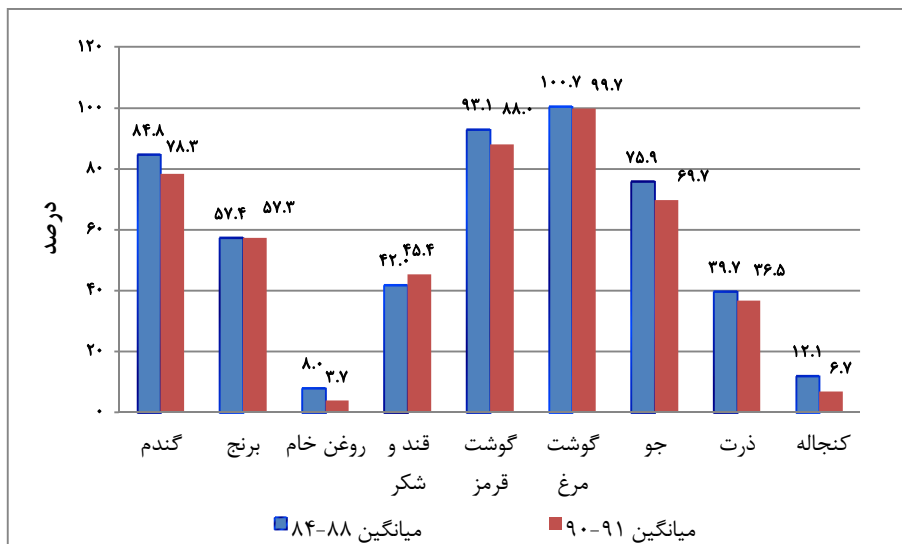


نمودار ۵. روند ضریب خودکفایی گوشت قرمز و گوشت مرغ طی دوره ۹۲-۱۳۸۴

جدول ۸. روند ضریب خودکفایی کالاهای اساسی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ (درصد)

شرح	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	متوسط دوره	تغییر ضریب خودکفایی در سال ۱۳۹۱ به سال ۱۳۸۴	۱۳۹۲
گندم	۹۹.۳	۹۲.۷	۱۰۲.۳	۵۷.۳	۷۲.۷	۹۸.۱	۹۷.۸	۶۵.۷	۸۷.۲	↓	---
برنج	۶۳.۰	۵۸.۲	۶۲.۱	۵۰.۵	۵۳.۲	۶۲.۷	۵۴.۲	۶۰.۵	۵۸.۲	↓	---
روغن خام	---	۹.۰	۱۰.۳	۷.۰	۵.۶	۴.۸	۴.۹	۲.۵	۷.۱	↓	۳.۶
قند و شکر	۶۳.۷	۳۳.۳	۴۶.۰	۳۳.۴	۳۸.۹	۴۱.۹	۴۹.۴	۴۱.۴	۴۸.۲	↓	۴۴.۵
گوشت قرمز	۹۷.۹	۹۴.۱	۹۳.۰	۹۲.۲	۸۹.۲	۸۳.۳	۸۷.۱	۸۸.۹	۹۱.۱	↓	---
گوشت مرغ	۱۰۱.۳	۱۰۱.۵	۹۹.۴	۱۰۰.۳	۱۰۱.۱	۹۹.۶	۹۸.۶	۹۸.۹	۱۰۰.۱	↓	۱۰۱.۶
جو	۷۰.۳	۸۸.۷	۹۴.۰	۵۳.۷	۷۲.۷	۹۰.۶	۷۳.۴	۶۶.۶	۷۶.۴	↓	---
ذرت	۴۸.۶	۴۲.۷	۴۵.۸	۳۴.۴	۲۹.۹	۳۵.۳	۴۱.۳	۳۲.۹	۴۰.۰	↓	---
کنجاله	۱۸.۷	۱۲.۳	۱۳.۶	۸.۶	۷.۲	۶.۰	۵.۹	۷.۵	۹.۸	↓	۴.۲

- در نمودار ۷ میانگین سالانه ضریب خودکفایی تولید این محصولات در برنامه چهارم با برنامه پنجم مقایسه شده است. با توجه به این نمودار میانگین سالانه ضریب خودکفایی اکثر اقلام اساسی به‌استثنای قند و شکر در دو سال اول برنامه پنجم نسبت به برنامه چهارم با کاهش مواجه شده است. علاوه بر این میانگین ضریب خودکفایی اکثر اقلام از قبیل برنج، روغن خام، قند و شکر، ذرت و کنجاله سویا کمتر از ۶۰ درصد بوده است.



نمودار ۶. مقایسه میانگین سالانه ضریب خودکفایی در برنامه چهارم و پنجم توسعه

در مجموع بررسی روند ضریب خودکفایی نشان می‌دهد که به‌رغم تمام حمایت‌های انجام‌شده توسط دولت، به‌دلیل محدودیت‌های سرزمینی مثل منابع آب و خاک، وضعیت جوی گرم و خشک که در تولید محصولات کشاورزی ایجاد نوسان می‌کند، رشد جمعیت که منجر به افزایش تقاضا می‌شود و افزایش درآمد سرانه که سطح رفاه را افزایش می‌دهد و... نه تنها ضریب خودکفایی افزایش نیافته، بلکه در بسیاری از اقلام اساسی به‌ویژه گندم همراه با نوساناتی با کاهش نیز مواجه بوده است. بنابراین بخش قابل‌توجهی از امنیت غذایی در کشور مرهون واردات کالاهای اساسی می‌باشد و با توجه به اینکه تغییر شرایط فعلی در کوتاه‌مدت مقدور نبوده و نیاز به سرمایه‌گذاری کلان و افزایش بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی دارد، واردات کالاهای اساسی به‌منظور تأمین کسری تولیدات داخلی امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

## ۸. واردات کالاهای اساسی در برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه

با توجه به آمار ارائه شده مبنی بر عدم تکافوی تولیدات بخش کشاورزی در حد مقادیر پیش‌بینی شده و کاهش ضریب خودکفایی، بخشی از نیازهای غذایی جامعه به‌منظور تأمین امنیت غذایی طی سال‌های برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم از طریق واردات کالاهای اساسی انجام شده است.

**واردات مجموع کالاهای اساسی:** براساس اطلاعات جداول ۹ و ۱۰ میانگین نرخ رشد سالانه واردات کالاهای اساسی در برنامه چهارم توسعه ۱۸/۶ درصد و در سه سال اول برنامه پنجم در حدود ۱۰/۸ درصد بوده و میانگین سالانه واردات این کالاها از ۱۱/۸ میلیون تن به ۱۶/۶ میلیون تن در سه سال اول برنامه پنجم افزایش یافته است. در همین راستا میانگین سرانه واردات کالاهای اساسی از ۱۶۸/۱ کیلوگرم به ۲۱۷/۶ کیلوگرم ارتقا یافته است. این امر مؤید آن است که میزان وابستگی امنیت غذایی به واردات کالاهای اساسی افزایش یافته است.

• میزان واردات گندم در برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه متغییر بوده و میانگین واردات آن از ۲/۵ میلیون تن به ۳/۷ میلیون تن و میزان واردات سرانه آن از ۳۴/۲ کیلوگرم به ۴۷/۸ کیلوگرم افزایش یافته است.

• میانگین واردات سالانه برنج از ۱/۲ میلیون تن در برنامه چهارم توسعه به ۱/۶ میلیون تن در سه سال اول برنامه پنجم افزایش یافته، همچنین میانگین نرخ رشد آن از ۲/۵ درصد به ۲۱/۵ درصد و میانگین واردات سرانه آن ۱۶/۸ کیلوگرم به ۲۰/۹ کیلوگرم ارتقا یافته است.

• میانگین واردات روغن خام از ۱/۳ میلیون تن به ۱/۵ میلیون تن افزایش و متوسط واردات سرانه این کالا نیز از ۱۸ کیلوگرم به ۱۹/۷ کیلوگرم ارتقا یافته است.

• میانگین واردات شکر از ۱/۳ میلیون تن به ۱/۵ میلیون تن و واردات سرانه آن از ۱۸/۱ کیلوگرم به ۱۹/۷ کیلوگرم افزایش است.

• میانگین واردات گوشت قرمز از ۶۳/۴ هزار تن به ۱۱۶/۹ هزار تن و میانگین واردات سرانه این کالا از ۰/۹ کیلوگرم به ۱/۵ کیلوگرم افزایش یافته است.

• میانگین واردات گوشت مرغ از ۱۲/۵ هزار تن به ۳۷/۷ هزار تن و میانگین واردات سرانه آن از ۰/۲ کیلوگرم به ۰/۵ کیلوگرم افزایش یافته است.

**نهادهای دامی:** اگرچه به‌صورت مستقیم در سبد غذایی خانوار وجود ندارد، با این حال از طریق محصولات پروتئینی نقش قابل توجهی در تأمین امنیت غذایی ایفا می‌نمایند. در این راستا آمار نشان می‌دهد که میزان واردات سرانه جو از ۱۲/۳ کیلوگرم به ۱۵/۳ کیلوگرم، میزان واردات سرانه ذرت از ۴۱/۷ کیلوگرم به ۵۳/۸ کیلوگرم و میزان واردات سرانه کنجاله از ۲۵/۲ کیلوگرم به ۳۱/۶ کیلوگرم افزایش است.

جدول ۹. مجموع واردات کالاهای اساسی طی سال‌های برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه

شرح	متوسط برنامه چهارم (۸۴-۸۸) (هزارتن)	نرخ رشد متوسط برنامه چهارم (۸۴-۸۸) (درصد)	متوسط سه سال اول برنامه پنجم توسعه (۹۰-۹۲) (هزارتن)	نرخ رشد متوسط سه سال اول برنامه پنجم توسعه (درصد)
گندم	۲۴۸۵/۳	۹۷	۳۶۵۰/۵	۶۵/۸
برنج	۱۲۰۲/۳	۲/۵	۱۵۸۹/۸	۲۱/۵
روغن خام	۱۲۹۲/۸	۶/۵	۱۵۰۳/۴	۱/۸
قند و شکر	۱۲۹۰/۵	۳۶	۱۴۹۸	-۲/۱
جو	۸۸۲/۹	۹	۱۱۵۲/۵	۲۱/۱
ذرت	۳۹۹۱/۴	۱۴	۴۰۹۶/۶	-۰/۸
کنجاله	۱۸۶۳/۷	۸/۷	۲۹۴۴/۷	۱۵/۳
گوشت قرمز	۶۳/۴	۱۵/۹	۱۱۶/۹	-۲۳/۳
گوشت مرغ	۱۲/۵	-۸/۲	۳۷/۷	-۲۶/۵
مجموع	۱۱۸۳۱/۳	۱۸/۶	۱۶۵۹۰/۰	۱۰/۸

مأخذ: ۱. گزارش امنیت غذایی کشور، ارزیابی خوداتکایی کشاورزی و غذایی ایران با نگاهی به وضعیت تغذیه و مصرف مواد غذایی در جامعه (۹۱-۱۳۶۸)، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، بهار ۱۳۹۲-۱۳۸۸، ۲. سال ۱۳۹۲-۱۳۸۸، گمرک جمهوری اسلامی ایران.

جدول ۱۰. واردات سرانه کالاهای اساسی طی سال‌های برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه

شرح	متوسط برنامه چهارم (۸۴-۸۸) (کیلوگرم)	نرخ رشد متوسط برنامه چهارم (درصد)	متوسط سه سال اول برنامه پنجم توسعه (۹۰-۹۲) (کیلوگرم)	نرخ رشد متوسط سه سال اول برنامه پنجم توسعه (درصد)	تغییرات سرانه واردات کالاهای اساسی در سه سال اول برنامه پنجم نسبت به برنامه چهارم
گندم	۳۴/۲	۹۴/۱	۴۷/۸	۶۴/۱	↑
برنج	۱۶/۸	-۰/۹	۲۰/۹	۲۰/۲	↑
روغن خام	۱۸		۱۹/۷	۳/۰	↑
قند و شکر	۱۸/۱	۳۴/۰	۱۹/۷	-۳/۲	↑
جو	۱۲/۳	۷/۳	۱۵/۲	۱۹/۹	↑
ذرت	۴۱/۷	۱۲/۳	۵۳/۸	-۰/۳	↑
کنجاله	۲۵/۲	۴/۹	۳۱/۶	۱۰/۷	↑
گوشت قرمز	۰/۹	۱۴/۲	۱/۵	-۲۳/۷	↑
گوشت مرغ	۰/۲	-۹/۵	۰/۵	-۲۷/۲	↑
مجموع	۱۶۸/۱	۱۶/۹	۲۱۷/۶	۹/۷	↑

مأخذ: همان

- براساس اطلاعات جدول ۱۰ میانگین سالانه سرانه واردات تمام کالاهای اساسی در سال‌های اول برنامه پنجم توسعه نسبت به میانگین آن در برنامه چهارم توسعه با افزایش مواجه بوده است.

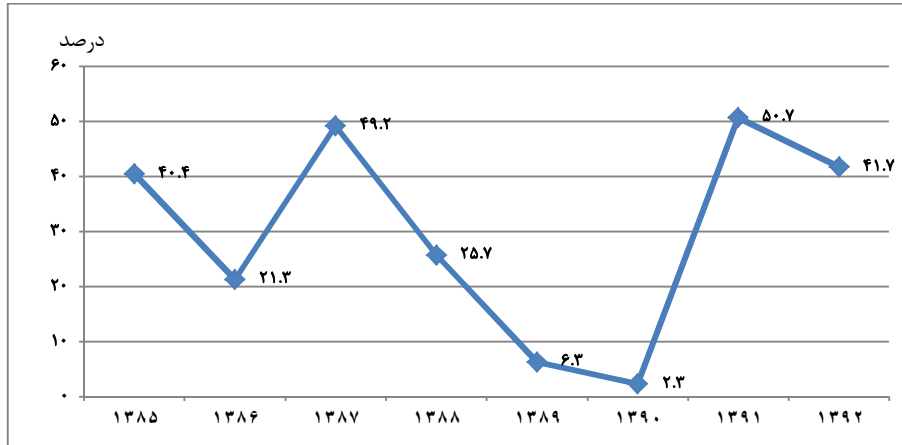
### ۱۰. واردات کالاهای اساسی توسط دولت

با توجه به تحریم‌های تجارت خارجی، محدودیت‌های منابع ارزی، نوسانات نرخ ارز و عدم تسویه مطالبات مباشران کالاهای اساسی به دلایل مذکور، حضور دولت در خرید کالاهای اساسی امری ضروری شده است. در این راستا در سال‌های برنامه چهارم و سه سال اول برنامه پنجم توسعه با توجه به عدم تأمین نیازهای کشور از محل تولیدات داخلی بخش قابل توجهی از واردات کالاهای اساسی توسط دولت انجام شده است، به طوری که طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۵ سهم دولت از مجموع واردات کالاهای اساسی نزدیک به ۳۳/۷ درصد بوده است. این در حالی است که طی سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌ها و کاهش قابل توجه تولید بخش کشاورزی (اگرچه آمار ارائه شده توسط دستگاه متولی کاهش تولید را بسیار اندک نشان می‌دهد) سهم دولت از واردات کالاهای اساسی قابل توجه بوده است، به طوری که سهم دولت از واردات کالاهای اساسی در سال ۱۳۹۱ بالغ بر ۵۰ درصد و در سال ۱۳۹۲ در حدود ۴۲ درصد بوده است. در جدول ۱۱ سهم دولت از مجموع واردات و در جدول ۱۲ واردات کالاهای اساسی توسط دولت به تفکیک اقلام ارائه شده است.

جدول ۱۱. سهم دولت (شرکت بازرگانی دولتی ایران و پشتیبانی امور دام کشور) از واردات کالاهای اساسی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۵ \* (هزار تن و درصد)

شرح	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	متوسط دوره
مجموع واردات کالاهای اساسی (دولتی و غیردولتی)	۱۱۵۷۷/۷	۸۷۱۱/۹	۱۶۳۷۱/۴	۱۶۰۱۱/۴	۱۲۴۳۶/۰	۱۱۲۰۴/۷	۲۱۶۳۲/۱	۱۶۹۳۳/۴	۱۴۳۵۹/۸
واردات کالاهای اساسی توسط دولت *	۴۶۸۰	۲۸۱۰	۸۰۶۱/۳	۴۱۱۳/۴	۷۸۵/۷	۲۵۵/۴	۱۰۹۶۱/۴	۷۰۶۷	۴۸۴۱/۸
سهم دولت از مجموع واردات کالاهای اساسی	۴۰/۴	۲۱/۳	۴۹/۲	۲۵/۷	۶/۳	۲/۳	۵۰/۷	۴۱/۷	۳۳/۷

مأخذ: سالنامه آماری شرکت بازرگانی دولتی ایران و اطلاعات به دست آمده از شرکت پشتیبانی امور دام کشور  
 \* به دلیل عدم دسترسی به آمار واردات کالاهای اساسی توسط شرکت پشتیبانی امور دام در سال ۱۳۸۴، دوره مورد نظر طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۵ در نظر گرفته شده است. همچنین واردات کالاهای اساسی توسط دولت شامل واردات کالاها توسط شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت پشتیبانی امور دام کشور می‌باشد.



نمودار ۷. روند سهم دولت از مجموع واردات کالاهای اساسی طی دوره ۹۲-۱۳۸۵

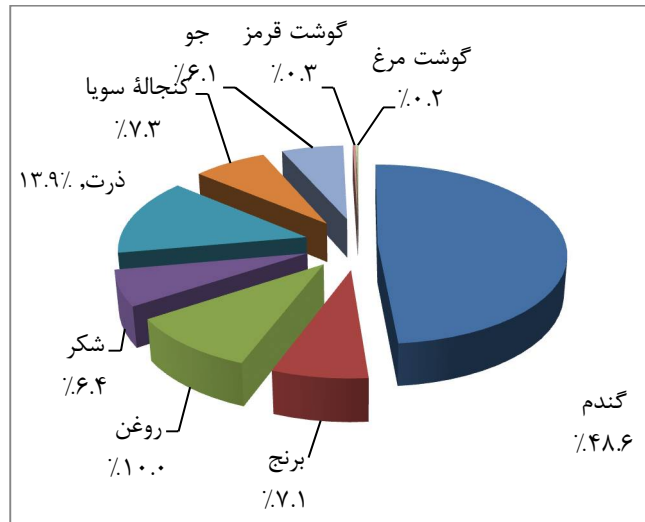
براساس اطلاعات جدول ۱۲ طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۲ در مجموع حدود ۳۸/۷ میلیون تن کالای اساسی توسط شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت پشتیبانی امور دام وارد کشور شده که حدود ۴۸/۶ درصد آن گندم، ۷/۱ درصد برنج، ۱۰ درصد روغن، ۶/۴ درصد شکر، ۱۳/۹ درصد ذرت، ۷/۳ درصد کنجاله سویا، ۶/۱ درصد جو، ۰/۳ درصد گوشت قرمز و ۰/۲ درصد گوشت مرغ بوده است.

جدول ۱۲. مقدار واردات کالاهای اساسی توسط شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت پشتیبانی امور دام کشور طی سال‌های ۹۲-۱۳۸۵ (هزار تن)

شرح	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	مجموع	سهم واردات کالا از مجموع واردات کالاهای اساسی توسط دولت (درصد)
گندم	۹۷۷/۴	۰	۵۷۳۸/۶	۳۰۶۱/۵	۰	۰	۰	۵۷۰۱/۲	۳۴۰۴	۴۸/۶
برنج	۶۹۱/۸	۷۴۵/۱	۳۲۲/۴	۰	۹۶	۲۱۰	۹۴/۲	۵۹۶	۲۷۵۵/۵	۷/۱
روغن	۹۸۹/۱	۵۷۶/۵	۴۵۱/۶	۷۰	۲۲۶/۴	۲۰/۹	۸۲۴/۸	۷۲۸	۳۸۸۷/۳	۱۰
شکر	۹۶۱/۴	۲۴۵/۲	۰	۰	۲۰۰/۳	۰	۵۰۶/۲	۵۸۸	۲۵۰۱/۱	۶/۴
ذرت	۸۱۴	۶۹۸	۶۴۱	۳۳۶	۰	۰	۲۰۳۰	۸۷۹	۵۳۹۸	۱۳/۹
کنجاله سویا	۲۰	۳۲۷	۱۷۷	۳۹۱	۲۵۴	۲۰	۹۹۷	۶۴۲	۲۸۲۸	۷/۳
جو	۲۰۷	۱۷۰	۷۱۲	۲۳۷	۰	۰	۸۴۵	۲۰۴	۲۳۷۵	۶/۱
گوشت قرمز	۱۹/۳	۲۶/۴	۳/۵	۱۷/۹	۹	۳/۵	۳۲	۱۲	۱۲۳/۶	۰/۳
گوشت مرغ	۰	۲۱/۸	۱۵/۲	۰	۰	۱	۳۱	۱۴	۸۳	۰/۲
مجموع	۴۶۸۰	۲۸۱۰	۸۰۶۱/۳	۴۱۱۳/۴	۷۸۵/۷	۲۵۵/۴	۱۱۰۶۱/۴	۷۰۶۷	۳۸۷۳۴/۲	۱۰۰

مأخذ: سالنامه آماری شرکت بازرگانی دولتی ایران

منظور از واردات کالاهای اساسی عملکرد واردات براساس مقدار تخلیه در سال‌های مورد نظر است.



نمودار ۸. سهم واردات کالا از مجموع واردات کالاهای اساسی توسط دولت طی دوره ۹۲-۱۳۸۵ (درصد)

### ۱.۱ وضعیت موجود منابع پایه تولید کشاورزی در ایران

مهم‌ترین منابع پایه تولید کشاورزی در ایران شامل آب، خاک، جنگل و مرتع می‌باشند. براساس مطالعات و بررسی‌های کمیته توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست، منابع پایه محیطی ایران در یک سیر تخریبی به‌ویژه بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی زیرزمینی گرفتار آمده است. نتایج همین مطالعات نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از منابع پایه کشور دچار ناپایداری است. به‌طور کلی ایران در رتبه اول فرسایش خاک، رتبه دوم بیابان‌زایی، رتبه سوم قهقرازی تنوع زیستی و رتبه ششم تخریب پوشش گیاهی در جهان قرار دارد.

#### ۱.۱.۱ منابع آب

- حدود ۸۵ درصد از مساحت کشور (بیش از دو سوم آن) در منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع شده است. متوسط بلندمدت (۴۰ ساله) بارندگی سالانه در کشور ۲۵۰ میلیمتر است که حدود یک سوم متوسط بارندگی در جهان و کمتر از نصف آن در قاره آسیا است.

۱. کمیته ملی توسعه پایدار، مجموعه استراتژی‌های توسعه پایدار در بخش‌های اجرایی کشور، ۱۳۸۰.

جدول ۱۳. میزان بارندگی کل کشور در سال‌های آبی ۹۲-۱۳۸۴ واحد: میلی‌متر

سال	-۸۴	-۸۵	-۸۶	-۸۷	-۸۸	-۸۹	-۱۳۹	-۱۳۹	-۹۲	متوسط دوره
میزان بارندگی کل کشور	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۲۰۵/۸

مأخذ: سازمان هواشناسی کشور

- براساس جدول ۱۳ میزان بارندگی کل کشور طی سال‌های آبی ۹۲-۱۳۸۴ به‌طور متوسط سالانه حدود ۲۰۵/۸ میلی‌متر بوده است که بین ۱۳۸ تا ۲۷۰ میلی‌متر در نوسان بوده است.

جدول ۱۴. متوسط بارش سالانه، آب تجدید پذیر و قابل استحصال، آب مصرفی و سهم بخش کشاورزی از منابع آب کشور (مترمکعب به‌ازای هر نفر)

میزان متوسط بارش سالانه (میلیارد مترمکعب)	۴۰۰
میزان آب تجدیدپذیر (میلیارد مترمکعب)	۱۳۰ تا ۱۳۹
میزان آب قابل استحصال (میلیارد مترمکعب)	۱۲۶
میزان کل آب مصرفی کشور (میلیارد مترمکعب)	۱۰۰
سهم آب زیر زمینی در تأمین آب مصرفی کشور (درصد)	۵۹
سهم بخش کشاورزی از آب مصرفی کشور (درصد)	۹۱/۴
راندمان آبیاری در بخش کشاورزی (درصد)	۳۴

مأخذ: وزارت نیرو، دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا

- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، (نگاهی به وضعیت منابع آب در ایران و جهان).
- متوسط بارش سالانه بلندمدت (۴۰ ساله) کشور حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است که سالانه حدود ۷۰ درصد آن (۲۸۰ میلیارد مترمکعب) از طریق تبخیر، سیلاب‌ها و هرزآب‌های سطحی از دسترس خارج می‌شود.
- به‌علاوه توزیع مکانی و زمانی بارش‌ها نیز در ایران نامناسب و ناموزن است. بدین معنی که حدود ۷۰ درصد کل آب تجدیدپذیر در مناطقی واقع شده است که ۵۰ درصد جمعیت را در خود جای داده درحالی که ۵۰ درصد دیگر جمعیت در مناطقی پراکنده‌اند که تنها ۳۰ درصد منابع تجدیدپذیر آب را در اختیار دارند. ازسوی دیگر ۵۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر در فصل غیرزراعی از دسترس خارج می‌شود و تنها ۵۰ درصد در فصل زراعی قابل دسترسی است.

- منابع آب تجدیدشونده کشور با توجه به وضعیت بارندگی، پوشش گیاهی و سایر عوامل تأثیرگذار در حجم نزولات جوی، حدود ۱۳۰ تا ۱۳۹ میلیارد مترمکعب در سال است.
- حجم آب قابل استحصال سالانه حدود ۱۲۶ میلیارد مترمکعب است.
- میزان آب مصرفی کشور سالانه به‌طور متوسط حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب است که حدود ۵۹ درصد آن از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود.
- سهم بخش کشاورزی از آب مصرفی کشور ۹۱/۴ درصد است. درحالی‌که این بخش مهم‌ترین مصرف‌کننده منابع آب کشور است، راندمان آبیاری در آن تنها ۳۴ درصد است.
- ازسوی دیگر با توجه به اینکه ۵۹ درصد از کل آب مصرفی کشور از سفره‌های زیرزمینی تأمین می‌شود، تأمین آب مورد نیاز برای تولید محصولات کشاورزی بیشترین فشار را بر منابع آب کشور تحمیل می‌کند.

جدول ۱۵. سرانه آب تجدیدپذیر کشور طی دوره‌های مختلف (مترمکعب به‌ازای هر نفر)

سال	۱۳۳۰	۱۳۴۰	۱۳۵۰	۱۳۶۰	۱۳۷۰	۱۳۸۰	۱۳۹۰	برآورد ۱۴۰۰
سرانه آب تجدیدپذیر	۶۳۰۰	۵۵۰۰	۳۸۰۰	۲۴۰۰	۲۰۰۰	۱۸۰۰	۱۵۰۰	۱۳۰۰

مأخذ: وزارت نیرو، دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا

- با توجه به ثابت‌بودن متوسط حجم آب سالانه کشور، رشد جمعیت، توسعه کشاورزی، گسترش شهرنشینی و صنعت طی دهه‌های اخیر موجب روند نزولی سرانه آب تجدیدپذیر شده است. به‌طوری‌که سرانه آب تجدیدپذیر کشور از ۶۳۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۳۰ به ۵۵۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۴۰ به حدود ۳۸۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۵۰، ۲۴۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۶۰، ۲۰۰۰ مترمکعب در ۱۳۷۰، ۱۸۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۸۰ و ۱۵۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است و پیش‌بینی می‌شود که در افق سال ۱۴۰۰ سرانه آب تجدیدپذیر در کشور به حدود ۱۳۰۰ مترمکعب برسد.
- با بهره‌برداری بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی آب، از سال ۱۳۶۲ دشت‌های کشور به لحاظ برداشت آب به دو دسته دشت‌های محدود و ممنوعه تقسیم شد. در حال حاضر از ۶۰۹ دشت کشور ۲۹۱ دشت ممنوعه<sup>۱</sup> و ۶۲ دشت در شرایط بحرانی قرار دارند.
- در ۷۰ دشت مرکزی کشور در سال ۱۳۹۱ سطح آب زیرزمینی بیش از دو متر کاهش داشته و در مناطقی مانند کرمان، فارس، جهرم، نیریز و ورامین سطح آب زیرزمینی بین ۴۰ تا ۶۰ متر افت کرده

۱. در دشت‌هایی که ممنوعه اعلام می‌شوند با توجه به افت سطح آب زیرزمینی در آن‌ها، اجازه حفر چاه جدید داده نمی‌شود و برداشت‌ها باید طبق قوانین تعیین شده انجام پذیرد.

- است. اتفاقی که منجر به کویری شدن مساحت ۴۰۰ هزار هکتاری در دریاچه ارومیه شده و افت سطح آب زیرزمینی در این حوزه بین ۲۸ تا ۳۰ سانتیمتر در سال است.
- روند تصاعدی بحران سفره‌های زیرزمینی آب، کل بخش کشاورزی را از نظر منابع آبی به چالش کشیده است. به‌طور کلی براساس شاخص‌های جهانی وضعیت منابع آب ایران در محدوده بین تنش آبی و بحران آبی طبقه‌بندی می‌شود.
  - براساس مطالعات انجام‌شده مؤسسه بین‌المللی مدیریت آب<sup>۱</sup>، کشورها به لحاظ میزان دسترسی به آب در سال ۲۰۲۵م به سه گروه کشورهای با "کمبود فیزیکی"، "کمبود اقتصادی" و "فاقد کمبود" تقسیم شده‌اند. کشورهای با کمبود فیزیکی حتی با بالاترین راندمان و بهره‌وری، آب کافی در اختیار ندارند که حدود ۲۵ درصد کشورهای جهان از جمله ایران در این گروه قرار دارند.

### ۲.۱۱. منابع خاک

- براساس گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۱ از ۱۶۴ میلیون هکتار وسعت کشور، ۳۷ میلیون هکتار آن قابل کشت بوده که به‌دلیل محدودیت منابع آب تنها ۱۸/۵ میلیون هکتار در چرخه تولید قرار می‌گیرد که از این مقدار حدود ۸ میلیون هکتار به‌صورت آبی و حدود ۶/۳ میلیون هکتار به‌صورت دیم و بقیه به‌صورت آیش آبی و دیم مورد بهره‌برداری قرار دارند.
- میزان بهره‌وری اراضی مورد بهره‌برداری ۶۰-۵۰ درصد است و هر ساله سطح وسیعی از آن به‌دلیل آیش از چرخه تولید خارج می‌ماند.
  - ۱۰۰ میلیون هکتار از ۱۶۴ میلیون هکتار اراضی کشور در اثر فرسایش آبی و بادی در معرض ناپایداری است. از این مقدار ۷۵ میلیون هکتار در معرض فرسایش آبی، ۲۰ میلیون هکتار در معرض فرسایش بادی و ۵ میلیون هکتار در معرض سایر تخریب‌های شیمیایی و فیزیکی قرار دارند.
  - در حال حاضر بیش از دومیلیارد تن خاک از حدود ۶۰ میلیون هکتار اراضی در اثر فرسایش آبی شسته و به‌صورت رسوب از دسترس خارج می‌شود.
  - ایران از لحاظ فرسایش خاک رتبه اول جهان را دارد.

### ۳.۱۱. جنگل‌ها و مراتع

مساحت جنگل‌های کشور در ۴۰ سال گذشته حدود ۱۸ میلیون هکتار بوده که طی این سال‌ها با حدود ۴

۱. گزارش «بهره‌وری آب در بخش کشاورزی»، سامانی، جمال محمدولی، مظاهری، مهدی، مهر ۱۳۸۸.

میلیون هکتار کاهش به حدود ۱۴/۲ میلیون هکتار رسیده که حدود ۷/۶ درصد مساحت کشور است. این در حالی است که براساس معیارهای بین‌المللی هر کشوری با مساحتی کمتر از ۲۵ درصد جنگل نسبت به مساحت کل آن، کشوری در موقعیت بحران زیست‌محیطی است.

سطح مراتع کشور از ۱۰۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۲ به ۹۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۸۰ و به ۸۴/۷ میلیون هکتار در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. بنابراین طی حدود ۴۰ سال، سالانه حدود ۳۸۲ هزار هکتار از مراتع کشور تخریب شده است و تنها طی ده سال اخیر سالانه ۵۳۰ هزار هکتار از مراتع تخریب شده است.

## ۱۲. مقایسه تطبیقی موضوع با کشورهای منتخب

برای بررسی این موضوع کشورهایی انتخاب شده‌اند که از نظر میزان بارندگی مشابه ایران می‌باشند. نرخ رشد ارزش افزوده، میزان وابستگی غلات به واردات، میزان عرضه انرژی روزانه و میزان پروتئین روزانه از جمله شاخص‌هایی که برای مقایسه تطبیقی کشورها مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در جدول ۱۶ نشان داده شده است.

- براساس اطلاعات این جدول میانگین نرخ رشد ارزش افزوده در بخش کشاورزی در ایران بعد از کشور آذربایجان از بقیه کمتر بوده است.
- براساس اطلاعات این جدول در بین کشورهای منتخب میانگین ضریب وابستگی غلات در ایران به واردات طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۵ در حدود ۲۵/۳ درصد بوده که کمتر از کشور ارمنستان، آذربایجان، مغولستان، اردن و قبرس می‌باشد. با این حال این ضریب در ایران از کشورهای قزاقستان، پاکستان و افغانستان بالاتر است که اهمیت واردات در تأمین امنیت غذایی کشور را نشان می‌دهد.
- در جدول مورد نظر میزان عرضه سرانه انرژی غذایی در روز با استفاده از آمار و اطلاعات سایت خواربار جهانی سازمان ملل متحد طی سال‌های ۱۴-۲۰۰۵ ارائه شده است. با توجه به اطلاعات این جدول ایران به‌طور متوسط طی دوره مذکور از نظر تأمین انرژی روزانه (با توجه به واردات انجام‌شده) در بین کشورهای منتخب بعد از کشور قزاقستان و اردن در بالاترین رده بوده است.
- براساس اطلاعات جدول مذکور میانگین عرضه سرانه پروتئین در روز طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۵ در ایران در حدود ۸۴/۳ گرم بوده که از کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان کمتر و از سایر کشورهای منتخب بیشتر است.

**جدول ۱۶.** نرخ رشد ارزش افزوده در بخش کشاورزی، ضریب وابستگی غلات به واردات، عرضه سرانه انرژی در روز، و عرضه سرانه پروتئین در روز در برخی از کشورهای منطقه (درصد)

شرح	نرخ رشد ارزش افزوده متوسط دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۳ (درصد)**(۱)	ضریب وابستگی به غلات طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۱ (درصد)**(۲)	عرضه سرانه انرژی در روز طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۱ (کیلوکالری)**(۲)	عرضه سرانه پروتئین در روز طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۱ (گرم)**(۲)
افغانستان	۶/۹	۲۱/۸	۲۰۴۳/۵	۵۵/۷
ارمنستان	۵/۱	۵۵/۸	۲۷۷۳/۰	۸۱/۷
اردن	۳/۸	۹۸/۸	۳۱۲۴/۴	۸۱/۰
ایران	۲/۲	۲۵/۳	۳۰۷۷/۵	۸۴/۳
آذربایجان	۰/۹	۳۸/۲	۲۹۴۶/۰	۸۴/۶
پاکستان	۳/۴	۳/۹	۲۴۱۰/۱	۶۱/۹
قزاقستان	۳/۳	۲/۳	۳۱۲۲/۱	۹۳/۶
مغولستان	۶/۵	۵۸/۸	۲۳۸۴/۸	۷۶/۰
قبرس	---	۹۱/۴	---	۷۹/۶
ترکمنستان	---	---	۲۹۰۳/۴	۹۱/۱

مأخذ: سایت‌های بانک جهانی، فائو

\* به دلیل عدم وجود آمار و اطلاعات کشور جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در سایت بانک جهانی، از اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.  
\*\* به منظور کاهش و انحرافات آمار سالانه، میانگین ضریب وابستگی واردات در طی دوره‌های سه ساله انتخاب شده است.

### ۱۳. سیاست‌های اجرایی کشورهای منتخب در جهت تأمین امنیت غذایی

در جدول ۱۷ وضعیت موجود کشورهای منتخب و سیاست‌های اجرایی این کشورها در جهت تأمین غذایی ارائه شده است.

**جدول ۱۷.** وضعیت موجود کشورهای منتخب و سیاست‌های اجرایی این کشورها در راستای تأمین امنیت غذایی

نام کشور	سیاست‌های اجرایی در جهت تأمین امنیت غذایی
اردن	<ul style="list-style-type: none"> <li>واردات مواد غذایی به‌استثنای گندم در اردن آزادسازی شده است و واردات گندم به‌دلیل پرداخت یارانه سنگین روی نان توسط دولت کنترل می‌شود.</li> <li>استفاده از کشت فراسرزمینی یکی از توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی برای تولید مواد غذایی به این کشور است.</li> <li>محدود کردن مالیات بر تجارت محصولات کشاورزی، کنترل‌های قیمت، کاهش تعرفه‌ها و عوارض گمرکی بر واردات، ممنوعیت و محدودیت صادرات، پرداخت‌های انتقالی (کمک‌های نقدی و غذایی) از دیگر اقدامات دولت برای تأمین امنیت غذایی در اردن می‌باشند.</li> </ul>

ادامه جدول ۱۷.

نام کشور	سیاست‌های اجرایی در جهت تأمین امنیت غذایی
آذربایجان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• انجام اصلاحات ارضی</li> <li>• توسعه کشاورزی مدرن و با تکنولوژی بالا. در این خصوص دولت آذربایجان اقدام به تأسیس شرکتی نموده است که وظیفه آن واردات کود، بذر، حشره‌کش‌ها، ماشین‌آلات و تحویل آن‌ها به تولیدکنندگان می‌باشد.</li> <li>• تمرکز بر بازار داخلی برای کاهش اتکا به واردات غذا</li> <li>• اجرای یک برنامه بلندمدت (۲۰۱۵-۲۰۰۸) برای توسعه بخش کشاورزی استانی و نیل به امنیت غذایی از طریق افزایش بودجه بخش کشاورزی و سرمایه‌گذاری در این بخش</li> <li>• محدودکردن مالیات بر تجارت محصولات کشاورزی</li> <li>• کاهش تعرفه‌ها و عوارض گمرکی بر واردات</li> <li>• اعمال برنامه‌های حمایت از تولید از قبیل توزیع نهاده‌های تولید</li> </ul>
پاکستان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کنترل قیمت و محدودکردن تجارت بخش خصوصی</li> <li>• کاهش تعرفه و عوارض گمرکی واردات مواد غذایی</li> <li>• ممنوعیت یا محدودیت صادرات</li> <li>• پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های نقدی و غذایی به اقشار آسیب‌پذیر</li> <li>• اعمال برنامه‌های حمایت از تولید از قبیل توزیع نهاده‌های کشاورزی</li> </ul>
مغولستان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به‌منظور بهبود امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات غذا دو برنامه بلندمدت (۲۰۰۷-۲۰۰۱ و ۲۰۱۶-۲۰۰۷) در این کشور به اجرا درآمد.</li> <li>• در این برنامه‌ها موارد زیر مورد تأکید بوده‌اند:</li> <li>• مدیریت زنجیره عرضه غذا</li> <li>• کاهش فقر</li> <li>• استفاده از استراتژی‌های هدفمند با مشارکت بخش خصوصی</li> <li>• امنیت غذایی مبنی بر بهبود خودکفایی غذایی</li> <li>• ایمنی غذا و شکل‌دهی نظام مدیریت (کنترل غذا)</li> <li>• اجرای برنامه کاهش فقر روستاییان که فراهم‌شدن موجبات دسترسی مردم را به تغذیه و غذای سالم میسر نمود.</li> </ul>
افغانستان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به‌منظور کاهش ناامنی غذایی از سال ۲۰۰۸ دولت افغانستان تعرفه واردات گندم را حذف کرده است. با وجود این قیمت گندم داخلی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش داشته است و افزایش قیمت گندم روی امنیت غذایی خانوارها به شدت تأثیر داشته است.</li> <li>• از دیگر اقدامات دولت افغانستان برای کاهش ناامنی غذایی پرداخت‌های انتقالی در قالب کمک‌های نقدی و غذایی به اقشار آسیب‌پذیر بوده است.</li> </ul>

مأخذ:

1. www.nato.int/cps/en/natolive/news\_75464.htm, "Tackling desertification and food security risks in Jordan "
2. www.azarbaijan.com/content\_1771\_en.html, "Development of agriculture and food security"
3. www.nato.int/docu/Review/2008, "What does the food crisis mean in Afghanistan?"
4. www.irinnews.org/report, "pakistan-inflation-hits-food-security"
5. www.worldvision-institut.de, "Mongolia facing food challenges"

## ۱۴. چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

### ۱.۱۴. چالش‌ها

- فقدان نظام آماری به‌هنگام و دقیق تولید محصولات کشاورزی نظیر گندم.
- کاهش اجتناب‌ناپذیر ضریب خودکفایی به‌دلیل محدودیت‌های سرزمینی.
- کاهش ظرفیت‌های سرزمینی به‌دلیل تخریب محیط زیست و منابع پایه به‌ویژه آب.
- وابستگی بخش کشاورزی و تولید محصولات کشاورزی به بارش (کشت دیم).
- الگوی کشت غیربهبوده و اختصاص منابع کمیاب آب و خاک به کشت محصولات با ارزش بازاری پایین.
- کمبود منابع آب و نازل بودن راندمان آبیاری.
- ضرورت روزافزون واردات به‌منظور تأمین امنیت غذایی و مشکلات ناظر بر تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت منابع ارزی و ریالی.
- تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی خارج از ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی و تبعات تورمی آن.
- افزایش قابل توجه حضور دولت در فرایند خرید کالاهای اساسی به‌دلیل تحریم‌های خارجی.
- متکی شدن خرید خارجی کالاهای اساسی به چند شرکت چندملیتی.
- قیمت‌گذاری کالاهای اساسی در کشور و فقدان برنامه‌های روشن و مشخص برای اصلاح الگوی مصرف.
- تبعات هزینه‌ای قابل توجه خریدهای تضمینی.
- هزینه بالای تولید برخی محصولات اساسی نظیر تولید روغن.

### ۲.۱۴۳. فرصت‌ها

- امکان استفاده از ظرفیت‌های فراسرزمینی کشورهای همسایه نظیر قزاقستان.
- عدم شمول تحریم‌های خارجی به کالاهای اساسی.
- ساختار دولتی موجود شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت پشتیبانی امور دام کشور با چند دهه سال سابقه حضور در بازارهای بین‌المللی و امکان ورود آن‌ها به عرصه تجارت (صادرات و واردات) کالاهای اساسی.
- وجود برخی شرکت‌های غیردولتی ایرانی فعال در حوزه خرید و فروش کالاهای اساسی در کشورهای خارجی.
- امکان خروج کالاهای گوشت قرمز و گوشت سفید از مکانیزم دستوری قیمت‌گذاری و واگذاری آن به اتحادیه‌های مربوطه.

### ۳.۱۴. ظرفیت‌ها

- واگذاری فرایند تولید و تجارت محصولات کشاورزی به وزارت جهاد کشاورزی و امکان مدیریت متمرکز تولید و تجارت خارجی کالاهای کشاورزی.

- امکان بهره‌گیری از ظرفیت بورس کالا به منظور تعیین قیمت‌های واقعی تولیدات داخلی و عرضه محصولات خارجی.
- امکان استفاده از ظرفیت‌های ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی جهت اعمال سیاست قیمت تضمینی به‌جای خرید تضمینی.

### ۱.۱۵. مسائل و موضوعات مهم

#### ۱.۱۵.۱. تغییر رویکرد جهت افزایش ضریب خودکفایی تولید محصولات کشاورزی با تأکید بر ظرفیت‌های سرزمینی و حفظ منابع پایه

روند سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه حاکی از فرسایش و تخریب منابع پایه کشور تحت لوای شعار خودکفایی بوده است. از این منظر یک تغییر گفتمان جدی و عمومی با توجه به ظرفیت‌های سرزمینی کشور باید در مسیر خودکفایی و خوداتکایی دنبال شود و حفظ منابع طبیعی به‌عنوان خط قرمز خودکفایی از محل تولید داخل مدنظر قرار گیرد.

#### ۲.۱۵. افزایش نقش دولت در فرایند خرید خارجی کالاهای اساسی و تأمین مالی توری آن

طی سال‌های اخیر به دلیل تحلیل منابع پایه از یک سو و تشدید تحریم‌ها از سوی دیگر نقش دولت در امر خرید خارجی کالاهای اساسی افزایش یافته است. این در حالی است که تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی عمدتاً از طریق خطوط اعتباری بانک مرکزی انجام می‌پذیرد که به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های خارجی، به‌هنگام نبوده و تبعاتی همچون اختلال در برنامه‌های ذخیره‌سازی و عدم امکان برنامه‌ریزی خرید در زمان‌های مناسب را به همراه داشته است. ضمن آنکه این نحوه تأمین مالی از طریق افزایش حجم نقدینگی موجب افزایش پایه پولی و تورم در کشور نیز می‌شود. با وجود اینکه چنانچه تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی مطابق سنوات قبل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ در چارچوب ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی انجام پذیرد مشکلات موجود در این زمینه مرتفع خواهد شد که از آن جمله می‌توان به کاهش هزینه‌های دموراژ اشاره نمود. لذا تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی در چارچوب ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی از مهم‌ترین راهبرد اصلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

#### ۳.۱۵. عدم حضور کشور در بازارهای بین‌المللی محصولات کشاورزی

با توجه به کاهش منابع پایه کشور از جمله آب و با توجه به اینکه بخش قابل‌توجهی از تأمین نیازهای غذایی در کشور منوط به تولیدات زراعی (از قبیل گندم، برنج، دانه‌های روغنی، نهاده‌های دامی و ...) بوده

و توسعه تولیدات این بخش به دلیل محدودیت منابع آبی و کاهش ظرفیت‌های سرزمینی مقدور نمی‌باشد، در صورت عدم افزایش عملکرد در واحد سطح، شکاف بین نیازهای مصرفی جامعه و تولیدات بخش کشاورزی طی سال‌های آینده با افزایش بیشتری مواجه خواهد شد و بخش قابل توجهی از نیاز رو به رشد مواد غذایی ناگزیر می‌بایست از محل واردات تأمین گردد. از این جهت پیش‌بینی می‌شود کشور طی سال‌های آتی به دلیل رشد جمعیت و کاهش منابع پایه با افزایش واردات مواد غذایی مواجه شود. لذا حضور در بازارهای بین‌المللی کالاهای اساسی و تنوع در مبادی خرید خارجی باید مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴.۱۵. اعمال سیاست خرید تضمینی و ابعاد هزینه‌ای و ناکارآمدی آن

در حال حاضر سیاست خرید تضمینی در کشور اجرا می‌شود که دارای مشکلات متعددی از جمله ضرورت تأمین ۱۰۰ درصد نقدینگی مورد نیاز برای خرید محصول، بالابودن هزینه‌های تبعی خرید، ضرورت پرداخت ضرر و زیان ناشی از فساد محصول در انبار تا زمان فروش محصول و ... را به دنبال دارد. این در حالی است که سیاست قیمت تضمینی به دلیل آنکه مشمول مابه‌التفاوت قیمت کشف شده در بورس کالا و قیمت خرید تضمینی می‌شود، مزایایی چون تحمیل حداقل بار مالی به دولت در فرایند اجرای سیاست حمایتی، کمک به ارتقای کیفی محصولات و تولیدات کشاورزی از طریق معاملات بورس کالای ایران، امکان تأمین مالی مورد نیاز با استفاده از نقدینگی موجود خریداران و سیستم بانکی، ایجاد شبکه گسترده بازررسانی برای محصولات کشاورزی را به همراه دارد. لذا اجرای سیاست قیمت تضمینی در چارچوب ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی به جای خرید تضمینی باید مورد توجه قرار گیرد. از مهم‌ترین الزامات اجرایی آن تأمین منابع مالی می‌باشد.

#### ۵.۱۵. قیمت‌گذاری کالاهای اساسی

اساساً قیمت‌گذاری کالاهای اساسی عاملی اصلی برای اختلال در فرایند تولید و سوددهی مستقیم محصولات کشاورزی در بازارهای کالایی می‌باشد. سیاست‌گذاری‌ها باید حاوی رویکردهایی برای کاهش قیمت حتی‌المقدور قیمت‌گذاری و مداخلات دولت در زمینه کالاهای اساسی باشد.

#### ۶.۱۵. هزینه‌های ذخیره‌سازی

این هزینه‌ها به دلیل هزینه‌های انبار، خرید نابه‌هنگام، عدم امکان صادرات، عدم اجازه فروش و ... ایجاد می‌شود. این در حالی است که چنانچه امکان تجارت (واردات و صادرات) برای شرکت بازرگانی دولتی ایران مهیا باشد، با نزدیک شدن تاریخ انقضای کالاهای مذکور، نسبت به صادرات آن اقدام خواهد نمود و هزینه‌های ذخیره‌سازی تا حد زیادی کاهش خواهد یافت. لذا تغییر اساسنامه شرکت مذکور در راستای تجاری‌سازی آن و کاهش هزینه‌های ذخیره‌سازی مورد تأکید می‌باشد.

#### ۷.۱۵. محدودیت منابع پایه در داخل کشور

با توجه به روند کاهشی منابع پایه کشور از یک سو و روند رو به رشد جمعیت و نیازهای غذایی کشور عملاً امکان تأمین کلیه نیازهای اساسی کشور از داخل ممکن نخواهد بود. از این منظر سیاست‌گذاری‌ها باید متضمن الگوی مناسبی برای نحوه استفاده از ظرفیت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی جهت تأمین نیازهای غذایی کشور ارائه نماید. در این راستا کشت فراسرزمینی باید مورد توجه قرار گیرد.

#### ۸.۱۵. عدم وجود مکانیزم آماری دقیق

برخی از مشکلات موجود در خصوص تأمین امنیت غذایی در کشور به دلیل نبود اطلاعات جامع و به‌هنگام و برآوردی بودن آمار و اطلاعات می‌باشد که باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای در خصوص تأمین امنیت غذایی در کشور می‌گردد. از این رو ایجاد سامانه پایش کالاهای اساسی در کشور باید مورد توجه قرار گیرد. در صورت ایجاد سامانه پایش کالاهای اساسی:

- منابع مالی برای تأمین کالاهای اساسی از قبل قابل‌پیش‌بینی خواهد بود و از تأخیر و اختلال در فرایند تأمین مالی این کالاها جلوگیری خواهد شد.
  - وجود اطلاعات جامع و همگن از تولید، مصرف، صادرات، واردات، موجودی، ذخایر و وضعیت تأمین اعتبار واردات کالاهای اساسی امکان برنامه‌ریزی در خصوص تنظیم بازار را فراهم و ثبات بازار کالاهای اساسی و امنیت غذایی در کشور را تأمین خواهد کرد.
  - وجود سامانه پایش کالاهای اساسی، نظام رهگیری کالاها را میسر و با ایجاد شفافیت امکان بهره‌گیری از رانتهای ارزی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.
  - سامانه پایش کالاهای اساسی امکان همسویی بین سیاست‌های مالی، تجاری و تولیدی در کشور را فراهم و از طریق تقویت نظام مدیریت اطلاعات اقتصادی ظرفیت دولت برای اعمال سیاست را افزایش می‌دهد.
- به‌طور کلی با توجه به موارد فوق‌الشاره به‌منظور افزایش ضریب امنیت غذایی در کشور استفاده از کشت فراسرزمینی، حضور در بازارهای بین‌المللی مواد غذایی، تأمین مالی خرید خارجی کالاهای اساسی، اجرای ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی مبنی بر جایگزینی قیمت تضمینی به‌جای سیاست خرید تضمینی، کاهش هزینه‌های ذخیره‌سازی و ایجاد سامانه پایش کالاهای اساسی باید مورد توجه قرار گیرد.

#### منابع

انجمن صنفی صنایع روغن‌کشی ایران.

انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر ایران.  
 بسته‌پیشنهادی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه پنجم توسعه، وزارت جهاد کشاورزی.  
 حساب‌های ملی و نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران  
 راست‌آزمایی آمار و تبیین وضع موجود بخش کشاورزی، (۱۳۹۲). دفتر مطالعات زیربنایی معاونت  
 پژوهش‌های تولیدی و امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های اسلامی.  
 سازمان هواشناسی کشور.  
 سالنامه آماری شرکت بازرگانی دولتی ایران و اطلاعات به‌دست‌آمده از شرکت پشتیبانی امور دام کشور  
 سایت بانک جهانی.  
 سایت فائو.  
 گزارش «امنیت غذایی کشور، ارزیابی خوداتکایی کشاورزی و غذایی ایران با نگاهی به وضعیت تغذیه و  
 مصرف مواد غذایی در جامعه (۹۱-۱۳۶۸)»، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، بهار  
 ۱۳۹۲ و تا سال ۱۳۸۸.  
 مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه، ج ۴، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.  
 معاونت امور تولیدات دامی، وزارت جهاد کشاورزی.  
 «نگاهی به وضعیت منابع آب در ایران و جهان»، هفته‌نامه برنامه، شماره ۲۷۳.  
 وزارت نیرو، دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا.  
[www.azarbajjan.com/content\\_1771\\_en.html](http://www.azarbajjan.com/content_1771_en.html), "Development of agriculture and food security".  
[www.irinnews.org/report](http://www.irinnews.org/report), "pakistan-inflation-hits-food-security".  
[www.nato.int/cps/en/natolive/news\\_75464.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_75464.htm), "Tackling desertification and food security risks in Jordan".  
[www.nato.int/docu/Review/2008](http://www.nato.int/docu/Review/2008), "What does the food crisis mean in Afghanistan?".  
[www.worldvision-institut.de](http://www.worldvision-institut.de), "Mongolia facing food challenges".

# بررسی تأثیر تکانه درآمدهای نفتی بر ارزش صادرات بخش کشاورزی ایران

منصوره صادقی\*، محمدرضا ارسلان بد\*\*، شاهین وهابی راد\*\*\*

## چکیده

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که با تکیه بر منابع داخلی و نیروی انسانی با حداکثر بهره‌وری می‌باشد. در بخش کشاورزی مازاد تولید حاصله با توجه به نیاز کشور می‌تواند صادر شود، اما با توجه به اینکه کشورمان به درآمدهای نفتی وابسته است هرگونه تغییر و تکانه درآمدهای نفتی می‌تواند موجب تغییر در سرمایه‌گذاری طرح‌های کشاورزی گردد. در این تحقیق با مطالعه بر عوامل مؤثر بر تکانه‌های نفتی بر صادرات غیرنفتی پس از برآورد مدل با استفاده از روش خودتوضیح‌برداری (VAR)، نتایج حاصل از این قرار می‌باشند: یک تکانه منفی درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر ارزش صادرات کشاورزی می‌گذارد. در بلندمدت، تأثیر این تکانه بر ارزش صادرات کشاورزی خنثی خواهد بود. به‌طور کلی تأثیر تکانه درآمدهای نفتی در بلندمدت بر مجموع ارزش صادرات کشاورزی مثبت، ولی نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** درآمد نفتی، ارزش صادرات کشاورزی، روش VAR

## مقدمه

یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه، اتکای درآمد دولت‌ها بر صادرات یک کالا (یا تعداد محدودی از کالاها) می‌باشد.<sup>۱</sup> وجود چنین وضعیتی و ادامه این روند آسیب‌پذیری اقتصاد را روزافزون نموده و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد؛<sup>۲</sup> لذا اقتصاددانان اعمال قوانین و سیاست‌های مناسب اقتصادی جهت رفع این بحران را ضروری دانسته‌اند.<sup>۳</sup> این امر در ایران به‌صورت وابستگی درآمد دولت به صادرات نفت و محصولات نفتی به‌وضوح نمایان است. (یاوری و همکاران، ۱۳۹۰)

\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه sadeghi2016@gmail.com

\*\* دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه ارومیه m\_arsalanbod@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه SV331@yahoo.com

1. Goldstein & Khan (1978)- Lukonga, 1994.
2. Coppock, 1977- Pesaran, 1984.
3. Pesaran, 1984- Lukonga, 1994- Mookergee, 1383-1997.

مهم‌ترین مشخصه اقتصاد ایران نیز وابستگی شدید به درآمدهای نفتی است و هرگونه نوسان در قیمت نفت موجب بروز مشکلاتی از جمله کاهش درآمدهای صادراتی خواهد شد، (همان؛ شاکری، ۱۳۸۳) لذا امروزه رشد صادرات غیرنفتی به‌منظور کاهش وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی، یکی از اهداف مهم اقتصادی تلقی شده و به همین جهت همواره مورد توجه مجامع علمی بوده است. (یاوری و همکاران، ۱۳۹۰) اهمیت صادرات غیرنفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها همواره به‌عنوان یکی از موضوعات مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. رهایی از اقتصاد تک‌محصولی و ایجاد تنوع در اقلام صادراتی و به‌طور خاص توسعه کالاهای کشاورزی از ضرورت‌های کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. (همان؛ شاکری، ۱۳۸۳- Babiker et al, 2000- 1383 Khan and Knight, 1988)

یکی دیگر از مشکلات کشورهای در حال توسعه بی‌ثباتی درآمد صادرات می‌باشد. (Goldstein & Khan, 1978) به‌طور طبیعی بی‌ثباتی در درآمدهای صادراتی، بی‌ثباتی در درآمدهای دولت را نیز به همراه داشته و بر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تکمیل پروژه‌های توسعه‌ای اثر خواهد گذاشت. (شکری، ۱۳۹۱)

در این طرح پژوهشی، صادرات غیرنفتی به تفکیک بخش کشاورزی از دیدگاه درآمدهای نفتی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به پیروی از مدل شارما<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) و چیت و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) عبارت‌اند از: ارزش صادرات محصولات کشاورزی، درآمد نفتی ایران، نرخ ارز حقیقی، تولید ناخالص جهانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، داده‌ها به‌صورت سری زمانی و از بازه ۱۳۹۰-۱۳۵۷ در نظر گرفته شده‌اند که نتایج تحقیق با بهره‌گیری از مدل VAR<sup>۳</sup> تحلیل می‌شود.

با توجه به شرایط کنونی کشور و تحریم‌های جهانی در قبال خرید نفت ایران و اینکه نوسان قیمت نفت همواره درآمدهای دولت و بودجه و در نتیجه تمامی متغیرهای کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، (یاوری و همکاران، ۱۳۹۰) تأکید هرچه بیشتر روی صادرات غیرنفتی می‌تواند در بلندمدت راه برون‌رفت از تحریم‌ها و در جهت خودکفایی بیشتر کشور مثمر ثمر واقع گردد. هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر تکانه درآمدهای نفتی بر ارزش صادراتی محصولات کشاورزی در ایران می‌باشد. نتایج تحقیق از این قرار می‌باشد: ۱. یک تکانه منفی نرخ ارز حقیقی در کوتاه‌مدت موجب افزایش ارزش صادرات کشاورزی می‌شود. این تکانه در بلندمدت اثری بر ارزش صادرات کشاورزی ندارد. ۴. اثر تکانه GDP<sup>۵</sup> جهان بر ارزش صادرات کشاورزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبت ارزیابی می‌شود. تکانه

1. Sharma, 2003.

2. Chit et al, 2008.

3. Vector Autoregression

۴. تأثیر مثبت یک تکانه منفی نرخ ارز حقیقی بر ارزش صادرات کشاورزی در کوتاه‌مدت، مربوط به عدم برقراری شرط مارشال لرنر در بخش کشاورزی ایران می‌باشد. برای مطالعات بیشتر به این منابع مراجعه شود: زارع (۱۳۹۰).

5. gross domestic product.



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI<sup>۱</sup> در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر ارزش صادرات کشاورزی دارد،<sup>۲</sup> در حالی که در بلندمدت بر آن بی‌تأثیر می‌گردد. یک شوک منفی درآمد نفتی می‌تواند در کوتاه‌مدت بر ارزش صادرات کشاورزی تأثیر منفی داشته باشد.<sup>۳</sup> همچنین شوک درآمدهای نفتی همانند شوک نرخ ارز حقیقی و FDI در افق زمانی بلندمدت اثری بر ارزش متغیر صادرات کشاورزی نخواهد گذاشت.

## ۱. مرور ادبیات موضوع

در این بخش مبانی نظری و مطالعات تجربی موضوع مرور می‌شود.

### ۱.۱. مبانی نظری

تاکنون پژوهشگران در خصوص بررسی نوسانات درآمد صادرات و عوامل مؤثر بر آن به یک نتیجه قطعی و پایدار نرسیده‌اند. عدم حصول به چنین اجماعی دلایل متفاوتی دارد که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اولاً، نوع شاخص بی‌ثباتی صادرات به کاررفته در مطالعات متفاوت بوده است که این موضوع احتمالاً در نتایج حاصله مؤثر می‌باشد. (Coppock, 1977) ثانیاً، دوره‌های زمانی که در این مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است، متفاوت بوده و نتایج، به احتمال زیاد تحت تأثیر این دوره‌ها قرار گرفته است. (Massell, 1964) ثالثاً، برخی از این مطالعات، داده‌های مربوط به کشورهای در حال توسعه را به صورت داده‌های مقطعی مورد بررسی قرار داده‌اند، (همان، ۱۹۷۰). لذا به دست آوردن نتایج متفاوت دور از انتظار نخواهد بود. در بررسی علل ساختاری مؤثر در بی‌ثباتی درآمد صادرات، سه عامل مطرح شده است. اول، وابستگی کشور به صدور کالاهای اساسی و مواد خام اولیه،<sup>۴</sup> دوم، درجه تمرکز کالایی<sup>۵</sup> و سوم، درجه تمرکز جغرافیایی. (شکری ۱۳۹۱).

ماسل<sup>۶</sup> (۱۹۶۴) روش مقایسه اختلافات را پایه‌گذاری کرد. اختلاف موجود، بین نیروهای بلندمدت که تعیین‌کننده روند می‌باشند و نیروهای کوتاه‌مدت که در واقع مشخص‌کننده انحرافات از روند هستند می‌باشد. نادسن (۱۹۷۹)<sup>۷</sup> با استفاده از نظریه درآمد دائمی فریدمن، به تحلیل بی‌ثباتی درآمد صادراتی و تعریف آن پرداخت. نادسن (۱۹۷۹) اعتقاد دارد که اجزای زودگذر و پیش‌بینی نشده در درآمد، معادل بی‌ثباتی

1. foreign direct investment.

۲. یعنی سرمایه‌گذاری‌هایی که از سوی خارجی‌ها در ایران صورت می‌پذیرد نه تنها به سمت بخش کشاورزی نمی‌روند، بلکه با علامت‌دهی بهره‌وری بیشتر سایر بخش‌ها، سرمایه‌های موجود در بخش کشاورزی را نیز از این بخش خارج می‌سازند.

۳. به زیرنویس ۲۶ مراجعه فرمایید.

4. commodities and raw materials.

5. commodity concentration.

6. Massell.

7. Knudsen

است. در واقع نااطمینانی در درآمد صادراتی، همان بی‌ثباتی درآمد صادراتی بوده که مفهوم پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و همچنین رشد درآمد را از طریق رفتارهای ریسک‌گریز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بررسی‌هایی که در مورد شاخص‌های بی‌ثباتی صورت گرفته، می‌توان استنباط کرد که در اغلب مباحث، هرگونه انحراف از روند به‌صورت بی‌ثباتی، تعریف شده است. ادبیات مربوط به بی‌ثباتی صادرات، به اثرات بی‌ثباتی در مشکلات داخلی اقتصاد، مثل فشارهای تورمی و سرمایه‌گذاری، زمانی که درآمدها از روند منحرف می‌شوند، متمرکز شده است. حال این انحرافات چه مثبت باشد و چه منفی، به‌عنوان بی‌ثباتی تلقی شده است. در ادبیات کاربردی به‌دلیل سهولت محاسبه و اطلاعات آماری موجود، بی‌ثباتی به‌صورت انحراف از روند تعریف شده است.

ازجمله تحقیقات صورت‌گرفته در مورد عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی درآمد صادرات می‌توان به تحقیق ماسل (۱۹۷۰) اشاره کرد. وی مشکل اصلی صادرات را طرف عرضه معرفی می‌کند، به‌طوری‌که با ارائه یک مدل تار عنکبوتی سعی در تبیین نظرات خویش دارد. مدل ماسل بیشتر در کشورهایی درست است که محصولات کشاورزی عمده صادرات غیرنفتی آن‌ها را تشکیل می‌دهد که با نوسان قیمت‌ها در کوتاه‌مدت درآمدهای صادراتی نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

اقتصاد ایران نیز به‌عنوان یک کشور تولید و صادرکننده نفت مانند سایر کشورهای مشابه، گریبان‌گیر مسائل خاصی در مقوله صادرات خود می‌باشد. وابستگی بالای درآمدهای صادراتی کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت سبب شده است که هرگونه تغییر در قیمت‌های نفت، برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور را با اختلال مواجه ساخته و در نتیجه روند رشد اقتصادی کشور را کند سازد.

## ۲. معرفی مدل تحقیق و روش تخمین

جهت وصول به هدف پژوهش، از مدلی به فرم زیر بهره خواهیم گرفت:<sup>۱</sup>

$$\text{Noexa}_t = \alpha + \beta_1 \text{Oil}_t + \beta_2 \text{Wgdp}_t + \beta_3 \text{FDI}_t + \beta_4 \text{Rexch} + u_t$$

Noexa ارزش صادرات محصولات کشاورزی، Rexch نرخ ارز حقیقی مؤثر، Wgdp تولید ناخالص داخلی جهان (بجز ایران) و FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و Oil درآمد ارزی صادرات نفت در ایران می‌باشد. آمار و اطلاعات مربوط به متغیرها به‌صورت سری زمانی سالانه از سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) تا ۲۰۱۰ (۱۳۹۰)، از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی ایران، مرکز آمار ایران، بانک جهانی<sup>۲</sup> استخراج شده

۱. شکل ترکیبی این مدل براساس نظریات موجود در ادبیات موضوعی صادرات می‌باشد که تنها عامل درآمدهای نفتی بدان اضافه شده است. همچنین این مدل برگرفته از مدل شارما (۲۰۰۳) و چیت و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد.

2. WDI.



است، به طوری که ارزش همه داده‌ها به میلیون دلار می‌باشد. برای تخمین مدل خودرگرسیون برداری (VAR) استفاده شده است. تجزیه و تحلیل VAR یک ابزار اساسی برای بررسی پویایی سیستم‌های اقتصادی است. (simes, 1980) تحقیقات بر روی ارتباط بین VAR و مدل‌های سنجی ساختاری، امکان شناسایی شوک‌های ساختاری و همچنین بررسی اثرات پویای این شوک‌ها را بر داده‌های قابل مشاهده میسر ساخته است.

### ۳. تخمین مدل و نتایج

مرتبه بهینه مدل با استفاده از معیار شوارتز بیزین تعیین می‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به جدول ۱، وقفه بهینه مدل، دو می‌باشد. در تحلیل نتایج VAR، ضرایب و درصد توضیح‌دهندگی پارامترهای الگو اهمیت روش‌های تک‌معادله‌ای را ندارد، لذا در تجزیه و تحلیل متداول الگوی VAR بررسی تکانه‌ها ابزار بسیار متداول و ارزشمندی محسوب می‌شود؛ بنابراین در این مرحله، توابع عکس‌العمل حاصل از تخمین مدل VAR مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۱. تعیین تعداد وقفه بهینه مدل VAR برای صادرات کشاورزی

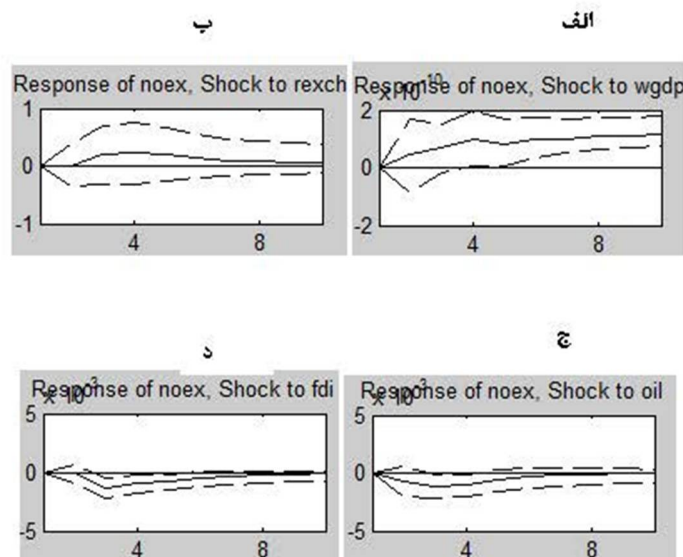
تعداد وقفه	مقدار آماره شوارتز بیزین (SBC)
۰	۲۰.۴۷۸۲
۱	۴.۸۹۳۷
۲	-۱۸.۴۴۷۱
۳	۰.۹۴۶۶

مأخذ: محاسبات محقق

در نمودار الف، Noex بیانگر ارزش صادرات کشاورزی می‌باشد. نمودار الف واکنش ارزش صادرات کشاورزی نسبت به تکانه‌های وارد شده از طرف سایر متغیرها را به اندازه یک انحراف معیار برای ده دوره نشان می‌دهد. تأثیر تکانه تولید ناخالص داخلی جهان بر صادرات کشاورزی نیز کاملاً با تئوری سازگار می‌باشد (نمودار ۱- الف) به طوری که در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبتی بر ارزش صادرات کشاورزی دارد. تکانه تولید ناخالص داخلی جهان تا چهار دوره موجب افزایش ارزش صادرات کشاورزی می‌شود. از دوره چهارم تا پنجم اثر شوک کاسته می‌شود و درآمدهای حاصل از صادرات این بخش کاهش

۱. از آنجا که معیار آکاییک منجر به ازدست‌دادن درجه آزادی بیشتری به شوارتز بیزین می‌شود، با توجه به محدودیت مشاهدات آماری معیار شوارتز بیزین برای انتخاب وقفه بهینه استفاده می‌شود.

می‌یابد. از دوره پنجم به بعد دوباره ارزش صادرات کشاورزی روند صعودی به خود می‌گیرد و این روند در بلندمدت همچنان ادامه خواهد داشت و به سطح روند ثابت برنخواهد گشت. نمودار ۱- ب واکنش ارزش صادرات محصولات کشاورزی را به تکانه منفی نرخ ارز حقیقی در دوره اول تأثیری بر صادرات کشاورزی ندارد و از دوره اول به بعد صادرات کشاورزی پاسخ مثبتی به شوک نرخ ارز نشان می‌دهد که این تأثیر تا چهار دوره همچنان مثبت می‌ماند و از دوره چهارم به بعد ارزش صادرات کشاورزی کاهش می‌یابد و در بلندمدت به سطح روند ثابت خود بازمی‌گردد. دلیل این عدم همخوانی با مبانی نظری واکنش صادرات کشاورزی را می‌توان در عدم برقراری شرط مارشال لرنر در بخش کشاورزی ایران دانست. (زارع، ۱۳۹۰)



نمودار ۱. عکس‌العمل ارزش صادرات کالاهای کشاورزی به سایر متغیرها

مأخذ: محاسبات محقق

براساس نمودار ۱- ج، متغیر ارزش صادرات کشاورزی در پی واکنش به تکانه منفی درآمدهای نفتی که متغیر اصلی مورد بررسی در این تحقیق می‌باشد، روند نزولی به خود می‌گیرد. این روند تا سه دوره همچنان باعث کاهش درآمدهای حاصله از صادرات تولیدات کشاورزی می‌گردد. با کاهش درآمدهای نفتی، عرضه ارز در داخل کشور کاهش می‌یابد و کمبود ارز باعث می‌شود ارزش پول ملی کاهش یابد. با



وقوع چنین حادثه‌ای و براساس تئوری‌ها، صادرات و در نتیجه ارزش صادرات باید افزایش یابد که یافته‌های تحقیق منطبق بر تئوری و مبانی نظری نمی‌باشد. که دلیل این امر را نیز باید در عدم برقراری شرط مارشال لرنر در ایران جست‌وجو کرد. (همان) همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیر ارزش صادرات کشاورزی پس از سه دوره، رفتار صعودی دارد؛ به‌طوری‌که پس از گذشت شش دوره دوباره به سطح روند ثابت خود بازمی‌گردد. بدین ترتیب تکانه درآمدهای نفتی در بلندمدت تأثیری بر ارزش صادرات کشاورزی نخواهد داشت که دلیل رفتار این متغیر عدم توجه کافی به بخش کشاورزی می‌تواند عنوان گردد.

در نمودار ۱-د یک شوک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره اول تأثیری بر درآمدهای حاصل از صادرات کشاورزی ندارد. تأثیر این شوک پس از دوره اول کم‌کم ظاهر می‌شود به‌طوری‌که تا دوره سوم منجر به کاهش درآمدهای صادراتی این بخش می‌گردد. این کاهش درآمد ناشی از جریان سرمایه خارجی به سایر بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد. سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌هایی صورت می‌پذیرد که سودآوری نسبی بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها داشته باشد که جریان سرمایه خارجی به سمت بخش خاص، علامتی مناسب برای جریان سرمایه‌های داخلی از سایر بخش‌ها (مثل کشاورزی) به سمت بخش مذکور می‌باشد. از دوره سوم به بعد این روند حالت صعودی به خود می‌گیرد تا در بلندمدت و پس از هشت دوره دوباره به سطح روند ثابت خود بازمی‌گردد. این واکنش صعودی به دلیل برهم‌خوردن تعادل (به‌وجود آمدن کمبود در بخش کشاورزی پس از سه دوره روند نزولی) و نیاز اقتصاد به افزایش می‌باشد.

#### ۴. نتایج حاصل از تحقیق و پیشنهادات سیاستی

هدف اصلی این مقاله برآورد تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی ایران بر ارزش صادرات غیرنفتی به تفکیک بخش کشاورزی کشور می‌باشد. در این راستا بعد از برآورد مدل VAR با استفاده از نمودار توابع عکس‌العمل آنی، تکانه‌های واردشده از متغیرهای مدل بر متغیرهای صادرات غیرنفتی مورد تحلیل قرار گرفت. توابع عکس‌العمل آنی تکانه متغیرهای مورد بررسی به تفصیل ذیل می‌باشد:

در نمودارهای ۱-الف ارزش صادرات محصولات کشاورزی واکنش‌های متفاوتی نسبت به تکانه نرخ ارز نشان داده در نتیجه با توجه به اینکه اکثر صادرات غیرنفتی ایران متشکل از محصولات کشاورزی می‌باشد، اعمال سیاست‌های نرخ ارز برای تحت تأثیر قراردادن صادرات غیرنفتی در ایران سیاست مناسبی نخواهد بود.

درآمدهای حاصل از صادرات کشاورزی در برابر تکانه مثبت تولید ناخالص داخلی جهان واکنش‌های یکسان و هم‌جهتی از خود نشان می‌دهند؛ با این تفاوت که صادرات کشاورزی در برابر تکانه تولید

ناخالص داخلی واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهد. در نتیجه افزایش تولید ناخالص داخلی کشورهای خارجی موجب پیشرفت بیشتر ارزش صادرات کشاورزی نسبت به صنعت می‌گردد که دلیل آن وابسته‌بودن صنایع ایران به مواد اولیه واسطه‌ای خارجی می‌باشد.

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بلندمدت تأثیری بر ارزش صادرات کشاورزی ندارد می‌توان نتیجه گرفت سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته در ایران وارد بخش کشاورزی نمی‌شود. اصولاً سرمایه‌گذاری خارجی در بخشی انجام می‌شود که کشور هدف مزیت نسبی در آن بخش داشته باشد؛ در نتیجه برای رشد و توسعه کشور باید سعی شود در یک‌سری از بخش‌ها که بستر مناسبی هم در کشور برای آن وجود دارد (نظیر بخش کشاورزی)، مزیت نسبی ایجاد شود و همچنین با بهبود سیاست‌های خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی در راستای آبادانی هرچه بیشتر کشور گام برداشت.

در ایران متغیر درآمدهای نفتی همواره تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. (بهبودی و متفکر آزاد، ۱۳۸۸) با توجه به اینکه اقتصاد ایران تا حدود زیادی وابسته به نفت است، لذا طبیعی است که افزایش درآمدهای نفتی در بلندمدت تأثیر مثبت بر ارزش صادرات غیرنفتی داشته باشد، چراکه افزایش درآمدهای دولت می‌تواند علاوه بر تورم باعث رشد اقتصادی نیز گردد. با توجه به وابسته‌بودن بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی به درآمد نفت، نااطمینانی این متغیر سبب تأثیر منفی بر این متغیرها و صادرات غیرنفتی می‌شود. در نتیجه باید سیاست‌های کلان اقتصادی در برنامه‌های توسعه به‌گونه‌ای باشد که از این وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاسته شود تا نوسان درآمدهای نفتی تأثیر کمتری بر متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد.

سهم صادرات کشاورزی کشور نسبت به کل صادرات کشور (در مقایسه با کشورهای صنعتی) در حد پایینی قرار دارد و قابل‌مقایسه با کشورهای صنعتی نیست. صادرات غیرنفتی ایران، با حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده نتوانسته است بازدهی لازم را کسب کند و به جایگاه واقعی و کارکرد اصلی خود نزدیک شود. شناخت علل عدم رشد صادرات غیرنفتی در ایران مستلزم شناخت دقیق روند تحولات صنعتی و کشاورزی کشور و تجزیه و تحلیل ساختار صنایع ایران در گذشته و حال است؛ در این صورت جایگاه و نقش اصلی صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران تعیین خواهد شد. همچنین با مطالعه روی تجارب سایر کشورها و بررسی عملکرد رشد صادرات غیرنفتی آن‌ها، خواهیم توانست موانع و مشکلات صادرات غیرنفتی ایران را به‌صورت دقیق‌تری شناسایی نماییم و با استفاده از تجارب دیگر ملل در رفع آن‌ها موفق‌تر عمل نماییم.



## منابع

- ابریشمی، حمید (۱۳۸۳). «اثر بی ثباتی درآمدهای صادراتی بر رشد بخش کشاورزی در طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۵۰»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱.
- بهبودی، داوود، و محمدعلی متفکرآزاد (۱۳۸۸). «اثر بی ثباتی قیمت نفت بر تولید ناخالص داخلی ایران»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال شش، شماره ۲۰، ص ۲۵.
- شاکری، عباس (۱۳۸۳). «عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱، ۵۰-۳۳.
- شکری، فرشاد (۱۳۹۱). «تأثیر تکانه‌های نرخ ارز حقیقی بر صادرات غیرنفتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، فصل دوم، ۲۹-۲۳.
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰، پاییز.
- Akpan.E.S et al (2012), Industrial Production and Non-oil Export: Assessing the Long-run Implication on Economic Growth in Nigeria, International Journal of Economics and Finance vol 4:212-231.
- Chit M., Moe R., Rizov M. Middlesex D (2008), Exchange Rate Volatility and Exports: New Empirical Evidence from the Emerging East Asian Economies, Munich Personal Repec Archive, 2008, No. 9014, 1-35.
- Coppock, J.D. (1977), International Trade Instability, Farnborough, Saxon House: 99-111.



## بودجه‌ریزی عملیاتی غلتان در نظام اقتصادی منعطف

محمد صفاکیش\*

### چکیده

پس از مطرح‌شدن اقتصاد مقاومتی به‌عنوان چارچوب اقتصادی آینده کشور، لزوم بودجه‌ریزی بر مبنای اصول این چارچوب نیز بایستی مورد توجه ویژه قرار گیرد. از آنجا که اقتصاد مقاومتی، به‌دلیل وجود تنوع درآمدی دولت و با پیروی از الگوی مصرف بهینه، اقتصادی منعطف و درون‌پایه است، حتی در شرایط تحریم نیز زمینه رشد و پویایی جامعه را فراهم می‌کند. بایستی ضمن نیل به بودجه‌ریزی عملیاتی، از وابستگی به درآمدهای نفتی رهایی یابیم تا در صورت تحمیل هرگونه شوک به سیستم اقتصادی مجبور به اجحاف در حق آیندگان با مصرف سهم نفت آنان به‌جای سرمایه‌گذاری برای ایشان، کاهش بودجه عمرانی و یا کاهش سهم صندوق توسعه ملی نشویم. در این نوشتار ضمن تحلیل موارد فوق به نتایج بررسی مالیات‌ها به‌عنوان منبع درآمد دولت در دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۷ به روش SUR پرداخته و تبیین نمود. که سیستم بودجه‌ریزی کشور در حال حاضر بایستی چگونه با ساختار نظام اقتصاد مقاومتی مرتبط گردد؟

**کلیدواژه‌ها:** بودجه‌ریزی منعطف، بودجه‌ریزی مقاومتی، بودجه‌ریزی عملیاتی، اقتصاد مقاومتی، درآمد مالیاتی

### مقدمه

بودجه در حقیقت به‌معنای نگه‌داشتن دخل و خرج دولت و ایجاد توازن میان درآمدها و هزینه‌هاست برای تحقق اقتصاد مقاومتی بایستی هزینه‌ها و مخارج غیرضروری در بودجه کشور را شناسایی و در سطح وسیعی کاهش داد و از این طریق منابع محدود ارزی که از صادرات نفت و کالاهای غیرنفتی به‌دست می‌آیند به‌طور علمی-عقلایی منطبق با این چارچوب مورد استفاده قرار گیرند. بودجه‌ریزی عملیاتی مبنای مدیریت توسعه بوده که در آن دستگاه‌های مختلف برنامه‌های توسعه خود را ارائه نموده تا براساس اولویت‌بندی اعتبار لازم را برای سازمان مربوطه خود اخذ نمایند. درآمدی به‌عنوان یکی از اصول اقتصاد مقاومتی جهت کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توان بهبود سیستم اقتصادی کشور پس از دریافت تکانه‌های شدید مطرح می‌باشد. در کشور ما با توجه به تنوع اقلیم منابع زیرزمینی فراوان، گستردگی بازار

---

\*safakish@gmail.com



مصرف قابل‌ملاحظه داخل کشور، نیروی انسانی مستعد تحصیل‌کرده، مقدار و رتبه بین‌المللی در صورت اجرای کامل و صحیح این سیستم بسیاری از تهدیدات موجود را می‌توان به فرصت تبدیل نمود.

## ۱. مبانی نظری تحقیق

### ۱.۱. تعریف بودجه‌ریزی عملیاتی

برای بودجه عملیاتی تعاریف متفاوتی وجود دارد، اما به‌طور کلی براساس پژوهش‌های انجام‌شده، بودجه‌ریزی عملیاتی، روشی برای تخصیص منابع به‌منظور دستیابی به اهداف، برنامه‌ها و نتایج ارزیابی شده است. در این روش منابع بودجه به اهداف مورد نظر در قالب برنامه به‌نحوی کارا و اثربخش تخصیص می‌یابد. به‌عبارتی عوامل صرفه‌جویی و اثربخشی به ابعاد سنتی بودجه بودجه‌ریزی اضافه می‌شود. بنابراین، سه عنصر کلیدی بودجه‌ریزی عملیاتی را می‌توان اهداف قابل‌سنجش، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی دانست.

### ۱.۲. بودجه‌ریزی عملیاتی، اهداف و مزایای آن

در ادامه، ابتدا توضیحاتی در مورد بودجه‌ریزی متداول و نیز بودجه برنامه‌ای ارائه می‌شود تا درک بودجه‌ریزی عملیاتی آسان‌تر باشد. بودجه متداول یا سنتی بودجه‌ای است که در آن اعتبارات هر سازمان دولتی به تفکیک فصول و مواد هزینه مشخص می‌گردد. در این روش نوع و ماهیت هزینه‌ها مشخص می‌شود، اما اینکه هر هزینه برای کدام هدف یا اجرای کدام برنامه یا فعالیت باشد مشخص نمی‌شود. این روش به‌دلیل سادگی، عدم ابهام و توانایی کنترل هزینه‌ها در مقایسه با سال‌های قبل و مشخص کردن داده‌های هزینه‌بر، بیشتر مورد استفاده بوده است، اما با افزایش روزافزون وظایف دولت‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی اهمیت خود را از دست داده و کاربردی ندارد.

بودجه برنامه‌ای شبیه بودجه عملیاتی است اما با این تفاوت که بودجه برنامه‌ای به طبقات بالاتر سلسله‌مراتب سازمان‌ها مربوط می‌شود. در تنظیم این نوع بودجه ممکن است بدون محاسبه دقیق مخارج هر واحد از فعالیت دولتی، هزینه‌ها را فقط براساس سیاست کلی مالی دولت پیش‌بینی کرد. در کل از نظر ماهیت بودجه برنامه‌ای کار بررسی مقامات دستگاه اجرایی برنامه‌ریزی و مجلس را آسان می‌کند و تصویری از عملکرد دستگاه اجرایی و نتایج به‌دست‌آمده از منابع به‌کاررفته در سطح برنامه ارائه می‌کند. بودجه عملیاتی یک برنامه سالانه به همراه بودجه سالانه است که رابطه میان میزان وجوه تخصیص‌یافته به هر برنامه با نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آن برنامه را نشان می‌دهد. این نوع بودجه‌ریزی توانایی تصمیم‌گیرندگان در ارزیابی درخواست‌های بودجه‌ای دستگاه‌های اجرایی را با آگاه‌ساختن

تصمیم‌گیرندگان به اطلاعات بهتر درباره نتایج هر برنامه یا برنامه‌هایی که برای رسیدن به اهداف مشترکی به کار می‌روند افزایش می‌دهد. این نوع بودجه تمامی فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد نیاز در برنامه و همچنین تخمین دقیقی از هزینه فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد.

هدف نهایی بودجه‌ریزی عملیاتی یاری‌رساندن به اتخاذ تصمیمات عاقلانه در خصوص تخصیص و تعهد منابع دولت براساس پیامدهای قابل‌سنجش است که نتایج قابل‌انتظار دستگاه را در طی زمان منعکس می‌کند. بودجه‌ریزی عملیاتی اهداف ویژه‌ای نظیر ارائه مبنای صحیح جهت اتخاذ تصمیم در خصوص تخصیص منابع، ایجاد ارتباط بین بودجه و نتایج عملکرد برنامه، ارائه مبنایی برای پاسخگویی بیشتر در قبال استفاده از منابع کشور، تمرکز فرایند تصمیم‌گیری روی مهم‌ترین مسائل و چالش‌هایی که دستگاه با آن مواجه است و ارائه مشوق‌هایی برای مدیریت عملکرد بر مبنای بهبود مستمر است. فواید بودجه‌ریزی عملیاتی که در آن بودجه به‌عنوان وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی اقتصادی، اجرای برنامه‌ها و مدیریت عملکرد است شامل این موارد می‌شود:

۱. در این نظام میان خروجی فعالیت‌ها و اقدامات دستگاه‌ها و مأموریت‌ها و وظایف کلان دولت ارتباط روشنی برقرار می‌شود.
۲. پیامد فعالیت‌ها و اقدامات دستگاه‌ها بر روی اقتصاد کشور و میزان اثرات آن اندازه‌گیری و مدیریت می‌شود.
۳. تعریف خروجی‌ها در قالب شاخص‌های اندازه‌گیری و ارزیابی کیفیت کالاها و خدمات ارائه‌شده در مقایسه با آنچه در بخش خصوصی انجام می‌شود.
۴. دربرگیرنده شاخص‌های شفاف عملکردی و نظام‌های ارزیابی عملکرد.
۵. دربرگیرنده پاسخگویی در سطح بالاتر به همراه پاداش‌ها و مجازات‌های مربوط.
۶. مسئولیت‌پذیر ساختن مدیران در قبال تصمیماتی که روی نتایج بودجه تأثیر می‌گذارد. [۵]

### ۳.۱. تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی

تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی مستلزم انجام این اقدامات است:

۱. هدف‌گذاری کمی و قابل‌سنجش در راستای تحقق اهداف آرمانی (چشم‌انداز بلندمدت).
۲. تعیین شیوه‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف.
۳. اولویت‌بندی اهداف.
۴. طبقه‌بندی و تعریف برنامه‌ها، فعالیت‌های واحدهای سازمانی در قالب اهداف استراتژیک و مأموریت‌های سازمانی.
۵. تعیین قیمت تمام‌شده برنامه‌ها و فعالیت‌ها متناسب با کیفیت و محل جغرافیایی انجام فعالیت با استفاده از شیوه‌های مربوط.



۶. تنظیم لایحه بودجه با رویکرد هدفمند و عملیاتی، براساس تعیین برنامه‌ها، کمیت‌ها و قیمت تمام‌شده خدمات.
۷. توزیع منابع در چارچوب ارقام مذکور در قوانین بودجه بین کوچک‌ترین واحدهای سازمانی که انجام‌دهنده برنامه‌ها و فعالیت‌ها هستند، مناسب با کمیت، کیفیت و محل جغرافیایی انجام فعالیت.
۸. تنظیم تفاهم‌نامه‌های مدیریتی میان مدیران بالاتر با مدیران واحدهای عملیاتی برای انجام برنامه‌ها و فعالیت‌ها براساس قیمت تمام‌شده.
۹. اعطای اختیارات لازم به مدیران مجری برای تدوین فرایندها و انجام اصلاحات اداری، مالی و استخدامی به‌منظور تحقق اهداف تعیین‌شده، متناسب با قیمت تمام‌شده.
۱۰. تعریف نظام‌های نظارتی و ارزیابی عملکرد با رویکرد کنترل نتیجه و محصول به‌جای کنترل فرایند انجام وظایف.
۱۱. تخصیص منابع متناسب با میزان تحقق اهداف تعیین‌شده در تفاهم‌نامه.
۱۲. دریافت گزارش‌های عملکردی و انطباق با اهداف آرمانی و استراتژیک و اتخاذ تصمیم برای تنظیم برنامه‌های بعدی.

#### ۱.۴. روند اصلاحات بودجه‌بندی

بودجه‌ریزی بعد از پیدایش حکومت‌های پارلمانی به‌وجود آمد. یعنی آغاز کار بودجه‌نویسی به زمانی برمی‌گردد که با دگرگونی و یا اصلاح ساختار دولت‌ها، بودجه‌نویسی و حق مسلم نظارت مردم بر اموال عمومی به‌صورت کنترل درآمدها و هزینه‌های دولتی توسط نمایندگان آن‌ها دایر شد. از این‌رو، بخش مهمی از قوانین هر کشور به چگونگی دخل و خرج آن کشور اختصاص دارد. بودجه و بودجه‌ریزی به نیازهایی نظیر پیش‌بینی برآورد درآمدها و تخصیص منابع برای اجرای اهداف و برنامه‌های دولت، ایجاد زمینه‌ای برای ارزیابی و نظارت دقیق بر تحقق اهداف و برنامه‌های دولت و کنترل و نظارت بر وصول درآمدها و چگونگی هزینه‌های دولت، در اداره امور کشور پاسخ می‌دهد. مفهوم بودجه همگام با تکامل دولت‌ها و پیچیده‌تر شدن وظایف دولت، تغییر و تکامل یافته است. اصلاحات بودجه‌بندی در اوایل قرن نوزدهم میلادی عمدتاً به‌منظور افزایش توان حسابدهی حکومت‌های پیرو دموکراسی و یا اعمال کنترل بیشتر در رژیم‌های شبه پادشاهی اعمال می‌شد و قانونگذاران به‌تدریج توجه خود را از مالیات‌بندی به تخصیص هزینه‌های عمومی معطوف ساختند. کشور بریتانیای کبیر اولین کشوری بود که در پی تهیه چارچوبی برای افزایش توان پاسخگویی مالی دولت برآمد. در آن شرایط، انضباط مالی و صرفه‌جویی مستلزم رعایت دستورالعمل‌های اعلام‌شده توسط دستگاه مرکزی بود. بعد از آن وظایف حسابداری و حسابرسی ضروری تشخیص داده شد و دستگاه‌های خاصی بدین منظور مشغول به کار شدند.



نظام بودجه‌ریزی فرانسوی با درجه‌تمرکز بیشتری توسعه یافت. مسئولیت تمامی امور مربوط به نظارت، ممیزی، بازرسی، راهنمایی‌های مستقیم و غیرمستقیم و تهیه ضوابط و مقررات برعهده واحد خزانه‌داری بود. توسعه نظام‌های فوق باعث ایجاد یک دستگاه مالی مرکزی در داخل دولت و در نهایت رشد خدمات مالی دولت شد. هرچند که تمرکز امور در یک دستگاه مرکزی منجر به بروز مشکلاتی می‌شد که مهم‌ترین آن جلوگیری از رشد و توسعه مدیریت مالی در دستگاه‌های اجرایی بود. وجود یک دستگاه مرکزی مالی پر قدرت به‌طور جدی مورد سؤال قرار گرفت. در اوایل دهه ۱۹۲۰ در آمریکا و بعد از آن در کشور انگلستان برای جلوگیری از مشکل فوق، اختیارات بیشتری به دستگاه‌های مصرف‌کننده تفویض شد. رکود اقتصادی سال‌های دهه ۱۹۳۰ منجر به مجموعه مشکلات جدیدی شد. برای مواجهه با مشکل برقراری تراز بودجه، اصلاحاتی با هدف ایجاد یک بودجه سرمایه‌ای، در جهت ایجاد نظام بودجه دوگانه به‌عمل آمد و هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای تفکیک شدند. ایجاد بودجه سرمایه‌ای تأثیر بسزایی در ساختار بودجه برای سالیان متمادی گذاشت. ایجاد بودجه سرمایه‌ای در کشورهای در حال توسعه، یکی از ویژگی‌های اساسی بودجه دولت را تغییر داد، که آن امکان استفاده از وجوه پروژه‌های سرمایه‌ای در دوره زمانی بیشتر از یک‌سال بود. بعضی از کشورها دارای نظام‌هایی هستند که وجوه به‌طور خودکار از یک سال به سال دیگر منتقل می‌شود و این وجوه در طول اجرای پروژه قابل استفاده است.

اصلاحات بودجه‌ای در دهه ۱۹۵۰ دو وجه متمایز داشت. در کشورهای صنعتی، توجه بیشتر به‌سوی کاهش کنترل‌های قانونی معطوف شد. درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه، بودجه به‌عنوان عاملی برای به‌حرکت درآوردن برنامه‌های توسعه و به‌حداقل رساندن تفاوت‌های نهادی بین دستگاه‌های مالی سنتی و دستگاه‌های برنامه‌ریزی سازمان‌یافته، مورد تأکید قرار گرفت. کاهش کنترل‌های قانونی در نهایت منجر به ایجاد نظام بودجه‌ریزی عملیاتی شد. این نظام بعد جدیدی به ابعاد سنتی بودجه (صرفه‌جویی و کارایی) اضافه کرد.

نظام بودجه‌بندی عملیاتی بین کارایی و اثربخشی تمایز قائل می‌شود. کارایی با استفاده مفید از منابع ارتباط دارد، درحالی‌که اثربخشی، با عملکرد مرتبط است. در بودجه‌بندی عملیاتی طبقه‌بندی عملیات به‌نحوی است که هدف‌ها شفاف‌تر بیان می‌شوند، ارزیابی بودجه سهل‌تر بوده و در روش هزینه‌بندی آن ارتباط بین نهاد و ستاده مورد نظر قرار می‌گیرد. استفاده از بودجه‌بندی عملیاتی را نخستین بار کمیسیون اول هوور در سال ۱۹۴۹ پیشنهاد کرد. در پاسخ به این پیشنهاد، کنگره آمریکا در اصلاحیه قانون امنیت ملی سال ۱۹۴۹ توصیه کرد.

بودجه عملیاتی در ارتش مورد استفاده قرار گیرد. در سال بعد در چارچوب قانون روش‌های حسابداری بودجه استفاده از این روش در دولت فدرال الزامی شد. بدین ترتیب این نظام از سال ۱۹۵۰ در آمریکا از طریق محاسبه هزینه واحد برای هر یک از فعالیت‌ها آغاز شد و وزارت دفاع در همین چارچوب مجموعه‌ای از طبقه‌بندی‌های جدید را پیشنهاد کرد که قابل استفاده در تمامی خدمات دولتی بود. [۴]



## ۲. بودجه‌ریزی در ایران

### ۱.۲. فرایند بودجه‌ریزی ایران

ساختار بودجه‌ریزی در ایران دارای مشکلات و ایرادات اساسی است. بسیاری از کارشناسان روند تهیه، تدوین، تصویب و اجرای آن را بسیار طولانی می‌دانند. فرایندی که در پس هرکدام از آن‌ها، باید شاهد تغییراتی اساسی در مبنای اولیه آن بود. سرانجام آنچه که از این روند و پس از تصویب بیرون می‌آید، آن چیزی نیست که کارشناسان پس از ماه‌ها بررسی کارشناسی آن را نوشته بودند. عده‌ای دیگر نیز این نوع بودجه‌بندی را مناسب کشور نمی‌دانند و سرانجام بودجه‌بندی بر مبنای صفر را پیشنهاد کردند. بودجه‌ریزی بر مبنای صفر با واقع‌بینی بیشتری نسبت به آن گروه از عملیات و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی که می‌توانند جابه‌جاشده و نتایج پرثمرتری را به‌بار آورند می‌نگرد. اگرچه این روش بودجه‌ریزی بسیار پیچیده است، اما گفته می‌شود نتایج مطلوبی که از این روش به‌دست می‌آید، ارزش به‌کار بردن آن را دارد. این روش تمرکز و تاکید بر کل تقاضای بودجه دارد و یکی از مشخصه‌های مهم آن انعطاف‌پذیری است و به بودجه‌ریزان این امکان را می‌دهد که بین شقوق مختلف اعتباری حق انتخاب داشته باشند. در واقع بر این اساس هر سازمان، برنامه‌های جدید و قدیم خود را همانند یک فعالیت جدید مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اساس این روش مبتنی بر نوسازی و تحول در سازمان‌هاست. در این روش درجه اولویت اهداف نسبت به یکدیگر تعیین می‌شود. بودجه‌بندی فرایندی مستمر است که ارکان و عناصر آن در بیشتر کشورها تقریباً با یکدیگر شباهت دارند، این وجه تشابه مراحل اساسی بودجه از تهیه و تنظیم تا اجرای آن است. روش‌هایی که در این مراحل اعمال می‌شود به لحاظ هدف یکی بوده، ولی کیفیت به‌کارگرفتن آن‌ها ممکن است کم و بیش فرق کند.

دولت‌ها عموماً برای تنظیم بودجه، نخست برآوردهای درآمد و هزینه را برای دوره آینده پیش‌بینی می‌کنند، سپس از مجموع این برآوردها و تطبیق آن‌ها با اطلاعات و مفروضات جمع‌آوری‌شده، بودجه پیشنهادی را تهیه و تنظیم می‌کنند و پس از تصویب مراجع صلاحیت‌دار، برای اجرا آماده می‌کنند. آن‌ها روش‌ها و تدابیر لازم را برای حسن اجرای بودجه به‌کار می‌بندند و عمل نظارت به‌صورت بررسی نتیجه عملیات انجام می‌گیرد تا به این وسیله از برخورد مسائل و بروز مشکلات جلوگیری شود. بودجه از چهار مرحله تشکیل می‌شود که در مجموع این چهار مرحله را سیکل بودجه‌ای نامیده‌اند، این چهار مرحله عبارتند از:

۱. تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه (بودجه پیشنهادی).

۲. تصویب بودجه (بودجه مصوب).

۳. اجرای بودجه (بودجه تخصیصی).

۴. نظارت و کنترل بودجه (تفریح بودجه).

در مرحله تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه، هدف‌ها و سیاست‌های کلی دولت در تنظیم بودجه سالانه که توسط شورای اقتصاد تنظیم می‌شود، از طریق بخش نامه بودجه از سوی رئیس‌جمهور به تمامی دستگاه‌های دولتی ابلاغ می‌شود. دستگاه‌های دولتی، بودجه یک سال آینده خود را در قالب اهداف و خط‌مشی تعیین شده و با رعایت دستورالعمل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تنظیم و پیشنهاد می‌کنند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور پس از بررسی‌های لازم و با توجه به اولویت‌ها و میزان درآمدهای پیش‌بینی شده، بودجه دستگاه‌های دولتی را پس از انجام تعدیل لازم در لایحه بودجه کل کشور منظور و برای بررسی به شورای اقتصاد و هیئت وزیران تسلیم می‌کند. هیئت وزیران لایحه بودجه را مورد بررسی قرار داده و پس از تأیید در مهلت قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌کند. رئیس‌جمهور هنگام تقدیم بودجه ضمن گزارش مشروحي، رئوس برنامه‌های دولت را به اطلاع نمایندگان مجلس می‌رساند. در مرحله تصویب بودجه نظارت و رسیدگی قوه مقننه بر بودجه عمومی که حاوی تمامی برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌های قوه مجریه در سال آتی است انجام می‌گیرد. لایحه بودجه در کمیسیون‌های مختلف مجلس مورد بررسی قرار گرفته و کمیسیون تلفیق اصلی مسئولیت رسیدگی نهایی را برعهده دارد.

نکته مهم در این مرحله این است که هدف، تصویب اعداد و ارقام نیست، بلکه منظور اصلی، رسیدگی به سیاست‌ها و برنامه‌های دولت است که با توجهات اقتصادی، اجتماعی و... همراه است و به‌صورت اعداد و ارقام تجلی یافته است.

اجرای بودجه تمامی مراحل را شامل می‌شود که جهت وصول درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار از یک‌طرف و مصرف اعتبارات پیش‌بینی شده و مصوب از طرف دیگر به مورد اجرا گذاشته می‌شود. اجرای بودجه، شامل تحقق ارقام پیش‌بینی شده در بودجه مصوب و به عبارتی دیگر، وصول درآمدها و پرداخت هزینه‌ها برای نیل به مقاصد و اهداف معین طبق قوانین و مقررات مربوط است. در مرحله اجرا، بودجه خود دارای مراحل فرعی دیگری است. به این ترتیب که پس از ابلاغ بودجه، دستگاه‌های دولتی موظف‌اند برای مصرف اعتبارات مصوب، موافقت‌نامه‌ای تنظیم و با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مبادله کنند. نظارت بر بودجه از جهت صحت عملیات اجرایی و انطباق آن با هدف‌ها و برنامه‌ها نقش مهمی دارد، چون بودجه مأموریتی است که از طرف قوه مقننه به دولت محول شده است. باید به‌نحوی از درستی انجام این مأموریت آگاهی یابد. نظارتی که مجلس در آغاز توسط دیوان محاسبات به‌طور غیرمستقیم و سپس با رسیدگی به گزارش تفریح بودجه به‌صورت مستقیم انجام می‌دهد در پی این منظور است که روی هم نظارت قضایی و نظارت پارلمانی را پدید می‌آورد. از طرف دیگر دستگاه دولت نیز به‌سبب وسعت فراوانی که دارد باید اطمینان یابد که آنچه در درونش و توسط اعضایش صورت می‌پذیرد در جهت هدف‌های برنامه است. این احتیاج نیز لزوم نظارت اداری و عملیاتی را که دولت خودش بر خودش و بر کارکنانش به‌عهده دارد مطرح می‌سازد. [۴]



## ۲.۲. سیر مراحل بودجه‌ریزی عملیاتی در ایران

سابقه پاسخ‌خواهی و طلب بودجه در ایران به زمان مشروطیت برمی‌گردد. اولین بودجه تاریخ ایران در زمان وزارت صنایع‌الدوله ۱۲۸۹ش در دوره دوم قانونگذاری تهیه و تقدیم مجلس شد. از سال ۱۳۸۰ در احکام مندرج در قوانین بودجه سالانه دولت مکلف به انجام اقدامات لازم برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی شده است که یکی از محورهای اساسی این اصلاح، تهیه و تنظیم بودجه به روش عملیاتی است. در جهت استقرار سیستم آمارهای مالی دولت طبقه‌بندی‌های بودجه‌ای از بودجه سال ۸۱ به بعد تغییرات اساسی پیدا کرد. به گونه‌ای که مفاهیم اساسی بودجه‌ریزی مانند درآمد و هزینه متفاوت از مفهوم آن در بودجه سال‌های گذشته شد. درآمد در بودجه ۸۱ برخلاف سال‌های گذشته که شامل وجوه حاصل از فروش و واگذاری دارایی‌ها و سرمایه‌ها از قبیل نفت، گاز و معادن می‌شد، صرفاً شامل آن دسته از دادوستدهای بخش دولتی بود که ارزش خالص را افزایش می‌داد و وجوه حاصل از فروش دارایی‌ها و سرمایه تحت عنوان واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای طبقه‌بندی شده بود. مفهوم هزینه هم که در گذشته به انواع پرداخت‌هایی اطلاق می‌شد که در وجه ذی‌نفع در ازای تعهد یا تحت عنوان کمک، انجام می‌شد، در حال حاضر آن دسته از دادوستدهای بخش دولتی است که ارزش خالص را کاهش می‌دهد. در نتیجه پرداخت‌های بابت خرید و ساخت دارایی ثابت و موجودی انبار به جای هزینه تحت عنوان تملک دارایی سرمایه‌ای منظور می‌شود. به استناد مواد ۱۳۸ و ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف شده تا پایان سال دوم این برنامه ضمن بازنگری در فرایند نظام بودجه‌ریزی کلیه الزامات و راهکارهای قانونی و ساختاری مورد نیاز را به گونه‌ای فراهم کند که نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، استقرار یافته و توسعه یابد.

## ۳.۲. مشکلات بودجه‌ریزی عملیاتی در ایران و برخی راهکارها

در ایران بودجه‌ریزی عملیاتی به راحتی قابل اجرا نیست، چراکه اشکالات بودجه‌نویسی در ایران مجموعه نظام اداری، اجرایی و تصمیم‌گیری کشور را دربر می‌گیرد. تصمیم‌گیری بودجه توسط دو قوه قابل تجزیه و تحلیل است. ابتدا در مجلس شورای اسلامی و بعد در قوه مجریه. از یک سو دولت خود را ملزم به اختصاص اعتبارات بیشتر می‌داند و بایستی به عموم مردم پاسخگو باشد و از سوی دیگر نمایندگان مجلس با توجه به اینکه مصالح مملکتی را در نظر می‌گیرند بایستی پاسخگوی نیازهای منطقه‌ای باشند. اجرای نظام بودجه‌ریزی عملیاتی مشروط به این است که دستگاه‌های اجرایی دارای چشم‌انداز و برنامه مدون درازمدت باشند و برنامه اجرایی آن‌ها به صورت عملیاتی تنظیم شود. برای تدوین یک نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در ایران ابتدا باید سیستم حسابداری نقدی به حسابداری تعهدی تغییر پیدا کند که این موضوع خود نیازمند ایجاد بستر و شرایط مناسب توسط بدنه مالی کشور است. از دیگر مشکلاتی که وجود دارد این است که بودجه هم انعطاف‌ناپذیر است و هم بی‌ثبات دولت‌ها نیز استراتژی و هدف مشخصی برای



هزینه‌کردن منابع اصلی درآمد ندارند و همچنین اطلاعات آماری مورد نیاز نیز در دسترس نیست. همچنین در کشور ما برنامه‌ریزی در مرحله اجرا با مشکلات بسیاری مواجه است که یکی از دلایل آن وجود فاصله بین نظام تصمیم‌گیری و کارشناسی است، تا زمانی که این گسستگی وجود داشته باشد، نظام تصمیم‌گیری بدون توجه به الزامات اجرایی، قوانینی را به تصویب می‌رساند که در مرحله اجرا با مشکل مواجه می‌شود.

در بسیاری موارد کارشناسان بودجه دستگاه‌های اجرایی شاهد بوده‌اند که به نظرات و آمار و ارقام پیش‌بینی شده توسط آنان توجهی نمی‌شود و در نتیجه دستگاه‌های مختلف همواره به متولیان بودجه‌ریز به‌جای اینکه به‌عنوان بازوی مشورتی و هدایت‌کننده نگاه کنند، مانند مانعی محکم در راه تحقق اهدافشان برای رسیدن به برنامه نگاه می‌کنند. از دیگر چالش‌ها عدم تولید و اشاعه دانش بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی در کشور است، به‌گونه‌ای که در کشور بیش از اینکه متخصص بودجه‌ریزی داشته باشیم، تقسیم‌کننده بودجه داریم. بودجه‌ریزی عملیاتی مستلزم برخورداری از تخصص‌های جدید است.

تحولات بودجه‌ریزی براساس برنامه‌های کوتاه‌مدت در جهان به ما می‌گوید اگر قرار است مدیر اجرایی پاسخگوی عملکردش باشد پس ضروری است که اختیار عمل را به او داده و او نهادهای مورد نظرش را انتخاب کند. از دهه ۱۳۳۰ که ایران به طرف برنامه‌ریزی توسعه‌گرا حرکت کرد، گرایش برنامه‌ریزان به طرف رسیدن به اهداف برنامه بود و تلاش می‌شد که هزینه اجرای برنامه از راه‌های مختلف تأمین گردد و اگر کمبود منابع وجود داشت فرض بر این بود که کارهایی که اولویت کمتری دارند در دسترسی به اهداف برنامه حذف شوند. برای تخصیص منابع به اولویت‌ها، لازم است که اهداف برنامه بیست‌ساله که همان اولویت‌های کشور است به‌گونه‌ای آشکار و ملموس روشن شود، مثلاً برقراری امنیت از جمله وظایف حاکمیتی دولت است که در نظام بودجه‌ریزی عملیاتی ابتدا باید شاخص‌های کمی مربوط به آن مشخص شوند تا قیمت تمام‌شده محصول را بتوان محاسبه کرد. در مرحله بعد نیز باید نهادهای مورد نیاز برای به‌دست‌آوردن محصول مورد نظر کمی شود، همچنین طراحی الگوی برنامه‌ریزی برای کشور ایران و بودجه‌ریزی در راستای اهداف برنامه به نهادی نیاز پیدا می‌کند که همزمان نکات زیر را سامان دهد:

۱. برقراری انضباط مالی دولت.

۲. تخصیص منابع به اولویت‌ها.

۳. ایجاد کارایی عملیات انضباط مالی بستگی تام به بودجه‌ریزی دارد و بعد از اجرای بودجه در هر سال باید دیوان محاسبات و تفویض بودجه دقیقاً اعلام کند پیش‌بینی درآمد و برآورد هزینه چقدر صحیح بوده و دخل و خرج کشور از این پیش‌بینی و برآورد چه تصویری به ما نشان می‌دهد. اینکه در ابتدای سال دستگاه‌ها اعلام کسری کنند و همان را به‌عنوان کسری بپذیریم، ساده‌اندیشی در اداره اقتصاد و

برنامه‌ریزی کشور است. از دیگر راهکارها افزایش کنترل است. کنترل مبتنی بر نتایج فرایند مستمر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات برای مقایسه عملکرد طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها با نتایج مورد انتظار است. نظام کنترل و ارزشیابی مبتنی بر نتایج باید در طول اجرای پروژه یا برنامه و حتی بعد از تکمیل آن فعال باشد. تنظیم و ارزشیابی، با جریان مستمر اطلاعات و بازخورد، در هر مرحله از طراحی تا اجرا و بهره‌برداری دارای ارزش افزوده است. اطلاع خاص نیز در هر سطح متفاوت خواهد بود، پیچیدگی جمع‌آوری اطلاعات متفاوت خواهد بود، حساسیت سیاسی در مورد جمع‌آوری اطلاعاتی ممکن است تغییر کند و همچنین موارد استفاده از اطلاعات نیز ممکن است از یک سطح به سطح دیگر تغییر کند. اجرای نظام کنترل و ارزشیابی در سطوح مختلف جغرافیایی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ملی امکان‌پذیر است. بنابراین هم در ارتباط با سطوح پیچیدگی اداری (پروژه، برنامه و سیاست) یا جغرافیایی این نظام کاربرد دارد، اگرچه ممکن است مشابه نباشد و شاخص‌های عملکرد متفاوتی داشته باشد.

شایان توجه است که اجرای نظام کنترل و ارزشیابی، جریان مستمری از اطلاعات را ایجاد می‌کند که هم در درون بخش دولتی و هم در بیرون آن کاربرد دارد. کاربرد داخلی آن مربوط به استفاده از اطلاعات حاصل از نظام کنترل و ارزشیابی به‌عنوان ابزار مدیریت در سطح بخش دولتی برای دستیابی به نتایج و تحقق هدف‌های خاص می‌باشد. اطلاعات در زمینه پیشرفت، مشکلات و عملکرد نقشی کلیدی برای مدیران در دستیابی به نتایج دارد. به همین ترتیب، اطلاعات حاصل از نظام کنترل و ارزشیابی برای کسانی که در خارج از بخش دولتی هستند و در انتظار نتایج، مشاهده اثرات ناشی از فعالیت‌های دولت و امیدوار به اعتماد به دولت برای ایجاد زندگی بهتر برای شهروندان می‌باشند نیز مهم است. همچنین نظام کنترل و ارزشیابی در تفکر و آشکار نمودن آرمان‌ها و هدف‌ها مؤثر است. با وجود این دولت‌ها و مردم از این نظام برای تدوین و توجیه پیشنهادهای بودجه‌ای نیز می‌توانند استفاده کنند. برخلاف نظام سنتی اجرامحور، نظام کنترل و ارزشیابی مبتنی بر نتیجه توجه را به نتایج با اهمیت از نظر سازمان و مخاطبان داخلی و خارجی آن معطوف می‌سازد.

#### ۴.۲. کسری دائم بودجه در ایران

روال همیشگی بودجه‌ریزی در ایران نشان از آن دارد که نه تنها درآمدهای هنگفت ارزی به ریال تبدیل می‌شوند، بلکه کسری بودجه سنگینی سالانه به اقتصاد ایران تحمیل و سبب تشدید تورم و سایر عوارض همچون بیماری هلندی در ایران گردیده است. به‌علاوه، تأمین کسری بودجه از منابع پول کاغذی یا دفتری، تورم را در ایران تشدید نموده است. مضاف بر اینکه بودجه‌های عمرانی که در لایحه بودجه منظور شده‌اند، در طول سال به‌نفع بودجه‌های جاری کاهش یافته و عملاً پروژه‌های عمرانی با تأخیر چندین‌ساله روبه‌رو شده‌اند. از طرف دیگر به‌علت تورم، اعتبارات در نظر گرفته‌شده برای اجرای پروژه‌ها در



مواردی حتی به چند برابر افزایش پیدا کرده‌اند. با توجه به ارقامی که توسط مرکز آمار و نهادهای رسمی اعلام شده‌اند، میزان درآمدها و هزینه‌های بودجه با یکدیگر برابری نمی‌کنند، چراکه پیش از ارائه لایحه بودجه درآمدی در حدود ۳۷۰ تریلیون تومان برای کشور پیش‌بینی شده بود، اما در لایحه بودجه ارائه شده سال ۹۱، این رقم ۵۲۰ تریلیون تومان پیش‌بینی شده است که با توجه به این اعداد و ارقام، با حدود ۱۵۰ تریلیون تومان کسری بودجه مواجه‌ایم. کسری بودجه برای سال آینده کاملاً شفاف و روشن است. دولت بودجه را از منابعی همچون تأمین اجتماعی، بانک‌ها و تفاوت نرخ ارز مرجع با نرخ بازار تأمین می‌کند که نتایج و پیامدهای آن، تورم و نابرابری فزاینده در زمان حال و واگذاری پرداخت بدهی‌های دولت به نسل‌های آینده است.

### ۳. بودجه مقاومتی

در شرایطی که کشورمان با تحریم‌های اقتصادی و فشارهای داخلی و خارجی مواجه است از سیاست‌گذاران این انتظار می‌رود که با بهره‌گیری از هوش و خلاقیت در تمام سطوح به مقاومت و مقابله با تهدیدهای خارجی بپردازند و با اتخاذ سیاست‌های مشخص اهداف برنامه اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشند. هرگونه برنامه‌ریزی، گذشته از مراحل اجرا و کنترل، اساساً از دو مرحله مقدماتی تشکیل می‌شود که شامل تشخیص و تجویز است.

#### ۱.۳. تشخیص سیاست‌های پولی

طی دهه گذشته، نقدینگی از ۶۵ تریلیون تومان به بیش از ۴۰۰ تریلیون تومان افزایش پیدا کرده که رشدی بیش از ۶۰۰ درصد را نشان می‌دهد، درحالی‌که محصول ناخالص داخلی سالانه کمتر از ۵ درصد رشد داشته است. این روند نشان می‌دهد نقدینگی هر سال ۲۷ درصد افزایش پیدا کرده، درحالی‌که رشد واقعی محصول ناخالص داخلی آن طوری که آمارهای مختلف بانک مرکزی نشان می‌دهند بسیار کمتر از ۵ درصد بوده است. به این ترتیب رشد تقاضای بدون پشتوانه تولید (۲۷ درصد در مقابل ۵ درصد)، تورم بیش از ۲۰ درصد را به همراه آورده است.

#### ۲.۳. علل رشد نقدینگی

سیاست‌های پولی انبساطی (یا سیاست پول ارزان قیمت) از طریق تسهیلات تکلیفی، اعتبارات زودبازده، اعمال نرخ‌های بهره بانکی نامتعادل با عنوان گذر از مشکلات نقدینگی، عدم رعایت نسبت ذخایر و مواردی از این دست اعمال می‌شوند. این سیاست‌ها همگی متأثر و وابسته به سیاست‌های مالی بودجه‌ای دولت‌اند که از طریق مؤلفه‌هایی نظیر تبدیل درآمدهای نفت به ریال و تزریق آن به اقتصاد، کسری



بودجه و تأمین آن از طریق منابع بانکی و دفتری، ناتمام‌ماندن طرح‌های عمرانی و استقراض بی‌رویه و فاقد پشتوانه لازم از منابع بانک مرکزی، افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و سازمان تأمین اجتماعی، اوج وابستگی‌های پولی را به سیاست‌های مالی نمایان می‌سازند.

### ۳.۳. تجویز سیاست‌های پولی

جهت حمایت از سیاست‌های ارزی ضروری است که سیاست‌های پولی کشور در راستای سیاست‌های ارزی و هماهنگی با اهداف اقتصاد کلان قدم بردارند. باید از هرگونه سیاست‌های پولی کاغذی انبساطی اجتناب نمود. این امر در صورتی میسر است که فشارهای مالی بودجه‌ای دولت بر بانک مرکزی به‌شدت کاهش پیدا نمایند و به‌عبارتی، سیاست‌های مالی یا بودجه‌ای دولت مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرند و تغییرات ساختاری نوین بودجه، منضبطانه و با اراده‌ای خلل‌ناپذیر به اجرا گذاشته شوند. این امر اگرچه به ذات شدنی است، ولیکن با توجه به مسئله بودجه به‌عنوان جایگاه ظهور قدرت گروه‌های ذی‌نفوذ و وابسته به قدرت‌های نهادی و سازمانی کشور تا حدودی غیرممکن به‌نظر می‌رسد، مگر آنکه از یک‌طرف، این گروه‌ها و نهادها و صاحبان قدرت به‌طور داوطلبانه و به‌خاطر منافع و بهبود عملکردهای اقتصادی کشور از منافع خود صرف نظر کرده و با کاهش بودجه‌های تصویب‌شده موافقت نمایند و از طرف دیگر، در دولت اراده‌ای قوی و مصمم جهت انجام اصلاحات اقتصادی (البته نه به طریق شوک درمانی) وجود داشته باشد. [۱]

## ۴. درآمد مالیاتی در ایران

### ۱.۴. مالیات شرکت‌ها

در بین انواع مالیات‌ها، مالیات شرکت‌ها بجز چند سال محدود، در بقیه سال‌ها بیشترین سهم در بین مالیات‌های مستقیم و کل درآمدهای مالیاتی را داشته است. آمار ثبت‌شده در مورد مالیات شرکت‌های دولتی و غیردولتی، مشخص می‌کند که تا سال ۱۳۶۳، مالیات شرکت‌های دولتی سهم عمده را در مالیات شرکت‌ها داشته است، اما از سال مزبور با فعال‌تر شدن بخش غیردولتی، سهم مالیات شرکت‌های غیردولتی افزایش یافت، به‌طوری‌که در سال ۱۳۶۴، بیش از ۶۸ درصد از کل مالیات شرکت‌ها، از مالیات شرکت‌های غیردولتی اخذ شده است.

### ۲.۴. مالیات درآمد

مالیات درآمد، مشتمل بر مالیات حقوق کارکنان بخش‌های عمومی و خصوصی، مالیات مشاغل و نیز مالیات مستغلات و املاک می‌باشد. سهم مالیات درآمد از کل درآمدهای مالیاتی با نوسانات شدیدی همراه بوده است. به‌طور گسترده سهم بزرگی از مالیات درآمد را مالیات حقوق تشکیل می‌دهد. در دوره ۱۳۵۷-



۱۳۵۰، سهم مالیات حقوق کمتر از ۶۰ درصد بوده است. از دیگر اقلام مالیات درآمد، مالیات درآمد املاک (مستغلات) می‌باشد که سهم آن در سال‌های یادشده معمولاً کمتر از ۱۰ درصد بوده است.[۳]

#### ۳.۴. مالیات ثروت

مالیات ثروت مشتمل بر مالیات درآمد انفاقی، مالیات ارث، مالیات نقل و انتقالات و سرقفی، مالیات تعاون، مالیات سالانه املاک و مالیات مستغلات مسکونی خالی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند مالیات ثروت در بین انواع مالیات‌های مستقیم، یعنی مالیات درآمد و شرکت، سهم کمتری را به خود اختصاص داده است و در تأمین درآمدهای مالیاتی اهمیت کمتری دارد. علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، به‌منظور متنوع‌ساختن این نوع مالیات، از جمله طرح مالیات تعاون ملی و افزودن آن به مجموعه مالیات ثروت از سال ۱۳۶۸، مالیات ثروت جایگاه شایان توجهی در درآمدهای مالیاتی ندارد.

#### ۴.۴. مالیات واردات

مالیات واردات به‌منظور حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از ورود کالاهای غیرضروری و تجملی، کسب درآمد برای دولت و در نتیجه تخصیص بهینه منابع اعمال می‌گردد. سهل‌الوصول بودن این نوع مالیات انگیزه وصول آن را تقویت می‌کند. حقوق گمرکی، سود بازرگانی، واردات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، عواید جایگزین دروازه‌ای، صدی سی ارزش اتومبیل‌های وارداتی، حق ثبت سفارش کالا و کارمزد ثبت سفارشات از اجزای عمده این نوع مالیات محسوب می‌شوند. بعد از انقلاب اسلامی با توجه به کاهش درآمدهای ارزی، تغییر نگرش مصرف‌کنندگان در مورد خرید محصولات خارجی، آغاز جنگ و وجود تحریم‌های تجاری، تعطیلی بسیاری از کارخانه‌ها و تنها ورود کالاهای استراتژیک، سهم مالیات بر واردات از درآمدهای مالیاتی کاهش یافت.

#### ۵.۴. مالیات مصرف و فروش

مالیات مصرف و فروش به ارقامی مانند فروش فراورده‌های نفتی، فروش فراورده‌های الکلی صنعتی، فروش نوشابه‌های غیرالکلی، صدی پانزده ارزش اتومبیل‌های تولید داخل، نوار ضبط صوت و تصویر، فروش سیگار، نقل و انتقالات اتومبیل، حق اشتراک تلفن‌های خودکار، فروش خاویار، حق تمبر، چک، برات، سفته، عوارض گذرنامه و غیره تعلق می‌گیرد.[۲] بررسی سهم مالیات مصرف از درآمدهای مالیاتی در سری زمانی ۱۳۸۷-۱۳۵۷، نمایانگر این مطلب است که مالیات مصرف و فروش در ایران شکل کلی معینی نداشته است. با نگاهی به اقلام عمده تشکیل‌دهنده این نوع مالیات مشخص می‌شود مالیات مصرف همواره بنا بر مقتضیات زمانی بر کالاهای متفاوتی اعمال گردیده است.[۱]

### ۶.۴. وضع موجود ساختار و درآمدهای مالیاتی در ایران

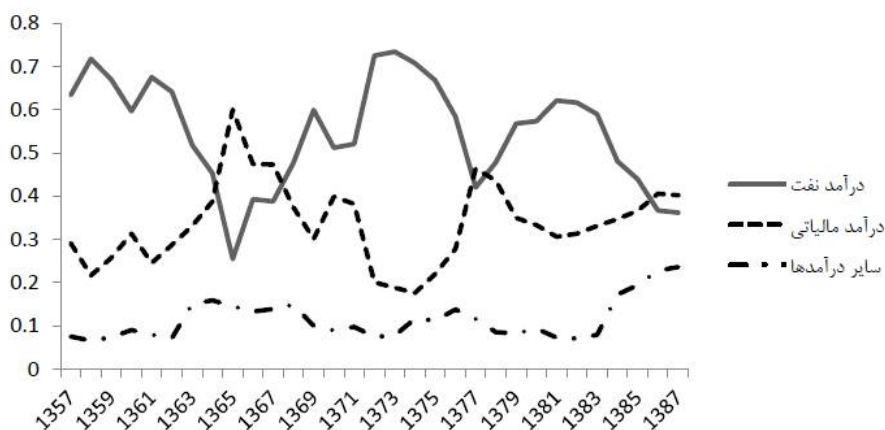
وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی از صادرات نفت خام و وجود انحصارات و رانت‌های ناشی از آن در بخش‌های مختلف اقتصاد، باعث شده است تا مالیات‌ها همواره سهم اندکی از درآمدهای دولت را تشکیل دهند. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۲۰ درصد درآمدهای دولت متأثر از فروش نفت خام یا سایر درآمدهایی بوده است که آن‌ها نیز به طریقی به درآمدهای نفت وابسته هستند. (نماگرهای بانک مرکزی ایران)

جدول ۱. ساختار درآمدهای دولت، میلیارد ریال

سال	درآمد نفت	درآمد مالیاتی	سایر درآمدها	کل درآمدها
۱۳۵۰	۱۵۵/۳	۸۰/۶	۲۲/۴	۱۸۶/۳
۱۳۵۵	۱۴۲/۵	۳۴۲/۹	۷۲	۱۸۳۶/۴
۱۳۶۰	۱۰۵۶/۴	۵۵۴/۱	۱۵۹/۶	۱۷۷۰/۱
۱۳۶۵	۴۳۴/۷	۱۰۲۴/۶	۲۴۸	۱۷۰۷/۳
۱۳۷۰	۳۵۴۴/۳	۲۷۶۵/۲	۶۲۴	۶۹۳۳/۵
۱۳۷۵	۳۸۱۵۳	۱۲۵۶۰/۲	۶۴۰۸/۷	۵۷۱۲۱/۹
۱۳۸۰	۷۱۹۵۷/۱	۴۱۷۸۶/۱	۱۱۷۳۶/۳	۱۲۵۴۷۹/۵
۱۳۸۷	۱۸۱۸۸۱/۲	۱۵۱۶۲۰/۹	۸۰۴۲۵/۹	۴۱۳۹۲۸

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی ایران سال‌های مختلف

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سهم درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سهم مجموع درآمدهای نفت و گاز و سایر درآمدهای عمومی دولت، همواره بخش کوچک‌تری از هزینه‌های دولت را پوشش داده است. به‌منظور مشخص‌تر شدن بهتر مسئله به نمودار شماره مراجعه شود. این نمودار نشان می‌دهد که سهم سه منبع درآمدی نفت، مالیات‌ها و سایر منابع درآمدی در تأمین هزینه‌های دولت چگونه است.



شکل ۱. سهم درآمدهای دولت



عملکرد نظام مالیاتی کشور حاکی از آن است که قبل از افزایش سهم درآمدهای نفتی در ترکیب درآمدهای عمومی، دولت، درآمدهای مالیاتی بخش عمده‌ای از دریافت‌های دولت را تشکیل می‌داده است، ولی با افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۳ رشد سریع درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای عمومی، روندی نزولی را آغاز کرده است و از ۳۶/۲ درصد در سال ۱۳۴۲ به درآمدهای عمومی دولت به‌دلایل کاهش بهای نفت محاصره اقتصادی و محدودیت سهمیه تولید اوپک با کاهش مواجه شده و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافت. به‌طوری‌که در سال ۱۳۶۷، درآمدهای مالیاتی از رشد متوسط سالانه‌ای را معادل ۷/۵ درصد برخوردار بود و سهم آن در درآمدهای عمومی دولت به ۴۷ درصد رسید. پس از خاتمه جنگ و آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که در درون خود برنامه تعدیل اقتصادی را به همراه داشت، از یک سو و افزایش نسبی تولید و صادرات نفت از سوی دیگر، باعث شد تا شاهد افت ناگهانی در درآمدهای مالیاتی تا سهم ۱/۹ درصد در سال باشیم. این روند کاهشی تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت. [۳] از آن سال به بعد سهم مالیاتی دوباره رو به افزایش گذاشت و بخش بزرگ‌تری از هزینه‌های دولت را پوشش داد، به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۶، مالیات‌ها با سهم ۵۵/۴۰ درصدی از کل درآمدهای عمومی دولت، توانسته است ۸۸ درصد از هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد.

اگرچه در سال‌های گذشته به‌ویژه در سال‌های اخیر، حجم جاری درآمدهای مالیاتی به‌سرعت افزایش یافته، اما بررسی آن به قیمت‌های ثابت دیدگاه مناسب‌تری را در اختیار قرار می‌دهد و می‌توان تفسیر صحیح‌تری از چگونگی دریافت درآمدهای مالیاتی ارائه داد. طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۲، میزان مالیات به قیمت ثابت روندی کم و بیش افزایشی داشته و از رقمی در حدود ۹۲/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به رقمی در حدود ۲۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ و ۳۶۰/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. از طرف دیگر در یک مقایسه درصدی ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۵۶، ۶۲/۷ درصد کاهش در درآمد مالیاتی به‌وجود آمده که نشان‌دهنده وضعیت نابسامان اقتصادی در دوران بعد از جنگ و ناکارآمدی شدید سیستم مالیاتی در این زمان است. پس از آن با ارائه و اجرای دو برنامه توسعه اقتصادی کشور، که جهت‌گیری آن به سمت قطع وابستگی از درآمدهای نفتی و بهبود کارایی سیستم مالیاتی بوده است، شاهد بهبود روند درآمدهای مالیاتی با سیری صعودی ولی با شتابی اندک هستیم. [۳]

### نتیجه‌گیری

دولت دو نوع بودجه تحت عنوان بودجه جاری و بودجه عمرانی در اختیار دارد که مورد اول تحت هر شرایطی بایستی پرداخت گردد، لذا هرگونه کاهش درآمد از طریق کاهش بودجه عمرانی و همچنین کاهش سهم صندوق توسعه ملی جبران خواهد گردید. بایستی توجه داشت که بخشی از درآمدهای غیرنفتی بودجه به درآمدهای نفتی وابسته است به‌گونه‌ای که اگر درآمدهای نفتی دولت قطع شود دولت



قادر نخواهد بود حقوق ورودی و به تبع آن نیز نخواهد توانست مالیات بر ارزش افزوده دریافت کند و سایر تبعات از این قبیل. با وجود اینکه وابستگی به درآمدهای نفتی با اصول اقتصاد مقاوم درون‌پایه مغایرت دارد، ولی قطع یکباره وابستگی به درآمد نفتی بدون جایگزین نمودن موارد متنوع درآمدی به صلاح نیست. از سویی دیگر روش‌های مرسوم کاهش بودجه عمرانی، افزایش نرخ ارز و کاهش سهم صندوق توسعه ملی نیز به دلیل تأثیر سوء آن بر اشتغال و سایر تبعات منفی همچنین مغایرت آن با اصول اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند صلاحیت قابل‌قبولی داشته باشد، لذا از موارد فوق این‌گونه استنباط می‌گردد که بایستی شیوه بودجه‌ریزی براساس اصول اقتصاد مقاومتی به تنوع درآمدهای دولت مثل درآمدهای مالیاتی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، تنوع کالاهای صادراتی، ترویج مصرف کالاهای ساخت داخل و ... گرایش پیدا کند. درحالی‌که درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت بیشترین اثر را بر کسری بودجه دولت می‌گذارند، اما در بلندمدت درآمدهای مالیاتی به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر کسری بودجه در نظر گرفته می‌شود. جایگزینی درآمد مالیاتی از طریق توجه به انواع درآمدهای مالیاتی و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی بر روی یکی از مهم‌ترین منابع این نوع درآمد یعنی مالیات اشخاص حقوقی با اجرای مالیات ارزش افزوده، کاهش معافیت‌های عظیم مالیاتی، فرار مالیاتی و اخذ درست و مناسب پایه‌های مالیاتی موجود می‌تواند قیامت درآمدی را در اقتصاد ایران تنظیم نماید و حتی مشکلاتی چون کسری بودجه، تورم و ... را تا حد قابل‌قبولی کاهش دهد. همچنین در بلندمدت این نوع درآمد به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در کسرس بودجه در نظر گرفته شود.

## منابع

- [۱] سعیدآ، اردکانی، و همکاران (۱۳۸۹). «بودجه‌ریزی عملیاتی و چالش‌های آن در ایران»، حسابدار رسمی، شماره ۸، ص ۱۴۱-۱۴۷.
- [۲] صبری بقایی، آذرخش، و نازی محمدزاده اصل (۱۳۸۲). «شناخت جنبه‌های مختلف اثربخشی مالیات در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی.
- [۳] کردبچه، محمد (۱۳۷۵). «بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱.
- [۴] نیکو اقبال، علی‌اکبر «تحلیل پیرامون سیاست‌های پولی و بودجه‌ریزی در کشور».
- [۵] مالیان، مهسا، مجید صامتی و همایون رنجبر (۱۳۹۲). «امکان جایگزینی درآمد مالیاتی با درآمد نفت (مطالعه موردی ایران)»، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران.

## تحلیل نقش مثبت تحریم‌های اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی<sup>۱</sup>

سیدعلی روحانی\*، داریوش ابوحمزه\*\*

### چکیده

تشدید تحریم‌های اقتصادی در سال‌های اخیر، که مشتمل بر کلیه عرصه‌های تجاری، بانکی، ترابری، نفت، علم و فناوری می‌باشد، از یک سو موجب تحمیل هزینه‌هایی به اقتصاد ملی شده و از سوی دیگر فرصت‌های مناسبی را در اختیار سیاست‌گذاران کشور قرار داده است تا از تحریم‌ها به‌مثابه فرصتی برای اصلاحات اقتصادی و نیل به اقتصاد مقاومتی استفاده نمایند.

در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی) و مراجعه به اسناد (آمار و اظهارات مدیران کشور)، برخی از فرصت‌هایی که در اثر تحریم‌های اقتصادی برای اصلاح ساختارها و سازوکارهای معیوب اقتصاد ایران، در اختیار کشور قرار گرفته، در حوزه‌های علم و فناوری، تجارت خارجی، نظام پولی و ارزی، نظام بودجه‌ریزی (درآمد و هزینه دولت)، و حوزه نفت و گاز بررسی می‌شود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تحریم‌های غرب، محرک اصلاحاتی در اقتصاد ایران بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اتکا به توان تولید داخل و توسعه صنعت و فناوری بومی، ایجاد شفافیت در بازار ارز و راه‌اندازی شبکه سوئیفت داخلی، کشف منابع درآمدی مغفول برای دولت و اصلاح نظام مالیاتی، و سامان‌دهی هزینه‌کرد بودجه جاری و عمرانی دولت. البته بخشی از فرصت‌های ایجادشده در اثر تحریم‌ها نیز هنوز به‌خوبی مورد استفاده قرار نگرفته و منجر به اصلاحات اقتصادی نشده است. بازمهندسی شرکای تجاری در اقلام اساسی، توسعه روابط ترانزیتی با کشورهای منطقه، استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه در تسویه تجارت خارجی، توسعه صنایع پایین‌دستی و اصلاح سازوکارهای معیوب فروش نفت و گاز از جمله این موارد هستند.

**کلیدواژه‌ها:** تحریم، اقتصاد مقاومتی، اصلاحات اقتصادی، تجارت خارجی، نظام پولی و ارزی، نظام بودجه‌ریزی، انرژی

۱. این مقاله برگرفته از گزارش «فرصت‌های ناشی از تحریم برای اصلاح ساختارهای اقتصاد ایران» تهیه شده در مرکز پژوهش‌های مجلس است.

\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
s.ali.rohani@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
d.aboohamzeh@ut.ac.ir

## مقدمه

کشورهای غربی از ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تحریم‌های مختلفی را علیه کشورمان اعمال کرده‌اند. اما گستردگی این تحریم‌ها در سال‌های اخیر شدیداً افزایش یافت، به گونه‌ای که کلیه عرصه‌های تجاری، مالی، انرژی، ترابری، علم و فناوری را شامل گردید. این تحریم‌ها از یک سو به دلیل محدودیت‌های فراوان تحمیلی، شرایط دشواری را برای اقتصاد کشور ایجاد کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر به دلیل همین محدودیت‌ها، فرصت‌های بسیار مناسبی برای اصلاحات زیرساختی در اقتصاد کشور و خصوصاً در صنایع نفت و گاز به وجود آورده است.

اعمال تحریم‌های مذکور علیه کشورمان پیامدهای مثبت و منفی متعددی به دنبال داشته است. در مقاله حاضر، فرصت‌های به وجود آمده ناشی از تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان، در حوزه‌های علم و فناوری، تجارت خارجی، نظام پولی و ارزی، نظام بودجه‌ریزی و نهایتاً بخش نفت و انرژی مورد اشاره قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در برخی حوزه‌ها از فرصت‌های حاصله به درستی استفاده شده و این فرصت‌ها به فعلیت رسیده‌اند، اما در برخی حوزه‌های دیگر هنوز استفاده مناسب از فرصت‌های ناشی از تحریم‌ها نشده است.

به منظور تشخیص اهم فرصت‌های بوجود آمده ناشی از تحریم، ابتدا مصاحبه‌هایی با خبرگان آن حوزه انجام شده است. سپس صحت مطالب بیان شده در این مصاحبه‌ها، با رجوع به آمار و اسناد مربوطه و یا اظهارات مدیران اجرایی کشور در حوزه مورد بحث ارزیابی شده است. بر این اساس مقاله حاضر مبتنی است بر ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و همچنین اسناد (اعم از آمارهای رسمی و اظهارات مقامات رسمی). همچنین به منظور انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است. مواردی که به عنوان «فرصت‌های اقتصادی ناشی از تحریم»، هم در مرحله رجوع به خبرگان و هم در مرحله رجوع به آمار و اسناد، مورد تأیید قرار گرفته است، در نهایت جمع‌بندی و در قالب مقاله حاضر انتظام‌بخشی شده است. البته طبیعی است که پرداختن به کلیه ابعاد فرصت‌های ایجاد شده در اثر تحریم برای اقتصاد ایران، نیازمند پژوهش‌های مفصل‌تری است و مقاله حاضر گامی کوچک در این راستا برداشته است.

## ۱. حوزه علم و فناوری

### ۱.۱. خودکفایی در صنایع نظامی و قدرت بازدارندگی

یکی از برکات تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان مربوط به تحریم کالاها و فناوری‌های نظامی است. این تحریم‌ها که دارای سابقه‌ای به قدمت انقلاب اسلامی می‌باشند، موجب شد تا عملاً مسئولان بخش‌های نظامی امیدی به تأمین نیازمندی‌های فناورانه خود از دیگر کشورها نداشته باشند و لذا اقدام به

طراحی برنامه‌های بلندمدت برای ارتقای توان تولید داخل در این حوزه نمایندند. یقیناً اگر تحریم‌های شدید نظامی علیه کشورمان حاکم نبود، این سطح از استقلال و توانمندی فعلی در این حوزه فناوری‌های نظامی محقق نمی‌شد. این مفهوم به تواتر در اظهار نظرهای مقامات بلندپایه نظامی کشور دیده می‌شود. برای مثال می‌توان به صحبت‌های امیر سرتیپ دوم خلبان حسین چیت‌فروش، سخنگوی نیروی هوایی در رزمایش مشترک ارتش<sup>۱</sup> مبنی بر برکات قابل توجه تحریم‌ها در خودکفایی کشور در صنایع نظامی اشاره کرد. مشابه صحبت‌های فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی<sup>۲</sup> مطلب فوق را تأیید می‌کند.

به‌طور کلی در مباحث سیاست‌گذاری صنعتی «ضمانت بازار» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه یک فناوری یا صنعت معرفی می‌شود. مدیران و فعالان نظام علم و فناوری بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که شدت تحریم‌ها در حوزه صنایع نظامی و عدم امکان تأمین نیازمندی‌ها خصوصاً در تجهیزات پیشرفته، موجب شده است که بازاری تضمین شده در صنایع نظامی در اختیار فعالان فناوری‌های نظامی قرار داشته باشد، و این امر کلید توسعه فناوری‌های نظامی در کشور بوده است.

نکته قابل توجه آن است که الگوی به‌کارگرفته شده برای توسعه صنایع نظامی، می‌تواند الگویی برای طراحی استراتژی توسعه سایر صنایع اساسی و اولویت‌دار کشور باشد. همچنین باید توجه داشت که دانش فنی موجود در صنایع نظامی، که به دلایل پیش گفته و نیز سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در حوزه‌های نظامی به دست آمده، در بسیاری از صنایع پیشرفته دیگر نیز قابل کاربرد است. این امر که در ادبیات علمی به «سرریز تکنولوژی» معروف است، می‌تواند سرعت رشد سایر فناوری‌های پیشرفته را افزایش دهد. به عبارت بهتر می‌توان گفت در حوزه نظامی از فرصت تحریم‌های بلندمدت غرب استفاده شده، ولی پتانسیل‌های فناورانه زیادی نیز در این بخش وجود دارد که می‌تواند در سایر بخش‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲.۱. اتکا به توان تولید داخل و توسعه صنعت، فناوری و دانش بومی

مسئله دیگر قابل طرح، خرید بسیاری از محصولات فناورانه از تولیدکنندگان خارجی توسط دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در عین وجود توان ساخت داخل است. این خریدها، بعد از اعمال تحریم‌ها و سخت شدن تأمین کالاها از کشورهای دیگر، به سمت کالاهای داخلی سوق پیدا کرده است و عملاً امکان فروش محصولات فناورانه برای بسیاری از تولیدکنندگان این‌گونه کالاها فراهم شده است. برای مثال می‌توان به مصاحبه مدیر عامل تأمین کالای نفت تهران<sup>۳</sup> و مصاحبه عضو هیئت مدیره انجمن

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931002000222>.

2. <http://sepahnews.com/shownews.aspx?ID=ceb375aa-f6ad-4d1d-b714-9954e6089665>.

3. <http://www.nioc.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=2b5d4610-c0b1-40bc-849f-6189200d6553&LayoutID=aeafb2c7-6c05-42b3-b634-eebcd5b9af3&CategoryID=5a83de0d-4c67-4b8a-a794-08e669faf33d>

سازندگان تجهیزات صنعت نفت<sup>۱</sup> اشاره نمود.

واگذاری پروژه‌های بزرگ در بخش‌هایی مانند نفت و گاز به پیمانکاران خارجی یکی دیگر از مسائل سنتی اقتصاد کشور است. در این حوزه نیز مشابه تأمین کالاهای فناورانه، تحریم‌ها موجب شد تا دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی مجبور شوند از پیمانکاران داخلی در این پروژه‌ها بیشتر استفاده کنند. واضح است که این امر علاوه بر جلوگیری از خروج ارز، به توانمندتر شدن پیمانکاران داخلی کمک فراوانی می‌کند.

به‌عنوان مثالی از اتکا به تولید داخلی و تأمین مایحتاج مورد نیاز از تولیدکنندگان داخلی می‌توان به تأمین کاتالیست مورد نیاز صنایع پتروشیمی توجه نمود. تا پیش از تحریم‌ها کاتالیست مورد نیاز صنایع پتروشیمی عمدتاً وارد شده و تولیدکنندگان داخلی این محصول دانش‌بنیان مورد توجه قرار نمی‌گرفتند. پس از اعمال تحریم‌ها و قطع شدن سیر واردات این محصول تأمین کاتالیست از تولیدکنندگان افزایش یافت. به‌طوری‌که به گفته معاون وزیر نفت، تا بهار سال جاری ۲۵ کاتالیست مورد نیاز صنایع مختلف پتروشیمیایی توسط متخصصان داخلی طراحی، تولید و به بازار داخلی به‌صورت عمده عرضه شده است.<sup>۲</sup> همچنین بومی‌سازی تجهیزات واحد قلع‌اندود فولاد مبارکه<sup>۳</sup> پس از اعمال تحریم‌ها با استفاده از توان تولیدکنندگان داخلی مثال دیگری از این حوزه می‌باشد.

### ۳.۱. مدیریت پروژه‌های بزرگ صنعتی توسط شرکت‌های داخلی

توان اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی در صنایع مختلف، نیازمند دانش و فناوری بومی است که ایران تا پیش از انقلاب، عملاً فاقد آن بود. پروژه‌های بزرگی نظیر نیروگاه، سد، تونل و... عمدتاً توسط شرکت‌های خارجی اجرا می‌شد و شرکت‌های داخلی تنها در اجرای بخش‌های کوچکی از این پروژه‌ها سهیم بودند. اما پس از انقلاب و با خروج شرکت‌های معظم خارجی از ایران، به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای در واگذاری پروژه‌های بزرگ به شرکت‌های خارجی و همچنین محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، دستگاه‌های مختلف اجرایی مجبور به برنامه‌ریزی بلندمدت برای افزایش توان فنی شرکت‌های داخلی در اجرای این‌گونه پروژه‌ها شدند. یکی از مصادیق بارز این رویکرد، در وزارت نیرو و شرکت مپنا قابل مشاهده است.

پس از پایان جنگ، وزارت نیرو به‌منظور بازسازی لطمات ناشی از جنگ و به‌منظور تأمین نیاز فزاینده به انرژی برق، باید ساخت نیروگاه‌های متعددی را آغاز می‌کرد، اما از یک‌سو دانش فنی ساخت نیروگاه

۱. <http://neconews.com/prtg.n9xrak9yypr4a.html>

۲. مصاحبه معاون وزیر نفت با خبرگزاری مهر <http://www.mehrnews.com/detail/News/2067435>

۳. مصاحبه روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان با خبرگزاری ایرنا. کد خبر ۸۰۸۵۵۷۳۵.

به‌طور کامل در داخل کشور وجود نداشت و ازسوی دیگر به‌دلیل محدودیت بودجه، امکان واگذاری این پروژه‌ها به‌طور کامل به شرکت‌های خارجی مقدور نبود. در این مقطع وزارت نیرو با راه‌اندازی شرکت «مپنا» (مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران)، به عرصه مدیریت پروژه‌های نیروگاهی وارد شد و در یک فرایند تدریجی انتقال تکنولوژی در این حوزه را سامان‌دهی نمود.

شرکت مپنا که در سال ۱۳۷۱ و با هدف توسعه ظرفیت نیروگاهی برق کشور تأسیس گردید، تدریجاً در طول ۲۰ سال فعالیت، علاوه بر مهندسی، تأمین تجهیزات و اجرای ۹۰٪ از پروژه‌های نیروگاهی کشور (با ظرفیت ۵۲۰۰۰ مگاوات)، با استفاده از تجربه به‌دست‌آمده در انتقال تکنولوژی، در حوزه‌های دیگری نظیر نفت و گاز و حمل و نقل ریلی نیز ورود کرده و در حال حاضر با ۳۹ شرکت زیرگروه، تحت عنوان «گروه مپنا» فعالیت می‌کند.<sup>۱</sup> به‌طور کلی شرکت مپنا از بدو تأسیس چهار مرحله توسعه را طی کرده است:

۱. مرحله اول: در این مرحله عملیات مهندسی و طراحی و تأمین تجهیزات اصلی نیروگاه شامل توربین، ژنراتور و سیستم‌های کنترل توسط شرکت‌های خارجی انجام می‌شد و فعالیت‌های مهندسی و طراحی نیروگاه، عملیات اجرایی و تأمین تجهیزات جنبی در داخل و با بهره‌گیری از توان شرکت‌های داخلی صورت می‌گرفت.

۲. مرحله دوم: در این مرحله ضمن اینکه فعالیت‌های طراحی و مهندسی نیروگاه، تأمین تجهیزات جانبی و عملیات اجرایی توسط شرکت‌های داخلی انجام می‌شد، تجهیزات اصلی نیروگاه شامل توربین، ژنراتور و سیستم‌های کنترل نیز با استفاده از توان داخل ساخته می‌شد.

۳. مرحله سوم: در این مرحله علاوه بر طراحی، مهندسی و عملیات اجرایی و همچنین ساخت تجهیزات اصلی نیروگاه (توربین، ژنراتور، سیستم‌های کنترل و...) در داخل کشور، سرمایه‌گذاری مستقیم در نیروگاه‌های برق با روش‌های مختلف و جلب سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شد.

۴. مرحله چهارم: در این مرحله با استفاده از تجربیات سه دوره قبل شرکت مپنا در پروژه‌های نیروگاهی و صنعت برق، حوزه عمل این شرکت به صنایع ریلی (ساخت لوکوموتیو و واگن‌های باری و مسافری) و همچنین صنایع نفت، گاز و پتروشیمی گسترش می‌یابد.<sup>۲</sup>

گروه مپنا یکی از تجربیات موفق در زمینه انتقال تکنولوژی به‌شمار می‌رود. استراتژی انتقال تکنولوژی در وزارت نیرو (از طریق گروه مپنا)، بر خریدهای کلان و انتقال فناوری استوار گردیده است. در واقع وزارت نیرو به‌جای خریدهای جزئی و پراکنده از سازندگان مختلف، برای خریدهای یکجا و بزرگ از صاحبان تکنولوژی مناسب برنامه‌ریزی می‌کند و به این ترتیب شرکت خارجی صاحب تکنولوژی را نسبت به انتقال تکنولوژی ترغیب می‌کند.

۱. معرفی گروه مپنا (<http://www.mapnagroup.com>)

۲. کتاب *ملزومات/افزایش حجم ساخت داخل*، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۹.

با وجود تجربه مدیریت پروژه‌های بزرگ و انتقال تکنولوژی در صنعت برق، صنعت نفت به این سمت حرکت نکرد. علت این امر را باید در ساختار نهادی صنعت نفت دنبال کرد، یعنی رابطه معیوب وزارت نفت با چهار شرکت اصلی حوزه نفت و گاز، مناسبات مالی این شرکت‌ها با دولت که باعث عدم احساس «قید بودجه» از جانب شرکت نفت شده، و مهم‌تر از همه، تقسیم نامناسب نقش‌های قاعده‌گذاری، نظارت و اجرا در بخش نفت و گاز. توضیح آنکه چنین مناسب نهادی در هر حوزه اقتضای تفکیک دو نقش قاعده‌گذاری و اجرا را دارد، به این معنی که یک نهاد (که باید ذیل دولت تعریف شود) نقش قاعده‌گذاری و تعریف استانداردها، مقررات و قواعد بازی را برعهده بگیرد، و نقش اجرا به نهاد مستقل دیگر (که بنابر ملاحظات کارایی، بهتر است از بخش خصوصی باشد) سپرده شود.

سود بالای پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز کشور باعث شده بود در سال‌های پس از جنگ، کشورهای مختلفی نظیر ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلستان و چین در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند. تحریم‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی (از سال ۱۹۹۵) منجر به خروج تدریجی این شرکت‌ها از پروژه‌های مذکور گردید. این امر از یک سو باعث کند و بعضاً متوقف شدن روند توسعه فازهای مختلف پروژه‌های ملی در حوزه نفت و انرژی گردید، اما از سوی دیگر فرصت‌های مهمی برای نظام علم و فناوری کشور داشته و می‌تواند داشته باشد.

خروج شرکت‌های بزرگ خارجی از پروژه‌های نفتی باعث شد تا وزارت نفت و شرکت نفت مجبور شوند برای پیشبرد این پروژه‌ها از شرکت‌های بزرگ داخلی و یا کنسرسیومی از این شرکت‌ها استفاده کنند و طی قراردادهایی مدیریتی این پروژه‌ها را به شرکت‌های داخلی واگذار نمایند. ورود شرکت‌های داخلی به عرصه مدیریت پروژه‌های نفتی امری است که باید مدت‌ها پیش از این اتفاق میفتاد، اما به دلیل سوء مدیریت بخش نفت و گاز کشور، به تعویق افتاده بود.

به‌طور خلاصه، تحریم‌های اخیر در بخش نفت و گاز باعث شد شرکت نفت، مانند وزارت نیروی بعد از جنگ، با محدودیت منابع جدی مواجه شود و- حتی در چارچوب قواعد معیوب فعلی- چاره‌ای جز واگذاری پروژه‌های بزرگ به شرکت‌های داخلی نداشته باشد. این امر در بلندمدت و با مدیریت صحیح می‌تواند هم منجر به انتقال تکنولوژی در این حوزه شود و هم تفکیک نقش‌های قاعده‌گذاری، نظارت و اجرا را ممکن سازد.

## ۲. حوزه تجارت خارجی

### ۱.۲. بازمهندسی شرکای تجاری در اقلام اساسی

کالاهای اساسی خوراکی در سال‌های اخیر، همواره مهم‌ترین اقلام وارداتی کشور را تشکیل می‌داده است (از لحاظ ارزش). مراجعه به آمار سالانه تجارت خارجی (و آمار مقدماتی دوازده‌ماهه) گمرک جمهوری

اسلامی ایران نشان می‌دهد پنج کالای اساسی (دانه گندم، ذرت دامی، کنجاله سویا، برنج و شکر)، همواره جزء ده قلم عمده وارداتی کشور طی سال‌های ۹۳-۸۸ بوده‌اند.<sup>۱</sup> حتی در سال‌های ۹۲ و ۹۳، چهار قلم از پنج قلم کالای اصلی وارداتی، ۴ مورد آن اختصاص به مواد غذایی داشته که می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای ایران در شرایط تحریم تلقی شود.<sup>۲</sup> در جدول زیر کشورهای که بیشترین واردات در این اقلام از آن‌ها صورت گرفته، به‌ترتیب ارزش واردات، خلاصه شده است.

جدول ۱. کشورهای با بیشترین صادرات اقلام اساسی به ایران

کنجاله سویا	شکر	ذرت دامی	برنج	گندم	
انگلستان، امارات، آرژانتین، اتریش، برزیل	امارات، برزیل، انگلستان، سوئیس، ترکیه	سوئیس، انگلستان، امارات، هلند، برزیل	امارات، پاکستان، هند، مالزی، ترکیه	آلمان، امارات، کانادا، سوئیس، استرالیا	سال ۸۸
اطلاعات موجود نیست	ترکیه، مالزی، هلند، امارات، لبنان	امارات، سوئیس، هلند، انگلستان، اتریش	امارات، پاکستان، هند، اتریش، تایلند	امارات، قزاقستان، هلند، روسیه، ازبکستان	سال ۸۹
اطلاعات موجود نیست	امارات، سوئیس، ویتنام، ترکیه، هلند	امارات، سوئیس، برزیل، اتریش، هلند	امارات، هند، پاکستان، اتریش، تایلند	روسیه، امارات، سوئیس، قزاقستان، استرالیا	سال ۹۰
هلند، سوئیس، امارات، هند، آرژانتین	سوئیس، امارات، برزیل، انگلستان، هند	سوئیس، امارات، هلند، انگلستان، اتریش	هند، امارات، پاکستان، اتریش، ترکیه	سوئیس، روسیه، هلند، آلمان، ترکیه	سال ۹۱
هند، هلند، سوئیس، انگلستان، امارات	امارات، برزیل، سوئیس، هند، انگلستان	سوئیس، انگلستان، امارات، هلند، برزیل	هند، پاکستان، ترکیه، امارات، چین	سوئیس، امارات، آلمان، انگلستان، روسیه	سال ۹۲
سوئیس، هلند، ترکیه، امارات	پاکستان، آذربایجان، امارات، سنگاپور، مالزی	سوئیس، برزیل، اوکراین، هلند، انگلستان	هند، پاکستان، چین، تایلند، امارات متحد	امارات، آلمان، سوئیس، استرالیا، ترکیه	سال ۹۳ (۹ ماهه)

مأخذ: سایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (<http://www.tccim.ir>)

با توجه به آنکه کشورهای اروپایی تولیدکنندگان بزرگ اقلام کشاورزی نیستند و با تأسیس بورس‌های کشاورزی و شرکت‌های بزرگ توزیع، صرفاً نقش واسطه‌گری را در بازار محصولات کشاورزی ایفا می‌کنند، با تحلیل جدول فوق می‌توان چنین برداشت کرد که استراتژی واردات کشور در اقلام

۱. گزارش آمار مقدماتی تجارت خارجی برای دوازده‌ماهه سال‌های ۹۲-۸۸، گمرک جمهوری اسلامی ایران.  
 ۲. گزارش «تحلیل اجمالی آمار تجارت خارجی در شش‌ماهه نخست ۱۳۹۳»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

اساسی، خرید از واسطه‌ها است. این استراتژی در عین آنکه به لحاظ اقتصادی نادرست و بوده و موجب افزایش هزینه‌ها است، با توجه به رفتارهای خصمانه کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر علیه ایران، غیرقابل توجیه است.<sup>۱</sup>

این در حالی است که بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ اقلام کشاورزی، همسایگان کشور ما، نظیر هند، پاکستان و قزاقستان و همچنین کشورهای امریکای جنوبی نظیر برزیل و آرژانتین هستند که اشتراک منافع بیشتری با ایران، هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی دارند. لذا یکی از فرصت‌هایی که تحریم‌های اخیر در اختیار کشور قرار داده است، بازمهندسی شرکای تجاری، خصوصاً در اقلام اساسی است که متأسفانه هنوز به‌طور کامل به فعلیت نرسیده است.

## ۲.۲. توسعه روابط ترانزیتی با کشورهای منطقه

در حال حاضر ترانزیت در کشورمان به‌اندازه مطلوب توسعه نیافته است. بدین معنی که پتانسیل‌های بسیاری برای توسعه ترانزیت، کسب درآمد و تولید اشتغال از این مسیر وجود دارد که بالفعل نشده است. این امر با توجه به تک‌محصولی‌بودن ایران و وابستگی بسیار به درآمدهای نفتی اهمیتی دوچندان می‌یابد. توسعه و کارآمدسازی مسیرهای ترانزیتی از سه مسیر درآمدزایی، اشتغال‌زایی و کاهش اثرگذاری تحریم‌ها برای کشور حائز اهمیت است.

### ۱.۲.۲. درآمدزایی

توجه به درآمد ۲۳۰ دلاری ترانزیت هر تن بار از کشور با فرض افزایش ۱۰ میلیون تن بار ترانزیتی از مسیر ایران، می‌توان پیش‌بینی کرد که درآمد کشور بیش از ۲ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت. این درآمد جدا از درآمدهای گمرکی، بیمه و... است.<sup>۲</sup>

### ۲.۲.۲. اشتغال‌زایی

محاسبات مربوط به ترانزیت نشان می‌دهد<sup>۳</sup> که با افزایش ۱۰ میلیون تن به حجم بار ترانزیتی راه‌آهن با فرض ضرورت تأمین ناوگان مورد نیاز از داخل کشور، بیش از ۶۰ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد خواهد شد. شایان ذکر است در وضعیت فعلی اقتصاد و نرخ بالای بیکاری مورد انتظار در سال‌های آینده،

۱. «آینده‌پژوهی تحریم، گزارش شماره ۲، دیدبانی تحریم» ص ۲۹.

۲. گزارش تحلیلی «راه‌آهن شمال جنوب، کلید افزایش ترانزیت‌بار»، منتشرشده توسط مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران.

۳. «بررسی اشتغال‌زایی در صنعت حمل و نقل ریلی»، نشریه ترابران، شماره ۹۷، دی ۸۹، ص ۹۴-۹۲.

رشد اقتصادی مطلوب کشور، رشد اقتصادی اشتغال‌زا است. به عبارت بهتر اگر رشد اقتصادی در کشور غیراشتغال‌زا باشد (مانند رشد اقتصادی ناشی بخش نفت) نتایج مطلوب برای کشور به بار نخواهد آورد.

### ۳.۲.۲. کاهش اثرات تحریم‌ها

نکته بسیار مهم در رابطه با توسعه ظرفیت ترانزیتی کشور آن است که توسعه ترانزیت موجب می‌شود، منافع کشورهایی که تجارت خارجی آن‌ها از مسیر ایران عبور می‌کند، با منافع کشورمان گره بخورد. به این ترتیب هرگونه تهدیدی که اقتصاد و به‌طور خاص روابط تجاری ایران را تهدید نماید، عملاً موجب تهدید منافع این کشورها نیز خواهد شد. به این ترتیب کشورهای همسایه ما، به‌نوعی نقش «حافظ منافع» ایران را در عرصه بین‌المللی برعهده خواهند داشت و اعمال تحریم‌های تجاری علیه کشورمان یا غیرممکن شده یا بسیار پرهزینه می‌شود. همچنین باید توجه داشت که تحریم تجارت و ترانزیت از مسیر زمینی، برعکس تحریم کشتیرانی و یا تحریم هوایی بسیار دشوار و حتی غیرممکن است.

### ۳. نظام پولی و ارزی

تحریم‌های اعمال‌شده در حوزه مالی و بانکی، عمدتاً شامل محدودیت در نقل و انتقال ارز از طریق بانک‌های داخلی به‌منظور تجارت، و همچنین ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع ارزی اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و غیردولتی ایران می‌شود. این محدودیت‌ها موجب شدند تا مقام پولی و ارزی کشور (یعنی بانک مرکزی)، ناچار به ایجاد اصلاحاتی در ساختار نظام ارزی کشور گردد که در ادامه به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که تحریم‌های بانکی علیه ایران مصادف شده است با دوره بلوغ نظام بانکی در کشور، در واقع برای نظام بانکی، دهه ۷۰، دهه شکوفایی سامانه‌های درون بانکی، دهه ۸۰، دهه شکوفایی سامانه‌های بین بانکی و دهه ۹۰، دهه ارتقای شفافیت و امنیت بانکداری نام‌گذاری شده است.<sup>۱</sup> تقارن محوریت شفافیت و امنیت، با تحریم‌های بانکی، موجب افزایش سرعت توسعه سامانه‌های زیرساختی در نظام بانکی کشور (پولی و ارزی) شده است.

#### ۱.۳. ایجاد شفافیت مبتنی بر سامانه در بازار ارز

یکی از مشکلات دیرینه در بازار ارز کشور، عدم شفافیت معاملات ارزی، خصوصاً در شبکه صرافی‌ها، و ضعف شدید نظارت بانک مرکزی بر این معاملات بوده است.<sup>۲</sup> پیش از تشدید تحریم‌های مالی، بخش عمده عملیات ارزی مربوط به تجارت خارجی، توسط بانک‌ها صورت می‌گرفت و از یک سو به دلیل نظارت

۱. <http://www.cbi.ir/showitem/10956.aspx>

۲. گزارش «آسیب شناسی قوانین و مقررات صرافی‌ها»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی.

نسبی بانک مرکزی بر بانک‌ها و ازسوی دیگر دسترسی به منابع عظیم ارزی<sup>۱</sup> و لذا ثبات نسبی انتظارات نسبت به نرخ ارز، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی در بازار ارز پوشیده مانده بود و معضل ویژه‌ای بروز نکرده بود.

اما طی سال‌های اخیر و تحریم‌شدن بسیاری از بانک‌های داخلی<sup>۲</sup>، ازیک‌سو حجم عظیمی از عملیات ارزی از شبکه بانکی خارج شده و در شبکه صرافی‌ها ادامه یافت، و ازسوی دیگر تلاطم انتظارات نسبت به نرخ ارز و وجود نرخ‌های چندگانه برای ارز موجب افزایش تقاضای سفته‌بازی ارز و همچنین افزایش تخلفات در فرایند واردات گردید. التهابات ایجادشده در بازار ارز در اثر فقدان زیرساخت‌های اطلاعاتی، موجب شد تا بانک مرکزی سامانه‌هایی را به منظور افزایش شفافیت بازار ارز راه‌اندازی کند.

نخستین سامانه‌ای که توسط بانک مرکزی به منظور شفاف‌سازی تخصیص ارز (خصوصاً ارز با نرخ مرجع و نرخ مبادله‌ای) در مهرماه ۹۱ راه‌اندازی گردید، مرکز مبادلات ارزی بود. در این سامانه، با اولویت‌بندی کالاهای وارداتی، ارز با نرخ‌های مربوطه به آن‌ها تخصیص می‌یافت، و بانک عامل واردات نیز تعیین می‌گردید. در واقع در مرکز مبادلات ارزی، بر مبنای کد تخصیص ارز و با استفاده از سامانه‌های مرتبط ارزی، امکان ردیابی وجوه فروش ارز ازسوی بانک مرکزی به بانک‌ها فراهم شده است.<sup>۳</sup> این امر موجب شد تا تخلفات برخی بانک‌ها که ارز را به نرخ مرجع از بانک مرکزی دریافت می‌کردند، ولی برای واردات با نرخ آزاد تخصیص می‌دادند کنترل گردد. همچنین مرکز مبادلات ارزی کشور به‌عنوان سازوکار الکترونیکی عملیات خرید و فروش ارز در بازار بین بانکی نقش کاتالیزور را در استفاده بیشتر از ارزهای غیرجهان روا یا ملی (محلی) و تطابق الگوی تجاری با سید ارزی دایفا نموده و ظرفیت بانک مرکزی را جهت عرضه بیشتر ارز افزایش داده است.<sup>۴</sup> مرکز مبادلات ارزی در شش ماه نخست فعالیت، بیش از ۷.۵ میلیارد دلار تخصیص ارز انجام داد و در دو ماه نخست سال ۹۲ نیز بالغ بر چهار میلیارد دلار سفارش را ثبت نمود.<sup>۵</sup>

سامانه پورتال ارزی<sup>۶</sup> که برای نخستین بار کلیه مراحل واردات (از ثبت سفارش تا ترخیص از گمرک) را به صورت رایانه‌ای و برخط<sup>۷</sup> ثبت می‌نماید، در مهرماه ۹۱ رسماً آغاز به کار نمود. این سامانه به دلیل

۱. در طول سال‌های ۸۹-۷۹، مازاد درآمد نفتی که به حساب ذخیره ارزی واریز شد، حدود ۱۶۰ میلیارد دلار بوده است.  
 ۲. در حال حاضر علاوه بر بانک‌های ایرانی خارج از کشور، بانک‌های ملی، صادرات، تجارت، ملت، کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن، دی، انصار، حکمت، ایران‌زمین، کارآفرین، مهر ایران، پارسین، پاسارگاد، پست بانک، سامان، سرمایه، گردشگری و توسعه تعاون در لیست تحریمی امریکا قرار دارند.

3. <http://www.cbi.ir/showitem/10553.aspx>.

4. <http://www.cbi.ir/showitem/10553.aspx>.

5. <http://www.cbi.ir/showitem/10558.aspx>.

6. <http://www.cbi.ir/showitem/8916.aspx>.

7. Online



انجام کنترل‌های ضربدری<sup>۱</sup> بین سامانه‌های اطلاعاتی بانک مرکزی (و بانک‌ها)، سامانه ثبت‌ارش سازمان توسعه تجارت و سامانه جامع گمرک، امکان تخلف و ارائه اطلاعات نادرست و سوءاستفاده از رانت ارز چندرنی را به حداقل کاهش می‌دهد.<sup>۲</sup> براین اساس پورتال ارزی عملاً بخشی از واردات را که از طریق بانک‌های داخلی انجام می‌شود پوشش می‌دهد. در مراحل بعدی لازم است تا شبکه صرافی‌های مجاز نیز به این سامانه متصل شوند تا کلیه عملیات ارزی مربوط به واردات شفاف گردد.

سومین سامانه‌ای که به منظور شفاف‌سازی بازار ارز در حال تکمیل است، سامانه نظارت ارزی<sup>۳</sup> «سنا» است. به موجب دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها، صرافی‌ها موظف‌اند آمار و اطلاعات کلیه معاملات، و خرید و فروش ارز خود را (نقدی یا حواله‌ای) براساس نوع ارز به انضمام مشخصات خریداران و فروشندگان در این سامانه ثبت نمایند.<sup>۴</sup> به این ترتیب بخش قابل توجهی از بازار ارز که نقش جدی در تلاطمات نرخ ارز در سال‌های گذشته داشته‌اند، یعنی شبکه صرافی‌ها، تحت نظارت برخط بانک مرکزی درخواهد آمد. در حال حاضر نیز اتصال پورتال ارزی به سامانه نظارت ارزی در حال تکمیل است که در صورت راه‌اندازی کامل آن، ضمانت اجرایی قابل توجهی برای ثبت کلیه معاملات منجر به واردات صرافی‌ها ایجاد خواهد شد.<sup>۵</sup>

### ۲.۳. راه‌اندازی شبکه شبه سوئیفت میان بانک‌های داخلی

تا پیش از تشدید تحریم‌های بانکی، کلیه تبادلات پیام‌های مالی داخلی و بین‌المللی سیستم بانکی (ریالی و ارزی) در بستر شبکه سوئیفت<sup>۶</sup> انجام می‌گرفت. سوئیفت یک شرکت تعاونی بین‌المللی<sup>۷</sup> است که مرکز آن در کشور بلژیک مستقر است و زیرساختی به منظور تبادل پیام‌های استاندارد مالی میان کشورهای مؤسسات مالی عضو فراهم می‌نماید.<sup>۸</sup>

از آنجا که پایگاه‌های داده سوئیفت در آمریکا و اروپا مستقر هستند، استفاده از زیرساخت سوئیفت برای تبادل پیام‌های مالی میان مؤسسات مالی داخلی، از یک سو موجب افشای کلیه اطلاعات تراکنش‌های مالی داخلی برای کشورهای متخاصم می‌گردد و کشور را به لحاظ اطلاعاتی به شدت آسیب‌پذیر می‌نمود.

1. Cross-Check

۲. هرچند به دلیل عدم اتصال سامانه استاندارد به پورتال ارزی، هنوز امکان اظهار خلاف واقع تا حدی وجود دارد.

3. <https://www.cbifs.com/sana>

۴. ماده ۳۱ دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۹۲/۵/۱ شورای پول و اعتبار.

5. <http://www.cbi.ir/showitem/11113.aspx>.

6. SWIFT (Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication).

7. Member-Owned Cooperative Company.

8. [http://www.swift.com/about\\_swift/company\\_information/company\\_information](http://www.swift.com/about_swift/company_information/company_information).

امکان قطع خدمات پیام‌رسانی مالی توسط سرورهای خارجی را نیز در اختیار کشورهای غربی قرار می‌داد. در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۲، شرکت سوئیفت از این فرصت استفاده نموده و ارائه خدمات به کلیه بانک‌های تحریم‌شده ایرانی را قطع نمود.<sup>۱</sup> از آنجا که این اقدام کشورهای غربی قابل پیش‌بینی بود، بعد از تشدید تحریم‌های بانکی، بانک مرکزی اقدام به راه‌اندازی سامانه پیام‌رسانی الکترونیکی مالی (سپام) نمود. این سامانه که در تیرماه ۹۱ رسماً افتتاح شد<sup>۲</sup>، هم قابلیت پشتیبانی از پیام‌های سوئیفت بین‌المللی را داراست و هم قابلیت پشتیبانی از پیام‌های غیر سوئیفتی که در قابل پروتکل‌های سوئیفت رد و بدل می‌شوند (پیام‌های شبه سوئیفت). از آنجا که سرور این سامانه در داخل کشور قرار دارد، راه‌اندازی سامانه سپام علاوه بر قطع وابستگی در زیرساخت‌های بانکی، موجب حفاظت از اطلاعات بانکی داخلی نیز می‌گردد.

زیرساخت سپام در حال حاضر دو سامانه مهم تحت عنوان سپام ارزی و سپام ریالی را میزبانی می‌نماید. سپام ارزی از یک سو می‌تواند پیام‌های ارزی شبه سوئیفتی را بدون نیاز به شبکه سوئیفت، میان اعضا در داخل کشور مبادله نموده، از سویی دیگر با اتصال به شبکه جهانی سوئیفت، ارتباط اعضا (بانک‌های تحریم‌نشده) با آن شبکه را میسر سازد. سپام ریالی نیز پیام‌های فارسی نظیر پیام‌های اعتبار اسنادی داخلی (ریالی) را مبادله می‌نماید.<sup>۳</sup> بانک مرکزی در دستورالعمل‌های متعددی از جمله دستورالعمل اعتبار اسنادی داخلی - ریالی، بانک‌ها را موظف به استفاده از این سامانه برای کلیه امور ارزی نموده است.<sup>۴</sup>

### ۳.۳. منطقی تر شدن نرخ ارز و افزایش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی

یکی از مشکلاتی که طی حدود ده سال اخیر موجب کاهش توان رقابتی محصولات داخلی در بازارهای بین‌المللی شده است، پایین نگه‌داشتن نرخ ارز با تکیه بر منابع سرشار نفتی است. به‌منظور حفظ قدرت رقابت تولیدات داخلی با محصولات مشابه داخلی، قاعده‌ای که می‌بایست به‌طور تقریبی برای نرخ ارز رعایت شود، افزایش نرخ ارز متناسب با تفاضل تورم داخلی و تورم جهانی است. روند تحولات نرخ ارز، تورم داخلی و تورم جهانی طی ده سال گذشته حکایت از عدم رعایت این قاعده دارد.

در اثر تحریم نفتی و کاهش فروش نفت و همچنین دشوار شدن انتقال منابع حاصل از فروش نفت، دسترسی به منابع ارزی محدود شده و نرخ ارز افزایش یافته و منطقی‌تر گردید. این امر منجر به افزایش قدرت رقابت محصولات داخلی در بازارهای بین‌المللی گردیده است. البته لازم به ذکر است که هرچقدر محصولات صادراتی در نهاده‌های واسط و مواد اولیه وابستگی کمتری به واردات داشته باشند، افزایش نرخ ارز کمک بیشتری به افزایش صادرات خواهد کرد.

1. [http://www.swift.com/about\\_swift/legal/statements\\_on\\_sanctions](http://www.swift.com/about_swift/legal/statements_on_sanctions).

2. <http://blog.panjjere.com/?p=2853>.

۳. مصاحبه سیدمحمود احمدی دبیر کل بانک مرکزی با خبرگزاری تسنیم.

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/169319>.

۴. دستورالعمل اعتبار اسنادی داخلی - ریالی، مصوب ۹۱/۹/۷ شورای پول و اعتبار.

نکته قابل توجه در رابطه با این بحث آن است که افزایش نرخ ارز مطلوب بوده، ولی نوسانات نرخ ارز اثرات نامطلوب جدی بر تولید و تجارت وارد می‌آورد. لذا اگر افزایش حاصله در نرخ ارز به صورت تدریجی حاصل می‌گردید، هم ساختار تولید فرصت تطبیق با شرایط را پیدا کرده و هم مضرات ناشی از ناپایداری در شرایط بازار به وجود نمی‌آمد.

#### ۴.۳. استفاده از سازوکار پیمان پولی دوجانبه

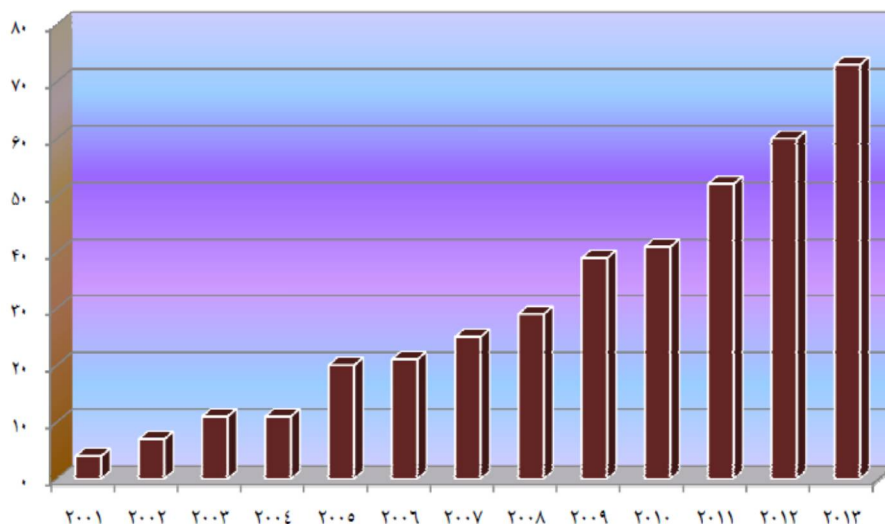
در حال حاضر بخش اعظم مبادلات مالی در تجارت بین‌الملل با استفاده از ارزهای جهان روا (به‌طور خاص دلار و یورو) انجام می‌شود. البته در سال‌های اخیر ارزهای دیگری نظیر یوآن نیز به صورت پراکنده استفاده می‌شوند. استفاده از یک ارز جهان روا (دلار) در تجارت بین‌الملل، ریشه در اتفاقات پس از جنگ جهانی دوم و کنفرانس برتن وودز دارد.<sup>۱</sup> اما با گذشت زمان، رقاباتی برای دلار در تجارت بین‌الملل ظاهر شده و کشورهای مختلف (از جمله اتحادیه اروپا و چین) تلاش کردند در حد توان، خود را از سلطه دلار بر مبادلات بین‌الملل خارج کنند. گفتنی است استفاده از ارزهای دیگری غیر از دلار و یورو برای کشورهای استفاده‌کننده، هم منافع سیاسی و هم منافع اقتصادی دارد که شرح آن از حوصله این نوشته خارج است.<sup>۲</sup> استفاده گسترده از دلار و یورو در تجارت خارجی ایران، زمینه را برای اثربخشی جدی تحریم‌ها فراهم کرد. این امر موجب شد تا غرب بتواند با استفاده از تحریم‌های بانکی، مبادلات بین‌المللی کشورمان را به شدت محدود و با مشکل مواجه کند. این امر ضرورت تغییر در نظام مبادلات خارجی کشورمان را در مقایسه با دیگر کشورها دوچندان می‌کند. در واقع باید سبب ارزی مورد استفاده در مبادلات خارجی تر شود تا اولاً آسیب‌پذیری کشور از تحریم‌های غرب کاهش یابد و ثانیاً ریسک‌های متوجه کشور از نوسانات و بحران‌های یک اقتصاد خاص کاهش یابد. این امر با اجرای پیمان‌های پولی دوجانبه کشورهای طرف تجارت قابل اجراست.

گفتنی است تاکنون ۴۳ پیمان پولی دوجانبه در دنیا به امضا رسیده است که در رأس آن‌ها چین با ۲۹ قرار داد پیشرو است. برای مثال می‌توان به پیمان‌های پولی دوجانبه منعقدشده بین روسیه و چین، ژاپن و کره جنوبی، چین و اتحادیه اروپا، چین و ژاپن، برزیل و آرژانتین و... اشاره کرد.<sup>۳</sup> در نمودار زیر تعداد تجمعی قراردادهای پولی دوجانبه در دنیا به صورت تجمعی نمایش داده شده است.

۱. گزارش «بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دوجانبه» از مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره مسلسل ۱۳۹۶۲.

۲. همان، ۱۴.

۳. همان، ۷۰.



**نمودار ۱.** تعداد تجمعی قراردادهای پولی دوجانبه در دنیا (مأخذ: گزارش «بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دوجانبه» مرکز پژوهش‌های مجلس به‌شماره مسلسل ۱۳۹۶۲)

به‌طور خلاصه باید گفت، بر مبنای پیمان‌های پولی دوجانبه و هماهنگی‌های انجام‌شده بین بانک‌های مرکزی دو کشور، تجارت بین دو کشور تا سقف مشخصی بدون استفاده از ارز خارجی انجام می‌شود. بدین ترتیب که شرکت‌های واردکننده و صادرکننده، مبادلات مالی خود را با بانک‌های تجاری داخلی در کشور خود انجام می‌دهند، و تسویه‌های پولی مربوطه بین بانک‌های مرکزی دو کشور انجام می‌شود. برای مثال اگر کشور (الف) ۵۰۰ دلار از کشور (ب) وارد می‌کند و کشور (ب) ۶۰۰ دلار از کشور (الف) وارد می‌کند، نیاز نیست برای کل ۱۱۰۰ دلار مبادله بین دو کشور ارز جابه‌جا شود، بلکه دو کشور با واسطه بانک‌های مرکزی مبادلات را بدون ارز واسطه انجام می‌دهند، و بانک‌های مرکزی در انتهای دوره تفاهم‌شده، ۱۰۰ دلار مابه‌التفاوت را بین خود تسویه می‌کنند. طبیعتاً شرکت‌های واردکننده و صادرکننده از طریق بانک‌های تجاری عامل داخلی، با ارزهای داخلی خود مبادلات مالی مربوطه را انجام خواهند داد.

#### ۴. نظام بودجه‌ریزی

یکی از مسائل دیرینه اقتصاد ایران، مسئله وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و عدم کاهش سهم

درآمدهای نفتی از بودجه عمومی کشور، علی‌رغم تأکیدات متعدد مسئولان<sup>۱</sup> و مطرح‌شدن در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله<sup>۲</sup> است. کاهش فروش نفت در اثر تحریم‌های نفتی و بانکی موجب شده تا از یک سو دولت مجبور به کاهش سهم نفت در بودجه شود و از سوی دیگر با کشف منابع درآمدی جدید و اصلاحاتی در نظام مالیات‌ستانی، سایر درآمدهای خود را جایگزین نفت نماید.

یکی دیگر از معضلات دیرینه بودجه دولت، عدم کارایی مصارف بودجه خصوصاً در حوزه بودجه عمرانی است. این امر ریشه‌های مختلفی از جمله تعریف پروژه‌های غیراقتصادی و عدم مدیریت مناسب طرح‌های عمرانی دارد.<sup>۳</sup> با کاهش درآمدهای نفتی، دولت مجبور به سامان‌دهی مصارف بودجه، کاهش هزینه‌های اضافی و اولویت‌بندی اجرای طرح‌های عمرانی گردیده است.

#### ۱.۴. کشف منابع درآمدی جدید

به دلیل فشار ناشی از کاهش درآمدهای نفتی، دولت درصدد کشف منابع درآمدی جدید برآمد. برخی از این منابع درآمدی که تا به حال مغفول بوده و طی سال‌های اخیر دولت اقدام به استفاده از آن‌ها کرده است در ادامه بیان می‌گردد.

##### ۱.۱.۴. مانده وجوه اداره‌شده

بر مبنای ماده ۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، «وجوه اداره‌شده» شامل کلیه اعتباراتی است که دولت از محل بودجه عمومی، به منظور اختصاص به سلسله‌فعالیت‌های خاص، به سیستم بانکی و

---

۱. آرزوی واقعی من-که البته ممکن است به این زودی‌ها قابل تحقق نباشد- این است که ما در چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیرنفتی بنیاد نهیم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و معلمان در روز کارگر و هفته معلم، ۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

دولت باید کاری کند که بتواند روزی به دنیا اعلام نماید که از امروز تا شش ماه دیگر، تا یک سال دیگر، می‌خواهم در چاه‌های نفت را ببندم... دولت باید به نفت احتیاج نداشته باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران امام هشتم، ۰۴/۰۱/۱۳۷۵)

آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به‌دست بیاوریم و در چاه‌های نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان می‌خوریم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۰۵/۰۶/۱۳۸۷)

یکی از بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۲۶/۰۵/۱۳۹۰)

۲. به‌عنوان مثال: مواد ۸۴، ۸۵ و ۲۳۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه.

۳. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «سامان‌دهی طرح‌های عمرانی (ارائه یک الگوی اولیه)» به‌شماره مسلسل ۱۳۷۵۷.

مؤسسات اعتباری اعطا می‌کند تا در غالب تسهیلات تخصیص داده‌شده استفاده شوند.<sup>۱</sup> یکی از منابع مغفول طی سال‌های قبل در بودجه، مربوط به مانده وجود اداره شده است. بدین معنی که بازپرداخت اقساط تسهیلاتی که در سال‌های قبل تحت عنوان وجوه اداره‌شده، اعطا شده بودند، مورد توجه قرار نگرفته و پس از وصول در بانک‌ها رسوب می‌کرد و به خزانه دولت عودت داده نمی‌شد. از سال ۱۳۹۰ یک ردیف در قانون بودجه با عنوان «واریز وجوه اداره‌شده نزد بانک‌ها» با شماره ردیف ۳۱۰۶۰۵ ایجاد گردید تا اقساط این تسهیلات پرداخت‌شده و دولت آن‌ها را وصول نماید. در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۸۰۰، ۲۰۰ و ۶۰ میلیارد تومان برای این ردیف در نظر گرفته شد.<sup>۲</sup>

**جدول ۲.** مقادیر مصوب ردیف «برگشتی از محل تسهیلات اعطایی (وجوه اداره)» ارقام به میلیارد تومان

۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۱۰۰	۱۵۰	۶۰۰	۲۰۰۰	۸۰۰	ردیف درآمدی ۳۱۰۶۰۲

#### ۲.۱.۴. درآمد حاصل از معادن

منبع درآمدی مغفول دیگر در بودجه، درآمد حاصل از معادن است که شامل بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن (ردیف ۱۳۰۴۰۸) و درآمد حاصل از حق انتفاع بهره‌برداری معادن (ردیف ۱۳۰۴۱۹) می‌شود. در این رابطه باید توجه داشت که علی‌رغم آنکه ارزش افزوده بخش معدن حداقل ۱۰٪ ارزش افزوده بخش نفت است، اما عایدی حاصل از معادن برای دولت، بسیار کمتر از ۱۰٪ عایدی حاصل از معادن می‌باشد.<sup>۳</sup> این موضوع در سال ۱۳۹۱ مورد توجه دولت و مجلس قرار گرفت و با اندکی بهبود در دریافت حق بهره‌برداری از معادن در سال ۱۳۹۲، درآمد دولت از این حوزه افزایش یافته و به ۰/۰۱۸ درآمد حاصل از نفت رسید و این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. (جدول ۳)

۱. ماده ۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت: کلیه اعتباراتی که تحت عنوان وجوه اداره‌شده در قوانین برنامه و بودجه منظور می‌شود بعد از پرداخت به سیستم بانکی و مؤسسات اعتباری به هزینه قطعی منظور می‌گردد. سود حاصل از وجوه مذکور و اقساط دریافتی ناشی از تسهیلات وجوه مذکور به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این ماده تعیین می‌گردد به حساب ویژه‌ای در خزانه‌داری کل واریز و عیناً در بودجه‌های سنواتی مجدداً برای تحقق اهداف مورد نظر لحاظ خواهد شد.

۲. قوانین بودجه سال‌های ۹۰ الی ۹۳ و لایحه بودجه سال ۱۳۹۴.

۳. گزارش «الزامات تهیه و تصویب بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۹۳»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس.



جدول ۳. مقایسه درآمد حاصل از نفت و معادن برای دولت (ارقام به میلیارد تومان)

۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۷۱۰۷۶	۷۷۷۹۹	۶۵۸۰۰	۶۱۰۰۰	۵۷۰۰۰	مجموع درآمدهای نفتی
۲۸۰۰	۲۱۰۰	۱۲۰۰	۱۴۰	۱۲۰	مجموع درآمد حاصل از معادن
۰.۰۳۹	۰.۰۲۷	۰.۰۱۸	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲	نسبت درآمد معادن به درآمد نفت

مأخذ: قوانین بودجه سال‌های ۹۴-۹۰

### ۳.۱.۴. سود سهام دولت در شرکت‌های غیردولتی

هرچند به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تعداد قابل توجهی از شرکت‌های دولتی به بخش غیردولتی واگذار شد، دولت همچنان در بسیاری از شرکت‌های غیردولتی سهام‌دار است.<sup>۱</sup> تا سال ۱۳۹۱ صرفاً شرکت‌هایی که به بیش از ۵۰٪ از سهام آنها در تملک دولت است، در پیوست ۳ قانون بودجه ذکر می‌شد و وصول مالیات، سود سهام و سود ویژه از این شرکت‌ها انجام می‌شد. به عبارت دیگر، سود سهام شرکت‌هایی که کمتر از ۵۰٪ از سهامشان در مالکیت دولت است مدنظر قرار نگرفته و درآمد آن وصول نمی‌شد. از سال ۱۳۹۱، ردیف شماره (۱۳۰۱۰۸) در جدول شماره ۵ قانون بودجه، برای وصول این درآمدها (یعنی سود سهام دولت در شرکت‌های غیردولتی) اختصاص داده شد. ارقام اختصاص یافته به این ردیف درآمدی در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ ۵۰۰۰ میلیارد ریال بوده است.<sup>۲</sup>

### ۴.۱.۴. افزایش نرخ فروش گاز به مجتمع‌های پتروشیمی

در سال‌های گذشته گاز خوراک مجتمع‌های پتروشیمی، با نرخ بسیار پایین ۵ سنت برای هر مترمکعب به آن‌ها فروخته می‌شد. ارائه گاز ارزان به این واحدها، از یک سو رانت قابل توجهی در اختیار ایشان قرار می‌دهد که موجب سودهای کلان چندصد درصدی<sup>۳</sup> برای این واحدها می‌گردد، و از سوی دیگر دولت را از وصول درآمد قابل توجهی باز می‌دارد. دیگر پیامد منفی این چنین نرخ گذاری، سودآوری کاذب برخی واحدهای پتروشیمی و لذا توسعه و توزیع بدون توجیه واحدهای پتروشیمی در سطح کشور می‌باشد. در جدول زیر میزان سوددهی پتروشیمی‌های با خوراک گاز با دیگر صنایع کشور، در سه سناریوی مختلف، مقایسه شده‌اند.

۱. طبق قانون محاسبات عمومی، شرکت‌هایی که بیش از ۵۰٪ سهامشان از آن دولت است، دولتی محسوب می‌شوند.  
 ۲. شایان ذکر است که شنیده‌ها حاکی از آن است که درآمد وصول شده از این محل، بیش از مقدار پیش‌بینی شده نیز بوده است.  
 ۳. یادداشت تحلیلی دی‌ماه ۱۳۹۲ شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران تحت عنوان «تأثیر نرخ‌های متفاوت خوراک بر میزان سوددهی پتروشیمی‌های گازی».

**جدول ۴. میزان سوددهی دیگر صنایع کشور و مقایسه آن با پتروشیمی براساس نرخ‌های متفاوت خوراک**

سود (درصد) در انتهای سال ۱۳۹۱			نام شرکت	صنعت
۱۸ سنت	۱۳ سنت	۳ سنت	پردیس	پتروشیمی
۱۶۳	۲۲۲	۴۵۸		
۶۶	۱۱۰	۲۵۲		
۴۴	۷۶	۲۱۱	کرمانشاه	
۱۰/۰۴			پالایش نفت بندرعباس	پالایشی
۴/۶			پالایش نفت اصفهان	
۳/۰۲			پالایش نفت تهران	
۴۷			سیمان تهران	سیمان
۴۶			سیمان سپاهان	
۷۶			خوزستان	فولاد
۸۵			خراسان	

مأخذ: یادداشت تحلیلی دی‌ماه ۱۳۹۲ شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران تحت عنوان تأثیر نرخ‌های

متفاوت خوراک بر میزان سوددهی پتروشیمی‌های گازی

سوددهی بالای پتروشیمی‌های گازی (با خوراک گاز طبیعی) در حالی صورت می‌گیرد که سوددهی پتروشیمی‌های با خوراک مایع (نفتا) بسیار پایین است و حتی بعضی از این واحدها در مرز زیان‌دهی قرار دارند و تاکنون علی‌رغم نیاز کشور به این نوع از پتروشیمی‌ها، به دلیل حاشیه سود کم آنان در قیاس با دیگر پتروشیمی‌های بالادستی (مادر)، کمتر سرمایه‌گذاری به احداث چنین واحدهایی تمایل دارد. این در حالی است که بخش قابل‌توجهی از صنایع میان‌دستی و پایین‌دستی با استفاده از محصولات پتروشیمی‌های بالادستی خوراک مایع شکل می‌گیرند<sup>۱</sup>. در لایحه بودجه سال ۹۳، دولت به منظور جبران کاهش درآمدهای خود، این نرخ را افزایش داده و نرخ ۱۳ سنت مصوب گردید.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. جزء ۳ بند (ق) تبصره ۳ قانون بودجه ۱۳۹۳: قیمت پایه خوراک گاز واحدهای پتروشیمی در چارچوب قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به گونه‌ای تعیین می‌گردد که از سیزده سنت در هر مترمکعب کمتر نشود. همچنین به منظور تحریک و تشویق واحدهای پتروشیمی و فعالان اقتصادی به توسعه سرمایه‌گذاری در صنایع تکمیلی و پایین‌دست و اشتغال‌زایی بیشتر با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و رعایت مکان‌یابی وزارت نفت، قیمت خوراک گاز را به صورت پلکانی به گونه‌ای تخفیف دهد که نرخ بازده داخلی ارزی سرمایه‌گذار تا ۳۰٪ باشد. آیین‌نامه اجرایی تخفیف پلکانی براساس شاخص‌های ترکیبی فوق‌ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت نفت تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

#### ۲.۴. اصلاح نظام مالیاتی

یکی از مشکلات ساختاری در کشور، وجود فرارهای مالیاتی فراوان و همچنین استفاده‌نشدن از بسیاری پایه‌های مالیاتی مانند مالیات بر زمین، مالیات بر عایدی سرمایه و... است. براساس اظهارات معاون سازمان امور مالیاتی، حجم فرار مالیاتی در کشور حدود ۴۰ درصد تخمین زده می‌شود.<sup>۱</sup> همچنین مسئله دیگر وجود معافیت‌های مالیاتی گسترده در اقتصاد کشور است. به‌طوری‌که بر مبنای گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس معافیت‌های مالیاتی فعلی حدودی ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی است.<sup>۲</sup> توجه مناسب به این ظرفیت‌های مالیاتی نه تنها به درآمدزایی دولت کمک می‌کند، بلکه کارکرد کنترلی در اقتصاد نیز داشته و از فعالیت‌های سوداگرانه جلوگیری می‌نماید.

از رویکردهای مهم و قابل توجه در اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده ایجاد پایه اطلاعات اقتصادی برای سازمان امور مالیاتی در راستای اجرای کامل طرح جامع مالیاتی است. یکی دیگر از رویکردهای مهم لایحه افزایش ضمانت‌های اجرایی قانون مالیات مستقیم با لحاظ برخی ترتیبات اجرایی و همچنین جرایم برای متخلفان در سطوح مختلف است. مزیت دیگر این لایحه بحث اصلاح فرایندهای اجرایی برخی از بخش‌های مالیاتی مانند مالیات بر ارث می‌باشد که این شیوه هزینه وصول را کاهش و وقت کمتری از مؤدیان را در فرایند تشخیص و وصول می‌گیرد. خوداظهاری محورشدن در فرایندهای تمام انواع مالیات‌های موجود در قانون مالیات‌های مستقیم از دیگر نقاط قوت مطرح شده در لایحه است. گفتمنی است مبنای این روش طرح جامع مالیاتی و اطلاعات اقتصادی مؤدیان و برخی سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مترتب بر آن است.<sup>۳</sup>

یکی از رویکردهای جدی که در نظام مالیات باید مدنظر قرار گیرد، افزایش پایه‌های مالیاتی است. که البته در لایحه مذکور این امر به‌طور مطلوب مدنظر قرار نگرفته است. در کنار مبحث افزایش پایه‌های مالیاتی، وصول کامل مالیات وضع شده بر پایه‌های مالیاتی فعلی موجب افزایش جدی درآمدهای دولت شده و از کسری بودجه دولت می‌کاهد. بدین معنی که در حال حاضر به دلیل ضعف سامانه‌های اطلاعات اقتصادی، مالیات بسیاری از فعالان اقتصادی به‌صورت علی‌الرأس جمع‌آوری شده و در نتیجه بسیار کمتر از میزان واقعی اخذ می‌شود.

1. <http://qudsonline.ir/detail/News/254960>.

۲. گزارش «معافیت‌های مالیاتی و سهم آن از کل درآمدهای مالیاتی» به شماره مسلسل ۱۰۹۸۶.

۳. اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون «لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن» (بندها و مواد ارجاعی از صحن علنی مجلس و برخی اصلاحات و الحاقات دیگر) (ویرایش دوم) (مخصوص صحن علنی) به شماره مسلسل 5-12786.



### ۳.۴. افزایش کارایی مصارف بودجه

مشکل دیرینه دیگر در اقتصاد کشور به نحوه هزینه‌کرد منابع بودجه‌ای مرتبط می‌شود. بدین ترتیب که کارایی مصارف بودجه مطلوب نبوده و هدررفت زیادی در مصارف بودجه وجود دارد. کاهش منابع بودجه (در اثر تحریم فروش نفت)، می‌تواند محرک مناسبی برای رفع این ناکارایی‌ها باشد. برای این منظور دو راهبرد عمده باید در حوزه بودجه‌ریزی مدنظر قرار بگیرد که عبارت‌اند از: ۱. سامان‌دهی هزینه‌کرد بودجه جاری توسط دستگاه‌های دولتی و ۲. سامان‌دهی بودجه عمرانی از طریق اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی.

#### ۱.۳.۴. سامان‌دهی هزینه‌کرد بودجه جاری توسط دستگاه‌های دولتی

راهبرد اول که بیشتر ناظر به بودجه جاری می‌باشد، سامان‌دهی هزینه‌کرد بودجه در دستگاه‌های دولتی است. یکی از راهکارهای قابل‌تصور در این رابطه حرکت به سمت بودجه‌ریزی عملیاتی در دستگاه‌های دولتی می‌باشد. در حال حاضر نظام بودجه‌ریزی بیشتر با رویکرد افزایشی است. بدین ترتیب که با توجه به بودجه سال گذشته هر دستگاه و میزانی افزایش سالانه (متناسب با نرخ تورم)، بودجه سال جدید دستگاه استخراج می‌شود.

در این رابطه می‌توان به گفته‌های مشاور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اشاره کرد<sup>۱</sup> که اقداماتی در راستای عملیاتی‌سازی مکانیزم بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد انجام شده است. در لایحه بودجه ۹۴ این امر در پیوست شماره ۴ بودجه، بیشتر قابل مشاهده است.

#### ۲.۳.۴. سامان‌دهی بودجه عمرانی از طریق اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی

راهبرد دوم ناظر به سامان‌دهی طرح‌های عمرانی و استفاده بهینه از منابع بودجه عمرانی می‌باشد. بدین ترتیب که روال‌های فعلی تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی ناکارآمدی‌های اساسی داشته که سالانه هزینه هنگفتی را به بودجه کشور تحمیل می‌نماید. برای مثال در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ به‌طور میانگین در هر سال ۱۲۷ طرح خاتمه پیدا کرده در حالی که ۱۴۵ طرح جدید تعریف شده است. که این به معنی شروع طرح‌های جدید بیش از خاتمه طرح‌ها با وجود منابع مالی محدود می‌باشد. همچنین در سال ۱۳۸۹ تنها ۲۰٪ و در سال ۱۳۹۱ فقط ۱۰٪ از طرح‌ها طبق برنامه‌ریزی و به‌موقع به اتمام رسیده‌اند.<sup>۲</sup> با توجه به این امر اولویت‌بندی در تخصیص منابع به طرح‌های عمرانی و استفاده از منابع و توانمندی‌های بخش خصوصی و راهکارهای همکاری عمومی-خصوصی<sup>۳</sup> می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

1. <http://www.khabaronline.ir/detail/392266/Economy/macroeconomics>.

۲. گزارش «بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۲ کل کشور». ۶. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، ص ۱۳.

3. Public-Private Participation

جدول ۵. تعداد طرح‌های خاتمه‌یافته از کل طرح‌های مصوب در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۱

عنوان	تعداد	درصد
کل طرح‌هایی که طبق قانون قرار بود خاتمه پیدا کند.	۴۸۵	۱۰۰
طرح‌هایی که در بازه یادشده خاتمه یافت.	۱۲۷	۲۶
طرح‌هایی که در بازه یادشده خاتمه نیافت.	۳۶۳	۷۴

متأسفانه در روال فعلی تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی هزینه‌های متعددی به کشور تحمیل می‌شود. از جمله این هزینه‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:<sup>۱</sup>

۱. **تعریف طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی:** بخشی از طرح‌های عمرانی تعریف شده، فاقد توجیه اقتصادی بوده و در واقع سرمایه‌گذاری بدون بازگشت محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه آن است که اطلاعات شفاف و منتشر شده‌ای در رابطه با طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی وجود ندارد.
۲. **افزایش قیمت پیشنهادی پیمانکاران به دلیل تأخیر پرداخت‌های دولت:** پیمانکاران به دلیل سابقه رفتاری دولت (بدحسابی در پرداخت) هزینه ریسک را نیز به هزینه‌های خود اضافه می‌کنند که موجب افزایش قیمت پیشنهادی برای انجام پروژه‌ها می‌گردد. در حال حاضر سنجه دقیقی از میزان این افزایش قیمت وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد درصد قابل توجهی از هزینه تمام شده طرح را دربر بگیرد.
۳. **هزینه‌های تعدیل ناشی از طولانی شدن مدت زمان اجرای طرح‌ها (افزایش قیمت‌ها و استهلاک):** به دلیل خاتمه نیافتن طرح‌های تصویب شده در زمان مقرر، برخی هزینه‌های جدید برای اتمام پروژه ایجاد می‌شوند. هزینه‌هایی از قبیل افزایش قیمت تمام شده، هزینه استهلاک سرمایه‌گذاری‌های پیشین و غیره. نکته قابل توجه این است که در گزارش‌هایی که در رابطه با طرح‌های عمرانی تهیه می‌شود، معمولاً فقط همین هزینه مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا هزینه‌های دیگر به راحتی قابل سنجش نبوده و غیر کمی هستند.
۴. **هزینه فرصت تأخیر در بهره‌برداری:** در صورتی که فرض کنیم طرحی سه سال دیرتر از موعد مقرر به بهره‌برداری برسد، منافی از بهره‌برداری از طرح در این سه سال می‌توانست عاید کشور شود که در عمل نشده است، و فقط حجم قابل توجهی از سرمایه در محل اجرای طرح راکد و بی‌استفاده مانده است. این هزینه که از جنس هزینه فرصت است عملاً در محاسبات رایج مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
۵. **از بین رفتن توجیه اقتصادی طرح‌های طولانی شده:** برخی طرح‌ها در صورتی که در دوره زمانی معقول و از پیش تعیین شده به بهره‌برداری برسند، دارای توجیه اقتصادی هستند و با تأخیر در بهره‌برداری از طرح به دلیل افزایش هزینه‌های خواب سرمایه عملاً توجیه اقتصادی خود را از دست

۱. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «سامان‌دهی طرح‌های عمرانی (ارائه یک الگوی اولیه)» به شماره مسلسل ۱۳۷۵۷.

می‌دهند. با توجه به تأخیر زیاد در بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی به‌نظر می‌رسد درصد قابل‌توجهی از طرح‌های انتفاعی مشمول معضل فوق شوند.

با توجه به بالابودن هزینه‌هایی که سالانه با توجه به روال‌های معیوب فعلی به کشور تحمیل می‌شود و با توجه به اینکه در اثر تحریم‌های اعمال‌شده منابع دولت کاهش یافته است، اصلاح وضع موجود در حوزه طرح‌های عمرانی اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. با توجه به موارد فوق تحریم‌های اعمال‌شده فرصت خوبی است تا دولت اقدامات زیر را که در حالت عادی باید انجام می‌داد اجرا نماید:

۱. **واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام:** دولت باید طرح‌هایی که قابلیت فروش و یا اجاره به بخش خصوصی را دارد، به بخش خصوصی واگذار کند تا بخش خصوصی پس از تکمیل آن را بهره‌برداری نماید. این امر هم درآمدی نصیب دولت می‌کند و هم از هزینه‌های سال‌های آینده دولت برای طرح‌های عمرانی می‌کاهد.

۲. **استفاده از روش‌های مشارکت عمومی خصوصی:** دولت باید طرح‌های عمرانی را که بازدهی اقتصادی کافی دارند جهت مشارکت بخش خصوصی به مزایده گذاشته و با روش‌های مختلف مانند BOT تکمیل طرح‌ها را به بخش خصوصی واگذار نماید.

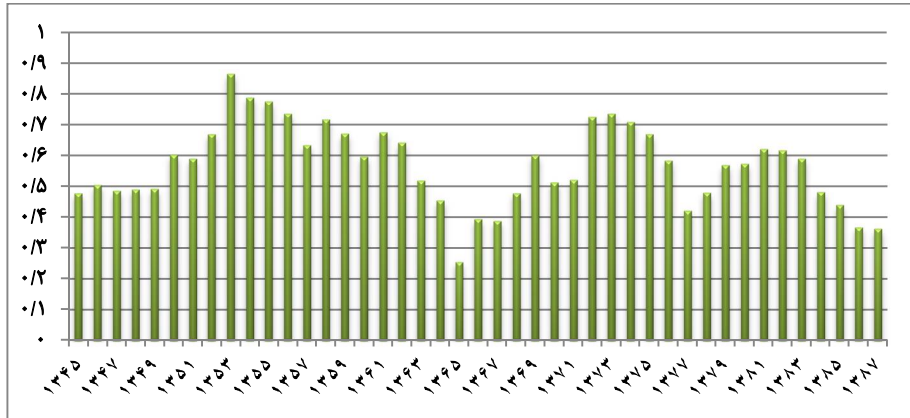
۳. **اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی:** برخی از طرح‌هایی که هیچ‌گونه جذابیتی برای بخش خصوصی نداشته و عملاً باید با منابع دولتی تکمیل شوند، باید اولویت‌بندی‌شده و منابع دولتی بر مبنای اولویت‌بندی انجام‌شده تخصیص یابد.

#### ۴.۴. کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی

مسئله دیگری که از دیرباز در کلام سیاست‌گذاران و اقتصاددانان کشور مطرح بوده بحث کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی است. این امر هم در گفته‌های مسئولان و هم در قوانین و سیاست‌های کلی نظام بسیار مورد توجه بوده است. برای مثال می‌توان به بند ۱۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری اشاره کرد.<sup>۱</sup> همچنین این مطلب در مواد ۸۴، ۸۵ و ۲۳۴ قانون برنامه پنجم و برخی دیگر از قوانین و سیاست‌های کلی مورد توجه بوده است.

با این حال، از ابتدای تولید و صادرات نفت در ایران، همواره بودجه دولت متکی به نفت بوده و منافع دولت‌های مختلف ایجاد می‌کرده که حداکثر استفاده از درآمدهای نفتی در طول دوره هر دولت انجام گیرد (برای مصارف جاری یا عمرانی). در جدول زیر سهم درآمدهای مستقیم نفتی از کل منابع بودجه سالانه دولت در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۴۵ آورده شده است. در این جدول درآمد نفت شامل درآمد حاصل از فروش نفت خام، فروش فراورده‌های نفتی و در برخی سال‌ها فروش گاز طبیعی است. همچنین در سال‌های دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شامل درآمد ناشی از مابه‌التفاوت فروش ارز به نرخ بازار می‌باشد.

۱. بند ۱۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.



نمودار ۲. سهم درآمدهای مستقیم نفتی از کل منابع بودجه دولت (مأخذ: داده‌های سری زمانی بانک مرکزی)

البته باید توجه داشت، میزان وابستگی بودجه دولت و به‌طور کلی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، یقیناً بیش از این است، چراکه اولاً درآمدهای نفتی مذکور، به‌طور غیرمستقیم نیز چرخ اقتصاد کشور را به‌حرکت درمی‌آورد، و ثانیاً ردیف‌های دیگری از بودجه سالانه دولت به‌طور غیرمستقیم ناشی از فروش نفت است که از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد<sup>۱</sup>:

۱. مالیات بر عملکرد و سود سهام شرکت ملی نفت.
  ۲. منابع حاصل از برداشت از موجودی حساب ذخیره ارزی.
  ۳. ۲ درصد سهم مناطق نفت‌خیز و محروم و سایر استان‌ها از درآمدهای نفتی.
  ۴. منابع نفتی که قبل از واریز به خزانه، مستقیماً به واردات فراورده‌های نفتی اختصاص می‌یابد.
- در صورتی که اولاً درآمدهای غیرمستقیم نفتی را نیز به بودجه عمومی دولت اضافه کنیم، و ثانیاً برداشت‌های انجام‌شده در طول سال (تحت عنوان متمم بودجه) از حساب ذخیره ارزی را نیز به حساب آوریم، در سال‌های ۸۴-۸۹، وابستگی بودجه به نفت به‌طور میانگین حداقل ۶۲/۷ درصد بوده است.<sup>۲</sup> این روند در سال‌های ۹۰ به بعد، به‌دلیل تحریم‌های نفتی، روندی کاهشی به خود گرفت.
- هرچند اتکای بودجه به نفت، متناسب با نوسانات قیمت نفت، نوسان داشته، لیکن هرگز چینش نهادی لازم برای استقلال بودجه دولت از منابع نفتی طراحی و پیاده‌سازی نشده است. در شرایط کاهش درآمدهای نفتی، به‌دلیل تلقی موقتی‌بودن کاهش قیمت، از روش‌های کوتاه‌مدت برای جبران کسری

۱. قوانین بودجه سالانه کل کشور و پیوست‌های آن.

۲. «آشنایی با رابطه شرکت ملی نفت و دولت در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، میثم پیله‌فروش.

بودجه استفاده می‌شد (از انتشار اوراق مشارکت ارزی و ریالی گرفته تا ثبت نام حج تمتع و سیم‌کارت موبایل). در زمان‌های افزایش قیمت نفت نیز این درآمدها به اقتصاد کشور سرازیر می‌شد و با پایین نگه‌داشتن نرخ ارز، باعث آسیب‌های جدی به تولیدات داخلی می‌گردید. اما مستقل از شرایط قیمت و بازار نفت، تولید نفت کشور همواره در حداکثر مقدار ممکن صورت می‌گرفت و هیچ‌گونه بهینه‌سازی بین دوره‌ای تولید نفت و نگاه بین‌نسلی به تولید نفت وجود نداشته است.

تحریم صادرات نفت و گاز، منجر به دشوار و پرهزینه‌شدن صادرات نفت گردیده و به دلیل دنباله‌دار بودن این تحریم‌ها، کاهش محسوسی را در تولید نفت خام کشور موجب شده است. براساس گزارشات ماهانه<sup>۱</sup> اوپک<sup>۲</sup> در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ و به نقل از منابع ثانویه<sup>۳</sup> (منابع غیررسمی که در واقع خریداران و دلالان بازار نفت هستند)، تولید نفت خام ایران دارای روند نزولی بوده است و از بیش از ۳/۵ میلیون بشکه در اواخر سال ۲۰۱۱ به حدود ۲/۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۳ رسیده است.

**جدول ۶.** تولید نفت ایران در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ به نقل از منابع ثانویه براساس گزارشات ماهانه اوپک

(ارقام برحسب میلیون بشکه در روز)

Dec	Nov	Oct	Sep	Aug	Jul	Jun	May	Apr	Mar	Feb	Jan	
۳/۰۰۶	۲/۶۸۳	۲/۶۷۸	۲/۶۷۳	۲/۷۲۴	۲/۷۹۷	۲/۹۶۳	۳/۱۵۲	۳/۱۹۳	۳/۳۴۸	۳/۴۱۹	۳/۴۵۶	۲۰۱۲
۲/۷۳۰	۲/۷۱۶	۲/۶۷۹	۲/۶۶۷	۲/۶۸۳	۲/۶۷۵	۲/۶۸۵	۲/۶۴۴	۲/۶۸۲	۲/۶۸۵	۳۰۰۶۲	۳۰۰۰۴	۲۰۱۳
۲/۷۶۵	۲/۷۵۵	۲/۷۵۰	۲/۷۶۵	۲/۷۶۹	۲/۷۵۴	۲/۷۶۲	۲/۷۹۹	۲/۷۸۱	۲/۷۸۵	۳/۴۱۹	۳/۴۵۶	۲۰۱۴

استقلال بودجه کشور از نفت، فرایندی است که می‌بایست تدریجاً صورت گیرد و طی ۱۵ سال اخیر سازوکارهایی به این منظور طراحی شده است. «حساب ذخیره ارزی» نخستین تمهیدی بود که در برنامه سوم توسعه و به منظور میرا کردن نوسانات درآمدهای نفتی و جلوگیری از انتقال این نوسانات به بودجه و درون اقتصاد کشور اندیشیده شد؛ لیکن به دلیل سهولت دسترسی دولت و مجلس به این حساب، این سازوکار در سال‌های بعد اثربخشی خود را تدریجاً از دست داد.

سازوکار دومی که به این منظور طراحی شد و امکان دسترسی دولت و مجلس به درآمدهای نفتی را تا حد قابل قبولی کمتر کرد، «صندوق توسعه ملی» بود که به موجب قانون برنامه پنجم توسعه تشکیل گردید. به موجب ماده ۸۴ این قانون، حداقل ۲۰٪ از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فراورده‌های نفتی) به صورت سالانه به این صندوق واریز می‌گردد. این سهم سالانه به میزان سه درصد افزایش می‌یابد. همچنین ۵۰٪ از مانده حساب ذخیره ارزی در پایان هر سال به این صندوق افزوده می‌شود.

1. oPEC monthly oil market report

2. secondary sources

اکنون زمان مناسبی است برای طراحی سازوکاری که طی آن دولت امکان استفاده از درآمدهای نفتی را به‌عنوان منابع بودجه سالانه نداشته باشد (به‌طور کلی یا حداقل برای بودجه جاری)، و در عوض، سود سالانه حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌گرفته با این درآمدها، به‌عنوان منابع درآمدی دولت در بودجه سالانه لحاظ گردد. نکته بسیار مهم این است که در شرایطی که دولت برای تأمین درآمدهای بودجه، امکان استفاده از درآمدهای نفتی به میزان قبلی را ندارد، میزان مخالفت دستگاه‌های ذی‌نفع حاکمیتی با چنین اصلاحات نهادی و موانع ایجادشده از ناحیه افراد و نهادهای ذی‌نفع، به‌مراتب کمتر از شرایطی است که درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت عاید دولت می‌شود.

## ۵. حوزه نفت و گاز

تحریم‌های حوزه نفت و گاز، از یک‌سو قدیمی‌ترین تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران هستند و از سوی دیگر در سال‌های اخیر با جدیت بسیار به اجرا گذاشته شدند تا هم بر درآمدهای جاری دولت و هم بر درآمدهای آتی آن (که حاصل سرمایه‌گذاری جاری در صنعت نفت و گاز است) تأثیر منفی بگذارند. براین اساس می‌توان انتظار داشت که علاوه بر تأثیرات غیرمستقیم تحریم‌های نفتی بر بودجه دولت، صنعت نفت و گاز نیز به‌طور مستقیم از این تحریم‌ها متأثر شده باشد، و همچون سایر حوزه‌ها، فرصت‌های با ارزشی ناشی از این تحریم‌ها در این حوزه به‌وجود آمده باشد.

### ۱.۵. توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز

ظرفیت پالایشگاهی کشور که در اوایل پیروزی انقلاب حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود، با طرح‌های توسعه‌ای اجراشده تا سال ۷۷، به ۱/۶ میلیون بشکه در روز رسید. از سال ۸۴-۷۷، بنابر سیاست‌های حاکم در وزارت نفت، توسعه پالایشگاه‌ها از دستور کار شرکت نفت خارج شد. اما از سال ۹۲-۸۵ نیز که سیاست‌های وزارت نفت در این خصوص تغییر کرده، ظرفیت پالایشگاهی کشور تنها ۱۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داشته است.<sup>۱</sup>

آنچه غالباً به‌عنوان علت کندی روند توسعه پالایشگاه‌ها مطرح می‌شود، مشکلات تأمین مالی پروژه‌های پالایشی است. هرچند این تحلیل ظاهراً درست است، اما با نگاهی عمیق‌تر همین مشکلات تأمین مالی را نیز می‌توان ریشه‌یابی کرد. عدم سرمایه‌گذاری کافی در پروژه‌های پالایشگاهی ریشه در مشکلات قانونی دارد که مانع از ورود سرمایه کافی (چه از سوی بخش دولتی (شرکت ملی نفت و شرکت ملی پالایش و پخش) و چه از سوی بخش خصوصی) به این حوزه است. در ادامه به دو قاعده معیوب در

۱. یاسر کنعانی «علت توسعه‌نیافتن پالایشگاه‌ها در ایران»، پایگاه تحلیل تبیینی برهان، ۱۳۹۱.

نظامات مالی شرکت ملی نفت که منجر به وضعیت فعلی شده‌اند اشاره می‌گردد:

۱. به موجب قوانین بودجه سالانه کل کشور در سال‌های ۹۰ به بعد، «۱۴/۵٪ از کل ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و مبالغ واریزی نقدی بابت خوراک پالایشگاه‌های داخلی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها» در اختیار شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۲. از سوی دیگر به موجب قانون، شرکت ملی نفت و شرکت ملی پالایش و پخش موظف‌اند نفت و گاز خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های کشور را به قیمت مصوب، که همواره پایین‌تر از قیمت نفت و گاز صادراتی است در اختیار این مجتمع‌ها قرار دهد. برای مثال در لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ این مقدار برابر ۱۸/۵ دلار تعیین شد.<sup>۲</sup>

توجه به دو قانون فوق نشان می‌دهد که در شرایط عادی که محدودیتی در فروش نفت و گاز وجود ندارد، منافع شرکت نفت اقتضا می‌کند که اولاً حداکثر ظرفیت تولید روزانه خود را به کار گیرد (بدون توجه به منافع سایر نسل‌ها و حداکثرسازی درآمد بین‌نسلی حاصل از تولید نفت و گاز)، و ثانیاً حداکثر مقدار ممکن از نفت و گاز استخراج‌شده را صادر کند و تا حد ممکن از فروش نفت به پالایشگاه‌های داخلی امتناع نماید. تنها در این شرایط است که شرکت نفت می‌تواند حداکثر درآمد سالانه را داشته باشد. منابعی که براساس مکانیسم فوق، به طور مستقیم از محل فروش نفت در اختیار شرکت ملی نفت قرار گرفته است، در طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴ حدود ۶۹ میلیارد دلار بوده است.<sup>۳</sup>

در شرایط تحریم که امکان فروش نفت خام وجود ندارد، حتی با وجود قواعد معیوب فعلی، دولت و به طور خاص شرکت نفت برای تأمین درآمد انگیزه خواهد داشت تا از یک سو ورود بخش خصوصی به صنایع پایین‌دستی نفت و گاز را تسهیل کند و از سوی دیگر فروش خوراک به مجتمع‌های پالایشی و پتروشیمی داخلی را افزایش دهد. به این ترتیب تحریم‌ها منجر به رونق صنایع پایین‌دستی نفت و گاز شده و زنجیره ارزش افزوده در این بخش را توسعه می‌دهد که افزایش اشتغال و خصوصاً بکارگیری نیروهای متخصص در این حوزه را به دنبال خواهد داشت.

همچنین در صورت ادامه روند فعلی در محدودیت صادرات نفت، می‌توان به اصلاح قوانین معیوب فوق امیدوار بود، به گونه‌ای که موانع توسعه پالایشگاه‌های داخلی که ریشه در سازوکارهای فروش داخلی شرکت ملی نفت دارد از میان برداشته شده و انگیزه سرمایه‌گذاری در این حوزه افزایش یابد.

۱. جزء الف بند ۱ قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، جزء ۱ بند ۳ قانون بودجه سال ۱۳۹۲، بند الف تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳.

۲. جزء ۳ الف تبصره ۲ لایحه بودجه سال ۱۳۹۳.

۳. میثم پیله‌فروش «آشنایی با رابطه شرکت ملی نفت و دولت در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات برنامه و بودجه.

**۲.۵. ایفای نقش ایران در بازارهای بین‌المللی به‌عنوان عرضه‌کننده فرآورده، به‌جای نفت خام**  
در حال حاضر کشور ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صاحبان ذخایر نفت و گاز و یکی از عرضه‌کنندگان مهم نفت خام در جهان شناخته می‌شود و نقش مهمی در بازار جهانی نفت و گاز دارد. براساس آمار ارائه‌شده از سوی شرکت BP<sup>۱</sup> در ابتدای سال ۲۰۱۴، ایران ۹/۳٪ ذخایر اثبات‌شده، ۴٪ کل تولید نفت خام دنیا، و ۲/۲٪ کل مصرف نفت دنیا را به خود اختصاص داده است.<sup>۲</sup> در حوزه گاز طبیعی نیز در ابتدای سال ۲۰۱۴، ۱۸/۲٪ ذخایر اثبات‌شده، ۴/۹٪ تولید کل گاز طبیعی جهان و همچنین ۴/۸٪ کل مصرف گاز طبیعی در جهان به ایران اختصاص دارد.<sup>۳</sup>

با این حال خام‌فروشی منابع طبیعی مانند نفت از یک سو و محدودبودن خریداران نفت از سوی دیگر باعث شده که اولاً مزیت نسبی کشور در بخش نفت و گاز مورد استفاده قرار نگرفته و زنجیره ارزش افزوده و تولید ثروت و اشتغال ناشی از آن در داخل کشور شکل نگیرد، و ثانیاً قدرت چانه‌زنی کشور در فروش منابع طبیعی کاهش یابد. با وجود سهم تولید ۵/۲ درصدی ایران در بازار نفت خام جهان، ایران در پایان سال ۲۰۱۳، تنها ۲/۱٪ از کل ظرفیت پالایشی دنیا را در اختیار داشته است.<sup>۴</sup>

از آنجا که بازار جهانی فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به‌مراتب گسترده‌تر، متنوع‌تر و رقابتی‌تر از بازار نفت خام است، یک راهبرد مهم مقابله با تحریم‌های نفتی، یک گام به‌پیش‌بردن زنجیره ارزش افزوده در بخش نفت و گاز است. به این معنی که صادرات نفت خام و گاز طبیعی به‌شکل فعلی کاملاً قطع گردد و خام‌ترین محصولات صادراتی کشور در حوزه نفت و گاز، فرآورده‌های نفت و گاز باشد. تحریم‌های اخیر حوزه انرژی ما را مجبور به طی این مسیر کرده‌اند، مسیری که سال‌ها آرزوی سیاست‌گذاران کشور بوده، ولی به‌دلیل قواعد و ساختارهای معیوب محقق نشده بود. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

«امروز به‌خاطر خیانت بعضی از کشورهای تولیدکننده نفت و همدستی‌شان با دزدان غارتگر بین‌المللی، به جان اینکه نفت وسیله‌ای در دست کشورهای تولیدکننده آن برای کسب سود یا استفاده سیاسی و اقتصادی باشد، به‌عکس به‌عنوان وسیله‌ای در دست مصرف‌کنندگان قرار داد. درست مثل جنسی که توی سرش خورده باشد!<sup>۵</sup> در حقیقت نفت در مشت آن‌هاست ... نفت مال ماست، ولی سیاستش در دست دیگران است. چنین سرمایه‌ای مایه دردسر است.<sup>۶</sup>

1. British Petroleum.

2. BP Statistical Review of World Energy, June 2014, pp 6,8,9.

3. BP Statistical Review of World Energy, June 2014, pp 20,22,23.

4. BP Statistical Review of World Energy, June 2014, p 16.

۵. بیانات در دیدار کارگران و معلمان در روز کارگر و هفته معلم، ۱۳/۰۲/۱۳۷۳.

۶. بیانات در جمع زائران امام هشتم، ۱/۰۴/۱۳۷۵.

### ۳.۵. اصلاح سازوکارهای معیوب فروش نفت و گاز

در حال حاضر شرکت ملی نفت، فروش نفت و گاز به شرکت‌های داخلی یا خارجی را در انحصار خود دارد (در واقع چهار شرکت اصلی حوزه نفت و گاز). این امر باعث شده هرگونه فعالیت خصوصی در داخل کشور در صنایع پایین‌دستی حوزه نفت و گاز، متوقف باشد بر تأمین خوراک از جانب شرکت ملی نفت. از طرفی چنانکه اشاره شد، منافع شرکت ملی نفت اقتضای صادرات نفت و گاز را دارد، و نه فروش آن به بخش خصوصی داخلی. در صورتی که این مسائل را در کنار عدم شفافیت موجود در سازوکارهای تعیین قیمت فروش نفت در برخی قراردادهای فروش نفت قرار دهیم، عمق مسئله بیشتر درک خواهد شد.

تحریم نفتی باعث محدود شدن شرکت ملی نفت ایران در فروش نفت گردید. لذا یکی از راهکارهای مقابله با این تحریم‌ها، ورود بخش خصوصی به خرید و فروش نفت خام تشخیص داده شد. به همین منظور در تیرماه سال جاری توافق سه‌جانبه میان بانک مرکزی، وزارت نفت و کنسرسیوم متشکل از صادرکنندگان بخش خصوصی به امضا رسید که به موجب آن ۲۰ تا ۳۰ درصد نفت خام ایران توسط این کنسرسیوم به بازارهای جهانی صادر خواهد شد.<sup>۱</sup> علی‌رغم این توافق و براساس اطلاعات منتشرشده، هنوز سهم بخش خصوصی از تجارت نفت ایران بسیار اندک است که علت این امر را نیز می‌توان منافع شکل‌گرفته در طول سال‌ها انحصار تجارت نفت توسط دولت دانست.

به هر حال یکی از راهبردهای مقابله با تحریم، متنوع‌سازی است و ورود بخش خصوصی منجر به تنوع خریداران و فروشندگان نفت ایران می‌شود. در شرایط تحریمی، هرچند منافع شرکت ملی نفت اقتضای عدم ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام و حفظ انحصار این شرکت را داشت، لیکن شرایط تحریم نظامات انگیزشی را تغییر داد، به گونه‌ای که ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام مفید تشخیص داده شد. در صورت تحقق توافقات صورت‌گرفته در صادرات نفت توسط بخش خصوصی، و همچنین حذف ممنوعیت خرید و فروش نفت خام توسط بخش خصوصی در داخل کشور، علاوه بر آنکه فروش نفت تسهیل شده و تحریم‌ها تا حدی خنثی می‌گردد، از یک سو رانت ناشی از انحصار دولتی در این حوزه از بین می‌رود و از سوی دیگر فعالیت بخش خصوصی در صنایع پالایش و پتروشیمی تسهیل می‌گردد. البته ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام الزاماتی دارد که مهم‌ترین آن‌ها حفظ شفافیت بازار نفت است. راه‌اندازی بورس نفت به‌منظور تضمین شفافیت بازار و کاهش مفاسد احتمالی می‌تواند راهگشا باشد. در واقع بورس نفت از دو جهت زیرساختی حیاتی برای صنعت نفت و به‌طور خاص برای مقابله با تحریم‌های نفتی محسوب می‌شود: نخست برای پیشینه‌کردن قیمت فروش نفت (از طریق افزایش تعداد متقاضیان و ایجاد رقابت میان آنان)، و دوم به‌عنوان زیرساخت لازم برای تأمین مالی پروژه‌های پایین‌دستی نفت.

۱. خبرگزاری مهر ۹۱/۴/۱۷ و خبرگزاری ایسنا ۹۱/۰۴/۱۹.

#### ۴.۵. ابداع و توسعه روش‌های تأمین مالی جدید برای صنایع نفت و گاز

یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع تحریم‌هایی که علیه نظام جمهوری اسلامی به‌کار گرفته شد، تحریم سرمایه‌گذاری، به‌طور خاص در صنعت نفت و گاز بود. نخستین دور جدی تحریم‌ها که در زمان کلینتون به‌تصویب رسید، طرح گیلمن<sup>۱</sup> و داماتو<sup>۲</sup> بود که پس از مدتی در قالب قانون تحریم ایران و لیبی<sup>۳</sup> (ILSA) به‌تصویب رسید. به‌موجب این قوانین، هرگونه همکاری (شامل تأمین مالی، مدیریت پروژه، ضمانت قرارداد، فروش تجهیزات و...) از سوی شرکت‌های امریکایی (و چندی بعد، غیرامریکایی) در توسعه میادین نفتی ایران مشمول تحریم‌هایی از قبیل منع مؤسسات مالی و صادرات و واردات امریکا از اعطای وام به شخص خاصی و منع خرید دولتی از شرکت خاصی می‌شد.

با توجه به وابستگی بودجه دولت و به‌طور کلی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، هدف از تحریم‌های سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز، تضعیف تدریجی صنایع نفت و گاز از طریق ممانعت از بازسازی و توسعه میادین نفتی است. طبیعتاً اثرات این نوع تحریم در بلندمدت (بازه‌ای حدود ده سال) بروز خواهد کرد و با فشارهایی نظیر تحریم بنزین یا تحریم فروش نفت که در دور جدید تحریم‌ها پیگیری می‌شود متفاوت است. این مسئله به‌وضوح نشان می‌دهد صبر مقامات امریکایی در براندازی نظام سیاسی جمهوری اسلامی و امیدواری آن‌ها به اثرگذاری این نوع فشار تدریجی، در سال ۱۹۹۵ بسیار بیش از سال ۲۰۱۲ بوده است.

تحریم‌های سرمایه‌گذاری هرچند در ابتدای تصویب (یعنی سال ۹۵) عملیاتی نشدند، لیکن با تشدید تحریم‌ها در سال‌های پس از ۲۰۱۰، اثرات جدی در خروج شرکت‌های نفتی اروپایی و آسیایی از پروژه‌های نفتی ایران داشته‌اند. این مسئله از یک‌سو باعث اخلال در روند توسعه میادین نفتی ایران شد، اما از سوی دیگر فرصت بسیار مغتنمی است برای اصلاح سازوکارهای تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز. پیش از دور جدید تحریم‌ها، غالب میادین نفتی در قالب قراردادهای بیع متقابل به شرکت‌های خارجی واگذار می‌شد و عملاً شرکت‌های داخلی در حوزه بالادستی نفت و گاز (اکتشاف و استخراج) نقش خاصی نداشتند. همچنین مدل تأمین مالی این پروژه‌ها نیز عموماً فاینانس خارجی بود و حداکثر مشارکت اقتصاد ملی در تأمین مالی این پروژه‌ها، در قالب اوراق مشارکت وزارت نفت انجام می‌شد.

با تشدید تحریم‌ها و خصوصاً جدی‌شدن تحریم‌های سرمایه‌گذاری، عملاً امکان استفاده از فاینانس خارجی از میان رفت و با توجه به نیاز وزارت نفت به جذب منابع مالی برای توسعه میادین، استفاده از سایر روش‌های متداول تأمین مالی و حتی ابداع روش‌های تأمین مالی جدید، در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت. روشی که تاکنون بیشتر بر روی آن تأکید شده، پیش‌فروش نفت و فرآورده‌های نفتی در قالب

1. Benjamin Gilman.

2. Alfonse D'Amato.

3. Iran and Libya sanctions act.

- قراردادهای سلف موازی است که البته هنوز عملیاتی نشده است. روش‌های متعدد دیگری نیز قابل‌پیاده‌سازی در صنعت نفت و گاز هستند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:
۱. تأمین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق فروش سهام پروژه خصوصاً در پروژه‌های پالایشی و پتروشیمی که دارای سود بالا با دوره بازگشت سرمایه اندک هستند.
  ۲. تأمین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق صکوک اجاره و اقسام دیگر صکوک خصوصاً در پروژه‌های پالایش و پتروشیمی.
  ۳. تأمین نقدینگی شرکت‌های دارای مطالبات معوق از دولت، با استفاده از روش‌های انتقال بدهی (مثلاً تسویه بدهی شرکت به وزارت نیرو با مطالبه آن شرکت از وزارت نفت).
  ۴. تأسیس بانک صنعت نفت (یکی از پیش‌نیازهای توسعه یک صنعت خاص، تأسیس بانک مربوطه در آن حوزه است، برای تجهیز و تخصیص منابع در آن صنعت خاص).
  ۵. تأسیس صندوق‌های توسعه فناوری به منظور حمایت‌های تخصصی، مشروط و زمان‌دار از صنایع و فناوری‌های مرتبط با حوزه نفت و گاز.

### نتیجه‌گیری

گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در سال‌های اخیر شدیداً افزایش یافته است، به گونه‌ای که کلیه عرصه‌های تجاری، مالی، انرژی، ترابری، علم و فناوری را شامل گردیده است. این تحریم‌ها از یک سو به دلیل محدودیت‌های فراوان تحمیلی، شرایط دشواری را برای اقتصاد کشور ایجاد کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر به دلیل همین محدودیت‌ها، فرصت‌های بسیار مناسبی برای اصلاحات زیرساختی در اقتصاد کشور به وجود آورده است.

در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی) و مراجعه به اسناد (آمار و اظهارات مدیران کشور)، فرصت‌های به‌وجودآمده ناشی از تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان، در حوزه‌های علم و فناوری، تجارت خارجی، نظام پولی و ارزی، نظام بودجه‌ریزی و نهایتاً بخش نفت و انرژی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها از فرصت‌های حاصله به‌درستی استفاده شده و منجر به اصلاحاتی در اقتصاد ایران شده‌اند، اما در برخی حوزه‌های دیگر هنوز استفاده مناسب از فرصت‌های ناشی از تحریم‌ها نشده است.

اتکا به توان تولید داخل و توسعه صنعت و فناوری بومی، ایجاد شفافیت در بازار ارز و راه‌اندازی شبکه سوئیفت داخلی، کشف منابع درآمدی مغفول برای دولت و اصلاح نظام مالیاتی، و سامان‌دهی هزینه‌کرد

۱. سیدعلی روحانی «فرصت‌های ایجادشده برای اصلاحات اقتصادی در اثر تحریم نفت و گاز»، اولین همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی ۱۳۹۲.



بودجه جاری و عمرانی دولت، از جمله فرصت‌هایی بودند که نسبتاً به‌خوبی مورد استفاده قرار گرفتند. البته هنوز فرصت‌های متعددی که تحریم‌های تحمیلی برای اصلاح اقتصاد ایران فراروی سیاست‌گذاران قرار داده است، به فعلیت نرسیده، که بازمهندسی شرکای تجاری در اقلام اساسی، توسعه روابط ترانزیتی با کشورهای منطقه، استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه در تسویه تجارت خارجی، توسعه صنایع پایین‌دستی و اصلاح سازوکارهای معیوب فروش نفت و گاز از جمله این موارد هستند.

### منابع

- اظهارنظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون «لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن» (بندها و مواد ارجاعی از صحن علنی مجلس و برخی اصلاحات و الحاقات دیگر) (ویرایش دوم) (مخصوص صحن علنی)، شماره مسلسل ۵-۱۲۷۸۶.
- «بررسی اشتغال‌زایی در صنعت حمل و نقل ریلی»، نشریه ترابران، شماره ۹۷، آذر ۸۹.
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۹۲/۵/۱ شورای پول و اعتبار.
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۹۲/۵/۱ شورای پول و اعتبار.
- دستورالعمل اعتبار اسنادی داخلی - ریالی، مصوب ۹۱/۹/۷ شورای پول و اعتبار.
- روحانی، سیدعلی (۱۳۹۲). مقاله «فرصت‌های ایجادشده برای اصلاحات اقتصادی در اثر تحریم نفت و گاز»، اولین همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی.
- سایت بانک مرکزی <http://www.cbi.ir>
- قوانین بودجه سالیانه دولت.
- کتاب *ملزومات افزایش حجم ساخت داخل*، (۱۳۸۹). مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- کتاب *آینده‌پژوهی تحریم، گزارش شماره ۲، دیدبانی تحریم*، (شهریور ۱۳۹۳). مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- گزارش «الزامات تهیه و تصویب بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۹۳»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۳۴۶.
- گزارش «آمار مقدماتی تجارت خارجی برای دوازده ماهه سال‌های ۸۸ تا ۹۲»، گمرک جمهوری اسلامی ایران.
- گزارش «بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۳ کل کشور ۹. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۴۰۱.
- گزارش «بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۲ کل کشور ۶. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۸۶۴.

گزارش «تحلیل اجمالی آمار تجارت خارجی در شش ماهه نخست ۱۳۹۳»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

گزارش «معافیت‌های مالیاتی و سهم آن از کل درآمدهای مالیاتی»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹۸۶.

گزارش تحلیلی «راه‌آهن شمال جنوب، کلید افزایش ترانزیت‌بار» منتشرشده توسط مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «سامان‌دهی طرح‌های عمرانی (ارائه یک الگوی اولیه)» شماره مسلسل ۱۳۷۵۷.

مصاحبه روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان با خبرگزاری ایرنا. کد خبر ۸۰۸۵۵۷۳۵.

مصاحبه سید محمود احمدی دبیرکل بانک مرکزی با خبرگزاری تسنیم.

مصاحبه معاون وزیر نفت با خبرگزاری مهر.

میثم پیله‌فروش، گزارش «آشنایی با رابطه شرکت ملی نفت و دولت در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات برنامه و بودجه.

یادداشت تحلیلی دی‌ماه ۱۳۹۲ شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران «تأثیر نرخ‌های متفاوت خوراک بر میزان سوددهی پتروشیمی‌های گازی».

کنعانی، یاسر (۱۳۹۱). «علت توسعه‌نیافتن پالایشگاه‌ها در ایران»، پایگاه تحلیل تبیینی برهان.

BP Statistical Review of World Energy, June 2014

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2067435>

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/169319>

## جایگاه سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران با محور اقتصاد مقاومتی

شهبلا داور پناه\*، محمدرضا ارسلان\*\*

### چکیده

با توجه به رشد روزافزون جمعیت و افزایش تقاضا برای مواد غذایی و همچنین، با توجه به محدودیت‌های عوامل تولید، براساس مدل‌های رشد درون‌زا، یکی از بهترین راه‌های افزایش عملکرد در هکتار بخش کشاورزی توجه به سرمایه انسانی است. از آنجایی که، اقتصاد مقاومتی در پی مقاومت‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی و تأکید بر ظرفیت‌های اقتصاد داخلی می‌باشد، لذا در شرایط حاضر تأکید بر سرمایه‌های انسانی می‌تواند در نیل به این مهم نقش قابل‌ملاحظه‌ای را داشته باشد. به طوری که شناخت هرچه مناسب‌تر چگونگی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشور و تخصیص مناسب‌تر منابع و امکانات موجود، می‌تواند موجب بهبود و گسترش سرمایه انسانی و در نتیجه افزایش در رشد اقتصادی بگردد. در این مطالعه با استفاده از داده‌های سالانه ۹۰-۱۳۷۰ به بررسی رابطه علی بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی در ایران با استفاده از رابطه علیت گرنجر پرداخته شد. نتایج نشان داد که یک رابطه یک‌طرفه از سرمایه انسانی به رشد اقتصادی وجود دارد. بنابراین، با تربیت افزون‌تر نیروی انسانی موجبات افزایش عرضه نیروی کار متخصص و کارآفرین را می‌توان فراهم آورد. قطعاً این نیروی کار متخصص و آموزش دیده می‌تواند از طریق نوآوری‌ها و بکارگیری بهینه امکانات مادی و مالی کشور موجبات رشد اقتصادی سریع‌تر جامعه را فراهم سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، علیت گرنجر، اقتصاد مقاومتی

### مقدمه

بخش کشاورزی ایران در گذشته نتوانسته است نیازهای کشور را به مواد غذایی و مواد اولیه برای سایر بخش‌ها تأمین کند و در حال حاضر کشور وابستگی زیادی به خارج دارد به همین جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تولید بخش کشاورزی ایران مهم و لازم است. با توجه به اینکه رشد و توسعه اقتصادی از اهداف اولیه و اساسی هر نظام اقتصادی از جمله ایران می‌باشد، بررسی تأثیرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. اکنون این حقیقت مسلم گشته است که تزریق مقادیر متنابهی از

\*davarpanah\_sh@yahoo.com

\*\*M\_arsalanbod@hotmail.com

سرمایه‌های فیزیکی و مادی به کشورهای جهان سوم لزوماً موجب تسریع روند توسعه آن‌ها نشده، بلکه صرفاً کشورهایی که از یک سازمان کارآمد و در عین حال از سرمایه‌های انسانی متخصص برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند سرمایه فیزیکی و مادی را به‌نحو مناسب جذب و در تسریع روند رشد به‌کار گیرند. امروزه در ایران اتکای بیش از اندازه به درآمدهای نفتی و بی‌توجهی به ارتقای کیفیت نیروی کار انسانی از طریق آموزش موجب شده که رشد اقتصادی پایدار در کشور مورد تردید جدی قرار گیرد. چراکه افزایش مداوم تولید و پایداری آن در گروه بهره‌وری نیروی کار و تحول تکنولوژیک امکان‌پذیر است و تنها وسیله رسیدن به این هدف، آموزش‌های مستمر جهت افزایش کارایی و سطح مهارت افراد است. بیشتر اقتصاددانان معتقد هستند که در حقیقت کمبود سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی عامل اصلی نازل بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی که این کشورها آموزش و پرورش، استفاده از علوم و دانش و افزایش سطح مهارت‌های حرفه‌ای شاخص‌های سلامت جامعه را ارتقا نداده‌اند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی می‌ماند و رشد اقتصادی با کندی و هزینه‌های سنگین‌تر صورت می‌گیرد. در مطالعات و بررسی‌هایی که بر روی عوامل به‌وجودآورنده رشد اقتصادی صورت گرفته، کمتر از ۵۰ درصد رشد را به عوامل اصلی تولید (کار، سرمایه، زمین) و بقیه را به عوامل ناشناخته‌ای مانند تغییر تکنولوژی، افزایش بهره‌وری و عامل باقیمانده نسبت داده‌اند و عامل کیفی مؤثر در فرایند تولید، سرمایه انسانی است که قابل تبیین به‌وسیله عامل کار نیست و به‌نظر نمی‌رسد که منبعی غیر از آموزش داشته باشد.

## ادبیات موضوع

هدف از این بخش، بررسی بین رشد اقتصادی<sup>۱</sup> و سرمایه انسانی<sup>۲</sup> است. به همین منظور، به‌طور مختصر به تعریف رشد اقتصادی و سرمایه انسانی پرداخته می‌شود.

رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. اقتصاددانان مدت‌ها بر این عقیده اصرار داشتند که عناصر تشکیل‌دهنده ثروت یک کشور صرفاً سرمایه‌های فیزیکی هستند، ولی در مطالعه‌های که توسط بانک جهانی در ۱۹۲ کشور انجام شد، اعلام شد: «سرمایه فیزیکی به‌طور متوسط تنها ۱۶ درصد سرمایه طبیعی ۲۰ درصد و سرمایه انسانی ۶۴ درصد ثروت یک کشور را تشکیل می‌دهند».

در الگوهای رشد دهه ۱۹۵۰، رشد اقتصادی تنها به میزان و نیروی کار موجود در اقتصاد ربط داده شده و متغیرهایی مانند کیفیت سرمایه انسانی و سلامت نیروی کار در آن‌ها عناصر غیراقتصادی انگاشته می‌شدند. در نظریات اقتصاددانان کلاسیک «انسان» تنها به‌عنوان یکی از نهاده‌های تولید در چرخه تولید

1. economic growth

2. human capital

کالاها و خدمات مورد توجه بوده و در عرض «انباشت سرمایه»، عاملی کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رفته است. همچنین، شولتز<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) پدر نظریه سرمایه انسانی معتقد بود که نقش بهبود کیفیت نیروی کار که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی حاصل می‌شود، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد در تحلیل‌های سنتی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی فراموش شده است. سیمون کوزنتس<sup>۲</sup> برندهٔ جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱ اعتقاد داشت که مفهوم سرمایه که تنها سرمایه فیزیکی و کالایی را شامل می‌شود، مفهومی ناقص و نارساست. لذا، باید سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی هر دو به حساب آیند. در ادامهٔ مطالعات نظری رومر<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) و لوکاس<sup>۴</sup> (۱۹۸۸)، با رویکردی متفاوت از مدل رشد سولو<sup>۵</sup> بر مبنای مفاهیم سرمایه انسانی، سرمایه انسانی را به‌عنوان یک متغیر درون‌زا وارد مدل‌های رشد می‌نماید. بر مبنای این مطالعات نظری، مطالعات تجربی زیادی از جمله بن حبیب واشپگل<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) و برو مارتین<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) در راستای تأیید این مدل‌ها صورت گرفته و نشان داده شده که سرمایه انسانی دارای اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی می‌باشد.

### سرمایه انسانی

سرمایه انسانی، به زبان ساده به هر چیزی غیر از سرمایه فیزیکی از قبیل اموال، تجهیزات و سرمایه مالی گفته می‌شود. در قرن گذشته، سهم سرمایه فیزیکی از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد کشورهای پیشرفته، با افت شدیدی همراه بوده است. در حالی که سهم سرمایه انسانی افزایش یافته است. این افزایش در سهم سرمایه انسانی از تولید ناخالص داخلی موجب پیدایش مفهوم اقتصاد دانشی شده است. اشکال مختلف سرمایه‌ای به‌عنوان نهاده‌ای در نظر گرفته شده است که وارد فرایند تولید کالاها و خدمات می‌شوند. ولی سرمایه انسانی را نمی‌توان همچون یک نهاده ساده در نظر گرفت و نقش پیچیده‌تری در فرایند تولید کالا یا ارائه خدمات دارد. (منزیس، ۲۰۰۳، ۱۳۸) سرمایه انسانی از استعداد ذاتی برخوردار است که می‌تواند هم خود را دگرگون کند و هم به دگرگونی یا تعدیل سایر نهاده‌ها منجر شود و همین ویژگی است که به پویایی همیشگی علم اقتصاد خواهد انجامید. سرمایه انسانی به دانش، تحصیلات، شایستگی‌های کاری و ارزیابی‌های روان‌سنجی اشاره دارد. (کارتیک و باسک، ۲۰۰۶، ۳۸۲) در زمینه رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی مطالعات متعدد داخلی و خارجی صورت پذیرفته است که از این‌گونه مطالعات می‌توان به مطالعات چنگ و هیسو (۱۹۹۷)، هاویت (۱۹۹۸)، کافایی (۲۰۰۷)، راموس و همکاران (۲۰۰۹) به‌عنوان مطالعات خارجی نام برد و همچنین از مطالعات صالحی (۱۳۸۱)، نیلی و

1. Schultz

3. Romer

5. Solow

7. Barrow martin

2. Simon kuznets

4. Lucas

6. Vashpigel

نقیسی (۱۳۸۲)، تقوی و محمدی (۱۳۸۵)، ربیعی (۱۳۸۸)، جوزاریان (۱۳۹۱) به‌عنوان مطالعات داخلی در زمینه نام برد.

### اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. در تعریف اقتصاد مقاومتی باید گفت که اقتصاد مقاومتی، یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و تحریم متعاقباً، تلاش برای مقاوم‌سازی اقتصاد ملی، کنترل و بی‌اثر کردن آن‌ها و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارها و تحریم‌ها به فرصت است. بکارگیری راهبرد اقتصاد مقاومتی، سبب کاهش وابستگی‌ها، تأکید بر روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی بیشتر خواهد شد.

### معرفی متغیرها و تشریح مدل

جهت بررسی وجود یا عدم وجود رابطه علیت میان رشد اقتصادی بخش کشاورزی و سرمایه‌انسانی در ایران از رابطه علیت گرنجر به‌صورت زیر استفاده می‌شود:

$$LGDP_t = \alpha_i + \gamma \sum LGDP_{t-j} + \delta \sum LH_{t-j} + U_{1t} \quad .1$$

$$LH_t = \beta_j + \lambda_i \sum LH_{t-1} + v \sum LGDP_{t-j} + U_{2t} \quad .2$$

LGDP لگاریتم رشد اقتصادی بخش کشاورزی و LH لگاریتم شاخص سرمایه‌انسانی (نسبت موجودی دانشجویان کشاورزی به کل نیروی کار بخش کشاورزی) می‌باشد. همچنین  $\alpha_i$  و  $\beta_j$  عرض از مبدأها،  $\gamma$  ضریب رشد بخش کشاورزی (متغیر وابسته تأخیری)،  $\delta$  ضریب رشد سرمایه‌انسانی (متغیر مستقل داخلی)،  $v$  ضریب رشد بخش کشاورزی (متغیر مستقل تأخیری)،  $\lambda$  ضریب رشد سرمایه‌انسانی (متغیر وابسته تأخیری) و  $U_{1t}$  و  $U_{2t}$  جزء اخلاص دو معادله مدل می‌باشند. اگر مجموع ضرایب سرمایه‌انسانی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی در هر دو رگرسیون از نظر آماری معنی‌دار و متفاوت از صفر باشند، علیت دوطرفه یا یک جریان بازخورد خواهیم داشت. اطلاعات مورد نیاز در بازه زمانی ۱۳۷۰ الی ۱۳۹۰ از طریق مرکز آمار ایران به‌دست آمده است و از طریق نرم‌افزار 7 Eviews تخمین پرداخته شده است.

### نتایج

قبل از برآورد مدل، ابتدا جهت کسب اطمینان از کاذب‌نبودن رگرسیون حاصل، آزمون ریشه واحد و هم‌جمعی مربوط به آن‌ها را انجام داده‌ایم که نتایج حاصل از آزمون دیکی فولر به‌صورت جدول زیر می‌باشد.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

ریشه واحد برای متغیر GDP	T statistic	prob
آزمون دیکی- فولر	-۵/۴۸۹۶	۰/۰۰۰۳
در سطح ۵٪	-۳/۰۲۰۶	

ریشه واحد برای متغیر H	T statistic	prob
آزمون دیکی- فولر	-۵/۶۳۱۸	۰/۰۰۰۲
در سطح ۵٪	-۳/۰۲۹۹	

با توجه به نتایج به دست آمده متغیر GDP (رشد اقتصادی بخش کشاورزی) در سطح ۵٪ ایستا می باشد، ولی متغیر H (شاخص سرمایه انسانی) با یکبار تفاضل گیری در سطح I(1) در سطح معنی داری ۵٪ ایستا می شود. حال با توجه به اینکه متغیر سرمایه انسانی با یکبار تفاضل گیری ایستا شد لازم است که هم انباشتگی متغیرها بررسی شود. جهت بررسی هم جمعی متغیرها از آزمون جوهانسون استفاده شده است که نتایج حاصله به صورت زیر در جدول ۲ ارائه می شود.

جدول ۲. نتایج آزمون جوهانسون

مدل	مقادیر ویژه	H <sub>0</sub>	H <sub>1</sub>	آماره	۵٪
۱	۰/۵۸۱۵	r=0	r=1	۳۲/۰۷۴۱	۱۸/۳۹
	۰/۲۵۲۱	r=1	r=2	۵/۵۱۹۶	۳/۸۴۱۴
۲	۰/۵۸۱۵	r=0	r=1	۱۶/۵۵۴۵	۱۷/۱۴۷
	۰/۲۵۲۱	r=1	r=2	۵/۵۱۹۶	۳/۸۴۱۴

نتایج جدول بالا حاکی از وجود هم انباشتگی یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در سطح معناداری ۵٪ می باشد. حال با توجه به نتایج به دست آمده و با استفاده از روش آزمون علیت گرنجر رابطه علی بین متغیرها را می توان به دست آورد.

جدول ۳. نتایج آزمون علیت گرنجر

فرضیه صفر	آماره F	P-value	نتیجه
H علیت گرنجر GDP نیست.	۷/۷۳۱۰	۰/۰۰۴۴	رد فرض صفر
GDP علیت گرنجر H نیست.	۱/۸۱۶۳	۰/۱۹۵۴	قبول فرض صفر

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود که برای مدل اول فرض صفر مبتنی بر اینکه سرمایه انسانی علیت گرنجر رشد اقتصادی بخش کشاورزی نیست رد می شود یعنی در اقتصاد ایران سرمایه

انسانی علت رشد بخش کشاورزی می‌باشد. برای مدل دوم فرض صفر مبتنی بر اینکه رشد اقتصادی بخش کشاورزی علیت گرنجر سرمایه‌انسانی نیست رد نمی‌شود، یعنی رشد اقتصادی بخش کشاورزی علیت گرنجر رشد سرمایه‌انسانی نمی‌باشد.

### نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران به دلیل تأثیرپذیری از فضای جهانی و نیز توانایی‌هایی که در حوزه‌های مختلف علمی، تجاری، سیاسی و انرژی به دست آورده همواره دستخوش ناملایماتی در روابط بین‌الملل بوده است که اخیراً می‌توان به تحریم‌های اقتصادی در خصوص ایران اشاره کرد. به نظر می‌رسد پیشنهاد طرح مقاومت‌سازی اقتصاد به‌عنوان یک ضرورت بیش از پیش نمایان و ابزاری دفاعی و صیانتی از اقتصاد ایران باشد که می‌تواند در برابر بحران‌های اقتصادی رویکردی فعالانه داشته باشد و در این شرایط موانع را برطرف سازد. با توجه به موارد فوق امروزه سرمایه‌انسانی یکی از عناصر اصلی و تعیین‌کننده در توسعه و رشد اقتصادی کشورها به‌شمار می‌رود. در این میان نیروی کار تحصیل‌کرده از اجزای اصلی سرمایه‌انسانی می‌باشد و آموزش عالی نقش مؤثری در تشکیل آن دارد. آموزش عالی در اقتصاد از سه بعد حائز اهمیت است: ۱. تشکیل سرمایه‌انسانی ۲. بعد مصرفی ۳. فرد تحصیل‌کرده که تأثیر خارجی مثبت نیز در جامعه دارد. با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی که موجب شده به بخش‌های دیگر اقتصادی توجه کمتری شود. در این میان بررسی عوامل تأثیرگذار بر این بخش‌ها به‌ویژه بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. تخصص و مهارت در دنیای مدرن امروزی به‌عنوان یک قدرت و رمزی برای موفقیت محسوب می‌شود. وجود نیروی ماهر و آموزش دیده نه تنها موجب بالارفتن رشد و بهره‌وری کشور می‌شود، بلکه موجب کاهش نابرابری‌های اجتماعی شده و باعث کاهش زیان‌های اجتماعی و در نتیجه باعث افزایش رشد اجتماعی می‌شود. در واقع می‌توان چنین تلقی کرد که هزینه‌هایی که صرف آموزش می‌شود همانند بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری در افق بلندمدت تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی خواهد داشت. حرکت اقتصادی کشور (با تأکید بر اقتصاد مقاومتی) یک جریان اقتصادی فعال برای مقابله با هرگونه بحران و تحریم اقتصادی است که با تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرنمودن آن و تبدیل چنین فشارهایی به فرصت درصدد کاهش وابستگی‌های اقتصادی و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل (مانند سرمایه‌های انسانی) و رسیدن به خوداتکایی، مدیریت منابع مالی و انسانی و فراهم‌نمودن شرایط رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در عرصه‌های جهانی و در برابر شوک‌های اقتصادی است.

## منابع

- آقایی، مجید، مهدیه رضاقلی زاده و فریده باقری (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۷، ص ۴۴-۲۱.
- جوزاریان، فیض‌اله (۱۳۸۸). «بررسی تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران». اولین همایش ملی اقتصاد.
- ربیعی، مهناز (۱۳۸۸). «اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۴۲، ص ۲۶-۱۲۲.
- سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف مرکز آمار ایران.
- صمدی، علی حسین، حسین مرزبان و کوثر اسدیان فلاحیه (۱۳۹۱). «سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران، شماره ۲، ص ۱۷۶-۱۴۵.
- فطرس، محمدحسین و ترکمنی (۱۳۹۱). «توسعه انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره هفتم.
- Asterios, D. & Agiomirgianakis, G.M. (2001), Human capital and economic growth time series evidence from Greece: Journal of policy modeling 23: 481-489.
- Jan, cadil. ludmila petkovova. Dagmar Blatna. (2014), Human capital, Economic Structure and Growth: procedia Economics and finarce 12: 85-92.
- <http://www.Databank.worldbank.org>.
- Karthik, NamasivQyamand Basak Denizei (2006). Human capital in service any anization indentifying value privers. Journal of Intellectual Capital. Vol 7. No 3. PP.381-393.
- Menzies, M. Human (2003), Capital Development Research Journal of Sceince and Tevchnology. Vol. 3, online. [www.elsevier.com](http://www.elsevier.com).



## راهبردهای مالی- پولی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم

در ایران تجربه سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲

بهرروز مرادی\*

### چکیده

تحریم‌های اقتصادی اخیر، کاهش رفاه خانوارهای ایرانی را هدف قرار داده‌اند که از جمله مجاری تحقق این هدف، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها با تورم است. مقاله حاضر با معرفی سازوکار و تجربه ایجاد تکانه‌های تورمی تحریم در سال‌های اخیر (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲) به رشته تحریر درآمده است. در مقاله نشان داده شده است که چگونه ضعف ساختاری بخش مالی، پولی و ارزی اقتصاد ایران سبب آسیب‌پذیری آن از منظر افزایش تورم شده است. سهم بالای منابع نفتی در بودجه عمومی در کنار وابستگی به درآمدهای گمرکی (مالیات بر واردات) سبب شده‌اند که تحریم‌های نفتی کسری منابع عمومی دولت را به همراه داشته باشد. کمالینکه تنگناهای مربوط به وصول و جابه‌جایی ارزهای نفتی، سبب فشار بر اجزای پایه پولی و به‌طور مشخص افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی شده‌اند. روابط فوق سبب افزایش نقدینگی شده‌اند و رشد نقدینگی همراه با جهش ارزی ناشی از کاهش درآمدهای ارزی، عوامل اصلی بروز تکانه‌های تورمی اخیر بوده‌اند. بدین ترتیب راهبرد اساسی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم‌ها در کوتاه‌مدت، مدیریت توأمان بخش مالی، پولی و ارزی و به‌طور مشخص پرهیز از رشد پایه پولی در نتیجه افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است و راهکار اصلی در میان‌مدت و بلندمدت نیز اصلاح ساختار مالی در جهت افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و بازنگری در شیوه اجرای طرح‌های عمرانی به روش‌هایی چون مشارکت دولت و بخش خصوصی و رویکرد خرید خدمات اجتماعی به جای تصدی و تولید مستقیم آن‌ها توسط دولت برای کاستن از بار مالی بخش عمومی است. البته راهبرد اصلی پولی- مالی فوق با اقدامات دیگری چون افزایش شفافیت اطلاعات اقتصادی و اعتلای اشراف اطلاعاتی سیاست‌گذاران، می‌تواند به مقاومت بخش‌های مالی- پولی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی کمک مؤثری کند، که در مقاله حاضر، ضمن بررسی تجربه عملی سال ۱۳۹۱، به آن پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** راهبرد مالی- پولی، تورم، اقتصاد مقاومتی، تحریم ایران

\* معاون سابق برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، behruz.moradiiii@gmail.com

## ۱. مقدمه

تورم دارای ابعاد گوناگون و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، نامطلوب است. در تعریفی ساده، متداول و مورد قبول اکثر اقتصاددانان، تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. کاهش قدرت خرید و رفاه مردم، نوسان و نااطمینانی در سرمایه‌گذاری، کاهش تولید و افزایش نابرابری درآمد و ثروت در جامعه از پیامدهای آن است. صرف نظر از جنبه اقتصادی، تورم دارای آثار و ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای نیز می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی نیز به‌دنبال اعمال فشار بر جامعه و مردم، به‌ویژه از طریق تورم هستند. اما چه سازوکاری سبب ایجاد یا افزایش تورم پس از وضع تحریم‌ها می‌شوند؟ ساختارهای کلان اقتصادی به‌ویژه بخش‌های مالی، پولی و حتی تجاری، چه کارکرد و نقشی در تقویت تکانه‌های تورمی دارند؟ یافته‌های مرتبط با تجربه تحریم‌های اخیر علیه اقتصاد ایران کدام‌اند؟ و سرانجام اینکه چگونه از این یافته‌ها و تجربه‌ها می‌توان برای ایجاد یک ساختار مقاوم‌تر پولی و مالی برای کاهش آثار تورمی تحریم‌ها بهره گرفت؟

موضوع مقاله حاضر، پرداختن به سؤال‌های فوق است. در بخش بعدی مقاله، نظریات تورم مرور می‌شود و مطالعات تجربی تورم در چارچوب فوق با مقصود شناخت عوامل مؤثر بر تورم در ایران بررسی می‌شوند. گام بعدی در مقاله ارائه یک چارچوب مفهومی برای ایجاد نظم و تدقیق در شناخت سازوکار اثرگذاری تحریم‌ها بر تورم است. بدین منظور نیاز است که ابعاد کلان تحریم‌های اخیر معرفی شوند و با در نظر داشتن مبانی نظری تورم، چارچوب مورد نظر استخراج شوند. مرور وقایع مشاهده‌شده آثار تورمی تحریم بر مبنای چارچوب مفهومی، بسیار آموزنده خواهد بود. مطالعه تجربه سیاست‌گذاری مالی-پولی تکانه‌های تورمی سال ۱۳۹۱، مکمل گام‌های فوق است، لذا معرفی اقدامات مالی-پولی در راستای پیش‌بینی آثار تورمی و کاهش آن، بخش بعدی مقاله است. در پی آن یافته‌ها و توصیه‌هایی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم ارائه می‌شوند.<sup>۱</sup>

## ۲. مرور مبانی نظری تورم

مکاتب اقتصادی مختلف عوامل متعددی را ریشه تورم دانسته‌اند. اقتصاددانان کلاسیک با طرح تئوری مقداری پول و با فرض عملکرد اقتصاد در سطح اشتغال کامل، افزایش حجم پول و نقدینگی را عامل اصلی رشد سطح عمومی قیمت‌ها عنوان کرده‌اند. برخی دیگر، مانند فون وایزر<sup>۲</sup> (مکتب مارژینالیسم) در

۱. شایان ذکر است بخش قابل توجهی از این مقاله به تجربه عملی نگارنده به‌عنوان معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰، یعنی دوره اوج‌گیری تحریم‌های اخیر برمی‌گردد، لذا از سوابق، گزارشات، مطالعات و تلاش‌های انجام‌گرفته، به‌ویژه در معاونت یادشده و همین‌طور وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی استفاده شده است.

2. Von Wieser

نظریه درآمدی خود، اگرچه تأثیر مستقیم عرضه پول بر تورم را تأیید کردند، ولی اظهار داشتند که تحول سطح عمومی قیمت‌ها هم‌سو با تغییرات حجم پول است، ولی همواره متناسب با آن نیست. کینز در نظریه تعادل عمومی خود مطرح می‌کند که تعادل اقتصاد همیشه منطبق با اشتغال کامل عوامل تولید نیست و امکان تعادل در وضعیتی خارج از موقعیت اشتغال کامل هم وجود دارد. در چنین شرایطی تقاضای مؤثر، میزان تولید حقیقی را تعیین می‌کند و تعادل زمانی ایجاد می‌شود که حجم تولید منطبق با مخارج کل باشد. در نظریه کینز، اضافه تقاضا ممکن است در کنار افزایش تولید و اشتغال، تورم را نیز بالا ببرد.

پولیون<sup>۱</sup> و به‌ویژه فریدمن معتقدند که تورم در بلندمدت پدیده‌ای پولی است و تورم ناشی از رشد عرضه اسمی پول است. طبق نظریه این مکتب تغییرات در عرضه پول در بلندمدت نمی‌تواند بر متغیرهای حقیقی اقتصاد مثل تولید، اشتغال و دستمزدهای واقعی تأثیری داشته باشد و تنها متغیرهای اسمی مثل سطح عمومی قیمت‌ها، دستمزدهای اسمی و نرخ بهره اسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظریه انتظارات تطبیقی<sup>۲</sup> بیان می‌کند که چنانچه عوامل اقتصادی بتوانند افزایش حجم پول در آینده را پیش‌بینی کنند، افزایش عرضه پول حتی در کوتاه‌مدت نیز تنها موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تشدید تورم می‌شود و بر بخش حقیقی تأثیری ندارد.

پس از آن، نظریه انتظارات عقلایی<sup>۳</sup> توسط پیروان مکتب نئوکلاسیک مطرح شد. این نظریه بیان می‌کند که عوامل اقتصادی در پیش‌بینی‌های خود دچار اشتباهات منظم نمی‌شوند و این اشتباهات را به راحتی کشف و آن را تصحیح می‌کنند. طبق این نظریه، افزایش ناگهانی عرضه پول، حداکثر یکبار می‌تواند اقتصاد را در کوتاه‌مدت تحریک کند و پس از آن عوامل اقتصادی، الگوی رفتاری سیاست‌گذار پولی را پیش‌بینی می‌کنند و متناسب با آن عکس‌العمل نشان می‌دهند.

در کنار دیدگاه‌های فوق، دیدگاه ساختارگرایان (امریکای لاتین) وجود دارد که دلایل ایجاد تورم را محدود به موارد بالا نمی‌داند، بلکه معتقد است هر نوع تنگنایی که هزینه تولید را افزایش دهد و یا هر مشکل ساختاری مزمن اعم از فرهنگی، اقتصادی و غیره که فعالیت‌های تولیدی را به حالت انحصاری نزدیک کند و سازوکار واقعی اقتصاد را مختل کند، می‌تواند بر تولید و قیمت کالاها اثرگذار باشد. در نتیجه براساس این دیدگاه درمان اصولی تورم نیز به تغییر در ساختارهای اقتصادی و سیستم تولید و توزیع درآمد در جامعه وابسته است.

در یک دسته‌بندی، نظریات مربوط به تورم در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

1. monetarists  
3. rational expectaions

2. adaptive expectations

## ۱.۲. نظریه تورم فشار تقاضا

بر مبنای نظریه تورم فشار تقاضا<sup>۱</sup> علت بروز تورم، افزایش تقاضای کل است. جان مینارد کینز، درباره سازوکار ایجاد تورم این طور استدلال می‌کند که اگر تقاضا برای کالاهای مصرفی بیش از عرضه آنها باشد، این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد کرده و قیمت‌ها تا زمانی که این شکاف پر شود افزایش می‌یابند. طبق نظر کینز در شرایطی که اقتصاد در اشتغال کامل باشد، افزایش تقاضای مؤثر منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود. نظریه‌های پولی از جمله نظریه مقداری پول و نظریه جدید مقداری پول در چارچوب دو ایده انتظارات تطبیقی و عقلایی، طرف تقاضا را عامل مؤثر در بروز تورم می‌دانند. هر دو الگوی شکاف تورمی کینز و الگوی نظریه مقداری پول کلاسیک‌ها بر تأثیر طرف تقاضای اقتصاد بر تورم تأکید دارند، اما تفاوت آنها در این است که کلاسیک‌ها و پولیون معتقدند اضافه تقاضا در بازار کالا، تنها از اضافه عرضه در بازار پول ناشی می‌شود، حال آنکه کینز معتقد است فزونی تقاضا بر عرضه تنها مربوط به وجود مازاد عرضه پول نیست و می‌تواند از بخش‌های حقیقی اقتصاد نشأت گرفته باشد.

در چارچوب نظریه فشار تقاضا مهم‌ترین عامل افزایش تقاضا اعمال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی است. این دو عامل به ترتیب اثر خود را بر نرخ رشد نقدینگی و تقاضا برای کالاها و خدمات نشان می‌دهند.

## ۲.۲. نظریه تورم ناشی از فشار هزینه<sup>۲</sup>

برخلاف مکتب پولی و مکتب کینز که مازاد تقاضای کل نسبت به عرضه کل در شرایط اشتغال کامل را منشأ تورم می‌دانند، در نظریه تورمی ناشی از فشار هزینه عدم تعادل‌های بخش عرضه اقتصاد و به‌ویژه افزایش هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه کل، علت اصلی افزایش قیمت‌ها قلمداد می‌شود. علت مطرح شدن نظریه فشار هزینه این بود که نظریه فشار تقاضا قادر به توضیح رکود توأم با تورم نبود. براساس نظریه فشار هزینه، این شرایط معلول افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل، ناشی از افزایش دستمزدها و یا افزایش قیمت مواد اولیه است. تورم ناشی از فشار هزینه در عمل دو نوع اثر را بر اقتصاد تحمیل می‌کند، اثر اولیه این تکانه ناشی از تأثیرات مستقیم رشد قیمت نهاده‌های تولیدی است که عرضه کل اقتصاد را در جهت کاهش تولید قرار می‌دهد و اثر ثانویه ناشی از افزایش زنجیره‌وار قیمت کالاهای تولیدی است که از آنها به‌عنوان کالاهای واسطه‌ای و یا مواد اولیه استفاده می‌شود. تبعات اثر اولیه از طریق کاهش اشتغال و به تبع آن کاهش تولید خواهد بود و شکل‌گیری اثرات ثانویه تورم ناشی از فشار هزینه، کاهش درآمد ناشی از رشد پایین تولید و اشتغال و نیز کاهش مانده حقیقی پول ناشی از افزایش قیمت‌ها است که می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را از دو جهت تحت تأثیر قرار دهد.

1. demand push

2. cost push

نکته مورد توجه در دیدگاه‌های تورم طرف تقاضا و تورم طرف هزینه، بر تفاوت میان جهت علیت تورم و پول است. به نحوی که در تورم ناشی از فشار تقاضا، جهت علیت از ناحیه پولی بر تورم تأثیرگذار است و موجبات رشد سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم می‌سازد. در حالی که در نگرش تورم ناشی از فشار هزینه، عامل تورم، افزایش قیمت عوامل و نهاده‌های به کاررفته در فرایند تولید است که باعث می‌شود پول بیشتری جهت انجام معاملات اقتصادی مورد نیاز باشد. عوامل متعددی می‌توانند منجر به افزایش هزینه‌های تولید در اقتصاد شوند. به طور مثال، در شرایط تحریم‌های اقتصادی، موانع ایجادشده بر سر راه تولید، به افزایش هزینه‌ها دامن می‌زنند.

### ۳.۲. نظریه تورم ساختاری

هرچند نظریه واحدی تحت عنوان نظریه تورم ساختاری وجود ندارد، اما در کل می‌توان گفت تورم ساختاری بدان معنی است که به دلیل وضعیت مربوط به ساختارهای نامتوازن اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست، تورم بروز کرده و تداوم می‌یابد. در این نظریه، یک توضیح ساده فشار تقاضا یا فشار هزینه ندارد، بلکه عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. تورم ساختاری عمدتاً خاص کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است، در این کشورها، فشارهای تورمی به علت فشار رشد اقتصادی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نامتجانس و توسعه‌نیافته می‌باشد. (سلطانی و لشکری، ۱۳۹۰)

### ۳. عوامل مؤثر بر تورم در مطالعات تجربی اقتصاد ایران

مطالعات متعددی در اقتصاد ایران در مورد تورم صورت گرفته است که با توجه به دوره‌های زمانی مورد بررسی و روش بررسی موضوع، نتایج متفاوتی به دست آمده است. محور اصلی عمده این مطالعات بررسی اثر نرخ رشد نقدینگی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تقاضا بر تورم بوده است. نتایج برخی از این مطالعات به طور خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه نتایج برخی مطالعات صورت گرفته با موضوع تورم در اقتصاد ایران

ردیف	مطالعه	دوره مطالعه	متغیرهای توضیحی مدل	نتایج
۱	نبیلی	۱۳۳۸-۱۳۶۲	نرخ رشد نقدینگی، نرخ رشد تولید	تورم یک پدیده پولی است و اثر نقدینگی بر تورم بسیار شدید است. (ضریب نقدینگی ۱/۲ درصد)
۲	ایکانی		رشد نقدینگی	اثر افزایش نقدینگی بر تورم بسیار محدود است. (ضریب نقدینگی ۰/۱)
۳	دادخواه	۱۹۷۰-۱۹۸۰	رشد نقدینگی، رشد تولید	تئوری پولی تورم در ایران کاربرد دارد

## ادامهٔ جدول ۱.

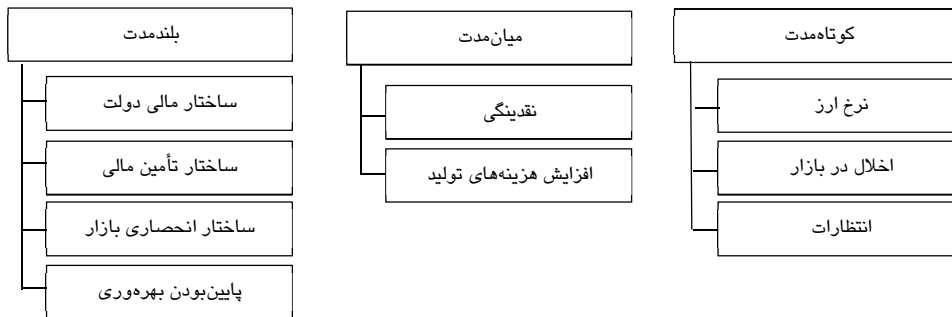
ردیف	مطالعه	دورهٔ مطالعه	متغیرهای توضیحی مدل	نتایج
۴	طیبیان و سوری	دو دوره قبل و بعد از انقلاب	تولید، نقدینگی	تولید و نقدینگی از متغیرهای مهم اثرگذار بر تورم هستند، ضمن اینکه حساسیت تورم به پول بعد از انقلاب بیشتر شده است. (ضریب نقدینگی ۰/۵۲۱)
۵	داودی		نقدینگی، نرخ ارز	تورم یک پدیده پولی است و نوسانات نرخ ارز اثر معناداری بر تورم دارد. (ضریب نقدینگی ۰/۹۵ و ضریب نرخ ارز ۰/۳۶۱)
۶	جلالی نائینی		نرخ رشد پایه پولی، نرخ ارز، نرخ رشد تولید بدون نفت	تورم یک پدیده پولی است و نقدینگی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تورم است. (ضریب نرخ ارز ۰/۱۵)
۷	افشین‌نیا	۱۳۳۸-۱۳۷۶	نقدینگی و وقفه‌های قیمت	حجم نقدینگی متغیر بسیار مهمی در تشریح تورم است و مقامات پولی برای کنترل تورم در آینده می‌توانند از سیاست پولی در حال حاضر استفاده کنند. (ضریب نقدینگی ۰/۴۸)
۸	نظیفی	۱۳۳۸-۱۳۷۷	نقدینگی، قیمت کالاهای خارجی و نرخ ارز	حجم نقدینگی عامل مهم اثرگذار بر تورم است، همچنین قیمت کالاهای خارجی و نرخ ارز بسیار مهم هستند. (ضریب نقدینگی ۰/۷۱)
۹	کازرونی و اصغری		نقدینگی	تورم یک پدیدهٔ پولی است و حتی رابطهٔ یک‌به‌یک بین تورم و نقدینگی وجود دارد.
۱۰	بانک مرکزی		نقدینگی، نرخ ارز، نرخ رشد تولید	تورم
۱۱	طیب‌نیا	۱۳۴۰-۱۳۷۰	نرخ رشد نقدینگی، نرخ رشد تولید	وجود رابطهٔ بین تورم و نقدینگی تأیید می‌شود، ولی رابطهٔ یک‌به‌یک تأیید نمی‌شود. (ضریب نقدینگی ۰/۲۱۶)
۱۲	اسکولی	۱۹۵۹-۱۹۹۰	رشد نقدینگی، نرخ ارز	تورم یک پدیدهٔ پولی نیست، تولید و نرخ ارز از عوامل بسیار مهم مؤثر بر تورم هستند. (ضریب نقدینگی ۰/۵۱ و ضریب نرخ ارز ۰/۲۶)
۱۳	تشکینی	۱۳۳۸-۱۳۸۰	نقدینگی، شاخص بهای کالاهای وارداتی، تولید کل	تورم پدیده‌ای پولی نیست و متغیرهای حقیقی همچون تولید، نرخ ارز و قیمت کالاهای وارداتی در تشریح تورم بسیار مهم‌اند. (ضریب نقدینگی ۰/۳۶ و ضریب نرخ ارز ۰/۱۶)

مأخذ: گزارش تحولات شاخص‌های قیمت

۱. عدم وجود ضریب نقدینگی برای برخی مطالعات به دلیل شکل تبعی خاص مدل و استفاده از روش‌هایی است که ضریب مشخصی برای نقدینگی ارائه نکرده است.

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در مطالعات مختلف، عوامل متعددی بر تورم در ایران مؤثر تشخیص داده شده‌اند.

در یک دسته‌بندی براساس افق زمانی، عوامل مؤثر بر تورم در چارچوب نمودار ۱ گروه‌بندی شده‌اند.



**نمودار ۱.** عوامل مؤثر بر تورم از منظر مطالعات تجربی در ایران  
مأخذ: گزارش اقتصاد ایران همراه با تحریم

#### ۴. شناخت ابعاد تحریم‌های اقتصادی و ارائه چارچوب مفهومی اثرگذاری تحریم بر تورم در ایران

در طول تاریخ، نمونه‌های متعددی از تحریم‌های اقتصادی را با اهداف متفاوت می‌توان یافت. هنری بنین و رابرت گلیپین تحریم را دستکاری در روابط اقتصادی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند. به‌واقع تحریم‌کنندگان به‌منظور ناگزیر کردن جامعه هدف به تغییر سیاست یا حکومت، آن را تنبیه اقتصادی می‌کنند.

به‌عبارت‌دیگر در بسیاری از موارد می‌توان تحریم‌ها را جایگزین جنگ‌های نظامی و چه‌بسا مؤثرتر از آن در تأمین اهداف کشور مهاجم دانست.

اولین تجربه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در تاریخ معاصر به اقدام انگلستان در تحریم مالی و نفتی کشور پس از جنبش ملی‌شدن صنعت نفت در نیمه اول دهه ۱۳۳۰ برمی‌گردد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اقتصاد ایران همواره با تحریم‌های اقتصادی ازسوی کشورهای غربی روبه‌رو بوده است. اگرچه تحریم‌های اقتصادی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره دامن‌گیر کشور بوده‌اند، اما دامنه، تنوع و عمق آن‌ها در سال‌های اخیر، به‌مراتب گسترده‌تر بوده است. تحریم‌هایی که در گذشته وضع می‌شدند، عمدتاً بر اعمال محدودیت‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و علم و فناوری متمرکز بودند، اما تحریم‌های اخیر ضمن تشدید تحریم‌های گذشته،

بخش‌های مهم مالی، نفت و اشخاص حقیقی و حقوقی کشور را هدف قرار دادند. ناگفته پیداست که تحریم بخش‌های مالی و نفت کشور از طریق سازوکارهای متفاوت بر ساختار اقتصاد کلان تأثیرات منفی می‌گذارد. در این بخش از مقاله تلاش بر این است که ضمن معرفی و شناخت ابعاد کلان اقتصادی تحریم‌های اخیر علیه کشور، به بررسی سازوکارهای اثرگذاری تحریم بر تورم در اقتصاد ایران بپردازیم.

#### ۱.۴. معرفی ابعاد اقتصادی تحریم‌های اخیر علیه ایران

با نگاهی به روند کلیه تحریم‌های وضع‌شده از سوی غرب علیه کشورمان، می‌توان ۵ مرحله یا موج تحریمی عمده را ملاحظه کرد:

**فاز نخست؛ تحریم‌های تکنولوژیک و سرمایه‌گذاری:** این فاز از تحریم‌ها عمدتاً با هدف محدود کردن توان نظامی ایران و جلوگیری از ظرفیت‌سازی تولید به خصوص در صنعت نفت و گاز کشور وضع شد. **فاز دوم؛ محدودسازی نقل و انتقالات مالی:** این تحریم‌ها که تصویب آن‌ها از سال ۲۰۱۰ آغاز شد، با هدف جلوگیری از ورود درآمدهای ارزی به چرخه تجاری کشور و کاهش توان مبادلات تجاری ایران وضع گردید.

**فاز سوم؛ تحریم بانک مرکزی:** در این فاز از تحریم‌ها که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و با مشارکت اتحادیه اروپا و ایالات متحد آمریکا تدوین شد، جلوگیری از دسترسی بانک مرکزی به ذخایر درآمدهای ارزی، اختلال در پشتوانه پولی کشور و محدودیت هرچه بیشتر جریان تجارت خارجی و به‌طور کلی، آسیب جدی به اقتصاد ایران، اهداف اصلی غرب را تشکیل می‌داد. این اقدام منجر به کاهش قدرت بانک مرکزی در تنظیم بازار ارز شد.

**فاز چهارم؛ تحریم‌های خرید نفت و گاز:** این فاز از تحریم‌ها که به موازات فاز پیشین وضع شد، کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران و به تبع آن، تخریب متغیرهای کلیدی اقتصادی کشور، نظیر ارزش ریال، بودجه دولت، تجارت خارجی را هدف قرار داده است. تحریم نفتی را باید یک گام مهم برای اقدام به تحریم‌های تجاری تلقی کرد. البته ممنوعیت‌های بیمه‌ای و محدودیت‌های لجستیک چون حمل و نقل نفت از اقدامات تحریمی دیگر محسوب می‌شوند.

**فاز پنجم؛ ممنوعیت مبادلات فلزات گران‌بها و طلا و مسدودسازی وجوه:** در این فاز از تحریم‌ها که توسط اتحادیه اروپا در اواخر سال ۲۰۱۲ و کنگره آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۳ به تصویب رسید، تلاش شده تا امکان استفاده از درآمدهای ارزی انباشته‌شده ایران در کشورهای دیگر محدود شود و فشارها در بخش صنایع مادر ایران گسترده‌تر شود.

دو ویژگی تحریم‌های اخیر، «هوشمندبودن» و «پویابودن» آن‌ها است. هوشمندبودن تحریم‌های بر

دو ویژگی زیر تأکید دارد:

- حداکثرسازی اثرات منفی و بازدارنده بر اقتصاد ایران و حداقل نمودن آثار معکوس بر اقتصاد کشورهای تحریم‌کننده.
- تشکیل کمیتهٔ رصد یا پایش و اتخاذ تدابیر برای مقابله با ابتکارات ایران برای دورزدن تحریم‌ها. خصیصهٔ دیگر دور جدید تحریم‌ها «پویایی» آن است. پویایی تحریم‌ها بر سه ویژگی زیر تأکید دارد:
- امکان اعمال محدودیت‌های فراقطعنامه‌ای و فراسرزمینی از سوی کلیهٔ کشورها.
- اختیارات ویژهٔ رئیس‌جمهور ایالات متحد در اعمال تحریم‌ها بدون نیاز به مجوز مجلس سنا.
- الزام کلیهٔ اشخاص، شرکت‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی به اعمال تحریم‌ها علیه کشور.

#### ۲.۴. سازوکارهای اثرگذاری تحریم بر تورم در اقتصاد ایران (ارائهٔ چارچوب مفهومی)

در بخش قبل دیدیم که تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان بر سه بخش تجاری، خدمات مالی و فروش نفت تمرکز دارند. در این بخش سازوکار اثرگذاری این تحریم‌ها بر تورم در اقتصاد ایران را از دو طریق افزایش تقاضا و کاهش عرضه (افزایش هزینه‌ها) تشریح خواهیم کرد.

#### ۱.۲.۴. سازوکار فشار تقاضا

با توجه به اهمیت دو بخش مالی (بودجهٔ عمومی) و پولی در تعیین تقاضای کل، اثرات تحریم‌های اقتصادی بر این دو بخش در ادامه آمده است.

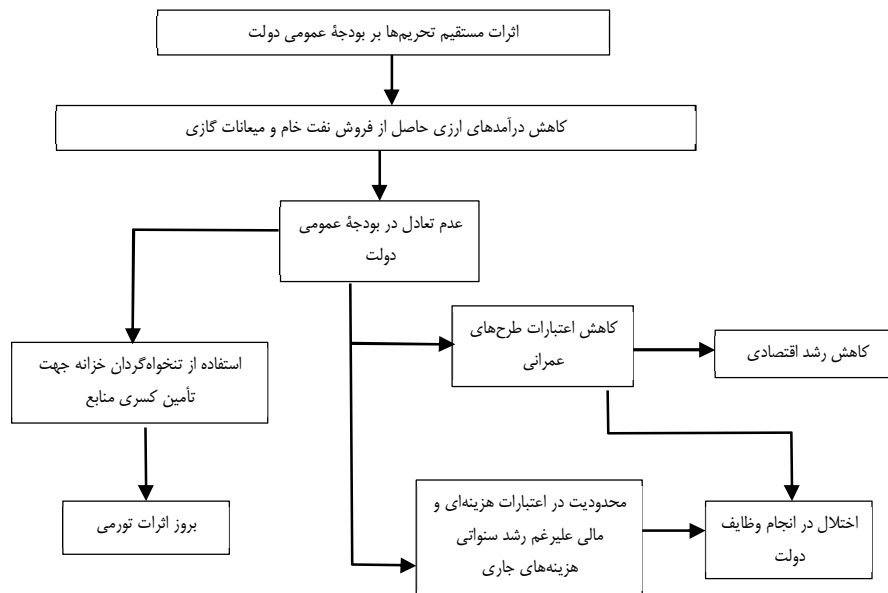
#### ۱.۱.۲.۴. بخش مالی؛ بودجهٔ عمومی و تراز منابع و مصارف دولت

با توجه به سهم بالای درآمدهای نفتی در تأمین اعتبارات جاری و عمرانی دولت، بودجهٔ عمومی دولت نخستین و در عین حال مهم‌ترین حوزهٔ تأثیرپذیر از اعمال تحریم‌های نفتی و مالی بین‌المللی است. نحوهٔ اثرپذیری بودجهٔ عمومی دولت از تحریم‌های بین‌المللی، در نمودار ۲ نشان داده شده است. با توجه به وابستگی منابع عمومی دولت به صادرات نفت خام و میعانات گازی، اولین اثرگذاری تحریم‌ها در این بخش است، به‌نحوی که با کاهش منابع ارزی حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی، کسری بودجه و به تبع آن اختلالات اساسی در تأمین منابع عمومی دولت ایجاد می‌گردد. مع‌الوصف، با توجه به چسبندگی اعتبارات هزینه‌ای، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نکتهٔ حائز اهمیت این است که کاهش منابع عمومی دولت سه پیامد عمده، یعنی کاهش رشد اقتصادی، اختلال در انجام وظایف حاکمیتی دولت و اثرات تورمی ناشی از عدم امکان تسویه حساب تنخواه‌گردان دریافتی خزانه از بانک مرکزی و افزایش احتمال رشد نقدینگی را در پی دارد.

یک نکته حائز اهمیت دیگر در راستای اثر تحریم بر تنگنای مالی دولت و از این طریق بر رشد پایه پولی و در نتیجه بالارفتن نقدینگی و تورم، به رابطه دولت و بانک مرکزی در تبدیل (فروش) ارزهای نفتی برمی‌گردد. به عبارتی چنانچه بنا به دلایل تحریم، امکان فروش ارزهای نفتی از سوی بانک مرکزی در بازار ارز فراهم نشود و لاجرم بانک مرکزی خود ارزهای نفتی را خریداری کند، این امر منجر به افزایش جزء خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (NFA) در پایه پولی می‌شود که کارکرد چاپ پول برای تأمین مالی دولت و در نتیجه رشد پایه پولی را به خود می‌گیرد. به‌واقع کسری بودجه به شکل پولی تأمین می‌شود. به این امر در بخش پولی نیز پرداخته می‌شود.

#### ۲.۱.۲.۴. بخش پولی

تحریم‌های اقتصادی اخیر، به‌طور خاص نظام پولی و مالی کشور را هدف قرار دادند. از این رو بدیهی است که بخش پولی کشور از مجاری مختلف تحت تأثیر این تحریم‌ها قرار بگیرند. اصلی‌ترین تأثیر منفی تحریم‌های بر اقتصاد ایران، رشد پایه پولی و رشد نقدینگی از طریق محدودیت‌های بودجه دولت، محدودیت‌های تجارت خارجی و عدم تعادل در منابع و مصارف بانک‌ها و اضافه برداشت آن‌ها از بانک مرکزی بوده است. اهمیت بررسی بخش پولی در این است که محدودیت‌های مالی دولت تا زمانی که بر بخش پولی و رشد نقدینگی تأثیر نگذاشته باشد، نمی‌تواند به‌طور مداوم به‌شتاب گرفتن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، دامن بزند.



#### نمودار ۲. سازوکار اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر بودجه عمومی دولت

مأخذ: گزارش اقتصاد ایران همراه با تحریم



تحریم‌های اقتصادی از مجاری مختلف می‌تواند موجب افزایش پایه پولی شود. بخشی از این سازوکارها مربوط به تعهدات دولت و بخشی دیگر مربوط به تعهدات بانک‌های دولتی و بخش خصوصی است. همان‌طور که در بخش قبل گفته شده، در اثر تحریم‌های اقتصادی و کاهش درآمدهای دولت، به دلیل عدم توانایی آن در تسویه تنخواه خزانه، بدهی دولت به بانک مرکزی افزایش می‌یابد.

همچنین دولت در راستای تأمین نیازهای مالی خود به ناچار بدهی خود به بخش بانکی را نیز افزایش می‌دهد. این اقدام اگرچه به منظور جلوگیری از اثرگذاری شدید تحریم‌ها بر بخش واقعی اقتصاد صورت می‌گیرد، اما هم موجب افزایش پایه پولی و هم موجب محروم شدن بخش خصوصی از منابع بخش بانکی و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید در کشور شده است. بنابراین از هر دو طریق افزایش تقاضا و کاهش عرضه به افزایش تورم دامن می‌زند.

گفته شد که یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌های تحریم‌های اخیر، ممانعت از ورود درآمدهای ارزی به چرخه تجاری کشور است. در صورتی که بانک مرکزی ارزهای حاصل از فروش نفت و میعانات گازی را از دولت خریداری کرده و معادل ریالی آن را به دولت پرداخت کند، اما به دلیل عدم دسترسی به این منابع، امکان فروش آن به سایرین چون تجار و مردم را نداشته باشد، جزء خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش می‌یابد و به دلیل سهم گسترده این جزء در پایه پولی، باعث افزایش پایه پولی و با ضریبی حدود پنج برابر تبدیل به نقدینگی می‌شود.

در شرایط تحریمی، به منظور حصول اطمینان از ذخیره کالاهای اساسی و همچنین وجود شرایط دشوار برای بخش خصوصی در تأمین این کالاها به دلایلی چون عدم استفاده از رویه‌های متداول بانکی چون اعتبار فروشنده که به نوعی تسهیلات خارجی کوتاه مدت برای تجار محسوب می‌شود، دولت از طریق شرکت‌های تابعه خود، مجبور به تصدی‌گری در این امور می‌شود و از آنجا که به دلایل ذکر شده، با محدودیت‌های مالی مواجه است، این کار را از طریق اخذ خط اعتباری از بانک مرکزی برای شرکت‌های دولتی انجام می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش بدهی آن‌ها به بانک مرکزی می‌شود.

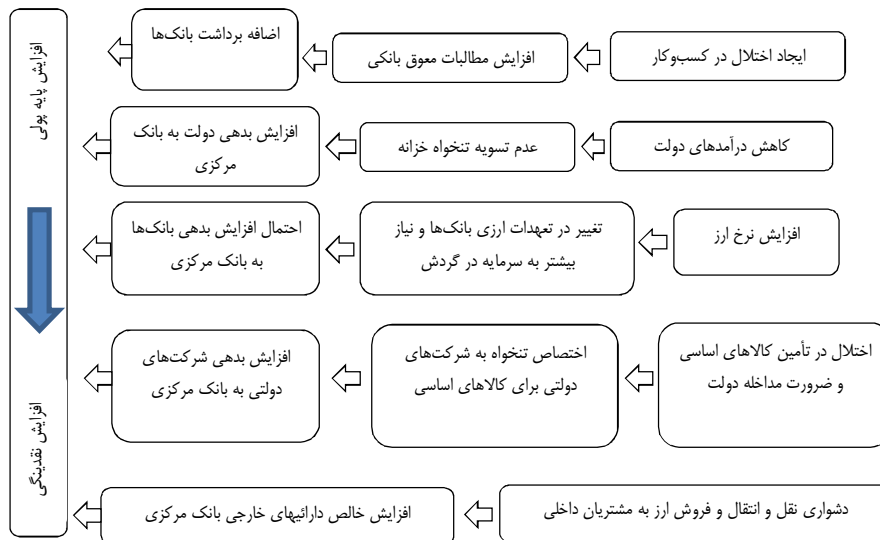
علاوه بر مشکلاتی که به واسطه ضعف شیوه‌های تأمین مالی دولت برای بخش پولی کشور ایجاد شد، باید به ضعف‌های شیوه‌های تأمین مالی بنگاه‌ها و اثر آن بر بخش پولی نیز اشاره کرد. با اعمال تحریم‌ها، بنگاه‌ها در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از طریق بانک‌ها دچار مشکل شده و با توجه به محدودیت‌های نقل و انتقال ارز، در تأمین کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز خود با مشکل مواجه شدند. به علاوه به دلیل افزایش نرخ ارز، نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی افزایش می‌یابد و به دلیل عدم امکان آن‌ها در تأمین مالی از منابع غیربانکی، یا اخذ تسهیلات از بانک‌ها را افزایش دادند و یا بازپرداخت تسهیلاتی که قبلاً دریافت کرده بودند به تعویق می‌افتد. بدین ترتیب، تعادل منابع و مصارف بانک‌ها به هم می‌خورد و در نتیجه، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و در نتیجه پایه پولی افزایش می‌یابد.

نمودار ۳، سازوکار اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر بخش پولی را نشان می‌دهد.

### ۲.۲.۴. سازوکار فشار هزینه

تحریم‌ها سبب کاهش اجباری تولید، پایین‌افتادن از ظرفیت‌های فنی تولیدی و افزایش قیمت تمام‌شده محصولات می‌شوند. هنگامی که تقاضای خارجی برای خرید نفت، پتروشیمی و نظایر آن به اجبار کم می‌شوند، بلافاصله این بخش از تولیدات که سهم بالایی در عرضه کل اقتصاد دارند نیز افت می‌کنند. اما همه اثرات تحریم بر تولید به این امر محدود نمی‌شود.

تحریم‌ها می‌توانند به جهت اثرات منفی خود در افزایش نرخ ارز (افزایش هزینه‌های ریالی تولید)، ناکافی بودن منابع مالی بنگاه‌های تولیدی و تضییقات محیط بین‌المللی در کنار مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، موجب کاهش تولید واحدهای اقتصادی و افزایش قیمت تمام‌شده محصولات آن‌ها شوند. این مشکلات در ساختاری که بیش از ۸۵ درصد از کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بخش‌های تولیدی از محل واردات تأمین می‌شود، می‌تواند فرایند تولید داخلی را با اختلالاتی مواجه کند و تبعاتی چون کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد فعالیت واحدهای تولیدی به همراه داشته باشد. در این شرایط تأمین کالاهای اساسی نیز می‌تواند با جهش‌های قیمتی مواجه شود و در نتیجه نرخ تورم افزایش یابد.



نمودار ۳. سازوکار تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر بخش پولی

مأخذ: گزارش اقتصاد ایران همراه با تحریم

#### ۱.۲.۲.۴. نرخ ارز

آنچه در این بخش اهمیت می‌یابد تشریح سازوکار اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر افزایش نرخ ارز و وقوع شوک‌های ارزی طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ است. یکی از مهم‌ترین اثرات تحریم‌های مالی خارجی، محدودیت در نقل و انتقالات و کاهش درآمدهای ارزی است. کاهش درآمدهای ارزی و دشواری استفاده و جابه‌جایی درآمدهای حاصل، از یک سو سبب عدم یکپارچگی بازار ارز و بروز زمینه‌چندنرخ شدن و از طرفی افزایش نرخ ارز می‌شود.

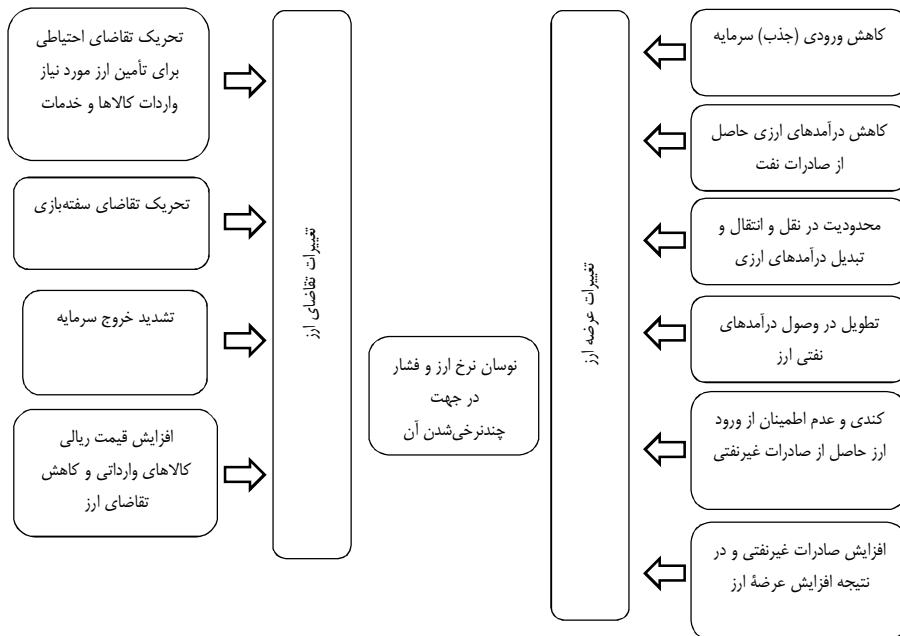
#### ۱.۱.۲.۲.۴. عوامل طرف تقاضای ارز

در طرف تقاضا، عمدتاً عواملی که از جنس انتظارات هستند موجب افزایش تقاضا برای ارز و در نتیجه فشار برای افزایش آن می‌شوند.

- افزایش تقاضای احتیاطی: یکی از عوامل در این راستا، افزایش تقاضای احتیاطی برای تأمین ارز مورد نیاز واردات و کالاها و خدمات است. بدین صورت که به دلیل وجود نااطمینانی از آینده، بنگاه‌های تولیدی، بازرگانان و حتی دولت، برای اطمینان از تأمین ارز مورد نیاز خود در آینده، مقدار بیشتری ذخیره ارزی برای خود نگاه می‌دارند و در نتیجه تقاضا برای ارز نسبت به شرایط عادی افزایش می‌یابد.
  - افزایش تقاضای سفته‌بازی: عامل دیگر که در این شرایط مؤثر است، تحریک تقاضای سفته‌بازی است. سفته‌بازی به این مفهوم است که تقاضای ارز با هدفی غیر از تقاضای حقیقی و احتیاطی و با هدف سرمایه‌گذاری و کسب سود ناشی از تغییرات ناگهانی نرخ ارز صورت گیرد.
  - تقاضای معاملاتی: در شرایط متعارف، بازرگانان و صنعتگران می‌توانند بخشی از نیاز ارزی خود را به روش‌های اعتباری (استفاده از اعتبار فروشنده خارجی) تأمین کنند، حال آنکه در شرایط تحریم، نسبت خریدهای نقدی و سهم پرداخت نقدی از معاملات بالا می‌رود که سبب افزایش تقاضای معاملاتی برای ارز می‌شود.
  - خروج سرمایه از کشور: عامل دیگر را می‌توان خروج سرمایه‌ها از کشور دانست. در شرایط تحریمی که ریسک فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد، گروهی از فعالان اقتصادی به منظور کاهش احتمال آسیب‌پذیری خود از این شرایط، اقدام به خروج دارایی‌های خود از کشور می‌کنند که برای این منظور لازم است که ارز بیشتری را تقاضا کنند.
- اگرچه عوامل فوق هر یک به نحوی موجب افزایش تقاضا برای ارزهای خارجی شدند، اما باید توجه شود که افزایش نرخ ارز برای اقتصادی چون ایران که قیمت‌پذیر محسوب می‌شود، خود موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی می‌شود که در نتیجه تقاضا برای این کالاها کاهش می‌یابد، بنابراین یک اثر ثانویه کاهش تقاضا برای ارز در اثر افزایش آن نیز وجود دارد. در مجموع اما تحریم‌های اقتصادی موجب افزایش تقاضا برای نرخ ارز شده است.

#### ۲.۱.۲.۲.۴. عوامل طرف عرضه ارز

- در طرف عرضه هم عمده عوامل در جهت کاهش عرضه ارز و در نتیجه افزایش نرخ ارز عمل کردند.
- محدودیت در نقل و انتقال ارز: با ایجاد محدودیت در نقل و انتقالات مالی، درآمدهای ارزی یا امکان ورود به چرخه تجاری کشور را نمی‌یابند و یا با فاصله زمانی زیادی وارد می‌شوند که کاهش شدید عرضه ارز به بازار را با خود به همراه خواهد داشت. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که محدودیت نقل و انتقالات مالی تنها دولت ایران را هدف قرار نگرفته است و بازرگانان ایرانی نیز در انجام امور مربوط به صادرات و واردات با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو شدند.
  - عدم اطمینان از ورود ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به چرخه تجاری کشور: علی‌رغم نیاز بالایی که بازار ارز کشور به عرضه ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به چرخه تجاری کشور به‌منظور جبران اثرات کاهش درآمدهای نفتی دارد، ولی اطمینان و ضمانتی برای ورود به‌موقع بخش عمده این ارزها به چرخه تجاری کشور وجود ندارد.
  - افزایش ریسک سرمایه‌گذاری: عامل مهم دیگر در کاهش ورود و عرضه ارز در بازار داخلی را می‌توان افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دانست. نمودار ۴ سازوکار عملکرد تحریم‌ها در جهت افزایش نرخ ارز را از هر دو مجرای عرضه و تقاضا نشان می‌دهد.



نمودار ۴. سازوکار اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر نرخ ارز

مأخذ: گزارش اقتصاد ایران همراه با تحریم

#### ۲.۲.۲.۴. بخش‌های تولیدی و بازار

تحریم‌های اقتصادی، ضمن افزایش نرخ ارز و افزایش هزینه‌های تولید (کاهش عرضه) از طریق آن، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر بخش‌های تولیدی کشور از جمله نفت و گاز، صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات تأثیرات منفی زیادی گذاشتند.

وجود انحصار و قدرت قیمت‌گذاری در برخی بازارهای کشور را باید عامل دیگری دانست که به‌طور ساختاری به افزایش تورم دامن می‌زند. همچنین عوامل اختلال ایجادکننده در بازار (افزایش تفاوت بین قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده) و انتظارات از دیگر عواملی هستند که در طرف عرضه اقتصاد بر تشدید فشارهای تورمی دامن زدند.

#### ۵. مرور وقایع مشاهده‌شده (آثار تورمی) تحریم‌ها

به‌منظور بررسی دقیق‌تر اثر تحریم‌های اقتصادی بر تورم، نیاز است که بدانیم در دوره شدت‌گیری اثر تحریم‌ها، رفتار متغیرهای کلانی که بر نرخ تورم مؤثرند چگونه بوده است. از این‌روی در این بخش به مرور روند تحولات متغیرهای بخش‌های مالی، پولی و نرخ ارز خواهیم پرداخت.

#### ۱.۵. عملکرد (وقایع) بخش مالی

##### ۱.۱.۵. منابع درآمدی دولت

نگاهی به آمار عملکرد بودجه دولت نشان می‌دهد که مجموع منابع دولت در سال ۱۳۹۱ با کاهشی قابل‌توجه نسبت به سال ۱۳۹۰، از ۱۱۷۵۲۸ میلیارد تومان به ۱۰۶۴۴۲ میلیارد تومان رسیده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که چنین کاهشی در درآمدها به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی، از قبل پیش‌بینی شده است و ارقام منابع مصوب در سال ۱۳۹۱، از سال ۱۳۹۰ کمتر هستند که نشان از رویکرد انقباضی بودجه دولت در این سال داشته است. توجه شود که به‌دلیل استقرار نظام بودجه متوازن در اقتصاد ایران، کاهش بودجه مصوب برای مخارج دولت نیز صادق بوده است. در ادامه به بررسی نحوه تغییر اجزای درآمدی دولت در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ می‌پردازیم.

جدول ۲ ارقام مصوب و عملکرد بودجه را برای اجزای درآمدی دولت نشان می‌دهد.

- **درآمدهای عمومی:** درآمدهای عمومی دولت را درآمدهای مالیاتی و زیربخش «سایر درآمدها» تشکیل می‌دهند. درآمدهای مالیاتی را می‌توان در دو گروه مالیات‌های مستقیم (مالیات بر درآمد و ثروت) و مالیات‌های غیرمستقیم (مالیات بر مصرف و واردات) دسته‌بندی کرد. در این مقاله به‌دلیل تأکید بر مقوله تحریم، مالیات بر واردات را به‌دلیل ارتباط با تجارت خارجی، از مجموع درآمدهای مالیاتی جدا می‌کنیم.



همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، علی‌رغم کاهش دریافتی‌های دولت در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰، مجموع درآمدهای مالیاتی در این سال افزایش یافته است و حتی این افزایش در سال ۱۳۹۲ نیز با شدت بیشتری رقم خورده است. در اینجا ممکن است سؤال پیش آید که آیا چنین رفتاری در تناقض با شرایط سخت اقتصادی نیست؟

جدول ۲. ارقام بودجه

قانون بودجه سال (میلیارد تومان)	مصوب ۱۳۹۰	عملکرد ۱۳۹۰	درصد تحقق ۱۳۹۰	مصوب ۱۳۹۱	عملکرد ۱۳۹۱	درصد تحقق ۱۳۹۱	مصوب ۱۳۹۲	عملکرد ۱۳۹۲	درصد تحقق ۱۳۹۲
دریافت‌ها	۱۵۴۵۸۷	۱۱۷۵۲۸	۷۶.۰۳	۱۴۴۲۷۰	۱۰۶۴۴۲	۷۳.۷۸	۱۷۱۴۰۰	۱۴۷۶۷۷	۸۶.۱۶
مالیات مستقیم و غیرمستقیم (غیروارداتی)	۳۰۶۵۱	۲۸۰۵۲	۹۱.۵۲	۳۴۰۶۴	۳۱۸۷۶	۹۳.۵۸	۴۵۴۷۷	۴۱۳۸۶	۹۱.۰۰
مالیات بر ارزش افزوده	۴۱۰.۱	۳۲۷۰	۷۹.۷۴	۵۳۹۸	۵۴۱۲	۱۰۰.۲۶	۹۵۳۴	۱۰۳۲۰	۱۰.۸
مالیات (وارداتی)	۹۷۹۳	۷۸۹۳	۸۰.۶۰	۱۱۳۳۵	۷۶۴۰	۶۷.۴۰	۱۰۶۰۰	۸۰۳۹	۷۵.۸۴
مجموع درآمدهای مالیاتی	۴۰۴۴۴	۳۵۹۴۵	۱۷۲.۱۲	۴۵۳۹۹	۳۹۵۱۶	۱۶۰.۹۸	۵۶۰۷۷	۴۹۴۲۵	۸۸.۱۴
سهم درآمدهای مالیاتی از مجموع دریافت‌ها	۲۶.۱۶	۳۰.۵۸	۲۲۶.۳۹	۳۱.۴۷	۳۷.۱۲	۲۱۸.۱۹	۳۲.۷۲	۳۳.۴۷	۱۰۲.۳
سایر درآمدها	۲۰۵۵۴	۱۸۵۰۱	۹۰.۰۱	۱۹۹۲۹	۱۷۳۰۳	۸۶.۸۲	۳۴۵۷۶	۲۲۳۱۳	۶۴.۵۳
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۵۹.۰۷۱	۵۶۹۹۰	۹۶.۴۸	۶۹۸۷۶	۴۲۸۵۲	۶۱.۳۳	۶۴۲۳۰	۶۱۲۰۶	۹۵.۲۹
فروش نفت و فراورده‌های نفتی	۵۷۱۱۱	۵۶۸۳۷	۹۹.۵	۶۸۳۶۰	۴۲۵۵۲	۶۲.۲۵	۶۳۸۱۰	۶۰۹۴۰	۹۵.۵
سهم فروش نفت و فراورده‌های نفتی از مجموع دریافت‌ها	۳۷	۴۸	۱۳۱	۴۷	۴۰	۸۴	۳۷	۴۱	۱۱۱
واگذاری دارایی‌های مالی	۳۴۵۱۶	۶۰۹۰	۱۹.۶۱	۹۰۶۳	۶۷۶۹	۷۴.۶۹	۲۴۹۶۵	۱۴۷۳۲	۵۹.۰۱
سهم واگذاری دارایی‌های مالی از مجموع دریافت‌ها	۲۲	۶	۲۶	۶	۶	۱۰.۱	۱۵	۱۰	۶۸

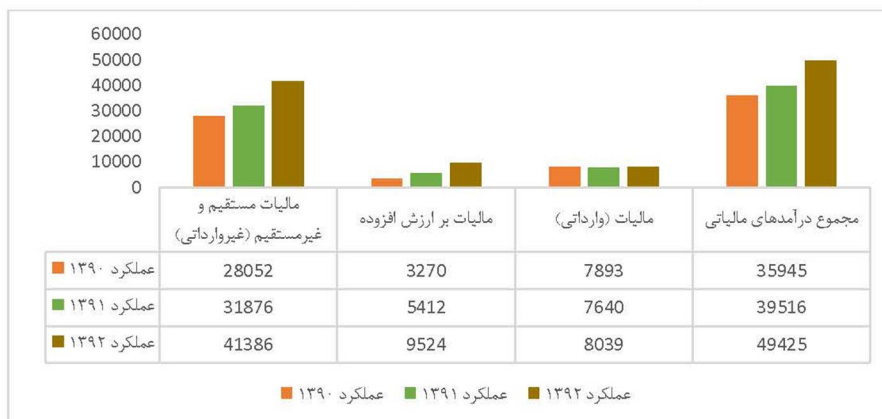
منبع: گزارش‌های مالی دولت

در پاسخ باید گفت که این افزایش در درآمدهای مالیاتی را نباید محصول افزایش پایه‌های مالیاتی و نه محصول افزایش نرخ مالیات دانست، بلکه عمده آن مربوط به گسترده‌تر شدن پایه مالیاتی دانست. برای مثال درآمد حاصل از مالیات بر ارزش افزوده طی این سه سال رشد چشمگیری داشته است. همچنین همان‌طور که در نمودار ۵ مشاهده می‌شود، درآمدهای گمرکی که به تجارت خارجی کشور وابسته است، تنها جزء درآمدهای مالیاتی است که در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. که این امر به کاهش واردات از ۶۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۵۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد. البته این کاهش نیز در سال ۱۳۹۲ جبران شده است.

نمودار ۶ نشان می‌دهد که در شرایط تحریم‌های اقتصادی، سهم درآمدهای مالیاتی در مجموع درآمدهای دولت افزایش یافته است. شاید این موضوع را بتوان از آثار مثبت تحریم‌های اقتصادی در بخش بودجه‌ریزی دانست.

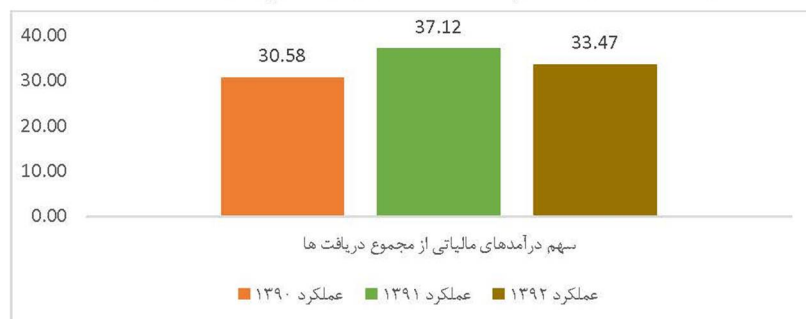
در هر حال می‌توان ادعا کرد که هرچه اتکای دولت بر درآمدهای مالیاتی، به‌خصوص درآمدهای مالیاتی غیر از حقوق گمرکی، بیشتر باشد، آسیب کمتری از تحریم‌های اقتصادی خواهد دید. این امر از جمله نکات حائز اهمیت و راهبردی در حوزه تأمین مالی بخش عمومی در راستای نیل به اقتصاد مقاومتی است.

نمودار ۵. روند تغییرات درآمدهای مالیاتی (میلیارد تومان)



مأخذ: گزارش‌های مالی دولت

- **واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای:** مهم‌ترین جزء این بخش را باید منابع حاصل از صادرات نفت و فراورده‌ها نفتی دانست. به دلیل اینکه تحریم‌های اقتصادی مستقیم صادرات نفت و درآمدهای نفتی را کاهش دادند، کاهش شدیدی در این بخش مشاهده می‌شود.



**نمودار ۶. تغییرات سهم درآمدهای مالیاتی از مجموع دریافت‌های دولت**  
 مأخذ: گزارش‌های مالی دولت

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، منابع ناشی از فروش نفت، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی، از ۵۶۹۹۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۸۵۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۱ به میزان ۲۵ درصد کاهش یافت. البته در سال ۱۳۹۲، به دلیل افزایش نرخ ارز در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ بنابر پیشنهاد دولت از ۱۲۲۴ به ۲۴۸۰ تومان، با افزایشی مجدد به رقم ۶۱۲۰۶ میلیارد تومان رسید. در کل به دلیل افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و در مقابل کاهش منابع حاصل صادرات نفت خام و میعانات، سهم درآمدهای نفتی در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت و از ۴۸ درصد (در سال ۱۳۹۰) به ۴۰ درصد (در سال ۱۳۹۱) رسید. ملاحظه می‌شود که به دلیل سهم بالای درآمدهای نفتی در منابع دولت، نوسانات این بخش، به شدت دریافتی‌های دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا هرچه سهم درآمدهای نفتی از درآمدهای دولت کمتر بشود، تحریم‌های اعمال‌شده بر فروش نفت و بخش مالی، اثر کمتری بر درآمد دولت دارند. بدین ترتیب یکی دیگر از راهبردهای افزایشی مقاومت اقتصاد ملی، کاهش وابستگی درآمدهای دولت به صدور منابع درآمدهای نفتی و همزمان افزایش سهم درآمدهای مالیاتی است.

### ۲.۱.۵. مخارج عمومی دولت

در بخش قبل نشان دادیم که چگونه تحریم‌های اقتصادی از دو مجرای اصلی کاهش درآمدهای گمرکی و صادرات نفت خام و میعانات موجب کاهش دریافتی‌های دولت شد. در این بخش اجزای پرداخت‌های دولت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. جدول ۳ مجموع پرداخت‌های دولت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ را نشان می‌دهد.

- **اعتبارات هزینه‌ای:** با توجه به اینکه بخش اصلی اعتبارات هزینه‌ای، شامل هزینه‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر از جمله جبران خدمات کارکنان دولتی (حقوق و دستمزد)، تأمین اعتبار کالاهای اساسی و

یارانه‌های مربوط به آن است، پرداخت این هزینه‌ها علی‌رغم محدودیت در منابع مالی دولت در اولویت نخست قرار می‌گیرند، لذا اعتبارات مذکور نسبت به سایر اقلام مصرفی دولت از درصد تحقق بالاتری برخوردار می‌شوند. براین اساس، اعتبارات هزینه‌ای در سال ۱۳۹۱ از عملکردی معادل ۸۸۹۹۳ میلیارد ریال (۸۸ درصد تحقق) برخوردار بوده است و همچنین سهمی معادل ۸۵ درصد از کل مصارف عمومی دولت را به خود اختصاص داده است. با این حال عملکرد اعتبارات هزینه‌ای در سال ۱۳۹۱، به میزان ۴ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است که حکایت از انقباض بخش هزینه‌ای (اعتبارات جاری) بودجه دارند.

جدول ۳. صورت قانون و عملکرد مصارف بودجه دولت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲

سال- بودجه	مصوب	عملکرد	مصوب	نسبت به مصوب ۹۰ رشد مصوب ۹۱	عملکرد	نسبت به عملکرد ۹۰ رشد عملکرد ۹۱	مصوب	عملکرد
(میلیارد تومان)	۱۳۹۰	*۱۳۹۰	۱۳۹۱		۱۳۹۱		۱۳۹۲	۱۳۹۲
پرداخت‌ها	۱۵۴	۱۱۲۰۹۶	۱۴۴۲۷۰	۲۸.۷	۱۰۴۵۷۹.۶	-۶.۷۱	۲۱۰۴۳۸.۱	۱۴۷۶۷۷.۳
پرداخت اعتبارات هزینه	۸۹۷۹۲	۹۲۹۷۳.۱	۱۰۱۰۷۱	۸.۷۱	۸۸۹۹۹.۳	-۴.۲۷	۱۲۸۰۹۱.۸	۱۱۹۷۶۴.۶
پرداخت اعتبارات تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۳۴۹۷۵	۲۴۸۹۴	۳۹۷۴۶	۵۹.۶۶	۱۳۶۶۹.۶	-۴۵.۰۹	۵۶۴۴۳.۸	۲۰۳۳۲.۳
سهم تملك دارایی‌های سرمایه‌ای از کل پرداخت‌ها	۲۲.۶۲	۲۲.۲۱	۲۷.۵۵	۲۴.۰۵	۱۳.۰۷	-۴۱.۱۴	۲۶.۸۲	۱۳.۷۷
پرداخت اعتبارات تملك دارایی‌های مالی	۲۹۸۲۰	۷۷۴	۳۴۵۳	۳۴۶.۱۲	۳۵۲.۵	-۵۴.۴۶	۲۵۹۰۲.۵	۵۸۹۶.۹

منبع: گزارش‌های مالی دولت

- اعتبار تملك دارایی‌های سرمایه‌ای: تخصیص اعتبارات تملك دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۳۹۱ از عملکردی معادل ۱۵۲۲۷۸ میلیارد ریال (معادل ۳۸ درصد تحقق) برخوردار شده که ۵۶ درصد کمتر از رقم مشابه در سال ۱۳۹۰ است. این نکته، یعنی تخصیص پایین‌تر اعتبارات سرمایه (عمرانی) همواره



در نظام بودجه کشور تجربه شده است، ولی در سال‌های کاهش درآمدهای دولت، این امر شدیدتر می‌شود. چگونگی اجرا و شیوه تأمین منابع مالی در این شرایط، از تهدیدهای اصلی ساختار مالی کشور است که باید در سیاست‌گذاری بدان توجه داشت.

● **اعتبارات تملک دارایی‌های مالی:** اعتبارات تملک دارایی‌های مالی که پرداخت دیون و بدهی‌های دولت را دربر می‌گیرد، با توجه به محدودیت‌های حاکم بر منابع مالی دولت، آخرین اولویت‌های پرداخت دولت را شامل شده است. اعتبارات مذکور در سال ۱۳۹۱ از عملکردی معادل ۳۵۲۵ میلیارد ریال (معادل ۱۰ درصد تحقق) برخوردار بوده و نسبت به رقم مشابه در سال ۱۳۹۰ از رشد منفی ۵۴ درصدی برخوردار است.

#### ۲.۵. عملکرد (وقایع) بخش پولی

جدول داده‌های نقدینگی و اجزای آن را طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ نشان می‌دهد.

##### ۱.۲.۵. نقدینگی

همان‌طور که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، مطالعات انجام‌شده روی تورم در اقتصاد ایران نشان می‌دهند که در میان‌مدت و بلندمدت رابطه مثبت و معناداری میان نرخ رشد نقدینگی و تورم در ایران وجود دارد. موضوع مهم آن است که نقدینگی و نرخ رشد آن در اقتصاد ایران، متغیرهایی برون‌زا نیستند و از شرایط اقتصادی و وضعیت مالی دولت تأثیر می‌پذیرند. همچنین همان‌طور که اشاره شد، در اثر تحریم‌های اقتصادی اخیر، مجموعه‌ای از عوامل خارج از اراده سبب شدند که با وجود اتخاذ رویکرد انقباضی در مخارج دولت، نرخ رشد نقدینگی در سال ۱۳۹۱ افزایش یابد، اگرچه رشد آن در سال ۱۳۹۲ نیز تداوم یافته است.

جدول ۴. داده‌های نقدینگی و اجزای آن طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۹

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
نقدینگی (میلیارد ریال)	۳۵۷۰۷۲۶	۴۶۰۶۹۳۶	۵۹۴۷۵۵۴
رشد نقدینگی (درصد)	۲۱.۰۹	۲۹.۰۲	۲۹.۱
پایه پولی (میلیارد ریال)	۷۶۴۵۶۸.۵	۹۷۵۷۹۵.۱	۱۱۵۱۵۰۰
رشد پایه پولی (درصد)	۱۱.۳۹	۲۷.۶۳	۱۸.۰۱
ضریب فزاینده پولی	۴.۶۷	۴.۷۲	۵.۱۶۵
رشد ضریب فزاینده (درصد)	۸.۷۱	۱.۰۹	۹.۴۰

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی

### ۲.۲.۵. پایه پولی و اجزای آن

جدول ۵ روند تغییرات پایه پولی و اجزای آن را طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. پایه پولی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۱/۴ درصد رشد داشت. در ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۱، رشد این متغیر معادل ۲۷/۳ درصد بوده است که نشان می‌دهد در این سال، رشد این متغیر تشدید شده است.

در سال ۱۳۹۱، هر چهار جزء پایه پولی رشد داشته‌اند. خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی با ۱۵/۴ واحد درصد، مهم‌ترین عامل رشد پایه پولی در این سال بوده است. پس از آن به‌ترتیب بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با ۹/۵ واحد درصد، خالص سایر با ۱/۵ واحد درصد و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با ۲/۷ واحد درصد، در رشد ۲۷/۳ درصدی پایه پولی سهم داشته‌اند.

• **خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی:** با توجه به رابطه بانک مرکزی و دولت در اقتصاد ایران و وجود درآمدهای نفتی، این جزء می‌تواند نقش بسیار مهمی در تحولات پایه پولی ایفا کند. در شرایط تشدید تحریم‌های اقتصادی، به‌دلیل عدم تحقق یا تأخیر در وصول درآمدهای ارزی و ورود آن به چرخه تجارت خارجی کشور، بانک مرکزی در حالی معادل ریالی، درآمدهای ارزی نفتی را به دولت پرداخت می‌کند، که از دسترسی بخش قابل‌توجهی به این منابع ارزی و امکان تبدیل محروم است و لذا نمی‌تواند با عرضه این منابع در بازار، مانع افزایش این جزء شود.

جدول ۵. روند تغییرات پایه پولی و اجزای آن

رشد ۹۲ نسبت به ۹۱	۱۳۹۲	رشد ۹۱ نسبت به ۹۰	۱۳۹۱	رشد ۹۰ نسبت به ۸۹	۱۳۹۰	هزار میلیارد ریال
۱۸	۱۱۵۱/۵	۲۷/۹	۹۷۵/۸	۱۱/۳	۷۶۴/۵	پایه پولی
۱۱۵/۹	۱۶۶۰/۵	۲/۷	۷۶۹/۲	۲۱/۶	۷۴۸/۶	خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی
۳/۴	۴۷/۶		۴۶	-۴۲۵	-۷۳/۱	خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی
۲۲/۱	۵۹۶	۱۶/۷	۴۸۸/۳	۲۶/۹	۴۱۸/۴	خالص بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی
-۲۵۱/۷	-۱۱۵۲/۶	۰/۵	-۳۲۷/۷	-۰/۳۴	-۳۲۹/۴	خالص سایر اقلام

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی

البته همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، علی‌رغم افزایش ۲۱/۶ درصدی خالص دارایی‌های خارجی در سال ۱۳۹۰، رشد این جزء پایه پولی در سال ۱۳۹۱ بسیار ناچیز و در حدود ۲ درصد بوده است.

رشد پایین این جزء در سال ۱۳۹۱، ناشی از خودداری دولت فشار به بانک مرکزی مبنی بر پرداخت ریال به خزانه به‌ازای تملک این نوع منابع ارزی، دانست. آنچه در این جدول جلب توجه می‌نماید، رشد شدید و ۱۱۵/۹ درصدی این جزء در سال ۱۳۹۲ است. این امر حکایت از عدم مراقبت لازم در پرهیز از افزایش پایه پولی ناشی از تملک اجباری ارزهای نفتی وصول‌نشده و یا غیرقابل فروش به بازارگانان، توسط بانک مرکزی دارد که به معنی پولی کردن کسری بودجه در سال ۱۳۹۲ است.

● **خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی:** این متغیر از سال ۱۳۸۵ تا اوایل سال ۱۳۹۱، همواره منفی بوده، بدین مفهوم که سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی بیش از بدهی‌های آن به بانک مرکزی بوده است. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، این جزء در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب مقادیر ۱۳/۹- و ۷۳/۱- هزار میلیارد ریال را اختیار کرده است، اما در سال ۱۳۹۱ به رقم ۴۶ هزار میلیارد ریال رسیده و رشد یافته است که دلیل عمده آن بدهی شرکت بازرگانی دولتی و شرکت سهامی پشتیبانی امور دام به بانک مرکزی به دلیل دریافت خط اعتباری از بانک مرکزی برای تأمین واردات) کالاهای اساسی است که بخش خصوصی در انجام آن ناتوان شده بود.

● **بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی:** روند افزایشی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از سال ۱۳۸۹ آغاز شد و در سال ۱۳۹۰ نیز تا ماه بهمن این روند ادامه یافت. این متغیر در سال ۱۳۹۱ با نوسانات زیادی روبه‌رو بود. درحالی که در پایان خرداد ۱۳۹۱، مقدار این متغیر بالغ بر ۵۳۶ هزار میلیارد ریال گردید، با کنترل بانک مرکزی بر اضافه برداشت بانک‌ها، روندی کاهنده در پیش گرفت و در پایان آبان ۱۳۹۱ به پایین‌ترین میزان خود در این سال به ۴۷۶/۹ هزار میلیارد ریال رسید. طی ماه‌های بعد نیز با توجه به تشدید نظارت‌های بانک مرکزی، از سرعت رشد این متغیر کاسته شده به طوری که در اسفند ۱۳۹۱ به رقم ۴۹۱/۴ هزار میلیارد ریال رسید. در کل رشد مطالبات بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۶/۷ درصد بوده است که رقمی کمتر از نرخ رشد سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ است. بنابراین می‌توان به این نکته اذعان کرد که علی‌رغم تشدید فشارهای تحریمی در سال ۱۳۹۱، تمرکز بانک مرکزی و سایر نهادهای مسئول بر کنترل برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، مانع از رشد شتابان این متغیر شد.

### ۳.۲.۵. ضریب فزاینده

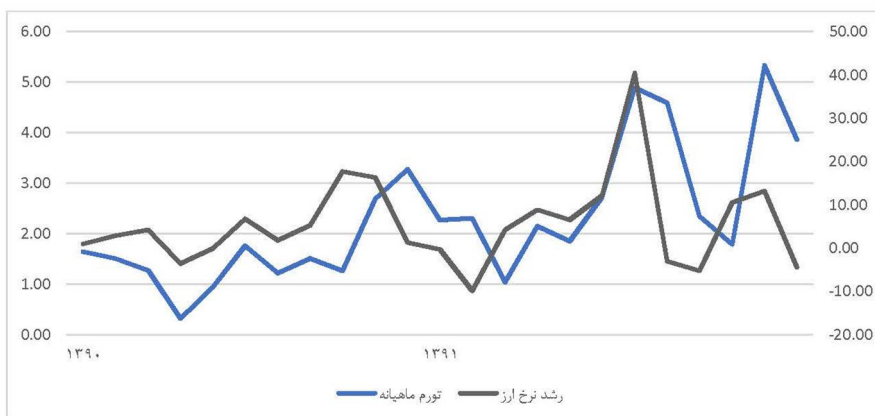
این متغیر اگرچه در اکثر سال‌ها سهم کمتری نسبت به رشد پایه پولی، در رشد نقدینگی داشته است، اما بی‌تأثیر نبوده و تغییرات آن قابل بررسی است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، این متغیر طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰، همواره روندی صعودی را طی کرده است. البته در همین جدول نشان داده شده است که رشد این متغیر در سال ۱۳۹۱ کاهش و در سال ۱۳۹۲ دوباره افزایش یافته است. دلیل عمده رشد ضریب فزاینده در هر دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، کاهش نسبت‌های ذخایر اضافی و اسکناس و مسکوک به کل سپرده‌ها بود که به دلیل ارتباط معکوس آن‌ها با ضریب فزاینده، موجب افزایش آن

شده‌اند. لیکن کندشدن رشد ضریب فزاینده در سال ۱۳۹۱ ناشی از افزایش سهم سپرده‌های دیداری، کوتاه‌مدت و یکساله از کل سپرده‌ها است که منجر به افزایش نسبت سپرده قانونی شده و به دلیل ارتباط معکوس این نسبت با ضریب فزاینده، از رشد ضریب فزاینده کاسته است.

### ۳.۵. نرخ ارز

با شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی و از طریق سازوکارهایی که به آن اشاره شد، فشار برای افزایش نرخ ارز شدید شد و از اواسط سال ۱۳۹۰، فاصله بین قیمت فروش دلار در بازار آزاد و سیستم بانکی افزایش یافت. در سال ۱۳۹۱ با تشدید دامنه تحریم‌های مالی و اعمال محدودیت‌های بیشتر در فروش نفت و نقل و انتقال درآمدهای ارزی به کشور، عرضه ارز با محدودیت‌های زیادی مواجه شد و این عامل در کنار افزایش تقاضای معاملاتی، احتیاطی و انگیزه‌های سفته‌بازانه موجب افزایش نرخ ارز شد. نوسانات نرخ ارز در شه‌ریور و مهرماه ۱۳۹۱ شدت گرفت و نرخ برابری هر دلار در بازار آزاد تهران تا ۳۷۰۰۰ ریال در بهمن ۱۳۹۱، برای مدت چند روز بالا رفت. البته با گسترش عملیات مرکز مبادلات ارزی این نرخ در پایان سال ۱۳۹۱ کاهش یافت. نمودار ۶ روند تغییرات نرخ ارز و آثار آن بر تورم ماهیانه را طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ نشان می‌دهد.

همان‌طور که ملاحظه شد، به دلیل ساختار تأمین مالی دولت، رابطه بخش مالی و بخش پولی، ساختار درآمدهای ارزی کشور و وابستگی آن به درآمدهای نفتی، بخش مالی-پولی کشور به شدت در مقابل تکانه‌هایی چون تحریم‌های اقتصادی آسیب‌پذیر است. مجموعه عوامل فوق سبب می‌شوند که فشارهای تحریمی منجر به تنگنای مالی داخلی (بودجه دولت) و تنگنای خارجی (تراز پرداخت‌ها) شود که هم سبب افزایش پایه پولی و نقدینگی و هم سبب افزایش نرخ ارز شوند که همزمانی این دو عامل سبب بروز تکانه‌های تورمی شدید در اقتصاد ایران می‌شوند.



نمودار ۷. روند تغییرات نرخ ارز و نرخ تورم ماهیانه در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲

مأخذ: آمار و اطلاعات بانک مرکزی و محاسبات مؤلف

مطالعه وقایع مشاهده‌شده طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که هرگاه افزایش رشد نقدینگی و نرخ ارز با هم اتفاق بیفتند، تورم به شدت افزایش می‌یابد. برای مثال می‌توان به تحولات اقتصاد ایران در نیمه نخست دهه ۱۳۷۰ اشاره کرد. افزایش همزمان رشد نقدینگی (به ترتیب ۲۸/۴۸ و ۳۷/۵۶ درصد در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴) و نرخ ارز (از ۱۸۰۰ ریال در سال ۱۳۷۲ به ۲۶۳۰ ریال در سال ۱۳۷۳ و ۴۳۰۰ ریال در سال ۱۳۷۴) سبب شد که نرخ‌های تورم ۳۵ و ۴۹/۵ درصدی به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ رقم بخورند.

توجه به این مهم، این ضرورت را ایجاد می‌کند که در تحلیل و سیاست‌گذاری در جهت نیل به یک اقتصاد مقاومتی، چنین سازوکارهایی مدنظر قرار گیرد. به بیانی، یکی از رویکردهای اصلی مقاوم‌سازی اقتصاد برای مقابله با عوامل خارجی مانند تحریم‌ها به اصلاح ساختار مالی و پولی و شیوه تأمین مال دولت برمی‌گردد که در ادامه به تجربه سیاست‌گذاری در سال ۱۳۹۱ اشاره می‌شود.

## ۶. تجربه سیاست‌گذاری (مالی- پولی- ارزی) سال ۱۳۹۱ برای کاهش آثار تورمی

### تحریم‌ها

با شدت گرفتن تحریم‌ها در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰ و آغاز سال ۱۳۹۱ و بروز تکانه‌های شدید در بازار ارز و کالاها و خدمات و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، این موضوع در دستور کار مشترک دستگاه‌های اقتصادی دولت قرار گرفت. کارگروه مزبور دو دسته اقدام انجام داد. ابتدا با انجام سه مطالعه مجزا، ولی هماهنگ توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و بر مبنای پیش‌بینی نرخ ارز در سه سناریوی خوش‌بینانه، واقع‌بینانه و بدبینانه، نرخ تورم سال ۱۳۹۱ تا پایان سال برآورد شد. در مطالعات مذکور از مدل‌های ساختاری پیش‌بینی تورم استفاده شده است. بدین منظور یک مدل اتورگرسیون برداری<sup>۱</sup> با استفاده از داده‌های ماهانه مربوط به دوره ۱-۱۳۸۱ تا ۱۲-۱۳۹۰ و مدل تک‌متغیره با استفاده از آخرین داده‌ها تا دی‌ماه سال ۱۳۹۱ مورد استفاده قرار گرفته است. خلاصه نتایج مطالعه به شرح جدول ۶ است.

گام مکمل این مطالعات، سیاست‌گذاری‌هایی بود که در بخش‌های مالی و پولی (ارزی) اتخاذ شد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

1. VAR (vector auto regressive)

جدول ۶. نتایج مطالعات دستگاه‌های دولتی در برآورد نرخ تورم سال ۱۳۹۱ تا پایان سال

سناریو	متغیر	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور	وزارت امور اقتصادی و دارایی
خوش‌بینانه	نرخ ارز	۲۵۰۰۰	۲۹۰۰۰	۳۰۰۰۰
	تورم	۳۹.۸	۳۱.۱	۳۰.۳
واقع‌بینانه	نرخ ارز	۳۰۰۰۰	۳۲۰۰۰	۳۰۰۰۰
	تورم	۳۲.۱	۳۳	۳۲.۳
بدبینانه	نرخ ارز	۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰
	تورم	۳۵.۹	۳۵.۷	۳۳.۳

منبع: گزارش بررسی تحولات شاخص‌های قیمت، چشم‌انداز آن و راهکارهای پیشنهادی

#### ۱.۶. مدیریت بودجه دولت

- تداوم و تقویت سیاست صرفه‌جویی در هزینه‌ها.
  - جلوگیری از تشدید توقعات صنفی و انتظارات بودجه‌ای.
  - استفاده از روش فروش دارایی‌های مازاد دستگاه‌های اجرایی برای تأمین منابع مورد نیاز.
  - عدم تحمیل بار بودجه‌ای جدید در ماه‌های پایانی توسط دستگاه‌های اجرایی.
  - عدم ارائه و تصویب هرگونه طرح و مصوبه در جهت تعویق وصول درآمدهای دولت.
  - پرهیز از شیوه‌های تأمین مالی تورمی به‌منظور اجتناب از افزایش پایه پولی (به‌طور مشخص پرهیز از اعمال فشار بر بانک مرکزی برای افزایش خالص دارایی‌های خارجی).
- نتیجه این اقدامات این شد که به‌رغم تنگنای شدید مالی، تمامی مصارف ضروری کشور پرداخت شود و همان‌گونه که گفته شد، حتی هزینه‌های جاری در سال ۱۳۹۱ حدود ۴/۳ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافت.

#### ۲.۶. مدیریت نقدینگی

- واگذاری تعیین نرخ سود علی‌الحساب سالانه سپرده‌های مدت‌دار بانکی و اوراق گواهی سپرده عام و خاص در طول دوره سپرده‌گذاری به بانک‌ها.
- اجازه انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی به بانک مرکزی و تعیین شرایط آن، حسب صلاحدید رئیس کل بانک مرکزی.
- تعیین نرخ سود علی‌الحساب ۲۰ درصدی برای اوراق مشارکت شرکت‌های دولتی، غیردولتی و شهرداری‌ها.

- افزایش نرخ سود عقود غیرمشارکتی تا سررسید ۲ سال معادل ۱۴ درصد و برای سررسید بیش از ۲ سال معادل ۱۵ درصد.
- افزایش دامنه نرخ سود مورد انتظار عقود مشارکتی به ۱۸ تا ۲۱ درصد.
- تکلیف به مؤسسات اعتباری برای تخصیص حداقل ۲۰ درصد از منابع غیرقرض‌الحسنه خود به تسهیلات عقود غیرمشارکتی.
- استفاده از فروش اوراق مشارکت و پیش‌فروش سکه به‌منظور جذب نقدینگی.
- اقدام بانک مرکزی برای کاهش اضافه برداشت بانک‌ها در سال ۱۳۹۱ که باعث پیشرفت‌های محسوسی در این زمینه شد.
- تسویه کامل تنخواه‌گردان خزانه تا پایان اسفند ۱۳۹۱ به‌منظور کاستن از آثار بودجه‌ای گسترش پایه پولی.
- کنترل خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (NFA).

### ۳.۶. مدیریت بازار ارز

- مسیر تحولات بازار ارز به‌ویژه در هفته‌های منتهی به پایان دی‌ماه و اوایل بهمن‌ماه ۱۳۹۰ به‌گونه‌ای بود که شرایط دشواری را برای سیاست‌گذاران اقتصادی ایجاد کرده بود. از این‌رو به‌دلیل وجود تجربیات بحران‌های ارزی سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و بحران‌های مشابه در سایر کشورها، اقدامات متعددی اتخاذ شد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.
- ۱.۳.۶. تشکیل کارگروه سامان‌دهی مسائل ارزی: کارگروه سامان‌دهی مسائل ارزی با حضور وزرای امور اقتصادی و دارایی، کشور، اطلاعات، صنعت، معدن و تجارت، نفت و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل شد و در جلسات مختلف، نسبت به اتخاذ تصمیمات مقتضی برای مدیریت بازار ارز اقدام نمود. علاوه بر این طی این دوره ضمن رعایت الزامات و حساسیت‌های تنظیم بازار، اقداماتی به‌شرح زیر صورت گرفت:
- تعیین سقف برای ارزهای خدماتی.
  - محدود کردن عرضه نقدی (فیزیکی) ارز و انجام معاملات و جابه‌جایی‌های ارزی در داخل کشور از طریق حساب بانکی.
  - کنترل لازم به‌منظور حصول اطمینان از عرضه کالاهای وارد شده (از لحاظ قیمت) بر مبنای نرخ ارز دریافتی.
  - اتخاذ ترتیبی جهت تحویل ارز مسافرتی، صرفاً بعد از مه‌ور شدن گذرنامه به مهر خروج در مرزهای رسمی.
  - عرضه ارز صرفاً به نظام بانکی و تأکید بر نظارت بر مصرف آن.
  - اتخاذ ترتیباتی جهت اولویت‌دادن به تأمین ارز واردات کالاها و خدمات ضروری.

• افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی و نرخ سود اوراق مشارکت به منظور جهت‌دهی نقدینگی‌ها به سمت بازار پول.

۲.۳.۶. راه‌اندازی پورتال ارزی: به منظور نظارت بر مصارف ارزی و حصول اطمینان از انجام واردات منطبق بر ارزشهای تخصیص‌یافته، سامانه تبادل اطلاعات بین معاونت ارزی بانک مرکزی و بانک‌های عامل، سازمان توسعه تجارت، گمرک و سازمان امور مالیاتی، راه‌اندازی شد. بدین ترتیب، ثبت سفارش، تخصیص ارز و ترخیص کالا، منوط به ثبت اطلاعات در این سامانه شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های پورتال ارزی می‌توان به هدایت ارز به سمت واردات واقعی، کنترل دقیق ارز تخصیصی بانک مرکزی، ایجاد سازوکار مناسب برای کنترل بازار کالا و در نتیجه مدیریت بازار ارز اشاره کرد.

۳.۳.۶. راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی: پس از اولویت‌بندی ۱۰ گانه کالاها و تخصیص ارز مرجه به اولویت‌های ۱ و ۲ شامل کالاهای اساسی و دارو، مرکز مبادلات ارزی با هدف پاسخگویی به نیاز ارزی سایر گروه‌های کالایی ایجاد شد. (مهر ۱۳۹۱) بدین ترتیب بخشی از تقاضای واقعی ارزی کشور به مرکز مبادلات ارزی منتقل شده و این مرکز با منابع ارزی شامل ۱۴/۵ درصد سهم شرکت ملی نفت و ۲۰ درصد منابع قابل‌تبدیل به ریال صندوق توسعه ملی، تأثیر معناداری در کنترل نوسانات نرخ ارز در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ داشته است.

۴.۳.۶. تصویب و اجرای مصوبه ستاد تدابیر ویژه اقتصادی: یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در خصوص مدیریت منابع و مصارف ارزی، تصویب مصوبه‌ای در کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه اقتصادی بود که برخی مفاد آن به شرح ذیل است:

- بازبینی اولویت کالاهای وارداتی.
  - متناسب‌سازی الگوی وارداتی با سبد ارزی.
  - گسترش مبادلات تهاتری با کشورهای طرف مبادله.
  - کاهش حقوق ورودی واردات کالاهای اساسی و دارو.
  - تداوم تعمیق برخورد اطلاعاتی، امنیتی و قضایی با متخلفان ارزی.
  - نظارت بر نقل و انتقال وجوه مرتبط با معاملات ارزی.
  - تدوین برنامه هدفمند مقابله با قاچاق کالا و سامان‌دهی مبادی ورودی.
  - تدوین بسته مقررات و نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و موارد مصرف آن‌ها و کاهش معوقات بانکی.
- مجموعه اقدامات انجام‌شده سبب شد که نوسانات ارز از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۱ کاهش یابد و رشد پایه پولی و نقدینگی از زمستان سال ۱۳۹۱ کاهش یابد. رشد پایه پولی در سه ماه اول سال ۱۳۹۲، منفی ۵ درصد و رشد نقدینگی این دوره در حد ۲/۷ درصد کنترل شد و در نتیجه تورم ماهیانه که تا ماه بهمن ۱۳۹۱ روندی افزایشی داشت و به ۵/۳۳ درصد در این ماه رسیده بود، پس از آن روندی نزولی را آغاز

کند. دکتر جواد صالحی اصفهانی<sup>۱</sup> در مطالعه‌ای، ضمن تأکید بر اهمیت توجه به تحولات نرخ تورم ماهیانه برای تحلیل رفتار کوتاه‌مدت و تورم و تشخیص روند آن، به این موضوع اشاره می‌کند که اگرچه تورم نقطه‌به‌نقطه حتی در ماه‌های اولیه سال ۱۳۹۲، روندی صعودی داشته است، اما روند کاهشی تورم ماهیانه از بهمن‌ماه ۱۳۹۱ آغاز شده بود و سیاست‌های کنترلی مزبور مؤثر واقع شده بودند.

## ۷. درس‌ها و توصیه‌های پولی، مالی و ارزی برای کاهش آثار تورمی تحریم‌ها

### ۱.۷. راهکارهای مالی

با توجه به مباحث انجام‌گرفته، جهت رفع مشکلات و محدودیت‌های نظام تأمین مالی دولت، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ارتقای درآمدهای مالیاتی از طریق تصویب نهایی و اجرای اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم.
- گسترش پایه‌های مالیات بر ارزش افزوده.
- تکمیل پوشش طرح جامع مالیاتی در برابر حوزه‌های مالیاتی.
- کاهش و جلوگیری از گسترش معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی و گمرکی با هدف افزایش منابع مالیاتی.
- ارائه سازوکارهایی جهت کنترل و نظارت مستمر بر رفتار مالی شرکت‌های دولتی جهت برقراری انضباط مالی و وصول به موقع مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی.
- برقراری مکانیسم‌های جدید اجرایی و قانونی جهت فروش اموال مازاد دولتی و استفاده از ابزارهای بازار سرمایه.
- گسترش رویه خرید خدمات عمومی از بخش‌های غیردولتی به‌جای تولید مستقیم این خدمات توسط دولت.
- سرعت‌بخشیدن در واگذاری تصدی‌های دولتی و تمرکز بر امور حاکمیتی.
- تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و جدید از طریق اجرای قراردادهای مشارکت عمومی، خصوصی و یا واگذاری به روش اقساطی و کاهش حجم تصدی‌های دولتی از این طریق.
- اجرای بودجه عملیاتی.

### ۲.۷. راهکارهای پولی

با توجه به پیامدهای منفی حاصل از تحریم‌ها که در پیش گفته شد، اتخاذ تدابیری جهت کاهش تبعات ناشی از اعمال تحریم‌ها ضروری است. از این‌رو در این بخش به برخی توصیه‌های سیاستی برای کاهش

۱. دکترای اقتصاد و استاد ایرانی دانشگاه ویرجینیا تک.

- اثر تحریم‌ها بر نظام پولی اشاره می‌شود:
- تأکید بر تسویه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (به‌عنوان مثال از طریق فروش دارایی‌های مازاد بانک‌های دولتی و سهام شرکت‌های آن‌ها).
  - انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های دولتی با طراحی نوین و جذابیت کافی جهت بازخرید در بازار ثانویه.
  - تسهیل استفاده از ابزارهای بازار سرمایه نظیر صکوک نفتی و افزایش سرمایه بنگاه‌ها برای تأمین مالی.
  - استفاده هرچه بیشتر از روش‌های تهاتری در تجارت خارجی جهت پرهیز از افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی.
  - انجام مراقبت‌های لازم برای پیشگیری از افزایش پایه پولی به دلیل بالارفتن خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ناشی از سلطه مالی دولت.
  - نظام‌مند کردن بازار غیرمتشکل پولی.

### ۳.۷. ارزی

- برخی توصیه‌های سیاستی جهت مدیریت بازار ارز در شرایط تحریمی به شرح ذیل است:
- بالابردن ریسک معاملات در بازار غیررسمی ارز.
  - تطبیق الگوی ارزی با الگوی تجارت خارجی کشور و کاهش استفاده از ارزهای واسط.
  - مدیریت تقاضای ارز.
  - نظارت بر عرضه مستمر ارز در مرکز مبادلات ارزی و لنگر کردن آن برای کاهش نوسانات.
  - تسریع در روند رسیدگی قضایی و برخورد با متخلفان ارزی.
  - تکمیل سریع‌تر سامانه‌های اطلاعاتی برای مدیریت بازار ارز.
  - مدیریت حساب سرمایه.

### منابع

- هنر جنگ اقتصادی اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم (مرداد ۱۳۹۲). معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- گزارش‌های مالی دولت در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲.
- قوانین بودجه سنواتی کشور در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲.
- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲). «اقتصاد ایران همراه با تحریم»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲، تابستان.



- سلطانی، محمد، و محمد شکری (۱۳۹۰). «آزمون پولی بودن تورم و شناسایی عوامل مؤثر بر تورم در اقتصاد ایران»، راهبرد توسعه، شماره ۲۸، اسفند.
- منظور، داوود، و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲، تابستان.
- «تورم، دلایل و راه‌های مهار آن در اقتصاد ایران»، (۱۳۸۴). معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، وزارت بازرگانی، مرداد.
- گزارش سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی به دولت، (اردیبهشت ۱۳۹۱). «اقتصاد ایران همراه با تحریم».
- گزارش «بررسی تحولات شاخص‌های قیمت، چشم‌انداز آن و راهکارهای پیشنهادی»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی (تلفیق و جمع‌بندی)
- گزارش‌های «خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ - بانک مرکزی».

## کاهش بی ثباتی‌های اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی

صدیقه قلی‌زاده کناری\*

### ۱. مقدمه

دستیابی به ثبات پایدار اقتصادی و همچنین مقاوم‌ساختن اقتصادها از آثار سوء شوک‌های منفی یکی از اولویت‌های اصلی اقتصادهای جهان می‌باشد. در همین راستا، کشورهایی که به‌واسطه نوع ساختار اقتصادی خود در معرض شوک‌های گوناگونی قرار دارند به‌منظور پیشگیری و نیز اقدامات درمانی در هنگام بروز شوک، مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌ها را در حوزه‌های مختلف در دستور کار خود قرار می‌دهند. اقتصاد ایران نیز با توجه به وابستگی بالای آن به درآمدهای نفتی از ساختاری شکننده برخوردار است، به‌گونه‌ای که وقوع شوک‌های مرتبط با نوسانات رو به پایین قیمت نفت، تحریم فروش نفت، تحریم‌های مرتبط با انتقال منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و ...، در صورت عدم اندیشیدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، می‌تواند عوارض قابل‌توجهی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. در این راستا پیش از هر اقدامی لازم است سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی، درک و استنباط مشترکی داشته باشند؛ چراکه مطمئناً حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی بدون نوعی درک مشترک از مفهوم آن به سرانجام نخواهد رسید و گاهاً موجب هدررفت منابع کمیاب نیز خواهد شد. براین‌اساس مفهوم سیستمی از اقتصاد مقاومتی در مقاله حاضر ارائه می‌گردد به‌گونه‌ای که در این رویکرد سیستم ترکیبی<sup>۱</sup>، تحلیل یکپارچه‌ای از زیربخش‌های مختلف و شیوه تعامل بین آنها ارائه می‌گردد.

یک سیستم ترکیبی به‌صورت بخش‌های متعدد وابسته به هم (سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تعریف می‌شود که براساس عملکرد یک بخش، کل سیستم قابل‌پیش‌بینی نیست، اما با بررسی تعامل بین بخش‌ها وضعیت کل سیستم را می‌توان بررسی و پیش‌بینی نمود. رویکرد سیستم ترکیبی به‌جای بررسی رابطه علت و معلولی خطی، به بررسی رفتار عوامل در پاسخ به شوک‌ها و یا عوامل استرس‌زا می‌پردازد. برای مثال ناامنی می‌تواند موجب نابودی منابع اقتصادی و سپس تشدید

\* محقق اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دانشجوی دکتری علوم

اقتصادی دانشگاه مازندران Gholizadeh@cbi.ir

1. a complex systems approach.

مجدد ناامنی اولیه گردد یا اینکه بالعکس در صورت وجود روحیه همکاری، سختی‌های اقتصادی کاهش می‌یابند و این خود مجدداً موجب تقویت روابط و همکاری‌های بعدی می‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به چنین استنباطی از مفهوم اقتصاد مقاومتی، هدف اصلی حرکت در راستای اقتصاد مقاومتی، ثبات‌بخشی به اقتصاد کلان معرفی می‌گردد که در بخش دوم بدان پرداخته می‌شود. در بخش سوم مفهوم اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش چهارم مباحث مربوط به سیاست‌گذاری عملی در راستای ثبات اقتصاد کلان ارائه می‌گردد. براین اساس سه حوزه ثبات مالی، پایداری بخش خارجی و پایداری بودجه‌ای دولت از اهمیت بسیاری برخوردارند. در بخش پنجم مقاله تجربه کشور در ارتباط با اقتصاد مقاومتی و دستاوردهای مرتبط با آن ارائه می‌گردد و در انتها در بخش ششم، جمع‌بندی از مباحث بیان می‌گردد.

## ۲. بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان و هزینه‌های ناشی از آن

واژه بی‌ثباتی<sup>۲</sup> در ادبیات اقتصادی مفهوم وسیعی را دربر می‌گیرد که هم تکانه‌های ناشی از شوک‌ها را شامل می‌شود و هم تغییرات غیرمترعارف برخی متغیرهای اقتصادی همچون نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله را دربر می‌گیرد. در مقالات مختلف، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحرافات متغیرهای اقتصادی، عدم امنیت اقتصادی و .. به‌عنوان بی‌ثباتی اقتصادی مطرح شده‌اند. بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه، فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند. این امر به‌ویژه در سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌های بلندمدت، کمک بسیاری به رشد پایدار اقتصادی می‌نماید. (دهقان منشادی، پروررجیم، ۱۳۹۲). در بررسی عوامل و دلایل بی‌ثباتی اقتصاد کلان چند تئوری مطرح شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دیدگاه کینزی، پولی، ادوار تجاری حقیقی و نیوکینزین‌ها می‌باشد. (Sameti et al., 2012) مطابق با دیدگاه کینزی بی‌ثباتی در اقتصاد کلان از دو عامل ناشی می‌شود؛ تغییر شدید در مخارج سرمایه‌گذاری که موجب تغییر در تقاضای کل می‌شود و دیگری شوک‌های وارد بر عرضه است که عرضه کل را تغییر می‌دهد. پولیون، بیان می‌کند سیاست پولی نامناسب اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان است. افزایش در عرضه پول، تقاضای کل را افزایش خواهد داد و در شرایط اشتغال کامل، سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد. گروهی از کلاسیک‌های جدید، علت بی‌ثباتی اقتصاد کلان را ادوار تجاری

1. bujones, et al., (2013).

2. Instability

می‌دانند که به‌وسیله عوامل واقعی ایجاد می‌شوند و عرضه کل را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در این نظریه، نوسانات از تغییرات معنادار در تکنولوژی و منابع در دسترس ناشی می‌شوند و بر بهره‌وری و روند بلندمدت عرضه کل اثر می‌گذارند. براساس دیدگاه نیوکینزین‌ها، شکست در هماهنگی<sup>۱</sup> به‌عنوان عامل بروز بی‌ثباتی کلان اقتصاد مطرح می‌گردد. براساس این نظریه، بی‌ثباتی اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که خانوارها و بنگاه‌ها به‌خاطر فقدان راهی برای هماهنگی عملکردشان نتوانند به یک تعادل دوجانبه سودمند دست یابند. براین‌اساس، بی‌ثباتی به‌معنای حرکت از یک وضعیت تعادلی به وضعیت دیگری است که براساس انتظارات جامعه ایجاد شده است.<sup>۲</sup>

اما ثبات اقتصاد کلان زمانی وجود خواهد داشت که متغیرهای کلیدی اقتصاد همچون تقاضای کل و تولید، درآمد دولت و مخارج، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تراز پرداخت‌ها در تعادل باشند. یک حد آستانه‌ای برای هر متغیر در ثبات یا بی‌ثباتی وجود ندارد، بلکه ترکیبی از متغیرهای کلیدی اقتصاد مفهوم بی‌ثباتی را نشان می‌دهند. مجموعه متغیرهایی همچون: تورم، رشد اقتصادی، کسری بودجه، کسری حساب جاری و حجم ذخایر بین‌المللی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان را نشان خواهند داد. برای مثال، ترکیبی از کسری شدید حساب جاری که از استقراض کوتاه‌مدت تأمین مالی می‌شود، سطح بالا و رو به رشد بدهی عمومی، نرخ تورم دو رقمی و کاهش تولید، یک اقتصاد بی‌ثبات را نشان می‌دهد. (Devarajan, et al., 1997)

نتایج مطالعات نشان می‌دهند بی‌ثباتی اقتصاد کلان با عملکرد ضعیف رشد اقتصادی همراه است. بدون ثبات اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و منابع سرمایه‌ای از کشور خارج می‌شوند. در واقع، مدل‌های سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خصوصی علاوه بر اثرپذیر بودن از رشد گذشته اقتصاد، نرخ بهره واقعی و اعتبار بخش خصوصی، به‌طور منفی از ناطمینانی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان اثر می‌پذیرد. بنابراین ثبات اقتصاد کلان، اساس موفقیت توسعه اقتصادی است. (Easterly and Kraay, 1999)

رشد پایین اقتصادی در کنار سایر جنبه‌های بی‌ثباتی اقتصادی کلان بر گروه‌های فقیر جامعه فشار اضافی وارد می‌کند. تورم مالیاتی است که به‌صورت نامتناسب بر گروه‌های کم‌درآمد جامعه تحمیل می‌شود. چون تورم ارزش واقعی دستمزدها و دارایی‌های گروه‌های کم‌درآمد را نسبت به پردرآمد بیشتر کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تورم مانعی برای رشد اقتصادی است. همچنین، رشد تولید پایین که معمولاً با بی‌ثباتی نیز همراه است، اثرات بلندمدتی بر فقر دارد؛ پدیده‌ای که از آن با عنوان

---

1. coordination failures.  
2. disputes over macro theory and policy, 2014.

«برگشت ناپذیری»<sup>۱</sup> یاد می‌شود. این پدیده معمولاً به صورت شوک سرمایه اجتماعی در فقرا خود را نشان می‌دهد. (Behrman, et al., 1999)

برخی دیگر از اقتصاددانان بر این اعتقادند که بی‌ثباتی اقتصاد کلان تشکیل سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. تئوری‌های سازگار با این نظریه بر اثرات مضر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری خصوصی و بهره‌وری متمرکز می‌شوند.

بی‌ثباتی اقتصاد کلان علاوه بر اینکه بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر می‌گذارد، بر سرمایه‌گذاری دولتی نیز مؤثر است. در حالی که افزایش ناطمینانی اصلی‌ترین عامل کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، کاهش توانایی مالی دولت، اصلی‌ترین دلیل کاهش سرمایه‌گذاری دولتی است. افزایش در بی‌ثباتی اقتصاد کلان، با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای دولت به تنگناهای مالی دولت منجر می‌شود. (Ismihan, et al., 2005)

با توجه به ابعاد منفی قابل توجه بی‌ثباتی اقتصاد کلان، اندیشیدن راهکارهایی در جهت مواجهه با علل ایجاد آن و نیز در صورت عدم امکان پیشگیری از وقوع عوامل، اندیشیدن رویکردهایی در جهت بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد بلندمدت آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از راهکارهای اساسی، بکارگیری رویکرد اقتصاد مقاومتی در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است.

### ۳. اقتصاد مقاومتی و ابعاد آن

چنانچه یک جامعه را مدنظر قرار دهیم آشکار است که جامعه واجد ابعاد مختلفی است که از این ابعاد به عنوان زیرسیستم‌های یک جامعه نام برده می‌شود. این زیرسیستم‌ها شامل اقتصاد، محیط زیست، سیاست، امنیت و زیرسیستم اجتماعی می‌شود.

زیرسیستم اقتصادی به ثروت و منابع یک کشور یا منطقه به‌ویژه از لحاظ مصرف، تولید کالاها و خدمات مربوط می‌شود. این زیرسیستم، بازیگران و نهادهای کلیدی اقتصاد در هر دو بخش خرد و کلان از کشاورز و خرده‌فروش تا نهادهای نظارتی و بانک‌های مرکزی را شامل می‌شود. زیرسیستم اقتصادی در درجه اول به عوامل مؤثر بر سطح معیشت پایدار<sup>۲</sup> توجه می‌کند؛ که به صورت تأمین نیازهای اولیه

۱. Hysteresis: در نظام‌های اقتصادی نشانه‌هایی از «برگشت‌ناپذیری» قابل مشاهده می‌باشد. با وجود این، موضوع «برگشت‌ناپذیری» بیشتر در مباحث بازار کار مطرح بوده است. در موقع بروز رکود اقتصادی و افزایش بیکاری، بخشی از نیروی کار اقتصاد به علت دوری از محیط کار، مهارت‌های فنی خود را از دست می‌دهند. این امر باعث می‌شود که در مراحل برگشت اقتصاد به مسیر رونق، این بخش از نیروی کار از دستیابی به فرصت‌های شغلی قبلی محروم شود. «برگشت‌ناپذیری» در توضیح عملکرد ضعیف بازار کار و تعدادی از کشورها در دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید. در این چارچوب، صرف افزایش رشد اقتصادی نمی‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد و لازم است برای مقابله با بیکاری، برنامه‌های آموزش مناسب به نیروی کار برای حفظ مهارت‌های فنی ارائه گردد.

زندگی به‌گونه‌ای که در بلندمدت پایدار باشد تعریف می‌شود. در اقتصاد بازار، زندگی بسیاری از مردم مستقیماً به حضور آن‌ها در بازار کار وابسته است و به‌طور غیرمستقیم به عرضه و تقاضای کالاها و خدمات ارتباط می‌یابد. این ساختار به‌طور پیچیده‌ای به تمام زیرسیستم‌های دیگر ارتباط می‌یابد و به‌خاطر ماهیتش به بسیاری از شوک‌ها حساس است.

مقاومت در زیرسیستم اقتصادی به توانایی مردم جهت کاهش، تعدیل و بازیابی خود از شوک‌های اقتصادی و عوامل استرس‌زا که سطح معیشت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد ارتباط می‌یابد. شوک‌های اقتصادی معمولاً موارد زیر را شامل می‌شوند:

• نوسانات قیمت داخلی و خارجی که از تغییر در تقاضای کالا و یا حباب‌های قیمتی بازار داخلی ناشی می‌شود.

• انحراف از مکانیزم بازار<sup>۱</sup> به دلیل اعمال مقررات جدید، تعرفه‌ها و یا تحریم‌های بین‌المللی.

در کنار این شوک‌ها، برخی عوامل استرس‌زا نیز وجود دارند که شامل؛ فقر گسترده، خطر جنگ، وابستگی به منابع طبیعی و کمک‌های خارجی می‌شود. این عوامل استرس‌زا مقاومت زیرسیستم اقتصادی را کاهش داده و ریسک مواجه شدن با شوک‌ها را افزایش می‌دهند.

کشورهای آسیب‌پذیر به دلیل محدودیت‌های تکنولوژیکی و پایین بودن سطح سرمایه‌های انسانی و فیزیکی معمولاً تولید ناخالص داخلی پایینی دارند. اقتصاد برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه نیز اتکای بالایی به صادرات منابع طبیعی و فروش مواد خام دارد، این اتکا موجب می‌گردد این کشورها بیشتر در معرض شوک‌های برون‌زای ناشی از تغییر در قیمت‌های بین‌المللی و تقاضا برای کالاها و صادراتی‌شان و نیز تحریم‌های مالی و اقتصادی احتمالی قرار گیرند.

در کشورهای در حال توسعه بر اثر شوک‌های اقتصادی برخی از عواملان اقتصادی به فروش دارایی‌های مولد خود اقدام می‌کنند، در نتیجه ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد آن‌ها در دوره‌های بعد کاهش می‌یابد و حتی در مقابل شوک‌های اقتصادی آتی آسیب‌پذیرتر خواهند بود. در کشورهای توسعه‌یافته، ابزارهای مالی و بیمه‌های تجاری زیادی وجود دارند که در صورت بکارگیری در کشورهای در حال توسعه، پوشش ریسک افراد در مقابل شوک‌های اقتصادی را فراهم می‌سازند. افزایش سهولت در دسترسی به اعتبارات<sup>۲</sup> در گروه‌های فقیر، مثالی از تکنیک‌های مقاومت اقتصادی رایج در کشورهای پیشرفته است که مقاومت اقتصادی فقرا را در شرایط آسیب‌پذیر افزایش می‌دهد.

سه دسته از عوامل شامل نهادها<sup>۳</sup>، منابع<sup>۴</sup> و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی<sup>۵</sup> را بایستی در تحلیل اقتصاد

---

1. market disruptions  
3. institutions  
5. adaptive facilitators

2. access to credit  
4. resources

مقاومتی مدنظر قرار داد. درست همانند عایق یک خانه، این عوامل به جوامع کمک می‌کنند تا در مقابل شوک‌ها مقاومت نمایند و به وضعیت قبل از شوک‌ها برگردند. این عوامل مقاومتی از حلقه‌های باز خوردی منفی<sup>۱</sup> که به وسیله شوک‌ها در سیستم پیچیده ایجاد می‌شوند جلوگیری می‌کنند و حلقه‌های باز خوردی مثبت<sup>۲</sup> را ایجاد و دائمی می‌کنند تا سازگاری و فرایند بهبود را تقویت نمایند. در ادامه به معرفی دقیق‌تر این حلقه‌ها پرداخته می‌شود. (hmelo-silver and azevedo, 2006)

### ۱.۳. نهادها

در هر کشوری، نهادهای رسمی و غیررسمی بر زندگی مردم حاکم هستند و روابط انسانی را شکل می‌دهند. نهادها می‌توانند رسمی و از بدنه دولت باشند که قوانین و مقررات مدیریت جامعه را تشکیل می‌دهند یا غیررسمی باشند و قواعد و ساختارهای جامعه مدنی را تنظیم کنند. نهادهای غیررسمی در کشورهای آسیب‌پذیر با اهمیت هستند؛ چون در این کشورها این نهادها جایگزین نهادهای رسمی می‌شوند و یا به‌طور همزمان با نهادهای رسمی فعالیت می‌کنند.

در خصوص نهادها دو مبحث اثربخشی و مشروعیت نهادها واجد اهمیت می‌باشند. نهادها عامل کلیدی برای مقاومت زیربخش‌های اقتصادی هستند. بدون نهادهای کارآمد، اقتصاد بازار از فقدان قوانین که عمدتاً بر آن متکی‌اند رنج می‌برند. نه تنها وجود نهادها با اهمیت است، اثربخشی و قانونی بودن<sup>۳</sup> آن برای مقاومت زیربخش‌ها مهم است. با توجه به فقدان نهادهای رسمی مؤثر و قانونی، فضا برای ظهور نهادهای غیررسمی فراهم می‌گردد. یک کشور ممکن است به‌خاطر سابقه طولانی نهادی، بر نهادهای غیررسمی تأکید کند؛ اگرچه این نهادها از همتایان رسمی ایده‌آل<sup>۴</sup> خود کارآمدی کمتری دارند، اما از نهادهای رسمی موجود کارآمدتر هستند. (frauke de weijer, 2013)

اثربخشی نهادهای اقتصادی به‌واسطه توانایی در اجرای یک نقش اقتصادی مفید تعیین می‌شود. در تجزیه و تحلیل اولیه بایستی مشخص شود چه نهادهایی برای معیشت جوامع مهم هستند. سپس بایستی نقش ایده‌آل (آرمانی) این نهادها در اقتصاد و وظیفه آن‌ها در افزایش مقاومت اقتصادی مشخص شود. برای مثال نهادهای مالی<sup>۵</sup> نه تنها نقش اساسی در فعالیتهای اقتصادی دارند، همچنین نقش مهمی نیز در مقاومت در برابر شوک‌های اقتصادی دارند. به‌عنوان مثال، در مواقع بروز شوک‌های اقتصادی و یا محیطی همچون بروز خشکسالی و کاهش جریان درآمدی کشاورزان، وجود نهادهای اعتباری<sup>۶</sup> رسمی یا غیررسمی به کشاورزان آسیب‌دیده کمک می‌کند تا از طریق تأمین مالی، بخشی از کاهش جریان

1. negative feedback loops

2. positive feedback loops

3. effectiveness and legitimacy

4. ideal formal counterparts

5. financial institutions

6. credit institutions

درآمدی را جبران نمایند.

مشروعیت<sup>۱</sup> نهادهای اقتصادی با اهمیت است و به کارایی آن‌ها نیز ارتباط می‌یابد. نهادهای اقتصادی نامشروع<sup>۲</sup> نه تنها به رسمیت شناخته نمی‌شوند، بلکه مقاومت اقتصادی جامعه را نیز کاهش می‌دهند. نهادهای اقتصادی نامشروع توسط جامعه کنار گذاشته می‌شوند و موجب وابستگی جامعه به نهادهای غیر رسمی با کارایی کمتر و در نتیجه کاهش مقاومت اقتصادی می‌شوند. (Aditya, et al. 2010)

### ۲.۳. منابع

از جمله موارد مرتبط با منابع در مبحث اقتصاد مقاومتی علاوه بر منابع پولی می‌توان به تورهای حمایت مالی دولت<sup>۳</sup>، اطلاعات، زیرساخت‌ها، بودجه‌های دولت و آموزش و پرورش نیز اشاره نمود. نکته با اهمیت در تجزیه و تحلیل مقاومت، بررسی چگونگی مقاومت منابع اقتصادی در مقابل شوک‌ها، عملکرد منابع اقتصادی در کاهش، تعدیل یا بازیابی خود پس از وقوع شوک‌ها، تنوع منابع اقتصادی جامعه و وجود منابع مازاد پشتیبان<sup>۴</sup> در زمان مورد نیاز می‌باشد.

دردسترس بودن<sup>۵</sup> منابع اقتصادی، میزان واقعی منابع موجود در جامعه را نشان می‌دهد. برای مثال نفت خام یکی از منابع مهم اقتصادی برای اقتصادهای تک‌محصولی صادرکننده نفت محسوب می‌شود. در این شرایط، آگاهی از تحولات قیمتی نفت خام طی زمان مشخص خواهد نمود که در مواقع بروز شوک و یا عوامل استرس‌زا مانند جنگ، به چه میزان می‌توان به منابع مالی حاصل از آن اتکا داشت.

عملکرد منابع اقتصادی همانند دردسترس بودن منابع اقتصادی، عامل مهمی در کمک به مقاومت اقتصادی است. هرچه منابع اقتصادی وظایف خود را بهتر انجام دهند، به میزان بیشتری به مقاومت اقتصادی کمک می‌کنند. (Longstaff, et al., 2013)

علاوه بر اندازه منابع اقتصادی، تنوع این منابع<sup>۶</sup> نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. تنوع زیاد محصولات، خانوار یا جامعه را در مقابل شوک‌های قیمتی مقاوم‌تر می‌کند.

مفهوم بسیار نزدیک به تنوع منابع اقتصادی، مازاد منابع اقتصادی<sup>۷</sup> است که به معنای اضافه مقدار از یک منبع مشابه است که عملکرد یکسانی را انجام می‌دهد. برای مثال، در کشورهای واردکننده نفت، افزایش قیمت نفت به‌طور قابل توجهی بر بازار داخلی اثر خواهد گذاشت. حال اگر کشور از ذخیره نفتی مناسبی برخوردار باشد، مقاومت آن در برابر جهش‌های موقتی قیمت نفت نیز بالا خواهد بود.

---

1. legitimacy  
3. government financial safety nets  
5. availability  
7. economic resource redundancy

2. illegitimate economic institutions  
4. redundant backup resources  
6. economic resource diversity



### ۳.۳. تسهیل‌کننده‌های تطبیقی

تسهیل‌کننده‌های تطبیقی شبکه‌ها، رفتارها، هنجارها، نوآوری و حافظه نهادی کشور است که در مقاوم‌ساختن کشور در مواجهه با شوک‌های اقتصادی یا عوامل استرس‌زا نقش مثبتی را ایفا می‌کند. شبکه‌ها و ارتباطات، گره‌های افقی و عمودی اقتصادی در جامعه هستند و به مقاومت ارتباط می‌یابند. جوامع مقاوم اقتصادی به‌طور معمول توسط ارتباطات قوی درون جامعه شناسایی می‌شوند. در این جوامع افراد و خانوارها به یکدیگر در زمان مشکلات و بروز شوک‌های اقتصادی و عوامل استرس‌زا کمک می‌کنند. روابط درون جامعه معمولاً از ابتدا به‌خاطر وجود سازمان‌های اقتصادی اجتماعی فعال مانند تعاونی‌های اعتباری درک می‌شود. روابط اقتصادی عمودی که جوامع را به دولت‌ها ارتباط می‌دهند، عمدتاً به‌واسطه گسترش و استفاده نهاد‌های دولتی قانونی در جوامع ایجاد می‌شوند. روابط عمودی به‌واسطه اعتماد رشد می‌کند و می‌تواند به اعتماد بیشتر و روابط نزدیک‌تر میان دولت و شهروندان منجر شوند. مقاومت به‌واسطه این ارتباطات که مکانیزم‌های پاسخ‌دهی کارآمدتر و سریع‌تری به شوک‌های اقتصادی ایجاد می‌کند افزایش می‌یابد.

نگرش‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و هنجارها، تسهیل‌کننده‌های تطبیقی اقتصادی هستند که بر روشی که جامعه با شوک‌های اقتصادی مواجه می‌شود اثر می‌گذارند. برای مثال، فساد یک رفتار است که مقاومت را کاهش می‌دهد؛ درحالی‌که حس تعلق به اجتماع<sup>۱</sup> ارزشی است که مقاومت را افزایش می‌دهد. به‌طور معمول، نگرش‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهایی که تغییرات را منع می‌کنند، رشد روحیه مقاومتی را تضعیف می‌کند. (Frauke De Weijer, 2013)

نوآوری<sup>۲</sup> به‌عنوان تسهیل‌کننده تطبیقی، به انگیزه و توان خانوارها، بنگاه‌ها و دولت برای مواجهه و بهبود شوک‌ها ارتباط می‌یابد. هر کشور و جامعه‌ای با شوک‌های مختلفی مواجه می‌شود و طیف‌های مختلفی از نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی برای مواجهه با آن‌ها در اختیار دارد. هنگامی که کشورها و جوامع با شوک‌های تکراری و پایداری مواجه می‌شوند، فضای خوبی جهت توسعه روش‌های نو جهت مواجهه و بهبود شوک‌ها ایجاد می‌شود. توانایی کشورها برای نوآوری تا حد زیادی به عوامل تاریخی وابسته است.

حافظه نهادی در سیستم اقتصادی به عملکرد و روش‌های خاصی که در عادات و یا اسناد جامعه مکتوب شده ارتباط می‌یابد. این حافظه نهادی، مزایا و خطرات یک واکنش خاص اقتصادی در مواجهه با شوک‌های تاریخی را به نسل آینده یادآوری می‌کند. هنگامی که جامعه گزینه‌های اقتصادی را انتخاب می‌کند که منجر به تکرار خطاهای قبلی می‌شود و جامعه را نسبت به شوک‌های تکراری تاریخی نامقاوم

1. a sense of community

2. innovation



می‌سازد، همه چیز ناامیدکننده می‌شود. حافظه نهادی برای یادگیری از اشتباهات گذشته و موفق بودن در کاهش، تعدیل و بازیابی از شوک‌ها با اهمیت می‌باشد. تجزیه و تحلیل حافظه نهادی می‌تواند به بررسی روش‌های گذشته در مواجهه با شوک‌ها اختصاص یابد. (Bujones, et al., 2013)

#### ۴.۳. تجزیه و تحلیل اقتصاد مقاومتی

سه مرحله برای تجزیه و تحلیل مقاومت جامعه و در مفهوم کلی‌تر کشور ضروری است. اولین قدم تجزیه و تحلیل متنی یا محتوایی<sup>۱</sup> است. تجزیه و تحلیل محتوایی، تاریخ یک کشور، بازیگران اصلی، ساختارها و جوامع را برای تعیین واکنش‌های متفاوت آن‌ها در مقابل شوک‌ها بررسی می‌کند و حوزه‌های تحقیقاتی برای تجزیه و تحلیل‌های عاملی بعدی را شناسایی می‌کند. این رویکرد موجب می‌گردد تا یک موضوع را در جایگاه تاریخی و فرهنگی آن ارزیابی نماییم.

دومین قدم، تجزیه و تحلیل عاملی<sup>۲</sup> است که برای این منظور عملکرد نهادها، قانونی بودن آن‌ها، در دسترس بودن، کارایی، تنوع و فراوانی منابع و همچنین تسهیل‌کننده‌های تطبیقی به‌عنوان شبکه‌ها، ارزش‌ها، قواعد، رفتارها، نوآوری و حافظه نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مرحله سوم به تجزیه و تحلیل مقاومت می‌پردازد، که هر دو تجزیه و تحلیل متنی و عاملی را ترکیب می‌کند. این ساختار، چگونگی قرار گرفتن جامعه در مقابل شوک‌ها و توانایی جامعه برای کاهش اثرات آن، سازگاری و بهبود شرایط را ارزیابی می‌کند. (همان) در بررسی حاضر با در نظر گرفتن ضمنی چنین چارچوبی مباحث ارائه شده‌اند.

#### ۴. ثبات اقتصاد کلان در چارچوب اقتصاد مقاومتی

در تجزیه و تحلیل متنی اقتصاد مقاومتی و نهایتاً دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار، در ابتدا ضروری است تا شوک‌های وارده به اقتصاد کشور شناسایی شوند و به خواستگاه شوک‌ها نیز توجه گردد. برای مثال بحران آب یکی از مسائلی است که در گستره محیط زیست مطرح می‌گردد، اما دامنه اثرگذاری آن اقتصاد کشور را دربر می‌گیرد. شوک‌های ناشی از تحریم‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی، بلایای طبیعی نظیر (سیل، زلزله و ...)، شوک‌های طرف عرضه و تقاضای اقتصاد (هدفمندسازی یارانه‌ها، بحران‌های بانکی، و ...) و شوک‌های ناشی از سیاست‌های اشتباه که در برخی از موارد موجب فساد مالی گسترده می‌گردند را می‌بایستی در تجزیه و تحلیل متنی مورد بررسی دقیق قرار داد.

در ادامه در حوزه اقتصاد مقاومتی استراتژی‌ها و برنامه‌ها بایستی به‌گونه‌ای به کار گرفته شوند که در

1. analysis contextual

2. factor analysis

صورت بروز تکانه‌های مختلف، اقتصاد با حداقلی از وقفه بتواند خود را با شرایط جدید به‌گونه‌ای تطبیق دهد که شاخص‌های اقتصادی به روند گذشته خود (پیش از بروز شوک) بازگشت کنند و ثبات پایدار در اقتصاد کلان کشور جریان داشته باشد. (Hill, et al., 2011)

از آنجا که ثبات اقتصاد کلان یکی از اصلی‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی است؛ نتایج دستیابی به اقتصاد مقاومتی یا به‌عبارتی دیگر دستیابی به ثبات اقتصاد کلان کشور با بررسی سه حوزه پایداری مالی (بودجه‌ای)، پایداری خارجی و ثبات مالی امکان‌پذیر خواهد بود که در ادامه این سه حوزه معرفی می‌شوند.<sup>۱</sup>

#### ۱.۴. پایداری مالی (بودجه‌ای) دولت

پایداری مالی با وجود رابطه باثبات بلندمدت میان مخارج و درآمدهای دولت قابل‌تعریف است و باید در اهداف سیاست مالی اقتصاد بر پایه صیانت از ثروت ملی نفت تدوین گردد. جهت حفظ این ثروت ملی، مصرف هر دوره زمانی تنها باید به درآمد دائمی محدود گردد؛ یعنی در هر دوره زمانی، مصرف ملی معادل بازده ناشی از ثروت نفت باشد. از این رو، کاهش نوسان مخارج دولت با برقراری جریان ثابتی از منابع درآمدی به بودجه و اختصاص باقی آن به خارج از جریان‌های داخلی اقتصاد برای آیندگان، هدف بسیاری از کشورهای نفتی است.

یکی از موضوعات مورد توجه در بحث اقتصاد مقاومتی، بکارگیری شاخص‌هایی است که بتواند درجه آسیب‌پذیری اقتصاد را نشان دهد؛ تا بدین وسیله بتوان مشخص نمود که اقتصاد در چه زمینه‌هایی در معرض آسیب قرار دارد و با چه اولویت و میزانی باید آن را مقاوم‌سازی نمود. بدین جهت می‌توان اقتصاد را به بخش‌های مختلف تقسیم نمود و با ارزیابی شاخص‌های مرتبط با هر بخش، میزان آسیب‌پذیری اقتصاد را در آن بخش مورد سنجش قرار داد.

#### ۲.۴. پایداری بخش خارجی

ارزیابی پایداری بخش خارجی اقتصاد ابعاد و جنبه‌های گوناگونی دارد. معمولاً در تحلیل‌های جامع پایداری بخش خارجی، به وضعیت قابل‌تداوم اجزای حساب جاری و نیز وضعیت بازار ارز و مقاومت آن در مقابل فشارهای وارده، توجه می‌شود. عمده نکات تحلیلی مورد توجه در خصوص پایداری بخش خارجی اقتصاد به وضعیت میان‌مدت تراز پرداخت‌های خارجی، مانده بدهی‌های خارجی (یا خالص تعهدات خارجی) در افق میان‌مدت و سطح مناسب نرخ ارز متناسب با مقتضیات اقتصاد اختصاص می‌یابد. این

۱. بانک مرکزی، کمیته اجرایی نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه پولی و بانکی کشور، ۱۳۹۳.

سطح از نرخ ارز باید ارتباط منطقی میان متغیرهای جریانی و موجودی بخش خارجی اقتصاد را برقرار کند و به کشش‌پذیری جریان‌های تجاری نیز توجه ویژه داشته باشد.

### ۳.۴. ثبات مالی

ثبات مالی یک مفهوم چندبعدی است و مقاومت در برابر وقوع شوک‌ها، عدم وجود نوسانات مالی و عملکرد روان سیستم اقتصادی را دربر می‌گیرد. تعاریف متعددی نیز از این مفهوم ارائه شده است. مطابق با تعریف "بانک مرکزی اروپا"<sup>۱</sup>، ثبات مالی بیانگر شرایطی است که در آن اجزای مختلف نظام مالی شامل واسطه‌گرهای مالی، معامله‌گران و بازارهای مالی، قادر به ایستادگی در برابر شوک‌های وارده و مرتفع کردن عدم توازن‌های ناشی از آن در یک دوره کوتاه هستند؛ به گونه‌ای که شوک‌های وارده باعث ازهم‌گسیختگی شدید واسطه‌گری مالی و اختلال در تخصیص پس‌اندازها به سمت فرصت‌های سودده سرمایه‌گذاری نمی‌شوند. در تعریف دیگری از "بانک مرکزی نروژ"<sup>۲</sup>، ثبات مالی وضعیتی است که سیستم مالی در مقابل اختلال‌های وارد بر اقتصاد مقاوم بوده و حتی در زمان وقوع بحران قادر به واسطه‌گری مالی (در سطح مطلوب)، انجام پرداخت‌ها و بازتوزیع ریسک به شکل مطلوب می‌باشد.

## ۵. تجربه ایران در راستای اقتصاد مقاومتی

### ۱.۵. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

تجربیات ایران در زمینه اقتصاد مقاومتی را می‌توان در طول تاریخ جست‌وجو نمود. برای مثال هنگام ملی‌شدن صنعت نفت و مجموعه اقدامات و سیاست‌های اقتصادی مربوط به آن دوره یا دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی، مملو از سیاست‌ها و اقداماتی است که جملگی در راستای اقتصاد مقاومتی تنظیم و اجرا شده‌اند. اما در سال‌های اخیر با تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌های ظالمانه موجب توجه و تأکید بیشتری بر اندیشیدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط دستگاه‌های مختلف کشور گردید. برای این منظور می‌توان به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره داشت که رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاست‌های مذکور را براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد، را با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ نمودند.<sup>۳</sup>

1. european central bank

2. noregs bank

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>

## ۲.۵. سیاست‌های بانک مرکزی در تحقق چارچوب سند اقتصاد مقاومتی

براساس ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، بانک مرکزی نیز به‌عنوان یکی از دستگاه‌های مهم سیاست‌گذار با تشکیل کارگروه مربوطه درصدد دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی (که ثبات اقتصاد کلان عمده هدف آن است) بوده است.<sup>۱</sup>

### هدف کلی: ایجاد ثبات و پایداری اقتصاد کلان

#### ارتقای شاخص‌های ثبات مالی

۱. ثبات قیمتی و مهار تورم.
۲. ایجاد ثبات پایدار در نظام مالی اقتصاد به‌منظور بهبود خدمت‌رسانی به تولید و کاهش آسیب‌پذیری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در برابر انواع ریسک.
- بهبود پایداری بخش خارجی اقتصاد
۳. کاهش دامنه نوسان نرخ ارز و ارتقای شفافیت و کارایی بازار ارز در تأمین نیازهای تولیدی و تجاری.

#### هدف ۱: ثبات قیمتی و مهار تورم

- سیاست ۱: رعایت هماهنگی در سیاست‌گذاری پولی، ارزی، اعتباری و بودجه‌ای جهت حفظ ثبات اقتصاد کلان
- اجتناب از سرکوب مستمر قیمت‌ها و نرخ‌های کلیدی در اقتصاد.
  - بسترسازی برای افزایش تأثیربخشی سیاست‌های پولی از طریق انتظام‌بخشی به بازار پول و سامان‌دهی مؤسسات اعتباری غیرمجاز.
  - احتراز از روش‌های تأمین مالی مبتنی بر منابع بانک مرکزی و کاهش مانده بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی.
  - موکول‌شدن تسهیلات اعطایی نظام بانکی به پذیرش گزارش توجیه فنی، مالی و اقتصادی طرح و پیشگیری از افزایش مطالبات معوق و غیرجاری نظام بانکی.
  - تنظیم سیاست‌های ارزی سازگار با اقتضات اقتصاد کلان و در راستای عدم انباشت ناترازی در نرخ ارز.

#### هدف ۲: ایجاد ثبات پایدار در نظام مالی اقتصاد به‌منظور بهبود خدمت‌رسانی به تولید و کاهش

#### آسیب‌پذیری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در برابر انواع ریسک

- سیاست ۱: حذف زمینه‌های سرکوب مالی و تقویت فرایند واسطه‌گری مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
- اصلاح رویکردهای دستوری در مدیریت نظام بانکی و اعطای اختیارات کافی به بانک‌ها متناسب با برنامه‌ها و اقتضات نظام اقتصادی.

۱. بانک مرکزی، کمیته اجرایی‌نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه پولی و بانکی کشور، ۱۳۹۳.

- اصلاح رابطه مالی دولت با بانک‌ها از طریق کاهش تکالیف و اجتناب از تأمین مالی سیاست‌های حمایتی دولت از منابع بانک‌ها و ایفای مؤثر نقش حاکمیتی.
- لحاظ یارانه نرخ سود در بودجه دولت به منظور تأمین مابه‌التفاوت نرخ سود مورد عمل بانک‌ها و نرخ سود ترجیحی پروژه‌ها و بخش‌های اقتصادی مورد حمایت دولت (بخش دوم ماده ۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه).

#### سیاست ۲: ارتقای سلامت مالی و بهبود کیفیت ترازنامه بانک‌ها متناسب با استانداردها

- افزایش سرمایه در بانک‌های دولتی، تشویق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی به افزایش نسبت کفایت سرمایه و بهبود دیگر نسبت‌های نظارتی و مدیریت مؤثرتر ریسک.
- تدوین برنامه عملیاتی حل و فصل مطالبات غیرجاری بانک‌ها با مشارکت سایر قوا.
- کاهش سهم دارایی‌های ثابت بانک‌ها و واگذاری اموال مازاد.
- افزایش کارآمدی نظام بانکی در جذب و تجهیز منابع و اعطای تسهیلات.
- اعطای تسهیلات به طرح‌های دارای سطح مشخصی از آورده متقاضی مشروط به ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده.

#### سیاست ۳: تقویت نظارت بر بخش پولی و بانکی

- تکمیل پوشش نظارتی و مقرراتی بانک مرکزی بر فعالیت کلیه مؤسسات پولی و بانکی و هدایت مؤسسات فاقد مجوز به طی نمودن تشریفات قانونی لازم.
- ممانعت از ورود نهادهای غیرمسئول به حوزه وظایف و اختیارات بانک مرکزی.
- الزام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به ایجاد ساختارها و فرایندهای لازم برای مدیریت مؤثر انواع ریسک و رعایت اصول راهبردی حاکمیت شرکتی.
- تقویت نظام اعتبارسنجی مشتریان به منظور کاهش ریسک‌های مترتب بر فعالیت بانک‌ها و مدیریت مطالبات غیرجاری بانک‌ها.
- افزایش پوشش آماری و سطح تفصیل دسترسی بانک مرکزی به اطلاعات پولی و بانکی، به منظور ارتقای شفافیت عملکرد بانک‌ها و تحلیل سلامت نظام مالی.

#### سیاست ۴: اصلاح و روزآمدن چارچوب بازار بین بانکی

- کنترل دامنه نرخ معاملات بازار به منظور هدایت نرخ سود تسهیلات.
- تدوین مقررات سپرده‌گذاری بانک مرکزی در بازار بین بانکی به منظور اعمال مؤثرتر سیاست‌های پولی.

- ترغیب بانک‌ها به ایفای نقش فعال‌تر در بازار بین بانکی از طریق سپرده‌گذاری و سپرده‌پذیری به‌منظور گسترش عمق و وسعت عمل بازار بین بانکی.
- الزام بانک‌ها به بهبود مدیریت نقدینگی و رفع نیازهای کوتاه‌مدت خود از بازار بین بانکی (جلوگیری از اضافه‌برداشت از بانک مرکزی).

#### سیاست ۵: ارتقای تعاملات و بهبود توازن بازارهای پول و سرمایه در حوزه تأمین مالی

- اصلاح تمرکز نظام تأمین مالی از بانک‌محوری و تنوع بخشی به منابع و شیوه‌های تامین مالی اقتصاد با رویکرد افزایش نقش‌آفرینی ابزارهای متنوع بازار سرمایه در تأمین مالی اولیه و بلندمدت تولید.
- بازنویسی دستورالعمل اجرایی انتشار انواع صکوک اسلامی (ارزی و ریالی) و برطرف‌نمودن موانع اجرایی صکوک (حذف مالیات بر نقل و انتقال دارایی‌ها) و سایر ابزارهای تأمین مالی اسلامی.

#### سیاست ۶: بهبود وضعیت دسترسی عموم به تأمین مالی خرد

- استفاده از روش‌های جدید برای بهبود پوشش تأمین مالی خرد متناسب با نیازها و تسهیل فرایند اعطای اعتبارات خرد.
- سامان‌دهی منابع و مصارف قرض‌الحسنه بانک‌ها.
- بازنگرایی، اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های بانکی با هدف بهبود خدمت‌رسانی.

#### سیاست ۷: شفاف‌سازی عملیات بانکی و کاهش زمینه‌های فساد

- افزایش پوشش آماری و سطح تفصیل دسترسی بانک مرکزی به اطلاعات پولی و بانکی، به‌منظور ارتقای شفافیت عملکرد بانک‌ها و تحلیل سلامت نظام مالی.
- ایجاد امکانات سیستمی لازم برای ارائه خدمات بانکی و تبادلات مالی تمام الکترونیکی برای دولت، خزانه‌داری کل، دستگاه‌های دولتی، ذی‌حسابی‌ها و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تطبیق عملیات پرداخت الکترونیکی با ضوابط مبارزه با پولشویی.
- بسترسازی برای تبدیل کلیه مکاتبات و مراودات میان بانک‌ها و بانک مرکزی در فضای الکترونیکی ایمن.

#### هدف ۳: کاهش دامنه نوسان نرخ ارز و ارتقای شفافیت و کارایی بازار ارز در تأمین نیازهای

##### تولیدی و تجاری

- سیاست ۱: ایجاد ثبات پایدار در بازار ارز، مهار تلاطم‌های ارزی و گذر به نظام نرخ ارز یکسان (شناور مدیریت‌شده) پس از تأمین پیش‌نیازهای ضروری
- سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به بازار غیررسمی ارز.

- بهبود قدرت مداخله مؤثر بانک مرکزی در بازار ارز از طریق بهبود کیفیت ذخایر این بانک و کاهش ریسک‌های مترتب بر آن.
- بهینه‌سازی ترکیب و میزان دسترسی به ذخایر خارجی بانک مرکزی با هدف تقویت قدرت مداخله مؤثر در بازار ارز.
- پایش مستمر و بهبود نسبت کفایت ذخایر خارجی.
- ایجاد سامانه‌ای واحد با مشارکت بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت صنعت، معدن و تجارت برای شفاف و قابل‌پایش نمودن مصارف ارزی در اقتصاد.

#### سیاست ۲: تسهیل نقل و انتقالات ارزی و روان‌سازی جریان صادرات و واردات کالا و خدمت با هدف کاهش تمرکز الگوی تجاری

- بازنگری در مقررات، رویه‌ها و سازوکارهای بانکی ناظر بر انجام عملیات تجاری به‌منظور تسهیل نقل و انتقال ارز حسب منابع ارزی در اختیار بانک مرکزی
- مذاکره به‌منظور افزایش تعداد کارگزاران بانکی خارجی و جلب نظر بانک‌های کشورهای هدف به‌منظور احیای مجدد روابط کارگزاری با بانک‌های ایرانی.

- سیاست ۳: افزایش تنوع روش‌های تأمین منابع ارزی اقتصاد به‌منظور کاهش آسیب‌های این حوزه
- ورود به بازار جهانی سرمایه و مالی در صورت رفع تحریم‌های بین‌المللی.
- استفاده بهینه و مدیریت‌شده از منابع آزادشده در جریان مذاکرات برای تأمین مالی نیازهای وارداتی بخش تولید.

#### ۳.۵. تحقق ثبات متغیرهای اقتصاد کلان در چارچوب سند اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که در بخش ابتدایی مقاله نیز بیان گردید، ثبات اقتصاد کلان را می‌توان در سایه ثبات چندین متغیر اقتصادی از جمله: نرخ ارز و تغییرات آن، تورم پایین، کاهش و دستیابی به رشد اقتصادی مثبت جست‌وجو نمود. از این‌رو در ادامه، به بررسی وضعیت متغیرهای اساسی بعد از اعمال تحریم‌های بین‌المللی و درپیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی جدید پس از ابلاغ و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

#### ۱.۳.۵. روند نرخ ارز و ضریب تغییرات آن

یکی از علایم مهم ثبات بازار، روند معقول و قابل‌اتکای نرخ ارز است. یکی از مشکلات حاد اقتصاد در چند سال گذشته، ریسک بسیار بالای ناشی از نوسان مداوم نرخ ارز در بازار غیررسمی بود که نهایی نمودن محاسبات قیمت تمام‌شده را در فعالیت‌های تجاری و تولیدی- سرمایه‌گذاری بسیار دشوار

می‌کرد. نوسان بیش از حد نرخ ارز سبب شد قیمت برخی کالاها که ارتباط روشن و شاخص‌بندی‌شده‌ای<sup>۱</sup> با نرخ ارز داشتند، به‌طور لحظه‌ای تغییر کند. این موضوع نه تنها سبب از دست رفتن شفافیت بازارها شد، بلکه اطمینان در معاملات را نیز مخدوش نمود.



شکل ۱. نرخ دلار بازار آزاد (ریال) و ضریب تغییرات آن  
 مأخذ: بانک مرکزی

اما طی ماه‌های اخیر نوسانات بازار ارز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است که بی‌شک جو روانی مثبت ناشی از تحولات مثبت روابط خارجی، توافقات هسته‌ای و آزادسازی بخشی از ذخایر ارزی بلوکه‌شده بانک مرکزی نقش قابل توجهی در این زمینه داشته است. به طوری که انحراف معیار نرخ دلار در بازار غیررسمی در دوازده‌ماهه منتهی به دی سال ۱۳۹۳ در مقایسه با دوازده‌ماهه پیش از آن، به میزان ۴۳/۳ درصد کاهش داشت. این تنزل در انحراف معیار، به خوبی بیانگر کاهش قابل ملاحظه نااطمینانی در بازار ارز و تبدیل تلاطم بازار ارز در سال ۱۳۹۱ به نوسان محدود در سال ۱۳۹۲ و ماه‌های گذشته سال ۱۳۹۳ است. آثار مثبت این تغییر شرایط در بازار ارز نه تنها در کاهش شتاب افزایش قیمت‌های داخلی کالاها و خدمات محسوس بود، بلکه سبب شد از میزان ریسک مربوط به فعالیت‌های تولیدی، تجاری و سرمایه‌گذاری که وابستگی قابل توجهی به ارز و نرخ ارز آن در محاسبات هزینه-فایده خود دارند کاسته شود.

1. indexed

### ۲.۳.۵. روند تورم و رشد اقتصادی

مهم‌ترین آسیب‌پذیری نظام اقتصادی کشور در شرایط پس از تحریم‌های بین‌المللی، شدت گرفتن تورم و خیز بالای شاخص‌های پیشرو در این زمینه بوده است. در ابتدای شروع تحریم‌ها، نرخ تورم به دلیل حملات سفته‌بازانه به بازار ارز و پایدارماندن نرخ بالای دلار و البته برخی عوامل هیجانی، با شتاب بالایی در حال افزایش بود. اما با روی کار آمدن دولت جدید، رعایت انضباط بودجه‌ای، پایین‌بندی بانک مرکزی به اصول انضباط پولی و خودداری از تزریق بلاوجه و انبساطی پایه پولی، آرامش بازار ارز در سایه پیشرفت‌های حاصله در تنش‌زدایی از تعاملات بین‌المللی، مهار انتظارات تورمی و بهبود چشم‌انداز آتی اقتصاد ایران، از شتاب کلیه شاخص‌های قیمتی اقتصاد به‌نحو محسوس کاسته شد. (شکل ۲)



شکل ۲. روند تورم نقطه‌به‌نقطه  
(هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل: درصد)  
مأخذ: بانک مرکزی

رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) از متغیرهای اساسی است که روند کلی حرکت اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد رشد اقتصادی در ایران در طول دو سال گذشته با نرخ رشد منفی مستمر مواجه بوده است.



شکل ۳. رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ (هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل: درصد)  
 مأخذ: بانک مرکزی

بر اساس محاسبات مقدماتی، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ در سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۳، رشد ۴/۴ درصدی را نشان داد. همچنین در دومین فصل سال جاری نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۳/۷ درصد بود. لازم به ذکر است که تولید ناخالص داخلی در فصل‌های اول و دوم سال ۱۳۹۲، به ترتیب به میزان ۴/۱ درصد و ۰/۹ درصد کاهش یافته بود. بر این اساس می‌توان گفت که اقتصاد ایران پس از یک دوره رکود طولانی، در شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۳ بهبود معنی‌داری را تجربه و دوره رونق نسبی را شروع نموده است.

شروع رشد مثبت اقتصادی در کنار کاهش قابل‌ملاحظه تورم نشان می‌دهد که اقتصاد ایران طی یک سال گذشته با بکارگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در جهت صحیح گام برداشته است و این امیدواری وجود دارد که با استمرار سیاست‌های صحیح، ثبات بخش اقتصادی و بهبود فضای کلی اقتصاد و کسب و کار، شاهد تداوم و تقویت این روند و بهبود هرچه بیشتر عملکرد فعالیت‌های اقتصاد کشور باشیم.

## ۶. جمع‌بندی

نگرش اقتصاد مقاومتی در واقع به‌دنبال فهم شوک‌های سیستمی است که جامعه با آن‌ها مواجه می‌گردد و سازوکارهایی به جوامع ارائه می‌دهد تا در برابر شوک‌ها مقاومت کنند. درحالی‌که شوک‌ها می‌توانند طبیعی یا ساخته دست بشر باشند، همواره قابل‌پیش‌بینی و یا جلوگیری نیستند، ترجمه مفهوم مقاومت به

یک چارچوب قابل تجزیه و تحلیل، می‌تواند دولت‌ها و جوامع را مسلح به ابزارهایی برای واکنش نسبت به شوک‌ها نماید و در نهایت آسیب‌پذیری جوامع را طی زمان کاهش دهد. در بلندمدت، یک جامعهٔ مقاوم‌تر ذاتاً نجات خواهد یافت و از طریق بکارگیری سازوکارهایی در برابر شوک‌ها، به‌شیوه‌ای پایدار استقامت خواهد نمود. به این ترتیب، منابع انسانی، فیزیکی و مالی آن در طی زمان کاهش نخواهد یافت. چارچوب ارائه‌شدهٔ یک ابزار عملی برای تجزیه و تحلیل مقاومت و اقدام با اولویت است و ظرفیت‌های بومی و درون‌زایی را برای مواجهه با شوک‌ها ایجاد می‌کند. چنین رویکردی یک ابزار اندازه‌گیری کمی برای ارزیابی مقاومت نیست؛ بلکه تجزیه و تحلیلی کیفی است که عواملی را که منجر به مقاومت می‌گردند ارزیابی می‌کند.

در ارتباط با سیاست‌ها و اهداف بانک مرکزی در راستای اقتصاد مقاومتی همان‌طور که ملاحظه گردید دو هدف پایداری بخش خارجی و ثبات مالی از اهمیت بسیاری برای این بانک برخوردارند که به‌خصوص در ارتباط با پایداری بخش خارجی، کاهش ریسک‌ها و افزایش فرصت‌ها در این بخش نیازمند تلاش مستمر کلیهٔ نقش‌آفرینان این حوزه است. براین‌اساس، نقش فعالان اقتصادی و سیاسی کشور در خارج مرزها از اهمیت بسیاری برخوردار می‌گردد. در این راستا، لازم است سیاست‌ها و تمایلات دولت تدبیر و امید که ناظر بر حفظ احترام متقابل و روابط اقتصادی متناسب با منافع کشور می‌باشد در آن سوی مرزها اطلاع‌رسانی و به‌نحو شایسته‌ای دنبال گردد. مطمئناً از این مجرا نیز گام مهم دیگری در راستای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی برداشته خواهد شد.

## منابع

بانک مرکزی، کمیتهٔ اجرایی‌نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزهٔ پولی و بانکی کشور، (آبان ۱۳۹۳). گزارش «داخلی اهداف و مقررات بانک مرکزی در راستای اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی».

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>

دهقان منشادی، محمد، و پروین پوررحیم (۱۳۹۲). «رابطهٔ بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامهٔ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۶۷، ص ۱۷۱-۱۹۲.

Aditya Bahadur, Maggie Ibrahim and Thomas Tanner, (2010), The Resilience Renaissance? Unpacking of Resilience for Tackling Climate Change and Disasters. Discussion Paper. Strengthening Climate Resilience (United Kingdom: September, 15).

Behrman, J., Duryea, S and Szekely, M. (1999), Schooling Investments and Macroeconomic Conditions: A Micro-Macro Investigation for Latin America and the Caribbean. Inter-American Development Bank. Mimeo.

Brigulio, Lino, Cordina, Gordon, Farrugia, Nadia and Stephanie Vella, (2008),



- Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements, World Institute for Development Economic Research, Research Paper No. 2008/55.
- Bujones, Alejandra Kubitschek, Katrin Jaskiewicz, Lauren Linakis and Michael McGirr, (2013), A Framework for Analyzing Resilience In Fragile and Conflict-Affected Situations, Columbia University, Economic and Political Development.
- Devarajan, S, Swaroop, V., and Zou, H. (1997). The Composition of Public Expenditure and Economic Performance. *Journal of Monetary Economics*, 37.
- Disputes over Macro Theory and Policy - McGraw-Hill, (2014), from: [http://highered.mcgraw\\_hill.com/sites/dl/free/0070886695/37629/Macro\\_int01.pdf](http://highered.mcgraw_hill.com/sites/dl/free/0070886695/37629/Macro_int01.pdf)
- Drazen, A. (2000). *Political Economy in Macroeconomics*. N.J.: Princeton University Press.
- Easterly, W. and Kraay, A. (1999). Small States, Small Problems?, Policy Research Working Paper 2139. Development Research Group, World Bank, Washington, D.C.
- Frauke De Weijer, (2013), Resilience: a Trojan Horse for a New Way of Thinking? Discussion Paper (European Center for Development Policy Management, ii.
- Hmelo-Silver, Cindy and Roger Azevedo, "Understanding Complex Systems: Some Core Challenges." *The Journal of the Learning Sciences* (2006), 53.
- Hill, Edwards, Travist St. Clair, Howard Wial, Harold Wolman, Patricia Atkins, Pamela Blumenthal, Sarah Ficene, and Alec Friedhoff, (2011), *Economic Shocks and Regional Economic Resilience, building resilient regions*, Institute of Governmental studies, Working Paper 2011-03
- Ismihan, M, Metin-Ozcan, K and Tansel, A. (2005). The role of Macroeconomic Instability in Public and Private Capital Accumulation and Growth: the Case of Turkey 1963–1999. *Applied Economics*, 37.
- Longstaff, Patricia, Nicholas Armstrong, Keli Perrin, Whitney Parker, and Matthew Hidek, (2013), *Building Resilient Communities: A Preliminary Framework for Assessment*, Homeland Security Affairs VI, no. 3 (September), 6.
- Sameti, Majid, Rahim Dalali Esfahani and Hassan Karnameh Haghghi, (2012), Outcome of Macroeconomic Instability (A Case of Iran), *Research in Applied Economics*, Vol. 4, No. 1.

# کلیدواژه‌های اقتصاد مقاومتی، با تأکید بر بازننگری در استراتژی‌های

## توسعه صادرات غیرنفتی در ایران

علی اشرف احمدیان\*

### چکیده

هدف اصلی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان استراتژی غالب مورد تأکید رهبر معظم انقلاب، مهندسی مجدد ساختارها و راهبردهای اقتصادی به‌منظور مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی با تأکید بر تقویت نقاط قوت درونی و جست‌وجوی فرصت‌های محیط بیرون به‌گونه‌ای است که تولید داخلی به‌عنوان رأس هرم اقتصادی با شرایطی پویا، باثبات، رو به جلو و پایدار به رشد اقتصادی پایدار منجر شود.

بدون شک یکی از مهم‌ترین فاکتورهای اجرایی کردن استراتژی اقتصاد مقاومتی، رشد و توسعه پایدار صادرات غیرنفتی است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه مدلی در جهت بازننگری در استراتژی‌های توسعه صادرات غیرنفتی در جهت دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی و رشد پایدار آن است که با یک مدل کتابخانه‌ای و براساس مطالعات راهبردهای بیست سال گذشته در حوزه صادرات غیرنفتی صورت‌بندی می‌شود. براساس یافته‌های پژوهش حاضر کلیدواژه‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه صادرات غیرنفتی شامل مدیریت ریسک‌های حوزه صادرات، ثبات و حرکت رو به جلو در فضای کسب و کار، تحول در مدیریت تأمین مالی صادراتی و توانمندسازی بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان و نوآوری است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مقاومتی، راهبردهای توسعه صادرات، مدیریت ریسک‌های حوزه صادرات، تأمین مالی صادراتی.

### ۱. مقدمه

ورود به بازارهای خارجی در شرایط فعلی اقتصاد جهانی با پیچیدگی‌ها و ابهامات خاصی همراه است. به‌عبارت بهتر در بازار جهانی امروز تولیدکنندگان هر کشور با چالش‌های خاصی روبه‌رو هستند. بحران اقتصادی غرب، رقابت شدید در حوزه کسب و کار، ریسک‌های موجود در برخی بازارهای در حال توسعه،

---

\* کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، صندوق ضمانت صادرات ایران AliashrafAhmadian@gmail.com

محدودیت منابع مالی، تأمین مواد اولیه، تغییرات گسترده سلیق بازارها، بنگاه‌های کوچک نوظهور، مدیریت هزینه‌ها و... بخشی از چالش‌های دنیای امروز کسب و کار بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. تولیدکنندگان صادرکننده ایرانی علاوه بر موارد مطرح‌شده، یک چالش بزرگ و ناخواسته دیگر هم دارند و آن تحریم‌های یک‌جانبه غرب علیه ایران است که علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند دولت تدبیر و امید جهت حل و فصل این معضل بزرگ پیشروی تجارت خارجی ایران، لزوم لحاظ‌کردن مکانیزم‌هایی جهت پیش‌بینی راهکارهای مقابله با چنین بحران‌هایی در استراتژی‌های کلان توسعه اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. با این دیدگاه، ضرورت توجه به پیش‌فرض‌های راهبرد اقتصاد مقاومتی که رهبر معظم انقلاب با یک بینش عمیق از وضعیت اقتصاد ایران آن را مطرح کرده‌اند، به‌عنوان یک استراتژی جایگزین در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برای دستیابی به چنین مکانیزم پویایی، بایستی شرایط فعلی اقتصاد ایران در همه جوانب مورد بررسی عمیق علمی قرار گرفته و نقاط ضعف و شکننده آن با توجه به دوره تحریم طولانی‌مدت، شناسایی و مورد بازبینی قرار گیرد.

به همین دلیل هدف اصلی راهبرد کلان اقتصاد مقاومتی، مهندسی مجدد ساختارها و راهبردهای اقتصادی به‌منظور مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی با تأکید بر تقویت نقاط قوت درونی و جست‌وجوی فرصت‌های محیط بیرون به‌گونه‌ای است که تولید داخلی به‌عنوان رأس هرم اقتصادی با شرایطی پویا، باثبات، رو به جلو و پایدار به رشد اقتصادی پایدار منجر شود.

عدم پذیرش کالاهای ایرانی توسط برخی کشورها، مشکلات انتقال پول و ریسک‌های سیاسی و تجاری پیشروی صادرکنندگان ایرانی، سرمایه در گردش صادراتی، مشکلات فضای کسب و کار، مشکلات خاص بنگاه‌های کوچک و متوسط و بنگاه‌های دانش‌بنیان از مهم‌ترین چالش‌های حوزه صادرات در ایران است. (احمدیان و معطوفی، ۱۳۹۱)

از طرفی ریشه برخی از مشکلات صادرکنندگان ایرانی به ضعف‌های درون بنگاهی برمی‌گردد که به‌طور کلی در سه حوزه؛ ظرفیت‌های مالی بنگاه، ویژگی‌های مدیریتی و ویژگی‌های ساختاری قابل‌دسته‌بندی است و یک راهبرد مقاومتی در حوزه اقتصاد کلان زمانی مثمر ثمر خواهد بود که با مقاوم‌سازی درون بنگاهی نیز همراه گردد.

پژوهش حاضر درصدد است ضمن بررسی چالش‌های پیش‌روی صادرات از نگاه محیطی و کلان و اولویت‌بندی آن‌ها، با بهره‌گیری از مفروضات اقتصاد مقاومتی راهکارهای عملیاتی در جهت بهبود وضعیت موجود ارائه نماید. نتایج پژوهش برای سیاست‌گذاران حوزه تولید و صادرات، صادرکنندگان و پژوهش‌های بعدی این حوزه مؤثر خواهد بود.



## ۲. مبانی نظری پژوهش

تغییر و تحولات سریع محیط بازار بین‌المللی با ابهام‌های همراه، سیاست‌گذاران حوزه بین‌المللی‌سازی و مدیران بنگاه‌های اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در چنین شرایطی استفاده از راهبردها و پارادایم‌های قدیمی چندان چاره‌ساز نخواهد بود. مهم‌ترین راهکار جدید در چنین محیط پویایی، یادگیری عنوان شده است. به عبارت بهتر برنامه‌ریزان سطح کلان و بنگاه‌ها، بدون یادگیری از تجربیات خود و دیگران توان مواجهه اثربخش با چنین شرایطی را نخواهند داشت و برای حفظ رقابت و مزیت رقابتی در مقابله سریع با چالش‌های گوناگون امروزی، سازمان‌های یادگیرنده که بر یادگیری از طریق شاخص‌سازی، تجربه‌اندوزی و پیش‌بینی مکانیزم‌های مختلف جهت مقابله با بحران‌های احتمالی تأکید مستمر دارند، بهترین نسخه موفقیت به‌شمار می‌رود.

از طرفی صادرات پایدار یکی از شاخص‌های اصلی رشد اقتصادی کشورها به‌ویژه در دنیای امروز است و اهمیت آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. یکی از گام‌های اولیه حرکت به‌سوی صادرات پایدار، شناخت عوامل مؤثر بر آن است. نتایج پژوهش‌های قبلی در این زمینه حاکی از وجود دو دسته عوامل کلی مؤثر بر توسعه صادرات می‌باشد.

به‌عنوان نمونه لئونو (۱۹۹۸)، در طبقه‌بندی خود عوامل مؤثر بر توسعه صادرات را به دو دسته زیر

تقسیم‌بندی نمود:

دسته اول، عوامل محیطی است. یعنی عواملی که صادرکنندگان فقط در سطح محدودی می‌توانند آن‌ها را کنترل نمایند. مانند عوامل مربوط به اقتصاد کلان، عوامل عوامل اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و جنبه‌های سیاسی. به‌عنوان یک مثال ساده، ویژگی‌های مربوط به صنعت که رفتار صادراتی و عملکرد بنگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جزء این دسته از عوامل می‌باشد.

دسته دوم، عوامل مربوط به سطح بنگاه یا شرکت؛ که به‌عنوان عوامل سازمانی نیز از آن‌ها یاد می‌شود و شامل عوامل ساختاری و رفتاری درون بنگاه بوده و تأثیر بالقوه‌ای بر صادرات دارند.

## ۱.۲. راهبرد اقتصاد مقاومتی

یافته‌های یک پژوهش میدانی در زمینه چالش‌های اصلی حوزه صادرات، موارد زیر را به‌ترتیب اولویت به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات بنگاه‌های صادرکننده ایرانی معرفی کرده است. مدیریت تأمین مالی صادراتی، ریسک‌های موجود در بازارهای هدف خاص، استرس در فضای کسب و کار، نوسانات نرخ ارز، کم‌توجهی به مشکلات خاص بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌ویژه بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان. (همان؛ جعفری و حسینی، ۱۳۹۲)

با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه، تحریم‌های یک‌جانبه غرب و مشکلات مدیریتی و

ساختاری حاکم بر برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی و لزوم پیش‌بینی بحران‌های احتمالی در آینده؛ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا توسط رهبر معظم انقلاب در ۲۴ بند کلی به نهادهای اجرایی کشور ابلاغ گردید که مهم‌ترین بندهای مربوط به حوزه تولید و صادرات را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به‌حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
۲. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
۳. محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و بکارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۵. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت‌دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۸. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.

- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.
  - استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
  - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
  - ۹. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
  - ۱۰. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
  - ۱۱. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ... .
- با نگاهی به سیاست‌های مطروحه در این راهبرد مشخص می‌گردد که هدف اصلی آن، مهندسی مجدد ساختارها و راهبردهای اقتصادی به‌منظور مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی با تأکید بر تقویت نقاط قوت درونی و جست‌وجوی فرصت‌های محیط بیرون به‌گونه‌ای است که تولید داخلی به‌عنوان رأس هرم اقتصادی با شرایطی پویا، باثبات، رو به جلو و پایدار به رشد اقتصادی پایدار منجر شود.

## ۲.۲. چالش‌های اصلی تولید صادرات محور و راهکارهای بهبود وضعیت با الهام از راهبرد اقتصاد مقاومتی

اگر از منظر راهبرد اقتصاد مقاومتی به چالش‌های اصلی حوزه تولید و صادرات نگریسته شود، لزوم تغییر و تحول در استراتژی‌های حمایتی این حوزه از منظر عوامل محیطی مؤثر بر توسعه صادرات پایدار ضروری به‌نظر می‌رسد. برخی از مهم‌ترین چالش‌های حوزه تولید صادرات‌محور و راهکارهای بهبود وضعیت براساس رویکرد اقتصاد مقاومتی می‌تواند به‌شرح ذیل باشد:

### ۱.۲.۲. تحول در مدیریت تأمین مالی صادراتی

از آنجایی که سرمایه در گردش یک مقوله بسیار مهم در امر صادرات می‌باشد و صادرکنندگان با استفاده از آن قدرت مانوردهی بیشتری در بازارهای هدف خواهند داشت، امروزه کشورهای صادرکننده بزرگ مانند چین استراتژی توسعه صادرات بنگاه‌های خود در بازارهای جدید را با استفاده از ابزار تأمین مالی صادرات به پیش می‌برند و حتی به‌طور گسترده روش‌ها و ابزارهای نوین خدمات بانکی را جهت حمایت از صادرات خود به کار می‌گیرند، زیرا همین سرمایه در گردش در بازارهای رقابتی امروز به یک مزیت رقابتی پایدار تبدیل شده است. (پونکت، ۲۰۱۱)

از مشخصات اصلی یک سیستم تأمین مالی بازارمحور و صادراتی می‌توان به نظارت پایدار و مداوم بر تخصیص اعتبارات بانکی، توسعه بازارهای مالی، نرخ سود پایین و توسعه سبدهای مختلف تأمین مالی برای صادرکنندگان اشاره کرد. (لی و همکاران، ۲۰۰۷؛ پونکت، ۲۰۱۱)

یک مکانیزم درست مدیریت تأمین مالی صادراتی در سیستم بانکی، مدلی است که اولاً با توجه به نوع و حوزه تخصیص اعتبار جامع باشد، یعنی همه جنبه‌های ریسک در این حوزه شامل: ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی، ریسک بازار، ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ ارز، ریسک نقدینگی، ریسک‌های تجاری و سیاسی و سایر ریسک‌ها را با دقت بالایی پیش‌بینی کرده و براساس آن رتبه اعتباری بنگاه یا متقاضی را مشخص کند، ثانیاً مدل‌ها و روش‌های علمی و روز مدیریت ریسک را رصد کند، به تناسب تحولات بازار و صنعت ریسک را به‌درستی و به‌موقع ارزیابی و مدیریت کند، با نوع، اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری متناسب باشد و در نهایت روایی، پویایی و پایایی آن در عمل ثابت شده باشد.

نتایج یک مدل پژوهش میدانی نشان می‌دهد مهم‌ترین مشکلات تولیدکنندگان صادرکننده ایرانی در حوزه تأمین مالی صادراتی شامل نبود مکانیزم‌های علمی اعتبارسنجی، زمان‌بر بودن فرایند اعتبارسنجی و اعطای تسهیلات، درصد بالای وثایق درخواستی بانک‌ها، نرخ سود بالای تسهیلات، عدم ارائه تسهیلات به صادرکنندگان واقعی و سقف‌های اعتباری محدود عنوان کرد. (احمدیان و کریمی، ۱۳۹۰)

به‌عبارت ساده‌تر افزایش حجم معوقات بانکی، چک‌های برگشتی و زندانیان بدهکار بانکی، نارضایتی بخش خصوصی از طولانی‌بودن فرایندهای تأمین مالی و توزیع ناعادلانه اعتبارات و نبود پایگاه اطلاعاتی قوی و به‌روز از متقاضیان تسهیلات از نتایج کمبود یا فقدان مکانیزم‌های علمی بوده که ضرورت استفاده از مدل‌های اعتبارسنجی و مدیریت ریسک اعتباری علمی، مناسب و متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، ساختاری، مذهبی و سیاسی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

علاوه بر آن مطالعه مکانیزم‌ها و مدل‌های روز این حوزه و استفاده از آن‌ها در ایجاد مدل‌های بومی متناسب با شرایط داخلی می‌تواند در حل مسائل امروزه بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری مؤثر بوده و به تخصیص بهینه اعتبارات و رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک نماید.

نبود یک مکانیزم جامع علمی در زمینه تأمین مالی صادراتی به ایجاد یک جو استرس‌زا و همراه با رانت منجر می‌شود که نه تنها اعتبارات را به صادرکنندگان واقعی تخصیص ندهد، بلکه به ایجاد انبوهی از معوقات بانکی کمک می‌کند به‌گونه‌ای که که کلان‌زیر و کلینبر (۲۰۰۶) آن را به‌عنوان شوکی که می‌تواند اثرات منفی بر فضای کسب و کار واقعی داشته باشد تعریف کرده‌اند.

به‌طور کلی و براساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده یک مدل علمی جهت تأمین مالی عادلانه و متناسب با عملکرد واقعی صادرکنندگان بایستی دارای ویژگی‌های پنج‌گانه زیر باشد:

(الف) با توجه به نوع و حوزه تخصیص اعتبار جامع باشد؛ یعنی با لحاظ کردن شرایط اقتصاد کلان و

حوزه درون بنگاهی همه جنبه‌های ریسک را با دقت بالا پیش‌بینی کرده و براساس آن رتبه اعتباری بنگاه یا متقاضی را مشخص کند. (طالبی و شیرزادی، ۱۳۹۰)

ب) مدل‌ها و روش‌های علمی و روز مدیریت ریسک را رصد کند: به عبارت بهتر یک مدل اعتبارسنجی قوی مکانیزمی است که از قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار بوده و براساس شرایط و تغییر و تحولات محیطی، شاخص‌های اعتباری آن تغییر کند، بهبود یابد، حذف شود و یا شاخص‌های جدیدی به آن اضافه شود. (پساران و همکاران، ۲۰۰۶؛ استاک و واتسن، ۲۰۰۲)

برخی از پژوهشگران این حوزه معتقدند، اینرسی در مکانیزم‌های اعتبارسنجی یک عامل مؤثر در افزایش احتمال خطای مدل‌ها است. اینرسی بیانگر بی‌میلی بانک یا مؤسسه اعتباردهنده نسبت به تغییر مدل‌هایی است که در گذشته موفقیت‌هایی را به همراه داشته است. مدیرانی که دچار این پدیده هستند مدل‌های موفق گذشته را به مثابه نسخه موفقیت برای آینده قلمداد و در برابر هرگونه تغییر و تحول در آن‌ها مقاومت می‌کنند. (بانتل و جکسون، ۱۹۸۹؛ بلنتر، ۲۰۰۸).

پدیده اینرسی یا ماندگاری در حوزه اعتبارسنجی و ریسک اعتباری، عملکرد بانک یا مؤسسه اعتباردهنده را تا جایی تحت تأثیر قرار می‌دهد که مانع از حرکت به سمت جایگزین‌های دیگر شده، به طوری که انتخاب بهینه و مناسب متناسب با تغییرات روز اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری از اعتباردهنده سلب شده و تا ورشکستگی کامل مؤسسه پیش می‌رود. (تارولو، ۲۰۱۰، گوردون و همکاران، ۲۰۰۰)

از نتایج مهم اینرسی در اعتبارسنجی، افزایش معوقات بانکی، عدم توزیع مناسب و عادلانه اعتبارات، ناتوانی مدل‌ها در پیش‌بینی ریسک گیرنده اعتبار و نهایتاً ورشکستگی مؤسسات اعتباردهنده می‌باشد. (وات، ۲۰۱۱؛ بلنتر، ۲۰۰۸)

ج) به تناسب تحولات بازار و صنعت ریسک اعتباری را به‌درستی پیش‌بینی کند: یک مکانیزم علمی اعتبارسنجی علاوه بر جامع‌بودن، تغییر و بهبود مداوم بایستی تحولات بازار و صنعت را نیز در مدل خود گنجانده باشد. (شپرد و پیت، ۱۹۹۷؛ پیتربرگ، ۲۰۱۰)

فضای کسب و کار امروز علاوه بر جهانی‌بودن در یک محیط رقابتی و پویا قرار دارد و هر روز و شاید هر لحظه احتمال وقوع یک اتفاق خوشایند و یا یک وضعیت بحرانی در آن وجود دارد. در چنین فضای متلاطمی، یک مدل قوی اعتبارسنجی زمانی کار خود را در حوزه سنجش ریسک اعتباری به‌درستی انجام خواهد داد که دارای قدرت تحلیل وضعیت محیطی و پیش‌بینی تحولات بازار باشد. (پیکولت، ۲۰۰۵؛ مورنو و پانا، ۲۰۱۳).

بحران مالی جهانی یک نشانه خوب از نبود مکانیزم‌های قوی پیش‌بینی در این حوزه بوده است و یک نشانه قوی برای نیاز به وجود مکانیزم‌های پیش‌بینی در حوزه مالی و بانکداری است. (پیکولت، ۲۰۰۵؛ شپرد و پیت، ۱۹۹۷؛ لاون و والنسیا، ۲۰۱۰)

وجود چنین ابزاری به‌ویژه برای بانک‌ها و مؤسساتی که با بنگاه‌های فعال در حوزه بازارهای بین‌المللی و صادرکنندگان سروکار دارند ضرورت بیشتری دارد. زیرا در چنین شرایطی بایستی تحولات بازار جهانی و ریسک بازارهای متقاضی کالای صادرکننده به‌عنوان یک شاخص مدنظر قرار گرفته و در مدل‌های پیش‌بینی گنجانده شود. (بریگو، ۲۰۱۱) علاوه بر بازار در یک صنعت خاص نیز بایستی تحلیل‌های خاص صنعت مانند روند رشد صنعت، روند عملکرد بنگاه در صنعت، شاخص‌های مالی بنگاه و صنعت (مانند فروش، سودآوری و نسبت‌های مالی) و تغییر و تحولات آینده صنعت مورد ارزیابی قرار گرفته و در مدل‌های اعتبارسنجی گنجانده شود.

(د) با نوع، اندازه و پیچیدگی‌های فعالیت بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری متناسب باشد: یک فرایند علمی اعتبارسنجی بایستی متناسب به توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود ریسک کرده و مکانیزم ارزیابی آن به‌گونه‌ای باشد که هیچ‌گاه خارج از اندازه و توان مالی خود حرکت نکند. (جاراو و همکاران، ۲۰۱۱) به‌عبارت بهتر یک مدل اعتبارسنجی بایستی همواره محدودیت‌های مالی مؤسسه را در خود گنجانده باشد و براساس تخصیص اعتبار دهد. این موضوع به‌ویژه در مورد مؤسسات اعتباری کوچک نمود بیشتری دارد و یکی از مهم‌ترین دلایل ورشکستگی تعداد زیادی از مؤسسات مذکور در سال‌های اولیه تأسیس پوشش ریسک‌های بالاتر از توان خود بوده تا جایی که در مواردی تا چند برابر سرمایه خود را پوشش داده‌اند. (انگ و پیزسی، ۲۰۰۳)

(ه) روایی، پایایی و پویایی آن در عمل ثابت شده باشد: یک مدل و فرایند قوی اعتبارسنجی بایستی علاوه بر خصوصیات ذکرشده دارای روایی باشد. به‌عبارت بهتر شاخص‌های اعتباری مورد بررسی در مدل واقعی و براساس تحولات روز بازار، صنعت و محیط باشد و در نتیجه روزه‌روز نتایج و خروجی‌های بیشتر با واقعیت همراه باشد. (آدریان و همکاران، ۲۰۱۱) علاوه بر آن مدل اعتبارسنجی بایستی پایا باشد یعنی اینکه مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات ورودی در شرایط مختلف نتایج یکسان و نزدیک به هم داشته باشد و یا با تغییر کاربر، نتایج تغییر نکند و اینکه مدل بایستی پویا باشد، یعنی در لحظه‌ای از زمان بتوان شاخص‌های جدید به آن اضافه کرد، شاخص‌هایی را تغییر داد و یا شاخص‌هایی را حذف کرد. به‌عبارت بهتر از انعطاف‌پذیری همراه با دقت بالایی برخوردار باشد. (آچارایا و همکاران، ۲۰۱۲)

به‌عنوان نمونه یکی از مهم‌ترین دلایل نرخ رشد بالای چین برخورداری از سیستم تأمین مالی بازارمحور عنوان شده است. مکانیزم تأمین مالی این کشور در حوزه صادرات به‌گونه‌ای است که نرخ بهره و تسهیلات بانکی نزدیک به صفر است. به‌عبارت‌دیگر، به‌دلیل پایین بودن نرخ بهره، تولید صادراتی در چین در واحد اقتصادی مقرون به صرفه از مشخصات اصلی یک سیستم تأمین مالی بازارمحور و صادراتی می‌توان به نظارت پایدار و مداوم بر تخصیص اعتبارات بانکی، توسعه بازارهای مالی، نرخ سود پایین و توسعه سبدهای مختلف تأمین مالی برای صادرکنندگان اشاره کرد. (تارولو، ۲۰۱۰؛ پونکت، ۲۰۱۱)

### ۲.۲.۲. مدیریت ریسک‌های پیش روی بنگاه‌های صادرکننده

یکی از عواملی که همواره موجبات نگرانی صادرکنندگان را فراهم می‌آورد، وجود ریسک‌های سیاسی و تجاری در روند صادرات آن‌ها می‌باشد، چراکه تحقق هر یک از این ریسک‌ها موجب عدم وصول وجه کالا و خدمات صادره از سوی آن‌ها می‌گردد. عدم وصول بموقع مطالبات از خریداران خارجی در اغلب اوقات صادرکننده را در تنگنای مالی قرار داده و در نتیجه باعث ناتوانی وی در ایفای تعهدات مالی به اعتباردهندگان داخلی و گاهی اوقات منجر به ورشکستگی کامل ایشان می‌گردد.

برخی از مهم‌ترین جنبه‌های ریسک‌های سیاسی عبارت‌اند از:

۱. اعمال سیاست‌های مربوط به محدودیت‌های وارداتی و ارزی در کشور خریدار.
  ۲. بروز جنگ یا حالت جنگ.
  ۳. تیره‌شدن روابط یا قطع روابط سیاسی با کشور خریدار به نحوی که در نتیجه آن صادرکننده موفق به دریافت مطالبات خود در سررسید نشود.
  ۴. اعمال سیاست‌های اقتصادی که موجب مسدود شدن مطالبات صادرکنندگان شود.
  ۵. سلب مالکیت از خریدار بر اثر ملی‌شدن یا مصادره اموال به نحوی که صادرکننده موفق به دریافت مطالبات خود نشود.
  ۶. سایر عوامل خارج از حیطه اختیار صادرکننده و خریدار که به تشخیص هیئت مدیره صندوق موجب عدم وصول مطالبات صادر کننده شود.
- همچنین از مهم‌ترین جنبه‌های ریسک‌های تجاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عدم توانایی مالی خریدار به دلیل ورشکستگی یا اعسار یا توقف.
  ۲. استنکاف خریدار از قبول کالای صادر شده یا خدمت انجام شده.
  ۳. عدم پرداخت بهای کالا یا خدمت در سررسید مقرر. (ساندرسون، ۱۹۹۴؛ کانسون و همکاران، ۱۹۹۸)
- از لحاظ اندازه، شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ نیز علاوه بر وجوه اشتراکی هر کدام شاخص‌های ریسکی و اعتباری خاص خود را دارند.
- نوع محصولات و خدمات شرکت‌ها از یک جهت صنعت را مشخص می‌کند که خود یک شاخص اعتباری است و از طرف دیگر پیش‌بینی تحولات بازار در زمینه هر گروه کالایی و یا خدماتی نیاز به شاخص‌های خاص خود دارد. (لاندر و همکاران، ۲۰۱۳؛ آلبانس و همکاران، ۲۰۱۱)
- علاوه بر آن مدیریت ریسک در حوزه خدمات فنی و مهندسی و پروژه‌ها دارای مشخصات خاص خود است. به‌ویژه اگر این پروژه‌ها در عرصه بین‌المللی اجرایی شوند، نوع قراردادهای منعقد شده، ابزار پرداخت، میزان پیشرفت پروژه‌ها، زمان اجرای پروژه، زمان شروع و اتمام پروژه، وضعیت ثبات در منطقه اجرای پروژه، وضعیت اعتباری طرف قرارداد پروژه و... بایستی با دقت خاصی مدیریت شود. (بلیکی و روتکوواسی، ۲۰۰۲؛ استوور، ۲۰۰۲)

استراتژی بنگاه‌ها نیز یک عامل مؤثر در سنجش ریسک است. از یک طرف این متغیر تعیین‌کننده حوزه جغرافیایی فعالیت است. شرکت‌های فعال در بازار داخل، شرکت‌های صادرکننده، شرکت‌های چندملیتی، سرمایه‌گذاران خارجی و بنگاه‌های جهانی هر کدام شاخص‌های ریسکی خاص خود دارند و یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های مدیریت ریسک در همین حوزه واقع است. (گوان و ومولر، ۲۰۰۳)

آشنایی با شیوه‌های ورود به بازارهای جهانی و ریسک‌های موجود در این فضای رقابتی یکی از مؤلفه‌های مهم موفقیت بنگاه‌ها در دستیابی به سهم بیشتری از بازارها است که از آن جهت غلبه بر عدم اطمینان ناشی از محیط ناشناخته استفاده می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های موفق تجاری نقش کلیدی ایفا می‌کند. اما در فضای بازارهای جهانی مدیریت ریسک‌های موجود و احتمالی در بسیاری از بازارها از عهده خود بنگاه‌ها به تنهایی خارج است. به همین منظور و در جهت تسهیل تجارت بین‌الملل و توسعه صادرات بسیاری کشورها، مؤسسات خاصی که عموماً دولتی یا با حمایت دولت هستند را ایجاد نموده‌اند که از آن‌ها با عنوان مؤسسات اعتبار صادراتی یاد می‌شود.

مؤسسات تضمین اعتبارات صادراتی<sup>۱</sup> به‌طور سنتی به‌عنوان یک ابزار در دست دولت‌ها برای از بنگاه‌های ملی در کسب و کار صادرات و بهبود ظرفیت اقتصاد در نفوذ به بازارهای خارجی دیده می‌شود. در سال ۱۹۱۹ مؤسسه اول در انگلستان با هدف تضمین صادرات به بازارهایی که توسط بیمه‌های خصوصی تحت پوشش قرار نمی‌گرفت تأسیس شد. مؤسسات تضمین اعتبارات صادراتی همچنین به‌عنوان آخرین راه‌حل پوشش خطرات سیاسی و تجاری‌ای به حساب می‌آیند که بیمه‌های خصوصی حاضر به پوشش آن‌ها نیستند. از مشهورترین این مؤسسات می‌توان به توسعه صادرات (کانادا)، کوفاس (فرانسه)، اوپلرهمس (آلمان)، ساچه (ایتالیا)، گروه تضمین اعتبارات صادرات (انگلیس) و اگزیم بانک (امریکا) اشاره نمود. مؤسسه اعتبار صادراتی رسمی ایران نیز "صندوق ضمانت صادرات ایران" است که زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت می‌نماید. در بررسی این مؤسسات، باید شرکت‌های چندجانبه از جمله "مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه" وابسته به بانک جهانی را نیز در نظر گرفت. اغلب این مؤسسات در "اتحادیه بین‌المللی بیمه‌گران اعتبار و سرمایه‌گذاری (برن)" به همکاری مشترک و تبادل اطلاعات می‌پردازند. این مؤسسات دامنه وسیعی از ریسک‌ها را، از قصور معمولی مشتری خارجی گرفته تا ایجاد سپر دفاعی در مقابل کساد اقتصادی کشور خارجی دربر می‌گیرد. این ریسک‌ها معمولاً به دو دسته ریسک کشوری در سطح کلان و ریسک تجاری در سطح خرد طبقه‌بندی می‌شوند. آن‌گونه که کوفاس (۲۰۰۲) عنوان می‌کند: «رتبه بندی کشورها، متوسط ریسک قصور در پرداخت شرکت‌ها در یک کشور مشخص را اندازه‌گیری می‌کند و نشان می‌دهد تعهدات مالی یک شرکت تا چه اندازه تحت تأثیر تجارت محلی و چشم‌انداز سیاسی و مالی کشور متبوع وی قرار دارد». بنابراین

1. export credit agencies (ECAs)

مؤسسات اعتبار صادراتی نه تنها مانند یک بانک نگران رتبه اعتباری و قصور در پرداخت دولت‌ها هستند، بلکه با انواع ریسک‌های دیگری (مانند سرمایه‌گذاری سهام) که از محیط تجاری محلی ناشی می‌شود و ممکن است اثری بر تعهدات مالی شرکت‌های آن کشور بگذارد سروکار دارد. تقویت بنیه مالی و سرمایه‌ای صندوق ضمانت صادرات ایران به‌عنوان تنها مؤسسه بیمه اعتبار صادراتی در ایران و همچنین گسترش محصولات و فعالیت‌های بیمه‌ای و تضمینی و همچنین تغییر در نرخ‌های کارمزد آن می‌تواند گام مؤثری در جهت پوشش بهتر ریسک‌های پیش روی صادرکنندگان ایرانی و در نتیجه گسترش عملکرد صادراتی آن‌ها باشد.

### ۳.۲.۲. ثبات، پایداری و حرکت رو به جلو در فضای کسب و کار

محیطی که با سرعت‌بخشیدن به کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری زمینه تحریک رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، محیط نهادی امن و آزاد شمرده می‌شود و ایجاد آن برای کشورهایی که خواهان کاهش هزینه مبادله هستند الزامی است. برای تحلیل محیط نهادی امن و آزاد بر دو سازمان بانک جهانی و بنیاد هریتیج که آزادی و امنیت اقتصادی را نشان می‌دهند اشاره می‌شود. عمده ادبیات نهادی به آزادی فعالیت اقتصادی و امنیت کسب و کار در ایجاد ساختار انگیزشی مناسب برای ارتقای عملکرد اقتصادی توجه داشته است. لذا نهادهایی مانند اندازه دولت، قوانین دست و پاگیر و زائد، چسبندگی‌های بازار کار را عاملی مهم در محدودکردن آزادی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش عملکرد آن می‌دانند. نتایج پژوهش‌هایی که در حوزه کسب و کار و نحوه اثرگذاری آن در فرایند توسعه صادرات، اجرایی شده نشان می‌دهد، ویژگی‌های یک فضای موثر عبارت‌اند از: ( براوو و همکاران، ۲۰۰۳؛ گلارز و زاروسکی، ۲۰۰۴؛ کوک و همکاران، ۲۰۰۳)

- قوانین و مقررات مشوق تولید و صادرات.
- آرامش در محیط بازار و وجود ظرفیت برنامه‌ریزی برای آینده بنگاه‌ها.
- اطمینان از آینده و رو به جلو بودن تصمیمات کلان نهادهای حمایتی.
- ساختار تأمین مالی مشوق تولید و صادرات.
- فضای اطلاعاتی شفاف و قابل‌اتکا.
- ساختار مالیاتی مشوق فعالیت‌های تولید و صادرات.
- اهمیت زمان برای فعالان اقتصادی از دیدگاه سیاست‌گذاران و نهادهای حمایتی و مالی.
- حضور فعالان اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید و صادرات.
- پوشش ریسک‌های سیاسی، تجاری، مالی، ارزی و اقتصادی خارج از مرزهای کشور مادر.
- کاهش هزینه‌های تأمین مالی در بخش تولید و صادرات به‌طور مداوم.

- حمایت مالی و اطلاعاتی ویژه از بنگاه‌های کوچک و متوسط جهت تولید و صادرات.
  - کاهش بوروکراسی اداری در زمینه فعالیت‌های اقتصادی از زمان ثبت شرکت تا مرحله انحلال.
  - استفاده بهینه و رو به جلو از فناوری اطلاعات جهت ارائه سرویس‌های دولتی به فعالان اقتصادی.
  - ایجاد ارتباط مناسب بین دانشگاه، صنعت و بازرگانی به‌طور مداوم.
  - کمک به فعالان اقتصادی جهت اشتغال‌زایی مناسب.
  - کاهش هرگونه استرس (به‌ویژه استرس مالی) در حوزه تولید و صادرات.
- یک فضای کسب و کار با ثبات، پایدار و رو به جلو به‌گونه‌ای است که اهمیت فعالیت‌های بخش خصوصی در آن به‌خوبی روشن شده و یک نگرش مبتنی بر حمایت همیشگی و عادلانه در فضای سیاست‌گذاری آن حاکم است. ( براوون و استرن، ۲۰۰۲ )
- علاوه بر آن محیط کسب و کار بایستی آرامش داشته باشد یعنی تولیدکننده، صادرکننده و به‌طور کلی هر فعال اقتصادی بتواند حداقل برای یک‌سال آینده بنگاه خود برنامه‌ریزی کند، در هر مرحله فرایند نهاد دولتی و حمایتی مربوطه را بشناسد، برای تأمین مالی برنامه خود استرسی نداشته باشد و بداند قراردادهای منعقدشده با طرف‌های خارجی به‌خوبی اجرایی خواهد شد. ( تافتن، ۲۰۰۵؛ ورمن، ۲۰۰۲ )
- سیاست‌های فضای کسب و کار بایستی رو به جلو باشد، یعنی با توجه به شرایط رقابتی محیط بازار امروز، اهمیت زمان را برای فعالان اقتصادی و به‌ویژه صادرکنندگان در خود گنجانده باشد، هر ساله مدت زمان فرایندهای اداری برای فعالان اقتصادی کاهش یابد، از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌صورت بهینه بهره‌برداری کند و همواره موازی کاری‌های نهادهای دولتی را کاهش دهد. ( شارما، ۲۰۰۴؛ ورمن و همکاران، ۲۰۰۰؛ وود و روبرتسون، ۲۰۰۰ )
- فضای کسب و کار پایدار، آرام و رو به جلو منجر به ایجاد محیطی با نشاط برای صادرکنندگان شده و عملکرد صادراتی آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. (فراندز و نتیو، ۲۰۰۵؛ ورمن، ۲۰۰۲ )
- وجود یک فضای کسب و کار بر راهبردهای بنگاه‌ها جهت ورود به بازارهای خارجی اثرگذار بوده، قدرت رقابت و مانوردهی آن‌ها در بازار را افزایش می‌دهد و در نتیجه به ارتقا دانش و عملکرد صادراتی منجر می‌شود. ( داس و تنگ، ۲۰۰۱؛ گلزر و آکرمان، ۲۰۰۴ )
- فضای کسب و کار نامطمئن، متغیر و گذشته‌نگر یکی از مهم‌ترین دلایل خروج بنگاه‌های صادرکننده کشورهای جهان سوم از بازار است و این امر در موارد بسیاری از جمله ناتوانی در ایفای تعهدات مربوط به قراردادهای کالاها و خدمات، با کیفیت و با قیمت برابر با رقبا مشاهده شده است. ( باری، ۲۰۰۲؛ دانیل، ۱۹۹۳ )
- یکی از دلایل نوسانات عملکرد صادراتی بنگاه‌های اقتصادی ناشی از نگرش سنتی و غیرفرایندی، ناآرام و ناپایدار فضای کسب و کار کشور مادر عنوان شده است. ( بالابانیس و کاتستیکا، ۲۰۰۳؛ بلگی، ۱۹۹۵ )



- کارگروه ویژه کسب و کار بانک جهانی با توجه به چرخه کسب و کار از زمان شکل‌گیری تا انحلال و وجود قوانین و مقررات کسب و کار، تحمیل هزینه‌های گوناگون و صرف زمان در این چرخه، سالانه شاخص‌هایی کمی و عینی در خصوص قوانین مربوط به آغاز یک کسب و کار و طی مراحل دیگر تا تعطیلی آن برای قریب به ۱۹۰ کشور را تهیه می‌نماید. این شاخص‌های ده‌گانه به شرح زیر مطرح می‌گردند:
۱. **شروع کسب و کار:** فرایند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت را در نظر می‌گیرد.
  ۲. **اخذ مجوزها:** شامل تمامی فرایند لازم‌الرعايه برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه است که مطالعه موردی این شاخص نشان‌دهنده تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه صرف‌شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.
  ۳. **شاخص استخدام و اخراج نیروی کار:** میزان دشواری استخدام، انعطاف پذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.
  ۴. **ثبت مالکیت:** فرایند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی است. تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود. به‌عنوان مطالعه موردی فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر نشان‌دهنده این شاخص است.
  ۵. **اخذ اعتبار:** این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا براساس اعتبار تعیین‌شده به ارزیابی فعالان اقتصادی پردازند.
  ۶. **حمایت از سرمایه‌گذاران (سهام‌داران):** در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی می‌باشند به‌ویژه در معاملاتی که در آن‌ها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است. این شاخص میزان علنی‌بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخگویی مدیر، سهولت شکایت برای سهام‌دار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را دربر می‌گیرد.
  ۷. **پرداخت مالیات:** این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را برحسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند.
  ۸. **تجارت فرامرزی:** تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته‌بندی در کارخانه تا خروج از بندر)، میزان تعرفه‌ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات (از پهلوگرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد. در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می‌شود.

۹. **انحلال یک فعالیت:** تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی (روز) و هزینه پرداخت‌شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.
۱۰. **الزام‌آور بودن قراردادها:** زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را دربر می‌گیرد.
- بدیهی است هر قدر این مراحل مشکل‌تر، پیچیده‌تر، و پرهزینه‌تر باشد انگیزه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای انجام و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در فضای کسب و کار کمتر خواهد شد. بنیاد هر نتیجه نیز با رویکرد امنیت سرمایه‌گذاری به محیط نهادی می‌نگرد و طبق این رویکرد دولت‌ها با فشار یا اجبار بیش از حد محیط سرمایه‌گذاری اقتصادی را ناامن می‌سازند. از همین روی این بنیاد معیار آزادی اقتصادی را در دو بعد روابط خارجی و داخلی کشورها در ده شاخص به قرار زیر دنبال می‌کند:
۱. **آزادی کسب و کار:** این شاخص به میزان آزادی هر کشور از بروکراسی‌های اداری و قوانین زائد در فضای کسب و کار می‌پردازد.
  ۲. **شاخص آزادی و تجارت:** ای شاخص مربوط است به میزان تعرفه‌هایی که بر واردات کالاهای خارجی اعمال می‌گردد. برای محاسبه این شاخص میزان محدودیت تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای مدنظر است.
  ۳. **شاخص آزادی مالی:** این شاخص بر موضوع مالیات تمرکز دارد. مالیات ابزاری است که دولت برای تأمین مخارج خود از آن استفاده می‌نماید و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها از آن متأثر می‌شود. در این شاخص سه متغیر مدنظر است. حداکثر نرخ مالیات بر بنگاه‌ها، شرکت‌ها و میزان درآمد دولت از طریق مالیات (درصد از تولید ناخالص داخلی).
  ۴. **شاخص مخارج دولت:** میزان مخارج دولت در بسیاری از مطالعات اقتصادی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیادبودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی نشان‌دهنده بزرگ‌تربودن اندازه دولت است.
  ۵. **آزادی پولی:** دو آفت برای بازارهای اقتصادی، دخالت و کنترل دولت در قیمت‌ها و نرخ تورم زیاد است. شاخص آزادی پولی دربرگیرنده این دو متغیر است. برای محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول‌هایی میانگین تورم سه سال گذشته و میزان کنترل دولت بر قیمت‌ها محاسبه می‌گردد.
  ۶. **آزادی سرمایه‌گذاری:** کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان‌پذیر باشد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد.
  ۷. **آزادی تأمین اعتبار:** مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی مؤسسات مالی در تعیین نحوه تأمین اعتبار از عوامل مؤثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است.
  ۸. **حقوق مالکیت:** قانون کپی‌رایت و علی‌الخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم‌افزارها از عوامل مرتبط با کاهش امتیاز در این شاخص است.

#### ۹. آزادی از رشوه و فساد

۱۰. آزادی بازار نیروی کار: برای محاسبه این شاخص از متغیرهایی همچون نسبت حداقل دستمزد به میانگین ارزش افزوده هر کارگر، میزان نامناسب بودن ساعات کار، میزان سختی اخراج کارگر اضافی و جوه پرداختی بابت انفصال از خدمت استفاده می‌گردد. (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲)

#### ۴.۲.۲. توانمندسازی بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان

تغییرات روزافزون فضای کسب و کار جهانی، نقش کلیدی مشتری‌محوری، رقابت گسترده و تنوع‌طلبی فضای بازارهای بین‌المللی، بنگاه‌های اقتصادی بین‌المللی را به سمت کوچک‌شدن و تغییر ساختار رهنمون کرده و به توسعه روزافزون بنگاه‌های کوچک و متوسط منجر شده است.

از طرفی در دهه اخیر رویکرد یادگیری‌محورانه به‌عنوان اصل موفقیت در بازارهای جهانی معرفی شده و نتیجه آن پیدایش مفاهیم یادگیری سازمانی، بنگاه یادگیرنده و نهایتاً دانش‌محوری به‌عنوان اصول موفقیت بنگاه‌های فعال در عرصه بین‌المللی معرفی شده است. (گاتوم و لوتز، ۲۰۰۶؛ ریوت و همکاران، ۱۹۹۶)

به‌عبارت بهتر توسعه صنایع کوچک و متوسط، رمز توسعه اقتصادی و رونق به‌ویژه در کشورهای دچار رکود اقتصادی بوده و این امر به‌دلیل برتری صنایع کوچک در توسعه اقتصادی کشورها از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد در پژوهش‌های علمی متعددی نتیجه‌گیری شده است.

عوامل برتری صنایع کوچک و مزیت‌های نوآوری آن‌ها را می‌توان در تفاوت ساختار مدیریتی معرفی کرد که دیوان‌سالاری تشکیلاتی موجود در ساختار بنگاه‌های بزرگ را حذف و در نتیجه پذیرش طرح‌های با خطر بالا را تسهیل می‌کند و نهایتاً نوآوری و فعالیت‌های مرتبط با آن در کانون راهبرد رقابتی آن‌ها قرار می‌گیرد که این امر به ایجاد یک مزیت رقابتی پایدار برای بنگاه‌های کوچک دانش‌محور تبدیل شده و عملکرد آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. (کامبو و همکاران، ۲۰۱۱)

آمارهای منتشره توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سایر منابع حاکی از دستیابی بنگاه‌های کوچک به سهم بزرگی از صادرات کشورهای صنعتی می‌باشد. در حدود ۲۵ درصد از این بنگاه‌ها که در فعالیت تولیدی مشغول هستند در بازارهای بین‌المللی فعالیت می‌کنند و ۲۵٪ الی ۳۵٪ از صادرات تولیدات جهانی را برعهده دارند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد بنگاه‌هایی به‌سمت استراتژی‌های بین‌المللی شدن می‌روند که با حمایت‌های دولت‌های خود از وضعیت مناسبی در بازار داخلی برخوردار باشند. (آرما، ۲۰۰۴)

با این حال بین‌المللی‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط اغلب با محدودیت‌هایی مانند محدودیت

تأمین مالی مواجهه است. به‌دلایلی مانند مشکلات در فراهم‌آوردن اعتبار با ارزش، وجوه نقد کم، سابقه اعتباری ناکافی، سیستم بانکی توسعه‌نیافته و هزینه مبادله بالا در تدمین منابع مالی با مشکل مواجه هستند. (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲)

آرما و آدمیا (۲۰۱۱) در تحقیقی عنوان می‌کنند، به‌علت تمایل به غلبه بر عدم اطمینان محیطی شرایطی پدید آمده است که بنگاه‌های کوچک دانش‌محور ایجاد شوند. وی شرکت‌های دانش‌محور را بدین صورت معرفی کرده است. «شرکت‌هایی که دارای ارزش‌های بالایی از دانش علمی محاط‌شده در زمینه تولید و فرایندها می‌باشند».

بل، کریک و یانگ (۲۰۰۴) در تحقیقی که بین ۳۰ شرکت (۱۵ شرکت دانش‌محور و ۱۵ شرکت سنتی) انجام دادند. به این نتیجه رسیدند که، بین تولیدات شرکت‌ها، تمرکز بر بازار و همچنین فرایندهای بین‌المللی شدن بنگاه‌های دانش‌محور و بنگاه‌های سنتی تفاوت‌های فاحشی وجود دارد و بنگاه‌های دانش‌بنیان از منظر نوآوری، ریسک‌پذیری و اتخاذ راهبردهای تنوع‌محور در سطح بالاتری قرار داشته و روند عملکرد صادراتی آن‌ها رشد فزاینده‌تری را رقم زده است. (نقل از آرما، ۲۰۰۴)

توسعه صنایع کوچک و متوسط، رمز توسعه اقتصادی و رونق به‌ویژه در کشورهای دچار رکود اقتصادی است. برتری صنایع کوچک را در راه توسعه اقتصادی کشورها از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد در پژوهش‌های علمی متعددی نتیجه‌گیری شده است.

ورود بنگاه‌های کوچک و متوسط کشورهای در حال توسعه به عرصه بازارهای بین‌المللی اغلب با محدودیت‌هایی مانند مشکلات در فراهم‌آوردن اعتبار با ارزش به‌دلیل سابقه اعتباری ناکافی، سیستم بانکی توسعه‌نیافته و هزینه مبادله بالا در تأمین منابع مالی مواجه بوده و تنها در صورت حمایت‌های دولتی قادر به حضور موفق در این بازارها خواهند بود.

یک برنامه‌ریزی موفق در جهت بین‌المللی‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط دولت‌ها بایستی با استراتژی توانمندسازی متناسب در سه حوزه مالی، اطلاعاتی و تشویقی و علاوه بر آن اولویت با بنگاه‌های دانش‌بنیان همراه باشد.

تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط بایستی با یک نگاه متفاوت نسبت به شرکت‌های بزرگ صورت گیرد و ملاحظات خاص این حوزه در مدل‌های آن گنجانده شود.

وضعیت ویژه بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان در رشد و توسعه اقتصادی و ارزش‌آفرینی به توسعه مدل‌های تأمین مالی منجر شده که براساس حضور قدرتمند بنگاه‌های کوچک صادرکننده در بازارهای خارجی تسریع می‌گردد. زیرا حضور در بازارهای خارجی در محیط رقابتی و مرگبار بازار جهانی با



هزینه‌های زیادی همراه است و حل و فصل دغدغه‌های بنگاه‌ها در حوزه مالی باعث می‌شود آن‌ها به دنبال ایجاد مزیت‌های رقابتی، شناخت بازارهای خارجی جدید و در نتیجه حضور قدرتمند در این بازارها باشند. براساس یافته‌های پژوهشی متعدد، از مهم‌ترین ویژگی‌های سیستم تأمین مالی کارا و هدفمند در حوزه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- تخصیص بهینه اعتبارات با دیدگاه صادرات، بازار و دانش‌محور.
  - بررسی سوابق مدیر مالکان بنگاه‌های کوچک و متوسط.
  - شناسایی تولیدکنندگان کوچک صادرکننده و دادن امتیاز اعتباری بیشتر به آن‌ها نسبت به بنگاه‌های بازرگانی.
  - شناسایی نوع کالا و خدمات تولیدی صادراتی و نوع صنعت.
  - محاسبه عملکرد صادراتی و روند آن با وزن دهی به کالاهای دانش‌بنیان.
  - شناسایی استراتژی‌های ورود به بازارهای خارجی.
  - شناسایی کشورهای هدف صادراتی.
  - تشخیص میزان سرمایه در گردش مورد نیاز برای دستیابی به اهداف صادراتی شرکت.
  - بررسی صورت‌های مالی بنگاه به‌ویژه دارایی‌ها و بدهی‌های بنگاه.
  - بررسی مفاد قراردادهای منعقد با طرف‌های خارجی و برنامه‌های آینده بنگاه و عدم تأکید بیش از حد بر روند گذشته عملکرد.
  - تعیین سقف اعتباری مناسب برای بنگاه‌های صادرکننده کوچک و دانش‌بنیان.
  - شناسایی ریسک خاص بازارهای هدف و کمک به بنگاه در جهت کاهش ریسک.
  - عدم توجه بیش از حد به نقدینگی و گردش مالی بنگاه‌های کوچک.
  - درک اهمیت زمان در ارائه اعتبار به بنگاه‌های صادرکننده کوچک و تأمین مالی در مدت‌زمان کوتاه.
  - نرخ سودهای ترجیحی برای بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان.
  - عدم تأکید بر ارائه وثایق ملکی سهل‌البیع و اتکا بر قراردادهای لازم‌الاجرا.
- پیش‌بینی نوسانات نرخ ارز و کنترل آن (لوینگ و کلینگ، ۲۰۰۷؛ راداتز، ۲۰۰۶؛ دونیوالد، ۲۰۰۲؛ لوین و لویزا، ۲۰۰۰؛ بارولی، ۱۹۹۶؛ لیوند، ۲۰۱۰؛ پونکت، ۲۰۱۱)

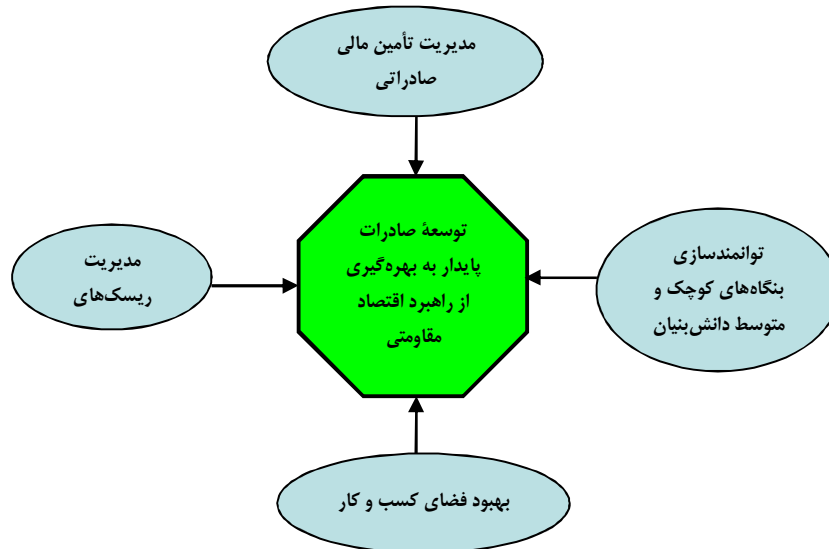
تأکید بر حمایت‌های اطلاعاتی سازمان‌های دولتی از بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان به ماهیت این بنگاه‌ها برمی‌گردد. به عبارت بهتر از یک‌طرف کمبود دانش اقتصادی و مالی به‌ویژه در مراحل اولیه تشکیل شرکت (مرحله معرفی و بخشی از مرحله رشد) باعث بروز مشکلاتی برای این‌گونه بنگاه‌ها می‌شود، به نحوی که گاهی به علت نبود مراجع حمایت‌کننده و اثرگذار، صنایع کوچک نمی‌توانند بر روی

تغییرات محیطی اثر بگذارند و همین مسئله آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر بین شرکت‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک و متوسط در استفاده از بازاریابی، تحقیقات بازار، مطالعه بازارها، تبلیغات، تأسیس شعبه یا نمایندگی و فعالیت‌هایی از این دست تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در واقع شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل برخورداری از منابع بیشتر جهت مانوردهی در بازار فعال‌تر از بنگاه‌های کوچک عمل می‌کنند. همان‌طور که نتایج مدل ورمن و همکاران (۲۰۰۰) نشان می‌دهد استفاده از تحقیقات بازار به‌ویژه جنبه رسمی آن پرهزینه است و شرکت‌های کوچک قادر به تحمل این هزینه‌ها نیستند و در نتیجه در بیشتر موارد عملکرد صادراتی آن‌ها پایین گزارش شده است. بنگاه‌های کوچک به دلیل منابع کمتر، بیشتر به دنبال اطلاعاتی می‌گردند که با هزینه کمتر قابل دسترسی باشد و یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای دستیابی این قبیل بنگاه‌ها به اطلاعات بازارهای خارجی استفاده از اطلاعات سازمان‌های راهنمایی دهنده است. به طوری که نتایج پژوهش ورمن (۲۰۰۲) نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچک و متوسط اروپایی بیشتر اطلاعات مورد نیاز خود در مورد بازارهای خارجی را از سازمان‌های راهنمایی دهنده نظیر اتاق بازرگانی به دست می‌آورند. بنابراین اثر اندازه بنگاه بر عملکرد صادراتی غیرقابل انکار است.

استفاده از محرک‌های تشویقی متنوع و دارای جذابیت بالا از موارد مهم دیگری است که دولت‌ها بایستی در جهت توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان لحاظ کنند. جوایز صادراتی، تخفیف در نرخ سود تسهیلات، کاهش در کارمزدهای سازمان‌های دولتی و مواردی از این قبیل می‌تواند به عنوان محرک‌های مثبت عمل کند. ارائه مشوق‌های مالی جذاب به بنگاه‌های کوچک صادرکننده می‌تواند ضمن پوشش بخشی از هزینه‌های بالای رقابتی اثرات مثبتی در ارتقای عملکرد صادراتی آن‌ها ایفا نماید. (پونکت، ۲۰۱۱)

#### ۵.۲.۲. مدل استراتژی‌های توسعه صادرات غیرنفتی با بهره‌گیری از ادبیات اقتصاد مقاومتی

با توجه به چالش‌های مهم صادرکنندگان ایرانی و با بهره‌گیری از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که به دنبال بهبود وضعیت توانمندی‌های داخلی اقتصاد و در نتیجه رفع موانع داخلی تولید و صادرات می‌باشد می‌توان مدل مفهومی زیر را به عنوان کلیدواژه‌های توسعه صادرات پایدار و بهبود وضعیت موجود معرفی نمود.



شکل ۱. مدل استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی براساس راهبرد اقتصاد مقاومتی

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی راه‌های توسعه صادرات پایدار با بهره‌گیری از راهبرد اقتصاد مقاومتی پرداخت. با توجه به شرایط رکودی اقتصاد ایران، چالش‌های حوزه تولید و صادرات و همچنین برنامه‌های دولت محترم به‌نظر می‌رسد با بهره‌گیری درست از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بازمبانی و مهندسی مجدد راهبردهای حمایتی حوزه تولید و صادرات با یک نگاه دانش‌محور، توانمندساز و رو به جلو، دستیابی به یک رشد پایدار در این عرصه حتی در کوتاه‌مدت قابل‌پیش‌بینی باشد.

براساس یافته‌های پژوهش‌های میدانی چالش‌های مهم صادرات بنگاه‌های ایرانی در چهار حوزه تأمین مالی صادراتی، ریسک‌های موجود بازارهای هدف، فضای کسب و کار و همچنین بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان قابل‌دسته‌بندی است.

از طرفی مطالعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد هر چهار حوزه مطروحه جزء موارد مورد نظر ایشان بوده و بهبود وضعیت فعلی با تأکید بر توان داخلی و توسعه صادرات مورد تأکید قرار گرفته است.

بنابراین مطالعه رویکردهای مهم سایر کشورها در این چهار حوزه و بهره‌گیری از تجارب موفق می‌تواند موجب تسریع در پرکردن شکاف‌های موجود و ایجاد یک فضای کسب و کار رو به جلو و صادرات‌محور گردد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در حوزه مدیریت تأمین مالی صادراتی استفاده از مدل‌های علمی، جامع، روزآمد و کارا در جهت تخصیص اعتبارات صادراتی از یک‌طرف به توزیع عادلانه، مناسب و

صادرات‌محور اعتبارات که می‌تواند ارتقای عملکرد صادراتی را به همراه داشته باشد، منجر شده و از طرف دیگر جلوی رشد روزافزون رانت‌ها و فسادهای موجود در این حوزه را گرفته و معوقات بانکی غیرمتعارف را کاهش می‌دهد که این امر می‌تواند به آزادشدن بخش بزرگی از منابع مالی راکد در جهت استفاده بهینه و توسعه‌محور منجر شود.

یک مدل علمی تأمین مالی صادراتی بایستی ریسک هر متقاضی را با درصد خطای کمی، به‌درستی پیش‌بینی نموده و همچنین به تأمین مالی صادراتی واقعی منجر شود و خروجی نهایی آن کاهش مشکلات سرمایه در گردش صادرکنندگان ایرانی و در نتیجه توسعه عملکرد صادراتی بنگاه‌ها با یک رشد فزاینده و متناسب با برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور باشد.

وجود یک فضای کسب و کار پایدار و رو به جلو که در آن فعالیت‌های اداری مربوط به شروع و یا خاتمه یک فعالیت تولیدی و صادراتی با حداقل زمان ممکن انجام می‌شود و بر اهمیت زمان در فعالیت‌های تجاری بین‌المللی تأکید دارد همراه با شفافیت در عرضه اطلاعات و فعالیت‌های اقتصادی و تأکید بر توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی نیز می‌تواند به توسعه صادرات پایدار منجر شود.

کاهش استرس از فضای کسب و کار و دستیابی به یک ثبات پایدار یک راه‌حل دیگر در جهت توسعه صادرات بنگاه‌های ایرانی است که می‌تواند در جهت بهبود وضعیت موجود و افزایش قدرت رقابتی بنگاه‌های ایرانی در بازارهای خارجی مؤثر واقع شود.

ورود به بازارهای خارجی به‌دلیل ماهیت ناشناخته و عوامل دیگر همواره با درصدی از ریسک‌های سیاسی و تجاری همراه است و همین امر می‌تواند یک مانع بزرگ بر سر راه فعالان اقتصادی بوده و حتی در مواردی منجر به ازدست‌دادن وجوه صادراتی آن‌ها و در نتیجه خروج از بازار یا حتی ورشکستگی شود. به‌ویژه در شرایط فعلی که صادرکنندگان ایرانی از یک‌طرف معمولاً با بازارهای پرسیکی مانند عراق و افغانستان روبه‌رو هستند و از طرف دیگر تحریم‌های غرب به بلوک‌شدن مبالغ زیادی از وجوه صادرکنندگان ایرانی منجر شده این موضوع نمود بیشتری پیدا می‌کند. تجهیز سازمان‌های بیمه‌گر در جهت پوشش ریسک‌های پیشروی صادرکنندگان ایرانی در بازارهای هدف خاص به‌ویژه ریسک‌های سیاسی و تجاری و همچنین استفاده از ابزارهایی مانند خطوط اعتباری در این زمینه بسیار اثرگذار بوده و می‌تواند به افزایش صادرات بنگاه‌های جدید به‌ویژه بنگاه‌های کوچک منجر شود.

موضوع مهم دیگر در این زمینه لزوم بازنگری در راهبردهای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط صادرکننده و به‌ویژه بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان است که با استفاده از راهبردهای نوآوری و تنوع می‌تواند نقش بسیار مهمی در زمینه افزایش صادرات و ایجاد اشتغال ایفا نماید.

ماهیت بنگاه‌های کوچک، ساختار شکننده و توان مالی آن‌ها نیاز به تغییرات راهبردی توانمندسازی در سه حوزه مالی، اطلاعاتی و تشویقی را نمایان ساخته و تنها در صورت تغییر در راهبردهای حمایتی این حوزه با شرایط خاص خود انتظار اثرگذاری مثبت را می‌توان داشت.

بدون شک یک کلیدواژه مهم پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی تقویت همه‌جانبه بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان از طریق تأمین مالی مناسب، پوشش نیازهای اطلاعاتی بازارهای صادراتی و همچنین تعریف ابزارهای جدید تشویقی و مؤثر بر افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها در عرصه بازارهای بین‌المللی است.

بدون شک مطالعه راهبردهای حمایتی سیاست‌گذاران اقتصادی از برنامه‌های تولید صادرات‌محور ما را به یک نگرش سنتی و همراه با اینرسی می‌رساند که ریشه بسیاری از مشکلات فضای کسب و کار ایران را بایستی در همین ماندگرای و بی‌تحركی راهبردهای حمایتی جست‌وجو کرد. یک از کلیدی‌ترین راهکارهای خروج از چنین انجماد راهبردی حمایتی تأکید بر دانش‌محوری در راهبردهای حمایت از تولید صادرات‌محور می‌باشد. در چنین برنامه‌ریزی دانش‌محوری بدون شک مهندسی مجدد شرایط موجود از دیدگاه چهار شاخص اصلی و اثرگذار که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، جزء اولویت‌های اساسی بازننگری در راهبردهای فعلی است.

بازنگری در چهار حوزه، مدیریت تأمین مالی صادراتی، بهبود فضای کسب و کار، پوشش ریسک‌های بازارهای هدف و توانمندسازی بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان و ایجاد تغییرات متناسب با شرایط روز فضای بازارهای رقابتی بین‌المللی:

- به افزایش قدرت رقابت‌پذیری صادرکنندگان ایرانی و بنگاه‌های کوچک دانش‌بنیان منجر می‌شود که نهایتاً با توسعه عملکرد صادراتی و افزایش ذخایر ارزی کشور همراه خواهد بود.
- اثرات مثبتی در خروج کشور از شرایط رکودی و کاهش نرخ بیکاری نیروهای جوان تحصیل‌کرده خواهد داشت.
- شرایط ایران را برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی بسیار مساعد و قدرت تسخیر بازارهای خارجی توسط بنگاه‌های ایرانی را به دلیل رقابت‌پذیری محصولات آن‌ها تسهیل می‌کند.
- بنگاه‌های کوچک توان بالایی در ارائه محصولات ایرانی دارای مزیت صادراتی مانند فرش، پسته، زعفران و ... به بازارهای بزرگ جهانی خواهند داشت.
- با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:
- لزوم بازننگری در مکانیزم‌های تأمین مالی صادراتی و طراحی مدل‌هایی در جهت ارائه تسهیلات صادراتی ارزان‌قیمت و با شرایط آسان به بنگاه‌های صادرکننده واقعی و با برنامه و همچنین افزایش درصد منابع تسهیلات صادراتی بانک‌ها.
- لزوم بهبود شرایط فضای کسب و کار و حرکت به سمت کاهش زمان فعالیت‌های اداری مربوط به برنامه‌های تولید و صادرات و همچنین کاهش استرس‌های موجود در فضای کسب و کار.
- لزوم بازننگری در پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری بازارهای هدف صادراتی به‌ویژه بازارهای کشورهای همسایه و افزایش ظرفیت بیمه‌ای و تضمینی صندوق ضمانت صادرات ایران و بانک توسعه صادرات ایران.

- لزوم بازنگری در برنامه‌های توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان و توانمندسازی در سه حوزه مالی، اطلاعاتی و تشویقی متناسب با شرایط خاص بنگاه‌های مذکور به نحوی که قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها را در بازارهای بین‌المللی ارتقا بخشد.

## منابع

- احمدیان، علی اشرف، و بهروز کریمی (۱۳۹۰). «جایگاه نهادهای حمایتی در توسعه صادرات پایدار»، هجدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تبریز.
- احمدیان، علی اشرف، و علیرضا معطوفی (۱۳۹۱). «مدیریت تأمین مالی صادراتی؛ عاملی استراتژیک در جهت توسعه تولید صادرات محور»، پنجمین کنفرانس توسعه نظام تأمین مالی در ایران، دانشگاه صنعتی شریف.
- احمدیان، علی اشرف، و عیسی ذوقی خبوشان (۱۳۹۲). «جایگاه فضای کسب و کار با ثبات در توسعه صادرات پایدار؛ براساس مطالعه صادرکنندگان ایرانی»، نوزدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تبریز.
- جعفری، فاطمه، و حسن حسینی (۱۳۹۲). «مهم‌ترین موانع گسترش و تولید صادرات فرش ترکمن کدام است»، نوزدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تبریز.
- طالبی، محمد، و نازنین شیرزادی (۱۳۹۰). *اندازه‌گیری ریسک اعتباری و مدیریت، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و دووین کتب علوم انسانی (سمت)*.
- طیعی، سیدکامیل، و همکاران (۱۳۹۲). «بهبود فضای کسب و کار و توسعه تجارت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای آسیایی منتخب- درس‌هایی برای اقتصاد ایران»، نوزدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تبریز.
- Acharya, V., Drechsler, I. & Schnabl, P., 2012. A pyrrhic victory? – Bank bailouts and sovereign credit risk. *NYU Working aper*.
- Acharya, V., Pederson, L., Philippon, T. & Richardson, M., 2010. Measuring systemic risk. *Federal Reserve Bank of Cleveland, Working Paper 2*.
- Adrian, T. & Brunnermeier, M., 2011. CoVaR. *Princeton University, Working Paper*.
- Albanese, C., G. Gimonet, and S. White (2010). Global Valuation and Dynamic Risk Management. To appear on "Illiquid Asset Valuation", Risk Publications, Edited by Eric Takigawa.
- Allen, F. & Gale, D., 2000. Financial Contagion. *Journal of Political Economy*, Volume 108(1), pp. 1-33.
- Ang, Andrew and Monika Piazzesi 2003. "A No-Arbitrage Vector Regression of Term.
- Aremu, M. A. (2004). Small Scale Enterprises: Panacea to Poverty Problem in Nigeria, *Journal of Enterprises Development, International Research and*



- Development Institute, Uyo, AkwaIbom, Nigeria, I(1): 1 – 8.
- Aremu, M. A. and Adeyemi, S.A. (2011). Small and Medium Scale Enterprises as A Survival Strategy for Employment Generation in Nigeria. *Journal of Sustainable Development*, Canadian Center of Science and Education. Vol. 4(1):200- 2006. Available: [http://ces.univ-paris1.fr/membre/Poncet/Perso/Finance\\_Jarreau.pdf](http://ces.univ-paris1.fr/membre/Poncet/Perso/Finance_Jarreau.pdf)
- Aziz, J., Duenwald, C., 2002. "Growth-financialintermediationnexusinChina". Discussion paper No.02/194, International Monetary Fund.
- Balabanis, G. I., and E. S. Katsikea. 2003. Being an entrepreneurial exporter– does it pay? *International Business Review* 12:233–52.
- Bantel, K. A., & Jackson, S. E. (1989), " Top management and innovations in banking: Does the composition of the top team make a difference? ", *Strategic Management Journal*, 10: 107–124.
- Barro, R.J. and J.W. Lee 1996, "International Measures of Schooling Years and Schooling Quality", *American Economic Review*, 86, 218-23.
- Beck, T., Levine R. and Loayza N. 2000, "Finance and the sources of Growth", *Journal of Financial Economics*, 58, 261-300.
- Begley, T.M. 1995. Using founder status, age of firm and company growth rate as the basis for distinguishing entrepreneurs from managers of smaller businesses. *Journal of Business Venturing* 10 (3): 249–63.
- Berry, Albert. 2002. Valoración de Políticas de Apoyo a la Pequeña Empresa: Primera Aproximación a una Metodología Regional. Inter. American Development Bank.
- Bielecki, T. and M. Rutkowski (2002). *Credit Risk: Modeling, Valuation and Hedging*. Springer Finance, Berlin.
- Blettner, D. P. (2008), " The Evolution of Dominant Logic in Relation to Strategic Inertia in Software Ventures " , D I S S E R T A T I O N of the University of St. Gallen, Graduate School of Business Administration, Economics, Law and Social Sciences (HSG) to obtain the title of Doctor Oeconomiae.
- Bravo, David, Gustavo Crespi and Irma Gutiérrez. 2002. *Desarrollo se Escribe con PYME; El Caso Chileno*. Comisión Económica para América Latina (CEPAL), Universidad de Chile and FUNDES.
- Brigo, D. (2011). Counterparty Risk FAQ: Credit VaR, PFE, CVA, DVA, closeout, netting, collateral, re-hypothecation, WWR, Basel, funding, CCDS and margin lending. available at arXiv.org, <http://arxiv.org/abs/1111.1331>.
- Brown, D, A. Deardorff, R. Stern (2002). "Computational Analysis of Multilateral Trade.
- Cook, Paul, Colin Kirkpatrick, Martin Minogue and David Parker. 2003. "Competition, Regulation and Regulatory Governance in Developing Countries: An Overview of the Research Issues." Mimeo.
- Daniels, P.W. (1993). *International Trade and Foreign Direct Investment in Services in "Service Industries in the World Economy."* Oxford, UK; Cambridge, MA: Blackwell.
- Das, T. K., and B.-S. Teng. 2001. Strategic risk behaviour and its temporalities:

- Between risk propensity and decision context. *Journal of Management Studies* 38 (4): 515–34.
- Fernandez, Z., and M. T. Nieto. 2005. International strategy of small and medium family business: Some influential factors. *Family Business Review* 18 (1): 77–89.
- Gallagher, Kevin P., and Frank Ackerman (2004), “Computable Abstraction: the case of environmental reviews of Trade Agreements,” *Flawed Foundations of General Equilibrium Theory*, Ackerman and Nadal (eds). London: Routledge.
- Gallagher, Kevin P., and Lyuba Zarsky (2004). Sustainable Industrial Development? Goitom Tesfom & Clemens Lutz,(2006). “A Classification of Export Marketing Problems of Small and Medium Sized manufacturing Firms in Developing Countries”, *International Journal of Emerging Markets* Vol. 1, No. 3. 262-281.
- Gordon, S. S., Stewart, W. H. J., Sweo, R., & Luker, W. A. (2000), “Convergence versus strategic reorientation: The antecedents of fast-paced organizational change”, *Journal of Management*, 26: 911–945.
- Guariglia, A., X.Li and L.Song, 2010, “Internal Finance and Growth: Microeconomic Evidence on Chinese Firms”, *Journal of Development Economics* forthcoming.
- Jarreau, J. and Poncet, S., (2011). Export performance and Credit Constraints in China. [Online].
- Knutson, T. R., Tuleya, R. E., and Kurihara, Y.: 1998, ‘Simulated Increase of Hurricane Intensities in a CO<sub>2</sub>-Warmed Climate’, *Science* **279**, 1018–1020.
- Kombo, A. et al (2011). An Evaluation of the Impact of Risk management Strategies on Micro-Finance Institutions’ Financial Sustainability: A case of Selected Micro finance institutions in Kisii Municipality, Kenya. *Educational Research*, Vol. 2 (5):1149-1153.
- Kroszner, D., Laeven, L. and R. Klingebiel, 2007, “Banking Crises, Financial Dependence, and Growth”, *Journal of Financial Economics* 84(1), p.187-228.
- Laeven, L. and F. Valencia (2010). Resolution of Banking Crises: The Good, the Bad, and the Ugly. IMF working paper 10/146.
- Lander, M.: 1994, ‘An Exploratory Analysis of the Relationship between Tropical Storm Formation in the Western North Pacific and ENSO’, *Mon. Wea. Rev.* **122**, 636–651.
- Landier, Augustin, David Sraer, and David Thesmar 2013. “Banks Exposure to Interest Rate Risk and the Transmission of Monetary Policy.” NBER Working Paper 18857.
- Leonidou, L.C. (1998a), “Organizational determinants of exporting: conceptual, methodological, and empirical insights”, *Management International Review*, No. 1, pp. 7-52, special issue.
- Li, C.: 1987, ‘A Study of the Influence of El Niño upon Typhoon Action over the Western Pacific’, *Acta Meteorologica Sinica* **45**, 229–236.
- Li, H., Lingsheng M., Qian W. and Li-An Z. (2007), “Political connections, financing and firm performance: Evidence from Chinese private firms”, *Journal of*



Development Economics, ۲۹۹-۲۸۳, ۸۷.

- Liberalization in the Uruquay Round and Doha Development Round.” University of Michigan Research Seminar in International Economics. Discussion Paper No.489.
- McGowan, C. B., Jr., and S. E. Moeller. 2003. An empirical application of discriminant analysis of political and economic risk variables for foreign direct investment. *Journal of Global Business* 14:7-18.
- Moreno, M. R. and J. I. Pena (2013). Systemic risk measures: the simpler the better? *Journal of Banking and Finance* 37, 1817-1831.
- Picoult, E. (2005). Calculating and Hedging Exposure, Credit Value Adjustment and Economic Capital for Counterparty Credit Risk. *Counterparty Credit Risk Modelling*, (Editor: Pykhtin, M.), Risk Books.
- Piterbarg, V. ( 2010). Funding Beyond Discounting: Collateral Agreements and Derivatives Pricing. *Risk Magazine*, 97.
- Raddatz, C., 2006, “Liquidity needs and vulnerability of inancial underde velopment”, *Journal Of Financial Economics*, 80, 677-722.
- Ribot, J. C., Magalhães, A. R., and Panagides, S. S. (eds.): 1996, *Climate Variability, Climate Change and Social Vulnerability in the Semi-Arid Tropics*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Sanderson, S.: 1994, ‘Political-Economic Institutions’, in Meyer, W. B. and Turner, B. L. (eds.), *Changes in Land Use and Land Cover: A Global Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 329-355. Cambridge, pp. 329-355.
- Sharma, B.(2004) , "Marketing Strategy Contextual Factors and Performance: An Investigation of the Relationship " , *Marketing International & Planning*, VOL. 22 .NO.2, PP.128-143.
- Shephard, N. and M. K. Pitt (1997). Likelihood analysis of non-Gaussian measurement time series. *Biometrika* 84, 653-67.
- Stoever, W. 2002a. Restructuring fdi policy in developing and transition economies: Frameworks for analysis; With an application in Korea. Paper presented at the Academy of International Business – Northeast Conference, Salisbury, md.
- Structure Dynamics with Macroeconomic and Latent Variables.” *Journal of Monetary Economics*, 50, pp. 745-787.
- Tarullo, D. K. (2010). Equipping Financial Regulators with the Tools Necessary to Monitor Systemic Risk. Statement before the Subcommittee on Security and International Trade and Finance, Committee on Banking, Housing, and Urban Affairs, U.S. Senate, 12 February 2010 .36
- The Performance of Mexico’s FDI-Led Integration Strategy. Medford, Tufts University.
- Toften , K., (2005) , the Influence of Export Information Use on Export Knowledge and Performance, *Marketing Intelligence & Planning*, Vol. 23, No.2, PP.200-219.
- Voerman , J.A.(2002) , " The Export Performance of European SMEs", CH 6. pp.169-201.

- Voerman, J.A. , M.Wodel and P.S. Zwart, (2000), "Export Market Information Behaviour of SMEs: the Influence of firm Characteristics" SOM theme B: Marketing and Network.
- Watt, M. (October, 2011). Corporates fear cva charge will make hedging too expensive. Risk Magazine. 34
- Wood , V, R. and , K.R. Robertson (2000) , " Evaluating International Markets: the importance of information by industry , by country of destination , and by type of export transaction " , International Marketing Review , VOL .17 NO.1, PP.34-55.

# «ما نمی‌توانیم با روش‌های دیروز وارد جهان فردا شویم»<sup>۱</sup>

امین طهماسبی\*

## چکیده

امروزه کلیه نظام‌های اجتماعی بدون استثنا تحت تأثیر شدید تغییرات محیطی قرار دارند. وقایع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و پیشرفت‌های علمی و فناوری، سازمان‌های فعال را در کلیه عرصه‌های گوناگون متأثر می‌سازد. روند این تغییر و تحولات به گونه‌ای است که مسؤلان دیگر نمی‌توانند برای تعیین اهداف کشور براساس تجربیات گذشته تصمیم قطعی بگیرند. تجربه گذشته لزوماً راهنمای مطمئنی برای آینده نیست. لذا در این مقاله سعی گردیده با بررسی کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی نگاهی اجمالی به شرایط فعلی جامعه ایرانی و میزان آمادگی آن جهت همراهی با سیاست‌های کلان و ضرور کشور از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شود. نتیجه‌گیری این بررسی این است که در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های مؤثر بر یک برنامه توسعه‌ای در کشور، برای افزایش احتمال موفقیت آن ضروری است، چراکه ادامه روند فعلی منجر به صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه نظام و جامعه خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه، فرهنگ، برنامه، مدیریت جهادی

## مقدمه

هدف اعلام‌شده جمهوری اسلامی در قانون اساسی مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی است و در طول دوران پس از انقلاب تمام برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طراحی و تدوین شده به این منظور به مرحله اجرا درآمده‌اند، هرچند در چند دهه اخیر موفقیت‌هایی در زمینه این هدف به دست آمده، اما تا رسیدن به وضع مطلوب راه زیادی باقی مانده است. به نحوی که امروزه فقر و نابرابری در کشور یکی از چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و باعث بروز خدشه‌های زیادی به بدنه و بطن جامعه شده است.

هر برنامه‌ای برای توسعه کشور و گسترش عدالت اجتماعی مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر آن، اتخاذ

۱. الوین تافلر، موج سوم.

\* سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، مدیریت حراست  
(Email: amin.tahmaseb@yahoo.com)

سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب برای مقابله با تأثیرات منفی آن و اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست‌ها و برنامه‌ها بوده است. (۷) اما فقدان راهبردهای همه‌جانبه‌نگر در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و تدوین برنامه‌ها صرفاً براساس تجربیات گذشته و بدون در نظر گرفتن ضرورت‌های سخت‌افزاری و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و اجرای آن‌ها با شیوه سعی و خطا صدمات فراوانی در سالیان اخیر به کشور وارد نموده است.

در سالیان اخیر با درایت مقام معظم رهبری بحث ضرورت مقاوم کردن اقتصاد کشور با اعلام سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطرح گردید و گفتمان‌های زیادی در این زمینه مطرح شده است. اما آنچه در این میان نکته حائز اهمیت است و باید مورد توجه قرار گرفته و سرلوحه تمام برنامه‌ریزی‌ها قرار بگیرد توجه به عمق کلام رهبری است. ایشان در فرمایشات خود همان گونه که در اول پوستر همایش به حق آورده شده است می‌فرمایند: «باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود... مسئولان، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند، معتقد باشند و بخواهند، در این صورت کار عملی خواهد شد».

امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که تجدید بنای ساختارهای اقتصادی کشور بر مبنای اصول اقتصاد مقاومتی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. یعنی زیربناها و ساختارهای اقتصادمان را چنان بازسازی و پی‌ریزی نماییم که در مواقعی همچون زمان حال که با تحریم‌های ظالمانه جامعه استکباری مواجه شده‌ایم کمترین آسیب را در لایه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌مان شاهد نباشیم.

طراحی، تدوین، ترویج و اجرای اصول اقتصاد مقاومتی با نگاه آینده‌پژوهانه به نیازها و ضرورت‌های جامعه صرفاً با برگزاری سمینار و نوشتن تعداد محدودی مقاله و بدون انجام کار در عالم واقع امکان‌پذیر نیست. ترویج همزمان فرهنگ اقتصاد مقاومتی با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی که سال‌هاست در لایه‌های مختلف جامعه ما رسوخ کرده امکان‌پذیر نیست. در واقع با توجه به اینکه فرهنگ مصرف‌گرایی دهه‌هاست که در جامعه ما نهادینه شده است با فعالیت‌های مقطعی و زودگذر جای خود را به فرهنگ اقتصاد مقاومتی نخواهد داد، بلکه نیاز به کار شبانه‌روزی و طولانی‌مدت دارد. همان گونه که سال‌ها طول کشید تا فرهنگ روستایی مولد در جامعه ما جای خودش را به فرهنگ روستایی مصرف‌گرا و متمایل به مهاجرت به شهرها بدهد، در حال حاضر هم هر سیاستی که بخواهد این فرهنگ غلط استعماری را از لایه‌های جامعه پاک و با فرهنگ متعالی‌تر جایگزین کند اگر سال‌های بیشتری طول نکشد قطعاً کمتر از آن نیز امکان موفقیت نخواهد داشت.

لذا در این مقاله سعی بر این است به صورت خلاصه به بررسی شرایط اجتماعی حال حاضر جامعه ایرانی، مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آن و باورهای موجود و همچنین میزان آمادگی این جامعه (که به فرموده رهبری باید بداند و معتقد باشد و بخواهد تا اقتصاد مقاومتی عملی شود) برای همراهی با برنامه‌های

کلان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک ضرورتی که هرچند دیر به فکر آن افتادیم بپردازیم.

### تغییرات و برنامه‌ریزی

امروزه کلیه نظام‌های اجتماعی بدون استثنا تحت تأثیر شدید تغییرات محیطی قرار دارند. وقایع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و پیشرفت‌های علمی و فناوری، سازمان‌های فعال را در کلیه عرصه‌ها و فعالیت‌های گوناگون متأثر می‌سازد. روند این تغییر و تحولات به‌گونه‌ای است که مدیران دیگر نمی‌توانند برای تعیین اهداف سازمان براساس تجربیات گذشته تصمیم قطعی بگیرند. تجربه گذشته لزوماً راهنمای مطمئنی برای آینده نیست و مدیران باید با مددگیری از برنامه‌ریزی جامع مبتنی بر اصول آینده‌پژوهی، رویکردهای آینده‌زمینه کاری خود را به‌نحوی تنظیم نمایند که متناسب با موقعیت و شرایط آینده باشد. (۸)

از نظر برنامه‌ریزی استراتژیک، لازمه ماندگاری در دنیای امروزی، همسویی با شرایط عصر جدید، جهانی فکر کردن، جهانی عمل کردن و یافتن فرصت‌های نو می‌باشد. برای این کار مجبور به پذیرفتن تغییر و تحولات محیط پیرامون هستیم. مدیریت تغییر و تحولات امکان‌پذیر نیست مگر اینکه به برنامه‌ریزی پایبند باشیم. برنامه‌ریزی استراتژیک تلاشی آگاهانه برای توسعه مدل‌های ذهنی افراد و ایجاد همسویی در آنان به‌منظور دگرگون‌سازی حال و آفرینش آینده دلخواه می‌باشد. (۱۱)

در روزگاری مردم برای حمل و نقل و مسافرت از انرژی پاهایشان و در روزگاری دیگر و با اهلی کردن چهارپایان از حیوانات استفاده می‌کردند و با گذشت زمان و با اختراع موتور، نیروی این دست‌ساخت خودش را به‌کار گرفت و سال‌ها بعد با برآورده شدن آرزوی پرواز، بشر از هواپیما برای انجام سفرهای طولانی استفاده کرد، تا جایی که امروزه دیگر هیچ‌کس برای انجام مسافرت و حمل و نقل از روش‌های قدیمی استفاده نمی‌کند و حتی برای مسافرت‌های طولانی با وجود هواپیما دیگر کسی از ماشین استفاده نمی‌کند.

همچنین در روزگار قدیم انسان‌ها برای رساندن پیام خود به نقاط دیگر از روش‌های پرزحمت همانند بکارگیری کبوترها و ... استفاده می‌کردند، مدتی از تلگراف، پست معمولی و بعد تلفن و امروزه دیگر مردم با وجود سیستم‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی به‌وجودآمده از پست معمولی هم کمتر استفاده می‌کنند چه برسد به استفاده از کبوتر و تلگراف و ...

در زمینه اداره کشورها نیز حکومت‌های موفق از بدو تأسیس تاکنون با گذشت زمان همواره از روش‌های گوناگونی برای کشورداری استفاده می‌کردند و برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود را براساس واقعیت‌ها و شرایط روز جامعه و همچنین امکانات موجود و در دسترس طراحی و به مرحله اجرا در می‌آوردند. اگر برنامه‌ای بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

زمان خودش طراحی شود بدون شک راه به جایی نخواهد برد. به‌طور مثال اگر دولتی برنامه‌ای را که برای اجرا نیاز به مشارکت عمومی بالا دارد را بدون در نظر گرفتن اینکه شرایط جامعه برای مشارکت عمومی فراهم است یا نه، به مرحله اجرا در بیاورد، در صورت عدم مشارکت عمومی جامعه شکست خواهد خورد و تمام هزینه‌های صورت گرفته برای آن به هدر خواهد رفت. یکی از مصداق‌های روشن در این زمینه طرح هدفمندسازی یارانه‌هاست که با توجه به عدم اقبال عمومی جامعه، فراهم نبودن شرایط اجتماعی و همچنین عدم هماهنگی نهادهای مجری به حالت نیمه‌کما و غیره‌د فمند و فقط براساس اصرار و انکار در حال اجراست و با این شرایط حاصلی جز تشدید این آشفتگی که در اقتصاد کشور ایجاد شده نخواهد داشت. این طرح هر چند قرار بود با نهادینه کردن اصول علمی اقتصادی در جامعه منشأ اثرات مثبت و نجات اقتصاد کشور از سرطان‌های متعددش شود، ولی هنوز بعد از چندین سال نتوانسته خودش را در بدنه دستگاه‌های اجرایی کشور نهادینه کند، چه برسد که بخواند در جامعه نهادینه و مثمر ثمر واقع شود. از این گونه طرح‌ها و برنامه‌ها در طول سالین گذشته کم نداشته‌ایم، اما حداقل نکته‌ای که از اجرای چنین طرح‌هایی باید یاد می‌گرفتیم این بود که هر برنامه‌ای اگر به صورت جامع‌الشرایط طراحی و تدوین نشود و علی‌الخصوص شرایط اجتماعی جامعه را در نظر نگیرد به شکست خواهد انجامید، اما دریغ که حتی مسئولان همین یک نکته را نیز نگرفته‌اند و همچنان بر طبل هزاران راه‌رفته و شکست خورده می‌کوبند. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که قانون و یا راهکاری تأثیرگذار و موفق باشد بدون اینکه ارکان کلان و مجری آن با آن قانون همراهی نداشته باشند. ما نمی‌توانیم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را فقط در قالب قانون و بخشنامه ابلاغ نماییم و انتظار تأثیری شگرف را در جامعه داشته باشیم بدون اینکه مؤلفه‌های مؤثر بر آن را احصا و با آن همراه کرده باشیم.

مانند هر تلاشی، فرایند برنامه‌ریزی، زمان و مکان خاص خودش را در اجتماع دارد و عناصر معینی در اجتماع وجود دارند که اگر حکومت‌ها بخواهند منافع حاصل از برنامه‌ای را حداکثر کنند باید این عناصر در جای خود بوده و دیده شوند. این امر تا جایی مهم است که توصیه می‌شود، اگر شما قبل از اینکه متوجه عدم آمادگی جامعه به‌عنوان یک سازمان برای برنامه‌ریزی شده و تا واسط فرایند برنامه‌ریزی رفته باشید، باز بهتر است که فرایند را متوقف کرده و موقعیت را مهیای ادامه آن بسازید. این در حالی است که در بسیاری از موارد در کشور ما در حالی برنامه‌ریزی می‌کنند که شرایط آماده نیست و همه عناصر و جوانب را در نظر نمی‌گیرند و در نتیجه با فرایند برنامه‌ریزی نامناسب و پیامدهای حاصل از آن مواجه می‌شوند. (۴)

### رسانه‌های جمعی و اجتماعی

امروزه اگر می‌خواهیم کشورمان را از نو و بر پایه داشته‌های بالقوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خودمان نوسازی کنیم و فرهنگی را که بیگانگان از چندین دهه قبل در سنگ بنای جامعه‌مان جای داده‌اند دور

بریزیم، باید با استفاده از همه ظرفیت‌های در دسترس و در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های تأثیرگذار و با یک روحیه جهادی قدم در این راه سخت نهاد.

یکی از ظرفیت‌های موجود در کشور که الحق به خوبی از نظر کمی گسترش یافته و قابلیت رساندن پیام‌های مختلف را به جای جای کشور در کسری از ثانیه فراهم کرده است رسانه‌های جمعی و اجتماعی متنوع و در دسترس می‌باشد که در صورت مدیریت و بهره‌برداری با نگاه به منافع ملی و براساس اصول آینده‌نگری می‌توان تأثیرات شگرفی را در هر حوزه‌ای که مدنظر باشد ایجاد کرد.

رسانه‌های جمعی، عبارت است از مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی که عموماً با ارتباطی یکسویه به دنبال جمعی از مخاطبان هستند. اما امروزه گونه‌ای دیگر از رسانه‌ها به نام رسانه‌های اجتماعی مطرح شده‌اند که با استفاده از تکنولوژی‌های وب پایه برای تبدیل ارتباطات از یکسویه در رسانه‌های جمعی به دیالوگی دوسویه بهره‌برداری کرده‌اند و در واقع رسانه‌هایی برای تعامل اجتماعی هستند که از تکنیک‌های ارتباطی بسیار در دسترس و گسترش‌پذیر استفاده می‌کنند.

در مجموع هدف مشترک همه انواع رسانه‌ها تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی یک جامعه بر مبنای خواسته‌های مالکان آن رسانه‌هاست. در واقع رسانه‌ها در انواع مختلفشان قصد دارند ایده‌آل‌های صاحبانشان را به طبقات مختلف جامعه عرضه و آن‌ها را به همسویی با این ایده‌آل‌ها ترغیب نمایند. قدرت نفوذ و سهولت دسترسی عموم به این رسانه‌ها باعث شده تا بنگاه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به فراخور اهدافشان در جهت بهره‌برداری و سودبردن از این امکانات سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی انجام دهند.

بنگاه‌های اقتصادی برای تبلیغ محصولات و خدماتشان، بنگاه‌های سیاسی برای پیشبرد اهداف و شناساندن خودشان و ارائه برنامه‌هایشان در حوزه‌های مختلف و بنگاه‌های اجتماعی در جهت ارائه و نهادینه کردن ارزش‌های اجتماعی مورد نظرشان در جامعه و اهداف متنوع دیگر خود از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بهره‌برداری می‌کنند.

با توجه به حجم وسیع بهره‌برداران از رسانه‌های جمعی و اجتماعی و تأثیرات غیرقابل انکاری که این رسانه‌ها بر قلب و روح و ذهن و در مجموع بر فرهنگ جامعه می‌گذارند، استفاده هوشمندانه از این رسانه‌ها در جهت تعالی بخشیدن با ارزش‌های فعلی جامعه و جایگزین کردن ارزش‌های منفی منبعث شده از فرهنگ‌های متخاصم با ارزش‌های تعالی بخش ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. وقتی با پخش یک سریال شرقی، عده زیادی از مردم نام نقش اول آن سریال را برای فرزندشان انتخاب می‌کنند و یا با بازتاب موفقیت یک رشته خاص ورزشی در رسانه‌های جمعی تقاضای جوانان برای فعالیت در آن رشته به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد و یا با یک درخواست ساده در شبکه‌های اجتماعی برای انجام دادن یک نوع فعالیت ساده در جهت حمایت از قشر خاصی، بازدیدها و پاسخ‌های مثبت میلیونی به این

درخواست داده می‌شود و در مدت‌زمان بسیار کوتاهی تأثیرات شگرفی از دستیابی به اهداف مبدعان آن حرکت در جامعه نمایان می‌شود، چرا ما در جهت نهادینه‌سازی ارزش‌های عدالت‌محور و اهداف و برنامه‌های ریز و درشت کشورمان به‌نحو مؤثر و فراگیر از این رسانه‌ها استفاده نکنیم. البته این به این معنی نیست که در کشور ما از این رسانه‌ها در جهت پیشبرد اهداف نظام استفاده نمی‌شود، بلکه منظور این است که با توجه به حجم وسیع رسانه‌های انحصاری در اختیار و حجم وسیع رسانه‌های غیرانحصاری قابل استفاده از جمله رسانه‌های اجتماعی موجود، رسانه‌های جمعی بین‌المللی همراه و یا خنثی و ... بهره‌برداری فعلی بسیار اندک و ناچیز می‌باشد.

وقتی ایالات متحد آمریکا با ساخت چند فیلم سینمایی افکار عمومی جامعه خود را به‌راحتی با سیاست‌های سلطه‌گرانه‌اش همراه می‌کند و یا با انتشار هوشمندانه و انتخابی اتفاقات سرزمین‌های اشغالی، رژیم غاصب صهیونیستی را در انظار افکار عمومی جامعه غربی به‌عنوان یک ملت مظلوم و در معرض خطر نشان می‌دهد، چرا ما از این ظرفیت عظیم در جهت رشد و تعالی جامعه‌مان به‌نحو احسن استفاده نکنیم. وقتی ما قصد داریم کشورمان را از جامعه‌ای متمایل به مصرف‌گرایی و وابسته به مؤلفه‌های غیرداخلی به‌سمت جامعه‌ای مولد با تأکید بر استعدادهای داخلی سوق دهیم به‌طور قطع نمی‌توانیم با نوشتن چند سطر قانون و بخشنامه و برگزاری تعدادی همایش و سمینار و صرف هزینه‌های گزاف برای عده‌ای محدود (که تعدادشان در مقابل جامعه هدف این سیاست‌ها بسیار ناچیزند) فرهنگ مصرف‌گرایی را با یک فرهنگ بهتر جایگزین کنیم.

طبق آنچه در تاریخ هویداست فرهنگ مصرف‌گرایی از زمان آغاز سیاست‌های استعماری دول غربی به مرور با فرهنگ اقتصاد مولد کشورهای هدف جایگزین شد و این عمل چنان آهسته و به مرور و مؤثر در طول چندین قرن انجام شد که ضمن به استیلاکشدن فرهنگ بومی کشورهای هدف، کمتر کسی متوجه تغییرات فرهنگی جامعه‌اش شد و در واقع نسل‌ها این فرهنگ متخاصم را به‌عنوان فرهنگ بومی خود شناختند بدون اینکه به ریشه‌ها، منشأ و اهداف به‌وجودآوردندگان آن پی برده باشند.

رسانه‌های جمعی و اجتماعی در این میان باید به‌عنوان مهم‌ترین ابزار و سلاح در این مبارزه به‌کار گرفته شوند و تمام برنامه‌های خود را با نگاه به این سیاست طراحی، تدوین و تولید کنند. چراکه هر چقدر دانشمندان و متفکران ما به تولید راهکار و برنامه برای این مهم بپردازند در صورتی که رسانه‌های جمعی ما همراهی صدصدی با این راهکارها نداشته باشند، زحمات آن‌ها بلا تأثیر و غیرقابل استفاده خواهند بود. جهان، با ورود به عصر رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی، دوران جدیدی را آغاز کرده است. در نظام نوین جهانی، در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم، عصری که در آن رسانه‌های گروهی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما هستند. آنچه که رسانه‌ها به‌عنوان اطلاعات به ما انتقال می‌دهند، به اشکال مختلف در نحوه زندگی، اندیشه و احساسات ما و حتی فرزندان ما تعیین کننده است. در این میان

سیاست‌های رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه فرهنگی کشورها و زمینه‌سازی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های حکومت‌ها دارند. رسانه‌ها با اتخاذ سیاست‌های متفاوت ارتباطی، توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورها را تسهیل و تسریع می‌کنند. کارکرد رسانه‌ها در عصر ارتباطات، بی‌شک در همه ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری انکارناپذیر است. امروزه جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار توسعه شاخص‌های همچون اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ و میر بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند.

در چنین جامعه‌ای، وسایل نوین ارتباط جمعی با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالابردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری به‌عهد می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه‌جانبه یاری می‌کنند. حال این رسانه‌ها هستند که با اتخاذ سیاست‌های پویای اجتماعی و ترکیب آن با سیاست‌های فرهنگ‌گرا می‌توانند عامل آمیختگی، توازن و پیوند دادن به باورهای اصیل اعتقادی و سنت‌های بارور جامعه باشند و با گسترش تصریح آفرینندگی و افزایش رشد فرهنگی به توسعه همه‌جانبه کشورها کمک کرده و باعث پویایی افکار شوند.

رسانه‌ها به‌طور اعم و تلویزیون به‌شکل خاص، یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هستند که نقش اساسی در انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های جوامع دارند. در دوره کنونی که عصر اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین نام گرفته است، این رسانه‌ها هستند که با کارکردهای خود و بکارگیری شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی، الگوهای نوین فرهنگی و اجتماعی را به جوامع وارد می‌کنند که جایگزین ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مضر می‌شوند و به‌عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای فرهنگی جوامع عمل می‌کنند. بنابراین، رسانه‌ها نقش مهمی در گستره جهانی شدن و تعالی فرهنگ ملت‌ها ایفا نموده و یکی از عاملان اصلی جهانی شدن فرهنگ هستند. نکته عمیق در جهانی شدن فرهنگی به‌معنای انتقال هنجارها و ارزش‌هاست که در الگوهای ظاهری فرهنگ متجلی می‌شوند و رسانه‌ها از اشکال عمده فرهنگ در جهان و عامل انتقال فرهنگ هستند. بنابراین، توجه به کارکردهای رسانه‌ها در هر کشور، اهمیت بسیار زیادی دارد و باید با تدوین استراتژی‌های صحیح در تدوین برنامه‌های رسانه‌ها از جمله برنامه‌های تلویزیون، تدابیری اتخاذ شود که بتوان از تهدیدات جهانی شدن پرهیز نمود و از نقاط قوت آن بهره گرفت. (۱۰) وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، نفرت و زشتی، تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند. براین اساس، یکی از وظایف و کارکردهای مهم رسانه‌ها، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی است. (۹)

اما وقتی رسانه‌های جمعی ما هر روز بر طبل قرعه‌کشی‌های گوناگون می‌کوبند و فرهنگ قرعه‌کشی و امید به کسب ثروت بدون زحمت و در واقع همان بلیت بخت‌آزمایی را در جامعه تبلیغ می‌کند، چطور می‌توان انتظار داشت جامعه خودبه‌خود به سمت فرهنگ اقتصاد تولیدمحور و اقتصاد مقاومتی که پر از زحمت است حرکت کند؟

ما باید ضمن ملزم کردن تمام ارکان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کلان جامعه به متعهد بودن در برابر حقوق مردم و منافع ملی، رسانه‌های جمعی را به همراهی واقعی صدرصدی با سیاست‌های مبارزه با فرهنگ‌های وابسته‌ساز ترغیب و ملزم نماییم و سپس از جامعه انتظار همراهی و هم‌صدایی با این سیاست‌ها را داشته باشیم.

### بانکداری

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر بر برنامه‌های کلان اقتصادی هر جامعه‌ای سیاست‌های پولی و اعتباری آن جامعه است. در واقع و براساس اصول اقتصادی امکان اجرای سیاست‌های اقتصادی تولیدگرا بدون همراهی سیستم پولی و بانکی امکان‌پذیر نیست.

هر روزه شاهد تصویب و ابلاغ قانون‌هایی در جهت حمایت از تولید در کشور هستیم، اما وقتی سیستم بانکی و پولی کشور هر روز سود تسهیلات بانکی را افزایش می‌دهد و هیچ‌گونه نظارتی هم بر تسهیلات پرداختی ندارد و فقط به فکر سود و برگشت تسهیلات پرداختی می‌باشد، این قوانین تأثیری جز اضافه کردن صفحات کتب قوانین و پرکردن قفسه‌های کتابخانه‌ها در پی ندارند.

تا وقتی که فرهنگ رباخواری و نزول‌خواری که در جامعه و علی‌الخصوص در نظام بانکداری نهادینه شده وجود دارد امکان رواج فرهنگ اقتصاد مولد و مقاومتی و نهادینه کردن آن وجود ندارد. وقتی سیستم پولی و بانکی خودش فرایندهایی متضاد با سیاست‌های اقتصاد تولیدمحور را دنبال می‌کند امکان سوق سرمایه‌های پولی جامعه به سمت تولید وجود ندارد. پس تا سیاست‌های پولی و اعتباری ضد تولیدی را دنبال می‌کنیم و مهم‌ترین نهادها مؤثر بر اقتصاد کشور در جهت خلاف منافع ملی اقتصادی حرکت می‌کنند نمی‌توان انتظار داشت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در جامعه نهادینه و مثمر ثمر واقع شود. با توجه به سود کم و بازگشت طولانی مدت سرمایه‌گذاری صورت گرفته در بخش تولید و جوابگونی بودن این سود و دوره بازگشت سرمایه، در قبال بهره‌پرداختی به بانک‌ها باید این حق را به دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی داد که تسهیلات دریافتی را علی‌رغم اشکالات شرعی و قانونی به جهت ضرورت جوابگویی و بازپرداخت این تسهیلات به بانک، به سمت فعالیت‌های دلالی و اقتصادی زیرزمینی که تعارض زیادی با فعالیت‌های اقتصادی مولد و مقاومتی دارند ببرد.

مضر و نکوهیده بودن رباخواری در قرآن کریم و دستورات دینی یادآوری شده است. آنجا که در آیه ۵ سوره نساء خداوند سبحان می‌فرماید:

«رباخواری به سبب آنکه مانع گردش سالم اقتصاد در جامعه است، بزرگ‌ترین ضربه را به بنیاد جامعه وارد می‌سازد، چراکه اقتصاد، مایه قوام جامعه است.» (۱)

و هرگونه اخلاص‌گری و افساد در امور اقتصادی به معنای اخلاص در جامعه و افساد در زمین است،

زیرا اگر اقتصاد در جامعه از میان برود، جامعه از درون دچار فروپاشی می‌شود و اهداف آفرینش که از طریق جامعه انسانی قابل دسترسی و تحقق است دور از دسترس و دست‌نیافتنی خواهد شد. (۵) وقتی به این روشی در مهم‌ترین منشأ قانون اساسی جمهوری اسلامی رباخواری به‌عنوان بزرگ‌ترین ضربه به بنیاد و قوام جامعه معرفی می‌شود، چطور ما انتظار داریم با فرهنگ رباخواری اقتصاد کشور را قوام ببخشیم؟

### قانون بودجه با درآمد پایدار

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی که ما باید قبل از اجرای این سیاست‌ها به فکر آن باشیم، بی‌نیازسازی بودجه کشور از درآمدهای با نوسان زیاد همچون درآمد خام‌فروشی نفت است. حذف درآمدهای نفتی از سبد بودجه کشور باید با جایگزین کردن درآمدهای پایدار دیگری انجام شود. یکی از این درآمدهای مطمئن که کشورهای پیشرفته به‌خوبی از آن استفاده می‌کنند درآمدهای مالیاتی است. اما در حال حاضر درآمدهای مالیاتی در کشور ما در حد بسیار ناچیزی در مقابل آنچه می‌تواند باشد است و نظام مالیاتی ما به لحاظ ضعف ساختاری قادر به دریافت مالیات از بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی نیست. در صورتی که با اصلاح نظام مالیاتی کشور و کارآمد کردن آن، درآمد سرشار و پایداری را می‌توان نصیب بودجه کشور کرد و تا حد زیادی از وابستگی بودجه به درآمدهای نوسان‌دار همچون نفت کم کرد.

اصلاح نظام مالیاتی کار سخت و غیرممکنی نیست، اینکار هزاران بار ساده‌تر از فرستادن ماهواره به فضا و یا غنی‌سازی اورانیوم است. اصلاح نظام مالیاتی کشور به‌عنوان یکی از ارکان مهم تأثیرگذار بر اقتصاد مقاومتی فقط اندکی اراده در میان دولتمردان نیاز دارد. واقعیت این است که اراده‌ای برای اصلاح نظام مالیاتی کشور و دریافت مالیات واقعی از بنگاه‌های عظیم اقتصادی در میان دولتمردان نیست و تا زمانی که این نظام اصلاح نگردد نباید انتظار داشت جامعه و علی‌الخصوص جامعه‌ای که مالیاتش را می‌دهد به‌راحتی با فرهنگ اقتصاد مقاومتی و یا هر سیاست هزینه‌ساز دیگری همراهی کند.

### یارانه و تعرفه

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که می‌تواند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را همراهی و متأثر از خود کند اصلاح نظام یارانه‌ای و تعرفه‌ای موجود در کشور است. اگرچه چند سالی است که طرح هدفمندسازی یارانه‌ها اجرایی شده است، اما همگان اذعان دارند که این سیاست‌ها به هر دلیلی (اجرای ناقص و سلیقه‌ای، نداشتن برنامه اجرایی مدون و الزام‌آور برای اجرای مراحل آن و ...) نه تنها باعث اصلاح اقتصادی نشده‌اند، بلکه باعث افزایش شکاف طبقاتی و بی‌ثباتی‌های کم‌نظیر در عرصه‌های مختلف جامعه از جمله نظام اقتصادی کشور شده و بیشترین فشار را بر پیکره تولید کشور وارد نموده است و در سال‌های اخیر با

همدستی نظام بانکداری کشور در جهت فرار سرمایه‌ها از تولید به سمت عرصه‌های غیرتولیدی و دلالی عمل کرده‌اند. در واقع قرار بود طرح هدفمندی یارانه‌ها در جهت کاهش شکاف طبقاتی و رساندن یارانه‌ها به دست مستحقان واقعی‌اش عمل کند و دست اغنیا را از جیب فقرا کوتاه کند و اقتصاد کشور را از بیماری سرطانی‌اش نجات دهد. اما متأسفانه نه تنها این تأثیر را در جامعه هدف ایجاد نکرد، بلکه با ایجاد بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور ضمن تأثیرات منفی بسیاری که در سطح کلان اقتصادی ایجاد کرد، بیشترین ضربه را هم به همان جامعه هدفی که قرار بود دستگیرشان شود وارد کرد و فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر کرد. پس چطور انتظار داریم جامعه با یادآوردن چنین تجاربی دوباره در جهت اجرای یک سیاست انقلابی دیگر با مسئولان اجرایی کشور همراهی کند.

یکی دیگر از سیاست‌های یارانه مانند کشور که بجز تأثیر منفی و تحمیل هزینه‌های اضافی در اقتصاد کشور تأثیر دیگری نداشته، ندارد و نخواهد داشت، نحوه حمایت از تعدادی از صنایع بزرگ و در منظر انظار عمومی از جمله صنعت خودروسازی است. سیاست‌گذاران و مسئولان کشور به بهانه حمایت از تولید داخلی از سالیان دور حمایت‌های فراوانی را از صنعت خودروسازی به امید روزی که این صنعت ضمن رقابت با همتایان خارجی خود سهمی مهم را در رونق دادن به اقتصاد کشور به عهده بگیرد انجام داده‌اند. اما نه تنها کوچک‌ترین تأثیری را در رونق واقعی اقتصادی جامعه نداشته‌اند، بلکه با تولید خودروهای بی‌کیفیت و فروش آن‌ها با قیمت‌های بالا و غیرعادلانه به خریدارانی که مجبور به خرید از آن‌ها هستند همچون زالویی به بدنه اقتصاد کشور چسبیده‌اند. اما با همه این احوال باز هم حمایت‌های ویژه خود را از دست نمی‌دهند! سال‌هاست که این صنعت مکلف است در قبال دریافت حمایت‌های تسهیلاتی و تعرفه‌ای سرسام‌آور و داشتن بازار انحصاری نسبت به افزایش کیفیت محصولات خود و در نهایت آماده‌شدن برای فعالیت در یک بازار رقابتی و غیرانحصاری حرکت کند. اما در عمل هر سال از کیفیت تولیداتشان کاسته می‌شود و تنها هنر این صنعت افزایش آسانسوری قیمت‌هاست و پرواضح است که این صنعت با این روند اگر هزاران سال دیگر هم به همین روش مدیریت و حمایت شود در نهایت به جای تولید خودروهای روز دنیا دیگر قادر به تولید همان مرحوم پیکان هم نخواهد بود و درشکه‌ساز خواهد شد. این در حالی است که جامعه مجبور است جور این صنعت زیان‌ده را همچنان به دوش بکشد.

اما اگر به جای حمایت‌هایی که از صنعت خودروسازی در سال‌های طولانی شده است از سایر عرصه‌های اقتصاد کشور علی‌الخصوص بخش کشاورزی که امنیت غذایی جامعه را برعهده دارد، حمایت این‌گونه می‌شد قطعاً تأثیرات بسیار مثبت‌تر و عینی‌تری در اقتصاد کشور و به تبع آن در جامعه ایجاد می‌کرد و می‌توانست مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی را بیمه و خودکفا کند. مسئله مهم در اینجا اینست که چرا در طراحی برنامه‌ها و سیاست‌ها، حوزه‌های مختلف را براساس درجه اهمیت اولویت‌بندی نمی‌کنیم؟ نمی‌گوییم به صنعت خودرو نیاز نداریم، اما قطعاً داشتن صنعت مریض و زلوصفت خودرو واجب‌تر از خودکفایی در غذا و دارو نیست.



همچنین وقتی جامعه می‌بیند که تعرفه‌ها برخلاف فلسفه وجودیشان نه تنها تأثیری در بهبود تولیدات داخلی ندارند و فقط برای عده‌ای که همچون زالو به بدنه اقتصاد جامعه چسبیده‌اند رانت ایجاد و در مقابل جیب ملت را به‌طور مضاعف خالی می‌کنند، چطور می‌تواند با سیاست‌هایی که همان تعرفه‌گذاران اعلام می‌کنند به‌عنوان یک روش دیگر برای ایجاد رانتی دیگر نگاه نکند.

### رفتار مسئولان

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در اجرای سیاست‌های کلان در سطح جامعه که تأثیر زیادی در همراه کردن جامعه با سیاست‌های مدنظر دارد نحوه عمل، رفتار و زندگی کسانی است که چنین سیاست‌هایی را توصیه و اجرا می‌کنند. چطور می‌شود انتظار داشت جامعه با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همراهی کند وقتی می‌بیند که مسئولان و مدیران دولتی و دست‌اندرکارانش زندگی‌های آنچنانی با فرهنگ کاملاً مصرف‌گرا دارند و راهکارهای که برای جامعه توصیه می‌کنند کوچک‌ترین نمودی در زندگی خودشان ندارد. چطور سیاست‌گذاران انتظار دارند که جامعه از کالاهای تولید داخل استفاده کنند، درحالی‌که تمام جنبه‌های زندگی خودشان مملو از کالاهای لوکس خارجی است.

اگر مسئولان ما واقعاً قصد دارند که جامعه ردای سیاست‌ها و برنامه‌های توصیه‌ای آن‌ها را با جان و دل بپوشند باید زندگی‌شان مصداقی از زندگی الگوهای واقعی بشریت، پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی(ع) باشد. دولتمردان باید توصیه‌های این الگوهای همیشگی بشریت در جای‌جای زندگی‌شان دیده شود، توصیه‌هایی که فراوان در احادیث دینی ذکر شده از جمله آنجا که امیرالمومنین (ع) در تأکید بر ضرورت ساده‌زیستی مسئولان در نامه به فرماندار بصره می‌فرماید:

«پس از یاد خدا و درود! ای پسر خُنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به‌سرعت به‌سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری، که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه‌کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام‌بودنش را نمی‌دانی، دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال‌بودنش یقین‌داری مصرف کن. آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد. آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است! آری! از آنچه آسمان بر آن سایه

افکنده، فدک در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده، و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و بهترین داور خداست. مرا با فدک و غیرفدک چه کار؟ درحالی که جایگاه فردای آدمی گور است، که در تاریکی آن، آثار انسان نابود و اخبارش پنهان می‌گردد، گودالی که هرچه بر وسعت آن بیفزایند، و دست‌های گورکن فراخش نماید، سنگ و کلوخ آن را پر کرده، و خاک انباشته رخنه‌هایش را مسدود کند. من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در آمان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت‌قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیبهات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در "حجاز" یا "یمامه" کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پُشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت:

"این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند!"

آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین (ع) خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟ آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که تمام همت او علف، و یا چون حیوان رها شده که شغلش چریدن و پرکردن شکم بوده، و از آینده خود بی‌خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته‌اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم و یا در راه سرگردانی قدم بگذارم؟ گویا می‌شنوم که شخصی از شما می‌گوید:

"اگر غذای فرزند ابی‌طالب همین است، پس سستی او را فراگرفته و از نبرد با هموردان و شجاعان بازمانده است!"

آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر، و درختان کناره جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است. .... پس از خدا بترس ای پسر حنیف! و به قرص‌های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد». (۲)

به‌راستی، اگر دولتمردان جامعه این‌گونه زندگی کنند، جامعه نیز خود را متقاعد به همراهی با روش‌ها و برنامه‌های آن‌ها نمی‌کند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مربوط به رفتار مسئولان که می‌تواند در راستای جلب اعتماد و اقبال جامعه به سمت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تأثیر داشته باشد نحوه برخورد مسئولان با مسائل مشابه است. هر سال وقتی موعد تعیین حداقل حقوق و یا افزایش حقوق حقوق‌بگیران به‌عنوان یکی از ضعیف‌ترین طبقات جامعه می‌رسد، مسئولان با دلایل فراوان و توجیه‌های غیرقابل‌قبول کمترین درصد ممکن را برای افزایش این حداقل‌ها در نظر می‌گیرند، اما وقتی بحث افزایش قیمت خودرو پیش می‌آید از هر نوع

دست و دل‌بازی که در جهت افزایش آن نیاز باشد دریغ نمی‌کنند. وقتی بحث افزایش حقوق قشر ضعیف جامعه می‌شود می‌گویند تورم ۱۵ درصد است، اما وقتی همان لحظه بحث قیمت خودرو می‌شود می‌گویند تورم ۵۰ درصد است! پس چطور انتظار داریم جامعه به راهکارها و سیاست‌های چنین دولتمردانی اعتماد کند و با کسانی که هر لحظه و به راحتی حقوقشان را نادیده می‌گیرند همراهی کند.

یکی دیگر از مصداق‌های برخوردهای دوگانه و مصلحتی دولتمردان، نحوه برخورد با قانون‌شکنان و زلوه‌های چسبیده به بدنه اقتصاد کشور است. وقتی جامعه از زبان رئیس‌جمهورش می‌شنود که درصد بالایی از منابع بانکی کشور در دست ۳۰۰ نفر است و وقتی می‌فهمد که نیمی از معوقات ۱۳۵ هزار میلیاردی بانک ملی مربوط به ۵۴ نفر است و یا وقتی رئیس بانک ملی‌اش، معاون اول رئیس‌جمهورش و ... شریک دزد و رفیق قافله می‌شوند و هیچ برخورد قاطعی صورت نمی‌گیرد چطور انتظار داریم جامعه از خودش سؤال نکند در این کشور چه خبر است؟

وقتی جامعه می‌بیند که شهردار استکهلهم سوئد با همه نفوذ و قدرتش به خاطر استفاده شخصی ناچیز (در حد چند دلار) از بیت‌المال و افشای آن استعفا می‌دهد و یا وزیر بهداشت فنلاند با دلیل برقراری تماس تلفنی شخصی با استفاده از تلفن دولتی استعفا می‌دهد (۶)، اما مدیران ارشدش خطاهای ۳ هزار میلیاردی، ۱۲ هزار میلیاردی و ... می‌کنند و هر روز طبل خطای یکی‌شان به صدا درمی‌آید و خم به ابرو نمی‌آورند و تازه به بهانه قطعی شدن حکم و مصلحت سوابق یا وابستگی‌های سیاسی و خانوادگی‌شان مورد حمایت قوه قضائیه هم قرار می‌گیرند و طلبکار هم می‌شوند و هر روز جمله تکراری مسئولان قضایی "تا رأی قطعی صادر نشود نباید آبروی کسی را برد" را می‌شنود و با این جمله یقین حاصل می‌کند که پرونده مشمول گذشت زمان طولانی چندساله خواهد شد و بعد هم که جامعه اصل و ماجرا را فراموش می‌کند و ... چطور می‌تواند باز هم باور کند.

این نوع برخوردها در حالی‌ست که ما مدعی عدالت حضرت علی هستیم، اما در برخوردها و رسیدگی‌های قوه قضائیه چیزی که به وفور دیده می‌شود برخوردهای خلاف سیره حضرت علی (ع)، همانند برخوردی که آن حضرت با منذر بن جارود عبدی کرد و به او یادآور شد که سوابق پدرش کوچک‌ترین تأثیر را در چشم‌پوشی از خطاهایش نخواهد داشت (۲) است.

یا در جایی دیگر وقتی جامعه می‌بیند که در سیره حضرت علی (ع) همان‌گونه که در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه می‌فرماید عوام بر خواص ارجحیت دارند، اما در کشور ما هم‌کنون هر قانونی وضع می‌شود در جهت مصلحت خواص است چطور می‌تواند به حسن نیت قانونگذارانش ایمان بیاورد؟

یکی دیگر از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار بر اجرای هر برنامه‌ای، اعتقاد مسؤلان و متولیان اجرایی به آن برنامه‌هاست. وقتی جامعه می‌بیند که دولتمردانش به برنامه‌های بلندمدت با نگاه مصالح حزبی و گروهی به جای نگاه منافع ملی نگاه می‌کنند و به این نکته که داشتن یک برنامه هرچند ضعیف از

بی‌برنامگی بهتر است، اعتقادی ندارند و در برهه‌های مختلف این مسئولان برنامه‌های بلندمدت را به بهانه‌های مختلف و بدون در نظر گرفتن هزینه‌های صورت گرفته و بدون دادن برنامه جایگزین بهتری، نادیده و از اجرای آن‌ها سر باز زده‌اند چطور می‌تواند اعتماد کند که برنامه‌های اقتصاد مقاومتی نیز پس از چندین سال و صرف هزینه‌های گزاف از بیت‌المال در نیمه راه به بایگانی بی‌اعتقادی مسئولان بعدی سپرده نشود و به سرنوشت برنامه‌های بلندمدت عقیم شده یا بر زمین مانده قبلی دچار نشود.

### خصوصی‌سازی

یکی دیگر از مصداق‌های رفتار متناقض و غیرعادلانه مسئولان که جامعه می‌بیند و در باورهایش تأثیر می‌گذارد این است که مسئولان خصوصی‌سازی اقتصادی را در جهت خلاف اهدافش سوق می‌دهند و به قول معروف دارند خودمانی‌سازی می‌کنند و در واقع در حال ایجاد کارتل‌ها و مافیاهای اقتصادی به جای واگذاری به بخش خصوصی در جهت تقویت پایه‌های اقتصاد می‌باشند و این روند ضربات جبران‌ناپذیری را به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی وارد می‌کند، چطور می‌تواند باور کند که این سیاست‌ها و برنامه‌های جدید در راستای مافیاسازی جدید نیست؟

### ثبات مدیریت

یکی از مقولات مهم و اساسی که همیشه در بکارگیری ابزارهای مدیریتی و پروژه‌های کلیدی وجود داشته تأکید بر "تعهد مدیریت" در پیشبرد پروژه‌های مهم است. به حدی بر این مفهوم تأکید شده که بسیاری آن را تأکیدی بدیهی می‌دانند. اما امروز چالشی که بسیاری از سازمان‌های ما با آن روبه‌رو هستند بحث تعهد مدیریت نیست، بلکه ثبات مدیریت است. بسیاری از مواقع اتفاق می‌فتد که مدیری کاملاً ضرورت انجام یک پروژه توسعه‌ای را درک کرده و حمایت‌های کافی را نیز از آن پروژه می‌کند، اما به دلیل عمر کوتاه مدیران، انجام پروژه عقیم مانده و از پروژه توسط مدیران جدید حمایت کافی نمی‌شود. این مسئله باعث خواهد شد برخی از مدیران ریسک کارهای طولانی و بلندمدت را نداشته باشند و به قول معروف عطای آن را به لقای آن ببخشند. اما برای جلوگیری از این مسئله چه باید کرد؟ مدیری که نمی‌داند دوران مدیریتش چقدر زمان خواهد برد چگونه بایستی تغییرات تحولی و اساسی را شکل دهد؟ مدیری که به ناگاه با تغییر مدیریت ارشد و به تبع آن تغییر سیاست‌های بالادست مواجه شده است چه راهکاری برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای خود دارد؟

### تحریم

یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هر نوع برنامه توسعه‌ای در کشور در سالیان اخیر موضوع تحریم‌های

بین‌المللی یک‌جانبه و چندجانبه‌ای است که علیه کشور اعمال شده است و بارها مسئولان مدعی شده‌اند که این تحریم‌ها برای کشور حکم واکسن را دارند. اما وقتی جامعه می‌بیند که زحمت واکسن تحریم فقط بر دوش اوست و همین واکسن باعث رحمت فراوان برای عده‌ای خاص شده است، چطور می‌تواند باور کند که تحریم‌ها ما را به سمت استقلال پیش می‌برند. قرار بود تحریم بدنه اقتصاد را واکسینه و صنایع و حوزه‌های وابسته را غیروابسته کند، اما وقتی در عمل می‌بینیم که همین تحریم‌ها که روزی آن‌ها را کاغذپاره می‌خواندیم صنعت نیمه‌وابسته خودرو را به صورت صددرصد وابسته درآورده و یا وقتی می‌بینیم که به جای بی‌نیاز کردن بودجه کشور از درآمد نفت، بابت زنجانی‌ها را به وجود آورده و در حوزه‌های دیگر مولود جمشید بسم‌الله شده و ...، چطور جامعه می‌تواند باز هم باور کند و زحمت دیگری را بر دوش خود، که مصداق به‌نام ما و به‌کام دیگران است قبول کند.

### نتیجه‌گیری

حالا با در نظر گرفتن شرایط و تغییرات به وجود آمده در نگرش‌ها و باورهای عمومی جامعه در خصوص عملکرد دولتمردان، آیا باز هم می‌توان امیدوار بود که فلسفه و نگرش‌های خاص فرهنگ مدیریت جهادی می‌تواند موتور محرک ایجاد تغییرات بنیادی در فرهنگ اقتصادی جامعه باشد؟ در دورانی که فرهنگ مدیریت و کار جهادی در کشور مثمر ثمر واقع می‌شد و منشأ خدمات بی‌نظیری در کشور شد، عموم مردم به دولتمردان و مسئولان حکومتی اعتماد کامل داشتند و در بسیاری از موارد آن‌ها را همچون قدیسان می‌پرستیدند. با چنین نگاهی بود که فرهنگ مدیریت جهادی برای پیشبرد اهداف نظام موفق بود. اما آیا با تغییرات به وجود آمده در باورهای عمومی جامعه باز هم می‌توان به عملکرد چنین فرهنگی امیدوار بود؟ فرهنگ مدیریت جهادی برای موفقیت و اثرگذار بودن مؤلفه‌هایی را به‌عنوان پیش‌زمینه نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اعتماد عمومی جامعه به مسئولان و دولتمردان است. اگر این اعتماد وجود نداشته باشد چنین فرهنگی قادر نخواهد بود که کوچک‌ترین تغییر مثبتی را به وجود بیاورد. و در واقع بکارگیری چنین ابزاری در چنین شرایطی همانند بکارگیری یک موتور غول توانمند برای راه‌اندازی خودرویی که سیستمی برای انتقال قدرت و چرخ‌ها برای چرخیدن ندارد می‌باشد، چنین خودرویی هرچقدر هم که موتورش با کیفیت باشد به‌هیچ‌وجه تا سیستم انتقال قدرت و چرخ نداشته باشد حرکت نخواهد کرد.

در حال حاضر با ارتفاعی که دیوار بی‌اعتمادی بین مسئولان و مردم در جامعه به وجود آورده به‌هیچ‌وجه نباید امیدوار بود که با چنین نسخه‌هایی بتواند چرخ اقتصاد کشور را به حرکت درآورد. چراکه سیستم انتقال قدرت یا همان جعبه‌دنده خودروی اقتصاد کشور وجود اعتماد و باور عمومی در جامعه نسبت به حسن‌نیت مسئولان است که در حال حاضر وجود ندارد. بلکه بهتر است در انتخاب چنین مکانیزم‌هایی برای راه‌اندازی چنین انقلاب‌هایی بررسی و تفکر بیشتری کرد و برای افزایش احتمال

موفقیت چنین برنامه‌هایی بهتر است اول تکلیف خودمان را با واقعیت‌های به‌وجودآمده در جامعه مشخص کنیم. یعنی در صورتی که هنوز قصد داریم از فرهنگ متعالی مدیریت جهادی برای پیشبرد برنامه‌های ضرور کشور استفاده کنیم و واقعاً اراده‌ای برای به‌نتیجه‌رسیدن چنین برنامه‌هایی وجود داشته باشد، باید فکر چاره‌ای به حال این دیوار مرتفع بی‌اعتمادی بناشده بین جامعه و مسئولان بود و با اقدام‌های عملی و واقعی (نه بخشنامه‌ای و همایشی) سعی کنیم این مانع را از میان برداریم و پس از آن در فکر بکارگیری موتورهای توانمندی همچون فرهنگ جهادی که امتحان خودش را در دهه اول انقلاب با توجه به فراهم‌بودن الزاماتش به‌خوبی پس داده است باشیم. البته آزمایش‌برداشتن این دیوار بی‌اعتمادی و تعمیر جعبه‌دنده جامعه، هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر از اختلاس‌های چندین هزار میلیاردی و اراده‌ای با قدرت چندین برابر قدرت همه کسانی که این دیوار بی‌اعتمادی را ساخته‌اند دارد و صدالبته که غیرممکن نیست هرچند که برای تخریب آن باید از روی منافع طبقه قدرتمند خواص گذشت. تخریب این دیوار بی‌اعتمادی اراده‌ای همچون اراده حضرت علی (ع) می‌خواهد که درباره بذل و بخشش بیت‌المال توسط عثمان می‌فرماید:

به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است. (۲)

بدیهی است که انجام این کار سخت و پرهزینه اما شیرین و خداپسندانه خواهد بود، همان‌گونه که حضرت علی (ع) در جایی دیگر و در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

«... دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند، زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، در خواسته‌هایشان پرفشارتر، در عطا و بخشش کم‌سپاس‌تر، در هنگام منع خواسته‌ها دیر عذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی عموم مردم می‌باشند؛ پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو به آنان باشد». (۲)

اما در صورتی که به هر دلیلی بخواهیم از راهی به غیر از عبور از دیوار بی‌اعتمادی به‌دنبال اجرا و موفقیت چنین برنامه‌هایی باشیم راهی نداریم جز اینکه از فلسفه و دنیای تجارت و بازار تبعیت کنیم. بدین معنی که همان‌گونه که در دنیای تجارت هر کالایی بهایی دارد و برای رسیدن به هر خواسته و هدفی باید قیمت آن را پرداخت کرد ما هم هزینه و قیمت خواسته‌هایمان از لایه‌های مختلف جامعه را به آن‌ها بپردازیم. یعنی اگر می‌خواهیم اقتصاد کشور را در مقابل خطرات مقاوم و تأثیر مؤلفه‌های خارجی اثرگذار بر آن را به حد صفر برسانیم و از سوی دیگر مانع بزرگ دیوار بی‌اعتمادی بناشده در جامعه را نادیده

بگیریم، باید هزینه آن را هم به‌طور واقعی پرداخت کنیم. فقط شاید در این صورت بتوان شانس برای موفقیت برنامه‌های مورد نظر دولتمردان قائل شد.

در غیر این صورت و چنانچه مسئولان بخواهند همچنان سرشان را به زیر برف کرده و برنامه‌هایی را بر مبنای شرایط دهه اول انقلاب جامعه طرح‌ریزی و اجرا کنند، این برنامه‌ها نیز به همان کوره‌راه بن‌بستی خواهند رفت که سایر برنامه‌های بلندمدت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در طول دهه‌های گذشته رفته‌اند و اثری از آن‌ها جز در قفسه کتابخانه‌ها نمی‌توان یافت.

واقعیت این است که جامعه امروز ایران دیگر تمایلی به برداشتن طرح‌های بلندمدت و پرهزینه دیگری که همچون سایر طرح‌ها فقط زحمتش عاید جامعه شود و رحمتش در قالب رانت و ... نصیب گروه‌های خاص شود ندارد و اگر با آن مخالفت هم نکند حتماً همراهی هم نخواهد کرد، همان‌گونه که این عدم همراهی در سایر طرح‌های عظیم اقتصادی از جمله هدفمندی یارانه‌ها به خوبی عیان شد. لذا در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های مؤثر بر یک برنامه، از جمله استفاده از روش‌های اجرایی متناسب با شرایط جامعه و همچنین در نظر گرفتن توان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کشور، در جهت افزایش درصد موفقیت آن و جلوگیری از هدرروی بیت‌المال ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، چراکه ادامه روند فعلی منجر به صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه نظام و جامعه خواهد شد.

## منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] نهج‌البلاغه.
- [۳] تافلر، الوین (۱۹۸۰)، موج سوم، ترجمه، خوارزمی، شهیندخت، (۱۳۷۸)، چاپ سیزدهم، تهران، فرهنگ نشر نو.
- [۴] ملازاده، ابراهیم (۱۳۸۲). «آشنایی با برنامه‌ریزی استراتژیک»، نشریه علمی فرهنگی چالش، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۵.
- [۵] نجف‌آبادی، حمید (۱۳۹۱). روزنامه کیهان، (معارف)، شماره ۲۰۳۷۴، ص ۶.

[6] <http://afkarnews.ir/vdcgzq9qzak9q34.rpra.html>.

[7] <http://www.asriran.com/fa/news/145603/>.

[8] [https://news.um.ac.ir/news-files-saman54\\_copy1.pdf](https://news.um.ac.ir/news-files-saman54_copy1.pdf).

[9] <http://qomirib.ac.ir/index.aspx?pid=99&articleid=28238>.

[10] <http://sharghnewspaper.com/82-8-8/deliberation.htm>.

[11] <http://www.sanatsana.com/Strategic%20systems.aspx>.



## مدیریت و کاهش پسماند و نقش آن در اقتصاد مقاومتی

سیدمهدی میرتبار\*

### چکیده

کشور ما سالیانی است که به دلیل ازدیاد جمعیت و روند رو به رشد صنعت، تکنولوژی و رفاه گرفتار معضل پسماند گردیده که جدای از مضرات ذاتی آن (نظیر آلودگی محیط زیست و تهدید سلامت انسان) هزینه‌های کلان حمل و نقل و دفن و ... و نیز ازدست‌رفتن سرمایه کشور و ... را هم به همراه داشته است. برای داشتن جامعه‌ای سالم محیطی مصون از آلودگی و ... و برون‌رفت از این وضعیت نابسامان که مسلماً لازمه هر کشوری خصوصاً ایران که اکنون به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام مطرح گردیده و پیشرفت‌های خیره‌کننده‌اش در عرصه‌های مختلف علم و تکنولوژی، موجبات تعجب و حتی حسادت بسیاری از کشورهای پیشرفته را هم فراهم کرده است می‌بایست عزمی جدی و همه‌جانبه‌ای را به کار گرفت که همانند کشورهای پیشرفته به کاهش پسماند و مدیریت آن منجر شود. ازسویی دیگر این معضل یکی از موانع اصلی رسیدن به قله‌های افتخار و غرور برانگیز برنامه پنجم توسعه و اجرایش سند چشم‌انداز نیز می‌باشد که البته این مهم باید انگیزه‌ای شود که کاهش و تفکیک و بازیافت را جدی‌تر بگیریم. خوشبختانه اخیراً شاهد شروع این طرح هرچند به‌طور محدود در کشور می‌باشیم مسلماً برای فراگیر شدن این طرح نیاز به تبلیغات وسیع و فرهنگ‌سازی عمده داریم که بی شک راهکارهای اجتماعی و فرهنگی را به‌عنوان بهترین ابزار جهت این امر می‌بایست به کار گرفته شود و در جهت استمرار و نهادینه کردن آن در خانواده‌ها نیز نهایت تلاش را باید به‌عمل آورد. بدیهی است چنانچه این طرح به‌نحو صحیح اجرا شده و ثمرات زیست‌محیطی، اقتصادی، رفاهی و ... آن به‌سادگی قابل‌رویت و درک باشد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش اجرای اقتصاد مقاومتی، با استقبال همگان مواجه شده و عموم خانواده‌ها مجاب می‌شوند برای رسیدن به مزایا و ثمرات بیشتر حتی به تبادل اطلاعات و همکاری نیز در این خصوص بپردازند که در نهایت به‌عنوان یک عادت و باور به زندگی وارد و در فرهنگ مردم نهادینه می‌شود و این همان هدف نهایی ما خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت، پسماند، بازیافت، اقتصاد مقاومتی، سلامت

\* کارشناس مدیریت بیمه از دانشگاه علوم اقتصادی تهران.

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات آذربایجان شرقی،  
معاون اداره بازپرداخت بیمه‌های عمر و پس‌انداز شرکت بیمه آسیا Mirtabar.mehdi@gmail.com

۰۹۳۵۲۴۵۷۲۷۸

### سوالات تحقیق

۱. مدیریت پسماند چه رابطه‌ای با آموزه‌های مقدس دین مبین اسلام و قوانین و برنامه و سیاست‌های مصوب داخلی کشور دارد؟
۲. مدیریت پسماند چه رابطه‌ای با اقتصاد مقاومتی دارد؟ آیا این ارتباط مستقیم است و یا غیرمستقیم؟
۳. چه نهاد و ارگان و اشخاصی در این خصوص وظیفه دارند؟

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و تطبیقی است.

### مقدمه

موضوع پسماند یکی از مهم‌ترین مشکلات جوامع بشری در قرون اخیر به‌شمار رفته که در دهه‌های اخیر به معضلی بزرگ برای تمامی کشورهای جهان بدل شده است. ماهیت این معضل بسیار متفاوت‌تر از سایر مشکلات است، زیرا مضرات آن نه تنها متوجه اقتصاد بلکه گریبان‌گیر کلیه ارکان کشور و ... و مهم‌تر از همه محیط زیست و حتی حیوانات و گیاهان گردیده و به‌طور کل زندگانی را دچار چالش جدی می‌نماید و لیکن به‌دلایل معلوم و نامعلومی این مهم علی‌رغم اینکه با مهم‌ترین عنصر مادی و معنوی یعنی سلامت انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد در کشور ما چندان جدی گرفته نشده و حتی تا سالیان درازی، دفن و معدوم‌نمودن آن در بسیاری از مناطق به شیوه‌های غیرپهناشتی و سنتی انجام می‌شد.

موضوع مدیریت و بازیافت که از آن به‌عنوان مهم‌ترین راه کاربردی برای مبارزه با پسماند نام برده شده و در بسیاری از کشورهای جهان به تجارتی نوین و پرسود نیز بدل شده و تا مدت‌ها در کشور ما مسکوت مانده بود. ولیکن خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد شروع بحث تفکیک و بازیافت و مدیریت آن در رسانه‌ها بوده و از لحاظ اجرایی هم به‌تدریج در حال مشاهده آن می‌باشیم که انتظار می‌رود در سال جاری و سال‌های آتی با جدیت بیشتر و روش‌های کاربردی و مفیدتر ادامه یابد، لذا می‌توان امیدوار بود که با برنامه‌ریزی و ارائه طرح‌های دقیق و کارشناسانه و ... آن را بتوان در زندگی مردم وارد نمود که مسلماً در صورت موفقیت، شاهد تحول اساسی و بنیادین در این زمینه خواهیم بود. جدای از اینکه در دین رسمی کشور آن‌قدر به موضوع پاکیزگی و نظافت (که مسلماً زودن پسماند و عوارض ناشی از آن، بخش مهمی از آن به‌حساب می‌آید) اهمیت داده شده که حتی جزئی از ایمان به‌حساب آمده است و یا در قوانین کشور آن‌قدر به ضرورت حفظ محیط زیست تأکید شده که یکی از بندهای قانون اساسی به آن اختصاص داده شد.

موضوع پسماند از آنجا برای نگارش مقاله انتخاب گردید که این مهم بنا به‌دلایلی که بیان خواهد

شد چنانچه مورد توجه قرار نگرفته و در جهت کنترل و مدیریت و ... آن قدمی برداشته نشود به یکی از مهم‌ترین موانع آشکار و پنهان دستیابی به اهداف و سیاست‌های متعالی برنامه پنجم توسعه که بالتبع دومین برنامه از سند چشم‌انداز نیز در زمره آن قرار دارد بدل خواهد شد و همچنین گستردگی آن آن قدر زیاد است که تنها یک و یا حداکثر دو فصل از فصول برنامه مذکور ممکن است با آن همخوانی نداشته باشد.

از سوی دیگر این مهم یکی از مهم‌ترین و بهترین راهکارها برای اقتصاد مقاومتی است و این ادعا آنچنان محکم و خلل‌ناپذیر است که نیازمند هیچ دلیل خاصی نمی‌باشد چون همان‌طور که بیان گردید تولید و افزایش پسماند و عدم مدیریت آن چیزی جز هدرروی سرمایه و ثروت‌های ملی نیست.

لذا لازم دانسته که نظرات و نوشته‌های هرچند ناقص و کم‌ارزش خود را در این خصوص به این همایش مفید و راهگشا عرضه کنم که چنانچه مورد قبول واقع شده باعث امتنان نگارنده و چنانچه مقبول نیفتد آن نیز جای تشکر دارد، بدیهی است که این کار تنها انجام وظیفه‌ای است و بس، مضاف بر اینکه فرصتی است مغتنم برای استفاده از نظریات و تجربیات دانشمندان و متخصصان و صاحب‌نظران. امیدواریم با انجام این تکلیف انسانی گام کوچکی در راه خدمت به کشور عزیز و نظام مقدس آن برداشته و در رشد و آبادانی آن سهیم باشیم.

همان‌طور که در مقدمه بیان گردید یکی از مهم‌ترین مشکلات عصر جدید که گریبان‌گیر مردم و به‌طور کل کشورهای جهان گردید موضوع پسماند بوده که متأسفانه با افزایش جمعیت و ... همواره رو به فزونی است و در صورت عدم مدیریت صحیح، نه تنها باعث هدرروی ثروت و سرمایه کشور گردیده، بلکه عملاً بر محیط زیست و سلامت انسان و ... نیز صدمات جبران‌ناپذیری وارد ساخته که عواقب آن قابل‌توصیف نخواهد بود.

بسیاری از شهروندان پسماند را تنها به‌عنوان زباله می‌شناسند و یا هر چیزی که به‌علت عدم استفاده دورریز شود، و آن را امری غیرقابل‌اجتناب می‌شمارند، قطعاً این دیدگاه نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا بسیاری از مواردی که ما به‌عنوان زباله می‌شناسیم و یا در این گروه جای می‌دهیم اصولاً زباله نیستند. به‌عنوان مثال مواردی نظیر کاغذهای باطله، این مورد علاوه بر آنکه با مشقت کمتری قابل‌بازیافت می‌باشد حتی با فرهنگ‌سازی و بسترسازی مناسب در کاهش آن نیز می‌توان قدم‌های بزرگی برداشت و لیکن به‌دلیل عدم فعالیت جدی، تاکنون این امر چندان موفق نبوده است و متأسفانه هنوز در نگاه مردم به‌عنوان زباله نگرسته می‌شود.

لوازم‌التحریر نیز یکی دیگر از نمونه‌های بارز آن است که در بسیاری از موارد، اقلامی از آن به‌دلایل بسیار ناچیز و واهی به‌سادگی از گردونه مصرف خارج گردیده و دورریز می‌گردد.

کمتر روزی است که شاهد این مسائل نباشیم و یا هزاران هزار موارد مشابهی که با استفاده بهینه از آن ضمن جلوگیری از هزینه‌های اضافی خانوار، می‌توان در کاهش پسماند نیز مؤثر بود.

● به نکات زیر دقت کنیم:

ایرانی‌ها هر روز حدود ۴۰ هزار تن و شهروندان تهرانی بیش از ۷ هزار تن زباله تولید می‌کنند که از این مقدار زباله، سالانه ۳۰ میلیون و ۳۵۰ هزار دلار پلاستیک، ۵۵ میلیون دلار پسماند مواد غذایی، ۳۵ میلیون دلار کاغذ و مقوا و ۵ میلیون دلار نان در مرکز دفن زباله کهریزک در زیر خروارها خاک دفن می‌گردد!!!! (پایگاه اطلاع‌رسانی بازیافت، ۸۶/۷/۲۲)

این آمار تکان‌دهنده نشان از چیست؟! آیا می‌توانیم ادعا کنیم که تولید این مقدار زباله امری غیرقابل‌اجتناب بوده و یا امکان کاهش آن وجود نداشت؟! و...؟!

قطعاً این‌گونه نیست! بر فرض محال، حداقل در خصوص نان و مواد غذایی این‌گونه نیست! بدتر آنکه در اکثر موارد این ارقام به‌صورت تر و خشک دفن گردیده است که آن هم مشکلی دیگر بر مشکلات فوق است. حال این سؤال را از خود می‌پرسیم: آیا تولید این مقدار پسماند به‌معنای ازدست‌دادن سرمایه نیست؟!

آیا هزینه ۴ میلیارد تومانی<sup>۱</sup> حمل و نقل و مدفون‌نمودن آن فشاری را متوجه کشور نمی‌کند؟!

آیا این مقدار پسماند تهدیدی جدی برای محیط زیست و سلامت انسان نیست؟! و...؟!

آیا بهتر نیست با کاهش پسماند سلامت جامعه را تضمین نموده، از هدررفت بودجه و ... جلوگیری کرده و آن را در جهت‌های دیگر سرمایه‌گذاری کرد که از قبیل آن می‌توان هزاران هزار فرصت شغلی و ... ایجاد نمود؟

نکته جالب اینجاست که از این مقدار تنها ۱۰ درصد آن غیرقابل‌بازیافت و یا به‌عبارت‌دیگر دورریختنی است، (پایگاه اطلاع‌رسانی بازیافت مورخ، ۸۷/۳/۴) پس نتیجه می‌گیریم اگر حتی در کاهش تولید زباله نتوانیم حرکتی انجام دهیم با بازیافت ۹۰ درصد پسماند قابل‌بازیافت، تا چه حد می‌توانیم در برگشت سرمایه به کشور سهیم باشیم؟

از بازیافت مواد قابل‌استفاده، فقط در تهران علاوه بر اینکه این شهر را از آلودگی‌های زیست‌محیطی نجات می‌بخشد ۴۰ میلیارد تومان درآمدزایی به‌دنبال داشته و خوراک سالم ۷۵۰۰۰ رأس گاو گوشتی را تأمین می‌نماید، و برای کل کشور سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی به همراه خواهد داشت که این یعنی معادل ۱۲ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت خام (همان) و لیکن متأسفانه باید گفت که از ۹۰٪ مواد قابل‌بازیافت تنها ۱۰ درصد آن تفکیک و فقط ۲٪ آن مورد بازیافت قرار می‌گیرد. (ویژه‌نامه بازیافت، روزنامه تهران امروز، مورخ، ۸۸/۱۰/۱۴، ص ۷)

با کمی تأمل می‌توان به عمق فاجعه پی برد!

این در حالی است که در بعضی از کشورها نظیر ژاپن که از پسماند به‌عنوان طلای کثیف نام‌برده می‌شود در صورت رعایت ضوابط تفکیک، این رقم به بالاترین سطح ممکن خود یعنی ۱۰۰٪ نزدیک شده است (همان) و نیز در همین کشور از پسماند برای تولید برق نیز استفاده گردید (همان) و یا در بعضی از کشورها موضوع بازیافت آن قدر مهم و حیاتی است که حتی نام یکی از روزهای سال را به‌نام روز بازیافت تعیین کردند. (همان) همچنین در آلمان همهٔ اتباع کشور ملزم به تحویل زباله‌های خاص نظیر باتری و مواد شیمیایی به مراکز بازیافت می‌باشند تا آنجا که در صورت تعلل مرتکب جرم اداری شده و ممکن است تحت پیگرد قرار گیرند.<sup>۱</sup>

حال با این قیاس کوتاه و مختصر، چگونه تفاوت فاحش خود را با دیگر کشورها توجیه کنیم؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و اقدامی نکرد؟! آیا باید همین‌طور سرمایه کشور را هدر داد و محیط زیست را آلوده کرد و سلامت موجودات زنده را به‌مخاطره انداخت و یا هزاران هزار معضل دیگر ایجاد نمود؟!

یا اینکه در این خصوص حرکت و اقدامی جدی از خود بروز داد و از این عوارض خطرناک و اتلاف ناگوار جلوگیری نمود؟

قطعاً هیچ عقل سلیمی موضوع بند قبل را نمی‌پذیرد. در بسیاری از کشورها شهروندان برای زباله و پسماند مالیات می‌پردازند، حال ما که مالیات نمی‌پردازیم نمی‌بایست حداقل در کاهش و برگشت آن مؤثر باشیم؟!

آیا تعالی کردن فرهنگ بی‌نظیر ایرانی و اسلامی و رسیدن به قله‌های متری آن که اولین فصل سیاست‌های برنامه پنجم توسعه می‌باشد در گروهی برون‌رفت از این وضعیت نابهنجار نیست؟ چگونه انتظار داریم علم و فناوری به بالاترین حد خود نزدیک شود (فصل دوم) ولیکن هیچ تکنولوژی و یا فناوری در این زمینه ابداع نشود تا این ثروت به ظاهر نازیبا را به چرخه مصرف برگرداند؟ چگونه می‌توانیم انتظار اجتماعی فعال و پویا و ... (فصل سوم) توأم با شادابی و نشاط داشته باشیم ولی با این معضل دست و پنجه نرم کنیم؟!

آیا تحول در نظام اداری و مدیریت (فصل چهارم) مستلزم بررسی این معضل و اولویت‌دار بودن آن نیست؟! آیا نباید در این خصوص برنامه‌ریزی نمود و تکلیف این معضل را مشخص کرد؟ آیا نیابستی بررسی کرد که چه سازمان و یا سازمان‌هایی متولی و مسئول این کارند و حیطة وظایفشان چیست؟ و در مقابل چه دستگاه‌هایی پاسخگو می‌باشند؟ و ...؟

سازمانها و نهادها و ... دیگر در جهت همکاری با آن چه نقشی دارند؟ و...؟

چگونه اقتصاد کشورمان را به حد اعلا و خودکفایی و ... نزدیک نماییم (فصل پنجم) ولیکن همین طور شاهد ازبین‌رفتن سرمایه و ازدست‌دادن فرصت‌های معتنم باشیم و هیچ سعی و تلاشی در جهت جبران آن نداشته باشیم؟!

آیا توسعه منطقه‌ای (فصل ششم) را می‌توان با ازدست‌دادن سرمایه و ثروت و.. ایجاد کرد؟! آیا از اولویت‌های منطقه‌ای حل چنین مشکل و نابسامانی نیست؟!

آیا گسترش و پیشرفت امور قضایی حقوقی کشور (فصل هشتم) نباید به‌نحوی باشد که در این خصوص اقدامی جدی از خود بروز داده با افراد و یا سازمان‌هایی که همکاری لازم را در این زمینه ندارند برخورد شود؟

در اختصاص بودجه و نظارت بر آن (فصل نهم) چه وظایفی نهفته است؟ آیا غیر از این است که در هر کشوری اولویت‌های نخست اختصاص بودجه سالانه کشور به امر بهداشت و محیط زیست و گسترش و ارتقای آن تا سطح مطلوب می‌باشد؟ حال چه اولویتی بالاتر از این معضل که تهدید آن نه تنها متوجه بهداشت و محیط زیست، بلکه اکثر حوزه‌ها و زیرساخت‌ها را دربر می‌گیرد.

و کوتاه‌سخن اینکه چگون فرامین و توصیه‌های مقام رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی را می‌توان مورد اجرا قرار داد در صورتی که شاهد این معضلات باشیم.

با این قیاس کوچک درمی‌یابیم که در سالیان اخیر چه غفلتی در این باره صورت گرفته است که بی‌شک باید جبران گردیده و به هدف مطلوب رسید.

یکی از بهترین راه‌های رسیدن به هدف فوق، تفکیک پسماند به‌صورت تر و خشک از مبدأ بوده که خوشبختانه مدتی است که در کشور ما آغاز گردیده است، البته این نکته را هم نباید از ذهن دور داشت که اصلی‌ترین و عالی‌ترین راه، همان صحیح مصرف کردن و یا استفاده مناسب کردن و به‌عبارت بهتر اسراف‌نکردن است که در متون و آموزه‌های دینی ما به‌شدت و کراراً به رعایت آن توصیه شده است که این مهم بی‌تردید به کاهش شدید پسماند منجر می‌شود.

موضوع تفکیک پسماند و یا بازیافت آن گرچه در کشور ما سابقه چندانی نداشته و یا خیلی مختصر آن‌هم توسط افرادی غیرمتخصص و ... انجام می‌شد ولیکن در موضوع کاهش پسماند که همان درست مصرف کردن است سابقه بسیار طولانی داشته و حتی هم‌اکنون نیز در بعضی از اقصی نقاط کشور معمول است.

به‌عنوان مثال در قدیم‌الایام خانواده‌هایی که هندوانه میل می‌کردند هیچ یک از قسمت‌های آن را دور نمی‌ریختند. از تخم آن به‌عنوان تنقلات استفاده کرده و از پوست آن برای خوراک دام و... خود بهره می‌بردند و یا در خصوص نان نیز به همین طریق، از پسماندها و یا خرده‌ریزهای آن در جهت خوراک طیور به‌کار می‌بردند، مضاف بر اینکه آن‌ها به‌اندازه نیاز هر روزشان مواد غذایی و خوراک آماده می‌کردند، این نحوه صحیح مصرف کردن تا آنجا ادامه می‌یافت که حتی از فضولات حیوانات برای تهیه کودهای

کشاورزی استفاده می‌شود، ولیکن این روش مقدس با ماشینی‌شدن زندگی و رفاه و ... به بوتۀ فراموشی سپرده شده و این معضل بزرگ را جانشین خود کرد.

برای اجرای طرح مدیریت و کاهش پسماند روش‌های متنوع و متعدد از دیدگاه‌های مختلفی نظیر اقتصادی، قانونی، و ... متصور است که مسلماً هرکدام آن‌ها در پیشبرد این مهم مؤثر می‌باشند. ولیکن به‌نظر نگارنده راهکارهای اجتماعی و فرهنگی از اهمیت بالاتری نسبت به سایر برخوردار است، زیرا راهکارهای قهری و جبری با ایجاد محدودیت برای شهروندان، آن‌ها ملزم به رعایت و کاهش می‌نمود و یا منافع مادی، آن‌ها را مجبور به این کار می‌کرد، به‌عنوان مثال جریمه که مربوط به دیدگاه اقتصادی است، فردی که زباله ایجاد می‌کند برای اینکه جریمه نشود ناچار است تولید زباله را کاهش و یا در جهت تفکیک آن اقدام کند.

ولیکن در روش اخیر، شخص با تأسی از اعتقاد، فرهنگ، شخصیت و ... این الزام را برای خود ایجاد می‌کند که در جهت رعایت، قدم بردارد، هیچ الزام خارجی نسبت به او وجود ندارد البته به این موضوع نیز باید دقت نمود که اجرای تمامی راهکارها و دیدگاه‌های متصور، منوط به مطابقت‌دادن با این دیدگاه است و قطعاً بدون آماده‌سازی آحاد جامعه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی راه به‌جایی نمی‌برد.

خوشبختانه در سال‌های اخیر گام‌های بزرگ و مثبتی در جهت نهادینه‌کردن این دیدگاه در میان جامعه برداشته شده که ما در رسانه‌های جمعی و ... شاهد بعضی از اخبار و برنامه‌های مناسب و مؤثر آن می‌باشیم. به‌عنوان مثال طبق اظهارات آقای صادق‌ان مدیر کل وقت خدمات شهری شهرداری تهران، تاکنون ۶۰۰/۰۰۰ خانوار تهرانی تحت پوشش طرح تفکیک زباله قرار گرفته و آموزش‌های لازم را دریافت نمودند که قرار است تا پایان سال به ۲ میلیون خانوار افزایش یابد.<sup>۱</sup>

تردیدی نیست که این طرح و برنامه در آینده‌ای نه‌چندان دور می‌باید تمامی کشور را مورد پوشش قرار دهد که بالطبع مستلزم هزینه‌های مادی و معنوی فراوان و برنامه‌ریزی‌ها و ... دقیق و کارشناسانه است که همه آن مقدمه‌ای است بر آماده‌سازی و فرهنگ‌سازی جامعه، بدیهی است فعالیت در این زمینه آن‌قدر وسیع و متنوع است که نه تنها در این سطور بلکه ممکن است در ده‌ها جلد کتاب نیز جای نگیرد. دامنه شمول آن نیز حد و مرزی نمی‌شناسد و تمامی رده‌های سنی و اقشار و صنوف و ... مختلف را در خود جای می‌دهد ولیکن به‌عنوان نمونه مواردی را که به‌نظر نگارنده دارای اثرات مؤثرتر و مفیدتر بوده و از بازدهی مناسب و ملموس‌تری نیز برخوردار می‌باشد در دو گروه کودکان و بزرگسالان اشاره می‌گردد.

## ۱. کودکان

### ۱.۱. تهیه فیلم‌ها و کارتون‌ها و ... مخصوص کودکان و ارائه نکات آموزشی در خلال آن

در این زمینه می‌توان فیلم‌ها و کارتون‌ها و ... که به‌طور مستقیم و یا در خلال آن به‌نحو جذاب و جالب و ... نکات مهم و نحوه صحیح استفاده کردن از وسایل مخصوص کودک نظیر اسباب‌بازی‌ها و یا مصرف مواد غذایی و یا به‌طور کل هر چیزی را که به کودک مربوط می‌شود، همچنین مسائل مربوط به پسماند و تفکیک آن را به زبان ساده و کودکانه بیان می‌نماید تولید و پخش نمود با این مضمون که این کار چقدر در پاکیزگی و سلامت جامعه و مبتلانشدن افراد به بیماری‌های گوناگون مؤثر است. در این زمینه از برنامه‌های دیگری که به‌صورت انیمیشن تهیه شده و دارای مفاهیم زیبا و ... نیز بوده و تحت عنوان هشدارهای گاز و یا آقای ایمنی و ... که مدت‌هاست از تلویزیون و ... در حال پخش می‌باشد و مخاطبان و دستداران زیادی را نیز به خود جذب کرده به‌عنوان الگو می‌توان استفاده کرد. در این خصوص می‌توان از مجریان و شخصیت‌های محبوب کودکان و همچنین از متخصصان روان‌شناس کودک نیز برای هرچه تأثیرگذارتر بودن این آموزش‌ها یاری جست.

### ۲.۱. ارائه کتاب و کتابچه و بروشور و ... در فرهنگسراها و شهربازی‌ها و مهدکودک و دبستان و ...

در این خصوص نیز می‌توان برای کودکان کتاب و .. حاوی نکات فوق در قالب عکس‌های زیبا و یا اشعار کودکانه و داستان و ... که مطابق با سنین آنان می‌باشد تهیه و به آنان ارائه داد. حتی‌المقدور همراه با توضیحاتی از سوی مربیان و ... .

### ۳.۱. برپایی اردوهای تفریحی-آموزشی مخصوص کودکان جهت بازدید از مراکز بازیافت پسماند

در این خصوص می‌توان برنامه‌ای ترتیب داد تا کودکان با بازدید از مراکز بازیافت پسماند (مشروط بر اینکه از لحاظ بهداشتی و ... خطری متوجه آنان نباشد) از نحوه کار آنان آشنا شده و چگونگی تبدیل مواد دورریختنی به مواد قابل‌استفاده را از نزدیک مشاهده نمایند، همراه با توضیحاتی مطابق سنشان از قبیل: بازیافت تا چه میزان از قطع شدن درختان جلوگیری می‌شود و ... یا اینکه بازیافت چقدر در پاک‌شدن محیط زیست تأثیر دارد و ... .

### ۴.۱. برپایی مسابقات در زمینه راه‌های کاهش پسماند و تفکیک آن و ...

در این خصوص می‌توان با برگزاری چنین مسابقاتی، کودکان را در این زمینه مشارکت داده و نظرات و اندیشه‌های هرچند کوچک آنان را به‌کار گرفت و با اهدای جوایزی (ترجیحاً جوایزی که از بازیافت پسماند تهیه شده و از لحاظ بهداشتی نیز بی‌خطر باشد) آن‌ها را در این جهت تشویق نمود.

### ۵.۱. مشارکت کودکان در امر تفکیک و کاهش پسماند تحت عنوان همیار

طرحی زیبا که از چند سال پیش از سوی نیروی انتظامی (راهنمایی و رانندگی) تحت عنوان همیار پلیس آغاز گردیده و با استقبال زائدالوصفی از سوی کودکان و با تشویق والدین و مربیان و آموزگاران و ... نیز مواجه شد می‌تواند راهنمای خوبی در این زمینه باشد. به این نحو که با هماهنگی و مشارکت مدارس، کارت‌های ویژه‌ای تحت عنوان همیار شهر و یا هر عنوان مناسب دیگری صادر نموده و با آموزش‌های ویژه هر سن و ... شرایطی ایجاد کرد که آن‌ها به‌عنوان ناظر به رعایت امورات پسماند و نکات مهم بهداشتی آن، در منزل و ... فعالیت کرده و با زبان شیرینشان موارد تخلف را به والدین و دیگر اعضای خانواده تذکر دهند.

در روش‌های بالا از آنجا که کودک در سنین یادگیری است و بسیاری از عادات و باورهای روزمره او در این دوران شکل می‌گیرد چنانچه این برنامه‌ها و ... با رعایت موازین سنی و نکات روان‌شناسی و .. صورت گیرد، ضمن تأثیر در رعایت مسائل پسماند از سوی آنان، نقش بسزایی در تربیت کودک و فرهنگ‌سازی او بر جای گذاشته و اعتمادبه‌نفس، احساس شخصیت، خلاقیت و ابتکار را نیز در او تقویت می‌کند. مضاف بر اینکه مورد اشاره‌شده در بند ۱.۵ به‌دلیل روابط عاطفی والدین با کودکان، و علاقه ذاتی ناشی از آن و همچنین مثبت‌بودن این کار، در جهت رعایت پسماند از سوی والدین و ... نیز گام برداشته می‌شود.

## ۲. بزرگسالان

### ۱.۲. استفاده از فتاوا، نظرات و ... علما و مراجع دینی

در این روش، با استفاده از فتاوی صریح مراجع معظم تقلید مبنی بر وجوب پاکیزگی در دین مبین اسلام به‌عنوان مهم‌ترین راه رسیدن به سلامتی که قطعاً پسماند یکی از مهم‌ترین موانع آن می‌باشد و نیز جایز نبودن اسراف و لزوم رعایت قوانین کشور در خصوص همکاری در بازیافت و تفکیک (به‌دلیل اینکه تفکیک بخش مهمی از برنامه بازیافت به حساب آمده و مشارکت همه‌جانبه مردم باعث تسریع در بازیافت و بالطبع تسریع در برگشت سلامت، سرمایه و ثروت کشور به جامعه و ... می‌گردد)، به‌طور مستقیم نظیر پخش سخنرانی و یا مصاحبه و ... از رسانه‌های جمعی و یا به‌طور غیرمستقیم از طریق وعظ و مبلغان دینی، حرکت‌های خوبی در این زمینه می‌توان ایجاد کرد.

به‌سادگی نکات مهم و اساسی در این زمینه را می‌توان از سوی مراکز ذی‌ربط با مشارکت و یا هماهنگی مدیریت حوزه‌های علمیه به طلاب و وعظ و ... که به‌عنوان مبلغ دینی به اقصی نقاط کشور اعزام می‌شوند اطلاع‌رسانی و یادآوری کرد و یا در جزوه‌های آموزشی آنان وارد کرد تا آنان در برنامه‌ها و سخنرانی‌های خود با اشاره به این موارد، به واجب و تکلیف‌بودن آن تأکید نمایند. قطعاً با توجه به مسلمان‌بودن اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشور و خصوصاً در ایامی که مردم بیشتر به امور مذهبی

خود پرداخته و به انجام مستحبات و دوری از گناه توجه دارند (نظیر ماه مبارک و ایام محرم و صفر و ...)، این حرکت تأثیر بسیار خوبی از خود برجای می‌گذارد.

### ۲.۲. تجهیز مساجد، حسینیه‌ها و مدارس دینی و ... به برنامه تفکیک

از آنجا که این اماکن از ارزش‌های دینی محسوب شده و از جایگاه بسیار مقدسی در میان مردم جامعه برخوردار است در صورتی که به این برنامه مجهز شده و متولیان و مسئولان مسجد بر آن تأکید داشته باشند نه تنها مورد استقبال قرار می‌گیرد، بلکه مردم از آن به‌عنوان الگویی همه‌جانبه در کلیه امور و شئون زندگی خود استفاده می‌کنند. جدای از مسئله فوق این اماکن جزء فضاهای عمومی جامعه محسوب می‌شوند که چه‌بسا عدم این مهم باعث ایجاد و یا شیوع بیماری گردیده و عواقب جبران‌ناپذیری از خود برجای بگذارد.

### ۳.۲. برگزاری کلاس‌هایی در این خصوص در فرهنگسراها، خانه فرهنگ‌های محله و ...

اماکن یادشده می‌توانند با برگزاری کلاس‌هایی جهت آموزش روش‌های تفکیک و کاهش پسماند با یادآوری این موضوع، که این کار چقدر در بهداشت و سلامت محیط تأثیر دارد به اقشار مختلف خصوصاً زنان جامعه که نقش پررنگ‌تری را نسبت به مردان در اداره خانه دارند گام‌هایی را در نهادینه کردن این مهم بردارند.

برنامه‌هایی نظیر ساخت اشیای زینتی و ... از مواد دورریختنی و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلف در این زمینه که به معرفی این آثار و یا احیاناً فروش آن می‌پردازد و یا معرفی این دسته افراد به کارگاه‌ها و مشاغل ذی‌ربط می‌تواند بهترین تشویق و ترغیب برای این گروه از جامعه که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند باشد. قطعاً این کار نهادینه شدن فرهنگ صحیح مصرف و استفاده بهینه در میان تمامی اعضای خانواده خصوصاً فرزندان که قطعاً آینده‌ساز جامعه می‌باشند را به همراه دارد.

### ۴.۲. تأسیس مراکز فرهنگی، ورزشی و ... و یا فراهم نمودن امکانات رفاهی برای محلات از

#### محل درآمد تفکیک

از محل درآمد پسماندهای تفکیک‌شده که تحت نظارت شورایی محله و یا معتمدان منتخب مردم، تحویل مراکز بازیافت می‌شود می‌توان مراکز و امکانات مزبور را تأسیس و فراهم کرده و با اشاره مستقیم به این موضوع از طریق نوشتن پلاکارد و یا چاپ بروشورها و ... با این عنوان که این ... از محل درآمد بازیافت پسماند این منطقه که توسط اهالی محترم تفکیک و تحویل گردیده بود تهیه گردید، در این خصوص اطلاع‌رسانی کرد. که اگر این کار به‌نحو صحیح انجام شود و عموم مردم در آن مشارکت نمایند چه‌بسا که نه به‌عنوان یک مانع بلکه به یک عامل مؤثر در بازیابی سلامتی معروف شود.

این برنامه چنانچه در جشنواره‌های با شکوه و با حضور مسئولان شهری و یا کشوری برگزار گردیده و تحت پوشش صدا و سیما و رسانه‌های جمعی نیز قرار گیرد، اثربخشی بیشتری خواهد داشت.

## ۵.۲. تشکیل گروه‌های مردمی داوطلب (NGO ها):

در این خصوص شرایطی می‌توان فراهم کرد که جوانان و یا افراد دیگری که علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه می‌باشند بتوانند با عضویت و تأسیس چنین مراکزی به امور فوق مشغول شوند. از آنجا که این گروه‌ها مردمی بوده و قصد انتفاع مادی شخصی نیز ندارند می‌توانند مورد توجه اقشار مختلف قرار گیرند.

## ۶.۲. اعلام و ارائه آمار و مستندات ائتلاف پسماند

با پخش و اعلام آمار و مستندات در خصوص میزان ائتلاف پسماند و مضرات بهداشتی، اقتصادی و ... برای شهروندان به‌طور مرتب از رسانه‌های جمعی می‌توان زنگ هشدار برای کلیه آحاد جامعه ایجاد کرد و آن‌ها را در هنگام دورریزی و عدم همکاری به تجدید نظر در رفتارشان وادار کرد.

## نتیجه‌گیری

چنانچه موارد بالا صورت گرفته و رعایت گردد شفافیت لازم نیز به همراه داشته باشد و خانواده‌ها نتیجه اقدامات خود را شاهد باشند موارد زیر را می‌توان انتظار داشت:

۱. یکایک آحاد جامعه به‌صورت خودجوش وارد این برنامه گردیده و به بهترین شکل با همدیگر همکاری نمایند. به‌عنوان مثال کودک با زبان و رفتار شیرین کودکانه خود موارد غفلت‌شده را به والدین تذکر داده و والدین نیز تجربیات خود را به کودک آموزش می‌دهند که به‌دلایلی که قبلاً توضیح داده شد محسنات روان‌شناسی و تربیتی نیز به همراه دارد چون هم کودک احساس شخصیت کرده و خود را فردی مؤثر می‌بیند و در آینده نیز نقش و سهم خود را بیشتر احساس می‌کند و هم خانواده‌ها به نقش کودک، افکار و نگاه مثبت او پی برده و و خود را موظف به رعایت نقش او در خانه می‌بینند و چون این کار منافع فراوان دارد پس از مدت کوتاهی این رعایت به‌عنوان یک عادت و هنجار در درون خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

۲. این کار می‌تواند به‌عنوان بهترین راهکار در جهت مدیریت صحیح هزینه‌های خانواده و جلوگیری از هزینه‌های بیهوده مطرح باشد و قاعدتاً این هزینه‌ها می‌تواند در جهت‌های مثبت دیگر سرمایه‌گذاری گردد.

۳. مردم نیز در راه رسیدن به منافع بیشتر، تجربیات و ... خود را با دیگران تبادل می‌نمایند پس نوعی تعامل و مشورت نیز در میان مردم به‌وجود می‌آید که کمترین خاصیت آن ایجاد صمیمیت و ارتقای سطح اخلاقی جامعه و ... را به‌دنبال خواهد داشت.

۴. دیری نمی‌پیماید که این موضوع جدای از ارزش اقتصادی به‌عنوان یک وظیفه و یا یک جهاد ملی در مبارزه با آلودگی و موانع سلامتی تلقی شده و در همگان نهادینه می‌شود که بی‌شک یکی از عظیم‌ترین اهداف برنامه پنجم توسعه تحقق‌یافته و بزرگ‌ترین موانع پیش روی آن برداشته شده و

فرامین رهبر انقلاب در خصوص اقتصاد مقاومتی به منصفه اجرا خواهد رسید.

۵. سطح سلامت جامعه به‌طور فزاینده‌ای ارتقا پیدا کرده و از هزینه‌های دولت که تاکنون می‌بایست در رفع مشکل فوق هزینه می‌شد جلوگیری کرده تا در جهت‌های مثبت دیگر هزینه شود.

۶. این کار خود یکی از مهم‌ترین روش‌های کارآفرینی و رفع مشکل بیکاری است.

امیدواریم این طرح تا آنجا ادامه یابد که پسماند از یک معضل به یک فرصت تبدیل شده که این همان سرانجام خوب هدفمان است.

### پیشنهاد

برای رسیدن به هدف فوق موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. به هر دو مقوله کاهش پسماند و تفکیک و بازیافت و عدم رعایت مسائل مربوط به آن توجه کنیم، هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند و غفلت از هر کدام زمینه ایجاد مشکلات جدید است.
  ۲. اجرای این راهکارها می‌بایست مطابق با نوع فرهنگ، آداب و رسوم و وضعیت اقتصادی و اقلیمی و شرایط هر منطقه باشد که ممکن است در بسیاری از موارد متفاوت از هم باشد.
  ۳. اجرای این راهکارها به همکاری متقابل مردم و دولت نیاز دارد و قطعاً بدون این همکاری نه تنها هدفی حاصل نمی‌شود، بلکه باعث ایجاد مشکلات دیگر می‌شود. این همکاری سبب آن می‌شود که در سایر برنامه‌های دولت نیز مردم با دید باز از آن استقبال نمایند.
  ۴. پوشش این برنامه‌ها از لحاظ سمعی و بصری می‌بایست بیش از گذشته باشد به طوری که همواره مردم احساس کنند اقدامات آن‌ها در این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد. نظیر نام‌بردن از محلات، اشخاص و گروه‌ها و ... که بیشترین همکاری را در این زمینه داشتند و ...
  ۵. ایجاد مراکز اقتصادی و ... از سوی دولت که خانواده‌ها بتوانند از صرفه‌جویی‌هایی که در اثر طرح فوق در هزینه‌های آنان ایجاد می‌شود در آنجا سرمایه‌گذاری کرده و از منافع و تسهیلات آن استفاده نمایند.
- والسلام

### منابع

پایگاه اطلاع‌رسانی بازیافت، ۸۶/۷/۲۲

\_\_\_\_\_ ، ۸۷/۳/۴

ویژه‌نامه بازیافت، روزنامه تهران امروز، ۸۸/۱۰/۴

# نقش بانک مرکزی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر نظارت بر حوزه بانکی)

محمد سلیمانی\*، محمدحسین عبادی\*\*

## چکیده

اثرگذاری بانک مرکزی بر حوزه‌های پولی، اعتباری و ارزی، نقش این نهاد را در شرایط خاص کشور ما پررنگ‌تر از قبل کرده است و بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بازار پولی و بانکی کشور، می‌تواند در جهت تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش مهمی ایفا کند. در این مقاله با تمرکز بر وظایف و اهداف قانونی بانک مرکزی به آن دسته از اقدامات و برنامه‌های مرتبط با نظام بانکی که اجرای آن‌ها زمینه‌ساز تحقق ثبات مالی و اقتصادی و پاسخگویی بهتر به نیازهای تأمین مالی در اقتصاد ملی می‌باشد پرداخته می‌شود. این اقدامات شامل بهبود رویه‌های نظارتی و کنترل فساد مالی، نظارت بر حسن اجرای قانون بانکداری بدون ربا، ارتقای امنیت بانکداری الکترونیک و اعطا و مصرف تسهیلات می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** بانک مرکزی، نظام بانکی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، رویه‌های نظارتی

## ۱. مقدمه

پس از انقلاب اسلامی، دشمنان همواره مشکلاتی را برای اقتصاد ایران ایجاد کرده‌اند. (براین اساس کشورهای غربی پس از ناکامی در عرصه نظامی و جنگ سخت رو به جنگ نرم و مبارزه فرهنگی و اقتصادی آوردند. آن‌ها در زمینه نبرد اقتصادی اقدامات فراوانی را انجام دادند) که از میان آن‌ها می‌توان به تحریم‌های کالایی، دارویی، نفتی و بانکی اشاره کرد. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: «دشمنان در پی فشار اقتصادی به دنبال این هستند که اولاً روند پیشرفت کشور را متوقف نمایند و ثانیاً از طریق دشوارساختن زندگی اقتصادی برای مردم، اعتماد و دل‌بستگی ایشان را به نظام کاهش دهند و نظام جمهوری اسلامی را از درون به سمت تضعیف و نهایتاً فروپاشی ببرند» [1]

با شدت گرفتن این فشارها به اقتصاد ایران، لزوم و ضرورت مقابله و تقویت نظام اقتصادی بیش از پیش محسوس شده است. از آنجا که خصومت غرب با ایران ریشه‌ای و بنیادین بوده (و به‌نظر می‌رسد

\* عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت،

solimani@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، ebadi@isu.ac.ir

حداقل در کوتاه‌مدت قابل‌رفع نیست) و با توجه به سابقه تاریخی ثبت‌شده بعد از انقلاب طبیعی است که برنامه‌ها و اقداماتی برای وارد کردن ضربه به اقتصاد ایران از سوی آن‌ها دنبال شود؛ علاوه بر این ضربه‌ها، ساختار اقتصاد ایران و تعاملات بیرونی و درونی آن نیز ممکن است تکانه‌ها و بحران‌هایی را به اقتصاد ایران تحمیل کند، لذا ضروری است که اقتصاد ایران به یک سطح کافی از انعطاف و استحکام در مقابل این بحران‌ها دست یابد. وجود این دو نوع ضربه و شوک اهمیت پرداختن به اقتصاد مقاومتی را به‌خوبی روشن می‌سازد.

اقتصاد مقاومتی نوعی الگوی اقتصادی است که از ویژگی‌های آن می‌توان به توان مقابله با تهدیدها و تبدیل این تهدیدها به فرصت اشاره کرد. [2] اقتصاد مقاومتی در مقابل هر نوع فشار خارجی و داخلی نه تنها متوقف نمی‌شود، بلکه به رشد و پیشرفت خود ادامه می‌دهد. در اقتصاد مقاومتی نظارت و رصد فعالیت‌ها از جایگاه بالایی برخوردار است. دستیابی و وصول به بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، که تحقق آن‌ها پیش‌شرط تحقق اقتصاد مقاومتی است، وابسته به نظارت همه‌جانبه و دقیق بر حسن اجرای این بندها توسط نهادهای مسئول در هر حوزه می‌باشد.

هدف اصلی این مقاله پرداختن به جایگاه و نقش بانک مرکزی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که به‌موجب قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و همچنین نظارت بر این معاملات، نظارت بر معاملات طلا و تنظیم مقررات مربوط به این معاملات، نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج ایران و تنظیم مقررات مربوط به آن برعهده بانک مرکزی است. این وظایف نشان می‌دهند که بانک مرکز می‌بایست با اختیارات نظارتی که دارد در جهت اصلاح، تقویت، شفاف‌سازی و سالم‌سازی نظام مالی (و در نتیجه ایجاد ثبات در اقتصاد ملی) و نیز کنترل و هدایت منابع مالی در جهت پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و تقویت بخش واقعی اقدام کند.

بدیهی است که برای اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور (با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی) و شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، که به‌ترتیب در بندهای ۹ و ۱۹ سیاست‌های کلی به آن‌ها اشاره شده است، نظارت ضروری است، چراکه لازمه اصلاح و سالم‌سازی، نظارت دقیق و کارآمد می‌باشد و این مهم در حوزه‌های پول، بانک، ارز و ... از وظایف بانک مرکزی است. اصولاً بخش نظارتی هر نظامی یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن به‌حساب می‌آید. نظارت اهرمی است که می‌تواند اطمینان لازم را از اجرای صحیح برنامه‌ها و تحقق اهداف به‌دست دهد. در نظام بانکی نیز وجود یک سازوکار نظارتی لازم است چراکه وجود هرگونه مشکلی در بحث تأمین مالی در نظام بانکی می‌تواند نقش اساسی در روندهای کلان اقتصادی داشته باشد. در همین راستا بانک مرکزی علاوه بر آنکه وظیفه سیاست‌گذاری پولی و ارزی را



برعهده دارد وظیفه نظارت بر چگونگی انجام این سیاست‌ها و دستیابی به اهداف نظام بانکی را برعهده دارد<sup>۱</sup>. شاید بتوان گفت که یکی از ملزومات استقرار اقتصاد مقاومتی کنترل و جلوگیری از تنش‌ها و بحران‌هایی است که منشأ آن نظام بانکی است. بانک مرکزی می‌تواند با اجرای به‌موقع سیاست‌های اقتصادی از جمله سیاست‌های ارزی (مدیریت بازار ارز) و سیاست‌های پولی (مثل تعیین سود سپرده‌های بانکی متناسب با وضع موجود اقتصاد در هر دوره) و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های آنی در حوزه سیاست‌ها از ضررهای غیرقابل‌پیش‌بینی سرمایه‌گذاران بکاهد و اعتماد آن‌ها را و همچنین اعتماد سپرده‌گذاران را به نظام بانکی حفظ نموده و بدین وسیله ثبات مالی را در حوزه اقتصاد تأمین کند، امری که مورد تأکید بند ۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (که در بالا بدان اشاره شد) می‌باشد.

در الگوی اقتصاد مقاومتی بانک‌ها نقش پررنگی را می‌توانند ایفا کنند. در اقتصاد متعارف بانک‌ها نقش واسطه سرمایه‌گذاری‌ها را دارند و منابع کلان مالی تجمیع‌شده از میان سپرده‌گذاران را به طرح‌های سرمایه‌گذاری توجیه‌پذیر منتقل می‌کنند، در واقع عملاً کنترل منابع مالی مردم در اختیار آن‌هاست. توجه به این نکته ضروری است که نظام بانکی در اقتصاد ایران اصلی‌ترین منبع تأمین مالی است و لذا اختلال در این منبع عواقب منفی فراوانی را در پی دارد. عدم نظارت صحیح بر فعالیت بانک‌ها و عدم وجود شفافیت اطلاعات در نظام بانکی باعث بروز انحراف در تخصیص منابع می‌شود. این انحراف از دو حیث قابل‌طرح است اول اینکه بانک ممکن است در تخصیص منابع، منافع فردی خود را به‌درستی دنبال نماید و عملاً منابع را به‌سمتی سوق دهد که حداکثر سود ممکن حاصل نشود. این نوع تخصیص از مصادیق اتلاف منابع می‌باشد و در مواقعی که سیستم بانکی از کارایی لازم برخوردار نباشد رخ می‌دهد. انحراف دوم در زمانی رخ می‌دهد که بانک در پیگیری اهداف اجتماعی به‌درستی عمل نمی‌کند، در واقع در این موارد بانک نمی‌تواند به‌عنوان جزئی از یک سیستم به‌خوبی عمل کند. حتی اگر بانک از نظر پیگیری نفع فردی کارا عمل کند ممکن است نتواند اهداف اجتماعی و توسعه‌ای خود را دنبال نماید. به‌عنوان مثال وقتی در برنامه‌ها و سیاست‌ها برای تسهیلات بخش صنعت سقف مشخصی در نظر گرفته می‌شود، پیگیری نفع شخصی توسط بانک‌ها موجب می‌شود که این امر محقق نشود و سهم منابع تخصیص داده شده به بخش خدمات بالاتر رود.

از این‌رو کنترل و نظارت بر فرایند تخصیص منابع در سیستم بانکی امری ضروری است. در صورت عدم نظارت و کنترل، نظام بانکی از درون بحران‌ها و تنش‌هایی را برای اقتصاد ایجاد خواهد کرد. از

---

۱. بانک مرکزی وظیفه حیاتی دیگری نیز برعهده دارد که طبق چارچوب‌های تئوریک اصلی‌ترین وظیفه آن محسوب می‌شود و آن اجرای صحیح و کارآمد سیاست‌های پولی و نظارت بر حسن اجرای آن‌هاست. علاوه بر این در حوزه ارزی نیز وظیفه ریل‌گذاری به بانک مرکزی واگذار شده است. در این مقاله صرفاً بر اهداف بانک مرکزی در حوزه بانکی تمرکز می‌کنیم و موضوعات سیاست‌گذاری پولی و ارزی را به مجال دیگری وامی‌گذاریم.

اینجا ضرورت وجود یک سازوکار نظارتی دقیق بر نظام بانکداری مشخص می‌گردد. [3] لذاست که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی، وظیفه نظارتی این نهاد است. بانک مرکزی می‌تواند با نظارت بر نحوه اجرای قوانین و میزان پایبندی بانک‌ها به قوانین و مقررات وضع‌شده اثربخشی نظام بانکی را افزایش داده و اختلالات و فسادهای درونی آن را به حداقل برساند. در اینجا شفاف‌سازی اطلاعات بسیار اهمیت می‌یابد چراکه این امر یکی از ملزومات نظارت کارا و مؤثر بر بانک‌ها است. بدون وجود اطلاعات شفاف بانک مرکزی در فرایند نظارت خود بر سایر بانک‌ها از یک سو به انحرافات، رانتها و فسادهای موجود پی نمی‌برد و از سوی دیگر در محاسباتش برای کنترل و مبارزه با آن‌ها دچار اشتباه می‌گردد. بانک مرکزی با نظارت صحیح خود می‌تواند منابع مالی را در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی و در بخش‌های ضروری (مانند تولید کالاهای اساسی، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از کارآفرینان و ...) تزریق کرده و از سرریز شدن آن‌ها به بخش‌های غیرضروری جلوگیری کند و همچنین زمینه‌های فساد در نظام مالی که اعتماد سرمایه‌گذاران واقعی را مخدوش می‌کند از بین ببرد.

در این مقاله با عنایت به اهمیت موضوع نظارت بانک مرکزی به ابعاد وظیفه نظارتی بانک مرکزی در بخش‌های مهم نظام بانکی می‌پردازیم، لذا ابتدا به بررسی ابعاد مختلف نظارت بانک مرکزی و آثار و نتایج آن بر بخش‌های مختلف نظام مالی پرداخته و سپس ضرورت، آثار و نتایج این نظارت‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی را بررسی کرده و در انتها جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

## ۲. ابعاد نظارت بانک مرکزی در تحقق اقتصاد مقاومتی

### ۱.۲. ایجاد ثبات مالی

پس از وقوع مکرر بحران‌های مالی که باعث کاهش تولید ملی و واردشدن هزینه‌های سنگین بر کشورهای بحران‌زده در دهه ۹۰ قرن بیستم شد، ارتباط بین ثبات مالی و ثبات اقتصاد کلان بیش از پیش روشن گردید. [4] به‌طور کلی ثبات مالی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که بحران‌های مالی و سیستماتیک وضعیت اقتصاد کلان را تهدید نکند. (همان) بحران مالی نیز وضعیتی است که درصد قابل‌توجهی از ارزش دارایی‌ها به‌صورت غیرمنتظره از بین برود. [5] در نگاه اقتصاد و مالیه متعارف مواجه‌نشدن نظام مالی با بحران به‌معنای استحکام و عملکرد مناسب اجزای تشکیل‌دهنده این نظام است چراکه همه اجزای نظام مالی با هم در ارتباط‌اند و اختلال در عملکرد یکی از اجزا می‌تواند به کل این نظام سرایت کرده و کل این نظام را دچار بی‌ثباتی کند. [4]

سوابق و تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از بحران‌های مالی ناشی از وقوع بحران در شبکه بانکی بوده است [4] به‌طوری‌که ثبات کم یا بی‌ثباتی بانک‌ها، کاهش شدید عرضه منابع مالی تأمین‌کننده سرمایه و وام‌های بانکی را به‌دنبال داشته و موجب واردآمدن فشار بر بنگاه‌ها و خانوارها برای

تعدیل ترازهای مالی آن‌ها می‌شود و در نتیجه با بی‌اعتمادی سپرده‌گذاران و کاهش سپرده‌ها، تولید و در نتیجه درآمد و ثروت ملی کاهش می‌یابد. [6] از این رو ضرورت دارد بانک‌ها و مؤسسات بانکی به‌گونه‌ای هدایت شوند که با ریسک‌های فزاینده روبه‌رو نشده و ثبات و اطمینان موجود در نظام بانکی و به تبع آن نظام اقتصادی را مخدوش نکنند. با توجه به اینکه تأمین مالی در ایران به دلیل محدودیت فعالیت سایر مؤسسات مالی، عمدتاً توسط بانک‌ها انجام می‌شود؛ هرگونه بی‌ثباتی در این نظام کل اقتصاد را با نوسانات فزاینده روبه‌رو می‌کند، که مسلماً با اصول اقتصاد مقاومتی در تضاد است. کاهش در قیمت دارایی‌های مالی، انباشته شدن مطالبات غیرجاری و نکول وام‌گیرندگان، بی‌ثباتی در بازار ارز، عدم رعایت استانداردهای کفایت سرمایه، سرمایه‌گذاری‌های ریسکی و ... می‌تواند موجب وقوع بحران در نظام بانکی شود. بانک مرکزی از طریق ابلاغ دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های خود به دنبال از بین بردن احتمال وقوع بحران‌های بانکی است، اما سؤالی که در اذهان وجود دارد این است که این بانک تا چه حد بر حسن اجرای دستورالعمل‌های خود نظارت دارد.

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی که در بند ۹ از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مطرح شده است تأمین ثبات مالی است و یکی از ملزومات تأمین ثبات مالی، کنترل ریسک صنعت بانکداری می‌باشد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری ریسک بانک‌ها "نسبت کفایت سرمایه" است. قوانین موجود برای کنترل ریسک در بانک مرکزی ایران مطابق استانداردهای بازل ۱ می‌باشد، در حالی که قوانین بین‌المللی تا بازل ۳ پیش رفته و در طی دو مرحله به‌روز شده‌اند. [7] طبق بازل ۳ اکثر بانک‌های ایران در میزان ریسک‌پذیری وضعیت بحرانی دارند. و حتی اگر بر طبق قوانین موجود در بانک مرکزی نیز بخواهیم وضع موجود بانک‌ها را بسنجیم بیشتر بانک‌ها در وضع بحرانی خواهند بود. شاخص نسبت کفایت سرمایه برای اکثر بانک‌های ایران زیر ۸ درصد است. [8] این بدان معناست که مقررات موجود برای کنترل ریسک قدیمی بوده و به‌روز نشده‌اند، البته اگر همین مقررات را نیز معیار قرار دهیم اکثر بانک‌ها در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرند و در صورت اعطای وام، ریسک بسیار بالایی را متحمل خواهند شد. این امر نشان‌دهنده وضعیتی است که می‌تواند بحران‌زا باشد. از مشکلات و مخاطرات صنعت بانکداری که ممکن است ثبات مالی را به‌خطر اندازد؛ وجود مطالبات معوق است. این مطالبات رابطه‌ای دوسویه با رشد اقتصادی دارد به‌طوری‌که با افزایش مطالبات معوق، رشد اقتصادی دچار مشکل می‌گردد و با ایجاد رکود در اقتصاد، مطالبات معوق افزایش خواهد یافت. [9] در اقتصاد ایران مطالبات غیرجاری سطح بالایی را به خود اختصاص داده‌اند، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۵/۵ درصد از کل تسهیلات اعطایی را به خود تخصیص داده و در پایان این سال نسبت این مطالبات به نقدینگی کشور ۱۳/۵ درصد بوده است. آزادسازی چنین حجمی از منابع مالی می‌تواند کمک شایانی در تأمین مالی تولید و افزایش رشد اقتصاد کشور نماید. [10] وجود این حجم از مطالبات خطر ورشکستگی بانک‌ها را افزایش داده و موجب آسیب‌پذیر شدن سیستم بانکی می‌شود، لذا ضرورت

دارد که بانک مرکزی نظارت بیشتری بر آیین‌نامه‌های صادره جهت اعطای تسهیلات به افراد ذی‌صلاح و پیگیری وصول مطالبات غیرجاری توسط بانک‌ها داشته باشد.

## ۲.۲. نظارت بر حسن اجرای قانون بانکداری بدون ربا

گرچه قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسیده است، اما در عمل، مسئله نظارت شرعی متولی رسمی و قانونی مشخصی نداشته است [11] و نتیجه این امر آن شده است که پس از گذشت سه ده از اجرای این قانون هنوز هم نظام بانکی با اتهام ربوی بودن روبه‌رو است. یکی از امور مهم در عملی شدن و بهبود قانون بانکداری بدون ربا مسئله نظارت بر این قانون است، اما متأسفانه توجه زیادی به این مسئله نشده است. خلأهای قانونی و نهادهای زیادی برای عملی شدن نظارت شرعی بر بانک‌ها وجود دارد از جمله آنکه بانک‌ها مکانیزم مشخصی برای رصد نحوه مصرف تسهیلات ندارند و یا اینکه بانک‌ها و مؤسسات مالی ملزم به تشکیل کمیته فقهی نیستند، کمیته فقهی بانک مرکزی به‌عنوان مرجع عالی فقهی در حوزه بانکداری اسلامی جایگاه قانونی نداشته و تنها اختیارات مشورتی دارد، از آن مهم‌تر هیچ‌گونه قانونی در رابطه با نظارت شرعی وجود ندارد، هیچ بخشی در داخل بانک مرکزی یا مؤسسات مالی با مسئولیت بررسی شرعی بودن عقود مورد استفاده و فهم صحیح طرفین امضاکننده عقود نسبت به ماهیت آنچه که امضا می‌کنند وجود ندارد. [11]

در وضعیت فعلی نظام بانکداری بدون ربا با چالش‌های بسیاری مواجه است و عقود روبه‌رو است. در قراردادهای بانکی نیز در مواردی (که تعدادشان کم هم نیست) دریافت‌کنندگان تسهیلات، تسهیلات دریافتی را در جایی غیر از آنچه که در قرارداد آمده مصرف می‌کنند [12] و این امر با توجه به ساختار شرعی عقود بانکی، موجب حرمت برخی از تصرفات در وجوه دریافت شده می‌شود. نظارت بر اجرای عقود در چارچوب مصرح شرعی، می‌تواند مردم را از فروافتادن در دام ربا و یا تصرف غیرشرعی در اموال باز دارد و از این حیث برای صحت و سلامت جامعه ضروری است. به‌عنوان مثال عدم نظارت‌ها موجب شده بانک‌ها بعضاً به‌جای پرداخت تسهیلات در چارچوب قراردادهای مشارکتی به دلیل ویژگی‌های خاص قراردادهای مبادله‌ای (از جمله سود ثابت) از این قراردادها استفاده می‌کنند؛ که از نظر شرعی صحیح نیست. [13]

۱. البته باید به این نکته نیز اشاره کنیم که عملاً هم اجرای مشارکت در سود و زیان به‌صورت گسترده برای بانک با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو است و این امر نیز دلایل متعددی دارد از جمله [14]: وجود اطلاعات نامتقارن و شناخت ناکافی بانک نسبت به هزینه و بازدهی فعالیت اقتصادی، هزینه‌های فراوان مربوط به کنترل و نظارت، وجود مسئله انتخاب معکوس (و شرايطی که متقاضیان تامین مالی، توانایی‌ها و نیز سوابق کاری خود را به‌هنگام ارائه طرح اقتصادی پنهان کنند) و خطر اخلاقی (که در پایان فعالیت شرکت بروز می‌کند). بدیهی است که با وجود ویژگی‌های مذکور و نبود نظام نظارتی مناسب بانک‌ها به‌سوی قرارداد با سود بیشتر، زودبازده‌تر و ساده‌تر روی بیاورند و قراردادهای دیگر مانند قراردادهای مشارکتی که نیاز به نظام نظارتی دارند کمتر صورت پذیرند. درحالی‌که تسهیلاتی که به‌شکل قراردادهای مبادله‌ای داده می‌شوند برای امور مصرفی و خدماتی یا تجاری استفاده می‌شوند و قراردادهای مشارکتی برای امور تولیدی.

شایان ذکر است که در مقایسه با کشورهای دارای نظام بانکداری اسلامی، ایران (حتی در برابر کشوری مانند انگلستان) دارای ضعیف‌ترین نظام نظارتی است. [11] در حالی که استقرار یک نظام نظارتی خوب و مناسب موجب افزایش اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران، شفافیت و نظم بازار و همچنین ایجاد اطمینان از پایداری و ثبات نظام مالی اسلامی خواهد شد. نقشی که نهادهای ناظر بر عملکرد بانک‌های اسلامی ایفا می‌کنند، دو وجهی است و علاوه بر آنکه به اعمال نظارت‌های سنتی و متداول بر صنعت مالی اسلامی می‌پردازند، می‌توانند زمینه‌ساز رشد و توسعه مطلوب در این عرصه باشند. [14]

مهم‌ترین دستاورد اعمال نظارت و کنترل دقیق بر فعالیت‌ها و معاهدات بانک‌ها، افزایش سطح اعتماد عموم مردم کشور به اسلامی‌بودن عملکرد نظام بانکی است [11] که یکی از مقدمات مردمی‌شدن اقتصاد است. دستاوردهای دیگر نظارت بر معاهدات بانکی فهم مشکلات اجرای بانکداری اسلامی در عمل و تلاش برای حل آن، تقویت زمینه‌های لازم به‌منظور به‌روز کردن قوانین موجود و ایجاد زمینه برای طراحی و استفاده از ابزارهای جدید بانکداری اسلامی است. [11]

### ۳.۲. اعطا و مصرف تسهیلات

یکی از اصلی‌ترین وظایف نظام بانکی به‌عنوان یکی از ارکان واسطه‌ای در نظام مالی، تأمین وجوه لازم برای تولید و سرمایه‌گذاری است. بانک مرکزی می‌بایست اقدامات لازم برای انجام هرچه بهتر این امر فراهم کند و مانع از انحراف بانک‌ها از مسیر واسطه‌گری صحیح شود. بر این اساس ما در سه حوزه انحراف در مصرف تسهیلات، عدالت در اعطای تسهیلات و تسهیلات‌دهی بانک‌ها به شرکت‌های تابعشان به بررسی اثرات وجود یک سیستم نظارتی کارا بر بهبود عملکرد بانک‌ها در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

نظارت بر عدم ایجاد انحراف در مصرف تسهیلات، ذیل بحث مخاطرات اخلاقی در بازارهای مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نوع مخاطرات زمانی در بازارهای اعتبارات پدید می‌آیند که تسهیلات‌گیرنده با استفاده از تسهیلات به انجام اموری مبادرت ورزد که از نظر تسهیلات‌دهنده نامطلوب است. [12] البته جلوگیری از وقوع انحراف در مصرف تسهیلات در مرحله اول و ابتدای امر وظیفه یکایک بانک‌ها می‌باشد، اما بانک مرکزی می‌بایست پیش‌شرط‌ها و انگیزاننده‌های کافی برای انجام این امر را فراهم کند. برای تحقق اقتصاد مقاومتی، تأمین مالی تولید و بخش واقعی اقتصاد ضرورت دارد، اما برخی از بخش‌ها مثل بخش‌های واسطه‌گری و ساخت و ساز سودآورتر هستند، لذا طبیعی است که گیرندگان تسهیلات وجوه دریافتی خود را (حتی اگر برای سرمایه‌گذاری تولیدی یا تهیه سرمایه در گردش اخذ کرده باشند) به سمت این بخش‌ها سوق دهند. با توجه به محدودبودن منابع مالی این امر موجب می‌شود که بدنه تولید در کشور از حمایت مالی کافی برخوردار نشده و آسیب‌پذیر شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود

که بانک مرکزی، بانک‌ها را ملزم به استفاده از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای جهت رصد وضعیت تسهیلات پرداختی کند تا از این طریق تسهیلات الزاماً در موضوعاتی که برای آن‌ها پرداخت شده‌اند هزینه شود.

از پیامدهای انحراف در مصرف تسهیلات می‌توان به عدم تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده برای نظام اقتصادی و عدم اختصاص منابع مالی به بخش‌های پیش‌بینی‌شده اشاره نمود. ممکن است تسهیلات را در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و برای استحکام و خوداتکایی اقتصاد به بخش‌های ضروری مانند تولید کالاهای اساسی، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از کارآفرینان و ایجاد امنیت غذایی و دارویی پرداخت شود. اما در عمل این منابع مالی به‌سوی این اهداف هدایت نشده و در بخش‌های دیگر (عموماً بخش مصرفی و دلالی) مصرف شوند. سرازیر شدن منابع مالی به دو بخش مصرف و دلالی پیامدهای ناخواسته و زیان‌باری همچون افزایش تورم و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی و هدف‌گذاری شده را به دنبال خواهد داشت. [8] بنابراین نه تنها اقتصاد از دستیابی به اهداف تعیین‌شده بازمی‌ماند، بلکه شکنندگی و آسیب‌پذیری اقتصاد افزایش خواهد یافت.

ازسوی دیگر چگونگی اعطای تسهیلات تأثیر بسزایی در افزایش یا کاهش مطالبات معوق دارد. بانک برای اعطای تسهیلات به متقاضیان باید آن‌ها را از لحاظ ریسک اعتباری رتبه‌بندی کند و این مهم محقق نخواهد شد مگر آنکه اولاً اطلاعات مشتریان به‌صورت شفاف وجود داشته باشد و ثانیاً نظام جامع اطلاعات مشتریان به‌صورت متمرکز موجود باشد. عامل دیگر افزایش مطالبات معوق بانک‌ها در گرفتن وثیقه برای اعطای وام است بدین معنا که یا ارزش وثیقه کمتر از ارزش تسهیلات است و یا بیشتر، در صورت کمتر بودن ارزش وثیقه متضرر بودن بانک آشکار است و در صورت بیشتر بودن این ارزش بانک برای در اختیار خود درآوردن آن دچار مشکل خواهد شد. [10] البته روشن است که کاهش مطالبات معوق باعث افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌ها و در نتیجه افزایش تولید و رشد اقتصاد خواهد شد. در این زمینه باید به این نکته اشاره داشت که صوری‌شدن قراردادهای بانکی یکی از نشانه‌های روشن انحراف در مصرف تسهیلات است.<sup>۱</sup>

بنابراین برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی که همان پیشرفت همه‌جانبه اقتصاد کشور و افزایش استحکام و توان ایستادگی آن است ضروری است بانک مرکزی با نظارت همه‌جانبه بر فرایند

۱. حقوق دانان معامله صوری را معامله‌ای تعریف کرده‌اند که طرفین قصد جدی برای به‌وجودآوردن آثار حقوقی آن را نداشته باشند. بنابراین معامله صوری، معامله‌ای است که بدون قصد انشا و به‌ظاهر منعقد می‌شود یعنی در این نوع معامله، گیرنده تسهیلات قصد عمل به مفاد قرارداد را ندارد پس در نتیجه وام دریافت‌شده را در جایی غیر از آنچه که در قرارداد ذکر شده و در اسناد بانک موجود است مصرف خواهد کرد که همان انحراف در مصرف تسهیلات است. [15]

اعطا و مصرف تسهیلات، حمایت واقعی از بخش‌های هدف‌گذاری شده را به‌عمل آورد و از انحراف منابع به‌سوی بخش‌های بحران‌زا جلوگیری کند.

در حوزه نظارت بر اعطای تسهیلات توجه به دو بحث توزیع عادلانه اعطای تسهیلات و اعطای وام‌های بانکی به شرکت‌های تابعه نیز ضروری است. جریان عدالت در نظام بانکی در سه محور توزیع منابع بانکی، توزیع درآمدها و هزینه‌های بانکی و نقش نظام بانکی در مسئله فقرزدایی قابل‌طرح است. [15] در اینجا صرفاً به عدالت در توزیع منابع بانکی و اعطای تسهیلات می‌پردازیم. از جمله آسیب‌هایی که در صورت عدم توجه نظام بانکی به عدالت در اعطای تسهیلات و توزیع منابع مالی به‌وجود می‌آید می‌توان به تمرکز منابع مالی در مناطق و بخش‌های خاص اقتصادی و افراد با گروه درآمدی خاص و همچنین تخصیص سیاسی منابع برای پروژه‌های غیراقتصادی و کم‌بازده اشاره کرد. منظور از تمرکز منابع مالی در مناطق خاص، تمرکز این منابع در مناطقی از جمله مراکز استان‌ها و پایتخت و سرازیر شدن منابع مالی از دیگر مناطق کشور به این قسمت‌ها است. این امر باعث ایجاد شکاف در رشد و اشتغال‌زایی در نواحی مختلف و در واقع ایجاد شکاف طبقاتی در بین این نواحی می‌گردد. [15] ازسوی دیگر تمرکز سرمایه در مناطق مختلف آسیب‌پذیری این مناطق را از حیث حمله‌های خارجی و آسیب‌پذیری مناطق محروم‌شده از حیث استحکام خارجی تحت تأثیر قرار می‌دهد. ضمناً نتایج توزیع ناعادلانه منابع مالی با بند یک<sup>۱</sup> سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند سه<sup>۲</sup> آن تناقض آشکار دارد که به ترتیب به ارتقای نقش و درآمد طبقات متوسط و کم‌درآمد و ایجاد بستر رقابتی بین استان‌ها و نواحی مختلف اشاره دارند.

در مورد تمرکز منابع مالی در بخش‌های خاص اقتصادی نیز می‌توان گفت که به‌طور معمول در اقتصادهای در حال توسعه، تفاوت معناداری از جهت معیارهای اصلی سرمایه‌گذاری همچون ریسک و بازدهی بین بخش‌های مختلف اقتصاد وجود دارد و درحالی‌که سودآوری در بخش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت و همراه با انواع ریسک است، بخش‌های تجاری و خدماتی با کمترین ریسک و در کوتاه‌مدت پاسخ می‌دهند. اگر سیاست‌گذاری و به‌دنبال آن نظارت به‌صورت صحیح و اصولی نباشد پس از مدتی منابع مالی از بخش تولید دور شده و به‌سوی بخش‌های خدماتی و تجاری حرکت می‌کنند، در نتیجه بخش اشتغال‌زا و مولد ثروت و درآمد از این منابع مالی محروم می‌ماند. [15] این در حالی است که در یک اقتصاد سالم به هر دو بخش تولید و تجارت (خدمات) باید به‌اندازه مناسب و به مقدار اهمیت و ضرورت هر کدام منابع تخصیص یابد.

---

۱. متن بند یک سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به‌حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط».

۲. متن بند سه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: «محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و بکارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور».

از محورهای توزیع عادلانه منابع مالی می‌توان به احراز ارزش افزوده، توزیع متوازن منابع و ایجاد اشتغال و کارآفرینی اشاره کرد. [15] اصل احراز ارزش افزوده به انجام پروژه‌هایی تأکید دارد که بازده اقتصادی دارند و مانع اجرای پروژه‌ها و طرح‌های بی‌بازده می‌شود. برای تحقق این اصل در ابتدا بانک‌ها باید با نظارت خود تسهیلات تخصیص‌یافته به هر بخش (به‌ویژه بخش تولید) را صرفاً به افراد یا شرکت‌هایی پرداخت کنند که برای پروژه خود توجیه اقتصادی داشته باشند. بانک مرکزی نیز می‌بایست اصول و چارچوب‌ها را مشخص کرده و بر حسن اجرای آن نظارت داشته باشد. اصل توزیع متوازن منابع نیز به توزیع متناسب منابع مالی در بخش‌های تولید، تجارت و خدمات اشاره دارد. در این مورد نیز بانک مرکزی باید با نظارت خود بر سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مانع از اختصاص بیش از حد منابع مالی به بخش‌های غیرواقعی و غیرضروری گردد. بدیهی است که برای برقراری هریک از این محورها و در کل برقراری عدالت در اعطای تسهیلات بانکی نیاز است تا بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر نقش نظارتی خود را به بهترین شکل ایفا کند.

اعطای وام به شرکت‌های تابعه و وابسته توسط بانک‌ها، نیز از جمله پدیده‌هایی است که می‌بایست تحت کنترل سیستم نظارتی قرار گیرد. بانک‌ها اساساً، تمایل فراوانی به صرف سپرده‌ها در امور دارند که ریسک کمتری داشته و از سوددهی بالاتری برخوردار هستند، لذا سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تابعه و نیز اعطای تسهیلات به این شرکت‌ها، برای بانک‌ها توجیه دارد. از طرفی نیز با مشارکت هرچه بیشتر در سرمایه شرکت‌ها، بانک‌ها توان مدیریت و هدایت خود را در آن شرکت‌ها بالاتر برده و علاوه بر سود و اقساط تسهیلات اعطایی، از سود شرکت نیز بهره می‌گیرند. بنابراین بانک‌ها تمایل زیادی به شرکت‌داری به‌صورت مستقیم دارند (به‌طور خاص شرکت‌های زودبازده و پرسود که در بخش خدمات، تجارت و دلالی اقتصاد قرار می‌گیرند). تورم و سود واقعی منفی نیز موجب شده اگر قرار باشد بانک‌ها اقدام به اعطای تسهیلات کنند، شرکت‌های تابعه خود را در اولویت قرار دهند، در این شرایط دادن تسهیلات و خارج کردن منابع مالی از بانک به‌نوعی به ضرر بانک تمام خواهد شد، چراکه در این وضعیت میزان سود دریافتی نخواهد توانست ارزش کاسته‌شده از منابع مالی که ناشی از تورم است را جبران کند. پس بانک ترجیح خواهد داد تا این منابع مالی را به شرکت‌های تابعه خود دهد، تا این منابع داخل سیستم خود بانک باقی بماند. این در حالی است که بخش‌های اساسی و مهم‌تر اقتصاد که برای وضع کلی اقتصاد کشور ضروری‌تر هستند دستشان از این منابع مالی کوتاه مانده و یا آنکه خیلی دیرتر به این منابع دست می‌یابند. مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارش اخیر خود ذیل بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر عدم اجرای کامل بند ۱۱ ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی<sup>۱</sup> صحه گذاشته است و پیشنهاد اصلاحی آن را نیز نظارت بر دارایی‌های بانک‌ها و فعالیت‌های شرکت‌داری مؤسسات اعتباری ذکر کرده است. [16]

۱. بند ۱۱ ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی: «نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، طبق مقررات این قانون» [قانون پولی و بانکی].

#### ۴.۲. کنترل مفساد اقتصادی

فساد مالی استفاده از قدرت و اختیارات عمومی برای به‌دست‌آوردن منافع شخصی است. [17] از مصادیق فساد مالی که با نظام بانکی در ارتباط است می‌توان به رشوه، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، خیانت در امانت، عدم پرداخت بدهی دولت با وجود تمکن مالی، جعل و تزویر، اختلال در نظام اقتصادی کشور، تخریب و ربودن اسناد و مدارک، پول‌شویی، هدایت ناصحیح اقتصاد کشور جهت تأمین منافع شخصی یا گروهی، به‌ثبت‌رساندن شرکت‌های صوری، ثبت غیرواقعی اطلاعات در دفاتر قانونی اشاره داشت. [18] در اینجا صرفاً به برخی از این مصادیق از جمله رشوه، اختلاس، عدم پرداخت بدهی به بانک با وجود تمکن مالی و پول‌شویی اشاره می‌کنیم.

رشوه در هر نهاد یا اداره‌ای امکان تحقق دارد و مختص نظام بانکی نیست، اما به‌دلیل گستردگی و اینکه تقریباً دامنگیر اکثر افرادی می‌شود که در فرایند انجام کار اداریشان به یکی از رشوه‌گیران برخورد می‌کنند مفسده بسیار مهمی است و مبارزه با آن نیز بسیار مشکل. وجود این نوع فساد می‌تواند مانع مهمی در جهت اعطای تسهیلات به افراد متقاضی و کارآفرینان گردد و علاوه بر آنکه نارضایتی مردم را به دنبال داشته باشد از تخصیص منابع مالی به بخش‌های هدف‌گذاری شده و اساسی اقتصاد جلوگیری کند. روشن است که این امر از موانع مهم تحقق اقتصاد مقاومتی است.

اختلاس زمانی رخ می‌دهد که کارمند دولت یا بانک از وجوهی نظیر سپرده یا وجه‌الضمان که به‌طور موقت در اختیار سازمان مذکور قرار گرفته و پس از پایان این مدت باید به صاحب آن بازگردانده شود، بدون رضایت صاحب وجه برداشت یا تصاحب نماید. [18] روشن است که این نوع از فساد منابع مالی را از محل اصلی خود منحرف می‌کند و از آن مهم‌تر موجب بی‌اعتمادی مردم و نارضایتی آن‌ها می‌شود.

یکی دیگر از مفساد مالی عدم پرداخت بدهی با وجود تمکن مالی است که در نظام بانکی در شکل مطالبات معوق نمایان می‌شود. هرچه حجم این نوع مطالبات بیشتر باشد بیانگر تهدید منابع بانکی است. [19] به‌طوری‌که منابع مالی را از دسترسی بانک و به تبع آن بخش‌های ضروری اقتصاد دور نگه خواهد داشت. از راهکارهای مقابله با این امر رتبه‌بندی اعتباری مشتریان و بازنگری در نظام اعطای تسهیلات و نظارت بر طرح‌ها را می‌توان نام برد. [19]

اما دیگر مفسده مالی که کنترل و مبارزه با آن بسیار مهم و دشوار است پول‌شویی می‌باشد. پول‌شویی در واقع پردازش عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه به‌منظور پنهان کردن یا تغییر ظاهر منشأ غیرقانونی آن است. [20] در یک نگاه کلی آثار زیانبار پول‌شویی را می‌توان آلوده‌شدن و بی‌ثباتی بازارهای مالی دانست. البته پیوند نزدیک بین پدیده پول‌شویی و دیگر فعالیت‌های مجرمانه و غیرقانونی و نقش اساسی آن در ترغیب یا تسهیل فعالیت‌های مجرمانه و فراهم کردن امکان تداوم یا حتی تقویت جرایم سازمان‌یافته، ضرورت رویاروی و مبارزه همه‌جانبه با این پدیده را آشکار می‌کند. از اثرات

پول‌شویی می‌تواند به تضعیف بخش خصوصی [8]<sup>۱</sup>، تضعیف یکپارچگی و تمامیت بازارهای مالی<sup>۲</sup> و کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی اشاره کرد. پول‌شویان عواید خود را به بخش‌هایی از اقتصاد هدایت می‌کنند که امکان کشف کمتری داشته باشد نه آنکه بازدهی بالاتری، پس پول‌شویی تأثیر معکوسی بر نرخ ارز و بهره خواهد داشت. به بیان دیگر پول‌شویی خطر بی‌ثباتی ناشی از تخصیص نادرست منابع را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که دولت در دستیابی به اهداف اقتصادی خود از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی احتمالاً با مشکل مواجه می‌شود. علاوه بر این به دلیل آنکه پول‌شویی باعث هدایت وجوه از سرمایه‌گذاری سالم به سرمایه‌گذاری با کیفیت پایین می‌شود، به رشد اقتصادی لطمه وارد می‌کند. [20]

برای مقابله با پول‌شویی بانک مرکزی می‌تواند به فراهم‌آوردن زمینه‌های نهادی لازم جهت اقدامات بانک‌ها برای شناسایی مشتریان و تفکیک آن‌ها بر اساس میزان ریسک هر کدام، وضع مقررات خاص برای محدود کردن مشتریان پرریسک بانکی، انجام اقدامات نظارتی و کنترلی خاص برای مناطق پرخطر مانند مناطق مرزی، شناسایی و کنترل دقیق‌تر خدمات مالی پرریسک از لحاظ پول‌شویی، نظارت بر بانکداری الکترونیک، ملزم کردن بانک‌ها به تجهیز سیستم گزارش‌دهی استاندارد و گزارش موارد مشکوک به بانک مرکزی و ... تمسک جوید. [21]

باید بر این نکته تأکید داشت که مفاسد مالی باعث می‌شوند تا اعتماد مردم در درجه اول نسبت به نظام بانکی و در درجه بعد نظام اقتصادی کاهش یابد و به‌طور کلی رضایت و اعتماد آن‌ها نسبت به دولت و نظام حاکم کاهش یافته و امنیت ملی تحت‌الشعاع قرار بگیرد. وقتی عده‌ای با سوءاستفاده، منابع مالی را به نفع خود مصادره می‌کنند. علاوه بر آنکه بخش تولید از این منابع بی‌نصیب مانده و تخصیص بهینه رخ نمی‌دهد، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری نیز کاهش می‌یابد. درحالی‌که از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، استمرار و پایداری رشد تولید و کارآفرینی و در پی آن افزایش سطح درآمدی اقشار با درآمد پایین و هدایت منابع مالی به سوی بخش‌های اساسی و حیاتی اقتصاد است. اهمیت مبارزه با مفاسد

---

۱. پول‌شویان با هدف پنهان کردن عواید غیرقانونی خود اقدام به تأسیس شرکت‌هایی می‌کنند. به‌طوری‌که در این شرکت‌ها تنها امر مهم حفظ عایدی به‌دست‌آمده از عمل مجرمانه است و درآمدزایی و رقابت برای آن‌ها اهمیتی ندارد. پس گاهی دست به فروش پایین‌تر از قیمت تولید کالاها و خدمات می‌زنند به‌طوری‌که دیگر شرکت‌های حاضر در بازار توان رقابت با آن‌ها را نخواهند داشت و از بازار حذف می‌شوند. در نتیجه ورشکسته‌شدن و حذف سایر شرکت‌ها علاوه بر آنکه بیکاری افزایش می‌یابد، تولید کاهش یافته و تأثیر منفی بر رشد اقتصاد دارد. در نتیجه این امر شرایط رقابت در اقتصاد از بین می‌رود و لذا امکان تحقق شعار مردمی شدن اقتصاد نیز از بین می‌رود.

۲. مؤسسات مالی متکی بر عواید مجرمانه در مدیریت مناسب دارایی‌ها و انجام به‌موقع تعهدات با مشکل روبه‌رو هستند، چراکه امکان دارد به یکباره و بدون اطلاع قبلی به دلیل فرار از مشکلات قانونی، سرمایه و نقدینگی خود را از بازار خارج کرده و موجب بروز مشکلات متعدد برای بازار مالی از جمله ورشکستگی سرمایه‌داران و در نتیجه آن کاهش تولید گردند.

اقتصادی بدان اندازه است که رهبر معظم انقلاب علاوه بر صدور فرمان ۸ ماده‌ای مبنی بر مبارزه با فساد، در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز یک بند (بند ۱۹) را به صورت مستقیم (و چند بند به صورت غیرمستقیم) به مبارزه با مفاسد مالی اختصاص داده‌اند. البته مبارزه با فساد نیاز به یک همکاری جمعی دارد. بانک مرکزی در این میان می‌تواند نقشی محوری را ایفا کند و با کنترل و نظارت همه‌جانبه خود بر بانک‌ها و مؤسسات مالی با بخش بزرگی از مفاسد مالی مبارزه کند.

## ۵.۲. بانکداری الکترونیک

با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و اثرگذاری آن بر تمام ابعاد زندگی بشر، زندگی افراد و جوامع به شدت به این فناوری‌ها وابسته شد، به طوری که امروزه اقتدار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی هر کشور متناسب با میزان تسلط و بهره‌گیری آن کشور از این فناوری است [22] و استفاده از آن در اقتصاد و به خصوص در نظام بانکداری اجتناب‌ناپذیر و در واقع امری ضروری شده است. آنچه که بانکداری الکترونیک را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند روش یا مسیری است که از طریق آن اطلاعات میان خریداران و فروشندگان کالا و یا بین بانک و مشتری پردازش می‌شود. [23] بانکداری الکترونیک می‌تواند با چالش‌هایی از قبیل چالش‌های سامانه‌ای، قانونی و حقوقی، فرهنگی، سازمانی و فرایندی و زیرساختی مواجه باشد. [24] یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به زیرساخت بانکداری الکترونیک را می‌توان حفظ امنیت آن دانست. این نوع بانکداری دسترسی به سیستم‌های درونی بانک‌ها را از طریق شبکه‌های عمومی افزایش می‌دهد و این سیستم‌ها ممکن است که با خطر حمله و ویروس‌ها و هکرها در سطح خرد و یا کلان روبه‌رو باشند. [22] وجود حفره‌های امنیتی در یک مؤسسه پولی و مالی می‌تواند پیامدهای متعددی را به دنبال داشته باشد، از جمله کاهش درآمد و افزایش هزینه، وارد شدن خدشه به شهرت و اعتبار مؤسسه، از دست دادن اطلاعات مهم، اختلال در فرایندهای جاری، پیامدهای قانونی به دلیل عدم ایجاد یک سیستم ایمن و تأثیر جانبی منفی بر فعالیت سایر مؤسسات و سلب اعتماد مشتریان (سپرده‌گذاران) و سرمایه‌گذاران که مهم‌ترین این پیامدها است. [25] با وجود حفره‌های امنیتی، زمینه از دست دادن اطلاعات مهم در نظام بانکی به وجود خواهد آمد. حال اگر این حفره‌های امنیتی کل سیستم بانکی را تحت تأثیر قرار دهد، ممکن است موجب به وجود آمدن بحران‌هایی شود که ثبات کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از این رو است که نظارت بر امنیت سیستم‌های بانکداری الکترونیک می‌بایست همواره مدنظر بانک مرکزی قرار گیرد.

بانک مرکزی باید با نظارت مستمر بر شیوه فعالیت بانک‌ها در عرصه بانکداری الکترونیک و تأکید بر تهیه سیستم‌های امن از تأمین‌کنندگان معتبر و نیز تضمین ایجاد شفافیت اطلاعات بر امنیت و کارایی نظام

بانکداری بیفزاید<sup>۱</sup>. علاوه بر این بانک مرکزی با سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند از بانکداری الکترونیک در جهت اثرگذاری و تنظیم شاخص‌های بازارهای پولی و مالی از قبیل تورم و نرخ سود بانکی استفاده کند.

### ۳. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در متن مقاله اشاره شد در اصلاح و تقویت نظام مالی کشور (با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی) و شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، که به ترتیب در بندهای ۹ و ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بدان‌ها اشاره شده است، امر نظارت جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه لازمه اصلاح و تقویت و در کنار آن حفظ سلامت سیستم مالی، نظارت دقیق و کارآمد می‌باشد. باید توجه داشت که نظام بانکی در ایران اصلی‌ترین منبع تأمین مالی است، فلذا اختلال در آن عواقب منفی متعددی را دربر خواهد داشت. در صورت عدم نظارت بر نظام بانکی، این احتمال وجود دارد که کل اقتصاد دچار تنش شود. به همین جهت یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی وظیفه نظارتی آن است. ابعاد نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- نظارت بر تأمین ثبات مالی اقتصاد و جلوگیری از بحران‌ها و تنش‌های مالی و اقتصادی از طریق بازنگری یا تعریف شاخص‌های کنترل ریسک صنعت بانکداری و رصد مستمر آن‌ها.
- نظارت بر حسن اجرای بانکداری بدون ربا (نظارت بر رعایت قواعد شرعی در هنگام انعقاد و یا اجرای قراردادها).
- نظارت بر اعطا و مصرف تسهیلات جهت جلوگیری از انحراف در مصرف تسهیلات (از جمله استفاده تسهیلات در غیر از بخش‌های مصوب، وام‌دهی بانک‌ها به شرکت‌های تابعه، استفاده از قراردادهای صوری) و تحقق عدالت در اعطای تسهیلات به صورت منطقه‌ای و بخشی (ممانعت از تخصیص منابع مالی به مناطق خاص و نیز بخش‌های غیرمولد زودبازده).

---

۱. البته بانک مرکزی در زمینه امنیت بانکداری الکترونیک اقدامات قابل توجهی انجام داده است. از جمله ایجاد یک شبکه اختصاصی مخابراتی برای بانک‌ها به نام شاب، پیاده‌سازی سیستم مدیریت امنیت اطلاعات (ISMS)، راه‌اندازی مرکز کنترل امنیت شبکه (کاشف)، راه‌اندازی سامانه پیام‌رسانی مالی الکترونیکی (سپام)، ارزیابی امنیتی سامانه‌های عملیاتی به صورت دوره‌ای، ایجاد مرکز داده‌های اینترنتی و سامانه نظارت الکترونیکی بانک‌ها (سناپ)، ایجاد سوئیچ شاپرک برای نظارت دقیق بر عملیات بانکی انجام‌شده از طریق پایانه‌های فروش، ایجاد سوئیچ سپاس برای تراکنش‌های مبتنی بر پرداخت همراه، ایجاد سامانه رصد تراکنش‌ها (سرت)، ایجاد سامانه یکپارچه مانیتورینگ (سیما)، ایجاد سامانه نظارت الکترونیکی کارت‌های بانکی (سناک)، ایجاد نظام مدیریت امضای دیجیتال (نماد)، ایجاد پایگاه جامع اطلاعات هویتی مشتریان (نهاب) و راه‌اندازی سامانه مدیریت اسناد بانک مرکزی (سما). [26] باید توجه داشت که این اقدامات گام‌های مهمی برای تضمین امنیت الکترونیک شبکه بانکی است، اما هنوز اقدامات اساسی می‌بایست در این زمینه انجام شود.

- کنترل مفاسد اقتصادی-بانکی جهت افزایش استحکام اقتصاد از طریق ارتقای سطح اعتماد مردم و افزایش انگیزه مردم برای حضور در اقتصاد.
  - نظارت بر بانکداری الکترونیک جهت تأمین امنیت سیستم‌های الکترونیک بانکداری و حفظ اطلاعات مشتریان بانک.
- بانک مرکزی تاکنون در حوزه‌های فوق اقدامات مؤثر و مفیدی را انجام داده است، اما هنوز برای رسیدن به وضع مطلوب می‌بایست گام‌های اساسی طی شود. با توجه به موارد فوق، انجام اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:
۱. بازنگری و به‌روزرسانی استانداردهای نظارتی در حوزه ریسک و به‌صورت خاص بومی‌سازی استانداردهای کمیته ۲ و ۳ برای نظام بانکی کشور.
  ۲. بازنگری در قانون بانکداری بدون ربا و مقررات مربوطه جهت رفع برخی از ضعف‌های موجود بر سر راه اجرای عقود بانکی.
  ۳. یکپارچه‌سازی سیستم نظارتی بانک مرکزی و کنترل متمرکز متغیرها و نسبت‌های مالی مهم.
  ۴. تعیین بانک‌های تخصصی برای حمایت از بخش‌های مورد تأکید در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
  ۵. زمینه‌سازی برای فعالیت نهادهای مالی مؤثر در بهبود عملکرد بانک‌ها از جمله شرکت‌های مشاوره مالی در حوزه نظارت بر مصرف تسهیلات.
  ۶. نظارت بر اجرای دقیق مقررات موجود در حوزه‌های تخصیص بخشی، رتبه‌بندی مشتریان، ارزیابی اقتصادی پروژه‌های متقاضی تسهیلات و ...
  ۷. تعیین استانداردهای امنیتی در حوزه بانکداری الکترونیک و کنترل سیستم‌های مربوطه در بانک‌ها.
  ۸. اجرای کامل قانون پول شویی و در نظر گرفتن تدابیر لازم برای محدود کردن مشتریان پرریسک بانکی.
  ۹. همکاری نهادهای قضایی و بانک مرکزی جهت کنترل مؤسسات اعتباری بدون مجوز.

## منابع

- [۱] سایت اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- [۲] میرمعزی، سید سعید (۱۳۹۳). «اقتصاد مقاومتی از منظر دین»، *مجله مبلغان*، ۱۷۹.
- [۳] فرجی، شهرزاد (بی‌تا). *تغییر در ساختار نظارت بانکی کشور*. اداره تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه.
- [۴] زارعی، ژاله، و اکبر کمیجانی (۱۳۹۱). «ارزیابی ثبات مالی در ایران با تأکید بر ثبات بانکی»، *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، سال سوم، شماره دهم.
- [۵] ستوده‌نیا، ساسان و فریبا عابدی (۱۳۹۲). «تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در تثبیت مالی ایران»،

- فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ص ۱۱۵-۱۰۳.
- [۶] شایگانی، بیتا، و مصعب عبداللهی آرانی (۱۳۹۰). بررسی ثبات در بخش بانکی اقتصاد ایران. دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، ص ۱۴۷-۱۶۷.
- [۷] بی‌نا، مرتضی (۱۳۹۳). «بحران در کمین بانکداری»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره، ۳۳۴.
- [۸] شهبازی (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی عملکرد بانک‌ها در حمایت از تولید»، مرکز پژوهش‌های مجلس-گروه بازارهای مالی.
- [۹] حسن‌زاده، علی، و پیمان حبیبی (۱۳۸۹). «کالبد شکافی مطالبات معوق و راه‌های پیشگیری آن در سیستم بانکی کشور»، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰، ص ۹۷-۱۰۴.
- [۱۰] عزیزنژاد، صمد، الهه مهرپرور و امین چراغان (۱۳۹۳). «دلایل وصول نشدن مطالبات غیرجاری بانکها». وثائق و تضمینات»، مرکز پژوهش‌های مجلس (دفتر مطالعات اقتصادی)، شماره مسلسل: ۱۳۷۹۷.
- [۱۱] میسمی، حسین، و همکاران (۱۳۹۱). «تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور»، دوفصلنامه مطالعات اقتصادی اسلامی، شماره ۲، ص ۵۳-۹۱.
- [۱۲] ورمزیاری، حجت، خلیل کلانتری و حسین شعبانعلی فمی (۱۳۸۹). «تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی (مورد: شهرستان خوی)»، نشریه پژوهش‌های روستایی، شماره ۳، ص ۸۳-۱۰۸.
- [۱۳] موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲). «انواع بانکهای بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ص ۴۹-۷۸.
- [۱۴] منظور، داوود، امیرمحمد رحیمی و محسن محمدی (۱۳۸۷). «بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع و چالش‌های پیش رو»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران. قابل دسترسی در: [www.ibi.as.ir](http://www.ibi.as.ir)، ص ۴۰۳-۳۸۶.
- [۱۵] موسویان، سیدعباس (۱۳۹۲). شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی. قم، زمزم هدایت.
- [۱۶] روحانی، سیدعلی، و سیداحسان خاندوزی (۱۳۹۳). «درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ارزیابی احکام قانونی مرتبط)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۷۲۲.
- [۱۷] مونتش، موزز (۱۳۹۲). «مفهوم فساد مالی: شکلها، علتها، انواع و پیامدها»، ترجمه: پوریان‌سب، آیدا، مجله حسابداری.
- [۱۸] آقایی، مجید (۱۳۹۱). «علل و زمینه‌های فساد مالی و راهکارهای مبارزه با آن»، قابل دسترسی در:

- [۱۹] شعبانی، احمد، و عبدالحسین جلالی (۱۳۹۰). «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن». فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴، ص ۱۸۱-۱۵۵.
- [۲۰] رهبر، فرهاد، غلامرضا زال‌پور و فضل‌الله میرزاوند (۱۳۸۲). «طرح مطالعاتی مبارزه با جرم پولشویی: تعاریف، مفاهیم، آثار و مستندات جهانی(۱)». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۶۶۹۱.
- [۲۱] کشتکار، مریم (۱۳۹۰). «راهکارهای مبارزه با پولشویی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری»، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲، ص ۱۶۸-۱۶۰.
- [۲۲] نوری، پیمان (۱۳۸۷). «بانکداری الکترونیک در ایران: موانع، مشکلات و چالش‌های پیش رو»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ص ۴۸۸-۴۷۲.
- [۲۳] همتی، عبدالناصر، مهدی قاسمی علی‌آبادی و مهرداد ذاکری (۱۳۹۱). «ارزیابی اثر توسعه بانکداری الکترونیک بر پایه پولی و ضریب فزاینده نقدینگی کشور»، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی، ص ۲۵۰-۲۲۶.
- [۲۴] رسول اف، جلال (۱۳۹۰). «بانکداری الکترونیکی دستاوردها، چالش‌ها و افق آینده»، سخنرانی در همایش بانکداری الکترونیکی و نظام‌های پرداختی.
- [۲۵] دیواندری، علی، کارولوکس، و سمیرا کریمی (۱۳۸۶). «امنیت اطلاعات و استانداردهای آن، رویکردی برای مقابله با مخاطرات در بانکداری و بانکداری الکترونیک»، مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی. مؤسسه عالی بانکداری ایران. قابل دسترسی در: [www.ibi.ac.ir](http://www.ibi.ac.ir)، ص ۳۱۵-۲۹۴.
- [۲۶] سایت بانک مرکزی ج.ا.ا (۱۳۹۲). <http://www.cbi.ir/showitem/۰۹۵۶.aspx>.



# نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران

لاله محمدی\*، محمدرضا ارسلان بد\*\*

## چکیده

بهبود رشد اقتصادی کشور و بخش‌های مختلف آن در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی می‌باشد. با توجه به نقش اساسی بخش کشاورزی در اقتصاد ایران، بررسی عوامل مؤثر بر رشد این بخش و تأثیر این بخش بر رشد عمومی اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین منظور مطالعه حاضر در چارچوب الگوی تحلیل مسیر انجام گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش خدمات، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی، سرمایه‌گذاری دولت در کشاورزی، ارزش افزوده بخش نفت و گسترش فناوری دارای اثر مثبت و معنی‌دار، و رابطه مبادله یا نسبت شاخص قیمت محصولات کشاورزی به شاخص قیمت کل اثر منفی و معنی‌دار بر ارزش افزوده بخش کشاورزی داشته است. همچنین ارزش افزوده بخش کشاورزی دارای بیشترین اثر مثبت بر ارزش افزوده کل بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اقتصادی، رشد بخش کشاورزی، ایران

## مقدمه

کشاورزی در ایران بزرگ‌ترین بخش اقتصادی پس از بخش خدمات است که حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی و سهم عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محل اشتغال بخش وسیعی از جمعیت کشور است. بدین ترتیب رشد این بخش تا حدود زیادی تعیین‌کننده رشد اقتصادی کشور است. تحقیق حاضر درصدد است در چارچوب روش تحلیل مسیر، عوامل مؤثر بر رشد بخش کشاورزی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران را بررسی و ارزیابی کند. به این منظور ابتدا مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در این زمینه به‌طور خلاصه مرور می‌شود، آن‌گاه چارچوب نظری روش تحلیل مسیر (که الگویی بدیع برای چنین مطالعه‌ای است) تشریح می‌گردد و در نهایت نتایج حاصل از مطالعه ارائه و تفسیر می‌شود.

---

\*دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، مؤسسه آموزش عالی صبا ارومیه.

lalehmohammadi0@gmail.com

\*\*دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه، M\_arsalanbod@yahoo.com

### پیشینه تحقیق

یکی از عوامل مؤثر بر رشد بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری است. چارچوب نظری مورد استفاده برای بررسی سرمایه‌گذاری اغلب بر مدل‌های شتاب انعطاف‌پذیر استوار است که توسط چنری (۱۹۵۲، Chenery) و کویک (۱۹۵۴، Koyck) معرفی شد. جورگنسون مدل‌های نئوکلاسیک تحلیل رفتار سرمایه‌گذاری را براساس همین نظریه شتاب انعطاف‌پذیر بنیان نهاد. (Jorgenson, ۱۹۶۳ & ۱۹۷۱) این مدل‌ها در زمینه کشاورزی نیز به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفتند. فیشر و واگ برای کشاورزی استرالیا، هروبوک و بلانس، واسادا و چمبرز برای کشاورزی ایالات متحد آمریکا این مدل‌ها را به‌کار گرفتند.

مدل‌های یادشده در مورد کشورهای در حال توسعه نیز به‌کار گرفته شده است. گاندی در همین چارچوب، مدل پیشینه‌ساز ارزش خالص کنونی را برای بررسی رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی هند به‌کار گرفت و سطوح بهینه موجودی سرمایه را مشخص کرد. مطالعه آخر او نشان داد که پس‌انداز روستایی، اعتبارات تعاونی، استفاده از واریته‌های پرمحصول و دستمزدهای کشاورزی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری خصوصی در هند به‌شمار می‌آیند. (Gandhi, ۱۹۹۰ & ۱۹۹۶) در این زمینه در داخل کشور نیز مطالعاتی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال امینی و فلیچی وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند. آن‌ها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را شامل درآمدهای نفتی، اعتبارات اعطایی بانک‌ها، شاخص قیمت نسبی محصولات کشاورزی و موجودی سرمایه در دوره قبل می‌دانند. (امینی و فلیچی، ۱۳۷۷)

هژبر کیانی و علیزاده عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در کشاورزی ایران برای یک دوره بیست‌ساله بررسی کردند. در این مطالعه مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی، شاخص بهای محصولات کشاورزی، ارزش افزوده بخش کشاورزی، موجودی سرمایه دولت در بخش کشاورزی و اعتبارات جاری و سرمایه‌ای اعطایی بانک کشاورزی در نظر گرفته شده است. بررسی آن‌ها نشان داد که در میان متغیرهای یادشده، موجودی سرمایه دولتی و اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی از تأثیر بیشتری برخوردار است. (هژبر کیانی و علیزاده، ۱۳۷۹)

در مورد مدل‌سازی رابطه رشد اقتصادی و عوامل تعیین‌کننده آن نیز مطالعات زیادی صورت گرفته است. اولین مدل ساده رشد به دومار و هارود نسبت داده می‌شود که در آن اساسی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد، سرمایه‌گذاری و رشد نیروی کار در نظر گرفته می‌شود. (Domar, ۱۹۴۷; Harrod, ۱۹۵۹) رابطه بین رشد محصول و موجودی سرمایه و نیروی کار از یک تابع تولید کل با ضرایب ثابت استخراج می‌شود. به‌عبارت‌دیگر در این مدل امکان جایگزینی عوامل در نظر گرفته نمی‌شود.

سولو انعطاف‌ناپذیری مدل فوق را با کاربرد یک تابع تولید کل با قابلیت جانشینی عوامل برطرف

کرد. (Solow, ۱۹۵۷) مدل رشد سولو بعدها پایه‌ای برای سایر مطالعات شد. مهم‌ترین خصوصیات مدل سولو عبارت است از: لحاظ کردن یک تابع تولید کل با قابلیت جانشینی سرمایه و نیروی کار، بازدهی ثابت نسبت به مقیاس و بازدهی نهایی نزولی. مدل نئوکلاسیک سولو تا همین اواخر اساس بسیاری از مطالعات مربوط به رشد اقتصادی را تشکیل می‌داد. منکیو و همکاران و نانمن و وانهدوت<sup>۱</sup> تأیید کردند که مدل رشد نئوکلاسیک به خوبی قادر به توضیح رشد درآمد سرانه در کشورهای مختلف است.

در مورد نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی نیز مطالعات زیادی صورت گرفته است. از جمله کوزنتس مدل ساده‌ای را برای تعیین سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی طراحی کرد. (Kuznets, ۱۹۶۴) گاتا کو اینجرسانت براساس مدل سولو نشان دادند که سهم بخش کشاورزی در جریان توسعه، کاهنده و در مراحل پایانی توسعه کوچک است. نسبت تغییرات تولید ناخالص بخش غیرکشاورزی به بخش کشاورزی به درجه توسعه یافتگی هر کشور ارتباط دارد و در کشورهای توسعه یافته بزرگ‌تر است. و سرانجام نرخ رشد بخش غیرکشاورزی بزرگ‌تر از نرخ رشد بخش کشاورزی است. (Ingersant, & Ghatak ۱۹۸۴)

ارچنگ با ارزیابی رابطه میان بخش کشاورزی و کل اقتصاد به این نتیجه می‌رسد که رشد بخش کشاورزی از طریق تأثیرگذاری بر بهره‌وری عامل کل (TFP) سهم چشمگیری در رشد اقتصاد دارد. (Erh-Cheng, ۱۹۸۸) استیون برای بررسی تأثیر رشد بخش کشاورزی بر رشد سایر بخش‌های اقتصادی، یک مدل شبیه‌سازی عددی چهاربخشی را برای اقتصاد اتیوپی طراحی کرد. بخش‌های منظور شده در مدل وی عبارت است از: کشاورزی، خدمات، صنعت سنتی و صنعت مدرن. استیون با تخمین مدل، ضرایب رشد کلان را توسط شوک درآمد بر کشاورزی، خدمات، صنعت سنتی و صنعت مدرن محاسبه کرد. نتایج مطالعه او نشان داد که بخش کشاورزی بعد از بخش خدمات بزرگ‌ترین ضریب رشد را داراست. (Steven, ۱۹۹۹)

در مورد ایران، فتحی براساس فرمول کوزنتس نقش بخش کشاورزی را در تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۹-۱۳۵۳ بررسی کرد. براساس نتایج مطالعه او، برخلاف روال معمول، سهم بخش کشاورزی افزایش و سهم بخش غیرکشاورزی کاهش داشته و رشد بخش کشاورزی از رشد بخش غیرکشاورزی بزرگ‌تر بوده است. (فتحی، ۱۳۷۲) صمدی نیز افزایش نقش بخش کشاورزی را در رشد اقتصادی ایران تأیید کرد. (صمدی، ۱۳۷۸)

### مبانی نظری و روش تحقیق

در مطالعه حاضر از تکنیک آماری تحلیل مسیر برای بررسی اثر عوامل مختلف بر روی ارزش افزوده

۱. مشخصات این مأخذ در منابع پایانی آمده است.

بخش کشاورزی و نقش این متغیر در شکل‌گیری ارزش افزوده کل اقتصاد استفاده شده است. روش تحلیل مسیر برای نخستین بار توسط رایت (Wright, ۱۹۳۴) معرفی شد، اما تنها بعد از مطالعه دانکن (Duncan, ۱۹۶۱) در سطح وسیع در علوم انسانی، به خصوص در جامعه‌شناسی کاربرد پیدا کرد. تحلیل مسیر، تکنیکی چندمتغیره است که با استفاده از آن پارامترهای ساختاری مدل- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل یک مجموعه متغیر بر همدیگر به نحوی که یک ارتباط ساختاری مبتنی بر تئوری از قبل میان آن‌ها مشخص شده باشد برآورد می‌شود. معمولاً ارتباط ساختاری از قبل تعیین شده میان متغیرها در نموداری به نام نمودار مسیر نشان داده می‌شود. در صورتی که فرضیات مربوط برآورده شود، پارامترهای مدل توسط روش برآورد حداقل مربعات معمولی (OLS) قابل محاسبه است. روش‌های برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و حداکثر راست‌نمایی (ML) نسبت به روش حداقل مربعات معمولی با فرضیات ضعیف‌تری نیز پارامترها را برآورد می‌کنند.

چنانکه اشاره شد، برای نمایش گرافیکی ساختار از پیش فرض شده میان متغیرها از نمودار مسیر استفاده می‌شود. در نمودار مسیر برای هر دو متغیر موجود در مدل، مثلاً  $X$  و  $Y$ ، رابطه‌های اساسی زیر قابل تصور است:

۱.  $X \rightleftarrows Y$  به این معنا که متغیر  $X$  ممکن است به صورت ساختاری متغیر  $Y$  را تحت تأثیر قرار دهد، اما عکس آن صادق نیست.
۲.  $X \rightarrow Y$  به این معنا که متغیر  $X$  ممکن است به صورت ساختاری متغیر  $Y$  را تحت تأثیر قرار دهد، و  $Y$  نیز می‌تواند متقابلاً به صورت ساختاری  $X$  را تحت تأثیر قرار دهد.
۳.  $X \curvearrowright Y$  به این معنا که هیچ‌گونه ارتباط ساختاری میان  $X$  و  $Y$  وجود ندارد، اما دو متغیر ممکن است تغییرات همزمان داشته باشند.

علاوه بر این، پیکان‌هایی از خارج نمودار مسیر به متغیرهای درون‌زا وصل می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر عوامل اندازه‌گیری نشده یا جملات خطاست. یک مدل تحلیل مسیر مشابه یک سیستم معادلات همزمان در فرم ساختاری آن است که در فرم ماتریسی- با لحاظ متغیرها به صورت انحراف از میانگین- می‌توان بدین صورت آن را نوشت:

$$Y = BY + \Gamma X + \zeta$$

در مدل تحلیل مسیر می‌توان از طریق تجزیه کوواریانس، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلرا تفکیک و محاسبه کرد. تعریف محاسباتی اثرات مستقیم و غیرمستقیم یک متغیر مستقل بر روی یک متغیر وابسته در مدل معادلات ساختاری عمومی بر پایه این واقعیت استوار است که کوواریانس بین دو متغیر را می‌توان به طور کامل تجزیه کرد و به صورت توابعی از پارامترهای برآوردی مدل نوشت. برای این کار از قانون اول تحلیل مسیر استفاده می‌شود (Kenny, ۱۹۷۹):

$$\sigma_{YX} = \sum P_{yq} \sigma_{qx}$$

که در آن  $q$  اندیس نشان‌دهنده متغیرها (شامل اجزای اختلالی‌ای) است که در نمودار تحلیل مسیر به صورت مستقیم به متغیر  $Y$  وصل می‌شوند، و  $p_{\gamma}q$  ضریب مسیر متغیر  $q$  به متغیر  $Y$  را نشان می‌دهد.

قانون اول تحلیل مسیر در واقع بیان می‌دارد که کوواریانس بین دو متغیر می‌تواند به مجموع حاصل ضرب ضرایب ساختاری متغیرهایی که به صورت مستقیم به متغیر  $Y$  در نمودار مسیر راه دارند و نیز کوواریانس این متغیرها با متغیر برون‌زای  $X$  تجزیه شود.

معادلات ساختاری مدل مورد استفاده به صورت زیر است:

$$TVA = \beta_{11}TVA + \beta_{12}AVA + \beta_{13}SVA + \beta_{14}IVA + \beta_{15}PIN + \gamma_{11}OVA + \gamma_{12}NAO +$$

$$\gamma_{13}GINA + \gamma_{14}LA + \gamma_{15}CRA + \gamma_{16}TOT + \gamma_{17}TEI$$

$$AVA = \beta_{21}TVA + \beta_{22}AVA + \beta_{23}SVA + \beta_{24}IVA + \beta_{25}PIN + \gamma_{21}OVA + \gamma_{22}NAO +$$

$$\gamma_{23}GINA + \gamma_{24}LA + \gamma_{25}CRA + \gamma_{26}TOT + \gamma_{27}TEI$$

$$SVA = \beta_{31}TVA + \beta_{32}AVA + \beta_{33}SVA + \beta_{34}IVA + \beta_{35}PIN + \gamma_{31}OVA + \gamma_{32}NAO +$$

$$\gamma_{33}GINA + \gamma_{34}LA + \gamma_{35}CRA + \gamma_{36}TOT + \gamma_{37}TEI$$

$$IVA = \beta_{41}TVA + \beta_{42}AVA + \beta_{43}SVA + \beta_{44}IVA + \beta_{45}PIN + \gamma_{41}OVA + \gamma_{42}NAO +$$

$$\gamma_{43}GINA + \gamma_{44}LA + \gamma_{45}CRA + \gamma_{46}TOT + \gamma_{47}TEI$$

$$PIN = \beta_{51}TVA + \beta_{52}AVA + \beta_{53}SVA + \beta_{54}IVA + \beta_{55}PIN + \gamma_{51}OVA + \gamma_{52}NAO +$$

$$\gamma_{53}GINA + \gamma_{54}LA + \gamma_{55}CRA + \gamma_{56}TOT + \gamma_{57}TEI$$

در معادلات بالا  $TVA$  ارزش افزوده کل اقتصاد،  $AVA$  ارزش افزوده بخش کشاورزی،  $SVA$  ارزش افزوده بخش خدمات،  $IVA$  ارزش افزوده بخش صنعت،  $PIN$  سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی،  $OVA$  ارزش افزوده بخش نفت،  $NAO$  تشکیل سرمایه غیرکشاورزی و نفت،  $GINA$  سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی،  $LA$  تعداد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی،  $CRA$  اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی،  $TOT$  رابطه مبادله بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی و  $TEI$  شاخص سطح فناوری (که در این مطالعه معادل بهره‌وری کل نیروی کار فرض شده است) نرم‌افزارهای تخصصی مدل‌سازی معادلات ساختاری نظیر LISREL و EQS الگوریتم ماتریسی لازم را برای برآورد پارامترهای مدل با روش حداکثر راست‌نمایی و تجزیه کوواریانس متغیرها به منظور محاسبه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل فراهم می‌سازند. در این مطالعه از نرم‌افزار LISREL (۱۹۹۶) (Mueler, برای برآورد استفاده شده است.

### آمار و اطلاعات مورد استفاده

بخشی از آمار و اطلاعات لازم برای این مطالعه شامل سری زمانی‌های مربوط به ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی و ارزش افزوده کل، سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی، اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی، رابطه مبادله بخش کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی و تشکیل سرمایه غیرکشاورزی و نفت از طریق سالنامه‌های آماری، حساب‌های ملی، گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی برای سال‌های مختلف و همچنین مجموعه آمارهای سری زمانی سازمان برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه‌ریزی) به دست آمد. در مورد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی، آمار مشخصی در کشور جمع‌آوری و ثبت نشده است. علی‌زاده میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی ایران را با استفاده از شاخص‌های مرتبط برای دوره ۷۳-۱۳۵۰ برآورد کرد. (علی‌زاده، ۱۳۷۸) در این مطالعه از برآورد علی‌زاده، در دوره یاد شده، به‌عنوان شاخص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی استفاده شده است. برای بقیه سال‌ها، سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی معادل تفاضل سرمایه‌گذاری کل و سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی در نظر گرفته شد. از بهره‌وری عامل کل (TFP) نیز به‌عنوان شاخص سطح فناوری در بخش کشاورزی استفاده گردید. برای محاسبه بهره‌وری عامل کل مطابق روش سارجنت و رودریگوز (Sargent & Rodrigues, ۲۰۰۱)، یک تابع تولید با دو نهاده سرمایه و نیروی کار برای بخش کشاورزی ایران به فرم  $Y = AK^a L^{1-a}$ ،  $0 < a < 1$  برآورد شد، آن‌گاه بهره‌وری عامل کل به‌عنوان شاخص فناوری از رابطه:  $dLn(TFP) = dLn(LP) - \hat{a}dLn(k)$  به دست آمد. در این رابطه  $dLn$  نشان‌دهنده رشد متغیر، LP بهره‌وری نیروی کار،  $\hat{a}$  ضریب موجودی سرمایه در تابع تولید و k نسبت سرمایه به محصول است. دوره زمانی مطالعه ۷۷-۱۳۳۸ است.

### نتایج و بحث

ابتدا به‌منظور اطمینان از کاذب‌نبودن روابط آماری برآوردشده، آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته برای سنجش مانایی متغیرهای مدل صورت گرفت که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته برای متغیرهای مدل

سطح معنی‌داری		آماره Mckinnon	متغیر
۱۰٪	۵٪		
-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۲/۳۶	TVA
-۲/۶۰	-۲/۹۳	-۴/۸۶	D(TVA)
-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۳/۷۷	AVA
-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۲/۴۵	IVA

ادامهٔ جدول ۱.

سطح معنی داری		آماره Mckinnon	متغیر
%۱۰	%۵		
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۶۳	D(IVA)
-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۲/۲۱	SVA
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۷۵	D(SVA)
-۲/۶۲	-۲/۹۷	-۲	OVA
-۱/۶۴	-۱/۹۵	-۲/۸۰	D(OVA)
-۲/۶۲	-۲/۹۷	-۲/۴۳	PIN
-۱/۶۲	-۱/۹۷	-۲/۷۷	D(PIN)
-۲/۶۲	-۲/۹۲	-۱/۸۴	GINA
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۲۰	D(GINA)
-۲/۶۲	-۲/۹۷	-۲/۲۷	NAO
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۳۷	D(NAO)
-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۱/۳۲	LA
-۲/۶۱	-۲/۹۲	-۲/۸۴	D(LA)
-۲/۶۱	-۲/۹۵	-۲/۶۸	CRA
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۶۶	TOT
-۲/۶۲	-۲/۹۳	-۲/۴۰	TEI
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۳۲	D(TEI)

مأخذ: محاسبات تحقیق

چنانکه ملاحظه می شود اکثر متغیرها (۱) و بعضی دیگر (۰) هستند. بنابراین، انجام آزمون هم‌جمعی نیز ضرورت پیدا می کند. بدین منظور آزمون انگل گرنجر بر روی جملات خطای معادلات انجام شد که در جدول ۲ نشان داده شده است. با توجه به مانابودن جملات خطای معادلات می توان نتیجه گرفت که متغیرها هم‌جمع هستند. به عبارت دیگر به خوبی همدیگر را دنبال می کنند و احتمال وجود رابطهٔ کاذب منتفی است.

جدول ۲. آزمون انگل گرنجر برای جملات خطا

سطح معنی داری		آماره Mckinnon	جملهٔ خطا
%۱۰	%۵		
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۴۶	معادلهٔ اول
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۷۴	معادلهٔ دوم
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۲۰	معادلهٔ سوم
-۱/۶۲	-۱/۹۵	۳	معادلهٔ چهارم
-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۵۰	معادلهٔ پنجم

مأخذ: محاسبات تحقیق

طی چهار دهه گذشته بخش‌های اقتصادی مختلف در ایران با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و به‌استثنای چند سال که در اثر شوک‌های شدید انقلاب و جنگ رشد منفی داشته‌اند، کمابیش دارای روند رو به رشد بوده‌اند. تا قبل از انقلاب اسلامی به‌طور کلی رشد بخش کشاورزی محدودتر از رشد کلان اقتصاد بوده، اما بعد از انقلاب در بیشتر سال‌ها رشد آن از رشد کلان بیشتر بوده است. این روند می‌تواند به مشکلات ناخواسته اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی و خسارات جنگ مربوط باشد که به‌طور طبیعی بیشتر گریبان‌گیر بخش‌های غیرسنتی، که وابستگی بیشتری به واردات کالاهای سرمایه‌ای از خارج از کشور داشتند بود. بخش کشاورزی با توجه به ماهیت سنتی خود و وابستگی کمتر به خارج از کشور، تأثیر کمتری از این مشکلات پذیرفت.

طی چهار دهه گذشته فرایند رشد اقتصادی به‌طور اعم و رشد بخش کشاورزی به‌طور اخص در ایران روند متلاطمی داشته، ولی برآیند آن در مجموع رو به رشد بوده است. در این باره مطالعه حاضر در پی یافتن جوابی کمی و مبتنی بر نظریه‌های رشد اقتصادی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل مسیر است. نتایج برآورد پارامترهای مدل ساختاری در جدول ۳ ارائه شده است.

معادله اول این جدول مربوط به متغیر ارزش افزوده کل است. چنانکه ملاحظه می‌شود، ارزش افزوده بخش کشاورزی بیشترین تأثیر مثبت را بر ارزش افزوده کل داشته است. این موضوع با توجه به شرایط خاصی که در بیشتر سال‌های دوره مورد بررسی بر اقتصاد ایران حاکم بوده مورد انتظار است، اما به هیچ عنوان پدیده مثبتی از لحاظ نظریه اقتصاد رشد به حساب نمی‌آید، زیرا در شرایط نرمال اقتصادی، با وجود تأثیر مثبت و مساعدت شایان توجه بخش کشاورزی به رشد عمومی اقتصاد، رفته‌رفته از سهم و تأثیر آن کاسته می‌شود و به‌طور طبیعی نقش بخش پیشرو را به سایر بخش‌های اقتصادی واگذار می‌کند. بخش خدمات نیز دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر ارزش افزوده کل بوده است. تأثیر بخش صنعت بر ارزش افزوده کل با اینکه مثبت بوده، ولی از نظر آماری معنی‌دار نیست. عامل مؤثر و معنی‌دار دیگر بر ارزش افزوده کل، تشکیل سرمایه غیرکشاورزی و نفت است. این عامل در واقع به‌عنوان شاخص سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرکشاورزی لحاظ شده و چنانکه انتظار می‌رفت، دارای اثر مثبت بوده است. در مورد معادله ارزش افزوده کشاورزی، به‌غیر از ارزش افزوده بخش صنعت و اعتبارات اعطایی به کشاورزی و نیز تعداد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی، سایر متغیرها اثر معنی‌دار بر آن داشته‌اند. در این میان تنها عاملی که دارای تأثیر منفی بوده، متغیر رابطه مبادله یا نسبت قیمت محصولات کشاورزی به شاخص قیمت کل است. به‌عبارت‌دیگر قیمت محصولات کشاورزی نسبت به سطح عمومی قیمت‌ها افزایش کمتری داشته است. این موضوع نشان‌دهنده توجه دولت به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های زیربنایی بخش کشاورزی است.

در مدل تحلیل مسیر علاوه بر تحلیل ضرایب هر معادله می‌توان اثر متغیرهای موجود در سایر

معادلات را نیز بر متغیر وابسته- در صورتی که رابطه ساختاری در نمودار مسیر مشخص شده باشد - محاسبه کرد. در جدول ۴ ضریب اثرات غیرمستقیم متغیرهای برونزای مدل محاسبه و در کنار اثرات مستقیم و کل نشان داده شده است.

به‌عنوان مثال، با اینکه متغیر اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی مستقیماً بر ارزش افزوده کشاورزی اثر معنی‌دار نداشته، ولی با توجه به اثر معنی‌دار آن بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر ارزش افزوده کشاورزی، می‌توان گفت اثر غیرمستقیم این اعتبارات (۰/۱۲۱۲) بر ارزش افزوده کشاورزی از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است.

**جدول ۳.** برآورد پارامترهای مدل ساختاری نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران

متغیرهای برونزای مدل						متغیرهای درونزای مدل					متغیر
TEI	TOT	CRA	GINA	NAO	OVA	PINA	IVA	SVA	AVA	TVA	معادله
-	-	-	-	۱,۰۱۷۲ (۰,۱۴۰۸) ۷,۲۲۶۵	۰,۰۶۴۵ (۰,۰۵۵۴) ۱,۱۸۶۳	-	۰,۰۱۱۹ (۰,۰۴۸۵) ۰,۴۰۹۲	۰,۸۲۹۷ (۰,۱۱۰) ۷,۴۷۵۰	۲,۷۱۷۸ (۰,۱۶۲۸) ۱۶,۶۹۶۲	-	TVA
۰,۲۱۱۷ (۰,۰۱۹۵)	-۰,۷۰۱۳ (۰,۰۵۸۵)	۰,۰۱۱۶ (۰,۰۵۷۶)	۰,۱۸۴۲ (۰,۰۱۸۳)	-	۰,۰۴۷۹ (۰,۰۱۷۰)	۰,۰۹۲۷ (۰,۰۱۳۰)	۰,۰۱۰۱ (۰,۱۴۹)	۰,۲۲۳۷ (۰,۰۲۹۶)	-	-	AVA
۱۰,۸۸۴۲	-۱۱,۹۸۴۲	۰,۲۰۱۲	۱۰,۰۳۷۲	۰,۸۳۷۵ (۰,۰۷۰۳) ۱۱,۹۲۰۹	۰,۰۹۹۹ (۰,۰۷۰۳) ۱,۴۲۰۸	-	-	-	-	-	SVA
-	-	-	-	۰,۱۵۰۹ (۰,۱۴۴۲) ۱,۰۴۶۲	۰,۱۰۲۵ (۰,۰۴۴۴) ۲,۳۰۸۵	-	-	-	-	-	IVA
۰,۳۱۱۰ (۰,۱۲۵۶)	-۰,۸۵۶۰ (۰,۵۹۴۲)	۱,۳۰۸۲ (۰,۶۰۳۴)	۰,۷۱۴۳ (۰,۱۳۷۸)	-	-	-	-	-	-	-	PINA
۲,۴۷۶۸	-۱,۴۴۰۶	۲,۱۶۸۱	۵,۱۸۳۵								

مأخذ: محاسبات تحقیق - تذکر: اعداد داخل پرانتز انحراف معیار و اعداد زیر آن‌ها مقدار آماره t است.

**جدول ۴. ضرایب اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای برون‌زای مدل بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و ارزش افزوده کل**

تشکیل سرمایه غیرکشاورزی و نفت	ارزش افزوده بخش نفت	اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی	رابطه مبادله بخش کشاورزی	سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی	سطح فناوری در بخش کشاورزی		
						اثرات: مستقیم	ارزش افزوده کشاورزی
-	۰,۰۴۷۹	۰,۰۱۱۶	-۰,۷۰۱۳	۰,۱۸۴۲	۰,۲۱۱۷	غیرمستقیم	
-	-	۰,۱۲۱۲	-۰,۰۷۹۳	۰,۰۶۶۲	۰,۰۲۸۸	کل	
-	۰,۰۴۷۹	۰,۱۳۲۸	-۰,۷۸۰۶	۰,۲۵۰۴	۰,۲۴۰۵		
						اثرات: مستقیم	ارزش افزوده کل
۱,۰۱۷۲	۰,۰۶۴۵	-	-	-	-	غیرمستقیم	
۰,۶۹۷۸	۰,۲۱۵۱	۰,۳۶۰۹	-۲,۱۲۱۵	۰,۶۸۰۵	۰,۶۵۳۵	کل	
۱,۷۱۵۰	۰,۲۷۹۶	۰,۳۶۰۹	-۲,۱۲۱۵	۰,۶۸۰۵	۰,۶۵۳۵		

مأخذ: محاسبات تحقیق

**پیشنهادها**

- نتایج مطالعه حاضر نشان داد که رشد بخش کشاورزی به‌طور نسبی کمتر تحت تأثیر شوک‌های بیرونی قرار می‌گیرد و از پایداری بیشتری برخوردار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های توسعه اقتصادی این نکته در قالب توسعه پایدار بخش کشاورزی در نظر گرفته شود.
- رابطه مبادله یا نسبت قیمت محصولات کشاورزی به شاخص قیمت کل، دارای تأثیر منفی بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی بوده است. بنابراین در مورد قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی باید محدودیت‌های کمتری تحمیل شود و شرایطی فراهم آید که نیروهای بازار تعیین‌کننده قیمت واقعی محصولات باشند.
- با وجود اینکه در شرایط بحرانی سه دهه گذشته اقتصاد ایران، بخش کشاورزی توانسته است نقش مهمی در رشد اقتصادی ایران بازی کند، اما در مجموع این رشد جوابگوی نیازهای کشور در تأمین اشتغال و افزایش درآمد سرانه نبوده است. بنابراین در کنار استفاده از تمام ظرفیت‌های بخش کشاورزی لازم است نقش پیشرو در پاسخگویی به نیازهای فزاینده کشور را برای بخش صنعت محفوظ داشت.

**منابع**

- امینی، علیرضا، و نعمت فلیحی (۱۳۷۷). «بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران»، مجله برنامه و بودجه، ۳۳، ص ۹۵-۱۱۹.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (سال‌های مختلف).  
 سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶). مجموعه آمارهای سری زمانی.  
 صمدی، عباس (۱۳۷۸). «ارزیابی میزان مشارکت بخش کشاورزی در فرایند رشد اقتصادی ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۶، ص ۱۹۸-۱۶۹.  
 علیزاده جانویسلو، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی رفتار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.  
 فتحی، فاطمه (۱۳۷۲). «نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور»، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران، مرکز نشر دانشگاه شیراز.  
 مرکز آمار ایران، (سال‌های مختلف)، سالنامه آماری.  
 هژبر کیانی، کامبیز، محمدرضا، علیزاده جانویسلو (۱۳۷۹). «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی ایران با استفاده از روش حداقل مربعات غیرخطی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۹، ص ۷۴-۴۵.

- Chenery, H.B. (1952), Over capacity and the acceleration principle, *Econometrica*, 20: 1-28.
- Domar, E.D. (1947), Expansion and employment, *American Economic Review*, 1: 145-160.
- Duncan, O.D. (1961), Path analysis: Sociological examples, *American Journal of Sociology*, 72: 1-16.
- Erh-Cheng H. (1988), The contribution of agriculture to economic growth: Some empirical evidence, *World Development*, 16: 1329-1339.
- Gandhi, V.P. (1990), Investment behavior in developing countries: The case of agriculture in India, *Food Research Institute Studies*, 22: 85-106.
- Harrod, R.F. (1959), Domar and dynamic economics, *Economic Journal*, 49: 154-165.
- Kenny, D.A. (1979), Correlation causation, John Wiley & Sons, New York.
- Mankiw, G., D. Romer and D. Weil (1992), A contribution to the empirics of economic growth, *Quarterly Journal of Economics*, 107: 407-437.
- Mueller, R.O. (1996), Basic principle of structural equation modeling: An introduction to LISREL and EQS, Springer-Verlag, New York.

